# Farhangi Rişehaye Hend Ve Urupayiye Zabani Farsi

فرهنگ
ریشه‌های
هند و اروپایی
زبان فارسی

تالیف دکتر منوچهر آریانپور کاشانی

# Farscanın Sanskrit Köklü Sözlüyü

Ariyanpur

Fars-Ebced-Latin

# پیش گفتار

هدف این کتاب نشان دادن ریشه‌ی هند و اروپایی واژه‌های فارسی ناب است. این هدف موجب ویژگی‌های زیر شده است:

۱- هیچ واژه‌ی فارسی که ریشه‌ی هند و اروپایی آن ناشناخته است آورده نشده است. صدها واژه‌ی فارسی وجود دارد که ریشه‌یابی آنها تا حد پهلوی و اوستایی و حتی پارسی‌باستان پیگیری شده است ولی ریشه‌ی هند و اروپایی آنها شناخته نیست. ممکن است برخی از آنها هند و اروپایی و بسیاری از آنها غیر هند و اروپایی باشند. بهمین دلیل از آوردن اینگونه واژه‌ها خودداری کرده‌ام.

۲- کوشش کرده‌ام که پیگیری واژه‌های فارسی را در این مسیر انجام دهم: فارسی ← پهلوی ← اوستایی ← پارسی‌باستان ← هند و اروپایی. ولی به دلائلی که در دیباچه آمده همیشه نتوانسته‌ام شاهد اوستایی یا پارسی‌باستان (وگهگان حتی شاهد پهلوی) واژه را ارائه دهم.

۳- هرجا که توانسته‌ام واژه‌های همریشه‌ی کردی و بلوچی و افغانی و اوستی و سغدی و ختنی را نیز آورده‌ام تا خویشی زبان‌های ایرانی امروز و رابطه‌ی آنها با پهلوی و اوستایی و پارسی‌باستان و هند و اروپایی آشکارتر گردد.

۴- برای نشان دادن خویشی زبان‌های هند و اروپایی و ریشه گیری آنها از یک سرچشمه‌ی مشترک، واژه‌های همریشه در زبان‌های سانسکریت و ارمنی و یونانی و لاتین و آلمانی و انگلیسی و روسی و غیره را نیز ارائه داده‌ام. هر آینه، این واژه‌ها (با وجود همریشه بودن) همیشه هم معنی نیستند.

۵- هرجا در درستی ریشه‌یابی‌ها شک داشته‌ام، با آوردن واژه‌ی "شاید" به خواننده هشدار داده‌ام.

۶- بسیاری از ریشه‌یابی‌های موجود در این کتاب متکی به پژوهش‌های دانشمندان پیشین (به ویژه J.POKORNY و محمد معین) است. ولی شمار واژه‌هایی که توسط خودم پیگری و برای نخستین بار ارائه شده است نیز کم نیست. مسئولیت درستی اینگونه واژه‌ها و به طور کلی همه مطالب این کتاب را بعهده می‌گیرم.

امیدوارم که این کتاب دوست‌داران زبان پارسی و زبانشناسی را خوش آید.

منوچهر آریان‌پور کاشانی

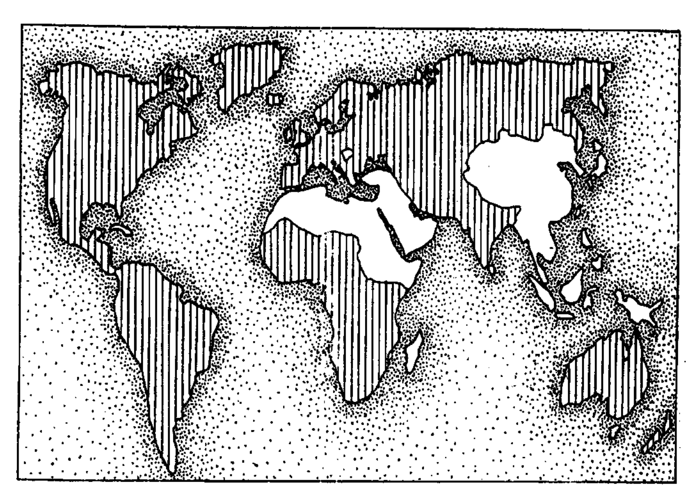
با سپاس از

دکتر ایرج آریان‌پور کاشانی (بازخوانی متن)

مهندس حسین فلاح (بازخوانی متن پرینت دوم)

# دیباچه

«هند و اروپایی» نامی است که به خانوادهٔ بزرگی از زبانها داده می‌شود. این خانواده شامل تقریباً همهٔ زبانهای اروپا و فلات ایران و بخش شمالی شبیه قاروی هند می‌شود. کوچگری اروپائیان در پانصد سال گذشته دامنهٔ زبانهای هند و اروپایی را در سرتاسر آمریکای شمالی و جنوبی و مرکزی و همچنین در استرالیا گسترش داده است. ضمناً در گذشته زبان مردم آذربایجان و آسیای صغیر و آسیای مرکزی و چین باختری (ایالت سین کیانگ) نیز هند و اروپایی بوده ولی هجوم قبایل ترک زبان (از حدود سدهٔ پنج میلادی به بعد) موجب از میان رفتن آن زبانهای محلی گردیده است.



بخش‌های جهان که زبان بومی یا زبان رسمی آنها یکی از زبان‌های هند و اروپایی است.

## چرا "هند و اروپایی"؟

نام «هند و اروپایی» (INDO-EUROPEAN) بدین دلیل نوآوری شده که زبانهای این خانواده‌ی بزرگ از هندوستان و فلات ایران تا باختر اروپا و بریتانیای کبیر گسترش دارند. برخی دانشمندان اروپایی (به ویژه آلمانی زبانان) نام «هندوژرمنی» (INDO-GERMANISCH یا INDO-GERMANIC) را بکار می‌برند. در گذشته واژه‌ی «آریایی» (ARYAN) نیز بکار گرفته می‌شد ولی امروزه این نام بیشتر برای اشاره به زبانهای بخش شمالی شبه قاره‌ی هند و به صورت ترکیب (هند و آریایی (INDO-ARYAN) بکار می‌رود.

## علت از رونق افتادن واژه‌های «آریا» و «آرین» و «آریایی» چه بود؟

در چند دهه‌ی قبل از جنگ جهانی دوم، برخی از دانشمندان اروپایی واژه‌ی، «آریایی» را نه تنها در اشاره به یک خانواده‌ی بزرگ زبانها بلکه در اشاره به تیره‌ی بخصوص از نژاد سفید بکار می‌بردند و ویژگی‌های بدنی و اجتماعی و فرهنگی آنان را مورد ستایش قرار می‌دادند. در دوران تسلط نازی‌ها در آلمان، واژه‌ی «آریایی» (ARYAN) اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد. نازی‌ها و فاشیست‌ها باور می‌کردند که آریایی‌های راستین مردمی بلند قامت با چشمان آبی و موی طلایی بودند که از نظر نژادی بر سایرین برتری کامل داشتند. چون در آلمان و اسکاندیناوی اینگونه مردم فراوان‌ترند، آنها معتقد بودند که گهواره‌ی آریایی‌های ابرنژاد شمال باختری اروپا بوده و از آنجا به سرزمین‌های دیگر کوچ کرده‌اند. طی این کوچ‌های متوالی، آریایی‌ها با بومیان هر محل درآمیختند و در نتیجه پاکی و برتری نژادی آنها کم شد. هر چه این کوچگران از آلمان دورتر شدند، میزان آمیختگی خون آنها با نژادهای «پست‌تر» بیشتر شد. بهمین دلیل در سرزمین‌های دور از آلمان درصد مردم چشم‌آبی و موطلایی بسیار کمتر است.

به عبارت دیگر، نازی‌ها واژه‌ی «آریایی» راکه قبلاً به خانواده‌ای از زبانها اطلاق می‌شد به عنوان یک برچسب نژادی و به منظور تأکید برتری خودشان مورد تحریف قرار دادند. مثلاً در نظر این نژادپرستان حتی «اسلاوها» که به زبان‌های هند و اروپایی تکلم می‌کنند از نظر «پاکی نژادی» پست‌تر از آریایی‌های ناب (یعنی آلمانی‌ها و اسکاندیناوی‌ها) بودند، تا چه رسد به ایرانی‌ها و هندی‌ها!

بهمین دلیل پس از شکست نازی‌ها در پایان جنگ جهانی دوم، واژه‌ی «آریایی» کمتر مورد کاربرد قرار گرفت و همانطور که در بالا گفته شد امروزه فقط برای اشاره به زبانهای ناشی از

سانسکریت در هندوستان و (به طور نادرتر) برای اشاره به زبانهای ایرانی و هندی (INDO-IRANIAN) بکار می‌رود.

نکته‌ای که باید مورد تأکید قرار گیرد این است که منظور از «هند و اروپایی» نژاد بخصوصی نیست. بیشتر مردم افریقای جنوبی به زبان انگلیسی (یعنی یک زبان هند و اروپایی) تکلم می‌کنند ولی نژاد برخی از آنها سفید و برخی دیگر هندی و بقیه افریقایی است. اکثر مردم کشور پرو از نژاد سرخ پوست هستند ولی زبان مادری بیشتر آنها یک زبان هند و اروپایی (یعنی اسپانیایی) است.

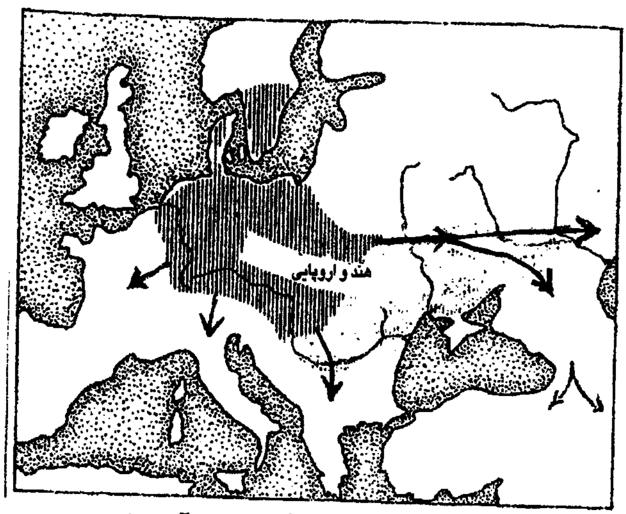
## سرزمین آغازین هند و اروپائیان

در چند دهه‌ی اخیر، برخی از دانشمندان (به ویژه دانشمندان روسی: (T. GAMKRELIDZE V. IVANO) چنین فرض کرده‌اند که گهواره‌ی مردمان هند و اروپایی کردستان و سرزمین‌های اطراف آن است چون در این نواحی بود که در حدود ده هزار سال پیش کشاورزی و اهل‌سازی دام‌ها نوآوری شد و این نوآوری‌ها شهرزیستی و ازدیاد جمعیت و ایجاد ارتش و فناوری و گسترش از راه کوچگری را میسر نمود. بنابراین دیدمان (THEORY)، مردمان این سرزمین کم‌کم از یک سو به فلات ایران و شمال هندوستان و از سوی دیگر به آسیای صغیر و از آنجا به اروپا کوچ کردند.

نکات زیر درستی دیدمان فوق را مورد تردید قرار می‌دهد: ۱ـ کردستان وارمنستان و نواحی اطراف آنها دارای وسعت نسبتاً کمی هستند و بعید است سرچشمه‌ی کوچ‌های بزرگی باشند که تا مرکز هند و باختر اروپا گسترش داشته باشد. ۲ـ بررسی‌های اخیر نشان می‌دهد که زبان‌های هند و اروپایی این نواحی (هیت HITTITE، لوویان LUWIAN، پالایک PALAIC) همجوار لااقل دو زبان غیر هند و اروپایی (هتیک HATTIC و هوریان HURRIAN) بودند. این واقعیت، بودن آنها در حاشیه‌ی سرزمین‌های هند و اروپایی را محقق می‌کند و بعید است که جنبش کوچگری هند و اروپائیان از حاشیه آغاز شده باشد. ضمناً دیگر قرائن نشان می‌دهند که زبان‌های هند و اروپائی این نواحی زبان‌های اولیه این سرزمین‌ها نبوده‌اند و توسط کوچگران به آنجا برده شده‌اند. ۳ـ بسیاری از واژه‌های هند و اروپایی آغازین (PROTO-INDO-EUROPEAN) وابسته به جانوران و گیاهانی هستند که در این نواحی یافت نمی‌شوند.

دیدمان دیگر در باره‌ی گهواره‌ی آغازین هند و اروپایی‌ها این است که زادگاه (URHEIMAT) آنان شمال اروپا (به ویژه آلمان) بود. همانطور که در بالا گفته شد، نازی‌های آلمان

این دیدمان را تحریف کرده و برای اثبات برتری نژادی خود ادعا می‌کردند که اقوام هند و اروپایی از آلمان به خارج مهاجرت کردند ولی هر چه از آلمان دورتر شدند آمیزش آنان با اقوام محلی موجب پست شدن نژادی و تیرگی نسبی رنگ مو و چشم آنها شد. موضوع برتری‌های نژادی (که امروزه کاملاً مردود شده است) از عهده‌ی بحث ما خارج است. بطور کلی کوچکی نسبی آلمان و یابش‌های باستانشناسی و ویژگی‌های زبان شناختی زبان‌های ژرمنیک، دیدمان گهواره بودن آلمان را نیز غیرمتحمل می‌نماید.




گهواره‌ی هند و اروپائیان از دیدگاه هواداران «آلمان مرکزی»

## آیا خاستگاه مردمان هند و اروپایی در سرزمین‌های گسترده‌ی شمال دریای سیاه و دریای خزر بود؟

اگر بپذیریم که زبانهای هند و اروپایی از یک زبان واحد سرچشمه گرفته‌اند که می‌توان واژگان کهن آنرا از راه ردیابی قهقرایی تعیین نمود، پرسشی که طبیعتاً پیش می‌آید این است که گهواره گاه این مردم هند و اروپایی کجا بود؟ واضح است که زبان هند و اروپایی خود یکی از زبانهای متعدد دوران نوسنگی بود و این زبانها مرحله‌ای از تطور زبانهای بشری بودند. زبان هند و اروپایی زبان واحد مردمی بود که حدود چهار تا شش هزار سال پیش در ناحیه‌ی نسبتاً محدودی زندگی می‌کردند و بهمین دلیل زبان آنها یا فاقد گویش‌های گوناگون بود و یا گویش‌های آن بهم بسیار

نزدیک بودند. علت محدود بودن گسترهی آنها این است که طبق اصل «پیشینهی گسترهی مجاز» (MAXIMUM PERMISSIBLE AREA) اگر حوزهی گسترش یک زبان زیاد شود، گویش‌های فرعی آن هر یک تبدیل به زبان جداگانه‌ای می‌شوند (همانطور که مثلاً لاتین تبدیل شد به فرانسه و اسپانیایی و غیره).

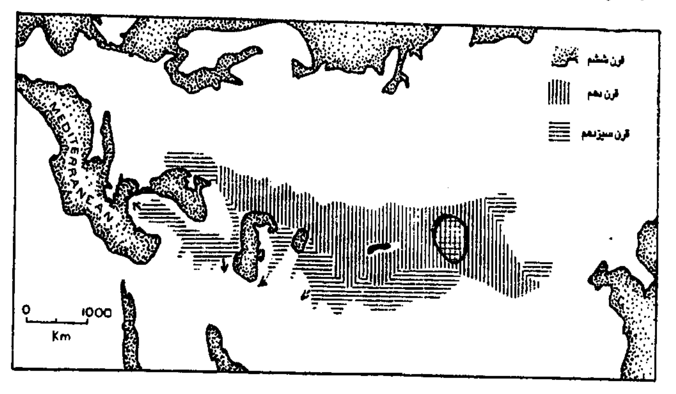
ولی چون هند و اروپایی‌ها در اصل از طریق شکار و دامداری و شبانی زیست می‌کردند و دارای ارابه و اسب بودند، تحرک آنها از کشاورزان روستانشین بیشتر بود و در ناحیه‌ی وسیع‌تری کوچ می‌کردند. بدین دلیل، فرض بر این است که گهواره هند و اروپایی‌ها وسیع‌تر از حد معمول بود و شامل سرزمین‌های شمال دریای سیاه و دریای خزر می‌شد. همین خوی کوچگری و تحرک (به علاوه‌ی مجهز بودن به اسب و ارابه و سلاح‌ها و ترفندهای رزمی پیشرفته و دارا بودن خصلت رزم‌آوری) آنها را قادر کرد که طی موج‌های متوالی در ظرف حدود دو هزار سال اروپا و آسیای صغیر و فلات ایران و هندوستان را زیر مهمیز خود درآوردند.

طی این کوچ‌های مرکز گریزانه (CENTRIFUGAL MIGRATIONS) هندواروپایی‌ها. زبان خود را در نواحی تسخیر شده رواج دادند. ولی در هر ناحیه، زبان مردم بومی (و ویژگی‌های دستوری و آوایی و واژگان آن) زبان کوچگران هند و اروپایی را متقابلاً تحت تأثیر قرار داد. این کنش و واکنش یکی از دلایل عمده‌ی تقسیم زبان واحد هندو اروپایی ابتدا به گویش‌ها و سپس به زبان‌های گوناگون شد. (وجود واژه‌های مشترک میان هند و اروپایی و زبان سامی آغازین [PROTO-SEMITIC] از یک سو و زبان هندو اروپایی و زبان فینواوگریک [FINNO-UGRIC] از سوی دیگر مؤید این نکته است. بازگشت به: J. P. MALLORY, PP. 146-9)

از جزئیات کوچگری هند و اروپائیان در چند هزاره‌ی قبل اطلاعی در دست نداریم ولی بررسی جنبش‌های کوچگرانه‌ی دیگر در دوران‌های تاریخی الگوی کلی این کوچ‌ها و پیامدهای فرهنگی و زبانشناسی آنها را روشن می‌کند. بررسی کوچگری مردمان ترک زبان مثال بسیار مفیدی است: در قرن ششم پس از میلاد، مردم ترک زبان فقط در ناحیه‌ی نسبتاً کوچکی در شمال مغولستان و خاور دریاچه‌ی بایکال زندگی می‌کردند. آنها نیز مثل هندواروپائیان زندگی شبانی و دامداری داشتند. و اسب‌سواران ماهری بودند. این مردم در طی هفت قرن (از سده‌ی ششم تا سیزدهم پس از میلاد) طی یک سلسله تهاجم‌ها و کوچ‌های متوالی در بخش عظیمی از آسیای مرکزی و آسیای صغیر ساکن شدند. مردمان این نواحی (مثلا ساکنان آذربایجان و ترکیه) همه به زبانهای هند و اروپایی تکلم می‌کردند ولی سلطه‌ی ترک زبانان موجب شد که طی چند قرن زبان آنها ترکی بشود ولی زبان ترکی

این نواحی نیز متقابلاً تحت تأثیر زبانهای محلی قرار گرفت و کم کم به چندگویش تبدیل شد (ترکی اسلامبولی و ترکی ترکمنی و آذری و غیره).

یک پژوهش اخیر (مجله‌ی SCIENCE، جلد ۳۰۰، صفحه‌ی ۵۹۹، ۲۵ آوریل ۲۰۰۳) نشان می‌دهد که مردم ترکیه (و شاید مردم آذربایجان) از نظر زادشناختی (GENETICS) فقط دارای سی درصد ژن ترک (نژاد خاور دور یا زرد) و هفتاد درصد ژن هندو اروپایی و غیره هستند.




گسترش سریع قبایل ترک نشان می‌دهد که سرعت تهاجم و تصاحب می‌تواند بسیار زیاد باشد (تاریخ‌های فوق میلادی هستند).

## از بررسی زبانشناختی برای یافت گهواره‌ی هندو اروپائیان چه نتایجی گرفته می‌شود؟

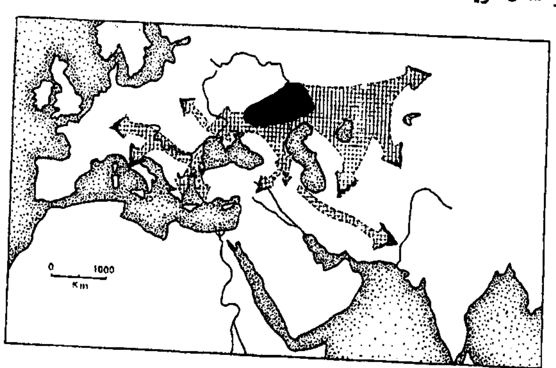
زبانهای هندو اروپایی به دو دسته بخش می‌شوند: زبانهای «ساتم» SATEM (ارمنی، ایرانی، هندی، اسلاوی، بالتیک) و زبانهای ستم CENTUM (ژرمنی، لاتین، یونانی، سلتیک). در زبانهای «ساتم» نخستین وات واژه‌ی «صد» سایشی (FRICATIVE) یعنی «S» یا «K» است. در زبانهای «ستم» واژه‌ی «صد» معمولاً حاوی حرف «N» است.(مثلاً در فرانسه CENT و یا انگلیسی HUNDRED). مرز میان این دو دسته زبان هند و اروپایی خطی است که حدوداً در مرکز اروپا قرار دارد. حال اگر بپذیریم که کوچ هند و اروپائیان به صورت موج‌های متوالی مرکز گریز انجام شده، به این نتیجه خواهیم رسید که مرکز ثقل یا گرانیگاه (CENTER OF GRAVITY) این موج‌ها در حدود مرز میان این دو دسته زبان (نواحی شمال دریای سیاه) بوده است. آنچه این بینش را تا اندازه‌ای مورد

تردید قرار می‌دهد این است: زبان هند و اروپایی تخاری (TOCHARIAN) که در ترکستان چین یعنی در خاوری‌ترین سرحد زبانهای هند و اروپایی قرار داشت. یک زبان ستم بود! آیا آنها از اروپا به جلگه‌ی تارم (باختر چین) کوچ کردند و علت شباهت زبان آنها با یونانی و سلتی همین است؛ آیا به همین علت است که نقش‌های دیواری یافت شده در تورفان و تارم آنها را با موی سرخ و چشمان آبی و پوست سفید تجسم می‌کنند (MALLORY, 56-63)؟ فعلاً برای این پرسش‌ها پاسخ قاطعی در دست نیست. وی علت تعیین محل گهواره در نواحی شمال دریاهای سیاه و خزر منحصر به بینش بالا نیست. دلیل دیگر، واژه‌ی «مار» در اکثر زبانهای «ستم» مشترک است (لاتین: NATRIX؛ ایرلندی کهن: NATHIR؛ انگلیسی کهن: NAEDDRE؛ گوتیک: NADRE؛ آلمانی کهن: NATARA؛ ایسلندی کهن: NADR ؛ بازگشت به: POKORNY, 767).

ولی این واژه (که ریشه‌ی هندواروپایی آن NETR* است) در زبان‌های «ساتم» وجود ندارد. مثلاً در زبان‌های هند و ایرانی این واژه بدین صورت است (فارسی: مار؛ کردی: MAR؛ پهلوی: MAR؛ اوستایی: MAIRYA؛ سانسکریت: MIARA ـ بازگشت به برهان قاطع، صفحه‌ی ۱۹۳۴). ممکن است علت این تفاوت این باشد که زبان‌های «ساتم» در اثر تماس با اقوام محلی، این واژه را از آنها اخذ کردند و یا اینکه چون مارهای فلات ایران و هند مهلک‌اند (و مارهای اروپای شمالی زهرین نیستند) این واژه کم کم نوآوری شده. امکان ثانی محتمل‌تر است چون ریشه‌ی واژه‌ی «مار» با ریشه‌ی «مردن» و «میراندن» یکی است. در هر حال، شکاف میان زبانهای «ساتم» و «ستم» و واژگان وابسته به این دو گروه حاکی از وجود خاستگاه هند و اروپائیان در حدود مرز میان این دو گروه است.

همسانی‌های واژگانی و آوایی دیگری نیز میان زبانهای هند و اروپایی باختری وجود دارد که اندیشه‌ی فوق را تأیید می‌کند: زبانهای ژرمنی همسانی‌های نسبتاً زیادی با زبان‌های واقع در باختر خود (یعنی سلتی و لاتین دارند). از سوی دیگر همین زبان‌های ژرمنی شباهت نسبتاً زیادی با زبانی‌های واقع در خاور خود (یعنی بالتیک و اسلاوی) دارند. به عبارت دیگر تربیت جغرافیایی شباهت‌ها چنین است: اسلاوی ← بالتیک ← ژرمنی ← سلتی ← لاتین. این واقعیت می‌تواند مبین دو چیز باشد: ۱ـ کوچ موجی هندو اروپائیان از خاستگاهی واقع در مرکز به سوی حاشیه بوده است (از خاور اروپا به باختر و جنوب آن). ضمناً همسانی چشمگیری نیز میان زبانهای اسلاوی و زبانهای واقع در خاور آنها (یعنی این زبانهای ایرانی: سکایی Scythian و سارمانی Sarmatian و اوستی Ossetic) وجود دارد و این زبانها نیز (به ویژه پارسی کهن و اوستایی) شباهت زیادی با زبانهای شبیه قاروی هند (سانسکریت و غیره) دارند. به عبارت دیگر ترتیب جغرافی این زبانها چنین است: سکایی

سارماتی ← سغدی ← خوارزمی ← فارسی ← پشتو ← زبانهای هندوستان شمالی. جهت این موج‌های مرکز گریز از شمال دریاهای سیاه و خزر به سوی خاور و جنوب بوده است ــ از مرکز به حاشیه.




نقشه‌ی گسترش هند و اروپائیان از خاستگاه (بخش سیاه) به سوی باختر و خاور و جنوب از حدود ۴۰۰۰ تا ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد.

۲ـ همسانی‌های فوق‌الذکر (از گهواره به سوی باختر و اروپایی باختری و جنوبی و همچنین از گهواره به سوی خاور و فلات ایران و هند) مضافاً نشان می‌دهند که مکان جغرافیایی این زبانها در دو هزاره‌ی گذشته (به استثنای هجوم و ماندگری قبایل ترک و مجار و فنلاندی) تغییر زیادی نکرده است والا میزان همسانی زبانهای مجاور به گونه‌ای دیگر می‌بود.

## اصل جغرافیای زبانشناسی (LINGUISTIC GEOGRAPHY) چیست؟

این اصل چنین است: زبانهای درون گهواره و اطراف آن بیشتر دستخوش نوآوری و دگرگونی می‌شوند و زبانهای پیرامون بیشتر محافظه‌کارند و دارای واژه‌های کهن‌تراند. مثلاً زبان فرانسه‌ی رایج در ایالت کبک در کانادا (یک زبان پیرامون) از زبان فرانسه‌ی رایج در کشور فرانسه کمتر تغییر کرده است و شباهت بیشتر به فرانسه‌ی قرن هفدهم دارد. یکی از علت‌های این تفاوت این است که زبانهای حاشیه یا پیرامون حاوی واژه‌هایی هستند که قبل از خروج از گهواره جزو زبان هند و اروپایی آغازین بوده‌اند. آنها این واژگان و ویژگی‌های زبانی دیگر را با خود به سرزمین‌های دیگر بردند و در اثر قطع تماس با گهواره، این واژگان و ویژگی‌های زبانی عتیق به اصطلاح منجمد شدند. ممکن است گفته شود که علت انجماد و بی تغییری این زبانها (مثلاً تخاری و هیت و سغدی) این است که این

زبان‌ها قرن‌هاست که مرده‌اند و زبان مرده تغییر نمی‌کند. ولی این انجماد نسبی و محافظه‌گری در زبانهای حاشیه‌ای دیگر (مثلاً سلتی و لیتوانی و ایسلندی) نیز دیده می‌شود. زبان‌های مرکزی‌تر (به ویژه سکایی و سارماتی و اوستی)، برعکس لیتوانی و سلتی، دستخوش نوآوری و دگرگونی بیشتری شده‌اند. اصل جغرافیای زبانشناسی فوق‌الذکر مورد قبول همه‌ی دانشمندان نیست ولی در نظر کسانی که آنرا می‌پذیرند، خود دلیل دیگریست در تأیید مکان گهواره در مبدأ موجهای کوچگری مرکز گریز (یعنی شمال دریاهای سیاه و خزر).

## دیرین‌شناسی زبانی (LINGUISTIC PALAEONTOLOGY) چیست؟

دیرین‌شناسی زبانی وسیله‌ی دیگری است برای شناخت هند و اروپایی آغازین و خاستگاه آن. بررسی واژگان هند و اروپایی و شواهد تاریخی و اسطوره‌ای و باستانشناسی نشان می‌دهد که جامعه‌ی هند و اروپایی حدود چهارهزار سال پیش از میلاد در ناحیه‌ی معینی وجود داشته و زبانهای هند و اروپایی آسیای صغیر و زبان‌های ایرانی و هندی حدود ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد از آن منشعب شده‌اند. این جامعه در آغاز شکارگر ـ گردآور (HUNTER-GATHERER) بوده و کم کم شبانی و کشاورزی شده است. چون واژه‌های «اسب» و «ارابه» و «چرخ» در اکثر زبانهای هند و اروپایی همریشه‌اند می‌توان نتیجه گرفت که آنان در رام کردن اسب و استفاده از ترابرهای چرخدار پیشگام بوده‌اند و تحرک و تفوقی که سوارکاری و ترابری به آنها داده عامل بزرگی در گسترش آنها بوده است. واژه‌های همریشه‌ی دیگر نیز در شناخت ماهیت هند و اروپائیان سودمنداند: واژه‌های مشترک «شخم» و «آهن» و «جو» و «گاو» و «بز» و «خوک» نشان می‌دهد که این مردم به کشاورزی هم اشتغال داشتند. واژه‌های همریشه‌ی «خرس» و «گرگ» و «قاز» و «راش» (BEECH) و «غان» (BIRCH) و «ماهی آزاد» (SALMON) و «بید» (WILLOW) و «بلوط» (OAK) و «زنبور» (BEE) و «اردک» (DUCK) نشان می‌دهد که خاستگاه این مردم در یک ناحیه نسبتاً سردسیر بود. چون اگر مثلاً خاستگاه آنها در ناحیه‌ی گرمسیر یا استوایی بود واژه‌های همریشه‌ی آنها وابسته به گیاهان و جانوران گرمسیری می‌بود، در حالیکه تقریباً همه‌ی واژه‌های گرمسیری و استوایی از ریشه‌ی هند و اروپایی نبوده و در چند سده‌ی اخیر وارد زبانهای هند و اروپایی شده‌اند. البته واژه‌های هند و اروپایی همریشه، همگی دارای یک معنی نیستند. واژه‌های معدودی مانند «مادر» و «ماه» و «گاو» در همه زبانهای هند و اروپایی هم معنی هستند ولی اکثر واژه‌های همریشه معنی‌های متفاوتی پیدا کرده‌اند. مثلاً واژه‌ی هند و اروپایی *BHERGO (فارسی «غان»؛ سانسکریت: BHURJA؛ اوستی BARZ؛

آلمانی BIRCH؛ لتونی BERZS؛ روسی B̄EREZA) در برخی زبانها (مثلاً فارسی) از بین رفته است و در زبانهای دیگر به گیاهان متفاوتی اطلاق می‌شود. علت این دگرگونی آشکار است. کوچگران وقتی به گیاه یا جانور تازه‌ای برمی‌خورند یا نام محلی را می‌پذیرفتند، یا نام جدیدی را نوآوری می‌کردند و یا نام هند و اروپایی قدیمی را برای آن بکار می‌بردند. این فرآیند امروز نیز صادق است. واژه‌ی «یخچال» (چاله‌ی یخ) را برای ابزار سرد ساز برقی بکار می‌بریم. واژه‌ی «سپر» را که مدتها عملاً کاربرد روزمره نداشت برای بخشی از اتومبیل بکار می‌بریم. اصولاً ردیابی واژگانی بیشتر روی همریشگی تاکید دارد نه هم چمی.

ضمناً همه‌ی واژه‌های همریشه (COGNATE) در تعیین خاستگاه هند و اروپائیان رهنمون نیستند. مثلاً ریشه‌ی هند و اروپایی -KOU* (فارسی: کوه؛ اوستایی: KUOFA؛ پارسی کهن KAUFA؛ گوتیک: HLAINS؛ ایرلندی کهن: C̄UAN؛ لیتوانی: KAPAS؛ اسلاوی کهن: KUP̄O؛ هلندی: HOOP؛ کردی: KUWI؛ بلوچی: K̄OPAK؛ افغانی: KVAB؛ انگلیسی: HEAP) نمی‌تواند به طور قاطع نشانگر آن باشد که خاستگاه هند و اروپائیان ناحیه‌ای کوهستانی بوده است چون مشتقات این ریشه در زبانهای مختلف دارای معنی «کوه» یا «تپه» و یا «پشته» و یا «انباشته» هستند.

## از آثار باستانشناسی چه دستگیرمان می‌شود؟

کاوشهای باستانشناسی و بررسی گنجانه‌های سفالی نیز می‌توانند گواه خوبی باشند. در اوکراین و استپ‌های آسیای مرکزی گورهایی یافت شده که دارای ویژگی‌های خاصی هستند. جسد یا اجساد در درون گور ساخته شده از سنگ‌های تراشیده شده قرار دارند و روی گور تپه‌ی کوچکی (KURGAN) ساخته شده. در کنار جسد گنجانه‌ی سفالی (و در مورد بزرگان قوم) اسلحه و سپر قرار دارد. استخوان اسب موجود در کنار برخی جسدها نشان می‌دهد که اسب بزرگان را با جسد آنها دفن می‌کردند. جسدها معمولاً بر پشت خوابید و پاهای آنها به یک سو خم شده است.

نوع جمجمه‌ها (رأس و پیشانی بلند و استخوان‌های گونه‌ی برجسته) و شاخص سر آنها (CEPHALIC INDEX) نشان می‌دهد که سفید پوست و «دراز سر» (DOLICHOCRANIAN) بودند. یافت گورهای تقریباً مشابه این گورکان‌ها (KURGANS) در سایر نواحی هند و اروپایی نشین اروپا و آسیا نشانه‌ی دیگری از مسیر کوچ هند و اروپائیان است.

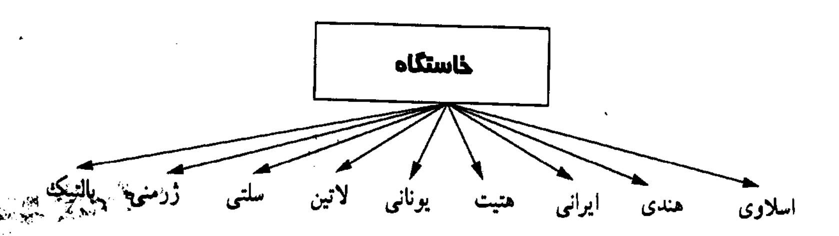
**اصلاً از کجا میدانیم که هند و اروپائیان بومی محل‌های فعلی خود نبودند و از جای دیگری کوچ کردند؟**

این پرسش منطقی نیاز به جواب دارد: کاوش‌های باستانشناسی و واژگان غیر هند و اروپایی قدیمی که در زبان‌های هند و اروپایی باستانی دیده شده نشان می‌دهد که قبل از ورود هند و اروپائیان، بسیاری از بخش‌های اروپا و آسیا دارای بومیان اولیه بوده‌اند. در آبخست‌سانه‌ی (شبه جزیره) ایبری (اسپانیا و پرتغال) سنگ نبشته‌هایی بدست آمده که به یک زبان غیر هند و اروپایی قبل از دوران آهن تعلق دارد.

(ENCYCLOPEDIA OF INDO-EUROPEAN CULTURE, PP. 290-299)

زبان «باسک» (BASQUE) که امروزه در بخش کوچکی از شمال خاوری اسپانیا و جنوب باختری فرانسه تکلم می‌شود در گذشته بخش عمده‌ی اسپانیا را زیر پوشش داشته است. شواهد فراوان نشان می‌دهد که پس از آمدن هند و اروپائیان، دامنه‌ی گسترش این زبان غیر هند و اروپایی به تدریج کم شده است. در شمال و مرکز ایتالیا «اتروسکان‌ها» (ETRUSCANS) تمدن درخشانی را به وجود آورده بودند که آثار هنری آن در بسیاری از موزه‌ها دیده می‌شود. ورود هند و اروپائیان از شمال باعث شد که این زبان و فرهنگ غیر هند و اروپایی نابود گردد. مدارک موجود نشان می‌دهد که در آسیای صغیر نیز اقوام غیر هند و اروپایی ("هوریان‌ها" HURRIANS و "هتیک‌ها" HATTICS) توسط هند و اروپائیان تازه وارد ("هتیت‌ها" HITTITES و «فریجیان‌ها» PHRYGIANS و «ارمنی‌ها» و «یونانی‌ها») برانداخته شدند.

در جنوب هندوستان نیز زبانهای غیر هند و اروپایی (مثلاً «دراویدی» DRAVIDIAN و «موندا» MUNDA) هنوز رایج‌اند. قراین نشان می‌دهند که در شمال هندوستان هم زبانهای غیر هند و اروپایی تا حدود ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد رواج داشته‌اند ولی ورود اقوام هند و اروپایی از شمال باختری موجب نابودی این زبانها گردیده است. در ایران نیز هند و اروپائیان به تدریج در سرزمین‌های «ایلام» ELAM رسوخ کردند و آن زبان غیر هند و اروپایی را برانداختند. جهت حرکت هند و اروپائیان در تمام سرزمین‌های فوق تقریباً از شمال به جنوب (و از خارج به داخل) بوده است. این واقعیت نشان می‌دهد که هند و اروپائیان نه تنها ساکن اولیه‌ی این سرزمین‌ها نبوده‌اند بلکه از محلی که گرانیگاه آن در مرکز این موجهای کوچگری (یعنی شمال دریاهای خزر و سیاه) بوده به حواشی نفوذ کرده‌اند.




## هشدار در مورد خاستگاه هند و اروپائیان

برخی از دانشمندان معتقدند که یافتن خاستگاه هند و اروپائیان نه فعلاً میسر است و نه دارای اهمیت. مثلاً ENRICO CAMPANILE چنین می‌نویسد:

«صحبت از «خاستگاه اولیه» مستلزم این است که فرض کنیم که تا ۴۰۰۰ یا ۵۰۰۰ سال قبل از میلاد، هند و اروپائیان مردمانی نشیمند بوده و در محل ثابتی ساکن بودند و در لحظه‌ی معینی ناگهان تبدیل به کشورگشایان کوچگر شدند!

هیچ دلیل مستندی برای چنین فرضیه‌ای وجود ندارد.... در مورد هند و اروپائیان هیچ گواه و مدرکی دال بر وجود یک «خاستگاه اولیه» در دست نیست....

(RAMAT, A.G & PAOLO, 20-21)

شاید در آینده گواهان قطعی در پاره‌ی خاستگاه هند و اروپائیان پیدا شود. تا آنزمان، همه‌ی دیدمان‌ها بر پایه‌ی قراین و احتمالات استوارند و بس.

## داستان برج بابل چه بود؟

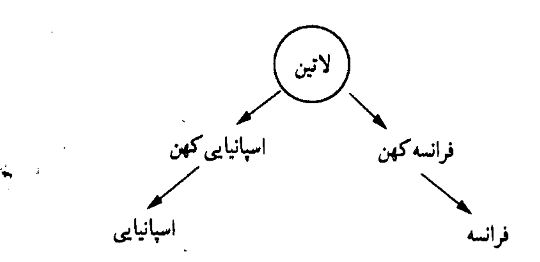
در انجیل آمده است که مردم بابل (BABEL) آغاز به ساختن برجی کردند که قرار بود بلندی آن به عرش برسد. خداوند از این گستاخی آنان به خشم آمد و ناگهان زبان آنها را که عبری بود تبدیل به زبانهای متفاوت کرد به طوری که آنان دیگر حرف‌های همدیگر را درک نمی‌کردند و مجبور شدند از ساختن برج دست بکشند. این داستان اخلاقی عواقب غرور را نشان می‌دهد ولی طی قرون متمادی بعنوان یک واقعیت زبانشناسی نیز مورد تاکید بود. دانشمندان عهد عتیق معتقد بودند که آغاز ساختمان برج بابل ۲۳۵۰ سال قبل از میلاد (یعنی ۱۶۵۶ سال بعد از خلقت) بود. تا آن سال همه‌ی مردم جهان به زبان عبری سخن می‌گفتند ولی از آن پس زبانهای مختلف (که در واقع نوعی تنبیه

محسوب می‌شدند) به وجود آمدند. به همین دلیل این زبانها «پست» هستند و مرتباً دگرگون می‌شوندبطوریکه مثلاً یک نفر انگلیسی یا فرانسوی نمی‌تواند زبان انگلیسی یا فرانسوی کهن را درک کند. برعکس، عبری زبانی والا و اصیل است که طی قرون تغییر نکرده است و هر کسی که عبری بداند خواهد توانست متون کهن را هم بخواند.

این دیدمان وابسته به انشعاب همه‌ی زبانها از زبان عبری قرن‌ها مورد قبول بود و موجب رکود پیشرفت شاخه‌ی عمده‌ای از زبانشناسی شد. ضمناً چون این دیدمان به مذهب و کتاب مقدس متکی بود، کسی آنرا مورد تردید و بررسی علمی قرار نمی‌داد.

در سده‌های شانزدهم و هفدهم میلادی که طی آن آموزش زبانهای خارجی رونق گرفته بود، شماری از دانشمندان اروپایی متوجه شباهت‌هایی میان برخی از زبان‌ها شدند. آنچه که کم‌کم واضح شد این بود که در اروپا چند خانواده‌ی زبان وجود دارد (ژرمنی و لاتین و اسلاوی وغیره) و هر یک از این خانواده‌ها شامل چند زبان‌اند. مثلاً خانواده‌ی لاتین شامل ایتالیایی و فرانسه و اسپانیایی و پرتغالی و رومانی است. زبانهای ژرمنی عبارتند از آلمانی و انگلیسی و هلندی و دانمارکی و سوئدی و نروژی و ایسلندی. خانواده‌ی اسلاوی شامل روسی و لهستانی و چک و صربستانی و اسلواکی و بلغارستانی و غیره است. بدین روش اکثر زبانهای اروپایی دسته‌بندی شدند. ضمناً بررسی نوشتارهای کهن آنها را متوجه زبانهایی کرد که دیگر وجود نداشتند (مانند گوتیک و ایسلندی کهن). نکته دیگری که کم کم مشهود شد این بود که هر یک از زبانهای معاصر پیامد زبانهای قدیمی‌تری هستند. مثلاً انگلیسی برمی‌گردد به انگلیسی میانه (از ۱۱۰۰ تا ۱۵۰۰ میلادی) و انگلیسی میانه منشعب است از انگلیسی کهن (از ۵۰۰ تا ۱۱۰۰ میلادی). همین طور فرانسه برمی گردد به فرانسه‌ی میانه (از ۱۴۰۰ تا ۱۶۰۰ میلادی) و فرانسه‌ی میانه منشعب است از فرانسه‌ی کهن (از ۹۰۰ تا ۱۴۰۰ میلادی). ضمناً دریافتند که انگلیسی کهن خود منشعب از یک زبان کهن ژرمنی است که سرچشمه‌ی آلمانی و هلندی و غیره هم هست. همین طور دریافتند که فرانسه‌ی کهن نیز خود ناشی از زبان لاتین است و این زبان کهن مادر زبانهای اسپانیایی و ایتالیایی و پرتغالی و غیره هم هست. بدین روش کم کم بیشتر زبانهای اروپایی ردیابی و دسته‌بندی شدند.

چیز دیگری که دریافتند این بود که هر چه به عقب برویم شباهت زبانها بهم بیشتر می‌شود. مثلاً شباهت میان انگلیسی کهن و آلمانی کهن بیشتر است تا شباهت میان انگلیسی و آلمانی معاصر. شباهت میان فرانسه‌ی کهن و اسپانیایی کهن بیشتر است تا شباهت میان فرانسه و اسپانیایی معاصر.




موضوع دیگری نیز که به تدریج برایشان مشهود شد این بود: خانواده‌های زبان‌های اروپایی با هم شباهت‌های فراوان دارند در صورتیکه شباهتی میان این زبان‌ها و عبری (HEBREW) وجود ندارد. ولی چون هنوز پایبند داستان برج بابل بودند این عدم شباهت را ناشی از «انحراف» و «پستی» زبان‌های معاصر می‌دانستند.

## تسلط انگلستان بر هندوستان و یافت نوشتارهای کهن هندی

در سده‌ی هیجدهم میلادی انگلستان هندوستان را تصرف کرد. یکی از پیامدهای تماس نزدیک شرق و غرب در هند برخورد انگلیسی‌ها با نوشتارهای کهن هندی به ویژه سانسکریت بود. برخی از آنان که فرهیخته‌تر بودند با شگفتی دریافتند که شباهت عجیبی میان سانسکریت و زبانهای اروپایی به ویژه زبان‌های کهن اروپایی وجود دارد. کمی بعد که به بررسی نوشتارهای کهن ایرانی (به ویژه اوستایی) پرداختند شگفتی آنان بیشتر شد چون ایرانی باستان نیز هم با سانسکریت و هم با زبانهای کهن اروپایی قرابت دارد.

اولین کسی که موضوع قرابت احتمالی زبانهای اروپایی و آسیایی را به تفصیل مورد بررسی قرار داد جیمز پارسونز انگلیسی (JAMES PARSONS) بود. او در کتاب قطور خود (THE REMAINS OF JAPHET..., 1767) نه تنها خویشی برخی زبانها را نشان داد بلکه فهرست مفصلی از واژه‌های همسان برخی زبانها را نیز به منظور اثبات نظریات خود ارائه داد. فهرست زیر که اعداد از یک تا ده و سپس صد را در چندین زبان نشان می‌دهد نخستین بار توسط پارسونز ارائه شد (زبانها لیتوانی و آلبانی و ارمنی و تخاری بعداً توسط دیگران شناسایی و به فهرست وی افزوده گردید):

| فارسی | فرانسه | آلمانی | هلندی | سوئدی |
|---|---|---|---|---|
| Persian | French | German | Dutch | Swedish |
| ۱ yak | un | einz | een | en |
| ۲ do | deux | zwei | tween | tvA |
| ۳ se | trois | drei | drie | tre |
| ۴ chahar | quatre | vier | vier | fyrA |
| ۵ panj | cinq | funf | vijf | fem |
| ۶ shesh | six | sechs | zes | sex |
| ۷ haft | sept | sieben | zeven | sju |
| ۸ hasht | huit | acht | acht | atta |
| ۹ noh | neuf | neun | negen | nio |
| ۱۰ dah | dix | zehn | tien | tio |
| ۱۰۰ sad | cent | hundert | honderd | hundra |

| ایرلندی | ولزی | یونانی | لاتین | ایتالیائی |
|---|---|---|---|---|
| Irish | Weish | Greek | Latin | Italian |
| ۱ aon | un | hen | unus | uno |
| ۲ do | dau | duo | duo | due |
| ۳ tri | tri | treis | tres | tre |
| ۴ ceathair | pedwar | tettares | quattuor | quattro |
| ۵ cuig | pump | pente | quinque | cinque |
| ۶ se | chwech | hex | sex | sei |
| ۷ seacht | saith | hepta | septem | sette |
| ۸ ocht | wyth | okto | octo | otto |
| ۹ naoi | naw | ennea | novem | nove |
| ۱۰ Deich | deg | deka | decem | dieci |
| ۱۰۰ cead | cant | hekaton | centum | cento |

| دانمارکی | انگلیسی | لهستانی | روسی | بنگالی |
|---|---|---|---|---|
| Danish | English | Polish | Russian | Bangali |

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| ۱ en | one | jeden | odin | ek |
| ۲ to | two | dwie | dva | dvi |
| ۳ tre | three | trzy | tri | tri |
| ۴ fire | four | cztery | chetyre | car |
| ۵ fem | five | piec | pyat | pac |
| ۶ seks | six | szesc | shesht | chay |
| ۷ syv | seven | siedem | sem | sat |
| ۸ otte | eight | osiem | vosem | at |
| ۹ ni | nine | dziewiec | devyat | nay |
| ۱۰ ti | ten | dziesiec | desyat | das |
| hundrede ۱۰۰ | hundred | sto | sto | sa |

| اسپانیایی | لیتوانی | آلبانی | ارمنی | تخاری A |
|---|---|---|---|---|
| Spanish | Lithuanian | albanian | Armenian | Tocharian A |
| ۱ uno | vienas | nje | mi | sas |
| ۲ dos | du | dy | erku | wu |
| ۳ tres | trys | tre | erek | tre |
| ۴ cuatro | keturi | katër | cork | stwar |
| ۵ cinco | penkti | pesë | hing | pän |
| ۶ seis | sesi | giashtë | vec | säk |
| ۷ siete | septyni | shtatë | ewt'n | spät |
| ۸ ocho | astuoni | tetë | ut | okät |
| ۹ nueve | devyni | nentë | inn | nu |
| ۱۰ diez | destimt | dhjetë | tasn | sak |
| ciento ۱۰۰ | simtas | qind | hariwr | kant |

اندیشه‌ی همبستگی برخی زبانهای هند و اروپایی بار دیگر توسط حقوقدان و زبانشناس

انگلیسی سرویلیام جونز (SIR WILLIAM JONES, 1746-94) رسماً بیان شد. او در نطق معروفی که در دوم فوریه‌ی ۱۷۸۶ ایراد کرد و گفت:

«زبان سانسکریت که قدمت آن معلوم نیست، دارای ساختار شگفت انگیزی است: از یونانی کامل‌تر و از لاتین پرواژه‌تر و از هر دو به طور چشم‌گیری پالوده‌تر است. در عین حال شباهت آن با این دو زبان هم از نظر ریشه‌ی واژه‌ها و هم از نظر دستور زبان بیشتر از آن است که ناشی از تصادف باشد در واقع این شباهت بقدری است که هیچ زبانشناسی نمی‌تواند هر سه را بررسی کرده و به این نتیجه نرسد که هر سه از سرچشمه‌ی مشترکی ناشی شده‌اند که شاید امروزه از بین رفته باشد. دلیل مشابهی وجود دارد که شاید گوتیک و سلتیک هم... با سانسکریت دارای ریشه‌ی مشترکی باشند. همچنین زبان پارسی کهن را نیز می‌توان جزء این خانواده محسوب نمود. (MALLORY,12)

سِر ویلیام جونز به ریشه‌ی مشترک این زبانها اشاره کرد ولی او هم مانند جیمز پارسونز به داستان برج بابل اعتقاد داشت و فکر می‌کرد این زبانها همه از زبان واحدی سرچشمه گرفته‌اند و این زبان واحد خود از عبری ناشی شده است. همچنین او نیز معتقد بود که پس از توفان نوح، سه پسر او (JAPHETH, SHEM, HAM) هر یک در اقلیمی ساکن شدند و نسل و زبان جداگانه‌ای را به وجود آوردند. حام (HAM) در افریقا ساکن شد و نژادها و زبانهای حامی افریقا (HAMITIC) را به وجود آورد. سام (SHEM) در بخشی از آسیا قرار گرفت و نسل و زبانهای سامی (SEMITIC) را بوجود آورد. یافث (JAPHETH) در اروپا ساکن شد و نژادها و زبانهای یافثی (JAPHETIC) را بوجود آورد. طبق این باور مردود کلیه‌ی زبانهای دنیا متعلق به یکی از این سه خانواده‌اند.

سِر ویلیام جونز منکر این طبقه‌بندی سه گانه نبود ولی معتقد بود که زبانهای ایرانی و هندی نیز با زبانهای یافثی اروپا خویشی دارند. این وضع ادامه داشت تا اینکه دیدمان فرگشت چارلز داروین (CHARLES DARWIN, 1809-1882) که در سال ۱۸۵۹ در اروپا و امریکا ولوله ایجاد کرد، بنیاد پندارهای قدیمی در مورد سرچشمه‌ی زبانها را متزلزل کرد. جنبشی که در دانش زبانشناسی ایجاد شد از آنروز تاکنون ادامه دارد و موجب تحول عظیمی در شناخت زبانهای هند و اروپایی گردیده است.

اسموس راسک (RASMUS RASK, 1787-1832) دانشمند دانمارکی اولین کسی بود که استدلال کرد شباهت‌های ظاهری میان واژه‌ها همیشه ملاک همریشه بودن آنها نیست و خویشی واژه‌ها

باید به طور علمی و سامانمند بررسی و اثبات گردد. مثلاً آوای یونانی PH برابر است با آوای ژرمنی B چون واژه‌ی «بردن» در یونانی PHERO و در انگلیسی BEAR است. واژه‌ی «برادر» در یونانی PHRATER و در انگلیسی BROTHER است. پس از دادن چند مثال دیگر، راسموس راسک نتیجه گرفت که طبق این اصل (یونانی PH = ژرمنی B). واژه‌ی یونانی PHEGOS (به معنی درخت بلوط) با واژه‌ای انگلیسی BEECH (به معنی درخت راش) همریشه است ولی معنی آنها دگرگون شده است. چندی بعد از راسموس راسک و دانشمند آلمانی بنام باپ (FRANZ BOPP, 1791-1887) علاوه بر همسانی‌های آوایی و واژگانی، شباهت‌های دستوری را نیز مورد بررسی قرار دادند و نشان دادند که مثلاً واژه‌ی سانسکریت "AGNIS" (به معنی «آذر» یا «آتش») و واژه‌ی لاتین "IGNIS" نه تنها همسانی آوایی دارند بلکه از نظر دستوری نیز دارای همسانی هستند:

| لاتین | سانسکریت |
|---|---|
| IGNIS | (NOMINATIVE SINGULAR): AGNIS حالت فاعلی مفرد |
| IGNEM | (ACCUSATIVE SINGULAR): AGNIM حالت مفعولی مفرد |
| IGNIBUS | (DATIVE / ABLATIVE PLURAL): AGNIBHYAS حالت مفعولی با |
| | واسطه و مفعول به جمع |

در سال ۱۸۱۳، تاماس یانگ (THOMAS YOUNG) واژه‌ی «هند و اروپایی» (INDO-EUROPEAN) را نوآوری کرد. ضمناً آهنگ پیشرفت دانش زبانشناسی و پژوهش درباره زبانهای هند و اروپایی نیز کم کم سرعت بیشتری گرفت.

اگوست شلایکر (AUGUST SCHLEICHER, 1821-1868) این اندیشه را پیش کشید که چون هریک از واژه‌های زبانهای هند و اروپایی از واژه‌ی معینی در زبان هند و اروپایی ناشی شده‌اند. قاعدتاً باید بتوان از طریق «بازسازی زبانشناختی» (LINGUISTIC RECONSTRUCTION) این واژه‌ی بنیادین را احیا کرد. مثلاً پس از تعیین برابرهای واژه‌ی «زمین» (سانسکریت: AJRAS؛ یونانی: AGROS؛ لاتین: AGER؛ گوتیک: AKRS، شلایکر چنین استدلال کرد: این فهرست و فهرست‌های مشابه آن نشان می‌دهند که در زبان گوتیک "G" تبدیل به "K" شده است ولی شکل پیشین آن "AGRAS" بوده است. همچنین همسنجی واژه‌های سانسکریت با سایر واژه‌های بنیادین هند و

اروپایی نشان می‌دهد که در سانسکریت "G" تبدیل به "J" شده است. لذا واژه‌ی بنیادین هند و اروپایی که همه‌ی این واژه‌ها از آن مشتق شده‌اند محتملاً "AGRAS" بوده است. (امروز معتقدند که این واژه‌های بنیادین "AGROS" بوده است). طی صد سال گذشته بازسازی واژه‌های بنیادین هند و اروپایی پیشرفت بسیاری کرده است و دانشمندان ریشه مشترک اکثر واژه‌های هند و اروپایی را (از طریق پیگیری پسگرایانه‌ی شکل واژه‌ها) تعیین کرده‌اند. نمونه‌ی زیر مسیر اینگونه بازسازی‌ها را در مورد واژه‌ی «زانو» در زبان فارسی و زبان آلمانی نشان می‌دهد:

۱- فارسی: زانو ← پهلوی: ZANUK ← پارسی کهن:ZANUKA ← اوستایی:SHNU ← هند و اروپایی:GENU*

۲- آلمانی: KNIE ← آلمانی میانه: KNEO ← آلمانی کهن: KNIU ← هند و اروپایی: GENU*

چون در دوران هند و اروپایی‌های اولیه (۳ تا ۴ هزار سال پیش از میلاد) الفبا و خط وجود نداشته تعیین دقیق آوا و معنی واژه‌های هند و اروپایی بنیادین فقط از روی پیگیری پسگرایانه و حدس و قیاس و مقایسه‌ی دستگاه‌های آوایی میسر است. بهمین دلیل در اکثر فهرست‌ها و کتاب‌هائی که با این موضوع سر و کار دارند جلو واژه‌های بازسازی شده این نشان «*» را می‌گذارند تا فرضی بودن واژه‌ی بازسازی شده را نشان دهند. (در کتاب حاضر نیز از این رسم پیروی شده است).

با این وجود، شماری از دانشمندان معتقدند که این واژه‌های بازسازی شده واقعاً وجود نداشته‌اند و چیزی جز نشانه‌های مصنوعی برای نشان دادن فرگشت زبان‌های مختلف نیستند. برخی دیگر از زبانشناسان معتقدند که واژه‌های بازسازی شده با پیروی از اصول اثبات شده‌ی زبانشناختی و پژوهش‌های مکرر شناسایی شده‌اند و آنقدر شبیه واژه‌های بنیادین هند و اروپایی هستند که یک زبانشناس می‌تواند (در صورت امکان بازگشت به ۶ هزار سال پیش) با هند و اروپائیان آنزمان صحبت کند. واقعیت هر چه که باشد، امروزه رسم این است که واژه‌ها از دوران معاصر تا مرحله‌ی هند و اروپایی بنیادین (یعنی حدود ۶ هزار سال پیش) پیگیری می‌شوند و اگر برای یک واژه‌ی معاصر واژه بنیادین پیدا نشود، در هند و اروپایی بودن آن واژه تردید است.

در اوائل قرن بیستم، کشف زبان‌های هند و اروپایی آسیای صغیر (به ویژه "هتیت" HITTITE و زبان‌های "تخاری الف و ب" (TOCHARIAN A, B) در کامل‌سازی شجره‌ی زبانهای هند و اروپایی و شناخت واژه‌های بنیادین کمک زیادی کرد. این زبانهای مرده (تخاری مربوط به قرن‌های هفتم تا نهم میلادی و هتیت مربوط به ۲۰۰۰ تا ۱۲۰۰ سال پیش از میلاد) بینش ما در باره‌ی زبانهای هند و اروپایی را کامل‌تر کرده‌اند. هنوز کار خواندن هزاران لوح وخشت هتیت به پایان نرسیده است

و باستان شناسان هر سال اشیاء و مدارک جدیدی را در ارتباط با هندو اروپائیان کهن ارائه می‌دهند. از این رو آینده‌ی پژوهشها وابسته به هند و اروپائیان نوید بخش است.

## شاخه‌های زبانهای هند و اروپایی

کهن‌ترین نوشتارها به زبانهای هند و اروپایی نشان می‌دهند که در حدود ۳ هزار سال پیش این زبانها به چند شاخه‌ی مختلف منشعب شده بودند. در زیر عمده‌ترین این شاخه‌ها به ترتیب قدمت متون آنها معرفی می‌گردند:

## زبانهای آسیای صغیر یا آناتولی (ANATOLIAN)

این زبان‌ها کهن‌ترین زبانهای هند و اروپایی که از آنها مدارک و نوشتار در دست داریم هستند. لوحه‌های موجود به زبان غیر هند و اروپایی آسوری (Assyrian) به مردمی اشاره می‌کنند که در مرکز آناتومی زندگی می‌کردند و طرف تجارت بازرگانان آسوری بودند. نام‌های آنان و شهرهایشان نشان می‌دهد که آنها همان هتیت‌ها و لوویان‌ها (LUWIANS) و پالائیک‌ها (PALAICS) و لیسیان‌ها (LYCIANS) که همگی هند و اروپایی بودند می‌باشند. بعلاوه از هتیت‌ها حدود ۲۵ هزار لوحه و خشت مکتوب (ترنوشته) در دست است. این خشت‌ها و لوحه‌ها به حروف میخی (CUNEIFORM) و به زبان‌های هتیت‌کهن (حدود ۲۰۰۰ تا ۱۵۰۰ پیش از میلاد) و هتیت میانه (حدود ۱۵۰۰ تا ۱۳۵۰ پیش از میلاد) و هتیت نو (حدود ۱۳۵۰ تا ۱۲۰۰ پیش از میلاد) نوشته شده‌اند. خواندن این لوحه‌ها و خشت‌ها هنوز ادامه دارد. از لوویان‌ها و پالائیک‌ها و لیسیان‌ها مدارک کمتری یافت شده است. این مدارک وابسته به دوران برنز بوده و منحصرند به نوشتارهای روی سنگ قبر و روی گنجانه‌های سفالین. وجود گورهای برجسته (KURGAN) و آثار ویرانی ساختمان‌ها و جابجایی جمعیت حاکی از این است که این ناحیه در اوائل دوران برنز (۲۶۰۰ تا ۲۷۰۰ سال پیش از میلاد) مورد هجوم یا کوچ هند و اروپایی‌ها قرار گرفته است.

## زبان‌های هندی (INDIC) یا هند و آریایی (INDO-ARYAN)

پیشین‌ترین نوشتارها به این زبانها «ریگ ودا» (RIG-VEDA) است که قدمت آن به ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد می‌رسد. «وداها» (VEDAS) و «براهمانا» (BRAHMANS) و «سوترا» (SUTRA) در سده‌های بعدی نگاشته شده‌اند. دستور زبان پانینی (PANINI) که در حدود ۵۰۰ سال پیش از

میلاد نوشته شده اولین اثری است که اصول صرف و نحو یک زبان هند و اروپایی را تشریح می‌کند. کیفیت والای این اثر در سطحی است که امروزه هم برای شناخت زبان سانسکریت از آن استفاده می‌شود. نوشتارهای هند و آریایی کامل‌ترین و پیشین‌ترین تصویر را از یک زبان کهن هند و اروپایی که فاصله‌ی آن با زبان بنیادین هند و اروپایی نسبتاً قلیل است ارائه می‌دهند. بهمین دلیل در بنیاد یابی واژه‌های مختلف زبانهای هند و اروپایی، وجود یا عدم وجود شهود هند و آریایی (به ویژه سانسکریت) اهمیت ویژه دارد. ضمناً امروزه دهها زبان (اردو، هندی، گجراتی، بنگالی، پنجابی، مراتی و غیره) که در شمال و مرکز شبیه قاره‌ی هند رواج دارند از ریشه‌ی هند و آریایی هستند و از نظر شمار سخنگویان (بیش از یک میلیارد نفر) بزرگترین خانواده‌ی زبان‌های هند و اروپایی محسوب می‌شوند. خویشی نزدیک زبانهای هندی با زبان‌های ایرانی موجب شده است که در برخی کتابها این دو خانواده‌ی بزرگ را با هم تحت عنوان «زبانهای هند و ایرانی» (INDO-IRANIAN) مورد بحث قرار بدهند. طبق برآوردی که شده (RENFRO, 193) حدود ۸۵ درصد واژه‌های ایرانی کهن و هندی کهن همریشه‌اند. پژوهشهای اخیر همچنان نشان می‌دهد که زبانهای هند و ایرانی نسبتاً دیر به جایگاه‌های فعلی خود سرایت کردند، چون تا پیش از ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد واژه‌های هندی و ایرانی در زبان‌های مردم بین‌النهرین بسیار نادراند ولی پس از آن تاریخ شمار این واژه‌ها کم کم زیاد می‌شود.

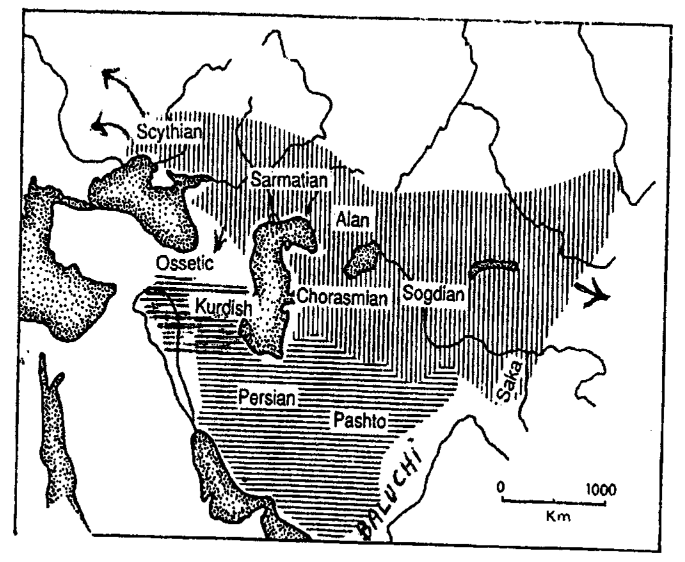
وجود واژه‌های هندی در زبانهای کهن مردم غیر آریایی بین‌النهرین موجب شده است که برخی دانشمندان معتقد شوند که کوچگران هندی قبل از ایرانیان وارد فلات ایران شده و در سرزمین وسیعی از بین‌النهرین تا شمال شبه قاره‌ی هند ماندگار شدند. سپس کوچگران ایرانی آمدند و فلات ایران را گرفتند ولی آثار و بقایای زبان هندی در بین‌النهرین بجا ماند.

## زبانهای ایرانی (IRANIAN LANGUAGES)

امروزه زبانهای ایرانی محدود به ایران و افغانستان و تاجیکستان و بخش‌های باختری پاکستان و شمال عراق و خاور ترکیه و سوریه‌اند ولی در زمانهای باستان اقوام ایرانی در سرتاسر آسیای مرکزی و سرزمین‌های شمال دریای خزر و سیاه مستقر بودند. مهارت آنان در سوارکاری و کاربرد ارابه‌ی مجهز به چرخهای پره‌دار (سبک و سریع) و زندگانی شبانی و کوچگری (یادآور ایل‌های بختیاری و لر) به آنها تحرک و گسترش پذیری شگفت‌انگیزی داده بود. ایل‌های سارماتی (SARMATIAN) نه تنها در کرانه‌های رود دانوب کوچ نشین شدند بلکه در قرن دوم میلادی برای

پاسداری مرزهای امپراتوری روم در شمال انگلستان، به استخدام رومیان درآمدند (MALLORY, 48-49). قوم ایرانی دیگر، الان‌ها (ALANS) فرانسه و اسپانیا را زیر مهمیز کشیده و در شمال افریقا کشور ایجاد کردند. در خاور دریای خزر نیز قوم ایرانی دیگر (سغدها یا سغدیان‌ها SOGDIANS) ساکن بودند ولی امروز اعقاب آنها فقط در بخشی از تاجیکستان باقیمانده‌اند. در مرکز آسیا (ترکستان چین امروزی) ساکاهای ختنی (KHOTANESE SAKA) نشیمند بودند و متون مذهبی آن دیار از قرن هفتم تا دهم به زبان آنها نگاشته شده است و اعقاب آنها امروزه در پامیر زندگی می‌کنند.

گسترش اقوام ترک زبان (سده‌های ششم تا سیزدهم میلادی) موجب آمیزش آنها با ایرانیان و جایگزینی زبان ترکی شد، بطوری که امروزه زبانهای ایرانی در سرزمین‌های خاور دریای خزر و شمال دریای سیاه برافتاده‌اند. فقط در شمال کوه‌های قفقاز اوست‌ها (OSSETES) که اعقاب الان‌ها هستند و جمعیت آنها بالغ بر حدود ۸۰۰ هزار است، به صورت جمهوری خود مختار (جزو روسیه) وجود دارند. زبان آنها (زبان اوستی) که برخی از ویژگی‌های ایرانی کهن را حفظ کرده است از نظر شناخت زبان‌های ایرانی بسیار جالب توجه است.




گسترش زبان‌ها و اقوام ایرانی تا حدود قرن ششم میلادی

(خط‌های عمود گستره‌ی پیشین اقوام ایرانی را در سرزمین‌های شمالی نشان می‌دهند و خط‌های موازی نمودار

گستره‌ی کنونی زبانهای ایرانی‌اند).

نخستین اشاره به اقوام ایرانی (مادها و پارس‌ها) در متون آسودی وابسته به قرن نهم پیش از میلاد آمده است. در این متون ذکر شده است که شاهان پارسی به «شلمنسر» (SHALMANESSER III) سلطان آسور (۸۵۸ تا ۸۲۴ قبل از میلاد) خراج می‌دادند. از فحوای این متون چنین برداشت می‌شود که مادها و پارس‌ها تازه‌واردانی بودند که قبل از حدود قرن نهم پیش از میلاد در سرزمین‌های شمال کوه‌های زاگرس نشیمند شده بودند. گیرشمن (R. GIRSHMAN) و برخی از دانشمندان دیگر معتقدند که مردمان ایرانی (در حدود ۱۲۰۰ - ۱۰۰۰ سال پیش از میلاد) از شمال دریای سیاه و از طریق قفقاز به فلات ایران راه یافتند ولی هندیان از شمال خاوری دریای خزر و از طریق آسیای مرکزی وارد فلات ایران و شمال هند شدند. وجود واژه‌های ایرانی کهن در زبانهای قفقاز و گورهای سبک کورگان (KURGAN) در شمال آذربایجان مسیر کوچ این اقوام ایرانی را نشان می‌دهد. گورهای آذربایجان (مثل کورگان‌های اوکرائین) دارای دیواره‌ی چوبی بوده و تپه‌های کوچکی بر فراز آنها قرار دارد. در درون آنها استخوان انسان و اسب و گهگاه اجاق و اسلحه وجود دارد. ضمناً مسیر قفقاز در دوران‌های تاریخی نیز توسط یک قوم ایرانی دیگر، سکاها (SCYTHIANS) مورد استفاده قرار گرفت. آنان از شمال دریای سیاه به قفقاز و از آنجا به جنوب باختری آسیا هجوم بردند.

برخی دیگر از دانشمندان (به ویژه دیاکانوف DIAKONOV) معتقدند که مسیر قفقاز به خاطر وجود کوه‌های صعب‌العبور غیرمتحمل است. ضمناً آنان همسانی‌های فرهنگ ایران باستان با فرهنگ مردم شمال دریای سیاه را ناچیزتر از شباهت‌های فرهنگی میان ایرانیان و مردمان شمال و خاور دریای خزر می‌دانند. آنان همچنین معتقدند که نبودن موانع طبیعی در سرزمین‌های خاور دریای خزر و همسانی اقلیمی این سرزمین‌ها با فلات ایران، کوچ اقوام ایرانی از مسیر آسیای مرکزی به سمت جنوب را محتمل‌تر می‌نماید. مضافاً به اینکه قبل از آنان، نیاکان هندیان نیز در همین راستا کوچ کرده بودند.

کهن‌ترین نوشتار به زبان‌های ایرانی، بخش نخست اوستا یعنی «گاتها» است. برخی این کتاب را وابسته به خود زرتشت می‌دانند و تاریخ حدود ۶۰۰ سال پیش از میلاد را برای زرتشت و کتابش قایل شده‌اند. ولی بعضی ویژگی‌های گاتها حاکی از زندگانی در آسیای مرکزی و خاور ایران در حدود ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ سال پیش از میلاد (یعنی تاریخ احتمالی کوچ ایرانیان) است. خویشی بسیار

نزدیک واژگان گاتها با واژگان کتاب هندوان (ودا VEDAS) نیز می‌تواند حاکی از این باشد که اقوام هندی و ایرانی در فاصله زمانی کمی از یکدیگر از خاستگاه هند و اروپائیان به سوی جنوب کوچ کردند. (RENFRO, 192-4)

بخش‌های دیگر اوستا در سده‌های بعدی نگاشته شده‌اند. رویهم رفته اوستای ایرانیان و ودای هندیان، باستانی‌ترین نوشتارهای هند و اروپایی بوده و پل مهمی میان زبانهای هند و اروپایی سده‌های نوین و زبان هند و اروپایی بنیادین محسوب می‌شوند. دانش ما درباره فارسی کهن بیشتر ناشی از سنگ نوشته‌ها و سکه‌ها و لوحه‌های دوران هخامنشی از سده‌ی ششم تا چهارم پیش از میلاد است ولی چون شمار اینان معدود است شمار واژگان پارسی کهن نیز بهمان نسبت محدود است. پس از گذشت زمان، پارسی کهن تبدیل به پارسی میانه (پهلوی) شد. پهلوی زبان ایرانیان در دوران ساسانی و چند دهه‌ی اول و دوران اسلامی بود. در اثر آمیزش شمار زیادی از واژه‌های عربی (و بعداً ترکی) و همچنین به‌واسطه‌ی تطور طبیعی زبان، زبان پهلوی تبدیل به فارسی نوین شد. امروزه عمده زبان‌های ایرانی عبارتند از فارسی، کردی، پشتو (یا افغانی)، بلوچی، تاجیکی، و اوستی. شمار سخنگویان به این زبان‌ها بیش از ۱۳۰ میلیون نفر است.

## زبان یونانی (GREEK)

خط نویسی در اروپا چند سده پس از آسیا مرسوم شد و نوشتارهای وابسته به هند و اروپائیان در اروپا قدمت نسبتاً کمتری دارند. بهمین دلیل (جز آثار باستانشناسی و حدسیات مورخان باستانی) اطلاع موثقی درباره کوچ هندو اروپائیان به اروپا و تاریخ آن در دست نیست.

چندین دهه قبل، کاوشگران حدود سه هزار خشت سفالی دارای نوشتار در جزیره‌ی کرت و جنوب آبخست سانه‌ی یونان پیدا کردند، شماری از این خشت‌ها که قدیمی‌ترند (بنام LINEAR A) هنوز بطور قطعی خوانده و تفسیر نشده‌اند و احتمال می‌رود که اصلاً هند و اروپایی نباشند. تعداد دیگری از این خشت‌ها (LINEAR B) که قدمت آنها به حدود ۱۲۰۰ سال پیش از میلاد می‌رسد به یکی از گویش‌های یونانی کهن به نام «مایسینی» (MYCENAEAN) نوشته شده‌اند. این نوشته‌ها و آثار باستانشناسی و وجود واژه‌های غیر هند و اروپایی (به ویژه نام مکان‌ها) در زبان یونانی کهن نشان می‌دهد که یونانیان بومیان اصلی آن سرزمین نبوده و به آنجا کوچ کرده‌اند.

بعد از حدود ۸۰۰ سال پیش از میلاد به نوشته‌های فراوانی به زبان یونانی کلاسیک (CLASSICAL GREEK) برمی‌خوریم. این متون تصویر کاملی از زبان و فرهنگ و ساختار

اجتماعی یونانیان را ارائه می‌دهند و جزو شاهکارهای ادبی و فرهنگی جهان محسوب می‌شوند. مهمترین این نوشتارها عبارتند از دو حماسه‌ی هومر به نام‌های «ایلیاد» و «اودیسه» و نمایشنامه‌ها و آثار فلسفی و تاریخی گوناگون. زبان یونانی کلاسیک به تدریج تبدیل به یونانی نوین شد. سخنگویان این زبان حدود ده میلیون نفراند.

## زبان لاتین (LATIN) یا ایتالیایی (ITALIC)

شواهد متعدد حاکی از این است که ساکنان اصلی ایتالیا غیر اروپایی بودند. «اتراسکان‌ها» (ETRUSCANS) مردمی غیر هند و اروپایی بودند که در شمال ایتالیا تمدن درخشانی به وجود آورده بودند. آثار باستانشناسی و وجود واژه‌های غیر هند و اروپایی به ویژه "اِتراسکان" در زبان لاتین نشان می‌دهد که لاتین زبانان نیز مانند یونانیان از خارج به ایتالیا کوچ کردند.

کهن‌ترین نوشتارهای هندو اروپایی در ایتالیا وابسته به حدود ۲۰۰-۳۰۰ سال قبل از میلاد است. از میان چندین گویش هند و اروپایی رایج در ایتالیای باستان، زبان لاتین (زبان شهر رم و اطراف آن) کم کم رواج بیشتری پیدا کرد و زبان امپراتوری روم (که سرتاسر سواحل دریای مدیترانه را تحت تصرف داشت) گردید. کم کم زبان لاتین در بخش‌های مختلف امپراتوری تبدیل به گویش‌های گوناگون گردید. پس از فروپاشی امپراتوری روم و قطع تماس میان نواحی لاتین زبان طی قرون وسطی، این گویش‌ها تبدیل به زبانهای «رومانس» (ROMANCE) یعنی فرانسه و ایتالیایی و اسپانیایی و پرتغالی و رومانی و غیره گردیدند. کوچگران زبان‌های رومانس را به امریکای جنوبی و مرکزی و بخشی از امریکای شمالی بردند. امروزه شمار سخنگویان این زبان‌ها به حدود ۶۰۰ میلیون نفر می‌رسد و زبان اسپانیایی (بعد از انگلیسی) یکی از عمده‌ترین زبانهای بین‌المللی شده است.

## زبان سلتی (CELTIC)

سلت‌ها (CELTS) مردمانی جنگجو بودند که از حدود ۵۰۰ تا ۵۰ سال پیش از میلاد در سرتاسر اروپای غربی (انگلیسی و فرانسه و اسپانیا) و اروپای مرکزی نشیمند بودند و لشگرهای آنان تا مرکز آسیای صغیر پیش رفتند. در اثر ورود اقوام هند و اروپایی دیگر، کم کم گستره‌ی مردم سلت زبان محدودتر شد به طوریکه امروزه زبانهای سلتی فقط در باختر اسکاتلند (زبان گیلیک GAELIC) و در ولز زبان وِلش (WELSH) و در باختر ایرلند زبان (IRISH) و در شمال فرانسه زبان برتونی (BRETON) متکلم دارد. یکی از مهمترین زبانهای سلتی، زبان ایرلندی کهن است (حدود

۶۰۰ تا ۹۰۰ میلادی). بعدها این زبان به ایرلندی میانه (۱۲۰۰ - ۹۰۰ میلادی) و سپس به ایرلندی نو (IRISH) تبدیل شد.

## زبانهای ژرمنی (GERMANIC LANGUAGES)

زبانهای ژرمنی به دو دسته بخش می‌شوند: ۱-زبانهای ژرمنی باختری: انگلیسی (که حدود ۵۰۰ میلیون نفر به آن سخن می‌گویند و زبان رسمی چندین کشور دیگر و زبان بین‌المللی جهان است)، آلمانی (۱۲۵ میلیون)، هلندی و آفریکا نیز (حدود ۳۵ میلیون). ۲-زبانهای ژرمنی شمالی یا اسکاندیناوی: دانمارکی، نروژی، سوئدی، و ایسلندی (با هم حدود ۲۰ میلیون نفر). کهن‌ترین متون ژرمنی به زبان مرده‌ی «گوتیک» (GOTHIC) نوشته شده است. گوت‌ها (GOTH) از شمال به نواحی دریای سیاه کوچ کرده بودند ولی در قرن چهارم میلادی توسط اقوام «هان» (HONS) به شبه جزیره‌ی بالکان رانده شدند. در بالکان با استفاده از الفبای یونانی، انجیل به زبان گوتیک ترجمه شد. ضمناً سنگ نوشته‌هایی به الفبای رونیک (RUNIC) از آنها در شمال اروپا کشف شده است. این زبان در قرن ششم میلادی از میان رفت ولی بررسی ساختار دستوری و واژگان آن در شناخت زبان‌های ژرمنی نوین نقش اساسی دارد. از قرون وسطی به بعد متون زیادی به انگلیسی کهن و آلمانی کهن و ایسلندی کهن در دست داریم. علاوه بر این نوشتارها، آثار نویسندگان رومی نیز اشاره‌های زیادی به مردم آلمانی نژاد دارند. «تاسیتوس» (TACITUS) مورخ رومی در حدود سال ۱۰۰ میلادی سرحد مردم آلمانی نژاد را خاور رود «راین» (RHINE) و باختر رود «ادر» (ODER) تعیین کرده است.

سه تیره از مردم ژرمن (به نام‌های: انگل‌ها ANGLES و ساکسون‌ها SAXONS و جوت‌ها JUTES) در قرن پنجم میلادی از شمال آلمان و دانمارک به انگلستان هجوم بردند و ظرف چندین دهه انگلیس را تسخیر کردند. ساکنان پیشین انگلیس یک قوم هند و اروپایی دیگر یعنی سلت‌ها بودند که به تدریج با مهاجمان آمیخته شدند. در نتیجه‌ی این آمیزش، ملت انگلیس و زبان انگلیسی کهن به وجود آمد. اطلاق واژه‌ی "انگلوساکسون" به مردمان انگلیسی زبان بهمین دلیل است. بعدها انگلیسی کهن (۴۵۰ تا ۱۱۰۰ میلادی) تبدیل شد به انگلیسی میانه (۱۱۰۰ تا ۱۵۰۰) و سپس به انگلیسی نوین (۱۵۰۰ به بعد). مشابهاً آلمانی کهن (۹۰۰ تا ۱۱۰۰) تبدیل شد به آلمانی میانه (۱۱۰۰ تا ۱۶۰۰) و آلمانی نوین (از ۱۶۰۰ به بعد). دیگر زبان‌های کهن ژرمنی عبارتند از: ایسلندی کهن یا نورس کهن (۱۱۰۰ تا ۱۶۵۰) و نوروژی کهن (۱۲۰۰ تا ۱۴۰۰ میلادی).

**زبان ارمنی (ARMENIAN)**

در گذشته تصور می‌شد که زبان ارمنی همبسته‌ی نزدیک زبانهای ایرانی است ولی امروزه بیشتر اهل فن معتقدند که ارمنی‌ها حدود هزار سال پیش از میلاد از جنوب آبخست‌سانه‌ی (یعنی شبه‌جزیره) بالکان به زیستگاه کنونی خود کوچ کردند چون علاوه بر شواهد باستانشناسی و زبانشناسی که در مسیر خود در آسیای صغیر بجاگذاشتند، بررسی‌های متعدد نشان داده است که زبان آنها با زبان یونانی خویشی نزدیکتری دارد تا با زبانهای ایرانی.

باستانی‌ترین اشاره به زبان ارمنی در کتاب هرودوت (مورخ یونانی) آمده که می‌گوید ارتش خشایارشاه (۵۱۹ تا ۴۶۵ پیش از میلاد) دارای شماری ارمنی نیز بوده است.

کهن‌ترین متن به زبان ارمنی ترجمه‌ی انجیل است که در سده‌ی پنجم میلادی انجام شده است. امروزه ارمنی‌ها که شمار آنها بیش از پنج میلیون نفر است در جمهوری ارمنستان زندگی می‌کنند ولی در گذشته‌ی نزدیک بخش بزرگی از شمال خاوری ترکیه هم ارمنی نشین بود.

**زبانهای تخاری (TOCHARIAN)**

این زبانها که امروزه معدوم هستند، مشتمل‌اند بر تخاری A (TOCHARIAN A) و تخاری B (TOCHARIAN B). بیشتر نوشتارهای تخاری عبارتند از ترجمه‌ی متون بودایی که به الفبای هندی نگاشته شده‌اند. این دو زبان که متون و آثار تاریخی وابسته به آنها حدود صد سال پیش در ترکمنستان چین (یعنی خاوری‌ترین مرکز گسترش زبانهای هندو اروپایی) کشف شد دو زبان مجزا هستند که شاید در حدود ۱۰۰۰ سال پیش از میلاد از زبان واحدی (PROTO-TOCHARIAN) شاخه گرفته باشند.

نکته‌ی جالب درباره‌ی این دو زبان این است که آنها جزو زبان‌های «ستم» (CENTUM) هستند در صورتیکه زبان‌های اطراف آنها (ایرانی و هندی) همه «ساتم» (SATEM)اند. واژه‌ی «صد» در تخاری A (KANT) و در تخاری B (KANTE) است. ضمناً خویشی این دو زبان از نظر واژگانی و ساختاری با زبان‌های ژرمنی و سلتی و یونانی بیشتر است تا با زبان‌های ایرانی و هندی. بدین دلیل برخی از دانشمندان بر این عقیده‌اند که تخاری‌ها در آغاز زیستمند مرکز اروپا بودند و به علت نامعلومی حدود سه هزار کیلومتر راه پیموده و خود را به درّه‌ی تا رم در ترکستان چین رساندند. به احتمال زیاد تاریخ این کوچ حدود ۹۰۰ تا ۸۰۰ سال پیش از میلاد بود. در حدود ۶۰۰ میلادی نواحی تورفان و دره‌ی تارم مورد تاخت و تاز اقوام ترک قرار گرفت و زبانهای تخاری (مانند زبانهای ایرانی آذربایجان و آسیای صغیر و آسیای مرکزی) جای خود را به زبان ترکی دادند.

## زبانهای اسلاویک (SLAVIC LANGUAGES)

پیشین‌ترین متن به زبان‌های اسلاوی عبارتست از ترجمه انجیل در سده‌ی نهم میلادی. این متن به زبان اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC) است. زبانهای اسلاوی نوین که همه از این زبان شاخه گرفته‌اند عبارتند از: ۱ـ زبان‌های اسلاوی خاوری (روسی،اوکرائینی، بیلوروسی). ۲ـ زبانهای اسلاوی باختری (لهستانی، چک، اسلواکی). ۳ـزبان‌های اسلاوی جنوبی (بلغاری، اسلوینی، صربی، کرواتی، مقدونی). جمع سخنگویان به این زبان‌ها حدود ۴۵۰ میلیون نفر است.

از خاستگاه نخستین اسلاوها اطلاع قطعی در دست نیست. حدس این است که آنها در شمال و شمال خاوری دریای سیاه در اثر آمیزش اقوام ایرانی (سکاها) و مردمان ناشناخته دیگر به وجود آمدند. ولی رشد آنها آنقدر سریع بود که از قرن چهارم تا قرن نهم میلادی از خاور تاکوه‌های اورال و از باختر تا مرز باختری لهستان و از جنوب تا بلغارستان و مقدونیه را تصرف کردند. تاریخ احتمالی انشعاب زبانهای نوین اسلاوی از زبان اسلاوی کهن، قرن پنجم میلادی یعنی همان دورانی است که امپراتوری روم فروریز شد و زبانهای رومانس کم کم از لاتین جدا شدند.

زبان‌های اسلاوی با زبان‌های ایرانی خویشی نسبتاً نزدیکی دارند. بسیاری از واژه‌های اسلاوی (مثلاً پارسی کهن "BAGA" به معنی و خدا اسلاوی کهن "BOGU" و یا اوستایی "SPANTA" به معنی مقدس اسلاوی کهن "SVETO") از ایرانی اخذ شده‌اند. نام‌های محلی فراوانی نیز از ریشه‌ی ایرانی هستند. مثلاً نام رودهای «دن» (DON) و «دونتز» (DONETS) و «دونپر» (DANIEPER) و شاید «دانوب» (DANUBE) از واژه‌ی ایرانی کهن ـ DANU به معنی رودخانه گرفتبه شده‌اند.

## زبانهای بالتیک (BALTIC LAGUAGES)

نوشتارهای وابسته به این زبان‌ها فقط حدود پانصد سال قدمت دارند ولی جالب این است که این زبانها از نظر آوایی و واژگانی دستخوش دگرگونی زیادی نشده‌اند و شباهت آنها با زبانهای هند و اروپایی کهن به ویژه سانسکریت و اوستایی چشمگیر است. بهمین دلیل در همسنجی‌های زبانشناسی تاریخی، وجود همریشه‌های بالتیکی (به ویژه لیتوانی) از اهمیت خاصی برخوردار است.

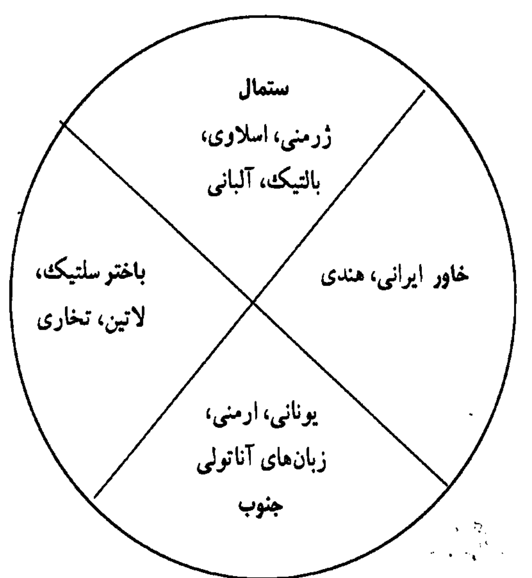
از میان سه زبان بالتیکی، زبان پروسی کهن، امروزه معدوم شده است ولی زبانهای لیتوانی (LITHUANIAN) و لتونی (LATVIAN) در جمهوری لیتوانی و لتونی رایج هستند. جمعاً حدود

شش میلیون نفر به این دو زبان سخن می‌گویند.

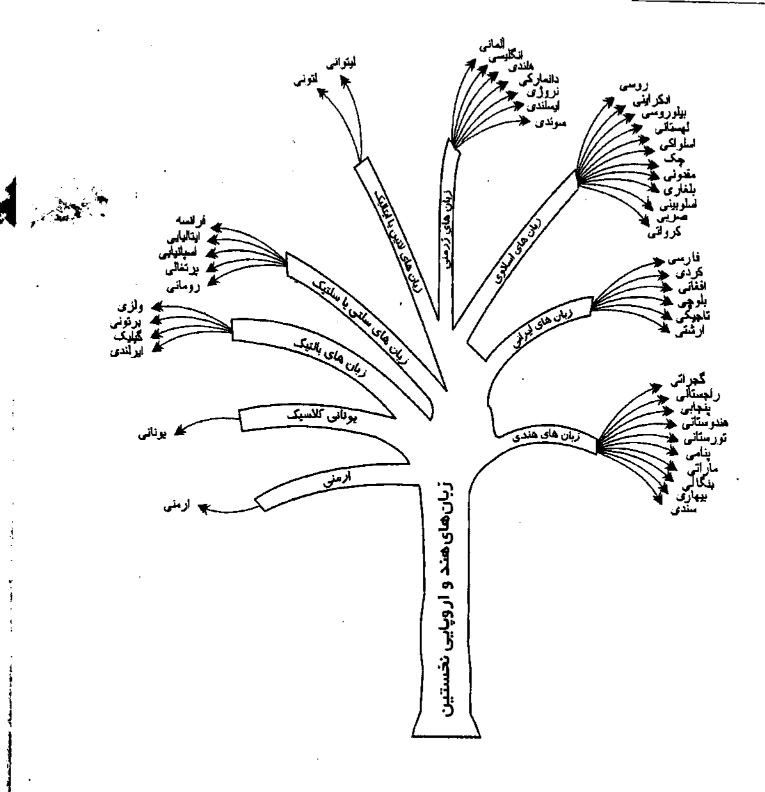
برخی از زبانشناسان زبان‌های بالتیک و اسلاوی را با هم تحت عنوان بالتواسلاویک (BALTO-SLAVIC) مورد بررسی قرار می‌دهند.

## زبان آلبانی (ALBANIAN)

نوشتارهای این زبان فقط ۵۰۰ سال قدمت دارند. این زبان در کشور آلبانی و برخی نواحی مجاور آن رواج دارد و شامل است بر دو گویش، گویش شمالی یا «کگ» (CEG) و گویش جنوبی یا «تسک»(TOSK). احتمال دارد که زبان آلبانی از زبان هندو اروپایی ایلیریان (ILLYRIAN) که در دوران باستان در همین سرزمین رواج داشته، مشتق شده باشد. امروزه حدود شش میلیون نفر به این زبان سخن می‌گویند.




تقسیم بندی زبانهای هند و اروپایی از نظر مکان جغرافیایی




نمودار درختی زبان‌های هند و اروپایی امروز

## بازسازی فرهنگ هند و اروپایی

برای بازسازی فرهنگ مردمان هند و اروپایی از دو روش استفاده می‌شود. روش اول عبارت است از مقایسه‌ی جنبه‌های مشابه فرهنگ‌های مردمان هند و اروپایی و رسیدن به این نتیجه که این همسانی‌ها از ویژگی‌های فرهنگ هند و اروپایی اولیه (PROTO-INDO-EUROPEAN CULTURE) هستند. مثلاً ویژگی‌های جنگجویان هند و اروپایی و روابط اجتماعی آنها از دیرباز مورد علاقه‌ی پژوهندگان بوده است:

ویژگی‌های این جنگجویان از هند باستان گرفته تا آلمان، یونان و روم کهن چنین بوده است. ۱ـ برابری و اخوت. ۲ـ رفتار نیمه جنون‌آمیز و سرمستانه هنگام نبرد یا تهاجم یا مراسم وابسته به

پیروزی. ۳ـ بکار بردن نماد حیوانات وحشی (به ویژه گرگ) بعنوان نشان و عامل الهام‌بخش. ۴ـ گرایش به تجاوز از حریم‌های قانونی و سنتی که اغلب موجب برخورد و اختلاف آنان با سران حکومتی و مذهبی می‌شد. انتقادی که از این روش مقایسه‌ای می‌شود این است که این ویژگی‌ها منحصر به اقوام هند و اروپایی نیست. رزم آوران سرخپوست در آمریکا و سیاهپوستان در افریقا نیز کم و بیش همین خصوصیات را دارا بودند.

روش دوم بازسازی فرهنگی عبارت است از بکارگیری اصول دیرین‌شناسی زبانشناختی (LINGUISTIC PALAEONTOLOGY). همریشگی واژه‌های زبان‌های گوناگون نشان می‌دهد که مفاهیم وابسته به این واژه‌ها در زبان هند و اروپایی نخستین هم وجود داشته و هویت فرهنگ مشترک هند و اروپائیان را مشخص می‌کنند. مثلاً واژه‌ی «گوسفند» در چند زبان هند و اروپایی چنین است: هند و اروپایی نخستین: *OWIS، سانسکریت: AVIS؛ یونانی: OIS؛ لاتین: Ovis؛ گوتیک: AWISTR؛ آلمانی کهن: OUWI؛ ایرلندی‌کهن: OI؛ آیسلندی کهن: AER؛ لیتوانی: AVINAS؛ اسلاوی کهن: OViNU. این همریشگی نشان می‌دهد که هند و اروپائیان نخستین گوسفند را می‌شناختند. پهلوی هم‌گذاری و همسنجی صدها واژه‌ی مشابه دیگر، دانشمندان را قادر کرده است که تصویر کلی فرهنگ و جامعه‌ی هند و اروپایی حدود شش هزار سال پیش را به تقریب ترسیم کنند. طبق این تصویر هند و اروپائیان برخی در یک محل ساکن بودند (به دلیل همریشگی واژه‌های وابسته به «خانه» و «قلعه» و «دهکده») و برخی گله‌دار بودند و ییلاق و قشلاق می‌کردند (به دلیل واژه‌های همریشه‌ی مربوط به «اسب» و «گاو» و «گوسفند» و «سگ» و «خوک»). همریشگی واژه‌های متعدد دیگر نشان می‌دهد که آنان دارای پادشاه و نظام حکومتی اولیه بودند و مذهب آنها بر پایه‌ی ایزدسازی عوامل طبیعی (ماه و خورشید و توفان و غیره) استوار بود. مثلاً واژه‌ی «شاه» در شش زبان کهن هند و اروپایی چنین است: سانسکریت: RAJ؛ لاتین REX؛ گالی: RIX؛ اسلاوی کهن: KRALI؛ ایرلندی کهن: RĪG؛ گوتیک: REIKS.

مثال دیگر: بسیاری از زبانها هند و اروپایی دارای واژه‌ی همریشه برای «گرگ» هستند (بازگشت به واژه‌ی گرگ در متن این کتاب). ولی در اکثر این زبان‌ها این واژه دارای معنی‌های ثانوی مشابهی نیر هست. در ایرلندی کهن به شخص «غریبه و خطرناک» می‌گفتند «گرگ آبی رنگ». در زبانهای آلمانی کهن به کسی که از قبیله طرد می‌شد می‌گفتند «گرگ». در زبان هتیت «گرگ» به کسی اتلاق می‌شد که به زنی تجاوز کرده و لذا منفور است. بنابراین شاید بتوان نتیجه گرفت که در میان هند و اروپائیان نخستین نیز هر کسی که گرگ خوانده می‌شد به نحوی منفور قبیله بوده است.

**نمونه‌ای دیگر از روش بازسازی فرهنگ و جامعه‌ی هند و اروپایی: انگارگان سه گانه**

دانشمند فرانسوی دومزیل (G. DUMEZIL) پس از بررسی واژگان همریشه به این نتیجه رسید که اساس فرهنگ و جامعه‌ی هند و اروپایی بر سه اندیشه استوار است: ۱-روحانی و یزدانی ۲-رزمی ۳-کشاورزی و بازرگانی. این انگارگان سه گانه پس از انشعاب هند و اروپائیان به زبانها و جوامع مختلف دستخوش دگرگونی سطحی شد ولی ماهیت بنیادین خود را از دست ندادند. در اسطوره‌های رومی به نام سه شاه برمی‌خوریم که یکی پس از دیگری حکومت کردند و هر یک مظهر یکی از سه اندیشه‌ی بالا بودند. ۱-نوما پامپیلیوس (NUMA POMPILIUS) که بنیانگذار گروه‌های کشیشی و آئین‌های مذهبی بود. ۲-تولوس هوستیلیوس (TULUS HOSTILIVS) که جنگاور خشن و خون‌آشامی بود. ۳-رومولوس (ROMULUS) که حامی شبانان و رمه بود و برای مردان خود همسر بدست آورد و بدینوسیله موجب ازدیاد جمعیت و رونق کشاورزی و بازرگانی شد.

همین سه گانگی در اسطوره‌های یونانی نیز دیده می‌شود: «جو» یا «ژوپیتر» (JOVE) خدای خدایان و مظهر دین بود. «مارس» یا «آریس» (ARES) خدای جنگ بود. «آتِنا» یا «مینروا» (ATHENA) الهه‌ی خرد ودانش و فنوری بود. در هند نیز سه «کست» (CASTE) به نام‌های «برهمان» BRAHMAN (روحانیون) و «کشاتریا» KASHATRIYA (جنگاوران) و «ویسیا» VAISYA (کشاورزان و شبانان و سوداگران) وجود داشتند که نقش اجتماعی آنها با الگوی سه گانه‌ی فوق مشابهت داشت. لازم به یادآوری است که در ایران باستان نیز سه طبقه‌ی اصلی عبارت بودند از: ۱-روحانیون زرتشتی ۲- جنگاوران ۳- دِهگانان.

## نهادهای بنیادین هند و اروپائیان نخستین

۱- مذهب: قبلاً گفتیم که وجود واژه‌های همریشه برای «خدا» (هند و اروپایی: *DJEWS؛ سانسکریت: DYAU؛ فارسی «دیو» و «زاوش»؛ لاتین: JU(PETER)؛ هتیت: SHUISH) نشان می‌دهد که هند و اروپائیان به خدایان اعتقاد داشتند. ولی رابطه‌ی آنها با خدایان بیشتر جنبه‌ی داد و ستد را داشت تا عشق و پرستش. انسان موظف به اجرای اعمالی بود و در مقابل خدایان متعهد به انجام اعمالی نسبت به بشر بودند. مثلاً قربانی حیوانات (وگهگاه انسان) در راه خدایان نوعی «تهاتر» بود که طبق آن طرفین متعهد به انجام کارهای مشخصی بودند.

۲- **قربانی کردن انسان وحیوان**: قربانی کردن حیوان در میان هند و اروپائیان کهن رواج داشت و امروزه نیز در میان برخی از آنها ادامه دارد. ولی هند و اروپائیان نیز (مانند اقوام سامی و

سرخپوستان امریکای مرکزی) مرتکب قربانی کردن انسان نیز می‌شدند. در متون سانسکریت در چند مورد به قربانی کردن انسان اشاره شده است. ظاهراً در نظر هندیان باستان، انسان والاترین جانداری بود که می‌توان برای تراضی خدایان قربانی کرد. در زمانهای تاریخی نیز رسم قربانی کردن انسان در میان هند و اروپائیان ادامه داشت. مورخان یونانی و رومی مکرراً و با اشمئزاز به این رسم در میان اقوام ژرمنی و اسلاوی اشاره می‌کنند. شواهد نشان می‌دهد که خود یونانی‌ها و رومیان هم در ایام کهن‌تر همین کار را می‌کردند. مثلاً در داستان جنگ تروا آمده است که آقاممنون (AGAMEMNON) فرمانده‌ی کل یونانیان، دختر خود را قربانی کرد تا خدایان باد مساعد برای حرکت ناوگان یونان بسوی تروا بفرستند. دو مورخ کهن، لیوی (LIVY) و پلوتارک (PLUTARCH) گزارش می‌دهند که حتی در قرن سوم بیش از میلاد نیز رومیان هنگام احساس خطر برای استمالت خدایان انسان قربانی می‌کردند.

**۳ـ اندیشه‌های وابسته به پس از مرگ:** بررسی‌های زبانشناسی و باستانشناسی نشان می‌دهد که هدف مذهب هند و اروپایی‌ها بیشتر تضمین رفاه و سعادت دنیوی بود و سروکار زیادی با پرسشهای فلسفی و امور فراجهانی نداشت. در اسطوره‌های ژرمن‌ها و سلت‌ها و یونانیان و رومیان، محل انسانها (حتی انسانهای خوب) پس از مرگ جایی سرد و تاریک است که در آن نه شادی وجود دارد نه امید. تصویر دنیای پس از مرگ که در آثار هومر منعکس شده نمونه‌ی خوبی است: سرزمین مردگان در زیرزمین قرار دارد و تاریک و غم‌انگیز است. حتی آشیل، قهرمان بزرگ یونانیان، پس از مرگ اظهار می‌کند که زنده بودن و نوکری کردن را به سلطنت در جهان مردگان ترجیح می‌دهد.

**۴ـ خانواده:** بررسی واژگان همریشه‌ی زبانهای هند و اروپایی نشان می‌دهد که سازگان خانوادگی آنها بر پایه‌ی خانواده (پدر و مادر و فرزندان)، خانواده‌ی گسترده (پدر بزرگ‌ها و دایی‌ها و عموها)، وایل (مرکب از چند خانواده‌ی گسترده و یک سرور) استوار بود. پدر در رأس خانواده و سرور یا پدر بزرگ در رأس ایل قرار داشت. مقام پدر به قدری اهمیت داشت که نه تنها رئیس خانواده و ایل بلکه خدایان نیز «پدر» نامیده می‌شدند. مثلاً نام خدای خدایان در لاتین این است: JUPITER (JU ← JOVE) به معنی «خدا» و PITER ← PITAR به معنی «پدر»). ساختار پدرسالاری خانواده و قبیله‌ای هند و اروپایی از طریق چندین واژه‌ی همریشه‌ی دیگر کاملاً مشهود می‌گردد:

واژه‌ای وابسته به «خانه» و «خانواده» در زبان هند و اروپایی نخستین DOM* بود. سرپرست یا رئیس خانواده DOMS-POTIS (پدر خانواده یا خانسالار) نامیده می‌شد. در برخی دیگر از زبانهای

کهن هند و اروپایی این واژه چنین است: سانسکریت: DAMPATI؛ اوستایی DENG PAITI؛ یونانی:DESPÓTES مثال دیگر واژه‌ی «نوه» است که همریشه‌های آن در زبان هند و اروپایی چنین است: هند و اروپایی نخستین: NEPOT*، سانسکریت: NAPAT؛ اوستایی NAPAT؛ لاتین: NEPOS؛ آلمانی: NEFFE؛ انگلیسی: NEPHEW؛ ایسلندی کهن:NEFI؛ ایرلندی کهن:NIAE؛ هلندی NEEF؛ ایتالیایی: NIPOTE؛ لیتوانی:NEPOTIS؛ کردی: NEVI؛ ساکسونی کهن:NEBO؛ این واژه‌های همریشه و واژه‌های مشابه دیگر رابطه‌ی خانوادگی هند و اروپائیان نخستین را بطور تقریبی مشخص می‌کنند.

۵- زناشویی: واژگان همریشه‌ی هند و اروپایی و متون کهن ایرلندی و ولزی و همچنین افسانه‌های یونانی و رومی نشان می‌دهند که هند و اروپایی‌ها دارای گونه‌ای ازدواج و مراسم زناشویی بودند که با تأیید و تحت نظر کاهنان انجام می‌شد. ضمناً ازدواج نوعی معامله هم بود: داماد یا ایل او به پدر عروس یا ایل عروس «هدیه» (مثلاً چند رأس گاو) می‌دادند. در مقابل پدر عروس موظف بود که جهیزیه عروس را تهیه کند. معمولاً مذاکرات وابسته به زناشویی طولانی بود.

ضمناً متون حقوقی گال‌ها و ایرلندی‌های کهن و همچنین حماسه‌های باستانی (مانند آثار هومر) نشان می‌دهند که رسم چند زنی نیز در میان توانگران هند و اروپایی رایج بوده است. ژول سزار (J. CAESAR) درکتاب خود (DE BELLO CALLICO)گزارش می‌دهد که تعدد زوجات در میان اعیان گال رواج داشت و اگر شوهر به طرز اسرارآمیزی می‌مرد، زن‌های او مورد شکنجه قرار می‌گرفتند. در حماسه‌ی ایلیاد (ILIAD) اثر هومر آمده است که پریام (PRIAM) شاه تروا دو زن داشت. اولی هکوبا (HECUBA) بود که برایش نوزده پسر زائید. دومی لائوتو (LAOTHOE) بود. که برایش دو پسر زایید.

۶ـ سازمان ایل و امت: همانطور که در بالا گفتیم DOM واژه‌ی «خانه» بود و واژه‌ی رئیس خانواده یا خانسالار عبارت بود از DOM-POTIS (پدر خانه یا خانسالار). همچنین واژه‌ی هند و اروپایی Wik* به معنی «ایل» یا «تیره» بکار می‌رفت و رئیس ایل WIK-POTIS (پدر قبیله) نامیده می‌شد. (برابرهای این واژه چنین‌اند ـ سانسکریت: VISHPATI؛ لیتوانی: VIESHPATS؛ اوستی:PATCAX؛ پارسی باستان:PATIXSHAYATHIYA).

یکان بزرگتر از ایل یا تیره عبارت بود از TOUTA* (ایرلندی کهن: TUATH؛گوتیک: THIUDA؛لاتین:TOTUS؛آلمانی کهن: DIOTA؛انگلیسی کهن: THEOD؛لیتوانی: TAUTA؛ایرلندی کهن:TUAH؛ پروسی کهن: TAUTO؛ فارسی: توده). ظاهراً TAUTA* به

مجموع چند ایل اتلاق می‌شد و رئیس TAUTA* که شاه شاهان بود RÉGS* نامیده می‌شد (سانسکریت: RAJ؛ لاتین: REX؛ گالی: RIX؛ گوتیک: THIUDANS).

وفاداری شخص در مرحله‌ی نخست نسبت به پدر خانواده و در مرحله‌ی بعدی نسبت به رئیس ایل بود. تبعید یا طرد از ایل شدیدترین نوع تنبیه محسوب می‌شد.

یکی از بارزترین ره‌آوردهای زبانشناسی، شناخت نقش شاه در جامعه‌ی هند و اروپایی نخستین بود. شاه یا پادشاه نقش نظامی عمده‌ای نداشت. مهمترین نقش او میانجیگری میان انسانها و خدایان بود. او نیاز انسان‌ها را (همراه با نیایش و قربانی) به خدایان اظهار می‌کرد و آنان در مقابل برکات و عنایات خود را بر انسانها ارزانی می‌داشتند. متون ایرلندی و یونانی و هندی باستان نه تنها موضوع فوق را تأیید می‌کنند بلکه حاکی از آنند که شاه با سرپرستی مراسم نیایش و دارا بودن ویژگی‌های ابر انسانی ضامن خوبی محصول و زایندگی دام‌ها و پر ماهی بودن رودها و فراوانی فرزندان و دورداری دشمنان و بیماری‌ها هم بود. نیمه خدایی بودن شاه (معمولاً یا مادرش الهه بود یا همسرش) پیامد دیگری نیز داشت: مقام او والاتر از مقام پدر و رئیس ایل بود ولی آنها را کاملاً تحت‌الشعاع قرار نمی‌داد. شاه در بالای هرم قدرت قرار داشت ولی پدر و رئیس ایل نیز هر یک اختیارات ویژه‌ی خود را داشتند و در رأس هرم‌های کوچکتری قرار داشتند.

هند و اروپائیان محتملاً دارای جرگه یا شوراهای مرکب از ریش سفیدان یا اعیان و اشراف بودند که نه تنها در بسیاری از امور مورد مشورت شاه قرار می‌گرفتند بلکه گهگاه نیز در برکنار سازی شاهان بی لیاقت نقش اساسی داشتند. مجلس سنای روم باستان (THE SENATE) و شورای گروسیا (GEROUSIA) در یونان باستان و سینگا(THINGA) در آلمان کهن تداوم این رسم را در سده‌های بعدی نشان می‌دهند. در میان ایلات ایران (به ویژه در میان لرها و کردها) نیز رسم تشکیل شورا جهت رایزنی و اتخاذ تصمیمات مهم از دیرباز رایج بود.

**۸ـ برده‌داری:** تقریباً همه‌ی دانشمندان بر این عقیده‌اند که هند و اروپائیان برده‌دار بودند و زنان بیشتر برده‌های آنها را تشکیل می‌دادند. شاید علت این باشد که در روزگاران کهن که راه برده گیری جنگ و پیروزی بر دشمن بود. نگهداری بردگان مرد مخاطراتی را بهمراه داشت. (شورش بردگان به سرکردگی اسپارتاکوس SPARTACUS که پایه‌های امپراتوری روم را به لرزه درآورد، نمونه‌ی خوبی از این مخاطرات است). لذا رسم بر این بود که مردان و پسران را بکشند و زن‌ها و دختران را به اسیری ببرند. از این اسیران یا بردگان هم بعنوان همخوابه و هم خدمتکار استفاده می‌شد. در آثار هومر یونانی آمده است که بردگان زن مسئول انجام کارهای شاق (مثلاً آرد کردن گندم و جو

با آسیاب دستی) بودند. وقتی یونانیان شهر تروا راگشودند، زنان خانواده سلطنتی (مثلاً اندروماک ANDROMACHE و کاساندرا CASSANDRA) همه به اسارت گرفته شدند ولی مردان و حتی پسر بچه‌ها (مثلاً استیاناکس ASTYANAX) را از دم تیغ گذراندند.

۹ـ رزمجویی: ویژگی دیگر هند و اروپائیان جنگاوری بود. مردمی که طی چند سده از کوه‌های پامیر و آسیای مرکزی و هند تا اسکاندیناوی و بریتانیا و اسپانیا (نیمی از آسیا و همه‌ی اروپا) را اشغال کردند نه تنها از برتری فنی (اسب و ارابه) برخوردار بودند بلکه از نظر جنگجویی و رزم‌آرایی نیز بر دیگران برتری داشتند چون گسترش سریع در چنین سرزمین‌های وسیعی بدون تفوق نظامی غیر متحمل است. ظاهراً در جامعه‌ی هند و اروپائیان هر مرد هم کشاورز یا شبان بود و هم رزم‌آور، هم عضو خانواده و هم مدافع آن. این ویژگی در جوامع هند و اروپایی بعدی نیز دیده می‌شد. در روم باستان، هنگام جنگ کشاورزان عادی تبدیل به سربازان ماهر می‌شدند. در اسپارت (SPARTA) اکثر مردان سرباز بودند و بردگان و زنان کشاورزی و دامداری می‌کردند.

بررسی قهرمانان حماسه‌های هومر و فردوسی و ورجیل (VIRGIL) و همچنین اسطوره‌های یونانی و رومی و ایرانی و هندی و آلمانی و ایسلندی ویژگی‌های مشترکی را آشکار می‌کند. دلاوران هند و اروپایی تنها بخاطر زمین و ثروت جنگ نمی‌کردند. انگیزه‌ی اصلی آنها بدست آوردن افتخار ابدی بود. آنان با پیروی از آرمان‌هایی که در صدر آن جوانمردی و مروت و شجاعت قرار داشت در پی آن بودند که با به خطر انداختن جان خود (حتی با از دست دادن آن) بتوانند برای همیشه با افتخار در یاد مردمان خود باقی بمانند. رستم قهرمان حماسه‌ی شاهنامه در زمره‌ی اینگونه قهرمانان است. بیوولف (BEOWULF) و رولند (ROLAND) و ده‌ها دلاور حماسی دیگر همین‌سان بودند. شاید بهترین نمونه‌ی این دلاوران هند و اروپایی آشیل (ACHILLES) قهرمان حماسه‌ی ایلیاد باشد که می‌گوید «اگر اینجا بمانم و با مردم شهر تراوا جنگ کنم، زنده به دیار خود برنخواهم گشت ولی افتخار ابدی خواهم داشت. از سوی دیگر، اگر به میهن خود برگردم عمر طولانی خواهم داشت ولی هرگز به افتخار جاودانی نخواهم رسید. (ILIAD, 9, 412-418). آشیل به جنگ پشت دروازه‌های تروا ادامه داد تا کشته شد. او هم مانند دیگر قهرمانان هند و اروپایی در پی نام نیک بود نه سرای زرنگار.

۱۰ـ لبیدی (نقالی): در حماسه‌های کهن هند و اروپایی (مثلاً حماسه‌های یونان و روم و نورس و ایرلند و انگلوساکسون و ایران باستان) به مردانی برمی‌خوریم که نه تنها گنجینه‌ی دانسته‌ها و تاریخ مردم خود هستند بلکه کاهن و حکیم و داور و دادگر نیز می‌باشند. دمودکوس (DEMODOCUS)

شاعر و داستان گزار دربار شاه السینوس (ALCINOUS) در حماسه‌ی ادیسه (ODYSSEY) نمونه خوبی از اینگونه لبیدهاست. گستردگی و تداوم حرفه‌ی لبیدی در میان ملت‌های هند و اروپایی نمایشگر این احتمال است که هند و اروپائیان نخستین دارای لبیدانی بودند که قبل از اختراع الفبا و خط نویسی، افسانه‌ها و تاریخ مردم خود را در حافظه‌ی خود جا داده و در بزم‌ها یا مراسم رسمی با صدای موزون می‌خواندند. آنها بمنزله گنجینه‌ی حافظه‌ی همگانی قوم خود بودند و نقالی آنان نه تنها مردم را به سرگذشت نیاکان و تاریخ خود آشنا می‌کرد بلکه وظایف آنها را یادآور شده و روحیه‌ی آنها را برای برخورد با دشواری‌های زندگی تقویت می‌کرد.

تا چند قرن پیش نیز لبیدان در میان اکثر اقوام هند و اروپایی وجود داشتند. برای مثال، در فرانسه و اسپانیای قرن‌های یازدهم و دوازدهم میلادی مینسترل‌ها (MINSTRELS) و تروبادورها (TROUBADORS) شعر عشقی یا رزمی می‌سرودند و در بزم‌ها با صدای آهنگین می‌خواندند. امروزه شمار لبیدها بسیار کم شده است ولی باز هم در برخی نقاط به آنها برمی‌خوریم. در برخی از نواحی ایران و افغانستان و صربستان هنوز هم کسانی هستند که از راه نقالی امرار معاش می‌کنند ولی البته ارج اجتماعی آنها با مقام والای لبیدهای باستانی قابل مقایسه نیست. متاسفانه اختراع رادیو و تلویزیون کار لبیدهای قهوه‌خانه‌های ایران و افغانستان را آنقدر کساد کرده است که شاید تا چند دهه‌ی دیگر همه ناپدید شوند.

## اهمیت شناخت زبانهای هند باستان در شناخت زبانهای ایرانی

بررسی نوشتارهای اوستایی و پارسی کهن از یک سو و متون سانسکریت و هندی باستان از سوی دیگر نشان می‌دهد که این دو تیره از مردم هند و اروپایی در اوائل کوچ خود به فلات ایران و هندوستان به یک زبان واحد تکلم می‌کردند ولی در اثر گذشت زمان کم کم دارای دو گویش و سپس دارای دو زبان جداگانه شدند.

پیشین‌ترین نوشتارها به زبانهای ایرانی عبارتند از متون اوستایی (به ویژه گات‌ها) و پارسی کهن. دانش ما درباره‌ی پارسی کهن محدود است به شمار کمی سنگ نوشته و خشت سفالی که به واتگان میخی نگاشته شده‌اند. این نوشتارها اطلاع کمی درباره‌ی پارسی کهن و واژگان آن ارائه می‌دهند. نوشتارهای اوستایی بسیار متعددترند و نمای کامل‌تری از زبان ایرانی کهن را نمایان می‌سازند. ولی این نوشتارها هم از نظر شمار و گویایی به پای متون هندی باستان (VEDIC, SANSKRIT) نمی‌رسند.

نوشتارهای هندی باستان با حروف آوایی ساده و دقیق نگاشته شده و ویژگی‌های دستوری و واژگانی این زبان را به بهترین وجه نشان می‌دهند. مزیت دیگر این نوشتارها این است که آنها نه تنها کهن‌ترین نوشتار به یک زبان هند و اروپایی هستند بلکه به خاطر خویشی و همسانی زیادی که با زبان‌های ایرانی کهن دارند می‌توانند رهنمون‌های خوبی برای روشن سازی برخی از نکات و ویژگی‌های ناشناخته‌ی زبانهای ایرانی کهن باشند. مثلاً میزان همسانی سانسکریت و اوستایی به اندازه‌ای است که برخی از واژه‌ها و جمله‌های سانسکریت کاملاً مشابه برابرهای اوستایی خود هستند. بهمین دلیل در متن این کتاب پس از واژه‌ی فارسی و ریشه‌ی هند و اروپایی و ریشه‌های ایرانی کهن و واژه‌های زبانهای ایرانی دیگر، اولین زبان خارجی که از آن شاهد آورده می‌شود زبان سانسکریت است.

## زبانهای ایرانی کهن از دیدگاه متون باستانی

کهن‌ترین نوشتارهای ایرانی کهن به اوستایی و پارسی کهن هستند. اوستایی زبان متون زرتشتی است. بخش قدیمی‌تر آن (گاتها) در سده‌های یازدهم تا ششم پیش از میلاد یعنی دوران کوچ ایرانیان به فلات ایران، تصنیف شده است. بخش متأخرتر اوستا «یسنا» (YASNA HAPTANHATI)نام دارد و شامل هفت فصل است. یسنا از گاتها بسیار بزرگتر است و حاوی سرودهای نیایش‌آمیز بنام «یشت‌ها» (YASHTS) و وردهایی برای طرد دیوها بنام «ویدیوداد» (VIDEVDAD) است. متن موجود اوستا در سده‌های نخست بطور شفاهی حفظ می‌شد و در دوران ساسانیان (۲۲۴-۶۵۱ میلادی) به رشته‌ی تحریر درآمده است.

زبان پارسی کهن کمی متأخرتر از زبان اوستایی است و اصولاً از نظر گویش با اوستایی فرق دارد. همانطور که در پیش گفته شد، نمونه‌های معدود این زبان در سنگ نوشته‌های دوران هخامنشی و سلوکی (به خط میخی) و در تعدادی خشت‌های سفالی یافت می‌شود. در برخی متون مردمان بین‌النهرین نیز شمار اندکی واژه‌های پارسی کهن به طور جسته گریخته ذکر شده است.

در دوران اشکانیان و ساسانیان زبان‌های ایرانی کهن به تدریج تبدیل به زبان‌های ایرانی میانه شدند. مهمترین این زبان‌ها عبارتند از: فارسی میانه یا پهلوی (که محتملاً از پارسی کهن مشتق شده است)؛ پارتی (زبان مردم سرزمین‌های شمال خاوری فلات ایران)؛ ختنی (KHOTANESE)؛ تومشوگی (TUMSHUGUESE)؛ سغدی (SOGDIAN)؛ باکتریایی (BACTRIAN)؛ خوارزمی (CHORESMIAN)؛ سارماتی (SARMATIAN). برخی از این زبان‌ها مرده‌اند و بقیه (مانند همه‌ی

زبانی‌ها) دستخوش دگرگونی شده‌اند.

هجوم اعراب و استیلای طولانی آنها بر فلات ایران بزرگترین عامل دگرگونی آوایی و واژگانی زبانهای ایرانی بود. هجوم اقوام ترک و تاتار نیز نه تنها موجب نابودی زبان‌های ایرانی در آسیای مرکزی و آذربایجان شد بلکه زبان‌های ایرانی موجود را نیز تحت تأثیر قرار داد. در نتیجه، امروزه حدود نیمی از واژگان زبان فارسی عربی یا ترکی است. در چند دهه‌ی اخیر نفوذ فرهنگی وعلمی و فنوری کشورهای غربی نیز زبان‌های ایرانی را با موج جدیدی از واژه‌های انگلیسی و فرانسه و غیره مواجه کرده است. ولی علیرغم همه‌ی پستی و بلندی‌ها، زبان‌های ایرانی امروز (فارسی، کردی و بلوچی و پشتو و غیره) ماهیت نهادین هند و اروپایی خود را حفظ کرده و یکی از شاخه‌های پویای خانواده‌ی بزرگ زبان‌های هند و اروپایی را تشکیل می‌دهند.

## آرمان این کتاب

هدف این کتاب بررسی واژه‌های ناب پارسی و ردیابی مسیر آنها از زبان هند و اروپایی نخستین به زبان‌های اوستایی و پارسی کهن و پهلوی و بالاخره فارسی نوین است. همانطور که در پیش ذکر شد، نوشتاری از هند و اروپایی نخستی (PROTO-INDO-EUROPEAN) در دست نیست چون در آن هنگام هنوز الفبا اختراع نشده بود. ولی بررسی واژگان کهن‌ترین متون سانسکریت و اوستایی و یونانی و لاتین و اسکاندیناوی، پژوهشگران را قادر کرده است که تصویر کلی زبان هند و اروپایی نخستین را ترسیم نمایند. در چند دهه‌ی اخیر نیز زبانشناسان توانسته‌اند از راه همسنجی واژه‌های هم معنی و همریشه (COGNATES) و همسانی آوایی (SOUND CORRESPONDENCE) و شناخت دگرگونی‌های آوایی در زبان‌های گوناگون، واژه‌های هند و اروپایی نخستین را «بازسازی» کنند. تاکنون صدها واژه‌ی هند و اروپایی نخستین بازسازی شده‌اند و این واژه‌ها که در سابق «حلقه‌ی مفقود» زبانشناسی تاریخی محسوب می‌شدند، کار «نیایابی» و ردیابی واژه‌های هند و اروپایی را آسان‌تر کرده‌اند.

در برخی از کشورهای اروپایی و آمریکایی، ردیابی واژه‌ها تا سرچشمه‌ی هند و اروپایی آنها از دیرباز آغاز شده است. مثلاً در زبان انگلیسی صدها کتاب و مقاله و واژه‌نامه در این باره منتشر شده است و علاقمندان می‌توانند با مراجعه به یکی از آنها، ریشه‌ی اکثر واژه‌های انگلیسی را تا سرچشمه‌ی هند و اروپایی آنها ردیابی کنند. در سایر زبان‌های اروپایی نیز (به ویژه آلمانی و فرانسه) اینگونه

پژوهشها از مدتها پیش آغاز شده است.

نخستین پژوهشهای واجریشه‌شناسی در زبان‌های ایرانی به طور اعم و زبان فارسی به طور اخص توسط دانشمندان برونمرزی (بارتولومه، یونکر، هنینگ، نیبرگ) در چند دهه قبل آغاز شد. استادان ایرانی نیز (به ویژه معین و خانلری و پورداود) با بهره گیری از پژوهشهای برونمرزیان این پژوهش‌ها را ادامه داده و برای فارسی‌زبانان و به زبان فارسی ارائه داده‌اند. ویراست فرهنگ برهان قاطع که به اهتمام مرحوم دکتر معین در سال ۱۳۳۵ در پنج جلد چاپ شد نمونه‌ی خوبی از اینگونه پژوهشها محسوب می‌شود. در پانوشت‌های این کتاب بسیاری از واژه‌های فارسی ناب تا حد اوستایی وگهگاه تا حد پارسی‌باستان و پهلوی ردیابی شده‌اند و معمولاً واژه‌های همریشه‌ی آنان در زبان‌های کردی و پشتو و بلوچی و غیره نیز داده شده است. در برخی از موارد واژه‌ی همریشه در زبان سانسکریت هم ذکر شده است. چون در ردیابی واژه‌ها، مرحوم معین با دقت و امانت کامل مراجع خود را ذکر می‌کند، کتاب او عملاً خواننده را از پسگشت به مأخذ او (که برخی امروزه نایاب هستند) بی‌نیاز می‌کند.

ولی کتاب‌هایی که تاکنون به فارسی نگاشته شده است دو مطلب مهم را مورد مطالعه قرار نمی‌دهند: ۱-برابر نمایی واژه‌های فارسی و دیگر زبان‌های ایرانی با زبان‌های اروپایی (مثلاً یونانی و لاتین و آلمانی و انگلیسی و فرانسه) ۲-پیگیری واژه‌های فارسی نوین نه تنها تا اوستایی و پارسی کهن بلکه تا سرچشمه‌ی هند و اروپایی آنها. در آن سرچشمه همه زبان واحدی را تشکیل می‌دادند که طی قرن‌ها تبدیل به زبان‌های کنونی شده‌اند. تنها از راه نشان دادن خویشاوندی واژه‌های ایرانی با واژه‌های دیگر زبان‌های هند و اروپایی و ردیابی همه‌ی آنها تا سرچشمه‌ی هند و اروپایی است که خواهیم توانست تصویر کاملی از زبان فارسی و تطور آن داشته باشیم.

تا آنجائیکه می‌دانم، این کتاب نخستین پژوهش گسترده‌ای است که به منظور ردیابی واژه‌های فارسی تا سرچشمه هند و اروپایی آنها به زبان فارسی انجام شده است. مرحوم پدرم، دکتر عباس آریان پور کاشانی، سال‌های آخر عمر خود را وقف پژوهش در باره‌ی رابطه‌ی زبان فارسی با دیگر زبان‌های هند و اروپایی نمود. بخشی از پژوهش‌های او تحت عنوان «برگزیده‌ای از زبان‌های آریایی» در مقدمه‌ی فرهنگ نوین پیوسته فارسی-انگلیسی و انگلیسی-فارسی. انتشارات مزدا، لوس آنجلس، ۱۹۸۶) چاپ شده است. هدف ایشان بیشتر نشان دادن خویشی فارسی با زبان‌های اروپایی بود و رابطه‌ی واژه‌های فارسی با هند و اروپایی نخستین را شامل نمی‌شد.

در چند دهه‌ی اخیر رابطه‌ی زبانهای اروپایی با یکدیگر به طور کامل مورد بررسی قرارگرفته

است و کسانیکه با یکی از زبان‌های اروپایی (به ویژه آلمانی یا انگلیسی یا فرانسه) آشنایی داشته باشند می‌توانند از یکی از آثار متعدد در این زمینه استفاده کنند.

رابطه‌ی زبانهای ایرانی با یکدیگر نیز (همانطور که در بالا گفته شد) در آثار دانشمندانی همچون بارتولومه و معین بطور نسبتاً کامل بازتاب شده است. کوشش من در کتاب حاضر این بوده است که توجه خود را بیشتر متوجه سه کار بکنم.

اول - بهره گیری کامل از پژوهش‌های پیشین و منعکس سازی آنها به طور کوتهوار.

دوم - برابریابی و تطبیق واژه‌های ایرانی با واژه‌های سانسکریت از یک سو و واژه‌های اروپایی از سوی دیگر. در مورد بسیاری از واژه‌های کتاب حاضر این تطابق‌ها قبلاً توسط دیگران انجام شده است و من با سپاسمندی و ذکر هر یک از مراجع خود، از این پژوهشها بهره گرفته‌ام. ولی چون بیشتر این پژوهش‌ها توسط برونمر زبانی انجام شده که تسلط کافی به زبان فارسی نداشته‌اند، اغلب فهرست‌های آنها فاقد برابرهای فارسی نوین هستند. اصولاً پژوهشهای ایشان از دیدگاه یک زبان اروپایی انجام شده است نه از دیدگاه زبان فارسی و ارائه‌ی الفبایی واژه‌های فارسی بعنوان سرواژه.

به همین دلیل بخش عمده‌ی کوشش من در این کتاب صرف یافتن واژه‌های فارسی نوین که با واژه‌های اروپایی همریشه‌اند شده است. دشواری عمده در این مورد عبارت است از تغییر معنی واژه‌ها در زبانهای مختلف. مثلاً دو واژه‌ی «بُز» فارسی و BUCK انگلیسی و یا دو واژه‌ی «پوسیدن» فارسی و FOUl انگلیسی همریشه‌اند ولی معنی‌های آنها یکی نیست. واژه‌ی «دیو» فارسی با واژه‌ی DIEU در فرانسه همریشه است ولی در فرانسه این واژه یعنی «خداوند» در صورتیکه در فارسی این معنی را ندارد.

دشواری دیگر این است که برخی شباهت‌ها اتفاقی هستند. مثلاً واژه‌ی لاتین ـPONEU (به معنی دمیدن) بسیار شبیه واژه‌ی ـ PNIW (در زبان سرخپوستان ایالت اورگان در امریکا) است ولی این دو واژه اصلاً با هم همریشه نیستند.

دشواری دیگر این است که شباهت برخی واژه‌های دو زبان ممکن است به خاطر این باشد که یکی از آنها این واژه را از زبان دیگر قرض کرده است.

دشواری نهایی دگرگونی آوایی است. مثلاً واژه‌ی «خریدن» فارسی با واژه‌ی KAUFFN آلمانی همریشه است. همینطور واژه‌ی فارسی «دندان» با واژه‌ی آلمانی ZAHN همریشه است ولی دگرگونی تلفظ آنها، شناخت خویشی نزدیک آنها را مشکل می‌کند.

با وجود همه‌ی این دشواری‌ها کوشیده‌ام که تا آنجا که از دستم برمی‌آمده همه‌ی واژه‌های

همریشه‌ی هند و اروپایی را در این کتاب گردآوری نمایم ولی لازم می‌دانم توجه خواننده را به یک نکته جلب کنم: شمار واژه‌هائی که همریشگی آنها با زبان‌های دیگر برای اولین بار در این کتاب داده شد کم نیست. پژوهشهای پیشاهنگانه معمولاً هم راهگشا هستند و هم محتمل به داشتن لغزش. امید من این است که در آینده پژوهشگران دیگر بتوانند کارهای انجام شده در این کتاب را پالوده‌تر و مسجل‌تر کنند و بر گسترش آن بیافزایند. این تازه اول کار است.

سوم - بخش دیگری از کوشش‌های من در این کتاب صرف یافتن ریشه‌های هند و اروپایی واژه‌های فارسی شده است. این کاری است که قبلاً انجام نشده بود و انجام آن مستلزم صرف وقت زیاد و مراجعه به متن‌های فارسی و انگلیسی و فرانسه و اسپانیایی و آلمانی بود. آنچه که در مورد رابطه‌ی واژه‌های فارسی و هند و اروپایی نخستین در این کتاب انجام شده به دو دسته بخش‌پذیر است: ۱- واژه‌های فارسی که ریشه‌ی هند و اروپایی آنها توسط دیگران (به ویژه دانشمند آلمانی جولیوس پکرنی POKORNY) داده شده است. بیشتر ردیابی این کتاب از این دسته است. ۲- واژه‌های فارسی بسیاری که ریشه‌ی هند و اروپایی آنها برای نخستین بار در این کتاب ارائه شده است. مسئولیت صحت ردیابی‌های دسته دوم مستقیماً به عهده‌ی من است. البته هر کجا که کاملاً مطمئن نبوده‌ام با بکار بردن «شاید» در جلو واژه به خواننده هشدار داده‌ام. امید غائی من این است که در این زمینه هم پژوهشگران آینده بتوانند کاری راکه این کتاب آغاز کرده است دنبال کنند و جایگاه راستین زبان فارسی در درخت خانوادگی زبان‌های هند و اروپایی را مشخص‌تر و کامل‌تر نمایند. این کتاب فقط گامی در این سفر دراز و پر شگفتی است.

## برخی از ویژگی‌های دیگر این کتاب

۱-در این کتاب از ذکر معنی(های) هر واژه خودداری شده است. علت این است: واژه‌های هند و اروپایی نخستین (مانند واژگان هر زبان دیگر) هر یک دارای معنی (یا معانی) خاصی بودند. ولی تعیین این معنی‌ها با ابهام فراوان همراه است چون اگر در زبان‌های هند و اروپایی امروزین واژه‌های همریشه همه دارای معنی همسانی بودند آنگاه می‌توانستیم با اطمینان بیشتر نتیجه بگیریم که در هند و اروپایی نخستین هم همین معنی را داشته‌اند. ولی به استثنای موارد معدود (مثلاً واژه‌ی «مادر» یا «گاو» یا «یوغ») معنی واژه‌های همریشه در زبانهای هند و اروپایی امروزی کاملاً یکی نیست. گذشت زمان و برخورد با پرگیرها و گیاهان و جانوران متفاوت موجب دگرگونی واژه‌ها شده است. مثلاً ریشه‌ی هند و اروپایی KEK* یا KAK* در فارسی نوین شده است «سخت»، در

سانسکریت شده است SAKNOTI (به معنی توانستن)، در ایرلندی کهن شده است CÉCHT (به معنی قدرت). پکرنی (POKORNY, 522) معتقد است که شاید واژه‌های انگلیسی HATCH و آلمانی HECKEN (به معنی هستی دادن و یا روی تخم نشستن و جوجه آوردن) نیز از همین ریشه باشند. مثال دیگر: هند و اروپایی DHEIGH* در فارسی نوین شده است «دژ»، در سانسکریت شده است DEHA (به معنی دیوار)، در آلمانی کهن شده است TEIG (به معنی خمیر)؛ در یونانی شده است TOICHOS (به معنی کِل)، در ار منی شده است DEZ (به معنی توده). البته تعیین معنی واژه‌های امروزین نسبتاً آسان است ولی هر چه عقب برویم تعیین معنی دشوارتر و آمیخته با ابهام بیشتری می‌شود. لذا در این کتاب تاکید روی ردیابی واژه‌های فارسی تا سرچشمه‌ی هند و اروپایی آنها و همچنین نشان داد خویشی واژه‌های فارسی با واژگان سایر زبانهای هند و اروپایی است. معنی واژه‌های مختلف فقط در برخی موارد صرفاً به منظور نشان دادن برخی جنبه‌های معنایی واژگان هند و اروپایی آورده شده‌است.

۲ـ مراجع متعدد این کتاب هر یک برای نشان دادن املا و آوای واژه‌ها از نشانه‌ها و حروف متفاوتی استفاده می‌کنند. در این کتاب کوشش شده است تا حد امکان املای واژه‌ها یکدست بشود. فقط در موارد نادر که تفاوت املایی حاکی از دو تلفظ مختلف است یک واژه‌ی بخصوص به بیش از یک صورت املا شده است.

۳ـ در این کتاب:

به جای Č از CH استفاده شده است.

به جای Š از SH استفاده شده است.

به جای θ از TH استفاده شده است.

به جای Ž از ZH استفاده شده است.

برای آوای «خ» از X استفاده شده است.

برای آوای «آ» از Ā استفاده شده است.

برای آوای "آ" (مثلاً در "آرج") از A استفاده شده است.

برای آوای «او» (مثلاً «و» در «خوب») از Ū استفاده شده است.

۴ـ املای واژه‌های هند و اروپایی نیز در کتابهای مختلف متفاوت است. در این کتاب بیشتر از طرز املای The BARNHART DICTIONARY OF ETYMOIOGY استفاده شده است. ضمناً چون این واژه‌ها از راه بازسازی به وجود آمده‌اند. طبق رسم معمول جلو آنها یک ستاره (*)

قرار گرفته است.

## روش پیگیری واژه‌ها در زبان‌های گوناگون

روش معمول برای ریشه‌یابی واژه‌ها (که در این کتاب نیز از آن پیروی شده) چنین است:

۱- ریشه‌یابی باید از بررسی شکل‌های کنونی واژه آغاز شود و تا حد و اجریشه‌ی هند و اروپایی به عقب برود (فارسی نوین ← پهلوی ← پارسی باستان ← اوستایی ← هند واروپایی). ضمناً واژه‌های همریشه در دیگر زبانهای ایرانی و همچنین واژه‌های همریشه در دیگر زبان‌های هند و اروپایی نیز باید داده شود.

البته انجام این کار همیشه میسر نیست. مثلاً شمار واژه‌های باقی مانده از پارسی باستان معدود است و در اکثر موارد نمی‌توان شاهدی از آن زبان ارائه داد از سوی دیگر، در اثر گذشت زمان برخی از زبانهای هند و اروپایی بعضی از واژه‌های همریشه را از دست داده‌اند. با این وجود این اصل را باید همیشه در نظر داشت: هر چه شمار واژه‌های همریشه‌ی ارائه شده بیشتر باشد، صحت و اجریشه یابی مسجل‌تر است.

۲- باید واقعیت‌های تاریخی و جغرافیایی را در نظر گرفت. مثلاً شباهت یک واژه‌ی ژاپنی با یک واژه‌ی پارسی باستان یا شباهت یک واژه‌ی انگلیسی کهن با یک واژه‌ی تبتی یا ظاهری و اتفاقی است و یا واژه از یک زبان به زبان دیگر به عاریت گرفته شده است چون زبانهای پارسی باستان و انگلیسی کهن هند و اروپایی هستند در حالی که زبان‌های ژاپنی و تبتی غیر هند و اروپایی می‌باشند. ضمناً فاصله‌ی جغرافیایی زیاد و نبودن رابطه میان این زبانها در عهد کهن نیز امکان هر گونه همریشگی را نفی می‌کند.

۳- باید اصول آوایی و قوانین دگرگونی آوایی در زبان‌های گوناگون را مد نظر داشت. مثلاً چون حرف آغازین C در واژه‌های انگلیسی کهن تبدیل به H شده است می‌توان نتیجه گرفت که واژه‌ی لاتین C$\bar{E}$LARE و واژه انگلیسی کهن HELON (به چَم «پنهان کردن») همریشه‌اند ولی واژه‌ی لاتین $\bar{C}$URA با واژه‌ی انگلیسی کهن CEARU (انگلیسی نوین CARE) علیرغم شباهت ظاهری، همریشه نیست.

۴- در همسنجی و ریشه‌یابی واژه‌ها باید تمام اجزاء واژه را مورد بررسی قرار داد و هر گونه دگرگونی آوایی را طبق قوانین فونتیک توجیه کرد.

۵- توضیحات افسانه مانند درباره‌ی ریشه‌ی واژه‌ها را باید با شک و تردید فراوان مورد

بررسی قرار داد. این گونه توضیحات که معمولاً همراه با یک داستان ارائه می‌شوند جالب‌اند ولی افسوس که درست نیستند! مثلاً گفته می‌شود که وجه تسمیه «تبریز» این است که در آنجا شاهزاده‌ای که سخت بیمار بود خوب شد و تب او «ریخت» و لذا نام شهر را «تبریز» نهادند! باید پرسید قبل از این رویداد نام تبریز چه بود؟

## امید برای پژوهشهای آینده

همانطور که در بالا گفته شد، این کتاب عبارت است از گامی نخستین در راه یافتن همه‌ی واجریشه‌های هند و اروپایی زبان فارسی. گام‌های نخستین معمولاً خالی از کاستی و لغزش نیستند. امید من این است که پژوهشگران دیگر به تدریج کاستی‌ها را برطرف کرده و فرهنگ‌های کاملتری از ریشه‌های هند و اروپایی زبان فارسی ارائه دهند.

هنوز صدها واژه‌ی ناب فارسی وجود دارند که یافتن واجریشه‌ی هند و اروپایی آنها به بن‌بست برخورده است. برای مثال به واژه‌های زیر توجه کنید:

۱- واژه‌ی «هاله» (یونانی: ALOS؛ لاتین:HALOS ؛ انگلیسی: HALO؛ فرانسه: HALO ؛ آلمانی: HOF) از کجا آمده و اجریشه‌ی هند و اروپایی آن چیست؟

۲- آیا واژه‌ی «شور» (پهلوی: SŌR) با واژه‌های انگلیسی:SOUR و آلمانی: SAUER (واجریشه‌ی هند و اروپایی:SUROS* - POKORNY: 1039) همریشه است؟

۲- واژه‌ی «لوچ» فارسی با واژه‌های LOUCHE فرانسوی و LUSCUS لاتین همسانی جالبی دارد. آیا این همسانی اتفاقی است؟

۳- واژه‌ی «گور» با واژه‌های انگلیسی GRAVE و آلمانی GRAB همسانی چشمگیری دارد. آیا این واژه‌ها همریشه‌اند؟

۴- گفته شده است که واژه‌ی فارسی «شیرین» از واژه‌ی فارسی «شیر» درست شده است (همانگونه که «سنگین» از «سنگ» آمده) ولی همسانی نسبی آن با واژه‌های سانسکریت SVADOS و انگلیسی SWEET و آلمانی SÜSS کنجکاوی‌انگیز است.

۵- واژه‌ی فارسی «فرار» با واژه‌های انگلیسی FLEE و آلمانی FLIEHEN و دانمارکی FLYGTE (از واجریشه‌ی هند و اروپایی PLEUK* - POKORNY: 837) همسانی‌های جالبی دارد ولی هیچکدام از پسگشت‌های در دسترس من اشاره‌ای همریشه‌های ایرانی و سانسکریت این واژه‌ها نمی‌کنند. آیا میان این واژه‌ها خویشی وجود دارد؟

yazık

۲-واژه‌ی «نازک» فارسی با واژه‌های انگلیسی NARROW و آلمانی کهن NARWA و هلندی NAAR همسانی دارد ولی واجریشه‌ی هند و اروپایی این واژه‌ها هنوز تعیین نشده است.

۳- واژه‌ی فارسی «پیشاب» با واژه‌های انگلیسی PISS و آلمانی PISSEN و دانمارکی PIS و هلندی PISSEN و نروژی PISS همسانی نسبی دارد ولی و اجریشه‌ی هند و اروپایی آنها معلوم نیست و گفته می‌شود که همه‌ی آنها «نام‌آوا» (ONOMATOPOIC) هستند.

۴-واژه‌های فارسی «پف» و «پف کردن» با واژه‌های انگلیسی PUFF و آلمانی PAFF و فرانسوی BOUFFÉE و دانمارکی PUST و هلندی PAFFEN همسانی نسبی دارند. آیا این واژه‌ها همریشه‌اند؟ واجریشه‌ی هند و اروپایی آنها چیست؟

۵- آیا همسانی آشکار معنایی و آوایی واژه‌های «پندار» و «پنداشتن» با واژه‌های لاتین PENSARE و فرانسوی PENSER و اسپانیایی PENSAR و ایتالیایی PENSARE اتفاقی است؟

٦-واژه‌ی فارسی «چیز» با واژه‌های فرانسوی CHOSE و اسپانیایی COSA و پرتغالی COISA از نظر آوایی و معنایی همسانی دارد. آیا این واژه‌ها نیز همریشه‌اند؟ واجریشه‌ی هند و اروپایی آنها چیست؟

واجریشه‌یابی این واژه‌ها و صدها واژه‌ی دیگر را به پژوهشگران جوانتر واگذار می‌کنم.

demaseydin, töklü töklü yeyacaydım

خدانگهدار

| | |
|---|---|
| ĀB | فارسی *(PERSIAN)* آب |
| WATER | چَم انگلیسی سر واژه‌ی فارسی: |
| *ĀP | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* |

اوستایی *(AVESTAN):* ĀP, APAM

پارسی باستان *(OLD PERSIAN):* ĀPI, APUS

پهلوی *(PAHLAVI):* ĀB , ĀP

کردی *(KURDISH):* ĀV, DjYRAV

سانسکریت *(SANSKRIT):* ĀP, ĀPA

یونانی *(GREEK):* APIA

لاتین *(LATIN):* AMNIS

فرانسه *(FRENCH):* EAV

لیتوانی *(LITHUANIAN):* ŪPĒ

لتونی (لتی) *(LATVIAN):* UPĒ

پروسی کهن *(OLD PRUSSIAN):* APE

ایرلندی کهن *(OLD IRISH):* ABANN

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 51-52 |
| *MACKENZIE:* | (WATER) 139 |
| *BUCK:* | (WATER) 34-35 |
| *MALLORY* | 129 |
| ۱ | برهان قاطع: |
| ۳۵ | لغت نامه دهخدا: |

| | |
|---|---|
| ĀTASH | فارسی *(PERSIAN):* آتش |
| FIRE | چَم انگلیسی سر واژه‌ی فارسی: |
| *ĀTER | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* |

اوستایی *(AVESTAN):* ĀTER. ATARSH

پهلوی *(PAHLAVI):* ĀTUR, ĀTAXSH

کردی *(KURDISH):* AGIR

سانسکریت *(SANSKRIT):* ĀTHARVAN,

EDHOS, HUTASH

ارمنی *(ARMENIAN):* AIREM

یونانی *(GREEK):* AITHOS

لاتین *(LATIN):* ATER

فریزی کهن *(OLD FRISIAN):* EIT

ایرلندی کهن *(OLD IRISH):* AITH

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 69 |
| *DELAMARRE:* | (FEU) 179 |
| *MACKENZIE:* | (FIRE) 114 |
| *BUCK:* | 71 |
| *AMINDAROV:* | (FIRE) 247 |
| ۱۳-۱۴ | برهان قاطع: |
| ۶۵-۶۶ | لغت‌نامه دهخدا: |

**یادداشت:**

۱- چم این واژه در ایرلندی کهن: تنور.

چم این واژه در لاتین: سیاه، تیره.

۲- شاید واژه‌ی لاتین ATER با واژه لاتین ARDERE (→ ARID → ARDENT) همریشه باشد.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN)*: آذر | **ĀZAR** |
| **چَم انگلیسی سر واژه‌ی فارسی:** | **FIRE** |
| **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN)*: | ***EGNIS, *OGNIS** |

اوستایی *(AVESTAN)*: **ATHRAVAN, ĀDAR, ATUR, ATHRA-**

پارسی باستان *(OLD PERSIAN)*: **ĀTER**

پهلوی *(PAHLAVI)*: **ADUR**

کردی *(KURDISH)*: **ĀGAR**

سانسکریت *(SANSKRIT)*: **AGNI, AGNIS**

لاتین *(LATIN)*: **IGNIS**

اسلاوی‌کهن *(OLD CHURCH SLAVIC)*: **OGNĪ**

روسی *(RUSSIAN)*: **OHEM**

چک *(CZECH)*: **OHEÑ**

اسلواکی *(SLOVAK)*: **OHEÑ**

لیتوانی *(LITHUANIAN)*: **UGNIS**

لتونی (لتی) *(LATVIAN)*: **UGNUS**

آلبانی *(ALBANIAN)*: **ZJARR**

هتیت *(HITTITE)*: **AGNIS**

| *REFERENCES* | **بسگشت‌ها** |
|---|---|
| *POKORNY:* | **239** |
| *BARNHART:* | **(IGNEOUS) 506** |
| *DELAMARRE:* | **(LE FEU) 182** |
| *MACKENZIE:* | **5, (FIRE) 114** |
| *BUCK:* | **72** |
| *ONIONS:* | **(IGNEOUS) 461** |
| *SKEAT:* | **(IGNEOUS) 286** |
| *RAMAT:* | **11** |
| | ***برهان قاطع :(خاکستر) ۲۲ و ۷۰۲ و(اگر)۵۳*** |

**یادداشت:**

معین(در پانوشت برهان قاطع) این واژه را با "آتش" همریشه می‌داند.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN)*: آراستن،- آرا | **ĀRĀSTAN** |
| **چَم انگلیسی سر واژه‌ی فارسی:** | **ADORN, ARRANGE** |
| **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN)*: | ***RĒDH, *RŌDH** |

اوستایی *(AVESTAN)*: **ĀRĀDH, -RADH**

پهلوی *(PAHLAVI)*: **ĀRĀSTAN**

سانسکریت *(SANSKRIT)*: **RADHNOTI, RĀHYATI, RĀDH-**

لاتین *(LATIN)*: **PĒRI**

گوتیک *(GOTHIC)*: **GARĒDAN, RĒDAN**

ایسلندی‌کهن *(OLD SCANDINAVIAN)*: **RĀDHA**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN)*: **RATAN**

آلمانی *(GERMAN)*: **RATEN**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH)*: **RADAN, RĒDAN, RĒD**

انگلیسی *(ENGLISH)*: **READ**

دانمارکی *(DANISH)*: **(TIL)RĀDE**

هلندی *(DUTCH)*: **RĀDEN**

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC)*: **RADITI**

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 59-60 |
| BARNHART: | (READ) 891 |
| MACKENZIE: | (ADORN) 101 |
| BUCK: | 1285 |
| ONIONS: | (READ) 743 |
| SKEAT: | (READ) 502 |
| ۳۰ | برهان قاطع: |

روسی *(RUSSIAN)*: **RADIETE**

چک *(CZECH)*: **RADIT**

اسلواکی *(SLOVAK)*: **RADIT**

ایرلندی کهن *(OLD IRISH)*: **IMMRĀDIM**

ولزی *(WELSH)*: **AMRAUD**

**یادداشت:**

معنی این واژه در زبان‌های آلمانی و اسکاندیناوی و اسلاوی: پند دادن.

معنی این واژه در زبان انگلیسی: خواندن.

معنی این واژه در زبان سانسکریت: موفق شدن.

معنی این واژه در زبان لاتین: محاسبه کردن.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN)*: آرام، آرامیدن، آرمیدن، رام، رامیدن | **ĀRĀM,ĀRAMIDAN** |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | **QUIET, EASE** |
| **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN)*: | ***REM-, *REMYŌ** |

اوستایی *(AVESTAN)*: **RAMYEITI, RAMAN, RAMYAT, RAM**

پهلوی *(PAHLAVI)*: **ĀRĀMITAN, RĀMISHN, RĀM, RĀMĒNITAN**

تخاری A *(TOKHARIAN A)*: **RĀM, RAM**

تخاری B *(TOKHARIAN B)*: **RAM**

سانسکریت *(SANSKRIT)*: **RĀMAYATI**

یونانی *(GREEK)*: **ERĒMA**

گوتیک(شاید) *(GOTHIC)*: **RIMIS**

ایسلندی‌کهن(شاید) *(OLD SCANDINAVIAN)*: **RIMI**

آلمانی کهن(شاید) *(OLD HIGH GERMAN)*: **RAMA**

انگلیسی کهن(شاید) *(OLD ENGLISH)*: **RIMA**

انگلیسی(شاید) *(ENGLISH)*: **RIM**

نروژی(شاید) *(NORWEGIAN)*: **RANDE**

لیتوانی *(LITHUANIAN)*: **RAMTIS, RIMTI, RAMDITI**

لتونی (لتی) *(LATVIAN)*: **RAMS**

ایرلندی کهن *(OLD IRISH)*: **RIM**

yarmat / yamart / armat / aramna

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 864 |
| BARNHART: | 930 |
| DELAMARRE: | (SE CALMER) 276 |
| MACKENZIE: | 79, (EASE) 112 |
| ۳۰ و ۹۳۰ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

۱- معنی این واژه در لیتوانی: آرام کردن.
معنی این واژه در ایرلندی کهن: قرار دادن.
معنی این واژه در انگلیسی: حاشیه، لبه.
۲- BARNHART واژه‌های ژرمنی این فهرست را از یک ریشه‌ی ناشناخته می‌پندارد.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): آرنج، آرنگ، آران | ĀRENJ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | ELBOW |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *EL-, *ELĒI-, *OLENĀ |

اوستایی (AVESTAN): ARETHNA
پارسی باستان (OLD PERSIAN): ARASHNISH
پهلوی (PAHLAVI): ARANJ
کردی(شاید) (KURDISH): ENITHK
سانسکریت (SANSKRIT): ARATNI
ارمنی (ARMENIAN): OLN, ALELN
یونانی (GREEK): ŌLĒN
لاتین (LATIN): ULNA
گوتیک (GOTHIC): ALEINA
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): ELNOGI
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): ELINBOGEN
آلمانی (GERMAN): ELLENBOGEN
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): ELNBOGA
انگلیسی (ENGLISH): ELBOW
دانمارکی (DANISH): ALBUE
سوئدی (SWEDISH): ARMBAGE
نروژی (NORWEGIAN): ALBUE
هلندی (DUTCH): ALLEBOOG
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): LAK-
لهستانی (POLISH): LOKIEC
روسی (RUSSIAN): LŌKOT
چک (CZECH): LOKET
اسلواکی (SLOVAK): LAKET
لیتوانی (LITHUANIAN): ALKUNI
لتونی (لتی) (LATVIAN): ELKUONS
ایرلندی کهن (OLD IRISH): UILENN
ولزی (WELSH): ELIN
برتونی (BRETON): ILIN

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 309, 309 |
| BARNHART: | 319 |
| DELAMARRE: | 105 |
| MACKENZIE: | 11, (ELBOW) 112 |
| BUCKL: | 237-283 |
| ONIONS: | (ELBOW) 305 |
| SKEAT: | (ELBOW) 190 |
| DICTIONARY: | (EL-) 2027 |
| ۳۱۹ | برهان قاطع : |

یادداشت:

۱- برهان قاطع : و دهخدا و معین ریشه‌ی این واژه را نمی‌دهند.

۲- BARNHART, ONIONS فقط ریشه‌های ژرمنی این واژه را می‌دهند.

۳- SKEAT ریشه‌ی سانسکریت این واژه را می‌دهد ولی ریشه‌ی اوستایی آن را نمی‌دهد.

۴- معنی این واژه در برخی زبان‌های رومانس: زند زبرین، استخوان آرنج.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): آرواره، آره | ĀRVĀRÉ, ĀRÉ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | JAW |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *AULOS- |

اوستایی (AVESTAN): HANUHARENA

پهلوی (PAHLAVI): ĒRWĀRAG,ĒRVĀRAK

یونانی (GREEK): AULÓS

لاتین (LATIN): ALVEOLUS, ALVEUS

فرانسه (FRENCH): ALVÉOLE

اسپانیایی (SPANISH): ALVÉOLO

ایتالیایی (ITALIAN): ALVEOLO

پرتغالی (PORTUGUESE): ALVÉOLO

انگلیسی(از لاتین) (ENGLISH): ALVEOLUS

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): ULYJ

لیتوانی (LITHUANIAN): AULȲS

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): AULINI

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 88 |
| BARNHART: | (ALVEOLUS) 27 |
| MACKENZIE: | (JAW) 120 |
| ONIONS: | (ALVEOUS) 29 |
| SKEAT: | (ALVEOLAR) 17 |
| برهان قاطع: | ۳۲ |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۱۰۹ |

یادداشت:

۱- شکل این واژه در گویش خونساری چنین است: ELVĀRA (و شباهت آن با همریشه‌های لاتین و یونانی آن نسبتاً آشکار است). لازم به توضیح است که در هیچ کدام از مراجع اشاره‌ای به رابطه‌ی "آرواره" با این واچریشه‌ی هند و اروپایی نشده است ولی در لغت‌نامه‌ی دهخدا (صحفه‌ی ۱۰۹) به این خویشی احتمالی اشاره شده است.

۲- چم این واژه در زبان یونانی و لاتین: حفره، لوله، حفره‌ی فک که دندان در آن قرار دارد.

چم این واژه در زبان لیتوانی: لانه‌ی زنبور.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): آروغ، آروق، روغ، اُغ (اُغ زدن) | ĀROGH |
| چَم انگلیسی سرواژه فارسی: | BELCH |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *REU-, *REUG-, *HREUG- |

ارمنی (ARMENIAN): ORCAM, ORUCAM

یونانی (GREEK): EREŪGOMAI

لاتین (LATIN): RUCTUS, RUCTARE, ERUCTARE- ERŪGŌ

فرانسه (FRENCH): ROT, ERUCTER, ERUCTATION

اسپانیایی (SPANISH): ERUCTO, ERUCTARE

ایتالیایی (ITALIAN): RUTTO, RUTTARE

پرتغالی (PORTUGUESE): ARROTO

ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): ROPA, RYPTA

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): RUFEZZEN

آلمانی (GERMAN): RÜLPSEN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): ROCETTAN

انگلیسی (ENGLISH): ERUCTATE

نروژی (NORWEGIAN): RYPE, RJUPTA

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): RYGAJO

روسی (RUSSIAN): RYGATI

لیتوانی (LITHUANIAN): RIAUGMI, RŪGIU

لتونی (لتی) (LATVIAN): RUBENIS

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): RUCTAN

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
| --- | --- |
| POKORNY: | 871-872 |
| DELAMARRE: | (ROTER) 277 |
| ONIONS: | (ERUCTATE) 324 |
| SKEAT: | (ERUCTATE) 119 |
| TAUPMAN: | (BELCH) 470 |
| MALLORY & ADAMS: | HREUG |

**یادداشت:**

۱- معنی این واژه در یونانی: قی کردن.
۲- دهخدا و معین و برهان قاطع : ریشه‌ی این واژه را نمی‌دهند.
۳- SKEAT, ONIONS این واژه را تا ریشه‌ی هند و اروپایی پیگیری نمی‌کنند.

| | |
| --- | --- |
| فارسی (PERSIAN): آریا، آریان، آرین | ĀRYĀ,ĀRYĀN |
| چَم انگلیسی سرواژه فارسی: | ARYAN |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *ARYOS |

اوستایی (AVESTAN): ARIYO, ARIIA

پارسی باستان (OLD PERSIAN): ARIYA

پهلوی (PAHLAVI): ERA, ERĀNAG,ĒRAN

اوستی (OSSETIC): IROE, IRON

سانسکریت (SANSKRIT): ĀRYAS, ARYEN, ARYA-

یونانی (GREEK): ARIA

لاتین (LATIN): ARIANA

فرانسه (FRENCH): ARYEN

ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): IRAR

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): IRAS

انگلیسی *(ENGLISH):* **ARYAN**

ایرلندی کهن *(OLD IRISH):* **AIRE, ERIU**

ایرلندی *(IRISH):* **ERIN**

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *BARNHART:* | **(ARYAN) 54, (IRISH) 544** |
| *DELAMARRE:* | **47** |
| *MACKENZIE:* | **30, (ARYAN) 103** |
| *ONIONS:* | **485** |
| *RAMAT:* | **126** |
| **برهان قاطع :** | **۳۳ و ۱۹۴** |

anlam vermәyib ?

**یادداشت:**

۱- **RAMAT** و شماری دیگر معتقدند که این واژه با واژه‌ی **IRLAND** , **IRISH** همریشه نیست و اصولاً ممکن است واژه‌ی "آریا" هند و اروپایی نباشد.

۲- شمار بیشتری از دانشمندان معتقدند که "آریا" نام چند قوم از هند و اروپائیان بوده که در هند **(ARYAS)** و در ایرلند **(IRELAND, ERIU, IRISH, ERIN)** و در اُیست **(IROE, IRON)** ساکن شدند و نام خود را به آن سرزمین‌ها دادند.

۳- واژه‌ی "ایران" نیز از همین ریشه است(پارسی باستان **AIRYA**، پهلوی **ĒRAN**، یونانی **(AREIA)**، لاتین **ARIANUS**).

۴- **BARNHART** معتقد است که ممکن است این واژه با واژه‌های لاتین **ALIENOS, ALI-QUIS** (انگلیسی **ALIEN**) همریشه باشد.

| | | |
|---|---|---|
| **ĀZ** | **آز (به چَم"حرص"،"خواهش شدید")** | فارسی *(PERSIAN):* |
| **GREED** | | **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** |
| ***AGH-, *AIGH-, *IGH-** | | **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN):* |

اوستایی *(AVESTAN):* **ĀZI, ĀZA, ĀZASH, ASI, AZISH**

پهلوی *(PAHLAVI):* **ĀZ, AZWARĪH**

تخاری A *(TOKHARIAN A):* **ĀKĀL**

تخاری B *(TOKHARIAN B):* **AKĀLK, ĀK**

سانسکریت *(SANSKRIT):* **ĪHATĒ, ĪHĀ, ĀJI-**

یونانی *(GREEK):* **ACHEN, ICHAO, ACHOS**

گوتیک (شاید) *(GOTHIC):* **-AGLJAN**

ایسلندی‌کهن *(OLD SCANDINAVIAN):* **AGI**

آلمانی کهن (شاید) *(OLD HIGH GERMAN):* **EGI**

انگلیسی کهن (شاید) *(OLD ENGLISH):* **EGLAN**

انگلیسی (شاید) *(ENGLISH):* **AIL, AWE**

| | | | |
|---|---|---|---|
| ONIONS: | (AIL) 21 | REFERENCES | پسگشت‌ها |
| SKEAT: | (AIL) 11-12, (AGH) 754 | POKORNY: | 14,7 |
| ۳۴ | برهان قاطع: | BARNHART: | (AIL) 21, (AWE) 68 |
| | | MACKENZIE: | 15, 16(GREED) 116. |

**یادداشت:**

۱-POKORNY در صفحه‌ی ۱۴ واجریشه‌ی "آز" را می‌دهد(-A(I)GH*) و در صفحه‌ی ۷ نیز واجریشه‌ی AGH* را برای واژه‌های AIL و غیره می‌دهد. به پندار من این دو واجریشه یکی هستند ولی برای مزید اطمینان جلو واجریشه‌های مشکوک نوشته‌ام(شاید).

۲- معنی این واژه در سانسکریت: آرزو، نبرد.

معنی این واژه در یونانی: نیاز، مشقت.

معنی این واژه در زبان‌های ژرمنی: ترس، درکشیدن.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): آزاد | ĀZĀD |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | FREE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *GEN-, *GEGONA |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | Ā-ZĀTA |
| پهلوی (PAHLAVI): | ĀZĀT,ĀZĀD |
| کردی (KURDISH): | AZAD |
| بلوچی (BALUCHI): | ĀZĀD |
| افغانی(پشتو) (AFGHANI): | ĀZĀD |
| سانسکریت (SANSKRIT): | AJANAṆTA |
| یونانی (GREEK): | GNŌTOS |
| لاتین (LATIN): | NĀTUS, GIGNŌ |
| گوتیک (GOTHIC): | -KUNDS |
| ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): | KUNDR |
| ساکسونی کهن (OLD SAXON): | KIND |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | KIND |
| آلمانی (GERMAN): | KIND |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | -KUND |
| اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): | ZETŪ, ZĒT |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | ZHÉNTAS |
| گالی (GALISH): | -GNĀTUS |
| ولزی (WELSH): | GENETH |

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 373-374 |
| DELAMARRE: | (NAITRE) 256 |
| MACKENZIE: | (FREE) 115 |
| AMINDAROV: | (FREE) 227 |
| ۳۴ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

چَم‌های این واژه در زبان‌های این فهرست: آزاد، فرزند، دختر، پسر، زن پسر، زاده.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): آزار، آزردن، آزاردن | ĀZĀR, AZORDAN,ĀZARDAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | INJURE, TORMENT, INJURY, HARM |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *ANGH-, *ANGHOS |

اوستایی (AVESTAN): ZAR-, AZAH

پهلوی (PAHLAVI): ĀZĀR, ĀZARITAN, ĀZĀRISHN, ĀZĀRDAN

سانسکریت (SANSKRIT): ÁNHAS, ANHÓS

یونانی (GREEK): ANCHEIN

لاتین (LATIN): ANGOR, ANGORIS, ANGERE, ANGUSTUS

فرانسه (FRENCH): ANGOISSE

اسپانیایی (SPANISH): ANISA, ANSIEDAD

گوتیک (GOTHIC): ANGWUS

ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): ANGR, ONGR

فریزی کهن (OLD FRISIAN): ANGOST

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): ANGUST, ENGI

آلمانی (GERMAN): ANGST, ENG

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): ENGE, ANGNES

انگلیسی (ENGLISH): ANGER

دانمارکی (DANISH): ANGSTELSE

سوئدی (SWEDISH): ÄNGSLAN

هلندی (DUTCH): ANGS, ENG

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): OZOSTU

لیتوانی (LITHUANIAN): ANKSHTAS

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 42-43 |
| BARNHART: | (ANGST) 35, (ANGER) 34 |
| DELAMARRE: | (ANGOISSE) 87 |
| MACKENZIE: | (TORMENT) 137, (INJURE) 119 |
| BUCK: | 1121 |
| ONIONS: | (ANGER, ANGUISH) 37 |
| SKEAT: | (ANGER) 22 |
| برهان قاطع: | ۳۵ |

یادداشت:

۱- واژه‌های انگلیسی ANXIETY, ANXIOUS, ANGUISH هم از همین ریشه‌اند.

۲- چَم این واژه در زبان انگلیسی: خشم.

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: نگرانی، عذاب درونی، دلواپسی، تنگ، تنگنا.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): آزغ، آزوغ، اَزغ، اَزک، ازگ(به چَم"شاخه") | ĀZAGH, ĀZOGH |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | BRANCH |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *OZGO, *HOSGOS, *OZDOS |

پهلوی (PAHLAVI): ASG

سانسکریت (SANSKRIT): ADGU, ÁDGA

ارمنی (ARMENIAN): OST

یونانی (GREEK): ŌDCHOS, OZOS

| | |
|---|---|
| گوتیک *(GOTHIC):* | ASTS |
| آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):* | AST |
| آلمانی *(GERMAN):* | AST |
| انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* | OST |
| ایرلندی کهن *(OLD IRISH):* | ODB |
| ولزی *(WELSH):* | ODDF |

| پسگشت‌ها | *REFERENCES* |
|---|---|
| 786 | *POKORNY:* |
| (BRANCHE) 171 | *DELAMARRE:* |
| (BRANCH) 105 | *MACKENZIE:* |
| 523-524 | *BUCK:* |
| برهان قاطع: | ۳۷ و ۱۱۴ |
| فرهنگ معین: | ۲۱۹ |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۱۹۸۹ |

**یادداشت:**

POKORNY دو واجـــریشه‌ی هـــند و اروپـــایی ‎*OZGHO, *OZDOS‎ را بـــه صـــورت دو قـــلم مـــجزا می‌دهد (POKORNY: 785-787).

| | | |
|---|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* | آزمایش، آزمودن، آزمون | ĀZMĀYESH, ĀZMŪDAN, ĀZMŪN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | | TEST, EXAMINE, EXAMINATION |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | | *ŪD-, *UDT∂MOS+MĒ-, *MET-, *MĒNO-, *MĒTŌ |

اوستایی *(AVESTAN):* AZIMA ، AZMISHT

سانسکریت *(SANSKRIT):* ŪD-+MATI

پارسی‌باستان *(OLD PERSIAN):* US-+MĀTAR-

پهلوی *(PAHLAVI):*

AZMĀYISHN, UZMŪDAN,ŪZMĀY,

AZMĀYISHN, UZMŪDAN,ŪZMĀY-,

کردی *(KURDISH):* ĀZMŪN

افغانی(پشتو) *(AFGHANI):* AZMOYANA,

| پسگشت‌ها | *REFERENCES* |
|---|---|
| 1102-1103, 703-704 | *POKORNY:* |
| (TEST) 136 | *MACKENZIE:* |
| برهان قاطع: | ۳۷ |
| فرهنگ معین: | ۴۹ |

**یادداشت:**

واژه‌ی اوستایی این فهرست مرکب است از دو واجریشه‌ی هند و اروپایی: ۱- ŪD (یا UDT∂MOS) که وندهای زیر نیز از همین واجریشه‌اند: سانسکریت -ŪD؛ یونانی: -U؛ لاتین -ŪS؛ ایرلندی کهن USS؛ گوتیک: -ŪT؛ آلمانی کهن: -ŪZ؛ آلمانی: AUS؛ انگلیسی کهن -ŪT؛ انگلیسی: OUT (POKORY: 1103-1104).

۲- -MĒ (یا -MET) که واژه‌های زیر نیز از همین واجریشه‌اند: سانسکریت -MATI؛ یونانی: MĒTIS (MĒTRON)؛ لاتین: MĒTIOR؛ ایسلندی کهن: MĀL؛ آلمانی کهن: MĀL؛ انگلیسی کهن: MæL.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): آس(به چَم"سنگ آسیاب") | ĀS |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | MILL STONE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *AK-, *OK-, *HEK- |

اوستایی (AVESTAN): ASAN, ASMAN
پهلوی (PAHLAVI): ĀSY-, ĀSYĀG
سانسکریت (SANSKRIT): ASAN, ASRI
ارمنی (ARMENIAN): ASELAN, ASELN
یونانی (GREEK): AKĒ, AKIS
لاتین (LATIN): ACIES, ACIDUS, ACERE, ACUS
ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): EGG
ساکسونی کهن (OLD SAXON): EGGIA
فریزی کهن (OLD FRISIAN): EGG
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): ECKA
آلمانی (GERMAN): ECKE
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): ECG
انگلیسی (ENGLISH): EDGE
دانمارکی (DANISH): GE
سوئدی (SWEDISH): EGG
نروژی (NORWEGIAN): AGGE, UGG
هلندی (DUTCH): EGGE
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

OSTŪ, OSLA
لهستانی (POLISH): OSELKA
روسی (RUSSIAN): OSËLOK
چک (CZECH): OSINA
لیتوانی (LITHUANIAN): ASHTRUS, AKSHTIS
لتونی (لتی) (LATVIAN): ASHS
پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): ACKONS
ولزی کهن (OLD WELSH): HOGI
آلبانی (ALBANIAN): ATHĒTE

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 18 |
| BARNHART: | (EDGE) 315 |
| MACKENZIE: | 13, (MILLSTONE) 123 |
| BUCK: | 32 |
| ONIONS: | (EDGE) 301 |
| SKEAT: | (AK-) 752, (EDGE) 188 |
| MALLORY & ADAMS: | ĀS |
| برهان قاطع: | ۳۹ |

**یادداشت:**

۱- معنی این واژه در زبان ارمنی: سوزن.
معنی این واژه در زبان یونانی: نوک.
معنی این واژه در زبان آلمانی و زبانهای اسکاندیناوی: گوشه، کُنج.
معنی این واژه در زبان لاتین: تند، تیز، برنده.
معنی این واژه در زبان انگلیسی: لبه.
۲- بازگشت به "سنگ".

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): آستر | ĀSTAR |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | LINING, COATING, UNDERCOAT, UNDERCOATING |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) (شاید): | *WES-, *WESMN-, *WESTIS |

اوستایی (AVESTAN): VASTE, VASTRA-, VANHAN∂M, WASTR∂M

پهلوی (PAHLAVI): WASTAR, WASTARAG-, ĀSTAR

تخاری A (TOKHARIAN A): WSĀL

تخاری B (TOKHARIAN B): WASTSI

سانسکریت (SANSKRIT): VÁSTE, VAS, VASTRAM

ارمنی (ARMENIAN): Z-GEST

یونانی (GREEK): ESTHÉS, HÉSSAI, EĪMA

لاتین (LATIN): VESTIS, VESTĪRE

فرانسه (FRENCH): VÊTEMENT

اسپانیایی (SPANISH): VESTIDO

ایتالیایی (ITALIAN): VESTITO

رومانی (RUMANIAN): VESTA

پرتغالی (PORTUGUESE): VESTE, VESTIR

گوتیک (GOTHIC): WASJAN, WASTI

ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): VERJA

نورس کهن (OLD NORSE): VEST

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): WERIEN, WESTER

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): WERIAN

انگلیسی (ENGLISH): WEAR

ولزی (WELSH): GWISG

برتونی (BRETON): GWISK

هتیت (HITTITE): WASSIYA-, WESSIYA-, WESTRA

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 1172 |
| BARNHART: | (WEAR) 1224, (VEST) 1207 |
| DELAMARRE: | (VÊTEMENT) 112 |
| MACKENZIE: | (CLOTHING) 107 |
| | (CLOTHING, CLOTHES) |
| BUCK: | 394-396 |
| ONIONS: | (WEAR) 996 |
| SKEAT: | (WEAR) 707-705 |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۱۳۴-۱۳۵ |
| برهان قاطع: | ۴۱ |
| فرهنگ معین: | ۵۳ |

**یادداشت:**

۱- رابطه‌ی واژه‌ی "آستر"(پهلوی ĀSTAR) با دیگر واژه‌های این فهرست در هیچ کدام از پسگشت‌ها(مراجع) من داده نشده است و لذا در جلو واجریشه‌ی هند و اروپایی(شاید) آورده‌ام.

۲- چَم همه‌ی واژه‌های این فهرست (به جز واژه‌ی پهلوی ĀSTAR): جامه، پوشاک، پوشیدن.

asman
asman

| ĀSMĀN | فارسی (PERSIAN): آسمان |
|---|---|
| SKY | چَم انگلیسی سرواژه فارسی: |
| *AKMON, *KAMR, *AK- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): ASMAN
پارسی باستان (OLD PERSIAN): ATHANGAINA
پهلوی (PAHLAVI): ASMĀN
کردی (KURDISH): E'SMAN
افغانی (پشتو) (AFGHANI): ĀSMĀN
سانسکریت (SANSKRIT): ASHMAN, ĀSMAN
یونانی (GREEK): ĀKMŌN
گوتیک (GOTHIC): HIMINS
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): HAMMARR
ساکسونی کهن (OLD SAXON): HAMUR
فریزی کهن (OLD FRISIAN): HOMER
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): HAMMAR
آلمانی (GERMAN): HAMMER
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): HAMOR
انگلیسی (ENGLISH): HAMMER
دانمارکی (DANISH): HAMMAR
سوئدی (SWEDISH): HAMMARE
نروژی (NORWEGIAN): HAMMAR

هلندی (DUTCH): HAMER
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): KAMY
لهستانی (POLISH): KAMIEN
روسی (RUSSIAN): KÁMEN
چک (CZECH): KÁMEN
بلغاری (BULGARIAN): KAMEŇ
لیتوانی (LITHUANIAN): AKMŪO, ASHMENS

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 18-19 |
| BARNHART: | (EDEG) 315, (HAMMER) 463 |
| DELAMARRE: | (PIERRE, CIEL) 178 |
| MACKENZIE: | (SKY) 133 |
| BUCK: | 52 |
| SKEAT: | (HAMMER) 259, (AK-) 752, (EDGE) 188, |
| برهان قاطع: | ۳۹ و ۱۳۴ |
| فرهنگ معین: | ۵۵ |

یادداشت:

۱- معنی این واژه در سانسکریت و اوستایی و زبان‌های اسلاوی: سنگ.
معنی این واژه در ژرمنی: چکش.
معنی این واژه در یونانی: سندان.
۲- همریشه‌ی واجریشه‌ی هند و اروپایی ASRIS* به معنی "لبه" یا "حاشیه" است.
۳- SKEAT فقط واژه‌های ژرمنی را می‌دهد و معتقد است که سرچشمه‌ی این واژه ناشناخته است.

| | |
|---|---|
| ĀSÉ | فارسی (PERSIAN): آسه (به چَم"محور") |
| AXIS, AXLE | چَم انگلیسی سرواژه فارسی: |
| *ASKSĀ, *AKS, *AKSIS, *AKSEN | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): ASHAYĀ
سانسکریت (SANSKRIT): AKSAS, AKSHAS
ارمنی (ARMENIAN): ANUT
یونانی (GREEK): AXŌN
لاتین (LATIN): AXIS
فرانسه (FRENCH): ESSIEU
اسپانیایی (SPANISH): EJE
ایتالیایی (ITALIAN): ASSE
رومانی (RUMANIAN): OSIE
گوتیک (GOTHIC): ACHSE
ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): OXULL
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): AHSA
آلمانی (GERMAN): ACHSE
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): EAX, OXULL
انگلیسی (ENGLISH): AXIS, AXLE
دانمارکی (DANISH): AKSEL
سوئدی (SWEDISH): AXEL

هلندی (DUTCH): AS
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): OST
لهستانی (POLISH): ÓS
روسی (RUSSIAN): ÓS
چک (CZECH): OSA
اسلواکی (SLOVAK): ÓS
پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): ASSIS
ایرلندی کهن (OLD IRISH): AIS
گالی (GAULISH): ECHEL

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 6 |
| BARNHART: | (AXIS) 69 |
| DELAMARRE: | (ESSIEU) 125 |
| BUCK: | 725 |
| ONIONS: | (AXIS, AXLE) 66 |
| SKEAT: | (AXIS, AXLE) 42 |
| ۵۷ | فرهنگ معین: (آسه) |

| | |
|---|---|
| ĀSH | فارسی (PERSIAN): آش |
| AASH (PERSIAN VEGETABLE SOUP) | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *ED-, *OD-, *ĒDTO-, *ĒDO-, *ĒDĀ | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): ATHITI
سانسکریت (SANSKRIT): AS, AD, ÁDMI
ارمنی (ARMENIAN): UTEM
یونانی (GREEK): ÉDEIN, ÉDŌ
لاتین (LATIN): ĒSSE, EDERE

گوتیک (GOTHIC): ITAN
ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): ETA
ساکسونی کهن (OLD SAXON): ETAN
فریزی کهن (OLD FRISIAN): ĪTA

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
EZZAN
آلمانی (GERMAN): ESSEN
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): ETAN
انگلیسی (ENGLISH): EAT
دانمارکی (DANISH): æDE
سوئدی (SWEDISH): ÄTA
هلندی (DUTCH): ETEN
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
JASTŪ, ĒSTI, JAMI
لهستانی (POLISH): JEŚČ
روسی (RUSSIAN): JEST
چک (CZECH): JĪST
صربی (SERBIAN): JESTY
بوهمی (BOHEMIAN): JISTY
اسلواکی (SLOVAK): JEST

لیتوانی (LITHUANIAN):
ĒSTI, ĒDU, ĒDMI
لتونی (لتی) (LATVIAN): ĒST, EDŪ
ایرلندی کهن (OLD IRISH): ESSE, ITH
گالی (GAULISH): YS
ولزی (WELSH): YSU
هتیت (HITTITE): ETMI, ETIR, ET-

| بسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 287-288 | POKORNY: |
| (EAT) 312 | BARNHART: |
| (MANGER) 254 | DELAMARRE: |
| (EAT) 327-328 | BUCK: |
| (EAT) 298 | ONIONS: |
| (EAT) 187 | SKEAT: |
| برهان قاطع: | ۴۴ |

یادداشت:
۱- چَم اصلی واژه‌ی "آش": خورش (مثلاً در واژه‌ی "آشپز").
۲- واژه‌های همریشه‌ی "آش" در زبان‌های دیگر همه به صورت شکل‌های گوناگون فعل "خوردن" هستند (مثلاً واژه‌ی انگلیسی EAT یعنی "خوردن" و واژه‌ی هتیت ETMI یعنی "می‌خورم").

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): آشکار، آشکارا | ĀSHKĀR, ĀSHKĀRĀ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | EVIDENT, OBVIOUS |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *AWIS-, *ĀWIS- |

اوستایی (AVESTAN): AVISHYA, ĀVISHA,
ĀVISH
پهلوی (PAHLAVI): ĀSHKĀRĀG,
تخاری B (TOKHARIAN B):
OM-PALOKONNE
سانسکریت (SANSKRIT): ĀVIS, - AVATI,
AVISTYA

یونانی (GREEK): AIEIN
لاتین (LATIN): AUDITUS, AUDIRE
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
AVITI, AVĒ, JAVĒ
لیتوانی (LITHUANIAN): OVYTIS
هتیت (HITTITE): USHK-

| پسگشت‌ها | REFERENCES | | |
|---|---|---|---|
| 78 | POKORNY: | (AUDIBLE) 62 | ONIONS: |
| (AUDIBLE) 64 | BARNHART: | (AUDIBLE) 38 | SKEAT: |
| 13, (EVIDENT) 113 | MACKENZIE: | برهان قاطع: | ۴۵ |

یادداشت:

۱- معنی این واژه در هند و اروپایی و سانسکریت و اوستایی: فهمیدن، فهم.
معنی این واژه در لاتین و زبان‌های رومانس، یونانی: شنیدن.
معنی این واژه در تخاری B: تفکر روحانی.
۲- واژه‌های AUDIENCE, AUDIT و مشتقات آنها در انگلیسی و فرانسه و اسپانیایی و ایتالیایی از ریشه‌ی لاتین این واژه برگرفته شده‌اند.

| فارسی (PERSIAN): آشوب، آشفتن، آشوفتن | ĀSHŪB, ĀSHOFTAN |
|---|---|
| چَم انگلیسی سرواژه فارسی: | DISTURBANCE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *KSEUBH- |

اوستایی (AVESTAN): AXSHAOB, XSHAOB

پهلوی (PAHLAVI): ASHŌB

سانسکریت (SANSKRIT): KSOBHA-, KSUBHYATI

لهستانی (POLISH): CHYBAĆ

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 625 | POKORNY: |
| (DISTURBANCE) 111 | MACKENZIE: |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۱۵۵-۱۵۶ |

| فارسی (PERSIAN) آغاردن، آغاریدن(به چَم "خیساندن") | ĀGHĀRDAN,ĀGHĀRIDAN |
|---|---|
| چَم انگلیسی سرواژه فارسی: | SOAK |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *GHERTO- |

سانسکریت (SANSKRIT): GHRTAM̄, JIGHARTI

ایرلندی میانه (MIDDLE IRISH): GERT

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 445 | POKORNY: |
| 388 | BUCK: |
| برهان قاطع: | ۴۷ |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۱۵۹ |
| فرهنگ بزرگ سخن: | ۱۲۱ |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): آکندن، آکنده، آکنش، آگنش،- آگین | ĀKANDAN, ĀKANDÉ, ĀKANESH |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | STUFF |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *GWHEN-, *GWHN-, *GWHONOS |

پهلوی (PAHLAVI): ĀGANDAN,ĀKANDAN

سانسکریت (SANSKRIT): GHANAS, AHAND, HAND

ارمنی (ARMENIAN): YOGN

یونانی (GREEK): EUTHENĒS

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): GONĒJETE, GANA-, GONĒTI,

لیتوانی (LITHUANIAN): GANA, GANDETI

| بسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 491 |
| برهان قاطع: | ۷۵-۷۶ |

یادداشت:

۱- معنی این واژه در اسلاوی کهن و لیتوانی: کافی بودن.

۲- این واجریشه‌ی هند و اروپایی عیناً مانند واجریشه‌ی هند و اروپایی GWHEN* به معنی "زدن" و "کشتن" است. (بازگشت به "زدن").

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): آگاه | ĀGĀH |
| چَم انگلیسی سرواژه فارسی: | AWARE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *KWEK-, *KWŌK-, *KWEKS |

اوستایی (AVESTAN): ĀKAS, AKASAT

پهلوی (PAHLAVI): ĀKĀS, ĀGĀH

اوستی (OSSETIC): KASIN

کردی (KURDISH): AGAH

سانسکریت (SANSKRIT): KĀSATĒ

یونانی (GREEK): TECHMAŌ

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): KAZATI

| بسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 638 |
| MACKENZIE: | (AWARE) 103 |
| AMINDAROV: | 10 |

یادداشت:

این واژه با واژه‌های "نگاه" و "چشم" همریشه است. بازگشت به: نگاه.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): آله، آلوه، الوه(به چَم"عقاب") | ĀLÉ,ĀLUH |
| چَم انگلیسی سرواژه فارسی: | EAGLE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *REG-, *(ER-) |

اوستایی *(AVESTAN):* **ARVA, EREZI-THIA**

پارسی باستان *(OLD PERSIAN):* **ARDUTHIA**

پهلوی *(PAHLAVI):* **ĀLUH**

کردی *(KURDISH):* **HALU, ALEH, EYLO**

سانسکریت *(SANSKRIT):* **RJRĀ-**

ارمنی *(ARMENIAN):* **ARCIV**

یونانی *(GREEK):* **AIGUPIOS**

لاتین *(LATIN):* **AQUILA**

فرانسه *(FRENCH):* **AIGLE**

اسپانیایی *(SPANISH):* **AGUILA**

ایتالیایی *(ITALIAN):* **AGUILA**

رومانی *(RUMANIAN):* **ACERD**

پرتغالی *(PORTUGUESE):* **AGUIA**

گوتیک(شاید) *(GOTHIC):* **ARA**

ایسلندی‌کهن *(OLD SCANDINAVIAN)*:(شاید)

**JARL**

آلمانی کهن(شاید) *(OLD HIGH GERMAN):*

**ARO**

آلمانی(شاید) *(GERMAN):* **ADLER, AAR**

انگلیسی میانه(شاید) *(MIDDLE ENGLISH):*

**EGLE**

انگلیسی(شاید) *(ENGLISH):* **EAGLE**

اسلاوی کهن(شاید) *(OLD CHURCH SLAVIC):*

**ORILŪ**

روسی(شاید) *(RUSSIAN):* **OREL**

لیتوانی(شاید) *(LITHUANIAN):* **ERĒLIS,**

**ARĒLIS, ĀRAS**

لتونی (لتی)(شاید) *(LATVIAN):* **ERGLIS,**

**ERDLIS**

پروسی کهن(شاید) *(OLD PRUSSIAN):*

**ARELIE**

هتیت(شاید) *(HITTITE):* **HARAS,**

**HARANASH**

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 854-855 |
| *MACKENZIE:* | (ALUH) 7,(EAGLE) 112 |
| *ONIONS:* | (EAGLE) 297 |
| *SKEAT:* | (EAGLE) 310 |
| ۵۸ | برهان قاطع: |
| ۲۳۲۱ | فرهنگ معین: |

یادداشت:

۱- این واژه با واژه‌ی "راست" همریشه است.

۲- ONIONS و SKEAT فقط تا ریشه‌ی لاتین AQUILA به عقب می‌روند.

۳- BARNHART معتقد است که شاید این واژه با واژه‌ی لاتین AQUA(آب) همریشه باشد.

۴- POKORNY فقط واژه‌های ایرانی و ارمنی و یونانی این فهرست را از واجریشه‌ی -REG* می‌داند و بقیه را از واجریشه‌ی -ER* می‌داند.

۵- DELAMARRE بیشتر واژه‌های این فهرست را از واجریشه‌ی -ORN* یا -OROS* می‌داند.

۶- پندار نویسنده‌ی کتاب حاضر این است که این واژه‌ها به احتمال زیاد همه از یک واجریشه‌اند ولی برای آگاهی خواننده، جلو واژه‌های مشکوک (شاید) آورده است.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* آلیز، آلیزیدن، آلیختن(به چَم"جفتک انداختن") | **ĀLEEZ, ĀLEEZEEDAN** |
| چَم انگلیسی سرواژه فارسی: | **(HORSE) REAR, BUCK** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | ***LEIG-, *LOIG** |

کردی *(KURDISH):* **LIZIM, BE-LEZIOM**

سانسکریت *(SANSKRIT):* **RAJATI, REJATE**

یونانی *(GREEK):* **ELEIZŌ**

گوتیک *(GOTHIC):* **LAIKAN, LAIKS**

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):* **LEIKA**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):* **LEIH, LEICHEN**

آلمانی *(GERMAN):* **LAICH**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* **LĀC, LĀCAN**

لیتوانی *(LITHUANIAN):* **LAIGYTI, LAIGYMAS**

ایرلندی *(IRISH):* **LOIG**

برتونی *(BRETON):* **LŪE**

| بسگشت‌ها | *REFERENCES* |
|---|---|
| 667-668 | *POKORNY:* |
| HLEIG | *MALLORY & ADAMS:* |
| برهان قاطع: | ۵۸ |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۲۰۲ |

***یادداشت:***

معنی این واژه در کردی: بازی.
معنی این واژه در ایرلندی: گوساله.
معنی این واژه در گوتیک: جست و خیز کردن، رقصیدن.
معنی این واژه در انگلیسی کهن و آلمانی کهن: پریدن.
معنی این واژه در آلمانی:(ماهی) تخم ریزی کردن، بچه آوردن.
معنی این واژه در سانسکریت: لرزیدن.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* آماج (به چَم"شیار" و "آهن جفت" و "آهن گاوآهن") | **AMĀJ** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **TARGET** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | ***MAT** |

سانسکریت *(SANSKRIT):* **MATAYĀ**

لاتین *(LATIN):* **MATEOLA, MATTEA, MATTEŪKA**

فرانسه *(FRENCH):* **MASSE**

اسپانیایی *(SPANISH):* **MAZA**

ایتالیایی *(ITALIAN):* **MAZZA**

رومانی *(RUMANIAN):* **MATTEA**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):* **MEDELA**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* **MATTOC**

انگلیسی *(ENGLISH):* **MATTOCK**

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):*

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 700 |
| BARNHART: | |
| (MATTOCK) 642, (MACE) 619, | |
| BUCK: | 504-505, 596 |
| ONIONS: | (MACE) 543 |
| SKEAT: (MACE) 353, (MATTOCK) 366 | |
| MALLORY & ADAMS: | MAT- |
| ۵۹ | برهان قاطع: |
| ۲۰۴ | لغت‌نامه دهخدا: |
| ۸۶ | فرهنگ معین: |

MOTYKA
روسی (RUSSIAN): MATUIKA
لیتوانی (LITHUANIAN): MATIKKAS
ایرلندی کهن (OLD IRISH): MADAG

یادداشت:

۱- معنی این واژه در هند و اروپایی و اکثر زبان‌های دیگر: کلنگ، پکَنه.
معنی این واژه در سانسکریت: خیش، چنگک زمین صاف کنی.
معنی این واژه در رومانی: چماق.
معنی این واژه در آلمانی کهن: شُخم.
۲- ONIONS, SKEAT این واژه را فقط تا ریشه‌ی لاتین پیگیری می‌کنند.

| | |
|---|---|
| ĀMADAN | فارسی (PERSIAN): آمدن |
| COME | چَم انگلیسی سرواژه فارسی: |
| *GWA-, *GWEM- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): JAMAITI, GAM,
JAM, ĀJAM, JAMYAT
پارسی باستان (OLD PERSIAN):
A-GAMATĀ, Ā-JAM, JAMJA, GAM
پهلوی (PAHLAVI): MADAN, ĀMATAN
تخاری A (TOKHARIAN A): KÄM, KAM
تخاری B (TOKHARIAN B): KÄM, KAM
سانسکریت (SANSKRIT):
JIGATI, GAMATI, GAM, ĀGAN
ارمنی (ARMENIAN): KAM, EKN

یونانی (GREEK): BAINŌ, BAINIEN,
BĀSKŌ
لاتین (LATIN): (شاید) VENIRE
فرانسه (FRENCH): (شاید) VENIRE
اسپانیایی (SPANISH): (شاید) VENIR
ایتالیایی (ITALIAN): (شاید) VENIR
رومانی (RUMANIAN): (شاید) VENI
پرتغالی (PORTUGUESE): (شاید) VIR
گوتیک (GOTHIC): QUIMAN
نورس کهن (OLD NORSE): KOMA

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN)*:

| | |
|---|---|
| | **QUEMAN** |
| آلمانی *(GERMAN)*: | **KOMMEN** |
| انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH)*: | **CUMAN** |
| انگلیسی *(ENGLISH)*: | **COME** |
| دانمارکی *(DANISH)*: | **KOMME** |
| سوئدی *(SWEDISH)*: | **KOMMA** |
| نروژی *(NORWEGIAN)*: | **KOMME** |
| هلندی *(DUTCH)*: | **KOMEN** |
| لیتوانی *(LITHUANIAN)*: | **GŌTI, GEMÚ** |
| لتونی (لتی) *(LATVIAN)*: | **GAJU** |

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 464-465 |
| *BARNHART:* | (COME) 192 |
| *DELAMARRE:* | (VENIR) 259 |
| *MACKENZIE:* | 53, (COME) 107 |
| *BUCK:* | 693-696 |
| *ONIONS:* | (COME) 193 |
| *SKEAT:* | (COME) 122 |
| ۶۰ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

۱-ایـن واجـریشه‌ی هـندواروپـایی بـما واجـسریشه‌های و **GHEI-*** (POKORNY :418) و **EI*** (POKORNY :293) و-**RĒBH** (POLKORNY :853) از نظر معنی خویشی دارد.

۲- بازگشت به "رفتن" و "- آیند).

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN)*: آمیختن،- آمیز، آمیغ، آمیزه | **AMIXTAN,- ĀMĒZ, ĀMĒGH, ĀMĒZE** |
| چَم انگلیسی سرواژه فارسی: | **MIX** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN)*: | ***MIK-, *MEIK-, *MEIGHO-, *MINGHŌ** |

| | |
|---|---|
| اوستایی *(AVESTAN)*: | **MINASHTI** |
| پهلوی *(PAHLAVI)*: | **ĀMIC,ĀMĒXTAN** |
| سانسکریت *(SANSKRIT)*: | **MIÇRA-,** |
| | **MEKSĀYATI** |
| ارمنی *(ARMENIAN)*: | **ĀMIC** |
| یونانی *(GREEK)*: | **MISGEIN, MIGHĀ,** |
| | **MEIKSŌ, MEIGNÝNAI** |
| لاتین *(LATIN)*: | **MISCEŌ, MISCERE** |
| فرانسه *(FRENCH)*: | **MÊLER** |
| اسپانیایی *(SPANISH)*: | **MEZCLAR** |
| ایتالیایی *(ITALIAN)*: | **MISCHIARE** |
| رومانی *(RUMANIAN)*: | **AMESTECA** |

| | |
|---|---|
| آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN)*: | |
| | **MISCAN** |
| آلمانی *(GERMAN)*: | **MISCHEN** |
| انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH)*: | **MISCIAN** |
| انگلیسی *(ENGLISH)*: | **MIX** |
| هلندی *(DUTCH)*: | **MENGEN** |
| اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC)*: | |
| | **MĒSHITI** |
| لهستانی *(POLISH)*: | **MIESZAC** |
| روسی *(RUSSIAN)*: | **MESHAT** |
| چک *(CZECH)*: | **MÍCHAT** |
| بلغاری‌کهن *(OLD BULGARIAN)*: | **MESHO** |

بوهمی (BOHEMIAN): MICHTI

اسلواکی (SLOVAK): MIESHAT

لیتوانی (LITHUANIAN): MISHRAS, MIESHIU

لتونی (لتی) (LATVIAN): MĀISU

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): MAYSOTAN

ایرلندی کهن (OLD IRISH): MESCAIM

گالی (GAULISH): MEASG

برتونی (BRETON): MESKA

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 714-715 |
| BARNHART: | (MIX) 668 |
| DELAMARRE: | |
| MÊLER, MÉLANGER 268 | |
| MACKENZIE: | 8, (MIX) 124 |
| BUCK: | 335 |
| ONIONS: | (MIX) 582 |
| SKEAT: | (MIX) 381 |
| ۶۲ | برهان قاطع: |
| ۹۳ | فرهنگ معین: |

یادداشت:

ONIONS معتقد است که همه‌ی واژه‌های ژرمنی وابسته به "آمیختن" از واژه‌ی لاتین MISCERE مشتق شده‌اند.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): آن (در برابر "این") | ĀN |
| چَم انگلیسی سر واژه فارسی: | THAT |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *ANIOS-, *ANTEROS-, *AN- |

اوستایی (AVESTAN): ANYA-, ANYAS, ANA

پارسی باستان (OLD PERSIAN): ANIYA-, ANĀ

پهلوی (PAHLAVI): ĀN, HĀN, ANY

اوستی (OSSETIC): ÄNDÄR, ANNAE

کردی (KURDISH): ADĪNE, ĒDIN

سانسکریت (SANSKRIT): ANYÁ-, ÁNTARA, ANYAS, ANÁYĀ

یونانی (GREER): ENĒ

لاتین (LATIN): ENIM

گوتیک (GOTHIC): ANTHAR

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): ANNARR

ساکسونی کهن (OLD SAXON): ĀTHAR, ŌTHAR

فریزی کهن (OLD FRISIAN): ŌTHER

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): ANDAR

آلمانی (GERMAN): ANDER

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): ŌTHER

انگلیسی (ENGLISH): OTHER

دانمارکی (DANISH): ANDEN

سوئدی (SWEDISH): ANDRA

نروژی (NORWEGIAN): ANNEN

هلندی (DUTCH): ANDER

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): OTERU, ONŪ

| | |
|---|---|
| لیتوانی (LITHUANIAN): | ANTRAS, ANTARAS |
| لتونی (لتی) (LATVIAN): | UOTRS |
| پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): | ANTERS, ANTARS |

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 319, 37 |
| BARNHART: | (OTHER) 739 |
| MACKENZIE: | (THAT) 136 |
| | (OTHER) 126, |
| ONIONS: | (OTHER) 635 |
| SKEAT: | (OTHER) 417 |
| AMINDAROV: | (OTHER) 264 |
| ۶۳ | برهان قاطع: |

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های اوستایی و پارسی کهن و پهلوی و دیگر واژه‌های این فهرست: دیگر.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): آواز | ĀVĀZ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | VOICE, SINGING, SOUND |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *WEKW- |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | ŪXTA-, VAC, Ā-VĀXSH |
| پهلوی (PAHLAVI): | ĀWĀZ, ĀVĀC |
| سانسکریت (SANSKRIT): | AVĀCI, VAVĀCA, VĀCAYATI, ÁVOCAM |
| یونانی (GREEK): | ÓPA |
| لاتین (LATIN): | VOX, VOCARE |
| فرانسه (FRENCH): | VOISER |
| ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): | OMUN |
| لتونی (لتی) (LATVIAN): | WACKĪTWEI, EN-WACKEMAI |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | FŪAIM, FOCCUL |

یادداشت:

بازگشت به: واژه.

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 1135-1136 |
| DELAMARRE: | (VOIX) 110 |
| MACKENZIE: | (VOICE) 139 |
| BUCK: | (VOICE) 1248 |
| ۶۵ | برهان قاطع: |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): آویختن | ĀVIXTAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | HANG, SUSPEND |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *WEIK-, *WEIG- |

اوستایی (AVESTAN):

VAĒG-, NIWIXTA-, Ā-VAEG

پهلوی (PAHLAVI):

ĀVĪXTAN, ĀPĪXTAN

افغانی (پشتو) (AFGHANI): AWĪSHTĒL

سانسکریت (SANSKRIT):

VĒJATE, ABHI-VĪJ-

یونانی (GREEK): EIKHŌ

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 1130-1131 |
| برهان قاطع: | ۶۷ |
| فرهنگ معین: | ۱۰۲ |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): آهن | ĀHAN |
| چَم انگلیسی سرواژه فارسی: | IRON |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *EIS-, *AIOS |

اوستایی (AVESTAN): AYAH, AYŌ-

پهلوی (PAHLAVI): ĀSIN, ĀHĒN,

ĀSĒNĒN, ĀHAN

کردی (KUORDISH): HESIN

افغانی (AFGHANI): ISTRI

سانسکریت (SANSKRIT): AYAS

یونانی (GREEK): HIERO

لاتین (LATIN): AES, AIS

اسپانیایی (SPANISH): HIERO

گوتیک (GOTHIC): AIZ, EISARN

ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN):

ĪSARN, EIR, JARN

ساکسونی کهن (OLD SAXON): ĪSARN

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

ĪSARN, ĒR

آلمانی (GERMAN): EISEN, ERZ

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): ISERN,

IREN

انگلیسی (ENGLISH): IRON

دانمارکی (DANISH): JERN

سوئدی (SWEDISH): JERN

نروژی (NORWEGIAN): JERN

هلندی (DUTCH): IJZER

ایرلندی کهن (OLD IRISH): IARN

سلتی (کلتی) (CELTIC): ISARNON

گالی (GAULISH): ISARNO

ولزی کهن (OLD WELSH): HAEARN

برتونی (BRETON): HOUARN

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 299-300, 15 |
| BARNHART: | (IRON) 544 |
| MACKENZIE: | 6, (IRON) 120 |
| BUCK: | 613 |
| ONIONS: | (IRON) 485 |
| SKEAT: | (IRON) 308 |
| AMINDAROV: | 241 |
| MALLORY | 121 |
| برهان قاطع: | ۷۰ |

یادداشت:

چَم این واژه در زبان سانسکریت: فلز.

چَم این واژه در زبان لاتین: برنز.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): -آیند، -آید، آینده | -ĀYAND, -ĀYAD, ĀYANDÉ |
| چَم انگلیسی سرواژه فارسی: | FUTURE, COMING |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *EI-, *EIMI- |

| | | | |
|---|---|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | YEINTI, AĒITI, AITI, I- | اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): | IDŌ, IDI, ITI |
| پارسی باستان (OLD PERSIAN): | AITIY | لیتوانی (LITHUANIAN): | EITI, EI-MĒ, EUNT, EIMI |
| پهلوی (PAHLAVI): | ĀY- | | |
| تخاری A (TOKHARIAN A): | YMĀS | پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): | ĒIT |
| تخاری B (TOKHARIAN B): | YAM | لتونی (لتی) (LATVIAN): | EIMU, IET |
| سانسکریت (SANSKRIT): | YAN, AYA- TĒ, YANTI, ĒMI, ĒTI | هتیت (HITTITE): | I-IT, E-HU, PA-IMI, IM- |
| یونانی (GREEK): | EĪMI | | |
| لاتین(شاید) (LATIN): | IRE, EŌ | | |
| فرانسه (FRENCH): | IRAI | | |
| اسپانیایی (SPANISH): | IR | | |
| ایتالیایی (ITALIAN): | IRE | | |
| پرتغالی (PORTUGUESE): | IR | | |
| گوتیک (GOTHIC): | IDDJA | | |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | ĒODE | | |

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 293-296 |
| BARNHART: | (WEND) 1228 |
| DELAMARRE: | (ALLER) 254 |
| MACKENZIE: | 14, (COME) 107 |
| SKEAT: | (EI-) 256 |
| ۲۶۳ | لغت‌نامه دهخدا: |

یادداشت:

بازگشت به "رفتن" و "آمدن".

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN) اَبَر | ABAR |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | SUPER و OVER |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *UPER-, *UPĒRI- |

| | | | |
|---|---|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | UPARA-, UPARIY-, UPAIRI | پهلوی (PAHLAVI): | APAR, ABAR, ABRAG, ABARAGĀN, ABARĪGĀN |
| پارسی باستان (OLD PERSIAN): | UPARIY | سانسکریت (SANSKRIT): | UPĀRI, UPARA |

| | |
|---|---|
| ارمنی (ARMENIAN): | VER |
| یونانی (GREEK): | HUPĒR, HYPER |
| لاتین (LATIN): | SUPER |
| گوتیک (GOTHIC): | UFAR, UFARŌ |
| ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): | YFIR |
| ساکسونی کهن (OLD SAXON): | UBAR, UVER |
| فریزی کهن (OLD FRISIAN): | UVER, OVER |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | UBAR |
| آلمانی (GERMAN): | ÜBER |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | OFER |
| انگلیسی (ENGLISH): | OVER |
| دانمارکی (DANISH): | OVER |
| سوئدی (SWEDISH): | ÖVER |
| نروژی (NORWEGIAN): | OVER |
| هلندی (DUTCH): | OVER |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | FOR- |
| سلتی (کلتی) (CELTIC): | VERTAMO- |
| گالی (GAULISH): | VER- |

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 1105-1106 |
| BARNHART: | (OVER) 742 |
| DELAMARRE: | (SUR, AU-DESSUS) 303 |
| MACKENZIE: | 1, (OVER) 126, (SUPERIROR) 135 |
| ONIONS: | (OVER) 637 |
| SKEAT: | (OVER) 418-419 |
| برهان قاطع: | ۷۹ |

| | | |
|---|---|---|
| فارسی (PERSIAN): | ابر (به چَم "دمه‌ی باران") | ABR |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | | CLOUD |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | | *OMBH-, *MBH-, *MBHRO- |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | AWRA, AWREM |
| پهلوی (PAHLAVI): | ABR |
| کردی (KURISH): | HAUR, EWR |
| بلوچی (BALUCHI): | HAUR |
| افغانی (پشتو) (AFGHANI): | ŌRA |
| سانسکریت (SANSKRIT): | ABHRĀ |
| ارمنی (ARMENIAN): | AMB, AMP |
| یونانی (GREEK): | APHROS, ŌMBROS |
| لاتین (LATIN): | IMBER, IMBRIS |
| فرانسه (FRENCH): | OMBRE |
| اسپانیایی (SPANISH): | SOMBRA |
| ایتالیایی (ITALIAN): | OMBRA |
| رومانی (RUMANIAN): | UMBRĀ |
| پرتغالی (PORTUGUESE): | SOMOBRA |
| آلمانی (GERMAN): | AMMER, AMPER, EMMER |
| انگلیسی (ENGLISH): | AMBER |
| اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): | OBLAKU |
| لهستانی (POLISH): | OBLOK |

| | |
|---|---|
| روسی (RUSSIAN): | OBLAKO |
| چک (CZECH): | OBLAK |
| بوهمی (BOHEMIAN): | OBLAK |
| اسلواکی (SLOVAK): | OBLAK |
| سلتی(کلتی) (CELTIC): | AMBRIĀ |
| گالی (GAULISH): | AMBRĀ |
| ولزی (WELSH): | AMIR, AMYR |

| بسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 315-316 | POKORNY: |
| (NEBULA) 697 | BARNHART: |
| (CLOUD) 107 | MACKENZIE: |
| 35 | BUCK: |
| برهان قاطع: | ۷۹ |

**یادداشت:**

۱- چم این واژه در زبان‌های رمانس(به جز لاتین): سایه.
۲- در زبان‌های آلمانی و انگلیسی و سلتی و گالی و ولزی این واجریشه به صورت نام رودخانه (اسم خاص) باقی مانده است.
۳- واژه‌ی "ابر" با واژه‌ی "نم" خویشی دارد.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): ابرو، برو | ABRŪ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | EYEBROW |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *BHRŪ, *BHRŪS- |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | BRAVAT |
| پهلوی (PAHLAVI): | BRŪG, BRŪK |
| سانسکریت (SANSKRIT): | BHRŪH, BHRŪS |
| یونانی (GREEK): | OPHRÝS |
| ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): | BRŪN, BRĀ |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | BRŪS, BRĀWA |
| آلمانی (GERMAN): | AUGENBRAVE, BRAVE |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | BRŪ, OFARBRŪ |
| انگلیسی (ENGLISH): | EYEBROW, BROW |
| دانمارکی (DANISH): | OJENBRYN |
| سوئدی (SWEDISH): | ÖGONBRYN |
| نروژی (NORWEGIAN): | OYENBRYN |
| اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): | BRŪVI |
| لهستانی (POLISH): | BRWI |
| روسی (RUSSIAN): | BROV́ |
| چک (CZECH): | OBOČI |
| صربی (SERBIAN): | OBRVA |
| بوهمی (BOHEMIAN): | OBRV |
| اسلواکی (SLOVAK): | OBOČI |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | BRUVIS |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | BRAUD |

| پسگشت‌ها | REFERENCES | | |
|---|---|---|---|
| POKORNY: | 172 | BUCK: | 219 |
| BARNHART: | (BROW) 120-121 | ONIONS: | (BROW) 121 |
| DELAMARRE: | (SOURCIL) 97 | SKEAT: | (BROW) 76 |
| MACKENZIE: | 20, (BROW) 105 | برهان قاطع : | ۸۰ |

یادداشت:

این واژه در برخی زبان‌های هند و اروپایی معنی "پیشانی" را هم دارد.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): ارابه | ARRĀBE |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | CHARIOT |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *RET-, *ROTOS |

| | | | |
|---|---|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | RATHŌ, RATHA | هلندی (DUTCH): | RAD |
| پهلوی (PAHLAVI): | RH | لیتوانی (LITHUANIAN): | RŌTHAS |
| سانسکریت (SANSKRIT): | RÁTHA- | لتونی (لتی) (LATVIAN): | RATS |
| لاتین (LATIN): | ROTA | ایرلندی کهن (OLD IRISH): | ROTH |
| فرانسه (FRENCH): | ROUE | سلتی(کلتی) (CELTIC): | RETO- |
| اسپانیایی (SPANISH): | RUEDA | گالی (GAULISH): | RHOD |
| ایتالیایی (ITALIAN): | RUOTA | | |
| رومانی (RUMANIAN): | ROATĀ | | |
| پرتغالی (PORTUGUESE): | RODA | | |
| گوتیک (GOTHIC): | RATHS | | |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | ROD, RAT | | |
| آلمانی (GERMAN): | RAD | | |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | RADOR, RODOR | | |

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 866-867 |
| DELAMARRE: | (ROUE) 126, (CHARIOT) 106 |
| MACKENZIE: | (WAGON) 139 |
| ONIONS: | (ROTA) 773 |
| SKEAT: | (RET) 757 |
| برهان قاطع : | ۹۶ |

یادداشت:

در برهان قاطع :(به صورت نقل قول) آمده است که واژه‌ی فارسی "ارابه" از یونانی ARMA آمده است(برهان قاطع: ۹۶).

| ARD, ART, ARTA | فارسی (PERSIAN): ارد، ارت، ارَتا(به چَم"ارض") |
|---|---|
| EARTH | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *ERT-, *ERTA-, *ERU- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

| | | | |
|---|---|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | ARDA, ARTA | سوئدی (SWEDISH): | JORD |
| پهلوی (PAHLAVI): | ARTA | نروژی (NORWEGIAN): | JORD |
| کردی (KURDISH): | ERD | هلندی (DUTCH): | ARRD |
| ارمنی(شاید) (ARMENIAN): | ERKIR | لیتوانی (LITHUANIAN): | ĒRDVE |
| یونانی (GREEK): | ERĀ | گالی (GAULISH): | ERW |
| گوتیک (GOTHIC): | AĪRTHA | ولزی (WELSH): | ERW |
| ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): | JORTH | | |
| نورس کهن (OLD NORSE): | JORTH | | |
| ساکسونی کهن (OLD SAXON): | ERTHA | | |
| فریزی کهن (OLD FRISIAN): | ERTHE | | |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | ERDA, ERO | | |
| آلمانی (GERMAN): | ERDE | | |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | EORTHE | | |
| انگلیسی (ENGLISH): | EARTH | | |
| دانمارکی (DANISH): | JORD | | |

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 332 |
| BARNHART: | (EARTH) 311 |
| DELAMARRE: | (LA TERRE) 182 |
| BUCK: | 15-16 |
| ONIONS: | (EARTH) 298 |
| SKEAT: | (EARTH) 187 |
| AMINDAROV: | 55 |
| ۹۸ | برهان قاطع: |

یادداشت:

۱- واژه‌های "ارد" و "ارَت" و "ارتا" در اوستایی به معنی "پاکی" و "تقدس" و "جای مقدس" نیز به‌کار فته‌اند.
۲- ONIONS, SKEAT واجریشه‌های هند و اروپایی و هند و ایرانی این واژه را نمی‌دهند.

| ARJ | فارسی (PERSIAN): ارج |
|---|---|
| VALUE | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *ERKŪ- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

| | | | |
|---|---|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | AREJA | تخاری B (TOKHARIAN B): | YARKE |
| پهلوی (PAHLAVI): | ARJ | سانسکریت (SANSKRIT): | ERC-, ARKĀ, ĀRCATI |
| تخاری A (TOKHARIAN A): | YÄRK, YÜRK | | |

| | |
|---|---|
| ارمنی (ARMENIAN): | ERG |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | ERC |
| هتیت (HITTITE): | ARKU- |

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 340 |
| DELAMARRE: | (HONORER) 255 |
| برهان قاطع: | ۹۷ |

یادداشت:

چَم این واژه در زبان ارمنی: سرود.

چَم این واژه در زبان ایرلندی کهن: آسمان، عرش.

| فارسی (PERSIAN): ارز، ارزش، ارزیدن | ARZ, ARZESH, ARZIDAN |
|---|---|
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | WORTH |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *ALGwHĀ, *ALGUH, *ALGwOS |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | AREJAITI, AREJAH |
| پهلوی (PAHLAVI): | ARZ, ARZIDAN, ARZISHN |
| اوستی (OSSETIC): | ARG |
| یونانی (GREEK): | ALPHĖ, ALPHEIN |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | ALGÁ |
| لتونی (لتی) (LATVIAN): | ALGÁ |
| پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): | ALGAS |

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 32-33 |
| DELAMARRE: | (VALEUR) 199 |
| MACKENZIE: | 11 |
| BUCK: | 825-826 |
| برهان قاطع: | ۱۰۲ |

یادداشت:

معنی این واژه در زبان یونانی: فایده.

معنی این واژه در زبان‌های بالتیک(لیتوانی و لتونی و پروسی کهن): دستمزد.

| فارسی (PERSIAN): ارزیز (به چَم "قلع"، "فلز سپید و نقره فام") | ARZIZ |
|---|---|
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | TIN |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *AREG-, *ARG-, *ARGU-, *RGHI- |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | ƏRƏZATA- |
| پارسی باستان (OLD PERSIAN): | ARDATA- |
| پهلوی (PAHLAVI): | ARZIZ, ARZIZĒN |
| تخاری A (TOKHARIAN A): | ĀRKYANT, ARKI |
| تخاری B (TOKHARIAN B): | ĀRKWI |

| | |
|---|---|
| سانسکریت *(SANSKRIT)*: | **ARJUNAH,** |
| | **RAJATĀ-, RAJATAM** |
| ارمنی *(ARMENIAN)*: | **ARCATH** |
| یونانی *(GREEK)*: | **ÁRGYROS, *ARGRÓS** |
| لاتین *(LATIN)*: | **ARGENTUM** |
| فرانسه *(FRENCH)*: | **ARGENT** |
| ایتالیایی *(ITALIAN)*: | **ARGENTO** |
| رومانی *(RUMANIAN)*: | **ARGINT** |
| ایرلندی کهن *(OLD IRISH)*: | **ARGGAT,** |
| | **ARGAT** |
| گالی *(GAULISH)*: | **ARCANTO-** |
| ولزی *(WELSH)*: | **ARIANT, ARIAN** |
| برتونی *(BRETON)*: | **ARGANT** |
| هتیت *(HITTITE)*: | **HARKIS** |

| *REFERENCES* | **پسگشت‌ها** |
|---|---|
| *POKORNY:* | **64-65** |
| *BARNHART:* | **(ARGENT) 49-50** |
| *DELAMARRE:* | **(ARGENT) 179** |
| *MACKENZIE:* | **(TIN) 137** |
| *BUCK:* | **(SILVER) 610-611** |
| *ONIONS:* | **(ARGILLACEOUS) 49** |
| | **(ARGENT) 49,** |
| *SKEAT:* | **(ARGENT) 30** |
| **۱۹۹-۲۰۰** | **فرهنگ معین :** |
| **۱۰۳** | **برهان قاطع :** |
| **۱۸۲۹** | ***لغت‌نامه دهخدا:*** |

***یادداشت:***

**چم‌های این واژه در زبان‌های این فهرست: فلز سپید، نقره، سپید.**

| | |
|---|---|
| **فارسی** *(PERSIAN)*: **اَرَش، رَش، آرش (یکان قدیمی برای سنجش درازا)** | **ARASH** |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | **ELL** |
| **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN)*: | ***EL-, OLĪNĀ** |

| | |
|---|---|
| اوستایی *(AVESTAN)*: | **ARATN** |
| پارسی باستان *(OLD PERSIAN)*: | **ARASHN** |
| پهلوی *(PAHLAVI)*: | **ĀRESHN** |
| سانسکریت *(SANSKRIT)*: | **ARATN** |
| ارمنی *(ARMENIAN)*: | **ELL** |
| یونانی *(GREEK)*: | **ŌLÈNĒ** |
| فرانسه *(FRENCH)*: | **AUNE** |
| گوتیک *(GOTHIC)*: | **ALEINA** |
| ایسلندی‌کهن *(OLD SCANDINAVIAN)*: | **OLN, ALIN** |
| آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN)*: | **ELINA** |
| آلمانی *(GERMAN)*: | **ELLE** |
| انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH)*: | **ELN** |
| انگلیسی *(ENGLISH)*: | **ELL** |
| دانمارکی *(DANISH)*: | **ALEN** |
| سوئدی *(SWEDISH)*: | **ALN** |
| نروژی *(NORWEGIAN)*: | **ALEN** |
| هلندی *(DUTCH)*: | **ELLE** |
| ولزی *(WELSH)*: | **ELIN** |

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 37 |
| BARNHART: | (ELL) 322 |
| MACKENZIE: | 11 |
| ONIONS: | (ELL) 306 |
| SKEAT: | (ELL) 190 |
| برهان قاطع: | (رش) ۹۵۱، (ارش) ۱۰۴ |

یادداشت:

این واژه با "آرنج" از یک واجریشه است.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): اروند(به چَم"تند و تیز و چالاک و دلیر") | ARVAND |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | FAST, SPEEDY, SWIFT |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *EREU-, *ER-NU-, *OR-UO- |

اوستایی (AVESTAN): AURVANT, AURVA-

پهلوی (PAHLAVI): ARVAND

سانسکریت (SANSKRIT): ÁRVAN-, ÁRVANT

یونانی (GREEK): ORNUMI

لاتین (LATIN): RUŌ ,UĒRE

گوتیک (GOTHIC): ARWJO

ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): ORR

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): ERNUST

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): EARU

ایرلندی کهن (OLD IRISH): RŪAE, RŪE

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 331-332 |
| MACKENZIE: | (SWIFT) 135 |
| BUCK: | 969 |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۱۹۳۷ |
| فرهنگ معین: | ۲۰۹ |
| برهان قاطع: | ۱۱۲ |

یادداشت:

واژه‌ی "اروند رود" نیز از همین ریشه است و در برهان قاطع: برابر با "دجله" شناخته شده است ولی امروز هم چم "شط‌العرب" است.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): اَزک، اَزگ(به چَم"بز ماده") | AZAK, AZAG |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | FEMALE GOAT |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | * AG-, *AGVOS, *AIG- |

پهلوی (PAHLAVI): AZAK

سانسکریت (SANSKRIT): AJĀS, AJĀ, AJINAM

ارمنی (ARMENIAN): AIC

یونانی *(GREEK):* **AIX, AIGÓS**

لیتوانی *(LITHUANIAN):* **AZYS, AZKA**

پروسی کهن *(OLD PRUSSIAN):* **WOSEE, WOSUX**

آلبانی *(ALBANIAN):* **DHI**

| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 6 |
| *DELAMARRE:* | 31 |
| *MALLORY & ADAMS:* | AG- |

یادداشت:

POKORNY(صفحه‌ی ۶) می‌گوید این واژه در فارسی میانه AZAK و در فارسی نوین AZG است ولی نتوانستم این واژه را در فرهنگ‌های فارسی(حتی در *لغت‌نامه دهخدا*: و فرهنگ معین و برهان قاطع :) پیدا کنم. در *لغت‌نامه دهخدا*:(صفحه‌ی ۱۹۸۶) واژه‌ی "ازرک" آورده شده است.

| | |
|---|---|
| **AZ** | فارسی *(PERSIAN):* از |
| **FROM, SINCE, AS OF** | **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** |
| ***SEKW-** | **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN):* |

اوستایی *(AVESTAN):* **HACHĀ**

پارسی باستان *(OLD PERSIAN):* **HACHĀ**

پهلوی *(PAHLAVI):* **HAC, AZ**

سانسکریت *(SANSKRIT):* **SÁCA, SÁKAM**

لاتین *(LATIN):* **SECUS**

لتونی (لتی) *(LATVIAN):* **SEC, SECEN**

ایرلندی کهن *(OLD IRISH):* **SECH**

| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 896 |
| *DELAMARRE:* | (LE LONG DE) 301 |
| *MACKENZIE:* | (FROM) 115 |
| *برهان قاطع* : | ۱۱۳ |

| | |
|---|---|
| **AZHDAHĀ** | فارسی *(PERSIAN):* اژدها (مرکب از "اژ" به چَم "مار" و "دها" به چَم "گزنده") |
| **DRAGON** | **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** |
| *** ANGw-, *ANGwHIS, *ONGwHIS** | **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN):* |

اوستایی *(AVESTAN):* **AZHI-DAHĀKA, AZHI**

پهلوی *(PAHLAVI):* **AZDAHAG, AZ**

سانسکریت *(SANSKRIT):* **AHI**

ارمنی *(ARMENIAN):* **IZH, AUJ**

یونانی *(GREEK):* **ĒKHIS, ĒCHĪNOS, ŌPHIS**

لاتین *(LATIN):* **ANGUIS**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):* **IGIL**

آلمانی *(GERMAN):* **IGEL**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* **IGIL**

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

| | |
|---|---|
| | JEZHŪ, *AZI |
| لهستانی (POLISH): | WAZH |
| روسی (RUSSIAN): | UZH |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | ANGIS |
| لتونی (لتی) (LATVIAN): | UODZE |
| پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): | ANGIS |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | ESC-UNG |
| ولزی (WELSH): | EUOD |

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 43-44 | POKORNY: |
| (EEL) 315 | BARNHART: |
| (SERPENT) 143 | DELAMARRE: |
| (DRAGON) 111 | MACKENZIE: |
| (SNAKE) 194-195 | BUCK: |
| (OPHIDIAN) 628 | ONIONS: |
| (EEL) 188 | SKEAT: |
| فرهنگ معین : | ۲۲۳ |
| برهان قاطع : | ۱۱۶ |

یادداشت:

چَم این واژه در آلمانی کهن و آلمانی و انگلیسی کهن: خارپشت.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): اسب | ASB |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | HORSE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *EKWOS |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | ASPĀ- |
| پارسی باستان (OLD PERSIAN): | ASA-, ĀS-, |
| | ASPA- |
| پهلوی (PAHLAVI): | ASP |
| اوستی (OSSETIC): | YĀSP, JÄFS |
| کردی (KURDISH): | HESP |
| افغانی(پشتو) (AFGHANI): | ĀS, AS |
| تخاری A (TOKHARIAN A): | YUK |
| تخاری B (TOKHARIAN B): | YAKWE |
| سانسکریت (SANSKRIT): | ÁSVAS, ÁSVAH |
| ارمنی (ARMENIAN): | ĒSH, ASPŌ |
| یونانی (GREEK): | IPPOS, HIPPOS |
| لاتین (LATIN): | EQUUS |
| اسپانیایی (SPANISH): | YEGUA |
| رومانی (RUMANIAN): | IAPĀ |
| گوتیک (GOTHIC): | AIHVA |
| ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): | JOR |
| نورس کهن (OLD NORSE): | JOR |
| ساکسونی کهن (OLD SAXON): | ASPA, EHU- |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | EHR- |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | EOH |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | ASHVA, ASVA |
| پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): | ASWINAN |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | ECH |
| گالی (GAULISH): | EPO- |

| | | | |
|---|---|---|---|
| *ONIONS:* | (EQUINE) 321 | *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
| *SKEAT:* | (EQUINE) 198 | *POKORNY:* | 301 |
| *RAMAT:* | 34 | *BARNHART:* | (EQUINE) 338, |
| *AMINDAROV:* | 72 | (HIPPODROME) 483 | |
| *MALLORY:* | 119 | *DELAMARRE:* | (CHEVAL)) 132 |
| ۱۱۸ | برهان قاطع: | *MACKENZIE:* | 12 |
| | | *BUCK:* | 167-171 |

**یادداشت:**

۱- این واجریشه در کلیه‌ی زبان‌های هند و اروپایی کهن(به جز زبانهای اسلاوی) وجود داشته است ولی امروز فقط در زبان‌های ایرانی و معدودزبانهای دیگر وجود دارد.

۲- معنی این واژه در اسپانیایی: مادیان.

| | |
|---|---|
| **فارسی** *(PERSIAN):* **اسپست، اسبست(به چَم"یونجه")** | **ASPEST, ASBEST** |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | **CLOVER** |
| **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN):* | ***EKWOS- +ED-, *OD-** |

| | |
|---|---|
| اوستایی *(AVESTAN):* | ***ASPO-ASTI** |
| پارسی باستان *(OLD PERSIAN):* | ***ASPO-,** |
| | **ASTI** |
| پهلوی *(PAHLAVI):* | **ASPAST** |
| سانسکریت *(SANSKRIT):* | **ÁSVAS-ADMI** |
| ارمنی *(ARMENIAN):* | **ASPŌ-UTEM** |

| | |
|---|---|
| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
| *POKORNY:* | 301, 287 |
| *MACKENZIE:* | (CLOVER) 107 |
| *THE AMERICAN HERITAGE DICTIONARY OF THE ENGLISH LANGUAGE:* | (ALFALFA) 43 |
| ۲۳۳ | فرهنگ معین: |
| ۱۱۹-۱۲۰ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

این واژه‌ی فارسی مرکب است از دو واژه‌ی اوستایی و پارسی باستان ASPO (به چَم "اسب") و -AST یا -AD(به چَم "خوردن"). چَم اصلی این واژه را مرحوم معین چنین معلوم کرده است: اسب می‌خورد. این واژه به زبان عربی رفت (فصفصه) و از راه اسپانیایی وارد انگلیسی شد(ALFALFA).

ریشه‌ی اوستایی و پارسی کهن -AD با واژه‌های آلمانی ESSEN و انگلیسی EAT همریشه است:

(BARNHART: (EAT) 312

Sataq

| | |
|---|---|
| ESTĀK, SETĀK | فارسی (PERSIAN): اِستاک، ستاک (به چَم"شاخه") |
| TWIG, BRANCH | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| * STEL-, *STOL-, *STELG | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

| | |
|---|---|
| سانسکریت (SANSKRIT): | STĀHLĀ, STHALI, STHALATI |
| ارمنی (ARMENIAN): | STELN, STEDUNK, STELCANEM |
| یونانی (GREEK): | STELEĀ, STELEŌN, STÉLECHOS |
| لاتین (LATIN): | STULTUS, STODIDUS |
| ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): | STILKUR, STĀL, STJOLR |
| فریزی کهن (OLD FRISIAN): | STELK |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | STAL |
| آلمانی (GERMAN): | STIEL |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | STELA, STALU |
| انگلیسی (ENGLISH): | STALK |
| دانمارکی (DANISH): | STILK |
| سوئدی (SWEDISH): | STJÄLK |
| نروژی (NORWEGIAN): | STJELJ, STILK |
| هلندی(میانه) (DUTCH): | STELE |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | STELGTI |
| آلبانی (ALBANIAN): | SHTJELJ |

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 1019-1020 |
| BARNHART: | (STALK) 1057 |
| ONIONS: | (STALK) 861 |
| SKEAT: | (STALK) 596 |
| برهان قاطع: | ۱۲۴ و ۱۰۹۷ |

یادداشت:

معنی این واژه در برخی زبان‌های هند و اروپایی امروزین: تیر، ستون، دسته، ساقه، شاخه.

| | |
|---|---|
| OSTĀN,- STAN | فارسی (PERSIAN): استان،- ستان |
| PROVINCE | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| * STE-, *STĀ-, *STEL- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | STĀNA |
| پارسی باستان (OLD PERSIAN): | STANA- |
| پهلوی (PAHLAVI): | STAN, ESTAN |
| سانسکریت (SANSKRIT): | STHA-, STHALA-, STHANA |
| ارمنی (ARMENIAN): | STAN, STEL, STELN |
| یونانی (GREEK): | STATHMOS |
| لاتین (LATIN): | LOCUS, STABULUM |
| فرانسه (FRENCH): | ETABLE |
| اسپانیایی (SPANISH): | ESTABLO |
| ایتالیایی (ITALIAN): | STALLA |
| رومانی (RUMANIAN): | STAUL |

گوتیک (GOTHIC): -ISTR

ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN):

STALL-, STALLR

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

STAL

آلمانی (GERMAN): STALL, STELLEN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): -,STEAL

ESTRE

انگلیسی (ENGLISH): STALL

دانمارکی (DANISH): STALD, STED

سوئدی (SWEDISH): STALL

نروژی (NORWEGIAN): STALL

هلندی (DUTCH): STAL

لهستانی (POLISH): SLAJNIA

روسی (RUSSIAN): STAJLO

چک (CZECH): STAJ

صربی (SERBIAN): STAJA

بوهمی (BOHEMIAN): SLÁJ

لتونی (لتی) (LATVIAN): STALLIS

برتونی (BRETON): STAOL

آلبانی (ALBANIAN): SHTUARĒ

| بسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 1008 | POKORNY: |
| 150-151 | BUCK: |
| برهان قاطع: | ۱۲۴ و ۱۰۹۸-۱۰۹۷ |

یادداشت:

۱- این واژه یا واژه‌های "استاک" و "ایستادن" همریشه است.

۲- معنی این واژه در برخی زبان‌های هند و اروپایی: اسطبل، محل نگهداری دام.

۳- واژه‌ی فارسی "اسطبل" از واژه‌ی لاتین STABULUM آمده و این واژه‌ی لاتین خود با واژه‌های اوستایی ASPO-STANA (محل نگهداری اسب‌ها) و GAVO-STANA (محل نگهداری گاوها) از یک ریشه است.

۴- POKORNY برای واژه‌های این فهرست دو واجریشه را می‌دهد یکی STE* , STĀ(۱۰۱۹) به معنی "ایستادن" و "قرار گرفتن" و دیگری -STEL* (۱۰۱۹) به معنی "ایستاندن" و "قرار دادن".

۵- واژه‌ی انگلیسی STEAD هم از همین ریشه‌ی -STE* یا -STA* آمده است.

| فارسی (PERSIAN): | استخر(نام شهری در استان فارسی به چَم"مستحکم") ESTAXR |
|---|---|
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | ESTAKHR(NAME OF A CITY IN FARS), STRONGHOLD, CITADEL |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | * STAK-, *STEK-, *STOK- |

اوستایی (AVESTAN): STAXTA-, STAXRA-

سانسکریت (SANSKRIT): STAKATI, STAK

ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN):

STĀL

ساکسونی کهن (OLD SAXON): STEHLI

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

STAHAL

آلمانی (GERMAN): STAHL

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): STȲLE,

STELE

| | |
|---|---|
| انگلیسی (ENGLISH): | STEEL |
| دانمارکی (DANISH): | STAAL |
| سوئدی (SWEDISH): | STĀL |
| نروژی (NORWEGIAN): | STĀL |
| هلندی (DUTCH): | STAAL |
| پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): | -STAKLA, STACLAN |

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 1011 |
| BARNHART: | (STEEL) 1064 |
| ONIONS: | (STEEL) 866 |
| SKEAT: | (STEEL) 600 |
| ۱۲۴ | برهان قاطع: |

یادداشت:

چم این واژه در اوستایی: مستحکم، محکم، نیرومند.
چم این واژه در سانسکریت: پایداری، مقاومت(می‌کند).
چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: پولاد.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): استخوان، اُست | OSTOXAN, OST |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | BONE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *OST-, *OSTH, *OSTNES |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | ASTI-, AST- |
| پهلوی (PAHLAVI): | AST, ASTAG, ASTUXĀN, ASTAXVĀN |
| اوستی (OSSETIC): | STÄG |
| کردی (KURDISH): | SŪQĀN, HESTĪ |
| سانسکریت (SANSKRIT): | ASTHI, ASTHNAS |
| ارمنی (ARMENIAN): | OSKR |
| یونانی (GREEK): | OSTÉON |
| لاتین (LATIN): | OS, OSS, OSSEUM |
| فرانسه (FRENCH): | OS |
| اسپانیایی (SPANISH): | HUESO |
| ایتالیایی (ITALIAN): | OSSO |
| رومانی (RUMANIAN): | OS |
| پرتغالی (PORTUGUESE): | OSSO |
| لهستانی (POLISH): | KÓSĆ |
| روسی (RUSSIAN): | KOST |
| چک (CZECH): | KOST |
| صربی (SERBIAN): | KOST |
| بوهمی (BOHEMIAN): | KOST |
| اسلواکی (SLOVAK): | KOST |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | KAULAS |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | ASIL |
| برتونی (BRETON): | ASKOURN |
| آلبانی (ALBANIAN): | ASHT, ASKTĒ |
| هتیت (HITTITE): | HASTAI |

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 783 |
| BARNHART: | (OSSEOUS) 739 |
| DELAMARRE: | (OS) 106 |
| MACKENZIE: | 12 |
| BUCK: | 207 |
| ONIONS: | (OSSEOUS) 635 |
| SKEAT: | (OSSEOUS) 416 |
| AMINDAROV: | 72 |
| ۱۲۴ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

واژه‌ی فارسی "هسته" (پهلوی ASTAG, AST به چم "استخوان" و "هسته‌ی میوه" نیز از همین واجریشه است MACKENZIE: AST(AG)-، 12 (برهان قاطع : ۲۳۳۷).

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* استوار | **OSTOVĀR** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **UPRIGHT, STRAIGHT** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | ***STA-, *STEU-** |

اوستایی *(AVESTAN):* **STAYOĀ, STUI-, STROYĀ**

پهلوی *(PAHLAVI):* **HŌSTUBĀR**

اوستی *(OSSETIC):* **ASTOBAR**

سانسکریت *(SANSKRIT):* **STHÁVIYAS, STHĀVARĀ**

ارمنی *(ARMENIAN):* **STVAR**

یونانی *(GREEK):* **STAURÓS, STOA**

لاتین *(LATIN):* **(IN)STAUR(RARE)**

گوتیک *(GOTHIC):* **STIUR-, US-STIVREI**

ایسلندی‌کهن *(OLD SCANDINAVIAN):* **STURA, STȲRI**

نورس کهن *(OLD NORSE):* **STȲRA**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):* **STIURA, STIURI**

آلمانی *(GERMAN):* **STEUER, STEUERN**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* **STEOR, STIERAN**

انگلیسی *(ENGLISH):* **STEER**

دانمارکی *(DANISH):* **STYRE**

سوئدی *(SWEDISH):* **STYRA**

نروژی *(NORWEGIAN):* **STYRE**

هلندی *(DUTCH):* **STUUR**

| بسگشت‌ها | *REFERENCES* |
|---|---|
| 1009 | *POKORNY:* |
| (STEER) 1064 | *BARNHART:* |
| (STEER) 866 | *ONIONS:* |
| (STEU-, STHEU-) 759 | *SKEAT:* |
| برهان قاطع : | ۱۲۷ |

**یادداشت:**

۱- واژه‌ی "ستور" هم از همین ریشه است.

۲- معنی این واژه در ارمنی: ضخیم.

معنی این واژه در یونانی: ستون، تیر.

معنی این واژه در اکثر زبان‌های ژرمنی: سکان، راهبری کردن، راندن.

| | |
|---|---|
| ASHK, ARS, SERESHK | فارسی (PERSIAN): اشک، ارس، سرشک |
| TEARS | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *AKRU, *DAKRU- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): ASRAV, ASRŪ-

پهلوی (PAHLAVI): ARS

کردی (KURDISH): SIRISHK

افغانی (پشتو) (AFGHANI): OSHKU

سانسکریت (SANSKRIT): ÁSRU, ASHRU, ÁCHRU, ASHARA

ارمنی (ARMENIAN): ARTAUSR, ARTASUK

یونانی (GREEK): DÁKRU, DÁKRYON, DÁKRY

لاتین (LATIN): LACRIMA, LACRUMA

فرانسه (FRENCH): LARME

اسپانیایی (SPANISH): LAGRIMA

ایتالیایی (ITALIAN): LACRIMA

رومانی (RUMANIAN): LACRIMĀ

پرتغالی (PORTUGUESE): LÁGRIMA

گوتیک (GOTHIC): TAGR

ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): TĀR

نورس کهن (OLD NORSE): TÄR

فریزی کهن (OLD FRISIAN): TĀR

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): ZAHAR, ZAHOR, TRAHAN

آلمانی (GERMAN): ZÄHE, TRÄNE

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): TĒAR, TEAGAR

انگلیسی (ENGLISH): TEAR

دانمارکی (DANISH): TĀRE

سوئدی (SWEDISH): TĀR

نروژی (NORWEGIAN): TĀRE

هلندی (DUTCH): TRAAN

لیتوانی (LITHUANIAN): ASHARĀ

لتونی (لتی) (LATVIAN): ASARA

ایرلندی کهن (OLD IRISH): DĒR

ولزی (WELSH): DEIGR

برتونی (BRETON): DAERAOUENN

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 179 |
| BARNHART: | (TEAR) 1119 |
| DELAMARRE: | (LARME) 97 |
| MACKENZIE: | 11 |
| BUCK: | (TEAR) 1130 |
| ONIONS: | (TEAR) 906 |
| SKEAT: | (TEAR) 633 |
| AMINDAROV: | (TEAR) 297 |
| برهان قاطع: | ۱۰۳ و ۱۳۹ |

یادداشت:

SKEAT , ONIONS ریشه‌های هند و ایرانی این واژه را نمی‌دهند.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): اِشنوسه، شنوسه، اشنوسیدن | ESHNŪSÉ, ESHNŪSIDAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | SNEEZE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *SKĒU-, *KSĒU- |

پهلوی (PAHLAVI): SHNŌSHAG

سانسکریت (SANSKRIT): KSUTA, KSUĀTI, KSHŪ

ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): HNĒRI, HNJŌSA

نورس کهن (OLD NORSE): HNJŌSA

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): NIOSAN, FNEHAN

آلمانی (GERMAN): NIESEN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): HNORA, FENESE

انگلیسی (ENGLISH): SNEEZE

دانمارکی (DANISH): NYSE

سوئدی (SWEDISH): NYSA

نروژی (NORWEGIAN): NYSE

هلندی (DUTCH): NIEZEN

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): HNJOSA

لهستانی (POLISH): KICHAC

روسی (RUSSIAN): CHICHAT

چک (CZECH): KÝCHAT

صربی (SERBIAN): KIHATI

بوهمی (BOHEMIAN): KYCHATI

اسلواکی (SLOVAK): KYCHAT

لیتوانی (LITHUANIAN): SHINAŪKTI, SKIAUDZHIV

لتونی (لتی) (LATVIAN): SHKAUT, SHKAUJU, SHKAVU

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 953 |
| BARNHART: | (SNEEZE) 1026 |
| DELAMARRE: | (ETENUER) 281 |
| MACKENZIE: | 80 |
| BUCK: | 263 |
| ONIONS: | (SNEEZE) 84 |
| SKEAT: | (SNEEZE) 576 |
| ۱۴۱ | برهان قاطع: |

یادداشت:

۱- BARNHART و SKEAT این واژه را مشتق از واجریشه‌ی هند و اروپایی -PNEU* (به معنی "دَم‌زدن") می‌داند.

۲- محتملاً -SKEW* و PNEU* با هم خویشی نزدیک دارند.

| فارسی (PERSIAN): افسردن، افسرده (به چَم "پژمرده"، "دلسرد"، "سرد") |
|---|
| AFSORDAN, HFSORDÉ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: WITHER, WITHERED, COOL |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): *AP-, *ĀP- |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | AFSHA |
| پهلوی (PAHLAVI): | AWSARTAN, AFSARDAN, AFSARISHN |
| سانسکریت (SANSKRIT): | APVĀ |
| یونانی (GREEK): | EPEDANŌS |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | OPŪS |

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 52 |
| MACKENZIE: | (COOL) 108 |
| فرهنگ معین: | ۳۱۶ |
| برهان قاطع: | ۱۴۹ |

یادداشت:

چم این واژه در زبان سانسکریت: بیماری.

| فارسی (PERSIAN): اکنون، کنون، نون (به چَم "حالا") AKNŪN, KONŪN, NŪN |
|---|
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: NOW |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): *NU-, *NŪ- |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | NŪ, NŪREM |
| پارسی باستان (OLD PERSIAN): | NŪRAM |
| پهلوی (PAHLAVI): | NŪN |
| اوستی (OSSETIC): | NUR, NIR |
| کردی (KURDISH): | NIHA, NAKA |
| بلوچی (BALUCHI): | NŪ, NUN |
| افغانی(پشتو) (AFGHANI): | NĒN |
| تخاری A (TOKHARIAN A): | NU |
| تخاری B (TOKHARIAN B): | NO |
| سانسکریت (SANSKRIT): | NŪNAM, NŪ, NU |
| یونانی (GREEK): | NY, NȲN, NŪN, NU |
| لاتین (LATIN): | NUNC, NUNE, NUM, NU- |
| فرانسه (FRENCH): | MAINTENANT |
| گوتیک (GOTHIC): | NU, NAÚH |
| ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): | NŪ |
| ساکسونی کهن (OLD SAXON): | NŪ |
| فریزی کهن (OLD FRISIAN): | NŪ |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | NŪ, NU |
| آلمانی (GERMAN): | NUN |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | NŪ |
| انگلیسی (ENGLISH): | NOW |
| سوئدی (SWEDISH): | NŪ |
| نروژی (NORWEGIAN): | NU |
| هلندی (DUTCH): | NU |

| | |
|---|---|
| اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): | NYNÉ, NU |
| بوهمی (BOHEMIAN): | NYNI |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | NŪ, NŪNAI |
| لتونی (لتی) (LATVIAN): | NU |
| پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): | (TEI)NU |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | INDORSA |
| هتیت (HITTITE): | NU, KI-NUN |

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 770 |
| BARNHART: | (NOW) 712 |
| DELAMARRE: | (MAINTENANT) 298 |
| MACKENZIE: | (NOW) 125 |
| BUCK: | 962-963 |
| ONIONS: | (NOW) 616 |
| SKEAT: | (NOW) 404 |
| AMINDAROV: | (NOW) 261 |
| ۱۵۵ و ۱۷۱۴ و ۲۲۰۶ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

چم این واژه در زبان افغانی یا پشتو: امروز.

چم این واژه در زبان تخاری A و هتیت: سپس.

| | |
|---|---|
| **فارسی (PERSIAN): امرداد (به چَم "جاویدان، نمردنی")** | **AMORDĀD** |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | **IMMORTAL** |
| **هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):** | ***N-MORTŌS, *N-MER** |

| | |
|---|---|
| پارسی باستان (OLD PERSIAN): | AMERETĀT |
| پهلوی (PAHLAVI): | AMURDĀD |
| تخاری A (TOKHARIAN A): | Ā-KNATS |
| سانسکریت (SANSKRIT): | Á-MARTA |
| ارمنی (ARMENIAN): | AN-CANAWF |
| یونانی (GREEK): | Á-MOROTOS |
| لاتین (LATIN): | IM-MORTĀLIS |
| گوتیک (GOTHIC): | UN-KUNTHS |
| هتیت (HITTITE): | AM-MIYANT |

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| DELAMARRE: | (MORT) 229 |
| MACKENZIE: | 8 |
| RAMAT: | 45 |

**یادداشت:**

بازگشت به "مرگ".

| | |
|---|---|
| ANDAR, ANDARŪN | فارسی (PERSIAN): اندر، اندرون |
| IN, INSIDE | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *ENTER, *NTÉR | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): ANTAR, ANTARŌ

پارسی باستان (OLD PERSIAN): ANTAR

پهلوی (PAHLAVI): ANDAR, ANDARAG

کردی (KURDISH): HONDOR

سانسکریت (SANSKRIT): ANTĀR

یونانی (GREEK): ÉNTERON

لاتین (LATIN): INTER, INTERUS

ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): IDHRAR

ایرلندی کهن (OLD IRISH): ETER

گالی (GAULISH): INTER

برتونی (BRETON): ENTRE

آلبانی (ALBANIAN): NDER, NDJER

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 313 |
| BARNHART: | (UNDER) 1184 |
| DELAMARRE: | (ENTRE) 300 |
| MACKENZIE: | 119-120 |
| BUCK: | 252 |
| ONIONS: | (UNDER) 958 |
| ۱۶۹ | برهان قاطع : |

**یادداشت:**

۱- معنی این واجریشه در برخی زبان‌های هند و اروپایی: در، میان.

۲- این واجریشه با واجریشه‌ی -NDHERI* یا NDHOS* خویشی نزدیک دارد (بازگشت به "زیر").

| | |
|---|---|
| ANDARŪNÉ | فارسی (PERSIAN): اندرونه (برگرفته از "اندرون") |
| ENTRAILS | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| * ENTROM, *ENTEROM | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): ANTÁM

پهلوی (PAHLAVI): ANDARŌN

سانسکریت (SANSKRIT): ANTĀR

ارمنی (ARMENIAN): ANDERKH

یونانی (GREEK): ÉNTERON, ENTERA

لاتین (LATIN): INTRALIA, INTERĀNEA

فرانسه (FRENCH): ENTRAILLES

اسپانیایی (SPANISH): ENTRAÑAS

ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): IDHRAR

انگلیسی (ENGLISH): ENTRAILS

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): JETRO, ATRI

لهستانی (POLISH): WATROBA

صربی (SERBIAN): JETRA

بوهمی (BOHEMIAN): JĀTRA

| پسگشت‌ها | REFERENCES | | |
|---|---|---|---|
| 313 | POKORNY: | (ENTRALIS) 317 | ONIONS: |
| (ENTRAILS) 334 | BARNHART: | (ENTRAILS) 197 | SKEAT: |
| (VISCERES) 146 | DELAMARRE: | فرهنگ معین: | ۳۷۴ |
| 252 | BUCK: | لغت‌نامه دهخدا: | ۳۵۲۱ |

یادداشت:

۱- واژه‌ی "اندرونه" از پیشنهادهای فرهنگستان ایران است ولی با واژه‌های پیشین ایرانی خویشی و هماهنگی دارد.
۲- بازگشت به: اندرون.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): انگشت | ANGOSHT |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | FINGER |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | * ANG-, *ANK- |

اوستایی (AVESTAN): ANGUSHTA
پارسی‌باستان (OLD PERSIAN): ANGST
پهلوی (PAHLAVI): ANGUST
سانسکریت (SANSKRIT): ANGAM, ANGŪLI, ANGA, ANKÁ
ارمنی (ARMENIAN): ANGIUN, ANKIUN
یونانی (GREEK): ĀNKOS, ĀGKOS, ANKULŪS
لاتین (LATIN): ANGULUS
ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): OKKLA
نورس کهن (OLD NORSE): ANKUL, OKKLA
فریزی کهن (OLD FRISIAN): ONKEL
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): ENKA, ANCHAL, ENCHIL
آلمانی (GERMAN): ENKEL

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): ONELĒOW
انگلیسی (ENGLISH): ANKLE
دانمارکی (DANISH): ANKEL
سوئدی (SWEDISH): ANKEL
نروژی (NORWEGIAN): ANKEL
هلندی (DUTCH): ENKEL
لیتوانی (LITHUANIAN): MYKSHTIS

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 46-47 (AMGILAR) 35, (ANKLE) | POKORNY: |
| 36 | BARNHART: |
| 240 | BUCK: |
| (ANGLE) 37, (ANKLE) 38 | ONIONS: |
| ANG- | MALLORY & ADAMS: |
| برهان قاطع: | ۱۷۵ |

یادداشت:

معنی این واژه در زبان‌های ژرمنی: قوزک، مچ‌پا.

معنی این واژه در سانسکریت: اندام، عضو بدن.

معنی این واژه در زبان‌های ارمنی و یونانی و رومانس: گوشه، خمی.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): او، وی | Ū, OO, VAY |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | HE, SHE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *AU-, *Ū- |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | AVA-, HĀU |
| پارسی باستان (OLD PERSIAN): | AVA-, HAUV |
| پهلوی (PAHLAVI): | AVE, ŌE, ŌY, HŌ |
| اوستی (OSSETIC): | UI |
| کردی (KURDISH): | EW |
| افغانی (پشتو) (AFGHANI): | DAY, DĀ |
| تخاری A (TOKHARIAN A): | OK |
| تخاری B (TOKHARIAN B): | UK |
| سانسکریت (SANSKRIT): | AVA- |
| ارمنی (ARMENIAN): | INK |
| یونانی (GREEK): | -U |
| گوتیک (GOTHIC): | -U, -U-QUE |
| اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): | OVə-, OVOGDA |
| لهستانی (POLISH): | ON, ONA |
| چک (CZECH): | ON, ONA |
| صربی (SERBIAN): | ÓVAJ |
| اسلواکی (SLOVAK): | ON, ONA |

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 73-74 | POKORNY: |
| (HE) 117 | MACKENZIE: |
| برهان قاطع: | ۱۸۰ |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): اُودرا، اودرَگ (به چَم "سمور آبی") | ŪORĀ, ŪDRAG |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | OTTER |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *UDROS |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | UDRA- |
| پهلوی (PAHLAVI): | UDRAG |
| سانسکریت (SANSKRIT): | ŪDRAS, ŪDRAH |
| یونانی (GREEK): | HŪDROS, HYDROS |
| لاتین (LATIN): | LUTRA |
| فرانسه (FRENCH): | LOUTRE |
| اسپانیایی (SPANISH): | NUTRIA |
| پرتغالی (PORTUEUESE): | LONTRA |
| ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): | OTR |
| نورس کهن (OLD NORSE): | OTR |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | OTTAR |
| آلمانی (GERMAN): | OTTER |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | OTOR |
| انگلیسی (ENGLISH): | OTTER |
| دانمارکی (DANISH): | ODDER |

| | |
|---|---|
| سوئدی (SWEDISH): | UTTER |
| نروژی (NORWEGIAN): | OTER |
| هلندی (DUTCH): | OTTER |
| اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): | VYDRA, VODA |
| روسی (RUSSIAN): | VIODRA |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | ŪDRA |
| لتونی (لتی) (LATVIAN): | UDENS |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | ODOIRNE |

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 78-79 | POKORNY: |
| (OTTER) 740 | BARNHART: |
| (LOUTRE) 137 | DELAMARRE: |
| 84 | MACKENZIE: |
| (OTTER) 635 | ONIONS: |
| (OTTER) 417 | SKEAT: |

**یادداشت:**

این واژه را در هیچ فرهنگ فارسی نیافتم ولی واژه‌های اوستایی -UDRA و پهلوی UDRAG بنابه روایتی هنوز در برخی از روستاهای مازندران و گیلان به کار می‌رود. شاید علت از میان رفتن این واژه در دیگر نواحی فلات ایران این باشد که در اثر خشک شدن آب و هوا، این جانور معدوم شده و لذا نام آن هم از یاد رفته است. واژه‌ی "دارموک" هم ممکن است از همین ریشه باشد گو اینکه امروزه معنی آن عوض شده است.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): اوزار، افزار، ابزار | ŌZĀR, AFZĀR, ABZĀR |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | TOOL, INSTRUMENT, FOOTWEAR, SHOES |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):(شاید) | *EU-, *OUTOS |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | AOTHRA |
| پهلوی (PAHLAVI): | AFZĀR, AFCĀR, ABZĀR, AWBZĀR |
| افغانی(پشتو) (AFGHANI): | AWZĀR |
| ارمنی (ARMENIAN): | AGANI |
| لاتین (LATIN): | (SUB)ŪCULA,- UŌ, UVŌ |
| اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): | IZUJU, IZUTI, OBUJO, OBUTI |
| لهستانی (POLISH): | IRZEWIK |
| روسی (RUSSIAN): | OBUTIJ, IZUJU |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | AVIÚ, AUNÚ, AŪTI |
| لتونی (لتی) (LATVIAN): | AUT |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | FUAN |
| ولزی (WELSH): | GWN |
| هتیت (HITTITE): | UNUUĀ, UNUUĀI |

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 346 | POKORNY: |
| (INSTRUMEN) 120 | MACKENZIE: |
| (SHOE) 428-429 | BUCK: |
| (OWL) 420 | SKEAT: |
| برهان قاطع : | ۱۴۸ |
| فرهنگ معین : | ۱۲۵ |

یادداشت:

۱- چون هیچکدام از پسگشت‌ها به رابطه‌ی واژه‌های فارسی و پهلوی و کردی این فهرست با واژه‌ی اوستایی و دیگر واژه‌های آن اشاره‌ای نکرده‌اند، در جلو واجریشه‌ی هند و اروپایی (شاید) آورده‌ام.
۲- واژه‌های لاتین IND-UVIAE (به چَم "لباس" و "پوشاک") و EXUVIAE (به چَم "پوست مار و غیره" و "لباس") نیز از همین ریشه‌اند.
۳- چم اکثر واژه‌های غیرایرانی این فهرست: پوشاک، پوشیدن، کفش.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): اهریمن | AHRIMAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | AHRIMAN |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *ANGHUS+MEN- *(MENDH-) |

اوستایی (AVESTAN): ANGRO, MAINIUSH, ANGRA MAINYAVA

پهلوی (PAHLAVI): AHRIMAN, AHREMAN

سانسکریت (SANSKRIT): AMHŌH, AMHURA, AMHU- (AMHU-BHEDI), ÁNHAS, ANHÚ

ارمنی (ARMENIAN): ANJUK

یونانی (GREEK): ÁNCHIEN, ÁGKHEIN

لاتین (LATIN): ANGI-, ANGUSTUS, ANGOR, ANGERE

فرانسه (FRENCH): ANGOISSE

ایتالیایی (ITALIAN): ANGOSCIA

پرتغالی (PORTUGUESE): ANGOISA

گوتیک (GOTHIC): AGGWUS, ANGWUS

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): ANGR, ANGRN

ساکسونی کهن (OLD SAXON): ENGI

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): ANGI, ENGI

آلمانی (GERMAN): ENG

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): ENGE

انگلیسی (ENGLISH): ANGER

هلندی (DUTCH): ENG

ایرلندی کهن (OLD IRISH): CUMCAE, CUMUNG

سلتی (کلتی) (CELTIC): EHAUG, EAUG

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 42, 726, 730 |
| BARNHART: | (ANGER) 34 |
| MACKENZIE: | (AHREMAN) 7 |
| ONIONS: (ANGER, ANGUISH) 37 | |
| برهان قاطع: | ۱۸۹ |

یادداشت:

۱- چم این واژه در زبان‌های رومانس: تنگی خاطر، تشویش.
چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: تنگی، تنگ، باریک.
چم این واژه در زبان انگلیسی نوین: خشم.

چم این واژه در زبان ایسلندی کهن: اندوه، غم.

۲- ریشه‌ی اوستایی این واژه دارای دو بخش است، بخش نخست آن در این فهرست پیگیری شده است، برای شناخت بخش دوم آن به "منش" بازگشت شود.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): اهورا، هرمز، اهورامزدا | AHŪRĀ-, HORMOZ |
| چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | GOD |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *NSUS, *ANSUS |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | AHU-, AHURA-, ANHU |
| پارسی باستان (OLD PERSIAN): | AURA-, AURAMAZDAH |
| پهلوی (PAHLAVI): | OHRMAZD, OHARMAZD |
| سانسکریت (SANSKRIT): | ASU-, ÁSUS-, ÁSURA |
| یونانی (GREEK): | ANSĒS |
| گوتیک (GOTHIC): | ANSĒS, ASE |
| ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): | ÓSS |
| نورس کهن (OLD NORSE): | ÁSS |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | ŌS |

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 48 |
| MACKENZIE: | 61 |
| AMERICAN HERITAGE DICTIONARY: | (ANSU-) 2021 |
| برهان قاطع: | ۱۰۹ |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): ایدر (به چم "این جا"، "در این") | ĒDAR |
| چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | HERE, HEREIN |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *IDHA-, *IDHE |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | IDHA |
| پارسی باستان (OLD PERSIAN): | AINA |
| پهلوی (PAHLAVI): | ĒTAR, ĒDAR, EN- |
| کردی (KURDISH): | HIRA, IREDA, VIRA |
| سانسکریت (SANSKRIT): | ITARHI, IHĀ, ENA- |
| یونانی (GREEK): | ITHA |
| لاتین (LATIN): | IBI |
| فرانسه (FRENCH): | ICI |
| اسپانیایی (SPANISH): | AQUI |
| ایتالیایی (ITALIAN): | QUI |
| پرتغالی (PORTUGUESE): | AQUI |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | -ID- |
| گالی (GALISH): | YD |

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 609 |
| DELAMARRE: | (ICI) 297 |
| MACKENZIE: | 30 |
| AMINDAROV: | (HERE) 235 |
| برهان قاطع: | ۱۹۳ |

| | |
|---|---|
| IRMĀN | فارسی (PERSIAN): ایرمان (به چَم "مهمان"، "دوست") |
| GUEST, FRIEND | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *AL-, *ALNOS-, *OLNOS-, *ARIO- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): AIRYAMAN, AIRYŌ

پارسی باستان (OLD PERSIAN): ĀRIYA

پهلوی (PAHLAVI): AĒRMĀN, ĒRMĀN

اوستی (OSSETIC): IRON, IR

سانسکریت (SANSKRIT): ARIYAMAN

ایرلندی کهن (OLD IRISH): AIRE, AIRECH

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 24, 67 |
| MACKENZIE: | (FRIEND) 115 |
| برهان قاطع: | ۱۹۶ |
| فرهنگ معین: | ۴۱۵ |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۳۷۰۷ |

یادداشت:

۱- چم این واژه در ایرلندی کهن: اشرافی، رادمرد. (جالب اینکه در پهلوی نیز واژه‌ی ĒR به چم "رادمرد" و "قهرمان" بود).

چم این واژه در زبان اوستایی: پیشوای دینی.

۲- چَم واژه‌ی ĒRMANIH در زبان پهلوی: دوستی.

| | |
|---|---|
| ĒSTĀNDAN, SETĀDAN | فارسی (PERSIAN): ایستادن، ایستاندن، ستادن |
| STAND | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| * STĀ-, *STE-, *STH-, *STHI-, *STET- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): HISHTAITI, -STANVANTI, STĀ-, TISHATI

پارسی باستان (OLD PERSIAN): HISTATI, AVO-SHTA

پهلوی (PAHLAVI): ĒSTĀTAN, AWISHTĀDAN

کردی(شاید) (KURDISH): SEKININ

تخاری B (TOKHARIAN B): STĀM, STE

سانسکریت (SANSKRIT): TISTHATI, STHĀ

ارمنی (ARMENIAN): STANAM

یونانی (GREEK): HISTĒMI, HISTÁNAI, STATUS

لاتین (LATIN): SISTŌ, STŌ,- STINĀRE, STĀRE, STANARE

گوتیک (GOTHIC): STANDAN

ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): STANDA, STADHAR

نورس کهن (OLD NORSE): STANDA

ساکسونی کهن (OLD SAXON): STANDAN, STĀN

فریزی کهن (OLD FRISIAN): STANDA, STĀN

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): STĀN, STANTAN, STĒN

آلمانی (GERMAN): **STEHEN**
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): **STONDAN**
انگلیسی (ENGLISH): **STAND**
دانمارکی (DANISH): **STAAN**
سوئدی (SWEDISH): **STĀ**
نروژی (NORWEGIAN): **STAND**
هلندی (DUTCH): **STAAN**
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
**STATI, STANO, STOJATI**
لهستانی (POLISH): **STAĆ**
روسی (RUSSIAN): **STOJAT**
چک (CZECH): **STÁT**
برهمی (BOHEMIAN): **STATI**
اسلواکی (SLOVAK): **STAT**
لیتوانی (LITHUANIAN): **SÓTJU, STÓTI, SLOVETI**
لتونی (لتی) (LATVIAN): **STAVIT**
ایرلندی کهن (OLD IRISH):
**-ISSIUR, AD-TÁU**

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 1004 |
| BARNHART: | (STAND) 1059 |
| DELAMARRE: | (ÊTRE DEBUT) 285 |
| MACKENZIE: | (STAND) 134 |
| BUCK: | 835 |
| ONIONS: | (STAND) 862-863 |
| SKEAT: | (STAND) 597 |
| ۱۹۷ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

"ایستادن" و زمان‌های گوناگون آن در اکثر زبان‌های هند و اروپایی معنی خود را کم و بیش حفظ کرده‌اند و اشتقاق همه‌ی آنها از واجریشه‌های هند و اروپایی این فهرست است.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): با(به "چَم" به همراه و "مع") | **BĀ** |
| چَم انگیسی سرواژه‌ی فارسی: | **WITH** |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | ***BHĒ-, *BHŌ-** |

اوستایی (AVESTAN): **BĀ, BĀT, BĒ**
پهلوی (PAHLAVI): **APĀK, ABĀG**
کردی (KURDISH): **BI**
سانسکریت (SANSKRIT): **BADHAM**
ارمنی (AREMENIAN): **BA, BAY**
گوتیک (GOTHIC): **BA**
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
**ĪBU, OBA**
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
**BŌ**
لهستانی (POLISH): **BA**
چک (CZECH): **BA**
لیتوانی (LITHUANIAN): **BEI, BÁ**
پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): **BHE**

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 113 |
| MACKENZIE: | (WITH) 140 |
| AMINDAROV: | (WITH) 311 |
| ۷۶ | برهان قاطع: (ابا) |
| ۴۲۶ | فرهنگ معین: |

یادداشت:

معین این واجریشه در برخی زبان‌های هند و اروپایی: با، برای، سپس.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): بابا (واژه‌ی کودکانه به چم"پدر") | BĀBĀ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | DADDY |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *PAPA, *PAPPA |

| | |
|---|---|
| کردی (KURDISH): | ABA |
| یونانی (GREEK): | PAPPA |
| لاتین (LATIN): | PĀPA, PAPPA |
| فرانسه (FRENCH): | PAPA |
| اسپانیایی (SPANISH): | PAPĀ |
| پرتغالی (PORTUGUESE): | PAI |
| لهستانی (POLISH): | TATO |
| چک (SZECLL): | TĀTA |

| بسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 789 |
| AMINDAROV: | (FATHER) 123 |
| برهان قاطع: | ۲۰۱-۲۰۲ |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): باد | BĀD |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | WIND |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *WĒ, *WENTOS |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | VĀRĀ, VĀTŌ, VĀITI, VĀTA |
| پهلوی (PAHLAVI): | WĀD ,VĀT |
| کردی (KURDISH): | BĀ |
| بلوچی (BALUCHI): | BĀD |
| افغانی (پشتو) (AFGHANI): | BĀD |
| تخاری A (TOKHARIAN A): | WANT, WÄNT |
| تخاری B (TOKHARIAN B): | YENTE |
| سانسکریت (SANSKRIT): | VĀTA, VĀTAS, VĀTI |
| یونانی (GREEK): | ĀĒSI, AÉNTES, VĀTMÓS, DĒSI |
| لاتین (LATIN): | VENTUS, VENTILARE |
| فرانسه (FRENCH): | VENT |
| اسپانیایی (SPANISH): | VIENTO |
| ایتالیایی (ITALIAN): | VENTO |
| رومانی (RUMANIAN): | VÎNT |
| پرتغالی (PORTUGUESE): | VENTO |
| گوتیک (GOTHIC): | WIVDS |
| ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): | VINDR |
| نورس کهن (OLD NORSE): | VINDR |
| ساکسونی کهن (OLD SAXON): | WIND |
| فریزی کهن (OLD FRISIAN): | WIND |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | WIND, WINT |
| آلمانی (GERMAN): | WIND |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | WIND |
| انگلیسی (ENGLISH): | WIND |
| دانمارکی (DANISH): | VIND |

| | |
|---|---|
| سوئدی (SWEDISH): | VIND |
| نروژی (NORWEGIAN): | VIND |
| هلندی (DUTCH): | WIND |
| اسلاوی کهن (OLD CHURCH): | VĒTRU, VĒJO, VĒJATI |
| لهستانی (POLISH): | WIATR |
| روسی (RUSSIAN): | VETER |
| چک (CZECH): | VITR |
| بوهمی (BOHEMIAN): | VITR |
| اسلواکی (SLOVAK): | VIETOR |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | VĒJAS |
| لتونی (لتی) (LATVIAN): | VĒJSH |
| پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): | WINS |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | FETH |
| ولزی (WELSH): | GWYNT |
| برتونی (BRETON): | GWENT |
| هتیت (HITTITE): | HUWANTES |

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 82-83 |
| BARNHART: | (WIND) 1238 |
| DELAMARRE: | (VENT) 192 |
| MACKENZIE: | (WIND) 140 |
| ONIONS: | 67, 683 (WIND) 1007 |
| BUCK: | 67, 683 |
| SKEAT: | (WIND) 717 |
| برهان قاطع: | ۲۰۵ |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): بار (به چم "دفعه" و "نوبت") | BĀR |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | (EACH) TIME |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *WEL-, *WLĒ |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | VAREMIS |
| پهلوی (PAHLAVI): | BĀR |
| سانسکریت (SANSKRIT): | VÁLATI, VALÁ, VARA- |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | WALLON, WALT |

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 1140 |
| MACKENZIE: | 17 |
| برهان قاطع: | ۲۱۴ |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): بار (به چم "محموله"، "وزن سنگین") | BĀR |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | LOAD, BURDEN |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *BHER-, *BHRI-, *BHRT- |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | BAR, BERETI, B∂R∂TISH |
| پهلوی (PAHLAVI): | BĀR |
| کردی (KURDISH): | BER, BAR |
| سانسکریت (SANSKRIT): | BHÁRMAN, BHRTIS |

| | |
|---|---|
| ارمنی (ARMENIAN): | **BARD** |
| یونانی (GREEK): | **PHÉRMA** |
| لاتین (LATIN): | **FORS** |
| گوتیک (GOTHIC): | **BAÚRTHEI** |
| ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): | **BYRDHR** |
| نورس کهن (OLD NORSE): | **BURTHR** |
| ساکسونی کهن (OLD SAXON): | **BURTHINNIA** |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | **BURDI,** |
| آلمانی (GERMAN): | **BÜRDE** |
| انگلیسی‌کهن (OLD ENGLISH): | **BYRTHEIV** |
| انگلیسی (ENGLISH): | **BURDEN** |
| دانمارکی (DANISH): | **BYRDE** |
| سوئدی (SWEDISH): | **BÖRDA** |
| نروژی (NORWEGIAN): | **BYRDE** |
| اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): | **BRĒME,** |
| لهستانی (POLISH): | **BRZENIE** |
| روسی (RUSSIAN): | **BERÚ, BERÉMJA** |
| چک (CZECH): | **BRĒMENO** |
| اسلواکی (SLOVAK): | **BREMENO** |

| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
|---|---|
| *PLKORNY:* | 128 |
| *BARNHART:* **(BEAR) 87, (BURDEN) 126** | |
| *DELAMARRE:* | |
| **(LE FAUT DE PORTER) 199** | |
| *MACKENZIE:* | 17 |
| *ONIONS:* | **(BURDEN)127** |
| *SKEAT:* | **(BURDEN) 80** |
| *MALLORYE & ADAMS:* | **BHERMN** |
| *AMINDAROV:* | 15 |
| ۲۱۴ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

۱- واژه "بار" با واژه‌ی "بر" (پرچم "میوه") از یک ریشه‌اند.

۲- معنی این واژه درزبان لاتین:شانس، بخت خوش.

| | |
|---|---|
| **فارسی** (PERSIAN): **باران** | **BĀRĀN** |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | **RAIN** |
| **هند و اروپایی** (INDO-EUROPEAN): | ***WER-, *WĒR-, *WĒRI** |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | **VĀR** |
| پهلوی (PAHLAVI): | **VĀRAN, WĀRAN** |
| کردی (KURDISH): | **BĀRIN, BARAN** |
| افغانی (پشتو) (AFGHANI): | **BĀRAN** |
| تخاری A (TOKHARIAN A): | **WÄR** |
| تخاری B (TOKHARIAN B): | **WAR** |
| سانسکریت (SANSKRIT): | **VĀRI, VĀRSHA** |
| ارمنی (ARMENIAN): | **GAYR** |
| یونانی (GREEK): | **OŪRON** |
| لاتین (LATIN): | **URINA** |
| فرانسه (FRENCH): | **URINE** |
| اسپانیایی (SPANISH): | **ORINA** |

| | |
|---|---|
| ایتالیایی *(ITALIAN)*: | **ORINA** |
| رومانی *(RUMANIAN)*: | **URINA** |
| ایسلندی‌کهن *(OLD SCANDINAVIAN)*: | **VER, VARI** |
| نورس کهن *(OLD NORSE)*: | **ŪR, VARI** |
| انگلیسی‌کهن *(OLDENGLISH)*: | **URIG, WAR** |
| لتونی (لتی) *(LATVIAN)*: | **JURA** |
| پروسی کهن *(OLD PRUSSIAN)*: | **WURS** |
| ایرلندی کهن *(OLD IRISH)*: | **ABANN** |
| آلبانی *(ALBANIAN)*: | **WRËNDË** |

| پسگشت‌ها | *REFERENCES* |
|---|---|
| 80 | *POKORNY:* |
| (URINE) 1188-1189 | *BARNHART:* |
| (EAU) 193 | *DELAMARRE:* |
| (RAIN) 129 | *MACKENZIE:* |
| 67-68, 273-274 | *BUCK:* |
| (URINE) 965 | *ONIONS:* |
| (URINE) 681 | *SKEAT:* |
| برهان قاطع: | ۲۱۵ |

**یادداشت:**

معنی این واژه در زبان ارمنی: باتلاق.
معنی این واژه در زبان‌های تخاری: آب.
معنی این واژه در زبان پروسی کهن: استخر.
معنی این واژه در زبان انگلیسی کهن: مرطوب، دریا.
معنی این واژه در زبان‌های رمانس و یونانی: پیشاب.

base

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN)*: باز (به چم "گونه‌ای پرنده‌ی شکاری") | **BĀZ** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **RAIN** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN)*: | ***BHĀSŌ-, *BHĒSO** |

| | |
|---|---|
| اوستایی *(AVESTAN)*: | **VAZ** |
| پهلوی *(PAHLAVI)*: | **BĀZA, BĀJ** |
| سانسکریت *(SANSKRIT)*: | **BHĀSAS** |
| یونانی *(GREEK)*: | **PHĒNĒ** |

| پسگشت‌ها | *REFERENCES* |
|---|---|
| 111 | *POKORNY:* |
| 18 | *BUCK:* |
| برهان قاطع: | ۲۱۷ |

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN)*: بازو | **BĀZŪ** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **ARM** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN)*: | ***BHAGH-, *BHAGHUS** |

اوستایی *(AVESTAN)*: **BĀZĀUSH, BĀZU, BĀZĀU-**

پارسی‌باستان *(OLD PERSIAN)*: **BĀZUSH, BĀSAUSH, BĀZŪ-**

پهلوی (PAHLAVI): BĀZĀ
تخاری A (TOKHARIAN A): POKE
تخاری B (TOKHARIAN B): PAUK, POKE
سانسکریت (SANSKRIT): BĀHU-,
BĀHUH, BĀHUS
ارمنی (ARMENIAN): BES, BAZUK
یونانی (GREEK): PEKHUS
لاتین (LATIN):(شاید) BRACCHIUM
فرانسه (FRENCH):(شاید) BRAS
اسپانیایی (SPANISH):(شاید) BRAZD
ایتالیایی (ITALIAN):(شاید) BRACCIO
رومانی (RUMANIAN):(شاید) BRAT
پرتغالی (PORTUGUESE):(شاید) BRACO
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
BUOG, BŌGR
نورس کهن (OLD NORSE): BŌGR
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): BUOG
آلمانی (GERMAN): BUG
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): BŌG
برتونی (BRETON): BREC'H

| بسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 108 | POKORNY: |
| 102 | MACKENZIE: |
| 236-237 | BUCK: |
| برهان قاطع: | ۲۲۰ |

یادداشت:

۱- در برخی از زبان‌های هند و اروپائی این واژه به چم "شانه" و "دوش" هم به کار می‌رود.

۲- POKORNY , BARNHART (و دیگران) واژه‌ی لاتین BRACCHIUM و مشتق‌های رمانس آن را از واجریشه‌ی هند و اروپایی MREGH-U* می‌دانند.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): بافتن، بافت | BĀFTAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | WEAVE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *WEBH, *WOBH- |

اوستایی (AVESTAN): UBDAENA
پهلوی (PAHLAVI): VAF-, WAFISHN
تخاری A (TOKHARIAN A): WĀP
تخاری B (TOKHARIAN B): WAR
سانسکریت (SANSKRIT): UBHNĀTI-,
VABHI, UBHNÁ, UMHATI
یونانی (GREEK):
HÝPHUS, HUPHAINŌ, UPHN
لاتین (LATIN): VĒLUM
ایسلندی کهن (OLDSCANDINAVIAN): VEFA,
نورس کهن (OLD NORSE): VEFA
فریزی کهن (OLD FRISIAN): WEVA
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
WEBAN
آلمانی (GERMAN): WEBEN
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): WEFAN
انگلیسی (ENGLISH): WEAVE, WEB
دانمارکی (DANISH): VAVE
سوئدی (SWEDISH): VÄVA
نروژی (NORWEGIAN): VEVE

هلندی (DUTCH): WEVEN
ایرلندی کهن (OLD IRISH): FIGID
ولزی (WELSH): GUEETIC
آلبانی (ALBANIAN): VENJ

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 1114 |
| BARNHART: | (WEAVE) 1224-1225 |
| DELAMARRE: | (TISSER) 290 |
| MACKENZIE: | (WEAVE) 140 |
| BUCK: | 409-410 |
| ONIONS: | (WEAVE) 996-997 |
| SKEAT: | (WEAVE) 705 |
| MALLORY2 ADAMS: | WEBH- |
| ۴۲۶ | فرهنگ معین: |

**یادداشت:**

چم این واژه در زبان لاتین: پارچه

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): باک (به چم "ترس"، "بیم") | BĀK |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | FEAR |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *BHŌI-, *BHEI-, *BHĪ- |

اوستایی (AVESTAN):
BAYENTE, BYENTE, BIWIVA
پهلوی (PAHLAVI): BHĀYAKA
سانسکریت (SANSKRIT): BHĀYATĒ,
BIBHEITI
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
BIBĒN, BIBON, BĪSA
پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): BIATWEI

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 161-162 |
| DELAMARRE: | (CRAINDRE) 247 |
| BUCK: | 1153-1155 |
| ۲۲۳ | برهان قاطع: |
| ۴۲۳۴ | لغت‌نامه دهخدا: |

**یادداشت:**

واژه‌ی "بیم" نیز از همین ریشه است.

| | |
|---|---|
| BĀLĀ, VĀLĀ | فارسی (PERSIAN): بالا، والا |
| TOP, HEIGHT, STATURE, ABOVE | چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *BHEREG, *BHERGHOS | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): BEREZAITI, BEREZ-, BEREZANT

پهلوی (PAHLAVI): BĀLĀ, BĀLĀY

تخاری A (TOKHARIAN A): PÄRK-

تاجیکی (TAJIC): BOLAN

سانسکریت (SANSKRIT): BARHÁYATI

ارمنی (ARMENIAN): BARJR, BERJ

لاتین (LATIN): BURGUS

فرانسه (FRENCH): -BURG

گوتیک (GOTHIC): BAURGS

ساکسونی کهن (OLD SAXON): BJARG

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): BERG, BURG, BERGAZ,

آلمانی (GERMAN): BERG, BURG

انگلیسی‌کهن (OLD ENGLISH): BEORG

دانمارکی (DANISH): BJERG

سوئدی (SWEDISH): BERG

نروژی (NORWEGIAN): BERG

هلندی (DUTCH): BERGH

روسی (RUSSIAN): BEREG

ایرلندی کهن (OLD IRISH): BRIG

هتیت (HITTITE): PARKUS

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 140 |
| DELAMARRE: | (HAUT) 220 |
| MACKENZIE: | (STATURE) 134, (HEIGHT) 117 |
| BUCK: | 23, 852 |
| برهان قاطع: | ۳۰۰ و ۲۵۴ و ۲۲۴ |

**یادداشت:**

۱- معنی این واژه در زبان‌های ژرمنی: کوه.

۲- واژه‌ی "برز" هم از همین واجریشه است.

۳- بازگشت به: بلند، برز.

| | |
|---|---|
| BĀLESH, NĀZBĀLESH, BĀLESHT | فارسی (PERSIAN): بالش، ناز بالش، بالشت |
| PILLOW, CUSHION | چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *BHELGH-, *BHOLGH- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): BAREZISH

پارسی‌باستان (OLD PERSIAN): BĀLESHT, BĀLIN

پهلوی (PAHLAVI): BĀLISH

اوستی (OSSETIC): BAZ

افغانی (پشتو) (AFGHANI): BĀLĒSHT

سانسکریت (SANSKRIT): BARHISH, BĀRISHN

یونانی (GREEK): (شاید) BULGA

گوتیک (GOTHIC): BALGS

ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN):
BELGR, BOLSTR

نورس کهن (OLD NORSE): BELER

ساکسونی کهن (OLD SAXON): BELGAN

فریزی کهن (OLD FRISIAN): -BULGEN

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): BALG

آلمانی (GERMAN): BALG

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): BIELG,
BELIG, BALG, BALIG

انگلیسی (ENGLISH): BELLY

دانمارکی (DANISH): BUG

سوئدی (SWEDISH): BUK, BÄLG

نروژی (NORWEGIAN): BUK

هلندی (DUTCH): BALG

لهستانی (POLISH): POLSHTĀR,
PŌDUSHKA

روسی (RUSSIAN): BOLOZEN

چک (CZECH):
POLSHTÁR, PODUSHKA

صربی (SERBIAN): BLÁZINA

لیتوانی (LITHUANIAN): BALNAS

لتونی (لتی) (LATVIAN): PABÁLSTS

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): BALSINIS

ایرلندی کهن (OLD IRISH):
BOLG, BOLGAIM

ولزی (WELSH): BOLY, BOLA

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 125-126 |
| BARNHART | (BELLOWS, BELLY) 88 |
| DELAMARRE: | (COUSSIN) 117 |
| MACKENZIE: | (PILLOW) 127 |
| BUCK: | 252-254 |
| ONIONS: | (BELLY) 87-88 |
| SKEAT: | (BELLY) 55 |
| ۲۲۵ | برهان قاطع: |

یادداشت:

معنی این واژه در زبان ژرمنی: کیسه، شکم.
معنی این واژه در زبان گوتیک: مشک شراب.
معنی این واژه در زبان ساکسونی کهن: خشمگین شدن.

| | |
|---|---|
| BĀLŪ | فارسی (PERSIAN): بالو (به چم "زگیل"، "آژخ") |
| WART | چَم انگلیسیِ سرواژه‌ی فارسی: |
| *WERD-, *WORDĀ, *WERS-, *WRS- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

پهلوی (PAHLAVI): VARD

سانسکریت (SANSKRIT): VARSMAN

ارمنی (ARMENIAN): GORT

لاتین (LATIN): VERRUCA

ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN):
VARTA

نورس کهن (OLD NORSE):

ساکسونی کهن (OLD SAXON): WARTA

فریزی کهن (OLD FRISIAN): WARTE

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
WARZA

آلمانی (GERMAN): WARZE

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): **WEART,**
انگلیسی (ENGLISH): **WART**
دانمارکی (DANISH): **VORTE**
سوئدی (SWEDISH): **VÄRTA**
نروژی (NORWEGIAN): **VORTE**
هلندی (DUTCH): **WRAT**
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
**VRICHŪ**
روسی (RUSSIAN): **VERED**
لیتوانی (LITHUANIAN): **VIRSHUS,VARLĒ**
لتونی (لتی) (LATVIAN): **VARDE**
ایرلندی کهن (OLD IRISH): **FERBB**
برتونی (BRETON): **GUEBLE**

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 1151 | POKORNY: |
| (WART) 1220 | BARNHART |
| (WART) 702 | SKEAT: |
| (UORHO) | MALLORY & ADAMS: |
| برهان قاطع: | ۲۲۴ |
| فرهنگ معین: | ۴۶۷ |

**یادداشت:**

۱- ONIONS و SKEAT ریشه‌های غیرژرمنی این واژه نمی‌دهند.
۲- فرهنگ معین و برهان قاطع : و لغت‌نامه‌دهخدا ریشه‌های این واژه را نمی‌دهند.
۳- معنی این واژه در برتونی: دُمل
۴- معنی این واژه در لیتوانی و لتونی: وزغ

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): باور | **BĀVAR** |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | **BELIEF** |
| **هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):** | ***WEL-, *WLEI-, *WLÉ-, *WELMI** |

اوستایی (AVESTAN):
**VAR-, VARATĀ, VAIRYA**
پارسی‌باستان (OLD PERSIAN): **VAR-**
پهلوی (PAHLAVI):
**WĀBAR, VĀVAR, VAR**
افغانی (پشتو) (AFGHANI): **BĀWAR**
سانسکریت (SANSKRIT): **VRNŌTI, VR,**
**VÁRASA, VARÁYATI, VRTA, VRNĀTI**
ارمنی (ARMENIAN): **GEL**
یونانی (GREEK): **LĒN, LEIŌ**
لاتین (LATIN): **VELLE, VOLŌ**
فرانسه (FRENCH): **VOULOIR**
ایتالیایی (ITALIAN): **VOLERE**
رومانی (RUMANIAN): **VOI, VREA**
گوتیک (GOTHIC): **WILJA, WILJAN**
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
**VILI, VILJA, VAL**
ساکسونی کهن (OLD SAXON):
**WILLIO, WILLIAN**
فریزی کهن (OLD FRISIAN):
**WILLA, WELLA**
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
**WILLE, WOLLEN, WAHL**
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
**WILLA, WILL, WILLAN**
انگلیسی (ENGLISH): **WILL**

دانمارکی *(DANISH):* **VILLIE, VILLE**
سوئدی *(SWEDISH):* **VILJA**
نروژی *(NORWEGIAN):* **VILJE, VILLE**
هلندی *(DUTCH):* **WIL, WILLEN**
اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):*
**VOLITI, VELJO**
لهستانی *(POLISH):* **WOLA**
چک *(CZECH):* **VOLIT, VOLBA**
اسلواکی *(SLOVAK):* **VOLBA, VOLIT**
لیتوانی *(LITHUANIAN):*
**VĒLYTI, PA-VELTI**
ولزی *(WELSH):* **GWELL**
برتونی *(BRETON):* **GUELL**

| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 1137 |
| *BARNHART:* | (WILL) 1236-1237 |
| *DELAMARRE:* (VOULOIR; CHOISIR) 292 | |
| *MACKENZIE:* | (BELIEF) 104 |
| *BUCK:* (WILL) 1160-1161 | |
| *ONIONS:* (WILL) 1006-1007, (WELL) 999 | |
| *SKEAT:* | (WILL) 716 |
| ۲۳۰ | برهان قاطع: |

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های غیرایرانی: خواستن، ترجیح دادن، بهتر دانستن، گزیدن.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* باهو (به چم"چوبدستی بزرگ"، "دیرک") | **BĀHŪ** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **CLUB, BEAM** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | ***BHRŪ, *BHRĒU-** |

اوستایی *(AVESTAN):* **BĀZU**
سانسکریت *(SANSKRIT):* **BRUR, BĀHU**
ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):*
**BRŪ, BRYGGIA**
نورس کهن *(OLD NORSE):* **BRŪ**
ساکسونی کهن *(OLD SAXON):* **BAUGGIA**
فریزی کهن *(OLD FRISIAN):* **BRUGGIA**
آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):*
**BRÜGEL, BRUCCA**
آلمانی *(GERMAN):* **PAÜGEL, BRÜCKE**
انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):*
**VRYCG,BRYCGIAN,**
انگلیسی *(ENGLISH):* **BRIDGE**
دانمارکی *(DANISH):* **BRO,BRYGGE**
سوئدی *(SWEDISH):* **BRO, BRYGGA**
هلندی *(DUTCH):* **BRUG**
اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):*
**BRŪVŪNO**
روسی *(RUSSIAN):* **BREVNO**
صربی *(SERBIAN):* **BRU**
گالی *(GAULISH):* **BRIVA**

| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 173 |
| *BARNHART* | (BRIDGE) 116 |
| *BUCK:* | 721- 722 |
| *ONIONS:* | (BAIDGE) 117 |
| *SKEAT:* | (BRIDGE) 74 |
| ۲۳۰ | برهان قاطع: |

یادداشت:

۱- معنی این واژه در زبان‌های ژرمنی و گالی: پُل

۲- این واجریشه‌ی هند و اروپایی به چم"دیرک" و "تیر" بوده است و شاید علت دگرگونی معنی آن در برخی زبان‌ها این باشد که پل‌های اولیه را از تیرهای چوبی می‌ساختند.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN) بَبرَ، وَبرَ (به چم"بیداستر" یا"سگ آبی") | BABR, VABAR |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | BEAVER |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *BHEBRUS, *BHIBRUS, *BHEBHRUS |

اوستایی (AVESTAN): BAWRA, BAWRI

پهلوی (PAHLAVI): BAFRAK, BABRAG, BAVARAK

تخاری A (TOKHARIAN A): PARNO

تخاری B (TOKHARIAN B): PERNE

سانسکریت (SANSKRIT): BABHRŪS

لاتین (LATIN): FIBER

فرانسه (FRENCH): BIÈVRE

ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): BIORR,

نورس کهن (OLD NORSE): BJORR

ساکسونی کهن (OLD SAXON): BIBAR

آلمانی کهن (OLD HIGH (GERMAN): BIBAR

آلمانی (GERMAN): BIBER

انگلیسی‌کهن (OLD ENGLISH): BEOFORE, BEFOR

انگلیسی (ENGLISH): BEAVER

دانمارکی (DANISH): BAVER

هلندی (DUTCH): BEVER

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLOVIC): BEBRŪ

لهستانی (POLISH): BÓBR

روسی (RUSSIAN): BOBR

چک (CZECH): BOBR

اسلواکی (SLOVAK): BOBOR

لیتوانی (LITHUANIAN): BABRUS, BĒBRUS

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): BEBRUS

گالی (GAULISH): BEBRINUS, BIBRU-

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 136-137 |
| BARNHART | (BEAVER) 85 |
| DELAMARRE: | (CASTOR) 131 |
| MACKENZIE: | 16, (BEAVER) 104 |
| ONIONS: | (BEAVER) 83 |
| SKEAT: | (BEAVER) 52 |
| برهان قاطع: | ۲۳۱ |
| فرهنگ معین: | ۴۷۱ و ۴۹۷۷ |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۴۳۴۶ |

یادداشت:

واژه"ببر"(BABR) که جانور درنده‌ی بومی هند است نیز به احتمال زیاد از همین ریشه است و پهلوی آن BAPR بوده است(فرهنگ معین: ۴۷۱). MACKENZIE این واژه را به صورت "BABR" داده است (MACKENZIE: (TIGER) 137).

| | |
|---|---|
| BABA, BÉBÉ | فارسی *(PERSIAN)* بَبَهٔ، بِبِه (به چم "بچه‌ی کوچک"، "نی‌نی") |
| BABY | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *BABA | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* |

سانسکریت *(SANSKRIT):* BABABĀ-

یونانی *(GREEK):* BABAI

لاتین *(LATIN):* BABAE, PAPAE

فرانسه *(FRENCH):* BÉBÉ

اسپانیایی *(SPANISH):* NENE, BEBÉ

ایتالیایی *(ITALIAN):* BABBO

آلمانی میانه: *(MIDDLE GERMAN):* BŌBE, BĀBE

آلمانی *(GERMAN):* BABY

انگلیسی *(ENGLISH):* BABY, BABE

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):* BABLU

صربی: *(SERBIAN):* BABA, BŌBOCEM

لیتوانی *(LITHUANIAN):* BŌBA,

لتونی (لتی) *(LATVIAN):* BABINĀT

پروسی کهن *(OLD PRUSSIAN):* BEBINT

سلتی (کلتی) *(CELTIC):* BABAN

ولزی *(WELSH):* BABAN

گالیک *(GAELIC):* BABAN

آلبانی *(ALBANIAN):* BEBE

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 91 |
| *BARNHART* | (BABE, BABY) 70 |
| *ONIONS:* | (BABY) 67 |
| *SKEAT:* | (BABE, BABYE) 70 |
| ۴۳۴۹ | *لغت‌نامه دهخدا:* |

| | |
|---|---|
| BAT | فارسی *(PERSIAN):* بت، بط (به چم "مرغابی") |
| DUCK | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *PAD- | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* |

ارمنی *(ARMENIAN):* BAD

اسپانیایی *(SPANISH):* PATO

صربی *(SERBIAN):* PATKA

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *MALLORY & ADAMS:* | PAD- |
| ۲۳۳ | برهان قاطع: |

| | |
|---|---|
| BACHÉ | فارسی *(PERSIAN):* بچه |
| CHILD | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *BHER-, *BHERE- *BHRĒ, *BHOR- | هند و اروپایی (شاید) *(INDO-EUROPEAN):* |

پهلوی *(PAHLAVI):* VACHAK, WACHAG

کردی *(KURDISH):* CHUCHIK,

BICHUKTI

سانسکریت *(SANSKRIT):* CHICHU,

BALI-

گوتیک (GOTHIC):(شاید) BARN, BAÚR

ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN):(شاید)

BURR, BARN

ساکسونی کهن (OLD SAXON):(شاید) BARN

آلمانی کهن (OLD HIGH ENGLISH):(شاید)

BOR, BURIAN, BARN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):(شاید), BYRE,

BARN, BEARN

انگلیسی (ENGLISH):(شاید) BAIRN

دانمارکی (DANISH):(شاید) BARN

سوئدی (SWEDISH):(شاید) BARN

لیتوانی (LITHUANIAN):(شاید) BÉRNAS,

BERNIÁKAS

لتونی (لتی) (شاید) (LATVIAN): BÉRNS

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 131 |
| BARNHART | (BAIRN) 71 |
| MACKENZIE: | (CHILD) 106 |
| BUCK: | 87-93 |
| ONIONS: | (BAIRN) 69 |
| SKEAT: | (BAIRN) 44 |
| AMINDAROV: | (CHILD) 199 |
| ۲۳۷ | برهان قاطع : |
| ۴۷۳-۴۷۴ | فرهنگ معین : |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): بخت | BAXT |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | CHANCE, FORTUNE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *BHAG-, *BHAGOS |

اوستایی (AVESTAN): BAXTA, BAXSHAITI

پهلوی (PAHLAVI): BAXT

کردی (KURDISH): BEXT

تخاری A (TOKHARIAN A): PAK

تخاری B (TOKHARIAN B): PAKE

سانسکریت (SANSKRIT): BHAKSHATI

ارمنی (ARMENIAN): BOGATE

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

BOGE

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 107 |
| DELAMARRE: | 71 |
| MACKENZIE: | (FORTUNE) 115 |
| BUCK: | 1095 |
| AMINDAROV: | 13 |
| ۲۱۵ | برهان قاطع : |

یادداشت:

بازگشت به: بهر و بخش.

| | |
|---|---|
| BAXSH, BAXSHIDAN, BAXSHESH | فارسی *(PERSIAN):* بخش، بخشیدن، بخشش |
| PORTION, BESTOW, FORGIVE, BESTOWAL | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *BHAG- | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* |

اوستایی *(AVESTAN):* BREH, BRAY, BAG, BAXSHAITI, BAGHA-

پهلوی *(PAHLAVI):* BAXSH, BRIN, BAXTAN, BAXSHISHN, BHAJ-, BAXSHITAN

سانسکریت *(SANSKRIT):*
BHIKSHATE, BHAJI-, BHAG, BHAGAH, BHAJATI

ارمنی *(ARMENIAN):* BOGATU

یونانی *(GREEK):* PHAGEIN

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):*
BOGU, UBOGU

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 107 |
| *MACKENZIE:* | 17, (BESTOWAL) 104 |
| ۲۴۰ و ۲۴۱ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

۱- بازگشت به "بخت" و "بَغ".

۲- چم این واژه در زبان یونانی: خوردن.

۳- واژه‌های فارسی "برخ" و "برخه" هم از همین واجریشه‌اند.

| | |
|---|---|
| BAD | فارسی *(PERSIAN):* بَد |
| BAD | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *BHOIDH | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* |

پهلوی *(PAHLAVI):* WAD, VAT, VATTAR

کردی *(KURDISH):* BĒTER

لاتین *(LATIN):* (شاید) FOEDARE, FOEDUS

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):* (شاید)
BADDLE

آلمانی *(GERMAN):* (شاید) BAD

لیتوانی *(LITHUANIAN):* (شاید) BĒDA

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 161 |
| *BARNHART* | (BAD) 71 |
| *MACKENZIE:* | 103 |
| *BUCK:* | 1177-1179 |
| *ONIONS:* | (BAD) 68 |
| *SKEAT:* | (BAD) 43 |
| *AMINDAROV:* | 24 |
| ۲۴۳ | برهان قاطع: |
| ۴۷۸ | فرهنگ معین: |
| ۴۴۲۹ | لغت‌نامه دهخدا: |

یادداشت:

شباهت واژه‌ی فارسی "بد" با واژه‌ی انگلیسی **BAD** هم از نظر معنی و هم از نظر آوا شگفت‌انگیز است ولی پسگشت‌های گوناگون همسانی این دو واژه را مورد بحث قرار نمی‌دهد. آیا این همسانی تصادفی است؟ ضمناً واجریشه‌ی هند و اروپایی - **BHU*** دارای این مشتقات است: آلمانی کهن: **BŌSI**؛ آلمانی: **BÖSE** (به چم "بد")؛ هندی: **BOOS** (به چم "عصبانی")؛ نروژی: **BAUS** (به چم "مغرور")؛ فریزی کهن؛ **BŪSEN** (به چم "جنجالی بودن")؛ انگلیسی میانه: **BOSTE**؛ انگلیسی: **BOAST** (به چم "پُز دادن"). میزان خویشی واجریشه‌های **BHU-*** و **BHOIDH***- معلوم نیست.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN)*: **برَ (به چم "سینه و پستان")** | **BAR** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **BREAST** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN)*: | ***BHREUS-, *BHRUS-** |

| | |
|---|---|
| اوستایی *(AVESTAN)*: | **VARANG, VARANGH, VARAH** |
| پهلوی *(PAHLAVI)*: | **BAR, WAR** |
| کردی *(KURDISH)*: | **BERŪK, BEROK** |
| سانسکریت *(SANSKRIT)*: | **VRAS** |
| گوتیک *(GOTHIC)*: | **BRUSTS** |
| ایسلندی‌کهن *(OLD SCANDINAVIAN)*: | **BRJŌST** |
| نورس کهن *(OLD NORSE)*: | **BRJŌST** |
| ساکسونی کهن *(OLD SAXON)*: | **BREOST, BRIOST** |
| آلمانی کهن *(OLD GERMAN)*: | **HRUST** |
| آلمانی *(GERMAN)*: | **BRUST** |
| انگلیسی‌کهن *OLD ENGLISH*: | **BRĒOST** |
| انگلیسی *(ENGLISH)*: | **BREAST** |
| دانمارکی *(DANISH)*: | **BRYST** |
| سوئدی *(SWEDISH)*: | **BRÖST** |
| هلندی *(DUTCH)*: | **BORST** |
| روسی *(RUSSIAN)*: | **BRJUKHO** |
| ایرلندی‌کهن *(OLD IRISH)*: | **BRŪ** |
| ولزی *(WELSH)*: | **BROA** |

| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 170 |
| *BARNHART* | (BREAST) 115 |
| *MACKENZIE:* | (BREAST) 105 |
| *BUCK:* | 244-248 |
| *ONIONS:* | (BEAST) 116 |
| *SKEAT:* | (BREAST) 73 |
| *AMINDAROV:* | (BREAST) 194 |
| ۲۴۵ | برهان قاطع : |

یادداشت:

۱- معنی این واژه در روسی و چند زبان دیگر: شکم.

۲- **SKEAT** فقط واژه‌های ژرمنی این واجریشه را می‌دهد و معتقد است که ریشه‌ی این واژه‌های ژرمنی ناشناخته است.

۳- **BARNHART** به همریشه‌های ایرانی و سانسکریت این واژه اشاره‌ای نمی‌کند.

| | |
|---|---|
| BAR, BĀR | فارسی (PERSIAN): بر، بار (به چم"میوه") |
| FRUIT (ON A TREE) | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *BHER-, *BHORO-, *BHERMN, *BHRTIS | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): BERETI, BARA BARO-

پارسی باستان (OLD RERSIAN): BARANTIY

پهلوی (PAHLAVI): BAR, BĀR

کردی (KURDISH): -BER

تخاری A (TOKHARIAN A): PARE

تخاری B (TOKHARIAN B): PERT

سانسکریت (SANSKRIT): BHÁRATI, BHRTI, BHÁRA

یونانی (GREEK): PHERAM, PHOROS

لاتین (LATIN): FUR

گوتیک (GOTHIC): GABAÚRTHS

ایسلندی‌کهن (OLDSCANDINAVIAN): BÁRR

نورس کهن (OLD NORSE): BURTHR

فریزی کهن (OLD FRISIAN): GEBYRD

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): GIBURT, -BĀRI

آلمانی (GERMAN): GEBURT, -BAR

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): BIRTHE, -BÁR

انگلیسی (ENGLISH): BIRTH

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): BRĒME

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 128-132 |
| MACKENZIE: | 17, (FRVIT) 115 |
| MALLORY & ADAMS: | BHERMN |
| ۲۴۵ | برهان قاطع: |
| ۴۸۹ | فرهنگ معین: |

یادداشت:

۱- این واژه با واژه‌ی "بار"(به چَم "وزن سنگین" همریشه است.

۲- معنی این واژه در زبان‌های ژرمنی: زایش، زادآوری (البته در فارسی نیز این معنی وجود دارد، مثلاً "زن باردار")

۳- ریشه‌ی واژه‌ی انگلیسی BARROW نیز از همین واجریشه است.

| | |
|---|---|
| BARĀDAR | فارسی (PERSIAN): برادر |
| BROTHER | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *BHER-, *BHRĀTER | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): BRĀTAR

پارسی باستان (OLD RERSIAN): BRĀTĀ

پهلوی (PAHLAVI): BRĀD, BRĀDAR, BARĀT, BARĀTAR

کردی (KURDISH): BIRA

افغانی (پشتو) (AFGHANI): WROR

تخاری A (TOKHARIAN A): PRACAR

تخاری B (TOKHARIAN B): PROCER

سانسکریت (SANSKRIT): BEHRĀTAR, BHRĀTĀ

یونانی *(GREEK):* **PHRĀTĒR**
لاتین *(LATIN):* **FRĀTER**
فرانسه *(FRENCH):* **FRÈRE**
ایتالیایی *(ITALIAN):* **FRATELLO**
رومانی *(RUMANIAN):* **FRATE**
گوتیک *(GOTHIC):* **BRŌTHAR**
ایسلندی‌کهن *(OLD SCANDINAVIAN):*
**BRODHIR**
نورس کهن *(OLD NORSE):* **BRŌTHIR**
ساکسونی کهن *(OLD SAXON):* **BRŌTHAR**
فریزی کهن *(OLD FRISIAN):* **BŌTHER**
آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):*
**BRUODAR**
آلمانی *(GERMAN):* **BRUDER**
انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* **BRŌTHOR,**
انگلیسی *(ENGLISH):* **BROTHER**
دانمارکی *(DANISH):* **BRŌDER**
سوئدی *(SWEDISH):* **BRODER**
نروژی *(NORWEGIAN):* **BROR**
هلندی *(DUTCH):* **BRODER, BROEDER**
اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):*
**BRATRŪ, BRATŪ**

لهستانی *(POLISH):* **BRAT**
روسی *(RUSSIAN):* **BRAT**
صربی *(SERBIAN):* **BRAT**
بوهمی *(BOHEMIAN):* **BRATR**
لیتوانی *(LITUANIAN):* **BROTERELIS,**
**BRŌLIS**
لتونی (لتی) *(LATVIAN):* **BRĀLIS**
پروسی کهن *(OLD PRUSSIAN):* **BRATI**
ایرلندی کهن *(OLD IRISH):* **BRĀTHAIR**
ولزی *(WELSH):* **BRAWD**
برتونی *(BRETON):* **BREUR**
گالیک *(GAELIC):* **BRATHAIR**

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 163 | POKORNY: |
| (BAOTHER) 120 | BARNHART |
| (FRÈRE) 38 | DELAMARRE |
| (BROTHER) 105 | MACKENZIE: |
| 107-108 | BUCK: |
| (BROTHER) 121 | ONIONS: |
| (BROTHER) 194 | AMINDAROV: |
| برهان قاطع: | ۲۴۶ |

| | | |
|---|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* | برازیدن، براز، برازندگی | **BARĀZIDAN, BARĀZ, BARĀZANDEGI** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | | **BE PROPER, BE BECOMING** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | | ***BHEREG- *BHRĒGH, *BHLĒGMI, *BHLIG-** |

اوستایی *(AVESTAN):* **BRĀZAITI, BRĀZA,**
**BARAZA**
پارسی باستان *(OLD RERSIAN):* **BRAZAITI**
پهلوی *(PAHLAVI):* **BRĀZIDAN, BRĀZ**
تخاری A *(TOKHARIAN A):* **PĀLK**

تخاری B *(TOKHARIAN B):* **PÄLK**
سانسکریت *(SANSKRIT):* **BHRĀJATEM,**
**BIRIAHA, BHARGAS**
یونانی *(GREEK):* **PHLÉGO**
لاتین *(LATIN):* **PULGO**

گوتیک (GOTHIC): BAÍRHTS

ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN):
BJARTR, BLIK BLIK

نورس کهن (OLD NORSE): BJARTR

ساکسونی کهن (OLD SAXON): BERHT, BERAHT

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
BERAHT, BLECCAN, BLECCHEN

آلمانی (GERMAN): -BRECHT, BLITZEN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): BEORHT, BRYHT, BLICAN

انگلیسی (ENGLISH): BRIGHT

سوئدی (SWEDISH): BROKIC, BJORKN

نروژی (NORWEGIAN): BRŌKE, BJERK

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
BLISKU

لهستانی (POLISH): BRZASK

روسی (RUSSIAN): BLESKU, BREZG

چک (CZECH): BLESK

اسلووینی (SLOVENIAN): BRĒSK

لیتوانی (LITHUANIAN): BREKSHA, BLIZGU

لتونی (لتی) (LATVIAN): BREKSHA, BLIZGU

ولزی (WELSH): BERTH

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 139 |
| BARNHART: | (BRIGHT) 116 |
| DELAMARRE: | 249 |
| MACKENZIE: | 19, (GLEAM) 116 |
| BUCK: | 1048-1050 |
| ONIONS: | (BRIGH) 118 |
| SKEAT: | (BRIGHT) 74 |
| ۲۴۶ | برهان قاطع : |

یادداشت:

این واژه در زبان‌های ایرانی کهن و زبان سانسکریت و زبان‌های ژرمنی و اکثر زبان‌های دیگر به معنی "درخشش" و "درخشیدن" است. حتی معنی برگرفته‌های پهلوی این واژه(BARĀZ-, BRĀZĪDAN) دارای چَم"درخشیدن" بوده‌اند (MACKENZIE)

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): بَربَر(به چَم"هرزه گویی"، "یاوه") | BARBAR |
| چَم انگلیسیِ سرواژه‌ی فارسی: | BABBLE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *BALBAL-, *BABAL- |

کردی (KURDISH): BERBER

سانسکریت (SANSKRIT): BALBÓL-
BALBALA-

یونانی (GREEK): BABAI

لاتین (LATIN): BABULUS, BALBUS

ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN):
BABBLA

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
BABBELN

آلمانی (GERMAN): PLAPPERN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): BABLEN,
BABELEN
انگلیسی (ENGLISH): BABBLE
دانمارکی (DANISH): BABLE
سوئدی (SWEDISH): BABBLA
نروژی (NORWEGIAN): BABBEL
هلندی (DUTCH): BABBELEN
روسی (RUSSIAN): BOLOBÓLITV,
BALÁKATV
چک (CZECH): BEBLATI, BLBLATI
بلغاری (BULGARIAN): BLABÓL
صربی (SERBIAN): BLEBĒTATI
لیتوانی (LITHUANIAN): BALBĀSYTI,
BLABOSITI

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 91-92 |
| BARNHART: | (BABBLE) 70 |
| ONIONS: | (BABBLE) 67 |
| SKEAT: | (BABBLE) 42 |
| AMINDARON: | 16 |
| ۲۴۸ | برهان قاطع: |
| ۴۵۱۷ | لغت‌نامه دهخدا: |

یادداشت:

این واژه در زبان‌های مختلف هند و اروپایی این چَم‌ها را دارد: یاوه گویی، گفت و شنود: گپ زنی .

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): بربَری (به چَم"نامتمدن") | BARBARI |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | BARBARIAN |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *BARBAR, *BABAL |

سانسکریت (SANSKRIT): BARBARAS,
BALBALĀ, BABALĀKR
یونانی (GREEK): BARBAROS
لاتین (LATIN): BARBARUS, BARBAR
فرانسه (FRENCH):
BARBARIEN, BARBARE
اسپانیایی (SPANISH): BARBARO
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
BARBARYN
انگلیسی (ENGLISH): BARBARIAN
لهستانی (POLISH): BARBARZYNCA
روسی (RUSSIAN): BOLOBOLIT
چک (CZECH): BAR-BAR, BAL-BAL
صربی (SERBIAN): BRBOLJITI,
BRBLJATI
لیتوانی (LITHUANIAN): BALBĀSYTI,

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 92 |
| BARNHART: | (BARBARIAN) 76 |
| ONIONS: | (BARBARIC) 74 |
| SKEAT: | (BARBAROUS) 47 |
| ۴۵۱۸ | لغت‌نامه دهخدا: |

یادداشت:

۱- ظاهراً این واژه را مردمان هند و اروپایی برای غیر هند و اروپائیان به کار می‌بردند: آریایی‌های هند برای غیرآریایی‌ها؛ یونانیان برای غیریونانیان به ویژه ساکنان افریقای شمالی.

۲- معنی این واژه در اکثر زبان‌های هند و اروپایی: بیگانه، دارای لکنت زبان، نامتمدن.

| | |
|---|---|
| BORDAN | فارسی *(PERSIAN)*: بردن (به چَم "حمل کردن") |
| CARRY, BEAR | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *BHER- *BHERTIS, *BHERŌ- | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN)*: |

| | |
|---|---|
| اوستایی *(AVESTAN)*: | BERETIS, BARAITI, BAR- |
| پارسی باستان *(OLD RERSIAN)*: | BARANTIY, BAR- |
| پهلوی *(PAHLAVI)*: | BURDAN, BURTAN |
| کردی *(KURDISH)*: | BIRĒN |
| تخاری A *(TOKHARIAN A)*: | PÄR |
| تخاری B *(TOKHARIAN B)*: | PÄR |
| سانسکریت *(SANSKRIT)*: | BHRTIS, BHÁRATI, BHR- |
| ارمنی *(ARMENIAN)* | BEREM, BARD |
| یونانی *(GREEK)*: | PHEREIN |
| لاتین *(LATIN)*: | FERRE, FERŌ |
| گوتیک *(GOTHIC)*: | BAIRAN |
| ایسلندی‌کهن *(OLD SCANDINAVIAN)*: | BERA |
| نورس کهن *(OLD NORSE)*: | BERA |
| ساکسونی کهن *(OLD SAXON)*: | BERAN, |
| فریزی کهن *(OLD FRISIAN)*: | BEREN, BOREN |
| آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN)*: | BERAN |
| آلمانی *(GERMAN)*: | GEBAREN |
| انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH)*: | BERAN |
| انگلیسی *(ENGLISH)*: | BEAR |
| دانمارکی *(DANISH)*: | BARE |
| سوئدی *(SWEDISH)*: | BÄRA |
| اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC)*: | BIRATI, BERO |
| روسی *(RUSSIAN)*: | BERÚ |
| لیتوانی *(LITHUANIAN)*: | BERIÚ |
| لتونی (لتی) *(LATVIAN)*: | BERU |
| آلبانی *(ALBANIAN)*: | BIE |

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 128 |
| *BARNHART:* | (BEAR) 84 |
| *DELAMARRE:* | 60 |
| *MACKENZIE:* | (BEAR) 104 |
| *BUCK:* | 707 |
| *ONIONS:* | (BEAR) 83 |
| *SKEAT:* | (BHER) 753,(BEAR) 52 |
| *RAMAT:* | 47 |
| *MALLORY & ADAMS:* | BHR- |
| *AMINDAROV:* | (CARRY) 197 |
| برهان قاطع: | ۲۵۳ |

یادداشت:

۱- این واژه در اکثر زبان‌های هند و اروپائی دو چَم دارد: بردن، گرفتن.

۲- چَم این واژه در آلمانی و انگلیسی: زادن، بارآوردن.

۳- بازگشت به: باد

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): برز (به چَم"بلندی"، "ارتفاع") | BORZ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | HEIGHT, ALTITUDE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *BHEREGH, *BHERGHOS |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | BEREZ, BEREZAITI |
| پهلوی (PAHLAVI): | BORZ |
| تخاری A (TOKHARIAN A): | PÄRK |
| سانسکریت (SANSKRIT): | BRHANT-, BRAHÁYATI |
| ارمنی (ARMENIAN): | BERJ, BARJR |
| لاتین (LATIN): | BURGUS, FORCTI |
| گوتیک (GOTHIC): | BOURGS |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | BURG, BERG, BERGAZ |
| آلمانی (GERMAN): | BURG, BERG |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | BEORG, BURG |
| انگلیسی (ENGLISH): | -BURG |
| روسی (RUSSIAN): | BEREG |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | BRAIG |
| هتیت (HITTITE): | PARKUS, PARK- |

| بسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 140 | POKORNY: |
| 220 | DELAMARRE: |
| 19 | MACKENZIE: |
| برهان قاطع : | ۲۵۴ |
| فرهنگ معین : | ۵۳ |

یادداشت:

۱- بازگشت به: بالا

۲- شاید واژه‌ی "برج" که در همه‌ی فرهنگ‌ها به عنوان واژه عربی آورده شده است نیز از همین واجریشه‌ی هند و اروپایی باشد. مضافاً به این که در پهلوی واژه‌ی "برج" به این صورت بوده است: **BURG**. در ارمنی نیز واژه‌ی **BERJ** بسیار شبیه به نظر می‌رسد. در دوران پیش از اسلام عرب‌های عربستان دارای برج و بارو نبودند و می‌دانیم که سلمان فارسی حفر "کندک" (خندق) را به آنها آموخت.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): برشتن، بریان | BERESHTAN, BERYAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | BROIL |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *BHER-, *BHRAZ-, *BURŪG-, *BHEREG |

پهلوی (PAHLAVI): BARSTAN, BHURAJANTA

کردی (KURDISH): BIRASHTIN

افغانی (پشتو)(AFGHANI): VRETAWËL

سانسکریت (SANSKRIT): BHRJJATI, BHURAJANTA

یونانی (GREEK): PHRYGEIN, PHRŪGO

لاتین (LATIN): FRIGO, FRĪGERE, FERTUM

فرانسه (FRENCH): FRIRE, FRITE

اسپانیایی (SPANISH): FREIR

ایتالیایی (ITALIAN): FRIGGERE

رومانی (RUMANIAN): FRIGE, FRAJI

پرتغالی (PORTUGUESE): FRIGIR

انگلیسی میانه (MIDDLE ENGLISH): FRIEN, FRYE

لهستانی (POLISH): BARGIEL

روسی (RUSSIAN): BERGLÉZU

لیتوانی (LITHUANIAN): BÍRGELAS

لتونی (لتی) (LATVIAN): BIRGA,

پروسی کهن (OLD PRISSIAN): (AU)BIRGO

برتونی (BRETON): FRITA

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 137 |
| BARNHART: | (FRY) 412 |
| MACKENZIE: | (ROAST) 131 |
| BUCK: | 336-339 |
| ONIONS: | (FRY) 379 |
| SKEAT: | (FRY) 228 |
| AMINOAROV: | (FRY) 228 |
| برهان قاطع : | ۲۵۸ |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): برف | BARF |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | SNOW |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *WEP- |

اوستایی (AVESTAN): VAERA

پهلوی (PAHLAVI): VAFR

کردی (KURDISH): BERF

افغانی(پشتو)(AFGHANI): WĀWRA

سانسکریت (SANSKRIT): VAPATI, VÁPRA

لاتین (LATIN): VEPRĒS

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): VEPRU

لتونی (لتی) (LATVIAN): VEPRIS

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 1149 |
| MACKENZIE: | (SNOW) 133 |
| BUCK: | 68-69 |
| AMINDAROV: | 288 |
| برهان قاطع : | ۲۵۹ |

یادداشت:

ضمناً در زبان‌های اوستایی ((SNAOTHA) و پهلوی (SNĒZAG, SNĒXR) چَم "برف" را داشته‌اند و ممکن است امروزه هم در گویش‌های محلی فلات ایران وجود داشته باشند. شاخه گیری این واژه‌ها چنین است:
هند و اروپایی: SNIGWH* -SNOIGWH*؛ سانسکریت(پراکریت): SINEHA؛ اوستایی: SNAOTHA، SNĒZA؛ یونانی: NIPHA؛ لاتین: NIVIS, NIX؛ انگلیسی کهن: SNĀW (انگلیسی: SNOW)؛ آلمانی کهن: SNĒO (آلمانی: SHNEE)؛ فریزی کهن: SNĒ؛ ساکسونی کهن: SNĒO؛ ایسلندی کهن: SNAR؛ گوتیک: SNAIWS؛ ایرلندی کهن: SNECHTAE؛ لیتوانی: SNIEGAS؛ اسلاوی کهن: SNĒGŪ؛ پروسی کهن: SNAYGIS؛ هلندی: SNEEUW؛ سوئدی: SNÖ؛ نروژی SNO؛ دانمارکی: SNE؛ روسی: SNEF؛ لهستانی: SNIEG؛ فرانسه: NEIGE؛ اسپانیایی: NIEVE؛ ایتالیایی: NEVE؛ بوهمی: SNIH.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): برگ | BARG |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | LEAF |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *BHOL-, *BHEL-, *BHLET, *BHLĒ-, *BHLŌ- |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | VAREKA |
| پهلوی (PAHLAVI): | WARG, VALG |
| کردی (KURDISH): | BELG, BELCHIM, BERU |
| تخاری A (TOKHARIAN A): | PÄLT |
| یونانی (GREEK): | PHLLON |
| لاتین (LATIN): | FOLIUM |
| فرانسه (FRENCH): | FEUILLE |
| ایتالیایی (ITALIAN): | FOGLIA |
| گوتیک (GOTHIC): | LAUFS |
| ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): | BLADH |
| نورس کهن (OLD NORSE): | BLATH |
| ساکسونی کهن (OLD SAXON): | BLAD |
| فریزی کهن (OLD FRISIAN): | BLED |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | BLUOT, BLAT |
| آلمانی (GERMAN): | BLATT |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | BLAD |
| انگلیسی (ENGLISH): | BLADE |
| دانمارکی (DANISH): | BLAD |
| سوئدی (SWEDISH): | BLAD |
| نروژی (NORWEGIAN): | BLAD |
| هلندی (DUTCH): | BLAD |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | LAPAS |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | BILE, BLATH |
| گالی (GAULISH): | BLAWD |

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 122-123 |
| | (BLADE) 97, (FOLIAGE) |
| BARNHART: | 397 |
| DELAMARRE: | (FEUILLE) 156 |
| MACKENZIE: | (LEAF) 121 |
| BUCK: | (LEAF) 525 |
| SKEAT: | (FOLIAGE) 220 |
| AMINDAROV: | (LEAF) 248 |
| برهان قاطع: | ۲۶۰ |

یادداشت:

واژه‌های انگلیسی BLOSSOM, BLOOM (و همریشه‌های ژرمنی آنها) نیز از همین واجریشه‌ی هند و اروپایی آمده‌اند.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN)*: **بَرموز، بَرمور، بَرمَز، بَرمَر، بَرمو، بوز (به چم "زنبور")** BARMŪZ, BARMŪR, BARMAZ, BARMŪ, BOOZ | |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | **BEE** |
| **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN)*:(شاید) | ***BHEI-, *BHI-** |

| | |
|---|---|
| پهلوی *(PAHLAVI)*: | **-BĒN (ANGŪBĒN)** |
| سانسکریت *(SANSKRIT)*: | **BHRAMARA** |
| | **BAMBHARA** |
| لاتین *(LATIN)*: | **FŪCUS** |
| ایسلندی‌کهن *(OLD SCANDINAVIAN)*: | **BȲ** |
| آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN)*: | **BINI** |
| آلمانی *(GERMAN)*: | **BIENE** |
| انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH)*: | **BÉO** |
| انگلیسی *(ENGLISH)*: | **BEE** |
| دانمارکی *(DANISH)*: | **BI** |
| سوئدی *(SWEDISH)*: | **BI** |
| نروژی *(NORWEGIAN)*: | **BI** |
| هلندی *(DUTCH)*: | **BIJ** |
| اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC)*: | **BICHELA** |
| چک *(CZECH)*: | **VCHELA** |
| اسلواکی *(SLOVAK)*: | **VCHELA** |
| لیتوانی *(LITHUANIAN)*: | **BITIS, BĪTE** |
| لتونی (لتی) *(LATVIAN)*: | **BITE** |
| پروسی کهن *(OLD PRUSSIAN)*: | **BITTE** |
| ایرلندی کهن *(OLD IRISH)*: | **BECH** |
| گالی *(GAULISH)*: | **BEKOS** |
| ولزی *(WELSH)*: | **BYDAF** |

| بسگشت‌ها | *REFERENCES* |
|---|---|
| 116 | *POKORNY:* |
| (BEE) 85 | *BARNHART:* |
| 142 | *DELAMARRE:* |
| (BEE) 104 | *MACKENZIE:* |
| 192 | *BUCK:* |
| (BEE) 84 | *ONIONS:* |
| (BEE) 53 | *SKEAT:* |
| ۲۶۳ و ۳۱۶ | *برهان قاطع:* |
| ۴۶۳۹ | *لغت‌نامه دهخدا:* |

یادداشت:

۱- واژه‌ی "انگبین" فارسی از "انگ" به چَم "شیره و عسل" است(برهان قاطع :: ۱۷۴). واجریشه‌ی BEN- از هند و اروپایی -BHI* به چَم "زنبور" است. واژه‌های "انگدان" و "انجبار" و "انگوژه" نشان می‌دهد که "انگ" به چم "شیره و شهد" است. لذا "انگبین" یا "انگوبین" یعنی "شیره یا شهد" زنبور.

| BORNĀ | فارسی (PERSIAN): برَنا (به چَم"جوان" و "نوچه") |
|---|---|
| YOUNG PERSON | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *BHORN-, *BHER- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN):
APəRəNĀYU, PəRəNĀYU
پهلوی (PAHLAVI): ABURNĀY, ABURNĀYAG
کردی (KURDISH): VIRNĪ
گوتیک (GOTHIC): BARN
ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): BARN
ساکسونی کهن (OLD SAXON): BARN
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): BARN
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): BEARN
انگلیسی (ENGLISH): BAIRN
دانمارکی (DANISH): BARN
سوئدی (SWEDISH): BARN
نروژی (NORWEGIAN): BARN
لیتوانی (LITHUANIAN): BERNIÁKAS, BÉRNAS
لتونی (لتی) (LATVIAN): BĒRNS

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 131 |
| BARNHART: | (BAIRN) 71 |
| MACKENZIE: | (CHILD) 106 |
| ONIONS: | (BAIRN) 69 |
| SKEAT: | (BAIRN) 44 |
| ۲۶۴ | برهان قاطع: |

یادداشت:

۱- ریشه‌ی این واژه با ریشه‌ی واژه‌ی "بردن" خویشی دارد.

۲- چم این واژه در اوستایی و پهلوی و زبان‌های ژرمنی و لیتوانی و لتونی و کردی: بچه، نوباوه.

| BARRÉ | فارسی (PERSIAN): برّه |
|---|---|
| SHEEP | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *WEREN, *URHEN, *URHNOS, *URNOS | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): URA-, VAREN, URAN
پارسی باستان (OLD RERSIAN): VARMAK, VARANA
پهلوی (PAHLAVI): VARAK, WARRAG, VARRAN
اوستی (OSSETIC): WAR
سانسکریت (SANSKRIT): ŪRAN, ŪRANA, VURAN
ارمنی (ARMENIAN): GARN, GARIN
یونانی (GREEK): ARONS, WAREN
لاتین (LATIN): VERVEX
دانمارکی (DANISH): BEDE
لهستانی (POLISH): BARAN, BARANEK
روسی (RUSSIAN): BARRAN
چک (CZECH): BERĀNEK

اسلواکی (SLOVAK): BARANCHEK
لیتوانی (LITHUANIAN): VĒRAS
ایرلندی کهن (OLD IRISH): VAN

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 1170 | POKORNY: |
| (LAMB) 121 | MACKENZIE: |
| 156-160 | BUCK: |
| URHEN | (MALLORY & ADAMS: |
| برهان قاطع: | ۲۷۸ |

یادداشت:

معنی این واژه در لاتین: گوسپنداخته شده.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): بڑیدن | BORIDAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | CUT |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *BHER-, *BHOR- |

اوستایی (AVESTAN): BRINA, BAOIRYA, BRI-, BRAY

پهلوی (PAHLAVI): BURIDAN, BRITAN, BRIN

اوستی (OSSETIC): BRITI

کردی (KURDISH): BERANDIN, BRRIN

سانسکریت (SANSKRIT): BHRI-, BHRNĀTI, BHARVATI, BHRINATI

ارمنی (ARMENIAN): BIR

یونانی (GREEK): PHAROS, PHARÁO

لاتین (LATIN): FORĀRE, FERIRE, FRIARE

ایتالیایی (ITALIAN): FORARE

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): BORA, BORR

نورس کهن (OLD NORSE): BORR, BERJA

فریزی کهن (OLD FRISIAN): BER

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): BORŌN, BORA

آلمانی (GERMAN): BOHREN, BHOR

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): BORIAN, BOR

انگلیسی (ENGLISH): BORE

دانمارکی (DANISH): BOR

سوئدی (SWEDISH): BORR, BORRA

نروژی (NORWEGIAN): BOR

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): BRITI, BRETVA

روسی (RUSSIAN): BRITI

لیتوانی (LITHUANIAN): BĀRAS

لتونی (لتی) (LATVIAN): BARS

آلبانی (ALBANIAN): BIE, BORIJ

| | | | |
|---|---|---|---|
| ONIONS: | (BORE) 108 | REFERENCES | بسگشت‌ها |
| SKEAT: | (BORE) 68, (BHER) 752 | POKORNY: | 133 |
| AMINDAROV: | 208 | BARNHART: | (BORE) 107-108 |
| ۲۷۰ | برهان قاطع: | MACKENZIE: | (CUT) 109 |
| | | BUCK: | (CUT) 556, (BORE) 592 |

یادداشت:

معنی این واژه در سانسکریت: صدمه زدن، زخمی کردن.

معنی این واژه در زبان‌های ژرمنی: سوراخ کردن، سفتن، مته.

معنی این واژه در زبان یونانی: شخم.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): بزُ | BOZ |
| چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | GOAT |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *BHUG-, *BHŪGO-, *BHUKKOS |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | BŪZA |
| پهلوی (PAHLAVI): | BUC |
| کردی (KURDISH): | BIZIN |
| افغانی(پشتو) (AFGHANI): | WĒZA |
| ارمنی (ARMENIAN): | BUC, BUZ |
| لاتین (LATIN): | BUCCA |
| فرانسه (FRENCH): | BOUC |
| اسپانیایی (SPANISH): | BECCO |
| ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): | BUKKR |
| نورس کهن (OLD NORSE): | BUKKR |
| ساکسونی کهن (OLD SAXON): | BOCK |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | BOC, BUKKA |
| آلمانی (GERMAN): | BOCK |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | BUC, BUCCA |
| انگلیسی (ENGLISH): | BUCK |
| دانمارکی (DANISH): | BUK |
| سوئدی (SWEDISH): | BOCK |
| نروژی (NORWEGIAN): | BUK |
| هلندی (DUTCH): | BOK |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | BOCC |
| ولزی (WELSH): | BWCH |
| گالیک (GAELIC): | BOC |
| برتونی (BRETON): | BOUC'H |

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 174 |
| BARNHART: | (BUCK) 122 |
| DELAMARRE: | 132 |
| MACKENZIE: | (GOAT) 116 |
| BUCK: | 164-166 |
| ONIONS: | (BUCK) 122-123 |
| SKEAT: | (BUCK) 77 |
| AMINDAROV: | (GOAT) 231 |
| MALLORY & ADAMS: | BHUGOS |
| برهان قاطع: | ۲۷۱-۲۷۲ |

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* بزرگ | **BOZORG** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **BIG, GREAT** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | ***WEG-, *WOG-, *WŌG- *WEGĒ-** |

| | |
|---|---|
| اوستایی *(AVESTAN):* | **VAZRA** |
| پارسی باستان *(OLD PERSIAN):* | **VAZRAKA, VAZARKA** |
| پهلوی *(PAHLAVI):* | **WUZURG, BAZURG** |
| تخاری A *(TOKHARIAN A):* | **WAŚIR** |
| تخاری B *(TOKHARIAN B):* | **WASIR** |
| سانسکریت *(SANSKRIT):* | **VĀJA, VAJRA** |
| ارمنی *(ARMENIAN):* | **VZRUK, VZURK** |
| لاتین *(LATIN):* | **VEGĒRE** |
| گوتیک *(GOTHIC):* | **WAKAN** |
| ایسلندی‌کهن *(OLD SCANDINAVIAN):* | **VAK** |
| ساکسونی کهن *(OLD SAXON):* | **WAKÖN** |
| فریزی کهن *(OLD FRISIAN):* | **WAKIA, WAKA** |
| آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):* | **WAKEN, WAHHEN** |
| آلمانی *(GERMAN):* | **WACHEN** |
| انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* | **WACAN, WECCAN** |
| انگلیسی *(ENGLISH):* | **WAKE** |
| دانمارکی *(DANISH):* | **VAAGE** |
| سوئدی *(SWEDISH):* | **VAKA** |
| نروژی *(NORWEGIAN):* | **VAKE** |
| هلندی *(DUTCH):* | **WAKEN** |

| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 1117 |
| *BARNHART:* | (WAKE) 1216 |
| *MACKENZIE:* | (BIG) 104 |
| *BUCK:* | 878-880 |
| *SKEAT:* | (WAKE) 698 |
| *MALLORY:* | 49 |
| برهان قاطع: | ۲۷۲ |

*یادداشت:*

معنی این واژه در سانسکریت: نیرو، سرعت.

معنی این واژه در زبان‌های ژرمنی: بیدار، بیدار شدن، نظاره کردن.

معنی این واژه در زبان لاتین: شاد و خرم کردن.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* بستن | **BASTAN** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **BIND** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | ***BHENDH-** |

| | |
|---|---|
| اوستایی *(AVESTAN):* | **BANDH-, BADHNĀTI, BÁNDHANA,** |
| پارسی باستان *(OLD PERSIAN):* | **BASTA** |
| پهلوی *(PAHLAVI):* | **BASTAN** |
| کردی *(KURDISH):* | **VEBESTE** |
| سانسکریت *(SANSKRIT):* | **BANDAYAITI** |

یونانی (GREEK): PEÎSMA
لاتین (LATIN): -FEN- (OFFENDIX)
گوتیک (GOTHIC): BINDAN
ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): BINDA
نورس کهن (OLD NORSE): BINDA
فریزی کهن (OLD FRISIAN): BINDA
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
BINTAN
آلمانی (GERMAN): BINDEN
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): BINDAN
انگلیسی (ENGLISH): BIND
دانمارکی (DANISH): BINDE
سوئدی (SWEDISH): BINDA
نروژی (NORWEGIAN): BINDE
هلندی (DUTCH): BINDEN
لیتوانی (LITHUANIAN): BENDRAS [1]

| بسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 127 |
| BARNHART: | (BIND) 94 |
| DELAMARRE: | 248 |
| MACKENZIE: | (BIND) 104 |
| BUCK: | 545-546 |
| ONIONS: | (BIND) 95 |
| SKEAT: | (BIND) 60 |
| AMINDAROV: | (TIED) 299 |
| برهان قاطع : | ۲۷۸ |

**یادداشت:**

۱- چَم این واژه در لیتوانی: ولد، پدر یا مادر.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): بَع، بَع، بَع | BA, BA-BA |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | BLEAT |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *BLĒK- *BLĒKŌ, *BHLĒYŌ, *BHLĒD |

سانسکریت (SANSKRIT): BLĒ̃JIM, BLĒ̃JATI
یونانی (GREEK): BLEKHAOMAI, BLĒKHASTHAI
لاتین (LATIN): FLĒRE, BĒLĀRE
فرانسه (FRENCH): BÊLER
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
BLĀZAN
آلمانی (GERMAN): BLÖKEN
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): BLATAN
انگلیسی (ENGLISH): BLEAT
دانمارکی (DANISH): BRAGE
نروژی (NORWEGIAN): BLAKTA
هلندی (DUTCH): BLATEN
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
BLĒJU
لهستانی (POLISH): BECZEĆ
روسی (RUSSIAN): BLEYAT, BLEKATI
لتونی (لتی) (LATVIAN): BLET, BLEJU

| | |
|---|---|
| پسگشت‌ها REFERENCES | |
| POKORNY: 155 | ONIONS: (BLEAT) 99 |
| BARNHART: (BLEAT) 98 | SKEAT: (BLEAT) 63 |
| DELAMARRE: (PLEURER, BÊLER) 249 | لغت‌نامه دهخدا: ۴۸۷۷ |

یادداشت:

برخی معتقدند که این واجریشه "آوانامی" (ONOMATOPOETIC) است ولی همسانی آن در زبان‌های هند و اروپایی موجب شده که در برخی بررسی‌های واجریشه‌شناسی این واژه نیز پیگیری گردد.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): بَغ (به چَم"خدا") | BAGH |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | GOD |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *BHAGOS-, *BHAG- |

| | | | |
|---|---|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | BAGA, BAGHA | روسی (RUSSIAN): | BOG, BOGU |
| پارسی باستان (OLD RERSIAN): | BAGA, | چک (CZECH): | BŪH |
| | BAGAH | صربی (SERBIAN): | BOG |
| پهلوی (PAHLAVI): | BAK, BAGH, BAY | بوهمی (BOHEMIAN): | BŪH |
| کردی (KURDISH): | BEG | اسلواکی (SLOVAK): | BOH |
| سانسکریت (SANSKRIT): | BHAGA-, | | |
| | BHAGVAD(-GITA) | | |
| ارمنی (ARMENIAN): | BOGOTU | | |
| یونانی (GREEK): | PHAGOS | | |
| اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): | BOGŪ | | |
| لهستانی (POLISH): | BÓG | | |

| | |
|---|---|
| پسگشت‌ها | REFERENCES |
| 107 | POKORNY: |
| (GOD) 116, (LORD) 122 | MACKENZIE: |
| 1464-1465 | BUCK: |
| (LORD) 250 | AMINDAROV: |
| برهان قاطع: ۲۸۸-۲۸۹ | |

یادداشت:

۱- واژه‌ی "بغداد" (خداداد) نیز از همین واجریشه است.

۲- معنی این واژه در سانسکریت: بخشنده، خدا، تقسیم کننده.

معنی این واژه در یونانی: ارباب

۳- بازگشت به: بخش

| | |
|---|---|
| BOLAND | فارسی (PERSIAN): بلند |
| HIGH, TALL | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *BHEREGH, *BHERGHOS | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | BURZ-, BEREZ |
| پهلوی (PAHLAVI): | BŪLAND |
| کردی (KURDISH): | BILIND |
| سانسکریت (SANSKRIT): | BARHA, BRHANT |
| ارمنی (ARMENIAN): | BERJ |
| لاتین (LATIN): | FORTIS |

| بسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 140 |
| MACKENZIE: | (HIGH) 118 |
| برهان قاطع: | ۳۰۰ |

**یادداشت:**

بازگشت به: بالا، برز.

| | |
|---|---|
| BON | فارسی (PERSIAN): بن (به چَم "ته"، "بیخ درخت") |
| STEM, BASE, BOTTOM | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *BHUDH-, *BHUNDH- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | BŪNŌ |
| پهلوی (PAHLAVI): | BUN, BŪN |
| سانسکریت (SANSKRIT): | BUDHNÁ, BHUDHNO, BŪNA |
| ارمنی (ARMENIAN): | BUN |
| یونانی (GREEK): | PYTHMEN, PUTHMEN |
| لاتین (LATIN): | FUNDUS |
| فرانسه (FRENCH): | FOND |
| اسپانیایی (SPANISH): | FONDO |
| ایتالیایی (ITALIAN): | FONDO |
| رومانی (RUMANIAN): | FUND |
| ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): | BOTN, BYTNA |
| نورس کهن (OLD NORSE): | BOTN |
| ساکسونی کهن (OLD SAXON): | BODAM |
| فریزی کهن (OLD FRISIAN): | BODEM |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | BODAM |
| آلمانی (GERMAN): | BODEN |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | BOTM |
| انگلیسی (ENGLISH): | BOOTEN |
| دانمارکی (DANISH): | BUND |
| سوئدی (SWEDISH): | BOTTEN |
| هلندی (DUTCH): | BODEM |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | BUN, BOND |
| ولزی (WELSH): | BON |
| گالیک (GAELIC): | BONN, BOND |

| | | | |
|---|---|---|---|
| BUCK: | 855-856 | REFERENCES | بسگشت‌ها |
| ONIONS: | (BOTTOM) 109 | POKORNY: | 174 |
| SKEAT: | (BOTTOM) 69 | BARNHART: | (BOTTOM) 109 |
| AMINDAROV | (BOTTOM) 193 | DELAMARRE: | (LE SOL, |
| ۳۰۴ | برهان قاطع: | E FONDEMENT) 49 | |
| | | MACKENZIE: | 20,(BASE) 103 |

یادداشت:

۱- معنی این واژه در ایرلندی کهن: پاشنه‌ی پا.
معنی این واژه در ولزی: تنه‌ی درخت.
معنی این واژه در آلمانی: زمین، خاک.

۲- واژه‌های انگلیسی FUNDAMENT و FOUNDATION هم از همین واجریشه‌اند.

| | | |
|---|---|---|
| BAND | بند (به چَم "ریسمان"، "طناب"، "وسلیه‌ی بستن") | فارسی (PERSIAN): |
| BAND | | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *BHENDH-, *BHONDHOM | | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): BANDA

پارسی‌باستان (OLD PERSIAN): BAND

پهلوی (PAHLAVI): BAND

کردی (KURDISH): BERBEND, BENDIK

افغانی(پشتو) (AFGHANI): BAND

سانسکریت (SANSKRIT): BHAND, BANDHA

یونانی (GREEK): PEISMA, PÁSM

لاتین (LATIN): -FEND (DĒFENDŌ, OFFENDŌ)

فرانسه (FRENCH): BANDE

اسپانیایی (SPANISH): BAND

ایتالیایی (ITALIAN): BANDO

گوتیک (GOTHIC): BANDI

ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): BAND

فریزی کهن (OLD FRISIAN): BAND

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): BANT, BANTA

آلمانی (GERMAN): BAND

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): BEND, BINDAN

انگلیسی (ENGLISH): BAND

دانمارکی (DANISH): BAAND

سوئدی (SWEDISH): BAND

نروژی (NORWEGIAN): BAND

هلندی (DUTCH): BAND

لیتوانی (LITHUANIAN): BANDÁ

ایرلندی (IRISH): BUINNE

| پسگشت‌ها | REFERENCES | | |
|---|---|---|---|
| 127 | POKORNY: | برهان قاطع: | ۳۰۵ |
| MACKENZIE: (BAND) 17, (BOND) 105 | | (BAND) 188,15 | AMINDAROV: |

یادداشت:

۱- واژه‌ی انگلیسی BEND (انگلیسی کهن: BENDAN) نیز از همین ریشه است.

۲- بازگشت به: بستن.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): بودن، بود | BŪDAN, BŪD |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | BE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *BHEW-, *BHW- |

اوستایی (AVESTAN): BŪ-, BUITI, BAVAITI, BŪTA, BŪSHYEITI

پارسی باستان (OLD RERSIAN): BŪ-, BAVATIY

پهلوی (PAHLAVI): BŪTAN, BŪDAN

کردی (KURDISH): HEBŪN

افغانی(پشتو) (AFGHANI): YE, YĒM, YĀST

سانسکریت (SANSKRIT): BHÁVATI, BHŪ-

ارمنی (ARMENIAN): BUSANIM, BŪTÁH

یونانی (GREEK): PHYEIN, PHUEIN, EATI, EIUI

لاتین (LATIN): FUI, FIO, ESSE

فرانسه (FRENCH): FUS, ÊTRE

اسپانیایی (SPANISH): FUI, ESTAR

ایتالیایی (ITALIAN): FUI, É, ESSERE

رومانی (RUMANIAN): FI, FUI

پرتغالی (PORTUGUESE): ESTAR

گوتیک (GOTHIC): BAVAN

ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): BŪD

ER,

ساکسونی کهن (OLD SAXON): BIUM, BIOM

فریزی کهن (OLD FRISIAN): BIM

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): BIM

آلمانی (GERMAN): BIN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): BĒON, BĒOM

انگلیسی (ENGLISH): BE, BEEN

هلندی (DUTCH): BEN

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): BYTI, BYVATI

لهستانی (POLISH): BYC

روسی (RUSSIAN): BYT, BIT, BYTU

چک (CZECH): BÍN, BÝT

صربی (SERBIAN): BITI

بوهمی (BOHEMIAN): BYTI

اسلواکی (SLOVAK): BÍ, BÍN, BYT

لیتوانی (LITHUANIAN): BÚTI, BÚTU

لتونی (لتی) (LATVIAN): BŪT

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): BOUT, BŪTON

ایرلندی کهن (OLD IRISH): BUITH, BIUU

ولزی (WELSH): BOD

| | |
|---|---|
| برتونی *(BRETON)*: | **BEZA, BEZ** |
| آلبانی *(ALBANIAN)*: | **BŪJ** |

| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 146 |
| *BARNHART:* | (BE) 82-83 |
| *DELAMARRE:* | (ETRE) 255 |

| | |
|---|---|
| *MACKENZIE:* | (BE) 103 |
| *BUCK:* | 635-636 |
| *ONIONS:* | (BE) 81 |
| *SKEAT:* | (BE) 82 |
| *AMINDAROV:* | (BE) 189 |
| برهان قاطع : | ۳۱۴ |

**یادداشت:**

در اکثر زبان‌های هند و اروپایی برای صرف فعل (کارواژ) "بودن" از دو واجریشه‌ی -ES* و -ESTI* هم استفاده می‌شود (بازگشت به: هست).

| | | |
|---|---|---|
| **فارسی** *(PERSIAN)*: | **بوس، بوسه، بوسیدن** | **BŪS, BŪSÉ, BŪSIDAN** |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | | **KISS, BUSS** |
| **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN)*: | | ***BU-, *BHU-** |

| | |
|---|---|
| لاتین *(LATIN)*:(شاید) | **BASIATIO,** |
| | **BĀSIĀRE** |
| فرانسه *(FRENCH)*:(شاید) | **BAISER** |
| اسپانیایی *(SPANISH)*:(شاید) | **BUZ, BESO** |
| ایتالیایی *(ITALIAN)*:(شاید) | **BACIO,** |
| | **BACIARE** |
| رومانی *(RUMANIAN)*:(شاید) | **BUZĀ** |
| پرتغالی *(PORTUGUESE)*:(شاید) | **BEIJO,** |
| | **BEIJAR** |
| آلمانی *(GERMAN)*: | **BUSS, BUSSEN** |
| انگلیسی *(ENGLISH)*: | **BUSS** |
| سوئدی *(SWEDISH)*: | **PUSS** |
| لهستانی *(POLISH)*: | **BUZIA** |
| لیتوانی *(LITHUANIAN)*: | **BUCHIUOTI,** |
| | **BUCH** |
| لتونی (لتی) *(LATVIAN)*: | **BUCHUOT** |
| ایرلندی میانه *(MIDDLE IRISH)*: | **BUS,** |
| | **BUSÓC** |
| ولزی *(WELSH)*: | **BUS** |
| گالیک *(GAELIC)*: | **BUS** |
| آلبانی *(ALBANIAN)*: | **BUZË** |

| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 103 |
| *BUCK:* | 1113-1115 |
| *ONIONS:* | (BUSS) 130 |
| *SKEAT:* | (BUSS) 82 |
| برهان قاطع : | ۳۱۷ |

**یادداشت:**

چم این واژه در زبان‌های رومانی و ولزی: لب، لب و لوچه.

| | |
|---|---|
| BŪF, BŪM | فارسی (PERSIAN): بوف، بوم (به چَم "جغد") |
| OWL | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *ULŪKOS, *BH(E)U- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

| | |
|---|---|
| پهلوی (PAHLAVI): | BUF, BUFG, BUG |
| سانسکریت (SANSKRIT): | ULŪKA |
| ارمنی (ARMENIAN): | BU, BUÉCH |
| یونانی (GREEK): | BUĀS, BŪZA |
| لاتین (LATIN): | BŪBŌ, ULUCUS |
| فرانسه (FRENCH): | HIBOU |
| اسپانیایی (SPANISH): | BŪHO |
| ایتالیایی (ITALIAN): | GUFO |
| ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): | UGLA |
| نورس کهن (OLD NORSE): | UGLA |
| ساکسونی کهن (OLD SAXON): | HŪC |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | ŪWILA, ŪLA |
| آلمانی (GERMAN): | EULE |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | ŪLE |
| انگلیسی (ENGLISH): | OWL |
| دانمارکی (DANISH): | UGLE |
| سوئدی (SWEDISH): | UGLA |
| نروژی (NORWEGIAN): | UGLE |
| هلندی (DUTCH): | UIL |
| اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): | BUK- |
| لهستانی (POLISH): | BAKAC |
| بلغاری (BULGARIAN): | BUH |
| صربی (SERBIAN): | BÚHNUTI |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | HULULER, BAUBLIS |
| لتونی (لتی) (LATVIAN): | BŪKSHKĒT |

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 97-98 | POKORNY: |
| (OWL) 793 | BARNHART: |
| (HIBOU) 141 | DELAMARRE: |
| (OWL) 126 | MACKENZIE: |
| (OWL) 638 | ONIONS: |
| (OWL) 420 | SKEAT: |
| B(E)U- | MALLORY & ADAMS: |
| برهان قاطع: | ۳۱۹ |

یادداشت:

۱- ریشه‌ی این واژه در هیچکدام از مراجع فارسی در دسترس من پیگیری نشده است.

۲- برخی از واجریشه شناسان اصل این واژه را گونه‌ای "نام آوا" (ONOMATOPOEIA) می‌دانند، یعنی این واژه به تقلید از آوای جغد به وجود آمده است. در هر حال، برداشت زبان‌های هند و اروپایی از این آوا ویژه‌ی آنهاست و با واژه‌های موجود در زبان‌های غیرهند و اروپایی فرق دارد.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* بوم (به چَم "سرزمین"، "زمینه") | BŪM |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | LAND, COUNTRY |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | *BHŪ-, *BHEU-, *BHOU- |

| | |
|---|---|
| اوستایی *(AVESTAN):* | BŪMI |
| پارسی باستان *(OLD RERSIAN):* | BŪMĪ- |
| پهلوی *(PAHLAVI):* | BŪM |
| سانسکریت *(SANSKRIT):* | BHŪ-, BHŪMI-, BHUMAN |
| ارمنی *(ARMENIAN):* | BOIS, BUSOY |

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 147 |
| MACKENZIE: | 20,(LAND) 121 |
| | (CONTRY) 108 |
| BUCK: | 15-17 |
| برهان قاطع: | ۳۲۰ |

**یادداشت:**

معنی این واژه در سانسکریت: زمین، جهان.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* بوییدن، بو | BŪIDAN, BŪ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | SMELL |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | *BHU- |

| | |
|---|---|
| اوستایی *(AVESTAN):* | BUD-, BAOTHI-, BAODHA, BAODHI, BAOITHI |
| پهلوی *(PAHLAVI):* | BŌYIDAN, BŌY, BŌDH |
| کردی *(KURDISH):* | BIHNI, BON, BONKIRDIN |
| افغانی(پشتو) *(AFGHANI):* | BUY |
| سانسکریت *(SANSKRIT):* | BUDH- |
| ارمنی *(ARMENIAN):* | BOI |
| یونانی *(GREEK):* | PYSTIS |
| لیتوانی *(LITHUANIAN):* | BUNDRÚS, BUNDÚ |
| لتونی (لتی) *(LATVIAN):* | BAUMA, BAŪME |
| ایرلندی کهن *(OLD IRISH):* | BUIDE |

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 150-151 |
| MACKENZIE: | (SMELL) 133 |
| BUCK: | 1022-25 |
| برهان قاطع: | ۳۱۱ |

**یادداشت:**

۱- معنی این واژه در سانسکریت و یونانی: بو بردن، آگاه شدن، بررسی کردن

۲- به احتمال زیاد این واجریشه با واجریشه‌ی -BHEUDH* (به چَم "بیدار شدن" و "آگاه شدن") خویشی نزدیک دارد (بازگشت به: ONIONS: 93, SKEAT: 59, BARNHART: 92).

| | |
|---|---|
| **BEH** | **فارسی** *(PERSIAN):* **به-(مثلاً در"بهتر" یا"روزبه")** |
| **BENE- (AS IN BENEFACTOR)** | **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** |
| ***BHAD̄-** | **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN):* |

اوستایی *(AVESTAN):* **VATHU-, VOHU, VAHYA, VANGHA**

پارسی باستان *(OLD RERSIAN):* **VAHYAH, VAHU**

پهلوی *(PAHLAVI):* **VEH, BĒH, WEH**

کردی *(KURDISH):* **BI-, BI(JARE)**

افغانی(پشتو) *(AFGHANI):* **BEH-, BEH(TAR)**

تخاری A *(TOKHARIAN A):* **WSE**

تخاری B *(TOKHARIAN B):* **YASI, WESŪ**

سانسکریت *(SANSKRIT):* **VĀSU, VASĪYĀN**

یونانی *(GREEK):*(شاید) **FUROS**

لاتین *(LATIN):*(شاید) **BENE-, BONUS**

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):* **VESELU**

چک *(CZECH):* **VESELÝ**

لتونی (لتی) *(LATVIAN):* **VESELS**

ایرلندی کهن *(OLD IRISH):* **FŌ, FEB**

| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 106 |
| *BARNHART:* | (BENEFACTOR) 88 |
| *DELAMARRE:* | (BON, BIEN) 237 |
| *MACKENZIE:* | (BETTER) 104 |
| *AMINDAROV:* | (BETTER) 191 |
| برهان قاطع: | ۳۲۳ |

**یادداشت:**

۱- بازگشت به: بهتر

۲- بازگشت به: هو

| | |
|---|---|
| **BAHĀR** | **فارسی** *(PERSIAN):* **بهار** |
| **SPRING (TIME)** | **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** |
| ***VES-** | **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN):* |

اوستایی *(AVESTAN):* **VANRI, VĀHAR, VAHRI, VASRI**

پارسی باستان *(OLD RERSIAN):* **VAHĀRA-**

پهلوی *(PAHLAVI):* **WAHAR, VAHĀR**

کردی *(KURDISH):* **BIHAR**

سانسکریت *(SANSKRIT):* **VĀSAR, VASAN, VASANTÁS**

ارمنی *(ARMENIAN):* **GARUN, GARNAN**

یونانی *(GREEK):* **ÉAR, EATH**

لاتین *(LATIN):* **VĒR, VĒRIS**

فرانسه کهن *(OLD FRENCH):* **PRIMEVOIRE**

اسپانیایی *(SPANISH):* **PRIMAVERA**

ایتالیایی *(ITALIAN):* **PRIMAVERA**

رومانی (RUMANIAN): PRIMAVĀRA
نورس کهن (OLD NORSE): VĀR
دانمارکی (DANISH): VAAR
سوئدی (SWEDISH): VĀR
نروژی (NORWEGIAN): VĀR
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
VESNA
لهستانی (POLISH): WIOSNA, WIOSENNY
روسی (RUSSIAN): VESÉNNIJ
بوهمی (BOHEMIAN): VESNA
لیتوانی (LITHUANIAN): VĀSARA
لتونی (لتی) (LATVIAN): VASARÁ,

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 1174 |
| DELAMARRE: | (PRINTEMPS) 196 |
| MACKENZIE: | (SPRING) 134 |
| BUCK: | 1013-1016 |
| AMINDAROV | 291 |
| ۳۲۳ | برهان قاطع : |

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های لیتوانی و لتونی: تابستان.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): بهتر | BAHTAR |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | BEHTAR |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *BHAD- |

اوستایی (AVESTAN): HUBATHRA
پهلوی (PAHLAVI): WEH, VEH
کردی (KURDISH): BIJARE
بلوچی (BALUCHI): BETAR
افغانی(پشتو) (AFGHANI): BEHTAR
گوتیک (GOTHIC):(شاید) BATIZA
ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN):(شاید)
BETRI, BETR
نورس کهن (OLD NORSE):(شاید) BETRI
ساکسونی کهن (OLD SAXON):(شاید)BETIRO
فریزی کهن (OLD FRISIAN):(شاید)
BETERA, BET
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):(شاید)
BEZZIRO, BAL
آلمانی (GERMAN):(شاید) BESSER
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):(شاید)
BETERA,BET,
انگلیسی (ENGLISH):(شاید) BETTER
دانمارکی (DANISH):(شاید) BEDR
سوئدی (SWEDISH):(شاید) BÄTTRE
هلندی (DUTCH):(شاید) BETER

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 1175 |
| BARNHART: | (BETTER) 91 |
| DELAMARRE: | (BON, BIEN) 237 |
| MACKENZIE: | (BETTER) 104 |
| ONIONS: | (BETTER) 91 |
| SKEAT: | (BETTER) 58 |
| ۵۱۰۸ | لغت‌نامه دهخدا: |

یادداشت:

۱- بازگشت به: به-.

۲- ONIONS, SKEAT, BARNHART فقط ریشه‌های ژرمنی این واژه را پیگیری می‌کنند.

| | |
|---|---|
| BAHR | فارسی (PERSIAN): بهر (به چَم "سهم"، "قسمت" و "حصه") |
| PORTION, PART | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *BHAG-, *BHAGOS | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): BAG-, BHAGA

BAXEDHRA

پارسی باستان (OLD RERSIAN): BAXTRA

پهلوی (PAHLAVI): BAHR, BAHRAG

کردی (KURDISH): BEHR

تخاری A (TOKHARIAN A): PĀK

تخاری B (TOKHARIAN B): PĀKE

سانسکریت (SANSKRIT): BHĀGA-,

BHAJ, BHAJATI, BHADRÁ, BHAGYA

ارمنی (ARMENIAN): BOGATU

یونانی (GREEK): PHAGOS

bagos

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

BOGU

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 107 |
| DELAMARRE: | 71 |
| MACKENZIE: | (PART) 126 |
| BUCK: | 1097 |
| AMINDAROV: | (PART) 265 |
| ۳۲۴ | برهان قاطع: |

یادداشت:

واژه‌های "برخ" و "برخه" و "بخش" نیز از همین ریشه‌اند.

| | |
|---|---|
| BI | فارسی (PERSIAN): بی (به چَم "بدون") |
| WITHOUT | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *BHE-, *BHEGHIS | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

پهلوی (PAHLAVI): BĒ, ABĒ, BĒAS

سانسکریت (SANSKRIT): BAHIS

یونانی (GREEK): BÉ

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

BĒZ

لیتوانی (LITHUANIAN): BĒ

لتونی (لتی) (LATVIAN): BEZ

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 112-113 |
| DELAMARRE: | (SANS) 299 |
| MACKENZIE: | (WITHOUT) 140 |
| ۳۳۰ | برهان قاطع: |

bota

| | |
|---|---|
| BĒD, BID | فارسی *(PERSIAN)*: **بید** |
| WILLOW | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *WEGH-, *WET- | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN)*: |

| | |
|---|---|
| اوستایی *(AVESTAN)*: | VAĒITY |
| پهلوی *(PAHLAVI)*: | WĒD, VĒT |
| کردی *(KURDISH)*: | BI |
| سانسکریت *(SANSKRIT)*: | VĒTÁ, VĒTASÁ-, VITÁ, VEĒTRA |
| یونانی *(GREEK)*: | ITÉA |
| لاتین *(LATIN)*: | VITIS |
| ایسلندی‌کهن *(OLD SCANDINAVIAN)*: | VIDIR |
| ساکسونی کهن *(OLD SAXON)*: | WILGIA |
| فریزی کهن *(OLD FRISIAN)*: | WILIG |
| آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN)*: | WĪDA |
| آلمانی *(GERMAN)*: | WEIDE |
| انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH)*: | WĪDIG, WIDE, WELIG |
| انگلیسی *(ENGLISH)*: | WILLOW |
| نروژی *(NORWEGIAN)*:(محلی) | VEID |
| هلندی *(DUTCH)*: | WILG |
| اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC)*: | VĒTVA |
| روسی *(RUSSIAN)*: | VÉTVINA |
| چک *(CZECH)*: | VĒTEV |
| اسلواکی *(SLOVAK)*: | VETVA |
| لیتوانی *(LITHUANIAN)*: | VÝTI, VYTÌS |
| لتونی (لتی) *(LATVIAN)*: | VĪTUOLS |
| پروسی کهن *(OLD PRUSSIAN)*: | WITWAN, WITAN |
| ایرلندی کهن *(OLD IRISH)*: | FEITH |
| ولزی *(WELSH)*: | GWDEN |

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 1122 |
| *BARNHART:* | (WILLOW) 1237 |
| *DELAMARRE:* | (SAULE) 172 |
| *MACKENZIE:* | (WILLOW) 140 |
| *ONIONS:* | (WILLOW) 1007 |
| *SKEAT:* | (WILLOW) 716 |
| ۳۳۲ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

۱- چَم این واژه در زبان‌های لاتین و ایرلندی کهن و ولزی: درخت انگور، تاک.

چم این واژه در زبان اسلاوی: شاخه

۲- DELAMARRE, SKEAT, BARNHART ریشه‌ی واژه‌های ژرمنی این واژه را از واجریشه‌ی هند و اروپایی WEL-* یا WELIKA* می‌دانند ولی POKORNY ضمن بحث در مورد واجریشه‌ی WELIKA* (صفحه‌ی 1140) ذکری از واژه‌های ژرمنی این فهرست نمی‌کند و آنها را وابسته به واجریشه‌ی WET* می‌داند (صفحه‌ی 1122).

(butar)

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): بیدار | BĒDĀR |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | AWAKE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):(شاید) | *BHEUDH-, *BHU-, *BHEDH- |

اوستایی (AVESTAN): BAOTHA

پهلوی (PAHLAVI): BĪRĀD, VIGRAD

سانسکریت (SANSKRIT): BODHI, BUDH, BODHAR, BODHATI, BAODHAITI

یونانی (GREEK): PEUTHOMAI, PEUTHESTHAI

لاتین (LATIN): FIDED

گوتیک (GOTHIC): BIUDAN, BIDJAN

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): BIOTHJA

نورس کهن (OLD NORSE): BIDHJA

ساکسونی کهن (OLD SAXON): BIODAN

فریزی کهن (OLD FRISIAN): BIDDA, BIADA

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): BIOTAN, BITTEN

آلمانی (GERMAN): BITTEN, BIETEN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): BĒODAN, BIDAN

انگلیسی (ENGLISH): BID

دانمارکی (DANISH): BEDE

سوئدی (SWEDISH): BEDJA

هلندی (DUTCH): BIDDED

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): BUDITI

روسی (RUSSIAN): BUZHŪ, BUDITU

لیتوانی (LITHUANIAN): BUNDU

ایرلندی کهن (OLD IRISH): BUIDE

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 114,150 |
| BARNHART: | (BID) 92 |
| MACKENZIE: | (WIGRAD) 103 |
| ONIONS: | (BID) 93 |
| SKEAT: | (BHEUDH) 752, (BID) 59 |
| ۶۲۱ | فرهنگ معین: |
| ۵۱۶۳ | لغت‌نامه دهخدا: |

**یادداشت:**

۱- پیگیری واجریشه‌ها و واژه‌های فهرست فوق احتمالی است و واژه‌ی "شاید" که در صدر فهرست بکار رفته باید شامل همه‌ی واژه‌های فهرست(به جز پهلوی) گردد.

۲- BARNHART واجریشه‌های BHEDH*, BHEUDH* را به طور توام داده است ولی POKORNY و دیگران آنها را جداگانه داده‌اند.

| | |
|---|---|
| BIST | فارسی (PERSIAN): بیست |
| TWENTY | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *WĪKMATĪ, *WIKMTI | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

| | | | |
|---|---|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | VISAITI | آلمانی (GERMAN): | ZWANZIG |
| پهلوی (PAHLAVI): | WIST, VIST | انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | TWENTIG |
| اوستی (OSSETIC): | INSÄI | انگلیسی (ENGLISH): | TWENTY |
| کردی (KURDISH): | BIST | دانمارکی (DANISH): | TYVE |
| تخاری A (TOKHARIAN A): | WIKI | نروژی (NORWEGIAN): | TJUE, TYVENDE |
| تخاری B (TOKHARIAN B): | IKE | هلندی (DUTCH): | TWINTIG |
| سانسکریت (SANSKRIT): | VIMŚATÍ | لهستانی (POLISH): | DWADZIESCIA |
| ارمنی (ARMENIAN): | KSAN | چک (CZECH): | DVACET |
| یونانی (GREEK): | DECAS, EÍCHOSI | اسلواکی (SLOVAK): | DVADSAT |
| لاتین (LATIN): | VIGNITI, VI-GINTI | ایرلندی کهن (OLD IRISH): | FICHE, FICHET |
| فرانسه (FRENCH): | VINGT | | |
| اسپانیایی (SPANISH): | VEINTE | ولزی (WELSH): | UCIENT |
| ایتالیایی (ITALIAN): | VENTI | | |
| رومانی (RUMANIAN): | DOUĀZECI | | |
| پرتغالی (PORTUGUESE): | VINTE | | |
| گوتیک (GOTHIC): | TIGJUS, TWAITIGJUS | | |
| ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): | TUTTUGU | | |
| ساکسونی کهن (OLD SAXON): | TWĒNTIG | | |
| فریزی کهن (OLD FRISIAN): | TWINTICH | | |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | ZUEINZUC | | |

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 1177 |
| BARNHART: | (TWENTY) 1178 |
| DELAMARRE: | (VINGT) 215 |
| MACKENZIE: | (TWENTY) 137 |
| ONIONS: | (TWENTY) 951 |
| SKEAT: | (TWENTY) 674 |
| AMINDAROV: | (TWENTY) 302 |
| TRAUPMAN: | (TWENTY) 677 |
| ۳۳۶ | برهان قاطع: |

| | |
|---|---|
| BĒSH | فارسی (PERSIAN): بیش (به چَم "گیاهی زهرین"، "زهر") |
| POISONOUS PLANT, POISON | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| * WEIS-, *WISO- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

| | | | |
|---|---|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | VISHA, VISH- | پهلوی (PAHLAVI): | BĒSH, WISH |

سانسکریت (SANSKRIT): VISA, VIS-

ارمنی (ARMENIAN): GESH

یونانی (GREEK): ĪOS

لاتین (LATIN): VĪRUS

ایرلندی میانه (MIDDLE IRISH): FĪ

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 1137 |
| MACKENZIE: | (POISON) 127 |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۵۲۲۵ |
| برهان قاطع: | ۳۳۸ |
| فرهنگ معین: | ۶۲۷ |

یادداشت:

چم این واژه در زبان ارمنی: لاش، جسد.

(bāk)

| | |
|---|---|
| BĒM | فارسی (PERSIAN): بیم (به چَم "ترس"، "باک") |
| FEAR | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *BHI-, *BHEI-, *BHEYŌ- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): BYAH-, BAYENTE, BYENTE, BIWIVA

پارسی باستان (OLD PERSSIAN): BIĀTWEI

پهلوی (PAHLAVI): BĪM, BIMGĒN, BĒSĀND

سانسکریت (SANSKRIT): BHI-, BHITI-, BHAYA-, BHIMA, BIBHÉTI, BHAYÁTE

یونانی (GREEK): (شاید) PIGOS, PIGON

لاتین (LATIN): (شاید) FOEDUS

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): BIFA, BIFRA

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): BIBĒN, BIBET

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): BEOFIAN

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): BĒDSE, BOJANI BAJATI, BOJETU

لهستانی (POLISH): BOJAZN

روسی (RUSSIAN): BOJAZN

صربی (SERBIAN): BOJAZAN

برهمی (BOHEMIAN): BÁZEN

لیتوانی (LITHUANIAN): BAIMÉ, BAILÉ, BIJOTI, BIJOS

لتونی (لتی) (LATVIAN): BAILES, BITIĒS BIJUOS, BISTUOS

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 161 |
| DELAMARRE: | (CRAINDRE) 247 |
| MACKENZIE: | (BIM) 18 |
| BUCK: | 1153 |
| برهان قاطع: | ۳۴۰ |

یادداشت:

بازگشت به: باک

(burni)

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): بینی | **BĒNĒ** |
| چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **NOSE** |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | ***NAS-, *NĀS-, *NES-** |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | **VAĒNĀ, NĀH-** |
| پارسی باستان (OLD PERSSIAN): | **NĀHAM** |
| پهلوی (PAHLAVI): | **WĒNĪG** |
| کردی (KURDISH): | **BIHNI** |
| سغدی (SOGHDIAN): | **NS, NOS** |
| سانسکریت (SANSKRIT): | **NĀSĀ, NĀS-** |
| یونانی (GREEK):(شاید) | **BHĪNÓS** |
| لاتین (LATIN): | **NASŪS, NĀRIS** |
| فرانسه (FRENCH): | **NEZ** |
| اسپانیایی (SPANISH): | **NARIZ** |
| ایتالیایی (ITALIAN): | **NASO** |
| رومانی (RUMANIAN): | **NAS** |
| پرتغالی (PORTUGUESE): | **NARIZ** |
| ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): | **NOS** |
| نورس کهن (OLD NORSE): | **NASAR** |
| فریزی کهن (OLD FRISIAN): | **NOSE, NŌSI** |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | **NASA** |
| آلمانی (GERMAN): | **NASE** |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | **NOSU, NASU** |
| انگلیسی (ENGLISH): | **NOSE** |
| دانمارکی (DANISH): | **NAZE** |
| سوئدی (SWEDISH): | **NĀSA** |
| نروژی (NORWEGIAN): | **NŌS** |
| هلندی (DUTCH): | **NEUS** |
| اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): | **NOSŪ, NĀS-** |
| لهستانی (POLISH): | **NOS** |
| روسی (RUSSIAN): | **NOS** |
| چک (CZECH): | **NOS** |
| صربی (SERNIAN): | **NOS** |
| بوهمی (BOHEMIAN): | **NOS** |
| اسلواکی (SLOVAK): | **NOS** |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | **NŌSIS** |
| پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): | **NOZY** |

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 755 |
| *BARNHART:* | (NOSE) 710 |
| *DELAMARRE:* | (NEZ) 104 |
| *MACKENZIE:* | (NOSE) 125 |
| *BUCK:* | 227 |
| *ONIONS:* | (NOSE) 615 |
| *SKEAT:* | (NOSE) 403 |
| *AMINDAROV:* | (NOSE) 260 |
| برهان قاطع: | ۳۴۱ و ۲۱۳۶-۲۱۳۵ |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۵۲۹۳ |

(۱۴۷)

| | |
|---|---|
| BAYŪGANI, VAYŪGANI | فارسی (PERSIAN): بیوگانی، ویوگانی (به چَم "عروسی") |
| WEDDING, MARRIAGE | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *WADH-, *WEDHŌ- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):(شاید) |

اوستایی (AVESTAN): VADHUPA

پهلوی (PAHLAVI): VAYŌDAGĀN

کردی (KURDISH): BŪK

افغانی(پشتو) (AFGHANI): WĀDĒ

سانسکریت (SANSKRIT): VADHŪS, VAH- VĀDHAYEITI

لاتین (LATIN):(شاید) VAS, VADIS

گوتیک (GOTHIC):(شاید) WADI, GAWADJON

ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN):(شاید) VEDJA, VEDH

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):(شاید) WETTI, WETTON

آلمانی (GERMAN):(شاید) WETTE, WETTEN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):(شاید) WED

انگلیسی (ENGLISH):(شاید) WED, WEDDING

سوئدی (SWEDISH):(شاید) VAD

هلندی (DUTCH):(شاید) VEDDE, WEDDEN

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):(شاید) VEDQ

روسی (RUSSIAN):(شاید) VESTI

لیتوانی (LITHUANIAN):(شاید) VADAS, VEDU, VĀDŪOTI

لتونی(لتی) (LATVIAN):(شاید) VAUŌT

ایرلندی کهن (OLD IRISH):(شاید) FEDID

هتیت (HITTIE):(شاید) UWATE

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 1109 |
| BARNHART: | (WED) 1225 |
| DELAMARRE: | 291 |
| MACKENZIE: | 89, (MARRIAGE) 123 |
| (BUCK): | 101-102 |
| ONIONS: | (WED) 997 |
| SKEAT: | (WED) 705 |
| AMINDAROV: | (BRIDE) 197 |
| برهان قاطع: | ۳۴۲ و ۲۳۰۲ |

یادداشت:

۱- به جز واژه‌های هند و ایرانی، بقیه‌ی واژه‌های این فهرست محتمل هستند و به همین دلیل جلو آنها (شاید) آمده است.

۲- واژه‌های فارسی "یوگ" و "بیوگ" و "بیو" و بهمچنین واژه‌ی کردی BŪK با واژه‌های هند و ایرانی فهرست فوق خویشی نزدیک دارند.

| | |
|---|---|
| BĒVÉ | فارسی (PERSIAN): بیوه |
| WIDOW | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *WIDHÉWĀ, *WIDHOWĀ | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | VITHAVA, VIDHAVA |
| پهلوی (PAHLAVI): | WĒWAG, VĒVAG |
| کردی (KURDISH): | BĒWE, BĒWEJIN |
| سانسکریت (SANSKRIT): | VIDHÁVĀ |
| یونانی (GREEK): | ĒITHEOS |
| لاتین (LATIN): | VIDVA, VIDVUS |
| فرانسه (FRENCH): | VEUVE |
| اسپانیایی (SPANISH): | VIUDA |
| ایتالیایی (ITALIAN): | VEDOVA |
| رومانی (RUMANIAN): | VADUVĀ |
| پرتغالی (PORTUGUESE): | VIUVA |
| گوتیک (GOTHIC): | WIDUWŌ |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | WITUWA |
| آلمانی (GERMAN): | WITWE |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | WIDEWE |
| انگلیسی (ENGLISH): | WIDOW |
| هلندی (DUTCH): | WEDUWE, WEEUW |
| اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): | VIDOVA |
| لهستانی (POLISH): | WDOVA |
| روسی (RUSSIAN): | VDOVA |
| چک (CZECH): | VDOVA |
| صربی (SERBIAN): | VDOVA |
| بوهمی (BOHEMIAN): | VDOVA |
| اسلواکی (SLOVAK): | VDOVA |
| پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): | WIDDEWŪ |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | FEDB |
| ولزی (WELSH): | GWEDDW |

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 1127-1128 |
| BARNHART: | (WIDOW) 1235 |
| DELAMARRE: | (VEUVE) 43 |
| MACKENZIE: | (WIDOW) 140 |
| BUCK: | 131 |
| ONIONS: | (WIDOW) 1006 |
| SKEAT: | (WIDOW) 7/5 |
| برهان قاطع: | ۳۴۳ |

| | |
|---|---|
| PĀ | فارسی (PERSIAN): پا |
| FOOT | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *PED-, *PĒD-, *POD-, *PŌD-, *PŌT- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | PĀDHA |
| پارسی‌باستان (OLD PERSIAN): | PĀD |
| پهلوی (PAHLAVI): | PAY, PĀY, PĀD |
| اوستی (OSSETIC): | FAD |
| کردی (KURDISH): | PAI, PĒ |
| افغانی (پشتو) (AFGHANI): | PSHA |
| تخاری A (TOKHARIAN A): | PE, PEM |
| تخاری B (TOKHARIAN B): | PAI, PAINE |
| سانسکریت (SANSKRIT): | PĀT, PADÁS, PAP |

| | |
|---|---|
| ارمنی *(ARMENIAN):* | **OTN** |
| یونانی *(GREEK):* | **POÚS, PODÓS** |
| لاتین *(LATIN):* | **PĒS, PEDIS** |
| فرانسه *(FRENCH):* | **PIED** |
| اسپانیایی *(SPANISH):* | **PIE** |
| ایتالیایی *(ITALIAN):* | **PIEDE** |
| رومانی *(RUMANIAN):* | **PICIOR** |
| پرتغالی *(PORTUGUESE):* | **PÉ** |
| گوتیک *(GOTHIC):* | **FŌTUS** |
| ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):* | **FŌTR** |
| نورس کهن *(OLD NORSE):* | **FŌTR** |
| ساکسونی کهن *(OLD SAXON):* | **FUOT, TŌT** |
| فریزی کهن *(OLD FRISIAN):* | **FŌT** |
| آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):* | **FUOZ** |
| آلمانی *(GERMAN):* | **FUSS** |
| انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* | **FŌT** |
| انگلیسی *(ENGLISH):* | **FOOT** |
| دانمارکی *(DANISH):* | **FOD** |
| سوئدی *(SWEDISH):* | **FOT** |
| نروژی *(NORWEGEAN):* | **FOT** |
| هلندی *(DUTCH):* | **VOET** |
| اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):* | **PEȘHĪ** |
| لیتوانی *(LITHUANIAN):* | **PEDĀ** |
| لتونی (لتی) *(LATVIAN):* | **PĒDA** |
| ایرلندی کهن *(OLD ÌRISH):* | **ÍS** |
| آلبانی *(ALBANIAN):* | **POSH** |
| هتیت *(HITTITE):* | **PATA, PADAN** |

| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 790 |
| *BARNHART:* | (FOOT) 398 |
| *DELAMARRE:* | (PIED) 107 |
| *MACKENZIE:* | (FOOT) 115 |
| *BUCK:* | 243-244 |
| *ONIONS:* | (FOOT) 368 |
| *SKEAT:* | (FOOT) 220 |
| برهان قاطع: | ۳۴۴ |

**یادداشت:**

معنی این واژه در زبان‌های لیتوانی و لتونی: جای پا، ردّ پا.

معنی این واژه در زبان‌های ایرلندی کهن: زیر، تخت.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* پاد، پَد (به چم "مخالف"، "ضد" مثلاً در واژه‌ی "پادزهر") | **PĀD, PAD** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **ANTI-** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | ***PRETI-, *PROTI-, *POTI-** |

| | |
|---|---|
| اوستایی *(AVESTAN):* | **PAITI-** |
| پارسی باستان *(OLD PERSIAN):* | **PATIY** |
| پهلوی *(PAHLAVI):* | **PAT, PT̄, PĀD-** |
| سانسکریت *(SANSKRIT):* | **PRÁTI** |
| یونانی *(GREEK):* | **POTI, PROTI** |
| لیتوانی *(LITHUANIAN):* | **PRETI** |

| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 842 |
| *DELAMARRE:* | (CONTRE) 301 |
| *MACKENZIE:* | (ANTIDOTE) 102 |
| فرهنگ معین: | ۰۶۴۷ (پادزهر) ۶۴۸ |
| لغت نامه دهخدا: | ۵۳۲۹ |

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* پاد-،پات. (مثلاً در "پادشاه") | **PĀD** |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | **POWER** |
| **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN):* | *** PATĀ** |

اوستایی *(AVESTAN):* **PATHNI-, PAITI-**

پارسی باستان: *(OLD PERSIAN):*

**PADIXSHAYA-, PATI-**

پهلوی *(PAHLAVI):* **PĀD- , PĀDIXSHĀY**

اوستی *(OSSETIC):* **PATCAX**

تخاری A *(TOKHARIAN A):* **PATS**

سانسکریت *(SANSKRIT):*

**PĀTIS, PATNI, PATI-**

یونانی *(GREEK):* **POSIS**

لاتین *(LATIN):* **POTIS, POTE, POTENS**

فرانسه *(FRENCH):* **POUVOIR, PUISSANT**

اسپانیایی *(SPANISH):* **POTENTE, PODER**

ایتالیایی *(ITALIAN):* **POTENTE, POTERE**

رومانی *(RUMANIAN):*

**PUTERE, PUTERNIC**

گوتیک *(GOTHIC):* **-FATHS**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):*

(از فرانسه کهن) **POĒR, POUAIR**

انگلیسی *(ENGLISH):* **POWER**

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):*

**GOSPADE**

لیتوانی *(LITHUANIAN)* **PATĪ, PĀTS**

لتونی (لتی) *(LATVIAN):* **PATS, PATI**

پروسی کهن *(OLD PRUSSIAN):* **PATTIN-**

هتیت *(HITTITE):* **-PAT**

| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 842 |
| *MACKENZIE:* | 63, (RULER) 131 |
| *BUCK:* | 295-298 |
| *SKEAT:* | (POWER) 469 |
| ۳۴۸ | برهان قاطع: |

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* پار، پارسال، پارین (به چم "سال گذشته") | **PĀR, PĀRSĀL, PĀRIN** |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | **LAST YEAR** |
| **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN):* | ***PERUT-, *PERUTI-** |

اوستایی *(AVESTAN):* **PAURVA**

پارسی بوستان *(BLD PERSIAN):* **PARUVA**

اوستی *(OSSETIC):* **FARĀ, FARON**

کردی *(KURDISH):* **PĀR**

افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* **PARŌS**

ارمنی *(ARMENIAN):* **HERU**

یونانی *(GREEK):* **PÉRUS, PERUTI**

ایسلندی‌کهن *(OLD SCANDINAVIAN):*

**FJÓRDH**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):* **VERT**

لیتوانی *(LITHUANIAN):* **PÉRNAI**

ایرلندی کهن *(OLD IRISH):* **ONN-URID**

| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
|---|---|
| *DELAMARRE:* | |
| (L'AN DERNIER) 298 | |
| ۳۴۹ | برهان قاطع: |
| ۵۳۵۲ و ۵۳۳۸ - ۵۳۳۷ | لغت‌نامه دهخدا: |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): پارس، پلنگ | PRS, PALANG |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | PANTHER, LEOPARD |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *PERD, *PERKS |

| | |
|---|---|
| پهلوی (PAHLAVI): | PALANG |
| کردی (KURDISH): | PILINK |
| افغانی (پشتو) (AFGHANI): | PRANG |
| سانسکریت (SANSKRIT): | PRDAKU |
| یونانی (GREEK): | PARDOS |
| لاتین (LATIN): | PARDUS |
| فرانسه (FRENCH): | PARDE |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | PERDE |
| انگلیسی: (ENGLISH): | PARD |
| هتیت (HITTITE): | PARSNA, PARSANA |
| سغدی (SOGADIAN): | PWRONK |

| بسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| BARNHART: | (PARD) 757, (LEOPARD) 589 |
| MACKENZIE: | (LEOPARD) 121 |
| ONIONS: | (PARD) 651, (LEOPARD) 523 |
| SKEAT: | (PARD) 429, (LEOPARD) 337 |
| MALLORY & ADAMS: | PERD |
| برهان قاطع: | ۳۵۰ و ۴۱۶ |

**یادداشت:**

۱- بیشتر واجریشه شناسان معتقدند که این واژه از زبان‌های هند و ایرانی به یونانی و سپس به لاتین و غیره رفته است.

۲- در اکثر زبان‌های اروپایی واژه‌های PARD جای خود را به (LION + PARD) LEOPARD داده است.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): پاره (به چم "بخش"، "قطعه") | PARÉ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | PART, PORTION, PIECE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *PER-, *PER∂-, *PR-TIS |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | PĀRA, PAR- |
| پهلوی (PAHLAVI): | PĀRAK, PĀRAG |
| بلوچی (BALUCHI): | PARĪ |
| افغانی (پشتو) (AFGHANI): | PARAY |
| سانسکریت (SANSKRIT): | PŪRTÁ-, PURTI-, PURTIS |
| یونانی (GREEK): | PERÁSŌ, EPERASA |
| لاتین (LATIN): | PARS, PARTIS, PORTIŌ |
| فرانسه (FRENCH): | PART, PARTIE, PARTIR |
| اسپانیایی (SPANISH): | PARTE, PARTIR |
| ایتالیایی (ITALIAN): | PARTE, PARTIRE |
| رومانی (RUMANIAN): | PARTE |
| پرتغالی (PORTUGUESE): | PARTE, PARTIR |
| انگلیسی (ENGLISH): (از فرانسه) | PART |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | PERKÙ, PIRKTI |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | RANN |
| ولزی (WELSH): | PHAN |
| برتونی (BRETON): | RANNOU |
| هتیت (HITTITE): | PARSH-, PARSIYA |

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: 817 | BUCK: (PART)933-934 |
| BARNHART: (PART) 759, (PROPORTION) 850 | ONIONS: (PART) 653-654, (PORTION) 698 |
| DELAMARRE: (PART, SALAIRE) 203 | SKEAT: (PART) 431 |
| MACKENZIE: (PART) 126 | AMINDAROV: (PART) 265 |
| | برهان قاطع: ۳۵۱ |

یادداشت:

چم این واژه در زبان سانسکریت: پاداش، مزد.

چم این واژه در زبان لیتوانی: خریدن.

چم این واژه در زبان یونانی: فروختن.

| فارسی (PERSIAN): | پاس (مثلاً در واژه‌های "پاسبان" و "پاسدار" و "پاس دادن") | PĀS |
|---|---|---|
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | | GUARD, WATCH, LOOKOUT |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | | *SPEK-, *SPEKYŌ- *SPEŌN-, *SPOK- |

اوستایی (AVESTAN):

PĀTHRA, SPASYEITI

پارسی باستان (OLD PERSIAN): *PĀSA

پهلوی (PAHLAVI):

PĀS, PĀSBĀN

کردی (KURDISH): PAS-, PASVĀN

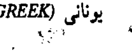
تخاری B (TOKHARIAN B): PÄK

سانسکریت (SANSKRIT):

SPÁSATI, PÁSYATI, SPÁS-, PAS-

ارمنی (ARMENIAN): SPASEM

یونانی (GREEK):



SKOPEIN, SKEPTOMAI,

لاتین (LATIN): SPECIŌ, SPECĒRE

فرانسه (FRENCH):(از آلمانی) EPIER

ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN):

SPA, SPEJA

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

SPEHŌN

آلمانی (GERMAN): SPAHEN

انگلیسی (ENGLISH):(از فرانسه) ESPY, SPY

دانمارکی (DANISH): SPAA

سوئدی (SWEDISH): SPĀ

نروژی (NORWEGIAN): SPĀ

هلندی (DUTCH): SPIEDEN

آلبانی (ALBANIAN): PASHË

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 984 |
| BARNHART: | (SPY) 1053 |
| DELAMARRE: | (OBSERVER, ĒPIER) 283 |
| MACKENZIE: | (PĀS, PĀSBĀN) 65 |
| ONIONS: | (SPY) 858 |
| SKEAT: | (SPY) 593 |
| برهان قاطع: | ۳۵۳ |

| | |
|---|---|
| PĀSHNĒ, PĀSHNĀ | فارسی *(PERSIAN):* پاشنه، پاشنا (به چم "پاشنه‌ی پا") |
| HEEL | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *PERSNĀ, *-SNI- | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* |

اوستایی *(AVESTAN):* PĀSHNA

پهلوی *(PAHLAVI):* PĀSHNAG, PĀSHNAK

کردی *(KURDISH):*

PE'NI, PEHNI, PĀSŪNE

افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* PUNDA

سانسکریت *(SANSKRIT):*

PĀRSNI, PARSHNI,

لاتین *(LATIN):* PERNA

گوتیک *(GOTHIC):* FAIRSNA

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* FIERSIN

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| DELAMARRE: | 106 |
| MACKENZIE: | (HEEL) 117 |
| AMINDAROV: | (HEEL) 235 |
| برهان قاطع: | ۳۵۴-۳۵۵ |
| فرهنگ معین: | ۶۶۴ |

| | |
|---|---|
| PĀK, PĀKIIĖ | فارسی *(PERSIAN):* پاک، پاکیزه |
| PURE, CLEAN | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *PŪ-, *PEU-, *PEWE-, *PUTOS, *PUROS | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* |

اوستایی *(AVESTAN):* PŪITIKA

پهلوی *(PAHLAVI):*

PAV̄, PĀK, PAVAK,PAVAG

کردی *(KURDISH):* PAK

افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* PĀK

سانسکریت *(SANSKRIT):*

PŪTA, PAVITAR, PAVAK, PUNATI

یونانی *(GREEK):* PŪR, PIVON

لاتین *(LATIN):* PŪRUS, PUTUS

فرانسه *(FRENCH):* PUR

اسپانیایی *(SPANISH):* PURO

ایتالیایی *(ITALIAN):* PURO

رومانی *(RUMANIAN):* PUR

پرتغالی *(PORTUGUESE):* PURO

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):*

FOWEN

آلمانی میانه *(MIDDLE GERMAN):* VAWEN

ایرلندی میانه *(MIDDLE PERSIAN):* ŪR

ولزی *(WELSH):* IR

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 827 |
| BARNHART: | (PURE) 865 |
| DELAMARRE: | (PUR) 232 |
| MACKENZIE: | (CLEAN) 107 |
| BUCK: | (FIRE) 71-72 |
| ONIONS: | (PURE) 724 |
| SKEAT: | |
| (PURE) 486, (FIRE) 214 | |
| AMINDAROV: | (CLEAN) 128 |
| برهان قاطع: | ۳۵۵ |

یادداشت:

۱- معنی این واژه در ایرلندی میانه و ولزی: تازه.

۲- معنی این واژه در آلمانی کهن و میانه: سرند کردن، (غله را) بوجاری کردن.

۳- بازگشت به: هور، پالیدن.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): پالیدن، پالودن، پالاییدن | PĀLIDAN, PĀLŪDAN, PĀLAIDAN |
| چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | PURIFY, FILTER |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *PŪ-, *PEU-, *PEWE-, *PUNĀML |

اوستایی (AVESTAN):

PĀLAIDAN, PĀLAIDAN,

پهلوی (PAHLAVI): PĀLUTAK, PĀLŪTAN

کردی (KURDISH): PAK KIRIN

بلوچی (BALUCHI): PĀLĒAG, PĀLĀYAG

افغانی (پشتو) (AFGHANI): PĀKAWĒL

سانسکریت (SANSKRIT):

PAVATE, PĀVAYATI, PUNATI, PAVITAR

لاتین (LATIN): PŪRIFICARE

فرانسه (FRENCH): PURIFIER

اسپانیایی (SPANISH): PURIFICAR

ایتالیایی (ITALIAN): PURIFICARE

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

FOWEN

انگلیسی (ENGLISH)(از فرانسه): PURIFY

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 826-7 |
| BARNHART: | (PURIFY) 865 |
| DELAMARRE: | (PURIFIER) 274 |
| MACKENZIE: | (PURIFY) 129 |
| ONIONS: | (PURE) 724 |
| SKEAT: | (PURE) 756 |
| ۲۵۸ | برهان قاطع: |

یادداشت:

بازگشت بد: پاک.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): پالیدن (به چم "جستجو و تفحص نمودن"، (شاید) "پوییدن") | PĀLIDAN |
| چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | SEARCH, SEEK |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *POLO-, *PŌL-, *PEL-, *PAL-, *PL- |

یونانی (GREEK): PÁLLEIN

لاتین (LATIN):

PALPARE, PELLERE, PALPŌ

فرانسه (FRENCH): PALPER

اسپانیایی (SPANISH): PALPAR

ایتالیایی (ITALIAN): PALPARE

رومانی (RUMANIAN): PIPAI

ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN):

FALMA

نورس کهن (OLD NORSE): FELMA

ساکسونی‌کهن (OLD SAXON):

FALM, AFŌLIAN,

فریزی کهن (FRISIAN): FĒLA, FĒLAN

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

FUOLEN

آلمانی (GERMAN): FÜLEN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): FĒLAN

انگلیسی (ENGLISH): FEEL

دانمارکی (DANISH): FOLE

هلندی (DUTCH): VOELEN

اسلاوی کهن (OLD SLAVIC)CHURCH:

PALICI, PALE

روسی (RUSSIAN): BEZ-PALEIJ, PALEC

بلغاری (BULGARIAN): PALAM

صربی (SERBIAN): PIPATI

ایرلندی کهن (OLD IRISH): LÁM

| بسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 840-841 | POKORNY: |
| (FEEL) 374 | BARNHART: |
| 1060-1064 | BUCK: |
| (FEE) 349 | ONIONS: |
| (FEEL) 210 | SKEAT: |
| PŌLIK | MALLORY & ADAMS: |
| برهان قاطع: | ۳۵۹ |
| فرهنگ معین: | ۶۸۰ |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۵۳۸۸ |

یادداشت:

۱- معنی این واژه در ایرلندی کهن: کف دست.

۲- معنی این واژه در زبان‌های ژرمنی: احساس کردن، پرماسیدن.

۳- واژه‌ی "پرماس" "پرماسیدن (پهلوی: PAHRMĀH) به چم "با دست احساس کردن" نیز به احتمال ضعیف با این واجریشه خویشی دارد.

۴- واژه‌ی لاتین POLLEX به چم "انگشت شست" نیز از همین ریشه است.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): | پالیز، فالیز، جالیز، پردیس (به چم "باغ"، "بوستان") |
| | PĀLIZ, FĀLIZ, JALIZ, PARDIS |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | GARDEN, FIELD, PATCH |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *PER- , *PERI-, *PRO-, *PERĀ+DHEIGH |

اوستایی (AVESTAN): PAIRIDAĒZA

پارسی باستان (OLD PERSIAN):

PARÁHEISOS

کردی (KURDISH): PRĒS, PĀRĪZ

سانسکریت (SANSKRIT): *PĀRI+DĒHMI

ارمنی (ARMENIAN): PARTĒZ, BARDEZ

یونانی (GREEK):

PARÁDEISOS, PERI+TOÍCHOS

لاتین (LATIN): PARÁDĪSUS

فرانسه (FRENCH): PARADIS

اسپانیایی (SPANISH): PARAISO

ایتالیایی (ITALIAN): PARADISO

رومانی (RUMANIAN): PARADIS

پرتغالی (PORTUGUESE): PARAISO

آلمانی (GERMAN): PARADIES

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): PARADISE

| | |
|---|---|
| انگلیسی (ENGLISH): | PARADISE |
| دانمارکی (DANISH): | PARADIS |
| سوئدی (SWEDISH): | PARADIS |
| نروژی (NORWEGIAN): | PARADIS |
| هلندی (DUTCH): | PARADIJS |

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 810,244 |
| BARNHART: (PARDISE) 754, (PERI-) 777 | |
| BUCK: | (GARDEN) 490-491 |
| SKEAT: | (PARDOSE) 428 |
| AMINDAROV: | (GARDEN) 229 |
| فرهنگ معین: | ۶۸۰ |
| برهان قاطع: | ۳۵۹ |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۵۳۸۹ و ۵۴۹۵ |

یادداشت:

۱- "فردوس" نیز معرب "پردیس" است.

۲- واژه‌ی اوستایی از دو اجریشه درست شده است: PAIR (به چم "دور" و "پیرامون") و DAEZA (به چم "دیوار") (بازگشت به: دیوار)

۳- چم این واژه در همه‌ی زبان‌های غیر ایرانی این فهرست "بهشت"، "فردوس" است و ضمناً همه از زبان فارسی گرفته شده‌اند.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): پانزده | PĀNZDAH |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | FIFTEEN |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *PĒNKWE + DEKM |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | PANCADASA |
| پهلوی (PAHLAVI): | PANCDAH , PĀNZDAH |
| اوستی (OSSETIC): | FINDTĀS |
| کردی (KURDISH): | PANZDE |
| بلوچی (BALUCHI): | PANZDA |
| افغانی (پشتو) (AFGHANI): | PANJALAS |
| سانسکریت (SANSKRIT): | PANCADACA |
| ارمنی (ARMENIAN): | HINGE-TASĀN |
| یونانی (GREEK): | PENTE-DEXA |
| لاتین (LATIN): | QUINDECIM |
| فرانسه (FRENCH): | QUINZE |
| اسپانیایی (SPANISH): | QUINCE |
| ایتالیایی (ITALIAN): | QUINDICI |
| رومانی (RUMANIAN): | CINCISPREZECE |
| پرتغالی (PORTUGUESE): | DĒCIMO QUINTO |
| گوتیک (GOTHIC): | FIMFTAIHUN |
| ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): | FIMTAN |
| ساکسونی کهن (OLD SAXON): | FIFTEIN |
| فریزی کهن (OLD FRISIAN): | FIFTĪNE |

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
FINFZEHAN
آلمانی (GERMAN): FÜNFZEHN
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
FIFTĒNE, FIFTȲNE
انگلیسی (ENGLISH): FIFTEEN
هلندی (DUTCH): VIJFTIEN
لهستانی (POLISH): PIĒTNAŠCIE
چک (CZECH): PATNĀCT
اسلواکی (SLOVAK): PATNĀST

یادداشت:

بازگشت به: پنج، ده.

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 808 |
| BARNHART: | (FIFTEEN) 381 |
| DELAMARRE: | (FIFTEEN) 114 |
| TRAUPMAN: | (FIFTEEN) 529 |
| ۳۶۰ | برهان قاطع: |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): پاییدن، پائیدن | PĀYDAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | GUARD, WATCH OVER |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *PŌI-, *PĪ-, *PŌ-, *POMĒN, *PAI- |

اوستایی (AVESTAN): PAITI, PĀ
پارسی باستان (OLD PERSIAN): -PAVĀN
پهلوی (PAHLAVI): PĀDAN, PĀY-
کردی (KURDISH): PAWTANDIN
سانسکریت (SANSKRIT):
PĀYUS,- PĀ, PĀTRA, PATI
یونانی (GREEK):
POIMĒN, POY, PABULUM
لاتین (LATIN): PASCĒRE, PASCŌ
گوتیک (GOTHIC):(شاید) FODR
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):(شاید)
FŌTAR
آلمانی (GERMAN):(شاید) FUTTER
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):(شاید)
FŌDOR
انگلیسی (ENGLISH):(شاید) FODDER
دانمارکی (DANISH):(شاید) FODER
سوئدی (SWEDISH):(شاید) FODER
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):(شاید)
PASTI
لیتوانی (LITHUANIAN): PIEMUŌ

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 839 |
| BARNHART: | (FOODER) 396 |
| MACKENZIE: | 62, (WATCH) 139 |
| ONIONS: | (FODDER) 366 |
| SKEAT: | (FODDER) 220 |
| TRAUPMAN: | 297 |
| AMINDAROV: | (GUARD) 232 |
| ۳۶۶ | برهان قاطع: |

یادداشت:

۱- این واجریشه با واجریشه هند و اروپایی -PĀ-, *PĀT-, *PET* (به چم "خوراک" و "پرورد") خویشی نزدیک

دارد (واژه‌های انگلیسی FEED, FOOD و واژه‌ی آلمانی FUTTERN از این واجریشه آمده‌اند).

۲- معنی واژه‌های ژرمنی و لاتین این فهرست: خوراک دام.

۳- معنی واژه یونانی این فهرست: گله، شبان، گوسفند پا.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* **پختن، پخت** | **POXTAN, POXT** |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | **COOK, BAKE** |
| **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN):* | ***PEKW-, *POKWO-** |

اوستایی *(AVESTAN):* **PAC-, PACHTI**

پارسی باستان *(OLD PERSIAN):*

**PECTIS, PAKTAR´-**

پهلوی *(PAHLAVI):* **PUXTAN**

اوستی *(OSSETIC):* **FICUN, FICHIN**

کردی *(KURDISH):* **PĀTIN**

بلوچی *(BALUCHI):* **PASHAG, PACAG**

افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* **PAXAVUL**

تخاری A *(TOKHARIAN A):* **PÄK**

تخاری B *(TOKHARIAN B):* **PÄK**

سانسکریت *(SANSKRIT):*

**PÉCATI, PACANA-**

ارمنی *(ARMENIAN):* **APUXT**

یونانی *(GREEK):*

**PÉTTEIN, PÉSSEIN, PEPSIS**

لاتین *(LATIN):*

**COQUUS, COQUERE, COCUS**

فرانسه *(FRENCH):* **CUIRE, CUISINE**

اسپانیایی *(SPANISH):* **COCER, COCINAR**

ایتالیایی *(ITALIAN):* **COCERE**

رومانی *(RUMANIAN):* **COACE**

پرتغالی *(PORTUGUESE):* **COZINHAR**

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):*

**KOKKR**

ساکسونی کهن *(OLD SAXON):* **KOK**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):*

**CHOH, KOCH, KOCHŌN**

آلمانی *(GERMAN):* **KOCH, KOCHEN**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* (از لاتین)

**CŌC**

انگلیسی *(ENGLISH):* **COOK**

دانمارکی *(DANISH):* **KOGE**

سوئدی *(SWEDISH):* **KOCK**

هلندی *(DUTCH):* **KOK**

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):*

**PEKA**

لهستانی *(POLISH):* **PIEC**

روسی *(RUSSIAN):* **PECH, PECHE**

چک *(CZECH):* **PÉCI**

بلغاری کهن *(BULGARIAN):* **PEKO**

صربی *(SERBIAN):* **KUHATI**

اسلواکی *(SLOVAK):* **PIECT**

لیتوانی *(LITHUANIAN):* **KEPŪ, PÉKTAS**

ایرلندی کهن *(OLD IRISH):*

**KWEKW, CUCHTAR**

ولزی *(WELSH):* **POBI, COGINIO**

برتونی *(BRETON):* **POAZA**

آلبانی *(ALBANIAN):* **PJEK**

| | | | |
|---|---|---|---|
| BUCK: | 336-339 | REFERENCES | بسگشت‌ها |
| ONIONS: | (COOK) 212 | POKORNY: | 798 |
| SKEAT: | (COOK) 134 | BARNHART: | COOK(218 |
| ۳۷۰ | برهان قاطع: | DELAMARRE: | (CUIRE) 273 |
| | | MACKENZIE: | (COOK) 108 |

یادداشت:

معنی این واژه در ارمنی: ران خوک.

| | |
|---|---|
| PEDAR | فارسی (PERSIAN): پدر |
| FATHER | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *PETĒR | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): PITAR

پارسی باستان (OLD PERSIAN): PITAR

پهلوی (PAHLAVI):

PIDAR, PITAR, PIT, PID

اوستی (OSSETIC): FIDĀ, FID

کردی (KURDISH): PIÈR

بلوچی (BALUCHI): PIT, PITH, PIS

افغانی (پشتو) (AFGHANI): PLAR

تخاری A (TOKHARIAN A): PĀCAR

تخاری B (TOKHARIAN B): PĀCER

سانسکریت (SANSKRIT): PITĀR, PITR

ارمنی (ARMENIAN): HAYR, HAIR

یونانی (GREEK): PATĒR

لاتین (LATIN): PATER

فرانسه (FRENCH): PÈRE

اسپانیایی (SPANISH): PADRE

ایتالیایی (ITALIAN): PADRE

پرتغالی (PORTUGUESE): PADRE

گوتیک (GOTHIC): FADAR

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

FADHIR

نورس کهن (OLD NORSE): FATHIR

ساکسونی کهن (OLD SAXON): FADAR

فریزی کهن (OLD FRISIAN): FEDER

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

FATER

آلمانی (GERMAN): VATER

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): FADER

انگلیسی (ENGLISH): FATHER

دانمارکی (DANISH): FADER, FAR

سوئدی (SWEDISH): FADER, FAR

نروژی (NORWEGIAN): FADER, FAR

هلندی (DUTCH): VADER

ایرلندی کهن (OLD IRISH):

ATHIR, ATHAR

گالیک (GAELIC): ATHAIR

| پسگشت‌ها | REFERENCES | | |
|---|---|---|---|
| 829 | POKORNY: | 103-104 | BUCK: |
| (FATHER) 371 | BARNHART: | (FATHER) 374 | ONIONS: |
| (PĒRE) 41 | DELAMARRE: | (FATHER) 203 | SKEAT: |
| (FATHER) 114 | MACKENZIE: | 42 | RAMAT: |
| | | برهان قاطع: | ۳۷۲ |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): پدر و مادر، پدران (به چم "والدین") | PEDAROMĀDAR, PEDARĀN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | PARENTS |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *PER-, *PERE- |

اوستایی (AVESTAN): PITARE

سانسکریت (SANSKRIT): PITARĀU, MĀTARĀU

لاتین (LATIN): PARENTEM, PARENTĒS

فرانسه (FRENCH): PARENT, PÈRE ET MIÈRE

اسپانیایی (SPANISH): PARIENTES, PADRES

ایتالیایی (ITALIAN): PARENTI, PĀRINTE

رومانی (RUMANIAN): PARINTI

پرتغالی (PORTUGUESE): PARENTE

گوتیک (GOTHIC): FADREIN

نورس کهن (OLD NORSE): FEOTHGIN

انگلیسی (ENGLISH): (از فرانسه) PARENTS

دانمارکی (DANISH): FETHGIN

هلندی (DUTCH): PARENTS

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| (PARENT) 759 | BARNHART: |
| 103-104 | BUCK: |
| (PARENT) 651 | ONIONS: |
| (PARENT) 429 | SKEAT: |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): پُر | POR |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | FULL, FILLED |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *PELE- *PLĒ-, *PLNŌS, *PLĒNOS |

اوستایی (AVESTAN): PRĀNA, PERENA

پهلوی (PAHLAVI): PURR

کردی (KURDISH): PUR

بلوچی (BALUCHI): PUR

افغانی (پشتو) (AFGHANI): PUR

سانسکریت (SANSKRIT): PŪRNĀ, PRĀNAS, PURÁS

ارمنی (ARMENIAN): LI

یونانی (GREEK): PLÉRĒS, PLÉTHEIN, POLUS

لاتین (LATIN): PLĒNUS, PLĒRE

فرانسه (FRENCH): PLEIN

اسپانیایی *(SPANISH)*: **LLENO**

ایتالیایی *(ITALIAN)*: **PIENO**

رومانی *(RUMANIAN)*: **PLIN**

گوتیک *(GOTHIC)*: **FULLS**

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN)*: **FULLR**

ساکسونی کهن *(OLD SAXON)*: **FULL**

فریزی کهن *(OLD FRISIAN)*: **FOLL, FULL**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN)*: **FOL**

آلمانی *(GERMAN)*: **VOLL**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH)*: **FULL**

انگلیسی *(ENGLISH)*: **FULL**

دانمارکی *(DANISH)*: **FULD**

سوئدی *(SWEDISH)*: **FULL**

نروژی *(NORWEGIAN)*: **FULL**

هلندی *(DUTCH)*: **VOL**

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC)*: **PLŪNŪ**

لهستانی *(POLISH)*: **PELNY**

روسی *(RUSSIAN)*: **POLNYJ, POLNUII**

چک *(CZECH)*: **PLNÝ, ÚPLNÝ**

برهمی *(BOHEMIAN)*: **PLNY**

اسلواکی *(SLOVAK)*: **PLNY**

لیتوانی *(LITHUANIAN)*: ***PILNAS**

لتونی (لتی) *(LATVIAN)*: **PILNS**

ایرلندی کهن *(OLD IRISH)*: **LĀN, LIN-**

گالی *(GAULISH)*: **LAWN**

ولزی *(WELSH)*: **LAUN**

آلبانی *(ALBANIAN)*: **PLOT, PLJOT**

**یادداشت:**

بازگشت به: فراوان

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 798-799 |
| *BARNHART:* | (FULL) 413 |
| *DELAMARRE:* | (PLEIN) 231 |
| *MACKENZIE:* | (FULL) 228 |
| *BUCK:* | 931 |
| *ONIONS:* | (FULL) 38 |
| *SKEAT:* | (PULL) 228 |
| *RAMAT:* | 43 |
| ۳۷۵ | برهان قاطع: |

| | |
|---|---|
| **PAR** | **فارسی** *(PERSIAN)*: **پَر** |
| **FEATHER** | **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** |
| ***PORNOM** | **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN)*: |

اوستایی *(AVESTAN)*: **PARENEM, PARƏNA**

پهلوی *(PAHLAVI)*: **PUR, PURR**

کردی *(KURDISH)*: **PUR**

بلوچی *(BALUCHI)*: **PUR**

افغانی (پشتو) *(AFGHANI)*: **PUR**

سانسکریت *(SANSKRIT)*: **PARNÁM, PURNA**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN)*: **FARN**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH)*: **FEARN**

لیتوانی *(LITHUANIAN)*: **SPARNAS**

لتونی (لتی) *(LATVIAN)*: **SPARNS**

| | | | |
|---|---|---|---|
| DELAMARRE: | (PLUME) 149-150 | REFERENCES | بسگشت‌ها |
| ۳۷۵ | برهان قاطع : | POKORNY: | 850 |

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های لیتوانی و لتونی: بال.

| | |
|---|---|
| PARDAXTAN | فارسی *(PERSIAN)*: **پرداختن (به چم "ادا کردن"، "رفع نمودن" و غیره)** |
| PAY | **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** |
| *PAĀI-, *PRI | **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN)*:(شاید) |

اوستایی *(AVESTAN)*:

**FRAYA-, FRĀY, PARA-, FRYŌ**

پهلوی *(PAHLAVI)*:

**PARDAZISHN, PARDAXTAN**

سانسکریت *(SANSKRIT)*:

**PRINATI, PRIYÀS**

یونانی *(GREEK)*: **PRAYZ**

لاتین *(LATIN)*: **PRĀYS**

گوتیک *(GOTHIC)*: **FREIS, FRIJON**

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN)*:

**FRIGG, FRJALS**

ساکسونی کهن *(OLD SAXON)*: **FRĪ**

فریزی کهن *(OLD FRISIAN)*: **FRĪ**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN)*: **FRĪ**

آلمانی *(GERMAN)*: **FREI**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH)*: **FRĒO**

انگلیسی *(ENGLISH)*: **FREE**

دانمارکی *(DANISH)*: **FRI**

سوئدی *(SWEDISH)*: **FRI**

نروژی *(NORWEGIAN)*: **FRI**

هلندی *(DUTCH)*: **VRIJ**

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC)*:

**PRIJAJO, PRIJATI**

گالی *(GAULISH)*: **RHYDD**

ولزی *(WELSH)*: **RHYDD**

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 844 |
| BARNHART: | (FREE) 407 |
| DELAMARRE: | |
| (CHER, BIEN-AIMĒ) 232 | |
| MACKENZIE: | |
| 64, (FREE, BEFREE OF) 115 | |
| ONIONS: | (FREE) 375 |
| SKEAT: | (FREE) 225 |
| ۳۸۰ | برهان قاطع : |

یادداشت:

۱- برای شناخت چم‌های گوناگون واژه‌های "پرداختن" بسگشت شود به: برهان قاطع :: ۳۸۰ و ***لغت‌نامه دهخدا:*** ۵۴۷۴-۵۴۷۸.

۲- معنی این واژه در زبان‌های ژرمنی و سانسکریت: گرامی، آزاد.

۳- در زبان پهلوی واژه‌ی **PARDAXTAN** به چم "آزاد شدن" و "انجام دادن" هم بوده است. واژه‌ی پهلوی **PARDAZISHN** به چم "آزادی" و "بعهده گیری" بوده است (بسگشت به: **MACKENZIE: 64**).

| | | |
|---|---|---|
| PARASTŪ | پرستو | فارسی (PERSIAN): |
| SPARROW, SWALLOW | | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *SPER-, *SPOR-, *SPR-, *SPARWO- | | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

پارسی‌باستان (OLD PERSIAN): PELESHTUK

پهلوی (PAHLAVI):

PARISTŌG, PARISTŌK

تخاری A (TOKHARIAN A):

SPĀRĀN, SPĀR

یونانی (GREEK):

SPARÁSION, SPAROS, SPORGILOS

لاتین (LATIN): PARRA

گوتیک (GOTHIC): SPARWA

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

SPORR

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

SPARO, SPERK

آلمانی (GERMAN): SPERLING

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): SPEARWA

انگلیسی (ENGLISH): SPARROW

دانمارکی (DANISH): SPARWE, SPURV

سوئدی (SWEDISH): SPARV

نروژی (NORWEGIAN): SPURV

هلندی (DUTCH): SPERWER

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):

SPURGLIS, SPERGLA

برتونی (BRETON): FRĀO

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 991 |
| BARNHART: | (SPARROW) 1040 |
| DELAMARRE: | (MOINEAU) 140 |
| MACKENZIE: | |
| 65, (SWALLOW) 135 | |
| ONIONS: | (SPARROW) 850 |
| SKEAT: | (SPARROW) 585 |
| ۳۸۴ | برهان قاطع: |

یادداشت:

معنی لاتین و تخاری این واژه: پرنده.

| | | |
|---|---|---|
| PORSIDAN | پرسیدن، پرسش | فارسی (PERSIAN): |
| ASK, QUESTION | | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *PERK-, *PRK-, *PAKSKŌ, *PREK, *PROK | | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN):

PERESA, FRASA, PERESAITI

پارسی باستان (OLD PERSIAN):

APARSAM

پهلوی (PAHLAVI): PURSITAN

اوستی (OSSETIC): FARSUN, FĀRSIN

کردی (KURDISH): PIRSIN

بلوچی (BALUCHI): PURSAGH

افغانی (پشتو) (AFGHANI): PUSHT

تخاری A (TOKHARIAN A): PRAK

تخاری B (TOKHARIAN B): PREK

سانسکریت (SANSKRIT): PRACCHÁTI, PRACHH, PRĀS-, PRCCHĀTI

ارمنی (ARMENIAN): HARSN, E-HARCH, HARCHANEM

لاتین (LATIN): POSCŌ, POSCĒRE

اسپانیایی (SPANISH): PREGUNTAR, PREGUNTA

پرتغالی (PORTUGUESE): PERGUNTAR

گوتیک (GOTHIC): FRAIHNAN

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): FRĒTT, FREGNA

نورس کهن (OLD NORSE): PROSITI

ساکسونی کهن (OLD SAXON): FRĀGŌN

فریزی کهن (OLD FRISIAN): FRĒGIA

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): FORSCŌN, FRAHEN, FRAGA

آلمانی (GERMAN): FRAGEN, FRAGE

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): FRIGNAN

دانمارکی (DANISH): SPORGE

سوئدی (SWEDISH): FRAGA

نروژی (NORWEGIAN): SPORRE

هلندی (DUTCH): VRAGEN

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): PROSITI

لهستانی (POLISH): PROSIĆ

چک (CZECH): PROSIT, POZVAT

اسلواکی (SLOVAK): PROSIT

لیتوانی (LITHUANIAN): PERSHU, PIRSHTI

ایرلندی میانه (OLD PERSIAN): ARCO

گالی (GAULISH): ARCHAF

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 821-822 |
| BARNHART: | (PRAY) 827 |
| DELAMARRE: | (DEMANDER) 275 |
| MACKENZIE: | (ASK) 103 |
| BUCK: | 1264-1266 |
| SKEAT: | (PREK) 757 |
| AMINDAROV: | (ASK) 187 |
| MALLORY & ADAMS: | PERK |
| برهان قاطع: | ۳۸۵ |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): پرواز | PARVĀZ |
| چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | FLIGHT, FLYING |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *PER-, *PERI-+WEGH- |

اوستایی (AVESTAN): PAIRI-VAZAITI, PARA-VAZ

کردی (KURDISH): FIR, PIRIN, FIRIN, FIRKIRIN

بلوچی (BALUCHI): PERWAZ

افغانی (پشتو) (AFGHANI): PARWAZ

سانسکریت (SANSKRIT): VÁHATI, VAHANA, VĀHÁYATI, VĀHÁ-

یونانی (GREEK): ĒCHESTHIN

لاتین (LATIN): VEHŌ, VEHĒRE

گوتیک (GOTHIC): WĒGS

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
VEGA

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
VEGAN

آلمانی (GERMAN): BEWEGEN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): WEGAN

آلبانی (ALBANIAN): ŪDHI

| بسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 810, 1118-1119 | POKORNY: |
| برهان قاطع: | ۳۹۱ |

یادداشت:

۱- واژه‌ی اوستایی این فهرست از دو ریشه‌ی هند و اروپایی درست شده است: ۱- PER یا -PERI (اوستایی: -PAIRI یا PARA به چم "اطراف"، "پیرامون") ۲- VAZAITI یا -VAZ (به چم "پریدن")
۲- چم این واژه در زبان سانسکریت: سفر، سفر کردن
چم این واژه در زبان لاتین: بردن، حمل کردن.
چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: جنبیدن.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): پروانه | PARVĀNĒ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | BUTTERFLY |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *PELPEL- |

پهلوی (PAHLAVI): PARVĀNAK

کردی (KURDISH): FEPŪLE, PERWANÉ

افغانی (پشتو) (AFGHANI): PATANG

لاتین (LATIN): PĀPILIŌ

فرانسه (FRENCH): PAPILLON

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
FĪFALTRA

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): FIFEALDE

سلووینی (SLOVENE): PREPELICA

لیتوانی (LITHUANIAN): PETELISHKE

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| (PAPILLION) 144 | DELAMARRE: |
| (BUTTERFLY) 195 | AMINDAROV: |
| برهان قاطع: | ۳۹۲ |
| فرهنگ معین: | ۷۶۷ |

یادداشت:

این واجریشه‌ی هند و اروپایی "نام آوا"(ONOMATOPOEIA) است.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): پروردن، پروریدن | PARVARDAN, PARVARIDAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | NURTURE, NOURISH |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *PĀ-, *PE-, *PĀT-, *PIT- |

اوستایی (AVESTAN):
PITUSH, -PITHWA-, PITU-

پهلوی (PAHLAVI): PARVARTAN
PARVARITAN, PARWARDAN

تخاری A (TOKHARIAN A): PĀS

تخاری B (TOKHARIAN B): PĀSK

سانسکریت (SANSKRIT): PITÚS, PITU-

ارمنی (ARMENIAN): HAVRAN, HOVIV

یونانی (GREEK): PATEISTHAI, PANIA

لاتین (LATIN):

PABULUM, PANIS, PĀSCERE

گوتیک (GOTHIC): FŌDEINS, FŌDJAN

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

FŌDHR, FADHA

نورس کهن (OLD NORSE): FADHA

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

FUOTAR, FUOTEN

آلمانی (GERMAN): FUTTER

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

FŌDA, FŌDOR, FĒDAN, FŌSTOR

انگلیسی (ENGLISH):

FOOD, FODDER, FOSTER

دانمارکی (DANISH): FODE

سوئدی (SWEDISH): FÖDA

نروژی (NORWEGIAN): FODE

هلندی (DUTCH): VOEDSEL

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

PASTI, PISHTA

لهستانی (POLISH): PASZA

روسی (RUSSIAN): PISHCHA

بوهمی (BOHEMIAN): PICE

لیتوانی (LITHUANIAN): PIĒTUS

ایرلندی کهن (OLD IRISH): AINCHESS, ITH

گالی (GAULISH): PAWR, IT

برتونی (BRETON): PEURI

هتیت (HITTITE): PAHHSHI, PAHSH

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 787 |
| BARNHART: | (FOOD) 398 |
| DELAMARRE: (NOURRITURE, REPAS) 163 | |
| MACKENZIE: | (NOURISH) 125 |
| BUCK: | 328-331 |
| ONIONS: | (FOOD) 368 |
| SKEAT: | (FOOD) 220 |
| ۳۹۲-۳۹۳ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

۱- معنی این واژه در هتیت: حفظ و حراست کردن.
معنی این واژه در تخاری A و تخاری B: توجه و پرستاری کردن.

۲- در بیشتر زبان‌های ژرمنی و اسلاوی این واژه به چم "علوفه" و "خوراک دام" هم بکار می‌رود.

۳- بازگشت به: پاس.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): پری | PARI |
| چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | FAIRY, PERI |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *PARĪKĀ |

اوستایی (AVESTAN): PAIRIKĀ

پهلوی (PAHLAVI): PARIK, PARĪG

افغانی (پشتو) *(AFGHANI)*: **PARI**

ارمنی *(ARMENIAN)*: **PARIK**

یونانی *(GREEK)*: **PALLAKIS**

لاتین *(LATIN)*:(شاید)

**FĀTA, FĀRI, FĀTUM**

فرانسه کهن *(FRENCH)*:(شاید) **FAERIE, FAE**

اسپانیایی *(SPANISH)*:(شاید) **HADA**

ایتالیایی *(ITALIAN)*:(شاید) **FATA**

پرتغالی *(PORTUGUESE)*:(شاید) **FADA**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH)*:از فرانسه‌ی کهن (شاید) **FAYRYE**

انگلیسی *(ENGLISH)*:(شاید) **FAIRY, FAY**

ایرلندی میانه *(OLD PERSIAN)*:

**ARECH, AIREVH**

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 789 |
| BARNHART: | (FAIRY) 366, (FAY) 372 |
| MACKENZIE: | (WITCH) 140 |
| BUCK: | 1499 |
| ONIONS: | (FAIRY) 343, (FAY) 348 |
| SKEAT: | (FAY) 210 |

**یادداشت:**

برخی زبانشناسان ریشه‌ی واژه‌های رمانس این فهرست را از واجریشه‌ی هند و اروپایی -BHĀ* می‌دانند.
**(POKORY: 105)**

| فارسی *(PERSIAN)*: پریدن | PARIDAN |
|---|---|
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | JUMP, FLY, LEAP |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN)*: | *PER-, *POR-, *PER∂-, *PORTUS |

اوستایی *(AVESTAN)*:

**PAR-, -PARAYEITI, PARENA-**

پهلوی *(PAHLAVI)*: **PARITAN**

سانسکریت *(SANSKRIT)*:

**PIPARTI, PRU-, PR̄-**

ارمنی *(ARMENIAN)*: **HORDAN**

یونانی *(GREEK)*: **PÓPOS, POREÚEIN**

لاتین *(LATIN)*:

**PORTŌ, PORTĀRE, PORITĀRE**

گوتیک *(GOTHIC)*: **FARAN**

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN)*:

**FARA**

ساکسونی کهن *(OLD SAXON)*: **FARAN**

فریزی کهن *(OLD FRISIAN)*: **FARA**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN)*:

**FARAN**

آلمانی *(GERMAN)*: **FAHREN**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH)*: **FARAN**

انگلیسی *(ENGLISH)*: **FARE**

دانمارکی *(DANISH)*: **VAREN**

سوئدی *(SWEDISH)*: **FARA**

نروژی *(NORWEGIAN)*: **VARE**

هلندی *(DUTCH)*: **VAREN**

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC)*:

**PREGA, PRESHTI**

روسی *(RUSSIAN)*: **PRYGNUT**

لیتوانی *(LITHUANIAN)*: **SPARNAS**

لتونی (لتی) *(LATVIAN)*: **SPARNS**

آلبانی *(ALBANIAN)*: **PRUVA, PRURA**

| پسگشت‌ها | REFERENCES | | |
|---|---|---|---|
| POKORNY: | 816-817, 850 | BUCK: | (JUMP, LEAP) 345 |
| BARNHART: | | ONIONS: | (FARE) 345 |
| (PORT) 819, (FARE) 369 | | SKEAT: | (FARE) 208 |
| | | برهان قاطع : | ۳۹۷ |

**یادداشت:**

چم این واژه در زبان سانسکریت و آلبانی: آوردن.
چم این واژه در زبان‌های ارمنی و ژرمنی: رهسپار شدن، سفر.
چم این واژه در زبان‌های لیتوانی و لتونی: بال.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): پس، پس - (به چم "بعد"، "سپس") | PAS, PAS- |
| چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | AFTER |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *POS-, *POSKO-, *KO-, *POSTI |

اوستایی (AVESTAN):

PASKĀT, PASCA, PASCHA, PASNE

پارسی باستان (OLD PERSIAN):

PASĀVA, PASĀ

پهلوی (PAHLAVI): PAS, PASIN

اوستی (OSSETIC): FĀSTĀG, FASTĀGE

کردی (KURDISH): PASHÉ, PASHWE

بلوچی (BALUCHI): PASH

افغانی (پشتو) (AFGHANI): PAS

تخاری A (TOKHARIAN A): POSTÄM

سانسکریت (SANSKRIT):

PASCĀT, PASCĀ, PACCA

ارمنی (ARMENIAN): EST

یونانی (GREEK): PÓS-

لاتین (LATIN): POST-, POSTE-

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

PO-,Ū POL-DŪ

لیتوانی (LITHUANIAN): PĀS-, PASKUI

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): PASĀ

آلبانی (ALBANIAN): PAS

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 841 |
| BARNHART: | (POST-) 822 |
| DELAMARRE: | (APRÉS) 301 |
| MACKENZIE: | 65, (AFTERWARD) 101, (LBST) 121 |
| ONIONS: | (POST) 699 |
| AMINDAROV: | 129 |
| برهان قاطع : | ۴۰۳ |

**یادداشت:**

در برخی زبان‌های هند و اروپایی این واژه چم "پشت" را هم دارد.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): پستان | PESTĀN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | BREAST |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *PESTĒNO-, *PSTĒNO-, *STĒNO-, *SPENO- |

اوستایی (AVESTAN): FSHTĀNA

پهلوی (PAHLAVI): PISTĀN, PESTĀN

کردی (KURDISH): BISTAN, PĒSĪR

افغانی (پشتو) (AFGHANI): PISTAN

سانسکریت (SANSKRIT): STANAS

ارمنی (ARMENIAN): STIN

یونانی (GREEK): STĒNION

لاتین (LATIN): PECTUS

فرانسه (FRENCH): POITRINE, PIS

اسپانیایی (SPANISH): PECHO

ایتالیایی (ITALIAN): PETTO

رومانی (RUMANIAN): PIEPT

پرتغالی (PORTUGUESE): PEITO

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

SPENI

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

SPENE, SPUNNI

آلمانی (GERMAN): SPAN-FERKEL

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

SPANE, SPANU

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

PRUSI

لهستانی (POLISH): PIERS

چک (CZECH): PRS, PRSA

بوهمی (BOHEMIAN): PRSA

اسلواکی (SLOVAK): PRSIA

لیتوانی (LITHUANIAN): SPENYS

لتونی (لتی) (LATVIAN): PUPS

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): SPENIS

ایرلندی کهن (OLD IRISH): SINE

| بسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 990 | POKORNY: |
| | DELAMARRE: |
| | (POITRINE, PIS) 108 |
| (BREAST) 105 | MACKENZIE: |
| 244 | BUCK: |
| (BREAST) 194 | AMINDAROV: |
| برهان قاطع: | ۴۰۵ |

یادداشت:

معنی واژه‌ی PIS در زبان فرانسه: پستان گاو.

معنی واژه‌ی SPAN-FERKEL در زبان آلمانی: خوک شیرخوار.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): پسر، پور | PESAR, PŪR |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | BOY, SON |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *POU-, *PŪ-, *PUTLOM, *PAU- |

اوستایی (AVESTAN): PUTHRŌ

پارسی باستان (OLD PERSIAN): PUTHRA

پهلوی (PAHLAVI): PUS, PUSAR
اوستی (OSSETIC):
PUKLUM, FURT, FIRT
کردی (KURDISH): PISIR
بلوچی (BALUCHI): PUSAGH
سانسکریت (SANSKRIT): PUTRÁS, PUSRÁ
یونانی (GREEK): PAĪS, PAUROS
لاتین (LATIN): PUER, PUTUS, PAUCI
گوتیک (GOTHIC): FAWAI
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): FĀR
نورس کهن (OLD NORSE):(شاید) PILTR
ساکسونی کهن (OLD SAXON): FĀ
فریزی کهن (OLD FRISIAN): FĒ
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): FAO
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): FĒA,
FĒAWE
سوئدی (SWEDISH):(شاید) POJKE

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
PUTA, PITA
روسی (RUSSIAN): PITA
لیتوانی (LITHUANIAN): POTÝTIS
لتونی (لتی) (LATVIAN): PUISIS
برتونی (BRETON):(شاید) PAOTR

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 842 |
| BARNHART: | (FEW) 379 |
| MACKENZIE: | (SON) 133 |
| BUCK: | 87 |
| ONIONS: | (FEW) 353 |
| SKEAT: | (PEU) 756 |
| RAMAT: | 47 |
| ۴۰۵ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

معنی این واژه در زبان‌های ژرمنی: کم، کوچک، محدود.

معنی این واژه در بیشتر زبان‌های هند و اروپایی علاوه بر "پسر"، "فرزند ذکور": جانور کوچک.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): پشت | POSHT |
| چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | BACK, BEHIND, REAR |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *PER-, *PRE-, *PR-, *PRSTHIS, *PRSTHA |

اوستایی (AVESTAN):
PARSHTI, PARSHTA
پهلوی (PAHLAVI): PUSHT
کردی (KURDISH): PISHT, PASHDA
بلوچی (BALUCHI): PUT

افغانی (پشتو) (AFGHANI): PUSHT
سانسکریت (SANSKRIT):
PRSHTI, PRSHTHÁ
یونانی (GREEK): PAOTÁS, PRO-
لاتین (LATIN): POSTIS, POR-

ساکسونی کهن (OLD SAXON): FIRST

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): FIRST

آلمانی (GERMAN): FIRST

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

FYRST, FIERST

انگلیسی (ENGLISH): POST

هلندی (DUTCH): VORST

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

PRESTE

لیتوانی (LITHUANIAN): PIRSHTAS

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 813 |
| BARNHART: | (POST) 822 |
| MACKENZIE: | (BACK) 103 |
| BUCK: | 211-212 |
| ONIONS: | (POST) 699 |
| SKEAT: | (POST) 466 |
| AMINDAROV: | (BACK) 188 |
| ۴۰۷ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

۱- واجریشه‌های هند و اروپایی - *PR- *PRE-, *PER- خود از واجریشه‌ی هند و اروپایی *STĀ- (به چم "ایستادن")مشتق شده‌اند (بازگشت به: ایستادن).

۲- معنی واژه‌ی PRSHTI در زبان سانسکریت: دنده.

معنی واژه‌ی POSTIS در زبان لاتین: باهو (هریک از دو تیر عمود چارچوب در).

معنی واژه‌ی لیتوانی و اسلاوکهن این فهرست: انگشت.

معنی این واژه در زبان‌های ژرمنی: تیر زیر شیروانی، دیرک.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): پشکم (به چم "ایوان و بارگاه") | PESHKAM |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | PORTICO, COURT |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *SKABH-, *SKAMBH- |

اوستایی (AVESTAN):

FRASK∂MBA-, FRASCHIMBANA-

سغدی (SOGADIAN): SHK'NP-

سانسکریت (SANSKRIT): SKAMBHÁ-,

SKAMBHANA, SKAMBHANAM

لاتین (LATIN): SCAMNUM,

SCABILLUM, SCABELLUM

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 916 |
| ۷۹۸ | فرهنگ معین: |
| ۴۱۰ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

چم این واژه در اوستایی و سانسکریت: ستون، پایه، نگهدار.

چم این واژه در زبان لاتین: اریکه، تخت، سریر.

| | |
|---|---|
| PASHM | فارسی (PERSIAN): پشم |
| WOOL | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *PEK-, *PÉKU-, *PEKOS | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): PASHNĀ-
پهلوی (PAHLAVI): PASHM
سانسکریت (SANSKRIT):
PAKSHMAN, PAKSHMALÁ
ارمنی (ARMENIAN): ASR
یونانی (GREEK): PÉCHOS
لاتین (LATIN): PECTŌ, PECTĒRE
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): FAX
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): FAHS
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): FEAX

سوئدی کهن (OLD SWEDISH): FĀT
هلندی (DUTCH): VACHT
لیتوانی (LITHUANIAN): PESHÚ, PÉSHTI
آلبانی (ALBANIAN): PILË

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 797 |
| MACKEZIE: | (PAŠM) 140 |
| ۴۱۰ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

چم‌های این واژه در زبان سانسکریت: مو، پشمالو.
چم‌های این واژه در زبان لاتین: پشم شانه کردن و چیدن.
چم‌های این واژه در زبان ایسلندی کهن: یال.
چم‌های این واژه در زبان آلمانی و انگلیسی: موی زبر.

| | |
|---|---|
| PASHĒ | فارسی (PERSIAN): پشه |
| MOSQUITO | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *PLUS-, *BLUS-, *BLOV- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

پهلوی (PAHLAVI): PAKHSHAG
افغانی (پشتو) (AFGHANI): VRAZHA
سانسکریت (SANSKRIT): PULSIS
ارمنی (ARMENIAN): LU
یونانی (GREEK): PSULLA
لاتین (LATIN): PŪLEX, PULICA
فرانسه (FRENCH): PUCE
اسپانیایی (SPANISH): PULGA
ایتالیایی (ITALIAN): PULCE
پرتغالی (PORTUGUESE): PULGA

گوتیک (GOTHIC): FLŌ
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): FLŌ
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): FLŌH
آلمانی (GERMAN): FLOH
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): FLÉAH
انگلیسی (ENGLISH): FLEA
هلندی (DUTCH): VLOO
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
BLŪCHA, BLUSĀ
لهستانی (POLISH): PCHLA

روسی (RUSSIAN): BLECHA
چک (CZECH): BLECHA
اسلواکی (ASLOVA): BLCHA
لیتوانی (LITHUANIAN): BLUSÁ
لتونی (لتی) (LATVIAN): BLUSA
آلبانی (ALBANIAN): PLESHT

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 102 |
| BARNHART: | (FLEA) 389 |
| DELAMARRE: | (PUCE) 144 |
| MACKENZIE: | (MOSQUITO) 124 |
| ONIONS: | (FLEA) 361 |
| SHIPLY: | 322 |
| ۴۱۱ | برهان قاطع: |

یادداشت:

معنی این واژه در زبان‌های غیر ایرانی و هندی: کک.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): پف (به چم "فوت")، پک (به چم "درون دمیدن دود سیگار و غیره") | POF, POK |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | PUFF, BLOW |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *PUK-, *PAUK- |

افغانی (پشتو) (AFGHANI): PŪ, PŪK
سانسکریت (SANSKRIT): PUPPUTA-
ارمنی (ARMENIAN): PUCHEL, PUCHOUN
یونانی (GREEK): PHŪDA
لاتین (LATIN): PŪSLA, PUSSULA
فرانسه (FRENCH): PUSTULF,- BOUFÉE
آلمانی (GERMAN): PUFFE, PUFFEN
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): PYFFAN
انگلیسی (ENGLISH): PUFF
دانمارکی (DANISH): PUST, PUFFE
سوئدی (SWEDISH): PUFFA
نروژی (NORWEGIAN): POYSA
هلندی (DUTCH): POF, POFFEN

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): PLCHATI
لهستانی (POLISH): PYKAC, PUSZEK
روسی (RUSSIAN): PÝCHÁTU
چک (CZECH): PYSK
لیتوانی (LITHUANIAN): PUSLĒ
لتونی (لتی) (LATVIAN): PUSLIS

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 849 |
| ONIONS: | (PUFF) 721 |
| SKEAT: | (PUFF) 483 |
| ۸۰۲ و ۸۰۳ | فرهنگ معین: |

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* پُک (به چَم "برجستن و فروجستن")، پک (به چم "غوک") | **POK, PAK** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **LEAP, HOP, SPRING, JUMP, FROG** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN)* | ***PREU-, *PLOUO-, *PRUG-SKO-, *PROUG-** |

سانسکریت *(SANSKRIT):* **PRÁVATĒ, PRAVÁ-, PLAVA-, PLAVA-GA-**

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):* **FRAUKI, FROSKR**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):* **FRAO, FREWIDA, FROSK**

آلمانی *(GERMAN):* **FREUDE, FROSCH**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* **FROGGA, FROSC, FORSC**

انگلیسی *(ENGLISH):* **FROG**

روسی *(RUSSIAN):* **PRYTŪ,PRYGNUTŪ PRÝGATŪ, PRÝGAT**

| بسگشت‌ها | *REFERENCES* |
|---|---|
| 845-846 | *POKORNY:* |
| لغت‌نامه دهخدا : | ۵۶۶۵ |
| فرهنگ معین : | ۸۰۳ |

**یادداشت:**

چم‌های این واژه در زبان‌های این فهرست: جست و خیز، شادی، ورجه ورجه، غوک، وزغ، تند.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* پل | **POL** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **BRIDGE, FORD** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | ***PER-, *PR-, *POR-, *PŌR-, *PRTUS** |

اوستایی *(AVESTAN):* **PERETU, PECHU, PERETUSH**

پهلوی *(PAHLAVI):* **PUHL, PUHR**

کردی *(KURDISH):* **PEL, PURD, PIRD, PIR**

افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* **PUL**

سانسکریت *(SANSKRIT):* **PÍPARTI, PARÁYẠTI**

ارمنی *(ARMENIAN):* **HORD, HORDAN**

یونانی *(GREEK):* **PÓROS**

لاتین *(LATIN):* **PORTUS, PONTIS, PORTA**

فرانسه *(FRENCH):* **PONT**

اسپانیایی *(SPANISH):* **PUENTE**

ایتالیایی *(ITALIAN):* **PONTE**

رومانی *(RUMANIAN):* **POD**

پرتغالی *(PORTUGUESE):* **PONTE**

گوتیک *(GOTHIC):* **FŌR, FORAN, FARJAN**

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):* **FIDORDHR, FIORD, FARA**

نورس کهن *(OLD NORSE):* **FJORTHR**

ساکسونی کهن *(OLD SAXON):* **FORD**

فریزی کهن *(OLD FRISIAN):* **FORDA**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):* **FURT**

آلمانی *(GERMAN):* **FURT**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* **FORD**

انگلیسی *(ENGLISH):* **FORD**

| | |
|---|---|
| هلندی (DUTCH): | VOORDE |
| اسلاوی کهن (OLD CHURCH): | PARITI |
| روسی (RUSSIAN): | PORÓM |
| گالی (GAULISH): | RITU |
| ولزی (WELSH): | RIT |
| برتونی (BRETON): | RIT |
| کورن والی کهن (OLD CORNISH): | RID |
| آلبانی (ALBANIAN): | PRUVA, PRURA |

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 816 |
| BARNHART: | (FORD) 399 |
| MACKENZIE: | (BRIDGE) 105 |
| BUCK: | 721-722 |
| ONIONS: | (FORD) 369 |
| SKEAT: | (FORD) 221 |
| برهان قاطع: | ۴۱۴ |

**یادداشت:**

چم این واژه در اوستایی و پهلوی: پل، گُدار.

چم این واژه در سایر زبان‌ها: گُدار، معبر، بندر، پایاب.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): پنج | PANJ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | FIVE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *PEMPE, *PENKWE |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | PANCHA, PANCA |
| پهلوی (PAHLAVI): | PANJ |
| اوستی (OSSETIC): | FONJ |
| کردی (KURDISH): | PANJ, PEJ, PĒNC |
| افغانی (پشتو) (AFGHANI): | PIJA |
| تخاری A (TOKHARIAN A): | PEN |
| تخاری B (TOKHARIAN B): | PIS |
| سانسکریت (SANSKRIT): | PANCHA, PÁNCA |
| ارمنی (ARMENIAN): | HING |
| یونانی (GREEK): | PENTE, PÉMPÉ |
| لاتین (LATIN): | QUINQUE |
| فرانسه (FRENCH): | CINQ |
| اسپانیایی (SPANISH): | CINCO |
| ایتالیایی (ITALIAN): | CINQUE |
| رومانی (RUMANIAN): | CINCI |
| پرتغالی (PORTUGUESE): | CINCO |
| گوتیک (GOTHIC): | FIMF |
| ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): | FIMM |
| نورس کهن (OLD NORSE): | FIMM |
| ساکسونی کهن (OLD SAXON): | FĪF |
| فریزی کهن (OLD FRISIAN): | FĪF |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | FINF |
| آلمانی (GERMAN): | FUNF |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | FĪF |
| انگلیسی (ENGLISH): | FIVE |
| دانمارکی (DANISH): | FEM |
| سوئدی (SWEDISH): | FEM |
| نروژی (NORWEGIAN): | FEM |
| هلندی (DUTCH): | VIIF |
| اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): | PETĪ, PESTI |

| | |
|---|---|
| لهستانی (POLISH): | PIEC, PIECIORO |
| روسی (RUSSIAN): | PYAT |
| چک (CZECH): | PĚT |
| اسلواکی (SLOVAK): | PÄT |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | PENKI |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | CÓIC |
| گالی (GAULISH): | PEMPE |
| ولزی (WELSH): | PIMPE, PUMP |
| برتونی (BRETON): | PEMPAT, PEMP |
| کورن والی (CORNISH): | PYMP |
| آلبانی (ALBANIAN): | PESĒ |
| هتیت (HITTITE): | PANTA |

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 808 |
| BARNHART: | (FIVE) 386 |
| DELAMARRE: | (CINQ) 212 |
| MACKENZIE: | (FIVE) 114 |
| BUCK: | 941-952 |
| ONIONS: | (FIVE) 358 |
| SKEAT: | (FIVE) 215 |
| AMINDAROV: | 225 |
| ۴۱۹ | برهان قاطع : |

یادداشت:

۱- بازگشت به: پانزده.

۲- بازگشت به: پنجم.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): پنجاه | PANJĀH |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | FIFTY |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *PENKWE-DEKM, *PEMPE-DEKM, *PENKWE |
| | -KONTA |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | PANCĀSATA |
| پارسی باستان (OLD PERSIAN): | PANCĀTHAT |
| پهلوی (PAHLAVI): | PANJĀH |
| کردی (KURDISH): | PINJA |
| افغانی (پشتو) (AFGHANI): | PANJŌS |
| سانسکریت (SANSKRIT): | PANCĀSÁT |
| ارمنی (ARMENIAN): | YISUN |
| یونانی (GREEK): | PENTĒ-CHONTA |
| لاتین (LATIN): | QUINQUAGINTA |
| فرانسه (FRENCH): | CINQUANTE |
| اسپانیایی (SPANISH): | CINCUENTA |
| ایتالیایی (ITALIAN): | CINQUANTA |
| پرتغالی (PORTUGUESE): | CINQUENTA |
| ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): | FIMTIGE |
| فریزی کهن (OLD FRISIAN): | FĪFTICH |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | FIMFZUG |
| آلمانی (GERMAN): | FUNFZIG |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | FIFTIG |
| انگلیسی (ENGLISH): | FIFTY |
| هلندی (DUTCH): | VIJFTIG |
| لهستانی (POLISH): | PIECDZIESIAT |
| چک (CZECH): | PADESÁT |
| اسلواکی (ASLOVK): | PÄT'DESIAT |

| MACKENZIE: | (FIFTY 114) | REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|---|---|
| ۴۲۰ | برهان قاطع: | POKORNY: | 808 |
| | | BARNHART: | (FIFTY) 381 |

یادداشت:

بازگشت به: پنج و ده.

| | |
|---|---|
| PANJOM | فارسی (PERSIAN): پنجم |
| FIFTH | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *PENKWE-TOS, *PEMPE-TOS | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

پهلوی (PAHLAVI): PANCUM, PANCŌM

تخاری A (TOKHARIAN A): PANTE

تخاری B (TOKHARIAN B): PINKCE

سانسکریت (SANSKRIT): PANCATHÁS, PAKTHÁS, PANCATH, PANCAMÁ

ارمنی (ARMENIAN): HINGER-ORD

یونانی (GREEK): PÉMPTOS

لاتین (LATIN): QUINTUS

فرانسه (FRENCH): CINQUIÉME

اسپانیایی (SPANISH): QUINTO

ایتالیایی (ITALIAN): QUINTO

رومانی (RUMANIAN): QUINTO

پرتغالی (PORTUGUESE): QUINTO

گوتیک (GOTHIC): FIMFTA

ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): FIMMTI

نورس کهن (OLD NORSE): FIMTI

ساکسونی کهن (OLD SAXON): FĪFTO

فریزی کهن (OLD FRISIAN): FĪFTA

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): FIMFTO

آلمانی (GERMAN): FUNFTE

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): FIFTA

انگلیسی (ENGLISH): FIFTH

دانمارکی (DANISH): FEMTE, FEMTEDEL

نروژی (NORWEGIAN): FEMDEL, FEMTE

هلندی (DUTCH): VIJFDE

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): PETŪ

لیتوانی (LITHUANIAN): PENKTAS

ایرلندی کهن (OLD IRISH): COICED, COICER

گالی (GAULISH): PINPETUS

گالیک (GAELIC): PIMPHET

آلبانی (ALBANIAN): IPESËTE

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 808 |
| BARNHART: | (FIFTH) 381 |
| BUCK: | 941-952 |
| ONIONS: | (FIFTH) 358 |
| ۴۲۱ | برهان قاطع: |

یادداشت:

بازگشت به: پنج.

| PANJÉ | فارسی *(PERSIAN)*: پنجه |
|---|---|
| FIST, PAW | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *PENKSTI, *PENKSTIS | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN)*: |

| | | | |
|---|---|---|---|
| پهلوی *(PAHLAVI)*: | **PANJAG** | دانمارکی *(DANISH)*: | **POTE** |
| لاتین *(LATIN)*:(شاید) | **PUGNUS** | هلندی *(DUTCH)*: | **VUIST** |
| فرانسه *(FRENCH)*:(شاید) | **POING** | اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC)*: | |
| اسپانیایی *(SPANISH)*:(شاید) | **PUÑO** | | **PESTI** |
| ایتالیایی *(ITALIAN)*:(شاید) | **PUGNO** | روسی *(RUSSIAN)*: | **PIASTE** |
| پرتغالی *(PORTUGUESE)*:(شاید) | **PUNHO** | | |
| ساکسونی کهن *(OLD SAXON)*: | **FŪST** | | |
| فریزی کهن *(OLD FRISIAN)*: | **FĒST** | | |
| آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN)*: | **FŪST** | | |
| آلمانی *(GERMAN)*: | **FAUST** | | |
| انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH)*: | **FYST** | | |
| انگلیسی *(ENGLISH)*: | **FIST** | | |

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 839 |
| *BARNHART:* | (FIST) 385 |
| *MACKENZIE:* | (PAW) 126 |
| *ONIONS:* | (FIST) 358 |
| ۴۲۱ | برهان قاطع: |

یادداشت:

این واجریشه با واجریشه‌ای که واژه‌ی **FINGER** از آن آمده خویشی نزدیک دارد (بسگشت: **POKORNY: 808**
**(BARNHART: (FINGER) 383-384,**

| PAND | فارسی *(PERSIAN)*: پند (به چم "رهنمود"، "نصیحت") |
|---|---|
| ADVICE, COUNSEL | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *PENT-, *PONT- | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN)*: |

| | | | |
|---|---|---|---|
| اوستایی *(AVESTAN)*: | | بلوچی *(BALUCHI)*: | **PAND** |
| | **PATHŌ, PANTĀ, PATH** | سانسکریت *(SANSKRIT)*: | **PATHÁS** |
| پارسی باستان *(OLD PERSIAN)*: | | ارمنی *(ARMENIAN)*: | **HUN, HUNI** |
| | **PANTI, PATHI** | یونانی *(GREEK)*: | **PÁTOS** |
| پهلوی *(PAHLAVI)*: | **PAND** | لاتین *(LATIN)*: | **PONS, PONTIS** |
| اوستی *(OSSETIC)*: | **FAND** | گوتیک *(GOTHIC)*: | **FINTHAN** |
| کردی *(KURDISH)*: | **PEND** | ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN)*: | |

FINNA

| | |
|---|---|
| فریزی کهن *(OLD FRISIAN):* | **PATH, PAD** |
| آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):* | **PFAD, PHAD** |
| آلمانی *(GERMAN):* | **PFAD** |
| انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* | **PÆLD** |
| انگلیسی *(ENGLISH):* | **PATH** |
| هلندی *(DUTCH):* | **PAD** |
| اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):* | **POTŪ, PATĪ** |
| پروسی کهن *(OLD PRUSSIAN):* | **PINTIS** |

| *REFERENCES* | **پسگشت‌ها** |
|---|---|
| *POKORNY:* | **808-809** |
| *BARNHART:* | **(PATH) 764, (FIND) 383** |
| *MACKENZIE:* | **(PAND) 64, (ADVICE) 101** |
| *BUCK:* | **(PATH) 719-720** |
| *ONIONS:* | **(PATH) 657, (FIND) 356** |
| *SKEAT:* | **(PATH) 434** |
| *AMINDAROV:* | **(ADVICE) 182** |
| **۴۲۲** | *برهان قاطع :* |

**یادداشت:**

چم این واژه در زبان اوستی: آرزو، میل.
چم این واژه در زبان لاتین: پل.
چم این واژه در زبان‌های گوتیک و ایسلندی کهن: یافتن.
چم این واژه در زبان‌های دیگر واژگان این فهرست: راه.
۲- برخی واجریشه‌شناسان معتقدند که این واژه از یک زبان ایرانی به زبان‌های اروپایی راه یافته است. تغییر معنی این واژه از "راه" به "رهنمود" در زبان‌های فارسی و کردی و بلوچی منطقی بنظر می‌رسد.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* **پوپو، پک (به چم "پُرپُر" یا "شانه سر")** | **PŪPŪ, PŪPAK** |
| **چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | **HOOPOE** |
| **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN):* | ***EPOP, *OPOP** |

| | |
|---|---|
| کردی *(KURDISH):* | **PŪPŪ** |
| ارمنی *(ARMENIAN):* | **POPOP** |
| یونانی *(GREEK):* | **EPOPS** |
| لاتین *(LATIN):* | **UPUPA** |
| فرانسه *(FRENCH):* | **HOPPE** |
| آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):* | **HOPPA** |
| لهستانی *(POLISH):* | **HUPEK** |
| اسلواکی *(SIOVAK):* | **HUPATI** |
| لتونی (لتی) *(LATVIAN):* | **PUPPUKIS** |

| *REFERENCES* | **پسگشت‌ها** |
|---|---|
| *POKORNY:* | **325** |
| *DELAMARRE:* | **(HUPPE) 140** |
| *SKEAT:* | **(HOOPOE) 276** |
| *AMINDAROV:* | **(CUCKOO) 135** |
| **۴۲۵** | *برهان قاطع :* |

یادداشت:

این واژه نوعی "نام آوا" (ONOMATOPOEIA) است.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* پوست | **PŪST** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **SKIN** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | ***PEL-, *PLĒ-, *PELMEN-, *PELNO-, *PELLO** |

اوستایی *(AVESTAN):* **PASTA**

پهلوی *(PAHLAVI):* **PŌST**

کردی *(KURDISH):* **PIST, PŌST**

افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* **PŌST**

یونانی *(GREEK):* **PÉLAS, PÉLMA**

لاتین *(LATIN):* **PELLIS**

فرانسه *(FRENCH):* **PEAU**

اسپانیایی *(SPANISH):* **PELLEJO, PIEL**

ایتالیایی *(ITALIAN):* **PELLE**

رومانی *(RUMANIAN):* **PIELE**

پرتغالی *(PORTUGUESE):* **PELE**

گوتیک *(GOTHIC):* **FILHAN,- FILL**

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):*
**FELA, FELL**

نورس کهن *(OLD NORSE):* **-FJAL**

ساکسونی کهن *(OLD SAXON):* **FEL**

فریزی کهن *(OLD FRISIAN):*
**FILMENE, FEL**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):* **FELL**

آلمانی *(GERMAN):* **FELL**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):*
**FILMEN, FELL, FEL**

انگلیسی *(ENGLISH):* **FELL, FILM**

نروژی *(NORWEGIAN):* **FOLGA**

هلندی *(DUTCH):* **VEL**

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):*
**PELENA**

روسی *(RUSSIAN):* **PLENÁ**

چک *(CZECH):* **PLÈNA, PLINA**

اسلواکی *(ASLOVK):* **PLINKA**

لیتوانی *(LITHUANIAN):* **PLEVĖ**

پروسی کهن *(OLD PRUSSIAN):* **PLEYNIS**



| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | **803** |
| *BARNHART:* | **(FELL) 375, (FILM) 382** |
| *DELAMARRE:* | **(PEAU) 149** |
| *MACKENZIE:* | **(SKIN) 133** |
| *ONIONS:* | **(FELL) 349, (FILM) 356** |
| *SKEAT:* | **(FELL) 210, (FILM) 214** |
| برهان قاطع: | **۴۲۷** |

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های اسلاوی: دستمال، کهنه‌ی بچه.

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: پوست جانور، پوستین.

| PŪSIDAN, PŪDÉ | فارسی (PERSIAN): پوسیدن، پوده (به چم "پوسیده") |
|---|---|
| ROT, FOUL | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *PŪ-, *PEU-, *PŪDHŌ-, *PŪTRO | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): PUYEITI

پهلوی (PAHLAVI): PŪTAK, PŪSITAN, PUSINITAN, PŪDAG

اوستی (OSSETIC): -BUD

کردی (KURDISH): PIS

سانسکریت (SANSKRIT): PŪYATI, PŪTIS

ارمنی (ARMENIAN): HU

یونانی (GREEK): PŪTHO, PŪOS, PŪON, PȲON, PȲTHIN

لاتین (LATIN): PŪTEŌ, PŪTĒRE, PŪS, PUTRIDUS

فرانسه (FRENCH): PUTRID, PUTRIFIER

اسپانیایی (SPANISH): PUTRIDO, PUDRIR

ایتالیایی (ITALIAN): PUTRIDO

پرتغالی (PORTUGUESE): PŪTRIDO, PUTRIFICAR

گوتیک (GOTHIC): FŪLS

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): FŪLL, FŪKI

ساکسونی کهن (OLD SAXON): FŪL

فریزی کهن (OLD FRISIAN): FŪL

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): FŪL

آلمانی (GERMAN): FAUL

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): FŪL

انگلیسی (ENGLISH): FOUL

دانمارکی (DANISH): FUUL

سوئدی (SWEDISH): FUUL

نروژی (NORWEGIAN): FOYR

هلندی (DUTCH): VUIL

لیتوانی (LITHUANIAN): PŪDAU, PŪVU, PŪTI

لتونی (لتی) (LATVIAN): PŪNIS

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 848-849 |
| BARNHART: | (FOUL) 403 |
| DELAMARRE: | (PUER) 275 |
| MACKENZIE: | (FOUL) 115, 69 |
| ONIONS: | (FOUL) 373 |
| SKEAT: | (FOUL) 223-224 |
| برهان قاطع: | ۴۲۹ و ۴۲۵ |

یادداشت:

به احتمال زیاد واژه‌ی "پوده" (برهان قاطع :: ۴۲۵) هم از همین واجریشه است.

| POK, POF | فارسی (PERSIAN): پک، پف (به چم "فوت"، "باد که از دهان بیرون شود") |
|---|---|
| PUFF, BLOW | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *P(H)U-K-, *PŪ-, *POU-, *PHU- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

افغانی (پشتو) (AFGHANI): PŪ, PŪK

سانسکریت (SANSKRIT):

PUSTI-, PUSKALÁ-

ارمنی (ARMENIAN): PUK, PUKK

یونانی (GREEK): PHŪDA, PHŪDAŌ

لاتین (LATIN): PUSSULA, PUSTULA

آلمانی (GERMAN): PAFFEN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

PUF, PUFFE

انگلیسی (ENGLISH): PUFF

دانمارکی (DANISH): PUST

سوئدی (SWEDISH): PUST

نروژی (NORWEGIAN): POYSA

هلندی (DUTCH): POF, POFFEN

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

*PUCHATI

لهستانی (POLISH): PYSK, PYKAĆ

روسی (RUSSIAN): PÝCHATŪ

چک (CZECH): PYSK

لتونی (لتی) (LATVIAN):

PŪSLĒ, PUKSHLĒ

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): PÚSLIS

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 847-848 |
| BARNHART: | (PUFF) 860 |
| ONIONS: | (PUFF) 721 |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۵۶۶۵ و ۵۸۰۳ و ۵۶۶۳ |
| برهان قاطع: | ۴۲۸ |
| فرهنگ معین: | ۸۰۲ و ۸۰۳ و ۸۳۹ |

**یادداشت:**

چم کلی واژه‌های این فهرست: دمیدن، دم آهنگری، بادکردگی، بادکردن، تاول.

| | | |
|---|---|---|
| فارسی (PERSIAN): | **پوی، پوییدن (به چم "دویدن" "شتابیدن"، "عجله")** | **PŪY, PŪYIDAN** |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | | **HASTEN, HASTE, RUN** |
| **هند و اروپایی** (INDO-EUROPEAN): | | ***SPEVD** |

پهلوی (PAHLAVI): PŌY, PŌYISHNIG

سانسکریت (SANSKRIT):

SPHĀVAYATI, SPHŪY

ارمنی (ARMENIAN): P'OYT

یونانی (GREEK): SPEYDO, SPEUDO

لاتین (LATIN):(شاید) SPATIVM

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

SPJOT, SPÝTA

نورس کهن (OLD NORSE): SPJOT

ساکسونی کهن (OLD SAXON): SPIOT

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): SPIOZ

آلمانی (GERMAN): SPIESS

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): SPŌWAN

نروژی (NORWEGIAN): FOYSA

لیتوانی (LITHUANIAN):

SPAUDÁ, SPĀUSTI

آلبانی (ALBANIAN): PUNË

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 998-999 |
| MACKENZIE: | (RUN) 131, 69 |
| SKEAT: | (SPE) 758 |
| MALLORY & ADAMS: | SPEUD |
| برهان قاطع: | ۴۲۹ |
| فرهنگ معین: | ۸۴۳-۸۴۴ |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۵۸۲۲ و ۵۸۲۵ |

یادداشت:

۱- SKEAT معتقد است که واژه‌های SPACE, PROSPER, SPEED هم از همین واجریشه آمده‌اند.

۲- چم این واژه در برخی زبان‌های هند و اروپایی: موفق شدن، تغذیه کردن.

| | |
|---|---|
| PAHLŪ | فارسی (PERSIAN): پهلو |
| SIDE, FLANK | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *PERK- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): PAR∂SU-, P∂R∂SU-

پهلوی (PAHLAVI): PAHLŪK, PAHLUG

اوستی (OSSETIC): FARS

کردی (KURDISH): PĀRSŪ, PARXAN

افغانی (پشتو) (AFGHANI):(شاید) PUSHTEY

سانسکریت (SANSKRIT): PÁRŚU-,PÁRSVÁ-

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): PERŪSI

لیتوانی (LITHUANIAN): PIRSHYS

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 820 |
| MACKENZIE: | (SIDE) 132 |
| ۴۳۰ | برهان قاطع: |
| ۸۴۵ | فرهنگ معین: |

یادداشت:

چم این واژه در زبان لیتوانی: سینه.

| | |
|---|---|
| PAHN | فارسی (PERSIAN): پهن |
| WIDE | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *PET-, *PLTUS-, *PETE-, *POT- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): PATHANA

پهلوی (PAHLAVI): PAHAN

اوستی (OSSETIC): FATAN

کردی (KURDISH): PEHN, PĀN

افغانی (پشتو) (AFGHANI): PLAN

یونانی (GREEK): PETANNÝANI

لاتین (LATIN): PATEŌ, PATĒRE, PANDŌ, PANDERE

لیتوانی (LITHUANIAN): PETȲS

لتونی (لتی) (LATVIAN): PATTAR

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): PETTIS

گالی (GAULISH): LLED

هتیت (HITTITE): PATTAR, PADDANI

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 824 |
| BARNHART: | (FATHOM) 371 |
| MACKENZIE: | (WIDE) 140 |
| BUCK: | 884-885 |
| AMINDAROV: | (WIDE) 310 |
| ۴۳۳ | برهان قاطع: |

یادداشت:

۱- BARNHART , POKORWY معتقدند که واژه‌ی انگلیسی FATHOM (و واژه‌های همریشه آن در زبان‌های ژرمنی) نیز از همین واجریشه‌اند.

۲- چم این واژه در زبان‌های لیتوانی و لتونی و پررسی کهن: شانه، کتف.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): پی (به چم "رد پا"، "نشان پا"، "دنبال"، "پس و عقب") | PEY |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | FOOTRINT, SPOOR, FOOTSTEP, TRACK, FOLLOWING, AFTER |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *PEDO-M |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | PATHA- |
| پارسی باستان (OLD PERSIAN): | PATI- PADAM |
| پهلوی (PAHLAVI): | PÉY |
| کردی (KURDISH): | PEY |
| افغانی (AFGHANI): | PASE |
| سانسکریت (SANSKRIT): | PADÁ- |
| ارمنی (ARMENIAN): | HET, HETOY |
| یونانی (GREEK): | PÉDON, PEDION |
| لاتین (LATIN): | PEDA |
| ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): | FET |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | PEDÁ |
| لتونی (لتی) (LATVIAN): | PĒDA |
| هتیت (HITTITE): | PEDAN |

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| MACKENZIE: | (FOOTSTEP) 115, (TRACK) 137 |
| AMINDAROV: | (AFTER) 131 |

یادداشت:

چم واژه‌ی پارسی باستان در این فهرست: روی پاشنه چرخیدن.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): پیروز، فیروز، پیروزی | PIRŪZ, FIRŪZ, PIRŪZI |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | VICTOR, TRIUMPHANT, VICTORIOUS, VICTORY |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *PAITI-LUKI-, *PAITI-LUKO- |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | PAITI-RAOCHAH |
| پهلوی (PAHLAVI): | PĒRŌC, PĒRŌZH, PĒRŌZ, PĒRŌZGAR |
| کردی (KURDISH): | PRIOZ, PIROZI |
| ارمنی (ARMENIAN): | PĒROZ |
| یونانی (GREEK): | PEIRŌKSĒS |
| لاتین (LATIN): | PIROSES |

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | (PAITI) 150, (LEUGH) 687 |
| MACKENZIE: | (VICTORIOVS) 139 |
| AMINDAROV: | (TRIUMPH) 302 |
| RAMAT: | 138 |
| برهان قاطع: | ۴۳۹ |

یادداشت:

دکتر محمد معین (به پیروی از نیبرگ) ریشه‌ی اوستایی این واژه را PAITI-PAOCAH و ریشه‌ی پهلوی آنرا PARI-AUZHAH (به چم "قوت" و "زور") می‌داند (برهان قاطع : ۴۳۹)

| | |
|---|---|
| PĒRĀ-, PĒRĀMŪN, PARA- | فارسی *(PERSIAN):* پیرا-، پرامون، پرا |
| *PER-, *PERI- | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* |

| | | | |
|---|---|---|---|
| اوستایی *(AVESTAN):* | PAIRI- | پروسی‌کهن *(OLD PRUSSIAN):* | PER- |
| پارسی‌باستان *(OLD PERSIAN):* | PARIY- | ایرلندی کهن *(OLD IRISH):* | IR-, ER- |
| سانسکریت *(SANSKRIT):* | PÁRI- | گالی *(GAULISH):* | ERI- |
| یونانی *(GREEK):* | PERI-, PÉR- | ولزی *(WELSH):* | ER- |
| لاتین *(LATIN):* | PER- | برتونی *(BRETON):* | ER- |
| گوتیک *(GOTHIC):* | FAIR-, FRA-, FAUR | آلبانی *(ALBANIAN):* | PEJ-, PE-, PËR |
| ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):* | FON- | | |
| آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):* | FIR- | | |
| آلمانی *(GERMAN):* | VER- | | |
| انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* | FYR- | | |
| اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):* | PRĒ | | |
| لیتوانی *(LITHUANIAN):* | PER̃-, PER- | | |

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 810 |
| *BARNHART:* | (PERI-) 777 |
| *DELAMARRE:* (ENAVANT, AUTOUR) 300 | |

| | |
|---|---|
| PĒSH | فارسی *(PERSIAN):* پیش - (پیشوند به چم "قبل از") |
| PRE- | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *PRAI-, *PERAI-, *PƏRI-, *PERES-, *PEROS- | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* |

| | | | |
|---|---|---|---|
| اوستایی *(AVESTAN):* | PAITISH-, PARŌ | لاتین *(LATIN):* | PRAE-, PRĒ-, PRĪ- |
| پارسی باستان *(OLD PERSIAN):* | PATISH- | فرانسه *(FRENCH):* | PRE-, PRI- |
| پهلوی *(PAHLAVI):* | PĒSH-, PAT(I)SH- | گوتیک *(GOTHIC):* | FRI- FIR- |
| کردی *(KURDISH):* | PĪSH- | ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):* | FYR |
| بلوچی *(BALUCHI):* | PĒSH- | آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):* | FURI-, FRIST |
| سانسکریت *(SANSKRIT):* | PARÉ-, PURÁH | انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* | |
| یونانی *(GREEK):* | PARA-, PARAI-, PÁROS | | |

| | |
|---|---|
| (از فرانسه‌ی‌کهن) | PRE- |
| انگلیسی *(ENGLISH):* | PRE- |
| لیتوانی *(LITHUANIAN):* | PRIE- |
| پروسی کهن *(OLD PRUSSIAN):* | PREI |
| ایرلندی کهن *(OLD IRISH):* | AIR-, AR- |
| گالی *(GAULISH):* | ARE- |
| آلبانی *(ALBANIAN):* | PA |

| پسگشت‌ها | *REFERENCES* |
|---|---|
| 811-812 | *POKORNY:* |
| (PRE-) 828 | *BARNHART:* |
| | *DELAMARRE:* |
| | (EN AVANT DE) 301 |
| 68, (BEFORE) 104 | *MACKENZIE:* |
| (PRE-) 703 | *ONIONS:* |
| (PRE-) 470 | *SKEAT:* |
| برهان قاطع: | ۴۴۰ |

یادداشت:

واژه‌ی انگلیسی **FIRST** هم از همین ریشه است (POKOANY:812).

| | | |
|---|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* | **پینو، پینوک (به چم "کشک" و "ماست چکیده")** | **PINŪ, PINŪK** |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | | **DRIED WHEY** |
| **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN):* | | ***PĪ-, *PĪMO-, *POIMEN-** |

اوستایی *(AVESTAN):*

**PAYAH-, PAĒMAN-, PAYAH-**

سانسکریت *(SANSKRIT):*

**PAYATĒ, PINVATI, PYÁYATĒ, PINÁ**

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):*

**FEIMA**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* **FAMNE**

نروژی *(NORWEGIAN):* **FĒL**

لیتوانی *(LITHUANIAN):* **PIENAS**

| پسگشت‌ها | *REFERENCES* |
|---|---|
| 793 | *POKORNY:* |
| (FEI) 756 | *SKEAT:* |
| برهان قاطع: | ۴۴۹ |
| فرهنگ معین: | ۹۶۹-۹۷۰ |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۶۰۴۳ |

یادداشت:

۱- به احتمال زیاد واژه‌ی "پنیر" (پهلوی: **PANIR**، کردی: **PENĒR**) نیز از همین ریشه است.

۲- چم این واژه در سانسکریت: ورم کردن، یاد کردن.

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: خامه، سرشیر.

چم این واژه در زبان لیتوانی: شیر.

| | |
|---|---|
| PĒH | فارسی (PERSIAN): پیه |
| FAT | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *PEI-, *POI-, *PI-, *POID-, *PIWOS, *PEITU-, *PĪTU- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN):

PITU, POITHWA, PĪVAH-

پارسی باستان (OLD PERSIAN): PITHU

پهلوی (PAHLAVI): PIH

اوستی (OSSETIC): FIW, FIU

کردی (KURDISH): PIÚ

بلوچی (BALUCHI): PIG

سانسکریت (SANSKRIT):

PÍVAS, PITÚ, PĒTVA

یونانی (GREEK): PIAR, PIMELĒ

لاتین (LATIN): OPIMUS, PINGUIS

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

FEITR

نورس کهن (OLD NORSE): FEITA

ساکسونی کهن (OLD SAXON): FEIT

فریزی کهن (OLD FRISIAN): FATT

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): FEIZ

آلمانی (GERMAN): FEIST, FETT

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): FATT

انگلیسی (ENGLISH): FAT

دانمارکی (DANISH): FED

سوئدی (SWEDISH): FET

نروژی (NORWEGIAN): FEIT

هلندی (DUTCH): VET

لیتوانی (LITHUANIAN): PIENAS

ایرلندی کهن (OLD IRISH): IRIU

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 793 |
| BARNHART: | (FAT) 371 |
| DELAMARRE: | (GRAISSE) 149 |
| MACKENZIE: | (FAT) 114 |
| ONIONS: | (FAT) 346-347 |
| SKEAT: | (FAT) 209 |
| ۴۵۰ | برهان قاطع: |

| | |
|---|---|
| TĀBID, TĀFTAN, TĀB | فارسی (PERSIAN): تابیدن، تافتن، تاب (به چم "گرداندن" و "پیچیدن") |
| TUPN, SPIN | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *TEMP- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): *TAPAYATI

پهلوی (PAHLAVI): TĀBIDAN, TĀFATAN

تخاری A (TOKHARIAN A): TAMPE

تخاری B (TOKHARIAN B): CAMP

ارمنی (ARMENIAN): TAMB

یونانی (GREEK): TAPĒS

لاتین (LATIN):

TEMPUS, TEMPORIS, TEMPLUM

فرانسه (FRENCH): TEMPE

ایتالیایی (ITALIAN): TEMPIA

رومانی (RUMANIAN): TEMPULA

پرتغالی (PORTUGUESE): TEMPORA

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):*

**THAMOR**

انگلیسی *(ENGLISH):* **TEMPLE**

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):*

**TETIVA**

لیتوانی *(LITHUANIAN):* **TEMPTI, TIMPA**

لتونی (لتی) *(LATVIAN):* **TAMPAS**

| بسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 1064 | POKORNY: |
| (TEMPLE) 1123 | BARNHART: |
| 81 | DELAMARRE: |
| 71 | BUCK: |
| برهان قاطع :(تافتن) ۴۶۰ و (تاب) ۴۵۲ و ۴۵۴ (تابیدن) | |

**یادداشت:**

۱- واژه‌ی انگلیسی **TAFFETA** (از فرانسه کهن **TAFFETAS**← ایتالیایی **TAFFETA**← ترکی **TAFTA**). از واژه‌ی فارسی "تافته" آمده است.

۲- چم این واژه در تخاری **A** : نیرو.

چم این واژه در تخاری **B** : دانستن.

چم این واژه در لاتین و زبان‌های رومانس: گیجگاه، شقیقه.

چم این واژه در زبان ایسلندی کهن: ورم کرده، تاب خورده.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* **تاختن، تاخت، تاز، تازیدن** | **TĀXTAN, TĀXT, TĀZ, TĀZIDAN** |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | **PUN, HASTEN, GALLOP** |
| **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN):* | ***TEKW-, *TEKWŌMI** |

اوستایی *(AVESTAN):*

**TACHAITI, TAC, TAXTA**

پهلوی *(PAHLAVI):*

**TĀXTAN, TĀZĪDAN,TĀZ**

اوستی *(OSSETIC):* **TAGHT, TASHAL**

بلوچی *(BALUCHI):*

**TACAG, TASHAG, TĀVAG**

افغانی (پشتو) *(AFGHANI):*

**TASHT-, TSAHAL**

تخاری B *(TOKHARIAN B):* **CAKE**

سانسکریت *(SANSKRIT):*

**TAKTI, TAKATI, TAK**

یونانی *(GREEK):* **TOXON**

لاتین *(LATIN):* **TAXUS**

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):*

**TEKO**

لیتوانی *(LITHUANIAN):* **TEKÚ**

لتونی (لتی) *(LATVIAN):* **TEKU**

پروسی کهن *(OLD PRUSSIAN):* **TACKELIS**

ایرلندی کهن *(OLD IRISH):*

**TECHIM, TECHID**

گالی *(GAULISH):* **TEBET**

برتونی *(BRETON):* **TE'CHET**

آلبانی *(ALBANIAN):* **NDJEK**

| | | | |
|---|---|---|---|
| پسگشت‌ها | REFERENCES | (RUN) 131 | MACKENZIE: |
| 1059-1060 | POKORNY: | برهان قاطع: | ۴۵۵ |
| 288 | DELAMARRE: | | |

یادداشت:

۱- چم این واژه در زبان‌های یونانی و لاتین: درخت سرخدار.

چم این واژه در زبان‌های ایرلندی کهن و برتونی و گالی: فرار کردن، فرار.

چم این واژه در زبان تخاری B: رودخانه.

۲- بازگشت به: تک، تخش.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): تار (به چم "موی" و "ریسمان") | TĀR |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | THREAD |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *TEN-, *TEND-, *TENT'LOM |

اوستایی (AVESTAN): *TATHRA — لتونی (لتی) (LATVIAN): -TINCLO

کردی (KURDISH): TA, TĒ, TĒL

افغانی (پشتو) (AFGHANI): TŌR, TĀR

سانسکریت (SANSKRIT): TANTA-, TATA-, TÁNTRA-, TANTU-, TANTRAM, TAN-

یونانی (GREEK): TANOS

لاتین (LATIN): TENTUS

لیتوانی (LITHUANIAN): TINKLAS

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 1065 | POKORNY: |
| (TEN) 759 | SKEAT: |
| (HAIR) 233, (THREAD) 299 | AMINDAROV: |
| برهان قاطع: | ۴۶۵ |

یادداشت:

۱- به احتمال زیاد واژه‌ی "تور" نیز از همین واجریشه است.

۲- معنی این واژه در زبان‌های یونانی و لاتین: کشیده، کشیدگی.

۳- به عقیده‌ی SKEAT واژه‌ی انگلیسی THIN (و واژه‌های همریشه‌ی آن در زبان‌های ژرمنی) هم از همین واجریشه‌اند.

۴- بازگشت به: تنیدن و تار.

| | |
|---|---|
| TĀR, TĀRIK | فارسی (PERSIAN): تار، تاریک |
| DARK, MURKY | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *TEM-, *TEMSROS, *TEMES | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): TATHRA, TEMAH

پهلوی (PAHLAVI):

TĀR, TĀRAG, TĀRĪG, TUM, TUMIK

اوستی (OSSETIC): TALING, TALINGA

کردی (KURDISH): TĀR, TARĪSTAN

بلوچی (BALUCHI): TĀR

افغانی (پشتو) (AFGHANI): TŌR, TAM

تخاری B (TOKHARIAN B): TAMĀSSE

سانسکریت (SANSKRIT): TAMSRAS,

TAMRAS, TAMISRĀ, TAMAS

لاتین (LATIN): TENEBRAE

فرانسه (FRENCH): TENEBRES

اسپانیایی (SPANISH): TINIEBLAS

ایتالیایی (ITALIAN): TENEBRE

رومانی (RUMANIAN): INTUNERIC

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

THAM

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

DINSTAR

آلمانی (GERMAN): FINSTER

نروژی (NORWEGIAN): TAMM

هلندی (DUTCH): DUISTER

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIČ):

TIMA

لهستانی (POLISH): ĆMA

روسی (RUSSIAN): T'MA, TEMNOTA

چک (CZECH): TEMNÝ, TMAVÝ

صربی (SERBIAN): TAMA, TMINA

بوهمی (BOHEMIAN): TMA, TEMNOTA

اسلواکی (SLOVAK): TEMNÝ, TMAVÝ

لیتوانی (LITHUANIAN):

TIMSRAS, TÉMTI

لتونی (لتی) (LATVIAN): TUMSA, TIMSA

ایرلندی کهن (OLD IRISH): TEMEL

ولزی (WELSH): TYWYLLWCH, TYWLL

برتونی (BRETON):

TENVALIENN, TENVAL

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 1063-1064 |
| *BARNHART:* | (TEMERITY) 1122 |
| *DELAMARRE:* | (SOMBRE) 236 |
| *MACKENZIE:* (DARK, DARKNESS) 109 | |
| *BUCK:* | 61 |
| *ONIONS:* | (TENEBRAE) 903 |
| *SKEAT:* | (TEM) 759 |
| *AMINDAROV:* | (DARKNESS) 209 |
| برهان قاطع: | ۴۵۶ |

**یادداشت:**

واژه‌ی فارسی "تَم" (به چم "تاری چشم" یا "آب مروارید") نیز از همین واجریشه است (POKORNY:1063 و برهان قاطع : ۵۱۱)

| فارسی *(PERSIAN):* تخش (به چم "کمان"، "تیر") | TAXSH |
| --- | --- |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | BOW, ARROW |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | *TEKW- |

پارسی باستان *(OLD PERSIAN):* *TAHSHA

سانسکریت *(SANSKRIT):*(شاید) TAKSH-

یونانی *(GREEK):* TOXON

لاتین *(LATIN):* TAXUS

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):* THEXLA

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):* DEHSA

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* DEOX

| پسگشت‌ها | *REFERENCES* |
| --- | --- |
| 1059 | *POKORNY:* |
| 1388 | *BUCK:* |
| برهان قاطع : | ۴۷۵-۴۷۶ |

یادداشت:

۱- بازگشت به: تک و تاختن.

۲- چم این واژه در زبان‌های یونانی و لاتین: درخت سرخدار (که از آن تیر و کمان می‌ساختند!)

چم این واژه در زبان ژرمنی: نیزه، تبر زین.

| فارسی *(PERSIAN):* تخشا، تخشیدن، تخشایی (به چم "صنعت و کوشایی") |
| --- |
| TAXSH, TAXSHIDAN, TAXSHAĒ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: INDUSTRY, EFFORT |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* *TEKTH-, *TĒKMI- |

اوستایی *(AVESTAN):* TASHAITI, TWAXSHA, TWAXSH, TUXSHĀ

پارسی باستان *(OLD PERSIAN):* HAMATAXSHTĀ, HAMATAXSHAIY

پهلوی *(PAHLAVI):* TUDSHĀK, TĀSH-, TUXSHIH, TUXSHIDAN, TUXSHISHN

سانسکریت *(SANSKRIT):* TAKSHATI, TASHTI, TAKSHAN-, TAKSH

یونانی *(GREEK):* TEKTON, TECHNO-

لاتین *(LATIN):* TEXŌ, TEXERE

فرانسه *(FRENCH):* TISSER

اسپانیایی *(SPANISH):* TEJER

ایتالیایی *(ITALIAN):* SESERE

رومانی *(RUMANIAN):* TESE

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):* TESATI, TUKATI, TESHO

لهستانی *(POLISH):* TKAC, TKACTWO

روسی *(RUSSIAN):* TESLA, TKAT

چک *(CZECH):* TKÁT

صربی *(SERBIAN):* TKATI

بوهمی *(BOHEMIAN):* TKÁTI, TKAT

لیتوانی *(LITHUANIAN):* TASHYTI

لتونی (لتی) *(LATVIAN):* TESHU

| BUCK: 410 | REFERENCES پسگشت‌ها |
|---|---|
| SKEAT: | POKORNY: 1058-1059 |
| (TEKTH) 759, (TECHNICAL) 633 | DELAMARRE: (TRAVAILLE |
| برهان قاطع: ۴۷۶ | EN BOIS, ASSEMBLER) 288 |
| لغت‌نامه دهخدا: ۶۵۲۳-۶۵۲۴ | MACKENZIE: |
| | 84, (ENDEAVOUR) 112 |

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های رمانس (ناشی از لاتین) و اسلاوی: نساجی، بافندگی.

چم این واژه در زبان‌های دیگر: با فنوری و هنرمندی ساختن (به ویژه از چوب).

| | |
|---|---|
| TOXM | فارسی (PERSIAN): تخم |
| SEED, EGG, DESCENDENT, OFFSPRING | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *TEUK- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): TAOXMAN-

پارسی باستان (OLD PERSIAN): TAUMĀ

پهلوی (PAHLAVI):

TŌHM, TOM, TŌXM, TŌHMĀG

کردی (KURDISH): TŌM, TOV, TOXIM

افغانی (پشتو) (AFGHANI): TŌMA

سانسکریت (SANSKRIT):

TOKÁM, TOXMAN, TOHM

آلمانی میانه (MIDDLE HIGH GERMAN):

DIEHTER

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 1083 |
| MACKENZIE: | (SEED) 132 |
| BUCK: | (SEED) 505-506 |
| AMOMDAROV: | (SEED) 283 |
| برهان قاطع: | ۴۷۶ |

یادداشت:

چم این واژه در زبان آلمانی میانه: نو.

| | |
|---|---|
| TAZARV, TŪRANG | فارسی (PERSIAN): تذرو، تورنگ (به چم "قرقاول") |
| PHEASANT | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *TETER | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

پهلوی (PAHLAVI): TITAR, TADAR, TADARW

سانسکریت (SANSKRIT): TITTIRAS, TITTIRI

ارمنی (ARMENIAN): TATRAK

یونانی (GREEK): TÉTAROS, TETRĀŌN

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

THIDHURR

نورس کهن (OLD NORSE): THIOTHUR

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

TETREVI

روسی (RUSSIAN): TETEREN

لیتوانی (LITHUANIAN): TETERVAS

لتونی (لتی) (LATVIAN): TETERIS

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): TATARVIS

ایرلندی کهن (OLD IRISH): TETHRA

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 1079 |
| MACKENZIE: | (PHEASANT) 127 |
| MALLORY & ADAMS: | TETER |
| ۴۷۸ | برهان قاطع: |
| ۱۰۵۷ | فرهنگ معین: |

| TAR | فارسی (PERSIAN): تر (به چم "خیس") |
|---|---|
| WET, MOIST | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *TAD(H)-, *TĀI-, *TĀBH-, *TĀK-, *TĀ- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): TURUNA

پهلوی (PAHLAVI): TARR

اوستی (OSSETIC): THAYUN

کردی (KURDISH): TER

سانسکریت (SANSKRIT): TĀRUNA

ارمنی (ARMENIAN): T'ANAM

یونانی (GREEK): TEKEIN

لاتین (LATIN): TĀBEŌ, TĀBĒRE

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

THEYJA

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

DOUWEN, DŌAN

آلمانی (GERMAN): TAUEN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

THĀWIAN, THĀN

انگلیسی (ENGLISH): THAW

دانمارکی (DANISH): TO

سوئدی (SWEDISH): TÖA

نروژی (NORWEGIAN): TO

هلندی (DUTCH): DOOEIN

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

TAJETŪ, TINA

روسی (RUSSIAN): TLJA

لیتوانی (LITHUANIAN): TŸRAS, TŸRE

لتونی (لتی) (LATVIAN): TIRELIS

ولزی (WELSH): TAWDD

برتونی (BRETON): TŌRZ

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 1053 |
| BARNHART: | (THAW) 1131 |
| MACKENZIE: | (TARR) 82 |
| SKEAT: | 636 |
| MALLORY & ADAMS: | TEHA- |
| AMINDAROV: | (WET) 309 |
| ۴۷۸-۴۷۹ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: آب کردن، ذوب کردن.

چم این واژه در زبان ارمنی: تر کردن.

چم این واژه در زبان‌های اوستایی و سانسکریت: جوان، تر و تازه.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* ترا-، فرا- (مثلاً در "ترابری") | **TARĀ-, FARĀ-** |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | **THROUGH** |
| **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN):* | ***TER-, *TERES-** |

اوستایی *(AVESTAN):*
**TARE-, TARŌ-, TARA-, TERASCHA**

پهلوی *(PAHLAVI):* **TAR, TARIST**

اوستی *(OSSETIC):* **TARIN**

سانسکریت *(SANSKRIT):*
**TIRAS-, TAR-, TIRAH-, TARŌ-, TÁRATI**

یونانی *(GREEK):* (شاید) **TEĪREIN**

لاتین *(LATIN):* **TRA-, TRANS-**

گوتیک *(GOTHIC):* **THAIRH**

ساکسونی کهن *(OLD SAXON):*
**TURH, THURV**

فریزی کهن *(OLD FRISIAN):* **THURCH**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):*
**DURH, DURUH**

آلمانی *(GERMAN):* **DURCH**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* **THURH**

انگلیسی *(ENGLISH):* **THROUGH**

هلندی *(DUTCH):* **DOOR**

ایرلندی کهن *(OLD IRISH):*
**TRE-, TRI-, TAR-**

گالی *(GAULISH):* **TRA-**

برتونی *(BRETON):* **TREU-**

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 1074-1076 |
| *BARNHART:* | (THROUGH) 1138 |
| *DELAMARRE:* | 301 |
| *MACKENZIE:* | (THROUGH) 136 |
| *ONIONS:* | (THROUGH) 920, (TRANS-) 936 |
| *SKEAT:* | (THROUGH) 644 |

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* ترخینه، تلخینه، ترخنه (به چم "آب کشک") | **TARXINÉ, TALXINÉ, TARXENÉ** |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | **WHEY** |
| **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN):* | ***TENK-, *TENKLOM, *TRENK-** |

اوستایی *(AVESTAN):* **TAXMA**

افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* **TAT**

تخاری A *(TOKHARIAN A):* **TANKI**

سانسکریت *(SANSKRIT):*
**TANC-, TANÁKTI, TANAW, TAKRÁM**

گوتیک *(GOTHIC):* **THEIHAN**

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
THETTI
نورس کهن (OLD NORSE): THÉL
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): GEDĒON
لیتوانی (LITHUANIAN): TINKU, TANKUS
ایرلندی میانه (MIDDLE IRISH):
TĒCHT, TĒCAR
گالی (GAULISH): TEITHI

برتونی (BRETON): TONKET

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 1068 |
| MALLORY & ADAMS: | TRENK |
| برهان قاطع: | ۴۸۳ |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۶۶۱۵ |

یادداشت:

چم این واژه در اوستایی: پرقدرت، مقوی.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): ترس، ترسیدن | TARS, TARSIDAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | FEAR, DREAD |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *TRES-, *TERS-, *TREG-, *TFRES- |

اوستایی (AVESTAN):
TARSHTA, T∂R∂SAITI
پارسی باستان (OLD PERSIAN): TARSATIY
پهلوی (PAHLAVI): TARSĪTAN, TARS
اوستی (OSSETIC): TARSIN, TIRSUN
کردی (KURDISH): TARS, TIRSIN
بلوچی (BALUCHI): TRUSAG,TRUSAGH
افغانی (پشتو) (AFGHANI): TARH-, DĀR
سانسکریت (SANSKRIT):
TÁRJATI, TRÁSATI, TRASA-
ارمنی (ARMENIAN): (شاید) ERER
یونانی (GREEK):
TARBEŌ, TRĒŌ, TREIN
لاتین (LATIN): TORVUS,
TERREŌ, TERRĒRE, TERROR
فرانسه (FRENCH): TERREUR
اسپانیایی (SPANISH): TERROR
ایتالیایی (ITALIAN): TERRORE

پرتغالی (PORTUGUESE): TERROR
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): DRĀES
روسی (RUSSIAN): TRIAST
لیتوانی (LITHUANIAN): TRISHÚ
لتونی (لتی) (LATVIAN): TRÍSAS, TRISĒT
ایرلندی کهن (OLD IRISH): TARRACH

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 1095 |
| BARNHART: | (TERROR) 1127 |
| DELAMARRE: | (EFFRAYER) 289 |
| MACKENZIE: | (FEAR) 114 |
| BUCK: | (FEAR) 1153-1155 |
| ONIONS: | (TERRIBLE, TERROR) 912 |
| SKEAT: | (TERROR) 637 |
| AMINDAROV: | (FEAR) 223 |
| برهان قاطع: | ۴۸۴-۴۸۵ |

یادداشت:

چم این واژه در سانسکریت و لیتوانی و لتونی و یونانی : لرزیدن، به لرزه افتادن

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* ترش | **TOPSH, TOROSH** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **SOUR** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | ***(S)TERP-, *TERP-, *STERBH-** |

پهلوی *(PAHLAVI):*

**TURUSH, TRUSH, TRUFSH**

کردی *(KURDISH):* **TIRSH, TAL**

بلوچی *(BALUCHI):* **TRUSHP, TRUPSH**

افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* **TRĪV, TRIW**

لاتین *(LATIN):* **TORPEŌ, TORPĒRE**

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):*

**STJARFI**

ساکسونی کهن *(OLD SAXON):* **STERBAN**

فریزی کهن *(OLD FRISIAN):* **STERVA**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):*

**STERBAN**

آلمانی *(GERMAN):* **DERB, STERBEN**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* **STEORFAN**

انگلیسی *(ENGLISH):* **STARVE**

هلندی *(DUTCH):* **STERVEN**

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):*

**TERPKIJ**

لهستانی کهن *(OLD POLISH):*

**TROPIC, CIERPKI**

روسی *(RUSSIAN):*

**TOROPÉTU, TERPKIJ**

چک *(CZECH):* **TRÁPITI, TRRKÝ**

صربی *(SERBIAN):* **UTRUPÉTI**

اسلواکی *(SLOVAK):* **TRÁP, TRPKÝ**

لیتوانی *(LITHUANIAN):*

**STIRPTI, TIRPTI**

لتونی (لتی) *(LATVIAN):* **TIRPT**

ایرلندی *(IRISH):* **SERRACH**

آلبانی *(ALBANIAN):* **SHTERPË**

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 1024-1025 |
| *BARNHART:* | 1061 |
| *MACKENZIE:* | (SOUR) 134 |
| *ONIONS:* | 864 |
| *SKEAT:* | 599 |
| *AMINDAROV:* | (SOUR) 290 |
| ۴۸۵ | برهان قاطع : |

یادداشت:

۱- SKEAT و ONIONS ریشه‌ی هند و اروپایی این واژه‌ها را ذکر نمی‌کنند.

۲- چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: از گرسنگی یا سرما مردن، گرسنگی خوردن

چم این واژه در زبان آلبانی: بی‌حاصل، بیهوده.

چم این واژه در زبان ایرلندی: کرّه

چم این واژه در زبان لاتین و برخی زبان‌های اسلاوی: بی‌حس، گیج و بی‌حال.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): تره | TARĒ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | LEEK |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *-TRNU-, *TRNU-, *(S)TER-N- |

پهلوی (PAHLAVI): TARAK, TARRAG

افغانی (پشتو) (AFGHANI): TARKARI

سانسکریت (SANSKRIT):

TRNA-M, TARNAN

یونانی (GREEK): TÉRNAKA

گوتیک (GOTHIC): THAÚRNUS

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

THORN

ساکسونی کهن (OLD SAXON): THORN

فریزی کهن (OLD FRISIAN): THORN

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): DORN

آلمانی (GERMAN): DORN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): THORN

انگلیسی (ENGLISH): THORN

دانمارکی (DANISH): TORN

سوئدی (SWEDISH): TORN

نروژی (NORWEGIAN): TORN

هلندی (DUTCH): DOORN

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

TRUNU

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 1031 | POKORNY: |
| 1136 | BARNHART: |
| (TARRAG) 82 | MACKENZIE: |
| TRN- | MALLORY & ADAMS: |
| برهان قاطع: | ۴۹۲ |

یادداشت:

چم این واژه در سانسکریت: برگ علف

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: غار

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): تریدن، توریدن (به چم "رمیدن" و "گریختن" و "غل خوردن") | TORIDAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | ROLL, TURN |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):(شاید) | *TER-, *TERI-, *TERU-, *TOROS- |

تخاری A (TOKHARIAN A): TRIK

تخاری B (TOKHARIAN B): TRIK

یونانی (GREEK): TÒRNOS, TRIBEIN

لاتین (LATIN): TORNĀRE, TERERE

اسپانیایی (SPANISH): TORNAR

ایتالیایی (ITALIAN): TORNARE

پرتغالی (PORTUGUESE): TORNAR

ساکسونی کهن (OLD SAXON): THRÁIAN

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

DRĀEN

آلمانی (GERMAN): DREHEN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

THRAWAN, TURNIAN

انگلیسی (ENGLISH): THROW, TURN

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

TRĒTI

لیتوانی (LITHUANIAN): TRINTY

ایرلندی کهن (OLD IRISH): TARATHAR

| | | | |
|---|---|---|---|
| پسگشت‌ها | REFERENCES | SKEAT: | (THROW) 654, (TURN) 673 |
| 1071 | POKORNY: | برهان قاطع : | ۴۹۵ و ۵۳۲ |
| (THROW) 1139, (TURN) 1176 | BARNHART: | لغت‌نامه دهخدا : | ۶۶۹۶ |
| (TIROW) 920, (TURN) 949 | ONIONS: | فرهنگ معین : | ۱۱۶۴ |

یادداشت:

۱- چم پیشین این واجریشه در زبان‌های ژرمنی: چرخیدن، غلتیدن، افکندن.
چم این واژه در زبان‌های تخاری: گمراه شدن، از مسیر چرخیدن.
چم این واژه در زبان ایرلندی کهن: مته.
۲- واژه‌ی (شاید) شامل همه‌ی واژه‌های این فهرست می‌شود.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* تشنه، تشنگی | **TESHNÉ, TESHNEGI** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **THIRSTY, THIRST** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | ***TERS-, *TORS-, *TERSŌ-** |

اوستایی *(AVESTAN):* **TARSHNA**

پهلوی *(PAHLAVI):* **TISHNAK, TISHNAKIK, TISHN, TISHNAGIH**

کردی *(KURDISH):* **TESHNI, TESHNITI**

افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* **TEZHAY, TENDA**

سانسکریت *(SANSKRIT):* **TRSHNA, TRSHYATI, TARSHAYATI**

ارمنی *(ARMENIAN):* **TARSHAMIM, TAIRAMIM**

یونانی *(GREEK):* **TÈRSOMAI, TERSESTHAI**

لاتین *(LATIN):* **TORREŌ, TORRĒRE**

فرانسه *(FRENCH):* **TORRIDE**

اسپانیایی *(SPANISH):* **TÒRRIDO**

پرتغالی *(PORTUGUESE):* **TORRIDO**

گوتیک *(GOTHIC):* **THAÙRSTEI, THAURSJAN**

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):* **THORSTI**

نورس کهن *(OLD NORSE):* **THORSTI, THYRSTA**

ساکسونی کهن *(OLD SAXON):* **THURST**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):* **DERREN, DÜRST**

آلمانی *(GERMAN):* **DURST, DURSTEN**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* **THURST, THURSTIG**

انگلیسی *(ENGLISH):* **THIRST, THIRSTY**

دانمارکی *(DANISH):* **TORS**

سوئدی *(SWEDISH):* **TÖRST, TÖRSTA**

نروژی *(NORWEGIAN):* **TORST**

هلندی *(DUTCH):* **DORST, DORSTEN**

لیتوانی *(LITHUANIAN):* **TIRSHTAS**

ایرلندی کهن *(OLD IRISH):* **TART**

آلبانی *(ALBANIAN):* **TER**

| بسگشت‌ها | REFERENCES | | |
|---|---|---|---|
| BUCK: | 333 | POKORNY: | 1078 |
| ONIONS: | (THIRST) 917 | BARNHART: | (THIRST) 1135 |
| SKEAT: | (THIRST) 642 | DELAMARRE: | (AVOIR SOIF) 289 |
| MINDAROV: | (THIRST) 298 | MACKENZIE: | (THIRST, THIRSTY) 136 |
| برهان قاطع: | ۴۹۷ و ۴۹۹ | | |

**یادداشت:**

چم این واژه در زبان‌های یونانی و رومانس (لاتین و زبان‌های ناشی از آن): خشک، خشکیدن.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): تف، تفو، تف کردن | TOF, FOFŪ, TOF KARDAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | SPIT |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *(S)PIEU-, *(S)PIWŌ- |

اوستایی (AVESTAN): SPĀMA

پهلوی (PAHLAVI): TŪF, TŪFEK

اوستی (OSSETIC): TU

کردی (KURDISH): TEF, TUK, TIFŪ

افغانی (پشتو) (AFGHANI): TU, TUK, TUKAL

سانسکریت (SANSKRIT): SHTIV, SHTIVAIT, TUHIVATI

ارمنی (ARMENIAN): TUK, TKANEM

یونانی (GREEK): PTUŌ

لاتین (LATIN): SPUŌ, SPUERE

گوتیک (GOTHIC): SPEIWAN

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): SPÝJA

نورس کهن (OLD NORSE): SPYTA

فریزی کهن (OLD FRISIAN): SPOTTIA

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): SPIWAN

آلمانی (GERMAN): SPUCKE, SPUCKEN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): SPIWAN, SPITAN

انگلیسی (ENGLISH): SPIT, SPITTLE

دانمارکی (DANISH): SPYTTE

سوئدی (SWEDISH): SPOTTA

نروژی (NORWEGIAN): SPYTTE

هلندی (DUTCH): SPUWEN

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): PLJUJO

لهستانی (POLISH): PLUC´

روسی (RUSSIAN): PLEVAT

چک (CZECH): PLIVAT

صربی (SERBIAN): PLJWATI

بوهمی (BOHEMIAN): PLIVATI

اسلواکی (SLOVAK): PLUVAT

لیتوانی (LITHUANIAN): SPIÁUJU, SPIÁUTI

لتونی (لتی) (LATVIAN): SPLAUT

| پسگشت‌ها | REFERENCES | | |
|---|---|---|---|
| 999-100 | *POKORNY:* | (SPIT) 588 | *ONIONS:* |
| (SPIT) 1047 | *BARNHART:* | (SPIT) 589 | *SKEAT:* |
| (CRACHER) 284 | *DELAMARRE:* | 291 | *AMINDAROV:* |
| 264-265 | *BUCK:* | ۵۰۰ و ۵۰۲ | برهان قاطع: |
| | | ۶۸۳۷ | لغت‌نامه دهخدا: |

**یادداشت:**

۱- BARNHART و ONIONS فقط ریشه‌های ژرمنی این واژه را می‌دهند.

۲- SKEAT رابطه‌ی واژه‌های ژرمنی این فهرست را با سایر واژه‌ها "احتمالی".می‌داند.

| | |
|---|---|
| **فارسی** *(PERSIAN):* | **تف، تفت، تفتان، تافتن، تفسیدن** |
| | **TAF, TAFT, TAFTAN, TĀFTAN, TAFSIDAN** |
| **چَم انگلیسی سزواژه‌ی فارسی:** | **WARM, HEAT** |
| **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN):* | ***TEP-** |

اوستایی *(AVESTAN):* **TAFTA, TĀPAITI**

**TAFSAITI, TAPTA-, TĀPAYEITI, TAFNU**

پهلوی *(PAHLAVI):*

**TAB-, TĀFTAN, TĀFTISHN, TAPISHN**

کردی *(KURDISH):* **TA**

سانسکریت *(SANSKRIT):* **TÁPATI, TAPTÁ-**

**TÁPAS-, TAP-, TĀPÁYATI**

ارمنی *(ARMENIAN):* **TAP, TAPAK**

لاتین *(LATIN):*

**TEPIDUS, TEPĒRE, TEPEŌ**

فرانسه *(FRENCH):* **TIÉD**

اسپانیایی *(SPANISH):* **TIBIO**

ایتالیایی *(ITALIAN):* **TIEPID**

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):*

**THEFR, THEFA**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):*(شاید)

**DOWEN**

آلمانی *(GERMAN):*(شاید) **(VER)DAUEN**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):*(شاید)

**THEFIAN**

انگلیسی *(ENGLISH):* **TEPID**

نروژی *(NORWEGIAN):* **TEVA**

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):*

**TEPLŪ**

لهستانی *(POLISH):* **CIEPLY**

روسی *(RUSSIAN):*

**TEPLIJ, TOPITU, TOPITĪ**

چک *(CZECH):* **TEPLÝ**

صربی *(SERBIAN):* **TOPITI**

بوهمی *(BOHEMIAN):* **TEPLÝ**

ایرلندی کهن *(OLD IRISH):* **TĒ, TESS**

آلبانی *(ALBANIAN):* **TOSK, FTOF**

هتیت *(HITTITE):* **THPASSA**

| پسگشت‌ها | REFERENCES | | |
|---|---|---|---|
| 1069-1070 | POKORNY: | (TEPID) 910 | ONIONS: |
| (TEPID) 1126 | BARNHART: | | SKEAT: |
| (CHAUFFER) 289 | DELAMARRE: | (TEPID) 636, (TEP) 759 | |
| (HEAT) 117 | MACKENZIE: | (FEVER) 224 | AMINDAROV: |
| 1077 | BUCK: | ۵۰۰-۵۰۱ و ۴۶۰ | برهان قاطع: |

یادداشت:

۱- واژه‌ی "تب" نیز از همین ریشه است.

۲- این واجریشه در واژه‌های "تابستان" و "تابخانه" و "تاوه" و "تون تاب" (و غیره) هم دیده می‌شود.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): تک (به چم "دو"، "دویدن"، "یورش بردن") | TAK |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | RUN, PUSH, ATTACK |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *TEKW-, *TEKWŌMI |

اوستایی (AVESTAN): TAKŪ

TACHINŌ, TACHAR, TAKA

پهلوی (PAHLAVI): TAG

افغانی (پشتو) (AFGHANI): TAK, TAG

سانسکریت (SANSKRIT): TAKVAS, TAKA

گوتیک (GOTHIC): THIUS

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): THȲ

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

DED, DIONĒN

آلمانی (GERMAN): DIENEN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

DĒO, DEOWU

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

لیتوانی (LITHUANIAN): TEKINAS, TĀKAS

لتونی (لتی) (LATVIAN): TEKSINIS

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 1059 | POKORNY: |
| | DELAMARRE: |
| (RAPID, QUI COUR) 235 | |
| (RUNNING) 131, (ATTACK) 103 | MACKENZIE: |

برهان قاطع: ۵۰۳ و ۵۱۷

یادداشت:

چم این واژه در اوستایی و لیتوانی و افغانی: دویدن، جاری شدن.

چم این واژه در لیتوانی و لتونی و زبان‌های ژرمنی: خدمتکار، پادو.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN)*: تن | TAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | BODY |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN)*: | *TENU-, *TENUS |

اوستایی *(AVESTAN)*: TANŪ
پهلوی *(PAHLAVI)*: TAN
کردی *(KURDISH)*: DGAN
افغانی (پشتو) *(AFGHANI)*: TAN
سانسکریت *(SANSKRIT)*: TANŪ
یونانی *(GREEK)*: TEINO

| پسگشت‌ها | *REFERENCES* |
|---|---|
| 1069 | *POKORNY:* |
| (BODY) 104 | *MACKENZIE:* |
| 198-199 | *BUCK:* |
| (BODY) 192 | *AMINDAROV:* |
| برهان قاطع: | ۵۱۵ |

**یادداشت:**

۱- واژه‌ی "تُنُک" هم از همین ریشه است.
۲- بازگشت به "تُنُک".
۳- واژه‌هایی مانند "تومند" و "تهمتن" و "تن پرور" همه دارای این واجریشه‌اند.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN)*: تنجیدن، تنج (به چم "بخود پیچیدن" و درهم فشرده شدن") TANJIDAN | |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | CONTORT, COMPRESS |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN)*: | *TANK- |

اوستایی *(AVESTAN)*: TASHYAH-, TANCHISHTA
اوستی *(OSSETIC)*: TINJIN, ITINJUN
بلوچی *(BALUCHI)*: TAJĒNAG
سانسکریت *(SANSKRIT)*: TANJ-, TANC-

| پسگشت‌ها | *REFERENCES* |
|---|---|
| 1068-1069 | *POKORNY:* |
| برهان قاطع: | ۵۱۶ |

**یادداشت:**

این واژه و واژه‌ی "تنک" همریشه‌اند.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN)*: تندر | TONDAR |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | THUNDER |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN)*: | *(S)TEN-, *(S)TON-, *(S)TN- |

افغانی (پشتو) *(AFGHANI)*: TANDAR, TANĀ, TĀLANDA
سانسکریت *(SANSKRIT)*: STÁNATI, STÁNITI, TÁNYATI, TANAYITÚ

یونانی (GREEK): STÉNEIN, STĒNŌ
لاتین (LATIN): TONĀRE, TONŌ
فرانسه (FRENCH):
TONNER, TONNERRE
اسپانیایی (SPANISH): TRUENO
ایتالیایی (ITALIAN): TUONO
رومانی (RUMANIAN): TENET
پرتغالی (PORTUGUESE): TROVÃO
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
THŌRR, THONARR
نورس کهن (OLD NORSE): STYNJA
ساکسونی کهن (OLD SAXON): THUNAR
فریزی کهن (OLD FRISIAN): THUNER
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
DONAR
آلمانی (GERMAN):
DONNER, DONNERN
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
THUNOR, DUNIAN
انگلیسی (ENGLISH): THUNDER
دانمارکی (DANISH): TORDEN
سوئدی (SWEDISH): TORDEN
نروژی (NORWEGIAN): TORDNE
هلندی (DUTCH): DONDER
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
STENATI
روسی (RUSSIAN): STENAT, STONAT
اسلواکی (SLOVAK): DUNIET
لیتوانی (LITHUANIAN): STENĒTI, STENŪ
پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): STINONS
ایرلندی کهن (OLD IRISH):
TORAINN, STEŪ

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 1021 | POKORNY: |
| (THUNDER) 1139 | BARNHART: |
| (TONNER) 285 | DELAMARRE: |
| 57-58 | BUCK: |
| (THUNDER) 921 | ONIONS: |
| (THUNDER) 645 | SKEAT: |
| برهان قاطع : | ۵۱۷ |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): تُنُک | TONOK, TANOK |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | THIN, SPARSE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *TENŌS-, *TENS- |

پهلوی (PAHLAVI): TANUK
اوستی (OSSETIC): TÄNÄG
کردی (KURDISH): TENIK
بلوچی (BALUCHI): TANAX, TANAK,
سانسکریت (SANSKRIT): TANÚ,
TANÚS, TANVI, TANUKA, TANI-MAN
یونانی (GREEK): TANY-, TANAÓS
لاتین (LATIN): TENUIS, TENERE
فرانسه (FRENCH): TÉNU
اسپانیایی (SPANISH): TENUE
گوتیک (GOTHIC): UFTHANJAN
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

THUNNR

نورس کهن (OLD NORSE): THUNNI

فریزی کهن (OLD FRISIAN): THENNE

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

DUNNI

آلمانی (GERMAN): DÜNN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): THYNNE

انگلیسی (ENGLISH): THIN

دانمارکی (DANISH): TYND

سوئدی (SWEDISH): TUNN

نروژی (NORWEGIAN): TYNN

هلندی (DUTCH): DUN

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

TINUKŪ, TANAK

لهستانی (POLISH): CIENKY

روسی (RUSSIAN): TÓNKIJ

چک (CZECH): TENKÝ

بوهمی (BOHEMIAN): TENKY

اسلواکی (SLOVAK): TENK, TENKÝ

لیتوانی (LITHUANIAN): TEVAS

لتونی (لتی) (LATVIAN): TIĒV, TIĒVS

ایرلندی کهن (OLD IRISH): TANAE,

TANE

گالی (GAULISH): TENEU

ولزی (WELSH): TENEU

برتونی (BRETON): TANAŌ, TANO

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 1069 |
| BARNHART: | (THIN) 1134 |
| MACKENZIE: | (THIN) 136 |
| BUCK: | 889 |
| ONIONS: | (THIN) 917 |
| SKEAT: | (THIN) 641 |
| AMINDAROV: | 298 |
| ۵۱۹ | برهان قاطع: |

یادداشت:

چم این واژه در زبان لاتین: باریک، نازک.

چم این واژه در زبان یونانی:دراز.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): تنگ (در برابر "گشاد") | TANG |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | TIGHT |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *TENGH-, *TENK |

اوستایی (AVESTAN):

TAXMA, TANGCISHTA

پهلوی (PAHLAVI): TANG

اوستی (OSSETIC): TINJIN

کردی (KURDISH): TENK, TENG

بلوچی (BALUCHI): TANK

افغانی (پشتو) (AFGHANI): TANGAYI

تخاری A (TOKHARIAN A): TÄNK

تخاری B (TOKHARIAN B): TANK

سانسکریت (SANSKRIT): TANAKTI, TANC

ارمنی (ARMENIAN): TANJIR, TANJR

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

THĒTTR

فریزی کهن (OLD FRISIAN):

TACHT, TICHT

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

DĪHTE

آلمانی (GERMAN): DICHT

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): TYGHT

انگلیسی (ENGLISH): TIGHT

دانمارکی (DANISH): TAT

سوئدی (SWEDISH): TÄT

نروژی (NORWEGIAN): TETT

هلندی (DUTCH): DIGT

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

TEGNOTI

لهستانی (POLISH): TEGI

روسی (RUSSIAN): TUGÒJ

چک (CZECH): TĚSNÝ

اسلواکی (SLOVAK): TŌGA, TESNÝ

لتونی (لتی) (LATVIAN): TANKUS

ایرلندی کهن (OLD IRISH): TĒVHT

یادداشت:

چم این واژه در اوستایی: نیرومند

چم این واژه در تخاری B,A: جلوگیری.

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 1067-1068 |
| BARNHART: | (TIGHT) 1142 |
| MACKENZIE: | (TIGHT) 137 |
| ONIONS: | (TIGHT) 923 |
| SKEAT: | |
| (TIGHT) 647, (TENQ) 759 | |
| ۵۱۹ | برهان قاطع: |

| | |
|---|---|
| TANIDAN | فارسی (PERSIAN): تنیدن |
| SPIN (A WEB) | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *TEN-, *TEND-, *TENTO-, *TONO- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN):

TAN,- TANAVA, USTĀNA

پهلوی (PAHLAVI): TATAK

سانسکریت (SANSKRIT):

TAN, TANÓTI, TÁNA-, TÁNAS-

یونانی (GREEK): TONÓS, TATOZ

لاتین (LATIN): TENUS, TENORIS

گوتیک (GOTHIC): -THANJAN

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

DEN(N)EN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

DEENNAN, DENIAN

لیتوانی (LITHUANIAN): TINTI, TANAS

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 1065 |
| SKEAT: | (TEN) 759 |
| ۵۲۴ | برهان قاطع: |
| ۷۰۷۶ | لغت‌نامه دهخدا: |

یادداشت:

۱- واژه‌های "تار" و "تور" و "تفنگ" هم از همین واجریشه هند و اروپایی هستند.

۲- چم این واژه در زبان لاتین: دام، تله.

۳- واژه‌های "تندو" و "تنده" و غیره نیز از همین واجریشه‌اند.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): تو (مخاطب مفرد) | TO |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | THOU, YOU |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *TU, *TUO-, *TEUO- |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | TŪ, TAVA, TŪM, TVAM |
| پارسی باستان (OLD PERSIAN): | TAVA, TUVAM |
| پهلوی (PAHLAVI): | TŌ |
| اوستی (OSSETIC): | DU, DI, DAE |
| کردی (KURDISH): | TU, TAVA |
| افغانی (پشتو) (AFGHANI): | TA, TI |
| تخاری A (TOKHARIAN A): | TU |
| تخاری B (TOKHARIAN B): | TUWE |
| سانسکریت (SANSKRIT): | TŪ, TAVA, TUAM, TVÁM |
| ارمنی (ARMENIAN): | DU |
| یونانی (GREEK): | TU, SÝ, TÝ |
| لاتین (LATIN): | TU, SÚ |
| فرانسه (FRENCH): | TU, TOI |
| اسپانیایی (SPANISH): | TÚ |
| ایتالیایی (ITALIAN): | TU |
| رومانی (RUMANIAN): | TU |
| پرتغالی (PORTUGUESE): | TU |
| گوتیک (GOTHIC): | THU |
| ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): | THŪ |
| ساکسونی کهن (OLD SAXON): | THU |
| فریزی کهن (OLD FRISIAN): | THU |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | DŪ |
| آلمانی (GERMAN): | DU |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | THŪ |
| انگلیسی (ENGLISH): | THOU |
| دانمارکی (DANISH): | DU |
| سوئدی (SWEDISH): | DU |
| نروژی (NORWEGIAN): | DU |
| اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): | TY |
| لهستانی (POLISH): | TY |
| روسی (RUSSIAN): | TUI |
| چک (CZECH): | TY, VY |
| اسلواکی (SLOVAK): | TY, VY |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | TÙ |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | TŪ |
| آلبانی (ALBANIAN): | TI |
| هتیت (HITTITE): | TUK, ZIK |

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 1097-1098 |
| BARNHART: | (THOU) 1136 |
| MACKENZIE: | (THOU) 136 |
| ONIONS: | (THOU) 918 |
| SKEAT: | (THOU) 643 |
| AMINDAROV: | 312 |
| برهان قاطع: | ۵۲۵ |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): توان، توانا، توانستن | TAVĀN, TAVĀNĀ, TAVĀNESTAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | POWER, ABILITY, ABLE, POWERFUL, CAN, MIGHT, MIGHTY |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *TEU-, *TUŌ-, *TUMO-, *TŪRO-, *TŪRO-, *TU- |

اوستایی (AVESTAN):
TAVĀ, TAV-, TAVAH-, TAUMAN-

پهلوی (PAHLAVI):
TUWĀN, TUWĀNIG, TUWĀVĀG

سانسکریت (SANSKRIT):
TAV-, TAVITI-, TÁVASVANT-

ارمنی (ARMENIAN): TEVEM

یونانی (GREEK): TITUÓS, TAUS

لاتین (LATIN):
TOVEŌ, TOVĒRE, TŌTUS, TUMĒRE

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
THUFA

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
THUF, THŪFIAN

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
TYTI

لهستانی (POLISH): TIUSZCZ, TUSZA

روسی (RUSSIAN): TYJU, TYTI, TUK'

چک (CZECH): TIUSTÝ, TUCHNÝ

صربی (SERBIAN): TŌV

اسلواکی (SLOVAK): TISTY, TUCHNÝ

لیتوانی (LITHUANIAN): TAUKAS, TUKTI

ایرلندی کهن (OLD IRISH): TŪAIMM

ولزی (WELSH): TOM

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 1080-1082 |
| BARNHART: | (TUMOR) 1174, (THUMB) 1139, (TOMB) 1149 |
| MACKENZIE: | (CAN) 106, (POWER) 128, (ABLE) 101 |
| BUCK: | 648 |
| ONIONS: | (THIGH) 917, (THUMB) 921 |
| SKEAT: | (TEU) 759-760 |
| ۵۲۶ | برهان قاطع: |

یادداشت:

۱- چم این واژه در زبان لاتین: چپاندن، پرکردن

چم این واژه در زبان ایسلندی کهن و ایرلندی کهن و ولزی: تپه، بلندی، اعتلا.

چم این واژه در زبان انگلیسی کهن: شاخ و برگ، برگ دادن.

چم این واژه در زبان‌های اسلاوی و زبان لیتوانی: چاق، چاق شدن

۲- واژه‌ی انگلیسی THIGH (انگلیسی کهن:THIH, THEOH؛ آلمانی کهن:DIOH؛ فریزی کهن:THIĀCH؛ اوستایی:TAVSA) نیز از همین واجریشه است.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): توده | TUDÉ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | MASS(ES) |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *TĒU-, *TUŌ-, *TEUTĀ-, *TOUTĀ-, *TEUTONO |

کردی (KURDISH): TŪDE

لاتین (LATIN): TŌTUS, TŌTUM

گوتیک (GOTHIC): THIUDA, THIOD

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): THJŌD

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): DIOT, DIOTA

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): THÉOD

لیتوانی (LITHUANIAN): TAUTÀ

لتونی (لتی) (LATVIAN): TÀUTA

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): TAUTO

ایرلندی کهن (OLD IRISH): TŪATH

گالی (GAULISH): TŪD

برتونی (BRETON): TUD

هتیت (HITTITE): TUZZI-

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 1084 |
| RAMAT: | 14 |
| MALLORY & ADAMS: | TEUTÈH |
| AMINDAROV: | (PARTY) 163 |
| MALLORY: | 124 |
| برهان قاطع: | ۵۳۰ |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۷۱۱۴ |
| فرهنگ معین: | ۱۱۶۵ |

**یادداشت:**

۱- پسگشت‌های ایرانی ریشه‌های این واژه را نمی‌دهند.

۲- واژه‌های DEUTSCH, TEUTONIC, TEUTON هم از همین واجریشه آمده‌اند.

۳- چم این واژه در ایرلندی کهن: تبار، قبیله.

چم این واژه در زبان‌های دیگر این فهرست: مردم، عامه.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): توله، توره (به چم "بچه‌ی جانور"، "شغال") | TŪLÉ TŪRÉ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | CUB, JACKAL, WHELP |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *TER-, *TERU-, *TORNO- |

اوستایی (AVESTAN): TAURUNA

پهلوی (PAHLAVI): TŌRAG, TŪRAK, TŌRAK, TARUK, TURUK

اوستی (OSSETIC): TÄRIN

کردی (KURDISH): TŪLE

بلوچی (BALUCHI): TŌLAG, TŌLAGH

سانسکریت (SANSKRIT): TÁRUNA

ارمنی (ARMENIAN): TARM

یونانی (GREEK): TÉRĒN, TÉRENOS

لاتین (LATIN): TENER, TENEREM

فرانسه کهن (OLD FRENCH): TENRE, TENDRE

اسپانیایی (SPANISH): TIERNO

ایتالیایی (ITALIAN): TENERO

| | |
|---|---|
| پرتغالی *(PORTUGUESE):* | **TENRO** |
| گوتیک *(GOTHIC):* | **THARIHS** |
| ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):* | **THYRMA** |
| انگلیسی *(ENGLISH)*:(از فرانسه‌ی کهن) | **TENDER** |
| لیتوانی *(LITHUANIAN):* | **TARNAS** |
| آلبانی *(ALBANIAN):* | **TRIM** |

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 1070 | *POKORNY:* |
| 1124 | *BARNHART:* |
| (JACKAL) 120 | *MACKENZIE:* |
| 909 | *ONIONS:* |
| 635 | *SKEAT:* |
| برهان قاطع: | ۵۳۲ و ۵۳۵ |

**یادداشت:**

۱- چَم این واژه در زبان اوستایی: بچه.

۲- چم این واژه در زبان پهلوی و زبان بلوچی: شغال.

۳- این واژه در زبان‌های رومانس و انگلیسی به چم "تازه" و "لطیف" و "تورسیده" هم بکار می‌رود.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* تهی | **TOHI** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **EMPTY** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | ***TEUS-, *TUSSKO-, *TUSSKYOS** |

| | |
|---|---|
| اوستایی *(AVESTAN):* | **TAOSH, TAOSHAEITI** |
| پارسی باستان *(OLD PERSIAN):* | **TUTHYA, TUSSYA** |
| پهلوی *(PAHLAVI):* | **TUHIK, TIHIK, TUHIG** |
| افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* | **TĀSH** |
| سانسکریت *(SANSKRIT):* | **TUSEM** |
| ارمنی *(ARMENIAN):* | **TESCA** |
| لاتین *(LATIN):* | **TESQUA-, TESCA** |
| ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):* | **TOMR** |
| ساکسونی کهن *(OLD SAXON):* | **TŌM** |
| آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):* | **DOST** |
| انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* | **THOST** |
| دانمارکی *(DANISH):* | **TOM** |
| سوئدی *(SWEDISH):* | **TOM** |
| نروژی *(NORWEGIAN):* | **TOM** |
| اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):* | **TŪSHTI** |
| روسی *(RUSSIAN):* | **TUSHCHIJ** |
| لیتوانی *(LITHUANIAN):* | **TUSHCHIAS** |

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 1085 | *POKORNY:* |
| 236 | *DELAMARRE:* |
| (EMPTY) 112 | *MACKENZIE:* |
| 932-933 | *BUCK:* |
| TUSSKJOS | *MALLORY & ADAMS:* |
| برهان قاطع: | ۵۳۹ |

یادداشت:

چم این واژه در زبان سانسکریت: آنها از دست می‌دهند، بی‌حاصل.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): تیر | TIR |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | ARROW, DART, SHAFT |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *(S)TEIG-, *(S)TIG- |

اوستایی (AVESTAN): TIGHRA, TIGHRI

پهلوی (PAHLAVI): TIR, TĒR, TIGR, TĒSH

کردی (KURDISH): TIRIK

سانسکریت (SANSKRIT): TIGMA-, TIGITA

ارمنی (ARMENIAN): TĒG

لاتین (LATIN): STIZŌ

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):(شاید) STIK, STIKA

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):(شاید) STEHHO, STECKO

آلمانی (GERMAN):(شاید) STECKEN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):(شاید) STICCA

انگلیسی (ENGLISH):(شاید) STICK

هلندی (DUTCH):(شاید) STEK

گالی (GAULISH): TIGOM

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 1016 |
| BARNHART: | (STIK) 1067 |
| MACKENZIE: | (ARROW) 102 |
| BUCK: | 1389-1390 |
| ONIONS: | (STICK) 869 |
| SKEAT: | |
| (STICK) 607-608, (STEG) 759 | |
| AMINDAROV: | (ARROW) 186 |
| برهان قاطع: | ۵۴۰-۵۴۱ |

یادداشت:

۱- چَم این واژه در زبان‌های ژرمنی: چوبدستی.

۲- بازگشت به: تیز و تیغ.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): تیز | TIZ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | SHARP |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *(S)TEIG- |

اوستایی (AVESTAN): TAĒZA,- TAEZHA, TIZI-

پارسی باستان (OLD PERSIAN): TIGRA-

پهلوی (PAHLAVI): TĒZ, TĒJ

کردی (KURDISH): TIZH

بلوچی (BALUCHI): TĒZ

افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* **TERĒ, TĒZ**

سانسکریت *(SANSKRIT):*

**TĒJATE, TIGMÁ- TĒJ-, TĒJAS-**

ارمنی *(ARMENIAN):* **TĒZ, TĒJ**

یونانی *(GREEK):* **STIZEIN**

لاتین *(LATIN):* **STIGŌ, STINGŌ**

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):*

**THISTILL**

فریزی کهن *(OLD FRISIAN):* **DĪSSEL**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):*

**DISTIL**

آلمانی *(GERMAN):* **SISTEL**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* **DISTEL**

انگلیسی *(ENGLISH):* **THISTLE**

دانمارکی *(DANISH):* **TIDSEL**

سوئدی *(SWEDISH):* **TISTEL**

نروژی *(NORWEGIAN):* **TISTEL**

هلندی *(DUTCH):* **DISTEL**

لیتوانی *(LITHUANIAN):* **STIṆGÚ, STIGAU**

لتونی (لتی) *(LATVIAN):* **STIGT**

گالی *(GAULISH):* **TIGOM**

| پسگشت‌ها | *REFERENCES* |
|---|---|
| 1016 | *POKORNY:* |
| (THISTLE) 1135 | *BARNHART:* |
| 286 | *DELAMARRE:* |
| (SHARP) 132 | *MACKENZIE:* |
| (STEIG) 759 | *SKEAT:* |
| 143 | *RAMAT:* |
| برهان قاطع : | ۵۴۴ |

**یادداشت:**

۱- بازگشت به: تیز، تیغ، ستیغ.

۲- ONIONS معتقد است که واژه‌های ژرمنی این فهرست از ریشه تا معلومی هستند.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* **تیغ** | **TIGH, TĒGH** |
| **جَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | **THORN, BLADE** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | ***(S)TIG-, *(S)TEIG-** |

اوستایی *(AVESTAN):* **TAEGHA**

پهلوی *(PAHLAVI):* **TĒGH, TĒX**

اوستی *(OSSETIC):* **TĒGH, TĒGHÄ**

بلوچی *(BALUCHI):* **TĒG**

سانسکریت *(SANSKRIT):* **TEJA, TEJATÉ**

ارمنی *(ARMENIAN):* **TĒG**

لاتین *(LATIN):* **INSTIGŌ, INSTIGARE**

گوتیک *(GOTHIC):* **STIKS**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):* **STIH**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* **STICE**

| پسگشت‌ها | *REFERENCES* |
|---|---|
| 1016 | *POKORNY:* |
| (EDGE) 112 | *MACKENZIE:* |
| برهان قاطع : | ۵۴۵ |

**یادداشت:**

بازگشت به: تیز.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* تیره، تیرگی | **TIRÉ, TIREGI** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **DARK** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | ***TEM-, *TEMESRO** |

اوستایی *(AVESTAN):*
**TAMRÁ, TATHRYA, TAMSRA**
پارسی باستان *(OLD PERSIAN):* **TATHRIA**
پهلوی *(PAHLAVI):* **TĒRAK**
بلوچی *(BALUCHI):* **TĒRAGH**
افغانی (پشتو) *(AFGHANI):*
**TIRA, TÉT, TIYÁRA**
سانسکریت *(SANSKRIT):* **TAMASÁ**
نورس کهن *(OLD NORSE):*(شاید) **DOKKR**
آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):*(شاید)
**TUNCHAL**
آلمانی *(GERMAN):*(شاید) **DUNKEL**
انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):*(شاید)
**DEORK**
انگلیسی *(ENGLISH):*(شاید) **DARK**
دانمارکی *(DANISH):*(شاید) **DUNKEL**
سوئدی *(SWEDISH):*(شاید) **DUNKEL**
هلندی *(DUTCH):*(شاید) **DONKER**
اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):*(شاید)
**TEMINU**
لهستانی *(POLISH):*(شاید) **CIEMNY**
روسی *(RUSSIAN):*(شاید)
**TÉMPRIVO, TEMNYJ**
صربی *(SERBIAN):*(شاید) **TAMAN**
بوهمی *(BOHEMIAN):*(شاید) **TEMNÝ**
لیتوانی *(LITHUANIAN):*(شاید) **TIMSA**
لتونی (لتی) *(LATVIAN):*(شاید) **TIMA**
ایرلندی کهن *(OLD IRISH):*(شاید)
**TEMEN**

| بسگشت‌ها | *REFERENCES* |
|---|---|
| 1063-1064 | *POKORNY:* |
| (DARK) 109 | *MACKENZIE:* |
| 61, 1052 | *BUCK:* |
| برهان قاطع : | ۵۴۴ |

یادداشت:

بازگشت به: تار، تاریک.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* جا، -گاه | **JĀ,- GĀH** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **PLACE** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | ***GWA-** |

اوستایی *(AVESTAN):*
**GĀTŪ, GĀTUSH, JAI**
پارسی باستان *(OLD PERSIAN):* **GATHU**
پهلوی *(PAHLAVI):* **GYAG, GYAK**
کردی *(KURDISH):* **JI**
بلوچی *(BALUCHI):* **JĀ**
افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* **JĀĒ, GHĀLAI**
سانسکریت *(SANSKRIT):* **GATŪ, GATŪH**
ارمنی *(ARMENIAN):* **GAH**

| پسگشت‌ها REFERENCES | | | |
|---|---|---|---|
| POKORNY: | 163 | BUCK: | 830-831 |
| MACKENZIE: | (PLACE) 127 | برهان قاطع : | ۵۵۱ و ۱۷۷۱ |

یادداشت:

بازگشت به: گام، آمدن.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): جادو | JĀDŪ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | SORCERY, MAGIC, WIZARD(RY) |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *IA-, *IŌ-, *IALOS, *IAROS |

اوستایی (AVESTAN): YĀTU

پهلوی (PAHLAVI):

JATUK, YĀTUK, JĀDŪG, JĀDUGĪH

کردی (KURDISH):

CEDU, JEDU, JEDUGARY

سانسکریت (SANSKRIT): YĀTÚ

ارمنی (ARMENIAN): JATUK, JANAM

یونانی (GREEK): ZĒLOS

لاتین (LATIN): ZĒLUS, ZELOTYPUS

فرانسه (FRENCH): JALOUX, JALOUSIE

اسپانیایی (SPANISH): CELOS

ایتالیایی (ITALIAN): GELOSIA

رومانی (RUMANIAN): GELOZIE

انگلیسی (ENGLISH):(از فرانسه)

JEALOUS, JEALOUSY

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

JARU, JAROSTU, ZAVISTÚ

لهستانی (POLISH): ZAWISC

روسی (RUSSIAN): JÁRYJ, ZAVIST

بوهمی (BOHEMIAN): ZÁVIST

ایرلندی کهن (OLD IRISH): Á(I)LID

ولزی (WELSH): IAWL

| پسگشت‌ها REFERENCES | |
|---|---|
| POKORNY: | 501 |
| BARNHART: | (ZEAL) 1256 |
| MACKENZIE: | (JADUG) 46 |
| BUCK: | (MAGIC...) 1494-1496 |
| AMINDAROV: | (SORCERY) 289 |
| RAMAT: | 142 |
| برهان قاطع : | ۵۳۳ |

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های یونانی و رومانس و انگلیسی: حسود، حسادت.

چم این واژه در زبان‌های اسلاوی: خشن، سخت‌گیر، حسود.

چم این واژه در زبان‌های ایرلندی کهن و گالی: خواستار شدن، درخواست (کردن).

| JĀVID, JĀVDAN | فارسی (PERSIAN): جاوید، جاودان |
|---|---|
| * | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): ĀYŪ, YAOSH
YAVOI, JAVĀ, YAVAĒTAT, YAVE
پهلوی (PAHLAVI): JĀVĪTĀN, JĀWĒD,
JAWĒDĀN, JĀVĒDĀNAG
کردی (KURDISH): JĀVĒD, JĀVDAN
بلوچی (BALUCHI): JĀVED
تخاری A (TOKHARIAN A): ĀYM-
سانسکریت (SANSKRIT): ĀYU, ĀYUSHAH
ĀYUNI, ĀYUNĀ
ارمنی (ARMENIAN): YAVĒT, YAVITEAN
یونانی (GREEK): ĀIEN, ĀIDIOS
لاتین (LATIN): AEVUS, AVEUM
گوتیک (GOTHIC): AOWS
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): EI
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
IO, EO, ĒWA
آلمانی (GERMAN): JE, EWIG
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
Ā, Ō, AI
انگلیسی (ENGLISH): AYE, AY, EVER
آلبانی (ALBANIAN): ASHË

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 17 |
| BARNHART: | (AY, AYE) |
| 69, (EVER) 345 | |
| MACKENZIE: | |
| (ETERNAL, ETERNITY) 113 | |
| ONIONS: | (AY) 66 |
| SKEAT: | (EVER) 201-202 |
| ۵۶۲ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

چم این واژه در سانسکریت: توانایی، بنیه.

| JEGAR, JIGAR | فارسی (PERSIAN): جگر، جیگر |
|---|---|
| LIVER | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *YÉKWR, *YÉKWRT | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): TĀKARE
پهلوی (PAHLAVI): JAGAR, JIKAR
اوستی (OSSETIC): IGÄR, IGER
کردی (KURDISH): JERK
بلوچی (BALUCHI): JAGAR
افغانی (پشتو) (AFGHANI):
JIGAR, DZIGAR
سانسکریت (SANSKRIT): YĀKRT, YAKNÁS
یونانی (GREEK): HĒPAR, HĒPATOS
لاتین (LATIN): JECUR, JECORIS
فرانسه (FRENCH): FOIE
اسپانیایی (SPANISH): HIGADO
ایتالیایی (ITALIAN): FEGATO
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
IKRA
روسی (RUSSIAN): IKRA

لیتوانی (LITHUANIAN): JAKNOS, JEKNOS

لتونی (لتی) (LATVIAN): IKRS, AKNAS

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): IAGNO

ایرلندی کهن (OLD IRISH): IUCHAIR

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 504 |
| BARNHART: | (HEPATIC) 477 |
| DELAMARRE: | 100 |
| MACKENZIE: | (LIVER) 122 |
| BUCK: | 251-252 |
| ONIONS: | (HEPATIC) 437 |
| SKEAT: | (HEPATIC) 268 |
| MALLORY & ADAMS: | JĒKWR(T) |
| ۵۷۹ | برهان قاطع: |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): جو (گونه‌ای غله) | JOV |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | BARLEY |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *JEWO-, *YEWOS |

اوستایی (AVESTAN): YAVA, YAVŌ

پهلوی (PAHLAVI): YAW, JAM, JAWĒN

اوستی (OSSETIC): JAEW, YÄU, YAU

کردی (KURDISH): JAU, JE

بلوچی (BALUCHI): JAV: JŌ,

تخاری B (TOKHARIAN B): YU

سانسکریت (SANSKRIT): YAVA, YÁVAS

یونانی (GREEK): ZEIAI

لهستانی (POLISH): JECZMIEN

روسی (RUSSIAN): OVIN, JEVIN

اسلواکی (SLOVAK): JACHMEN

لیتوانی (LITHUANIAN): JAVAI, JĀVAS

لتونی (لتی) (LATVIAN): JUNJA

هتیت (HITTITE): EWA-

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 512 |
| DELAMARRE: | (CÉRÉALE) 160 |
| MACKENZIE: | (BARLEY) 103 |
| BUCK: | 516 |
| MALLORY & ADAMS: | JEUOS |
| ۵۱۳ | برهان قاطع: |

یادداشت:

این واژه در برخی زبان‌های هند و اروپایی به غله‌های گوناگون اطلاق می‌شود.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): جوان | JAVĀN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | YOUNG |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *YEU-, *YUWEN-, *YUWNKÓS |

اوستایی (AVESTAN): YUVAN, YŪNŌ

پهلوی (PAHLAVI): JUVĀN, YUVĀN

کردی (KURDISH): JIWAN, JUVĀN
بلوچی (BALUCHI): JAVĀN
افغانی (پشتو) (AFGHANI): ZWĀN, JAVĀN
سانسکریت (SANSKRIT): YUVASÁ, YUVASÁS, YÚVAN, YŪNAS, JUVACÁS
ارمنی (ARMENIAN): YAVANAK, YOVANAK
لاتین (LATIN): JUVENCUS, JUVENIS
فرانسه (FRENCH): JEUNE
اسپانیایی (SPANISH): JOVEN
ایتالیایی (ITALIAN): GIOVANE
رومانی (RUMANIAN): JUNE
پرتغالی (PORTUGUESE): JOVEM, JOVENS
گوتیک (GOTHIC): JUNGS, JUGGS
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): UNGR
نورس کهن (OLD NORSE): UNGER
ساکسونی کهن (OLD SAXON): JUNG
فریزی کهن (OLD FRISIAN): JUNG
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): JUNG
آلمانی (GERMAN): JUNG
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): GEONG
انگلیسی (ENGLISH): YOUNG
دانمارکی (DANISH): UNG
سوئدی (SWEDISH): UNG
نروژی (NORWEGIAN): UNG
هلندی (DUTCH): JONG
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): JUNŪ
روسی (RUSSIAN): JUNYJ
لیتوانی (LITHUANIAN): JÁUNAS, JAUNIKIS
لتونی (لتی) (LATVIAN): JAŪNS
ایرلندی کهن (OLD IRISH): ŌA, ŌAM, ŌAC, ŌITIU
ولزی (WELSH): JEUANE, IAU, IEUF
برتونی (BRETON): YAOUANK

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 510 |
| BARNHART: | (YOUNG) 1255 |
| DELAMARRE: | (JEUNE) 224 |
| MACKENZIE: | (YOUNG) 141 |
| BUCK: | 957-958 |
| ONIONS: | (YOUNG) 1021 |
| SKEAT: | (YOUNG) 729 |
| AMINDAROV: | (YOUNG) 312 |
| ۵۹۵ | برهان قاطع : |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): جوشیدن، جوش | JŪSHĒDAN, JŪSH |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | BOIL |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *IES-, *YRSŌ-, *JES-, *YES-, *JERO- |

اوستایی (AVESTAN): YAH-, YAÉSHYEITI
کردی (KURDISH): JUSHANIN, JUSHVERDIN
بلوچی (BALUCHI): JŌSHENAG

افغانی (پشتو) (AFGHANI): YESHA-
تخاری A (TOKHARIAN A): YÄS
تخاری B (TOKHARIAN B): YĀS
سانسکریت (SANSKRIT): YAS-, YESATI
YÁSATI, YŪSH, YŪSHĀN
یونانی (GREEK): ZĒŌ, ZEIN
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
JOSTR
نورس کهن (OLD NORSE): JOSTR
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): JESAN
آلمانی (GERMAN): GÄREN, GISCHT
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): GIEST
انگلیسی (ENGLISH): YEAST
سوئدی (SWEDISH): JÄST
هلندی (DUTCH): GIST
گالی (GAULISH): IAS

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 506 |
| BARNHART: | (YEAST) 1252 |
| DELAMARRE: | (BOUILLIR, BOUILLONNER) 261 |
| BUCK: | 676 |
| ONIONS: | (YEAST) 1019 |
| SKEAT: | (YEAST) 728 |
| برهان قاطع: | ۶۰۰ |

یادداشت:

چم این واژه در برخی زبان‌های هند و اروپایی (به ویژه زبان‌های ژرمنی): بوزه، مُخمر.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): جویدن، جاویدن | JAVIDAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | CHEW |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *GEU-, *GIEU-, *GYEUW(Y)Ō |

پهلوی (PAHLAVI): JŪDAN, JŌYITAN
کردی (KURDISH): JUTIN, JŪN, JŪIN
بلوچی (BALUCHI): ZHIYAG
افغانی (پشتو) (AFGHANI):
ZHOVAL, ZHOYAL
تخاری A (TOKHARIAN A): ZWĀTSI
تخاری B (TOKHARIAN B): ZWATSI, SWĀ
ارمنی (ARMENIAN): KIV, KVENI
لاتین (LATIN): GINGĪVA
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
TYGGVA
نورس کهن (OLD NORSE): TYGGVA
فریزی کهن (OLD FRISIAN): ZIĀKE, KĒSE
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
KIUWAN
آلمانی (GERMAN): KAUEN
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): CĒOWAN
انگلیسی (ENGLISH): CHEW
هلندی (DUTCH): KAUWEN
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
ZHIVATI, ZHUJU
لهستانی (POLISH): ZHUCIA
روسی (RUSSIAN): ZHIVÁT, ZHUJŪ
چک (CZECH): ZHIJI
بلغاری (BULGARIAN): ZHÚNA
اسلواکی (SLOVAK): ZHUVAT
لیتوانی (LITHUANIAN): ZHIÁUNOS
لتونی (لتی) (LATVIAN): ZHAUNAS

| | | | |
|---|---|---|---|
| *ONIONS:* | (CHEW) 168 | *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
| *SKEAT:* | (CHEW) 106 | *POKORNY:* | 400 |
| *AMINDAROV:* | (CHEW) 199 | *BARNHART:* | (CHEW) 164 |
| ۵۶۲ | برهان قاطع : | *DELAMARRE:* | (MÂCHER) 256 |
| | | *MACKENZIE:* | (CHEW) 106 |

یادداشت:

چم این واژه در زبان لاتین: لثه.

چم این واژه در فریزی کهن: دندان کرسی.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* چاره، چار | **CHĀRÉ, CHĀR** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **REMEDY** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | ***KWER** |

اوستایی *(AVESTAN):* **CHĀRĀ**

پارسی باستان *(OLD PERSIAN):* **KARTA-**

پهلوی *(PAHLAVI):* **CHĀR, CHĀRAK, CHĀRAG, CHĀRAGGARĪH**

کردی *(KURDISH):* **CHARÉ**

سانسکریت *(SANSKRIT):* **KARÁ-, KARMA, KARŌTI**

بلغاری *(BULGARIAN):* **CHARI**

لیتوانی *(LITHUANIAN):* **KURIÙ, KÙRTI**

ایرلندی کهن *(OLD IRISH):* **CRUTH**

گالی *(GAULISH):* **PRYD**

برتونی *(BRETON):* **PRED**

| | |
|---|---|
| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
| *POKORNY:* | 641 |
| *MACKENZIE:* | |
| (ABILITY) 101, (REMEDY) 130, 21 | |
| *AMINDAROV:* | (HELP) 235 |
| ۶۰۹-۶۰۸ -و۶۱۲-۶۱۱ | برهان قاطع: |

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* چانه، زنخ | **CHANÉ, ZANAKH** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **CHIN** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | ***G^ENU-, *G^ONEDH- *G^NEDH-** |

اوستایی *(AVESTAN):* **ZĀNU-, GHĀNU**

کردی *(KURDISH):* **CHENE, CHENG**

افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* **ZÊNA**

تخاری A *(TOKHARIAN A):* **SÁNWEM**

سانسکریت *(SANSKRIT):* **HÁNU, HÁNUS**

ارمنی *(ARMENIAN)*:(شاید) **CNAUT**

یونانی *(GREEK):* **GÉNYS, GNÁTHOS**

لاتین *(LATIN):* **GENA, GENAE**

گوتیک *(GOTHIC):* **KINNUS**

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):*

KINN

نورس کهن (OLD NORSE): KINN

ساکسونی کهن (OLD SAXON): KINNI

فریزی کهن (OLD FRISIAN): ZIN, KIN

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): KINNI, CHINNI

آلمانی (GERMAN): KINN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): CIN

انگلیسی (ENGLISH): CHIN

دانمارکی (DANISH): KIND

سوئدی (SWEDISH): KIND

نروژی (NORWEGIAN): KIND

هلندی (DUTCH): KIN

لیتوانی (LITHUANIAN): ZHÁNDAS

لتونی (لتی) (LATVIAN): ZUŌDS

ایرلندی کهن (OLD IRISH): GIN, GEN

گالی (GAULISH): GEN

ولزی (WELSH): GEN, GENEU

برتونی (BRETON): GENOU

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 381 |
| BARNHART: | (CHIN) 166 |
| DELAMARRE: | 99 |
| BUCK: | 220-224 |
| ONIONS: | (CHIN) 170 |
| SKEAT: | (CHIN) 107 |
| AMINDAROV: | (CHIN) 199 |
| ۶۱۶ | برهان قاطع : |
| ۸۰۳۰ | لغت‌نامه دهخدا : |
| ۱۲۶۹ | فرهنگ معین : |

**یادداشت:**

۱- هیچیک از پسگشت‌های فارسی ذکری از ریشه‌ی این واژه نمی‌کنند.

۲- این واجریشه در برخی از زبان‌های هند و اروپایی دارای چم‌های دیگری نیز بوده است: آرواره، گونه، دهان.

| | |
|---|---|
| CHAP | فارسی (PERSIAN): چپ |
| LEFF | **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** |
| *KAMP-, *KAM-, *KAMPOS- | **هند و اروپایی** (INDO-EUROPEAN): |

پارسی باستان (OLD PERSIAN): ETKUMPS

کردی (KURDISH): CHEP

افغانی (پشتو) (AFGHANI): CHAP

سانسکریت (SANSKRIT): CĀPA, CAPALÁ-

یونانی (GREEK): KAMPĒ

لاتین (LATIN): CAMPUS

گوتیک (GOTHIC): HAMFS

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): HŌF, HĀF

روسی (RUSSIAN): KUPINA

لیتوانی (LITHUANIAN): KAMPAS

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| DELAMARRE: | |
| (COUBURE, COIN) 201 | |
| AMINDAROV: | (LEFT) 248 |
| ۶۲۱ | برهان قاطع : |
| ۱۲۷۱ | فرهنگ معین : |
| ۸۰۵۵ | لغت‌نامه دهخدا: |

یادداشت:

۱- هیچیک از پسگشت‌های فارسی ریشه‌ی این واژه را نمی‌دهند.

۲- چم این واژه در زبان سانسکریت: انحنا.

چم این واژه در زبان لیتوانی: گوشه، کنج.

چم این واژه در زبان لاتین: دشت.

چم این واژه در زبان یونانی: کج کردن، دارای انحنا کردن.

۳- واژه‌های انگلیسی CAMP و آلمانی KAMPE از همین واجریشه آمده‌اند.

| | | |
|---|---|---|
| CHARĀ, CHARIDAN, CHRĀNDAN | چرا، چریدن، چراندن | فارسی *(PERSIAN):* |
| GRAZE, GRAZING, PASTURE | | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *KWEL-, *KWEL∂- | | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* |

اوستایی *(AVESTAN):* CHARAITI, CHAR-

پارسی باستان *(OLD PERSIAN):* -KARA

پهلوی *(PAHLAVI):* CARAK, CHARAG

کردی *(KURDISH):*

CHĒRANDIN, CHĒRAN

افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* CAR

سانسکریت *(SANSKRIT):*

CÁRATI, CALATI, CÁRA

یونانی *(GREEK):* PÉLOW, PÉLOMAI

لاتین *(LATIN):* COLŌ, CULTUS

| پسگشت‌ها | *REFERENCES* |
|---|---|
| 639 | *POKORNY:* |
| | *MACKENZIE:* |
| | (GRAZING) 116,(PASTURE) 126 |
| | *BUCK:* |
| | (PASTURE, GRAZE) 146-147 |
| فرهنگ معین: | ۱۲۸۳ |
| برهان قاطع: | ۶۲۶ و ۶۳۵ |

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های سانسکریت: حرکت کردن، جنبیدن، چرخیدن.

چم این واژه در زبان لاتین: کشت و کار کردن.

| | | |
|---|---|---|
| CHARB, CHARBI | چرب، چربی | فارسی *(PERSIAN):* |
| OIL, OILY | | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *SELP-, *SOLP-, *SOLPĀ | | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* |

پهلوی *(PAHLAVI):* CHARB, CHARBISHN

اوستی *(OSSETIC):* CARV

افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* CHARB, CHARBI

تخاری A *(TOKHARIAN A):* SÄLYP

تخاری B *(TOKHARIAN B):* SALYPE

| | |
|---|---|
| سانسکریت (SANSKRIT): | SARPIS, SRPRAS |
| ارمنی (ARMENIAN): | CARP |
| یونانی (GREEK): | ÉLPOS, ÓLPĒ |
| گوتیک (GOTHIC): | SALBONS |
| ساکسونی کهن (OLD SAXON): | SALBA |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | SALBA |
| آلمانی (GERMAN): | SALBE |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | SEALF |
| انگلیسی (ENGLISH): | SALVE |
| دانمارکی (DANISH): | SALVE |
| سوئدی (SWEDISH): | SALVA |
| نروژی (NORWEGIAN): | SALVE |
| هلندی (DUTCH): | ZALF |
| آلبانی (ALBANIAN): | CJALPË |

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 901 | POKORNY: |
| (SALVE) 954 | BARNHART: |
| 150 | DELAMARRE: |
| (OIL, OILY) 125 | MACKENZIE: |
| 452 | BUCK: |
| (SALVE) 758 | ONIONS: |
| (SALVE) 533 | SKEAT: |
| برهان قاطع: | ۶۲۸ |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۸۰۹۲ |

**یادداشت:**

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: مرهم، ضماد.

چم این واژه در زبان پهلوی: ملایم، نرم، لیز.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): چرخ | CHARX |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | WHEEL |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *KWEL-, *KWOL-, *KWEKWLO |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | CHAXRŌ, CHAHRŌ |
| کردی (KURDISH): | CHERX |
| تخاری A (TOKHARIAN A): | KUKÄL |
| تخاری B (TOKHARIAN B): | KOKALE |
| سانسکریت (SANSKRIT): | CAKRÁS, CHAKRAS |
| ارمنی (ARMENIAN): | CAXR, JAKHARAG |
| یونانی (GREEK): | KÚKLOS, KÝKLOS |
| لاتین (LATIN): | COLĒRE |
| ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): | HVĒL, HJOL |
| نورس کهن (OLD NORSE): | HVEL, HJOL |
| فریزی کهن (OLD FRISIAN): | HWĒL |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | HWEOWOL, HWĒOL |
| انگلیسی (ENGLISH): | WHEEL |
| دانمارکی (DANISH): | HJUL |
| سوئدی (SWEDISH): | HJUL |
| نروژی (NORWEGIAN): | HJUL |
| هلندی (DUTCH): | WIEL |
| اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): | KOLO |
| لهستانی (POLISH): | KOLO, KÓLKO |
| روسی (RUSSIAN): | KOLESO |

| | |
|---|---|
| چک (CZECH): | KOLO |
| صربی (SERBIAN): | KOLO |
| بوهمی (BOHEMIAN): | KOLO |
| اسلواکی (SLOVAK): | KOLESO |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | KĀKLAS |
| پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): | KELAN |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | CUL- |
| آلبانی (ALBANIAN): | SJEL |

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 639-640 |
| BARNHART: | (WHEEL) 1230 |
| DELAMARRE: (ROUE DE CHAR) 125 | |
| BUCK: | 724-725 |
| ONIONS: | (WHCEL) 1001 |
| SKEAT: | (WHEE) 709 |
| AMINDAROV: | (WHEEL) 309 |
| ۶۲۹ | برهان قاطع : |

**یادداشت:**

چم این واژه در زبان ارمنی: گردش، دَوَران.
چم این واژه در زبان یونانی و لیتوانی: دایر.
چم این واژه در زبان لاتین: کشت کردن.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): چرد، چرده (به چم "فام" مثلاً در "سیاه چرده") | CHARD, CHARDE |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | COLOR, COMPLEXION |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *KER-, *KORMEN |

| | |
|---|---|
| پهلوی (PAHLAVI): | KARIC |
| سانسکریت (SANSKRIT): | KARATA, KIRMIRA |
| ارمنی (ARMENIAN): | SARN, SARIN |
| یونانی (GREEK): | CHORUNAI |
| لاتین (LATIN): | CARBŌ, CARBŌNIS |
| ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): | HORR |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | HORO, HORG |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | HROT, HORH |
| اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): | SRĒNU |
| روسی (RUSSIAN): | SRĒNU |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | SHIRVAS |
| لتونی (لتی) (LATVIAN): | SIRMS |

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 573 |
| ۶۳۱ | برهان قاطع : |
| ۸۱۱۲ | لغت نامه دهخدا : |
| ۱۲۸۱ | فرهنگ معین : |

**یادداشت:**

۱- هیچکدام از پسگشت‌های فارسی ریشه ی این واژه را نمی‌دهند.
۲- چم این واژه در زبان‌های یونانی و لاتین: زغال.
چم این واژه در زبان‌های لیتوانی و لتونی: خاکستر.
چم این واژه در زبان‌های اسلاوی: سپید.
چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: کثافت.
چم این واژه در زبان ارمنی: برف.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): چرم | CHARM |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | LEATHER |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *(S)KER-, *KRT-TO-, *KR-NO- |

اوستایی (AVESTAN): CHAR∂MAN
پهلوی (PAHLAVI): CHARM
اوستی (OSSETIC): CARM
کردی (KURDISH): CHERM
بلوچی (BALUCHI): CHARM
افغانی (پشتو) (AFGHANI): CARMAN
سانسکریت (SANSKRIT): CÁRMAN
ارمنی (ARMENIAN): KOREM
یونانی (GREEK): KIERŌ
لاتین (LATIN): CORIUM
فرانسه (FRENCH): CUIR
اسپانیایی (SPANISH): CUERO
ایتالیایی (ITALIAN): CUOIO
پرتغالی (PORTUGUESE): COURO
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): SKERA
فریزی کهن (OLD FRISIAN): SKERA
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): SCERAN
آلمانی (GERMAN): SCHEREN
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): SCIERAN

انگلیسی (ENGLISH): SHEAR
دانمارکی (DANISH): SK&RE
سوئدی (SWEDISH): SKÄRA
نروژی (NORWEGIAN): SKJARE
هلندی (DUTCH): SCHEREN
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): OKRŪNITI
لهستانی (POLISH): SKÓRA
روسی (RUSSIAN): SHKURA
لیتوانی (LITHUANIAN): SKIRTI
ایرلندی کهن (OLD IRISH): SCARAIM
آلبانی (ALBANIAN): SHKJER

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 838-840 |
| BARNHART: | (SHEAR) 994 |
| MACKENZIE: (HIDE) 118,1 (LEATHER) 12 | |
| BUCK: | 200-201, 407-408 |
| SKEAT: | (SHEAR) 555 |
| ۶۳۴ | برهان قاطع: |

یادداشت:

چم این واژه در یونانی و ایرلندی کهن و لیتوانی و زبان‌های ژرمنی: (پشم گوسپند را) بریدن، قطع کردن، خراشیدن.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): چرمه (به چم "اسب سپید") | CHARMÉ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | WHITE HORSE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *KEL-, *KĀL-, *KELMO- |

کردی (KURDISH): CHERME

سانسکریت (SANSKRIT): KARKÁ-

یونانی (GREEK): KHĒLLÓS, CHĒLLOS

لاتین (LATIN): COLUMBA

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): HULIWA

آلمانی (GERMAN):(سویس) HELM

لیتوانی (LITHUANIAN): KALÝBAS, KALÝVAS

| بسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 547-548 | POKORNY: |
| برهان قاطع: | ۶۳۴ |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۸۱۲۲ |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): چسبیدن (به چم "اتصال یافتن" و "محکم گرفتن") | CHASBIDAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | STICK TO, HOLD FAST |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *KAP-, *LEP-, *KOP-, *KAPNOS |

پارسی باستان (OLD PERSIAN): *CIFSATI

افغانی (پشتو) (AFGHANI): CHASP, CHASPAN

سانسکریت (SANSKRIT): CACHT, KAPATI

یونانی (GREEK): KAPTEIN, KŌPĒ

لاتین (LATIN): CAPERE, CAPTARE, CAPIO

گوتیک (GOTHIC): HAFJAN

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): HEFJA

نورس کهن (OLD NORSE): HEFJA

ساکسونی کهن (OLD SAXON): HEBBIAN

فریزی کهن (OLD FRISIAN): HEVA

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): HEFFEN

آلمانی (GERMAN): HEBEN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): HEBBAN

انگلیسی (ENGLISH): HEAVE

دانمارکی (DANISH): HAEVE

سوئدی (SWEDISH): HÄFVA

نروژی (NORWEGIAN): HAEVE

هلندی (DUTCH): HEFFEN

لیتوانی (LITHUANIAN): KÙOPA

لتونی (لتی) (LATVIAN): KÀMPT

ایرلندی کهن (OLD IRISH): CACHT

ولزی (WELSH): CAETH

آلبانی (ALBANIAN): KAP, KAPASE

| | | | |
|---|---|---|---|
| پسگشت‌ها | REFERENCES | (HEAVE) 433 | ONIONS: |
| 527 | POKORNY: | (HEAVE) 266 | SKEAT: |
| (HEAVE) 472 | BARNHART: | برهان قاطع: | ۶۳۷ |

یادداشت:

۱- واژه‌های "چسب" و "چسباندن" و غیره هم از همین ریشه‌اند.

۲- چم این واژه در زبان‌های ژرمنی کهن "گرفتن" بوده ولی در زبان‌های ژرمنی نوین چم آن "با زور بلند کردن" است.

۳- چم این واژه در زبان‌های لاتین و سلتی: اسیر گرفتن.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): چُست (به چم "چالاک"، "کارآمد") | CHOST |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | NIMBLE, EFFICIENT |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *(S)KEUD |

پهلوی (PAHLAVI): VICŌDISHN

کردی (KURDISH): CHIST

سانسکریت (SANSKRIT): CŌDATI, CUD, CŌDAYATI, SKUNDATĒ

گوتیک (GOTHIC): SKAUT

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): SKJŌTA, SKJŌTR

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): SCIOZAN, SCHIESSEN

آلمانی (GERMAN): SCHÜTZEN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): SCĒOTAN, SCĒOT

روسی (RUSSIAN): KIDÁTU, KIDIJ

لیتوانی (LITHUANIAN): SKUDRÙS, SKAUDRÙS

لتونی (لتی) (LATVIAN): SKAUDRS

آلبانی (ALBANIAN): HETH

| | |
|---|---|
| پسگشت‌ها | REFERENCES |
| 955-956 | POKORNY: |
| (FAST) 223 | AMINDAROV: |
| برهان قاطع: | ۶۳۶ |

یادداشت:

چم این واژه در زبان سانسکریت: راندن، شتابیدن.

چم این واژه در زبان پهلوی: دویدن، شتابیدن.

چم این واژه در زبان آلمانی: حفظ و حراست کردن.

| | |
|---|---|
| CHESHM, CHASHM | فارسی (PERSIAN): چشم |
| EYE | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *KWEK-, *KWOK-, *KWEKS | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): CASHM

پارسی باستان (OLD PERSIAN): CHASHMAN

پهلوی (PAHLAVI): CASHM, CHASHM

کردی (KURDISH): CHESHM

بلوچی (BALUCHI): CAM

افغانی (پشتو) (AFGHANI): CHASHME

سانسکریت (SANSKRIT): KASA- CAKS-, KSATE, CAKSUS

یونانی (GREEK): TECHMAŌ

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): KAZHO

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 638 |
| DELAMARRE: | 105 |
| MACKENZIE: | (EYE) 113 |
| BUCK: | 225 |
| AMINDAROV: | (EYES) 222 |
| ۶۳۸ | برهان قاطع: |

یادداشت:

چم این واژه در اسلاوی کهن، نشان دادن.

چم این واژه در یونانی: نشان.

| | |
|---|---|
| CHESHIDAN | فارسی (PERSIAN): چشیدن |
| TASTE, EXPERIENCE | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *KWEKS-, *KWOK- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):(شاید) |

اوستایی (AVESTAN): CĀSH-, KASH-, CHASH-

پهلوی (PAHLAVI): CHASHITAN, CASHTAN, CHAXDHISHN, CHASHNIG

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 638 |
| MACKENZIE: (TEACH, TASTE) 136 | |
| BUCK: | (TEACH) 1224 |
| ۶۴۳ و (چاشت) ۶۱۲ | برهان قاطع: |

یادداشت:

۱- چم این واژه در زبان پهلوی: آموختن، مزه کردن.

۲- بازگشت به: چشم، آگاه، نگاه.

۳- احتمال کمتری وجود دارد که "چشیدن" از واجریشه‌ی هند و اروپایی -GUES* (لاتین:GUSTARE، انگلیسی:CHOOSE) باشد. برای بررسی بیشتر پسگشت به: BARNHART: (CHOOSE) 168، POKORNY: 399.

| | |
|---|---|
| CHAKKOSH | فارسی *(PERSIAN)*: چکش |
| HAMMER | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *KEKU- | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN)*: |

اوستایی *(AVESTAN)*: CHAKUSH

پهلوی *(PAHLAVI)*: CHAKUSH

کردی *(KURDISH)*: CHEKŪSH

رومانی *(RUMANIAN)*:(شاید) CIOCAN

روسی *(RUSSIAN)*:(شاید) CHEKAN

بلغاری *(BULGARIAN)*:(شاید) CHEKAN

صربی *(SERBIAN)*:(شاید) CHEKIC

لتونی (لتی) *(LATVIAN)*:(شاید) CHAKA

پروسی کهن *(OLD PRUSSIAN)*: QUEKE

| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 543 |
| *MACKENZIE:* | (HAMMER) 117 |
| *BUCK:* | 596-597 |
| ۶۵۱ | برهان قاطع: |

یادداشت:

۱- واژه‌ی رومانی CIOCAN و واژه‌های اسلاوی این فهرست از ترکی CHAKAN (از فارسی "چکش" یا "چوکان" گرفته شده‌اند.

۲- پسگشت‌های فارسی ریشه‌ی این واژه را پیگیری نکرده‌اند.

| | |
|---|---|
| CHAM, CHMIDAN | فارسی *(PERSIAN)*: چم، چمیدن (به چم "خوردن و آشامیدن") |
| SLURP, GUZZLE | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *KWEM- | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN)*: |

اوستی *(OSSETIC)*: CUMUN

افغانی (پشتو) *(AFGHANI)*: KŪMAI

سانسکریت *(SANSKRIT)*:

CÁMATI, CAMATI, CAMASÁ

ارمنی *(ARMENIAN)*: KIMK

| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 640 |
| ۸۲۵۷ | لغت‌نامه دهخدا: |

| | |
|---|---|
| CHAND | فارسی *(PERSIAN)*: چند |
| HOW MUCH, HOW MANY | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *KWOTI | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN)*: |

اوستایی *(AVESTAN)*:

CHAITI, CAVANT, CVANT

پهلوی *(PAHLAVI)*: CAND, CHAND

کردی *(KURDISH)*: CHEND

سانسکریت (SANSKRIT): KATI
یونانی (GREEK): PÓSSOS
لاتین (LATIN): QUOT
فرانسه (FRENCH): QUAND
اسپانیایی (SPANISH): CUAN, CUANTO
ایتالیایی (ITALIAN): QUANTO
پرتغالی (PORTUGUESE): QUANTO
ایرلندی کهن (OLD IRISH): CUIT
برتونی (BRETON): PET
هتیت (HITTITE): KUWATTA

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 646 | POKORNY: |
| (COMBIEN) 304 | DELAMARRE: |
| (HOW MANY) 118 | MACKENZIE: |
| 37 | AMINDAROV: |
| برهان قاطع: | ۶۶۳ |

**یادداشت:**

واژه‌های "چندان" و "چندمین" و "چندی" (کمیّت) نیز از همین ریشه‌اند.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): چنگ، چنگال | CHANG, CHANGAL |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | **CLAW** |
| **هند و اروپایی** (INDO-EUROPEAN): | *KEG-, *KENG-, *KENK-, *KENK-, *KEK-, *KANK-, |

پهلوی (PAHLAVI): CANG
اوستی (OSSETIC): CANG
کردی (KURDISH): CHENG
افغانی (پشتو) (AFGHANI): CHANG, CHANGAK
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): HAKA
ساکسونی کهن (OLD SAXON): HACO
فریزی کهن (OLD FRISIAN): HŌK
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): HĀKO
آلمانی (GERMAN): HAKEN
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): -HOK
انگلیسی (ENGLISH): HOOK
دانمارکی (DANISH): HAGE
سوئدی (SWEDISH): HAKE
نروژی (NORWEGIAN): HEKLA
هلندی (DUTCH): HOEK, HAAK
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): KOGETE
لهستانی (POLISH): HAK
روسی (RUSSIAN): KÓGOT
چک (CZECH): HÁK, HÁCHEK
بلغاری (BULGARIAN): KÁCHO, KACHVAM
صربی (SERBIAN): ZÀKACHITI
بوهمی (BOHEMIAN): KACHITI, HÁK
اسلواکی (SLOVAK): HÁK
لیتوانی (LITHUANIAN): KÉNGE
ایرلندی میانه (MIDDLE IRISH): -CHENG

| پسگشت‌ها | REFERENCES | | |
|---|---|---|---|
| 537 | POKORNY: | (HOOK) 447 | ONIONS: |
| (HOOK) 490 | BARNHART: | (HOOK) 276 | SKEAT: |
| 809-810 | BUCK: | برهان قاطع : | ۶۶۴ |

**یادداشت:**

۱- چم این واژه در برهان قاطع : چنین است: قلاب، کجک (قلابی که با آن فیل را رانند)، پنجه و انگشتان مردم، چنگال مرغان و جانوران دیگر (برهان قاطع :: ۶٦۴)

۲- چم این واژه در اوستی: بازو.

چم این واژه در کردی: دست.

چم این واژه در ایسلندی کهن: خانه.

چم این واژه در اکثر زبان‌های ژرمنی: قلاب.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): چه، چی (به چم "چه چیزی") | CHÉ, CHI |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | WHAT |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *KWEI-, *KWID- |

| | | | |
|---|---|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | CIT, CHI | نروژی (NORWEGIAN): | HVI, KVI, HVA |
| پارسی باستان (OLD PERSIAN): | CHIY, CHISH-CHIY | لهستانی (POLISH): | CZY |
| پهلوی (PAHLAVI): | CHĒ | روسی (RUSSIAN): | CHI |
| تخاری A (TOKHARIAN A): | KUS | چک (CZECH): | CHI, CHU-TO |
| تخاری B (TOKHARIAN B): | KUSE | اسلواکی (SLOVAK): | CHI |
| سانسکریت (SANSKRIT): | CIT, CID | ایرلندی کهن (OLD IRISH): | CIA |
| ارمنی (ARMENIAN): | -CH (IN-CH) | ولزی (WELSH): | PWY |
| یونانی (GREEK): | TIS, TĒ, CHIS, PEI | برتونی (BRETON): | PIOU |
| لاتین (LATIN): | QUISQUE, QUIS, QUID | هتیت (HITTITE): | KUISH, KUISH-KI |
| گوتیک (GOTHIC): | HVĒ | | |
| ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): | HVĪ | | |
| ساکسونی کهن (OLD SAXON): | HWĪ | | |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | HWĪ, HWȲ | | |
| انگلیسی (ENGLISH): | WHY | | |
| دانمارکی (DANISH): | HVI, HVAD | | |
| سوئدی (SWEDISH): | HVI | | |

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 646-647 | POKORNY: |
| (WHY) 1235 | BARNHART: |
| (WHAT) 140 | MACKENZIE: |
| (WHY) 1005 | ONIONS: |
| (WHY) 7/4 | SKEAT: |
| برهان قاطع : | ۶۷۳ |

یادداشت:

چم این واژه در انگلیسی و دیگر زبان‌های ژرمنی: چرا.

چم این واژه در یونانی و لهستانی: کجا.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): چهار | CHĀHĀR |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | FOUR |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *KWETWŌR-, *KWETUR- |

اوستایی (AVESTAN):

CHATHWĀRŌ, CHATHRO-

پهلوی (PAHLAVI): CHAHĀR, CAHĀR

اوستی (OSSETIC): CIPPAR

کردی (KURDISH): CHĀR

افغانی (پشتو) (AFGHANI):

CALŌR, TSALOR

تخاری A (TOKHARIAN A): STWAR

تخاری B (TOKHARIAN B):

STWARE, SWĀR

سانسکریت (SANSKRIT):

CATVĀRAS, CÁTASRAS, CATVĀRI

ارمنی (ARMENIAN): CHORKH, CHORK

یونانی (GREEK): TÉSSARES, PÉTARES

لاتین (LATIN): QUATTUOR

فرانسه (FRENCH): QUATRE

اسپانیایی (SPANISH): CUATRO

ایتالیایی (ITALIAN): QATTRO

رومانی (RUMANIAN): PATRU

پرتغالی (PORTUGUESE): QUATRO

گوتیک (GOTHIC): FIDWŌR

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

FIJŌRIR

نورس کهن (OLD NORSE): FIJŌRIR

ساکسونی کهن (OLD SAXON): FIUWAR

فریزی کهن (OLD FRISIAN):

FIŪWER, FIOR

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): FIOR

آلمانی (GERMAN): VIER

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): FĒOWER

انگلیسی (ENGLISH): FOUR

دانمارکی (DANISH): FIRE

سوئدی (SWEDISH): FYRA

نروژی (NORWEGIAN): FIRE

هلندی (DUTCH): VIER

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

KETYRE, CHETYRE

لهستانی (POLISH): CZTERY

روسی (RUSSIAN): CHELVERO

چک (CZECH): CHTERY, CHWORO

اسلواکی (SLOVAK): SHTYRI

لیتوانی (LITHUANIAN): KETURI

لتونی (لتی) (LATVIAN): CHETRI

ایرلندی کهن (OLD IRISH):

CHETHAIR, CETHIR

گالی (GAULISH): PETOR, PEDWAR

ولزی (WELSH): PETGUAR, PEDWAR

برتونی (BRETON): PEVAR

| پسگشت‌ها REFERENCES | | | |
|---|---|---|---|
| POKORNY: | 642 | ONIONS: | (FOUR) 373 |
| BARNHART: | (FOUR) 404 | SKEAT: | (FOUR) 224 |
| DELAMARRE: | (QUATRE) 211 | AMINDAROV: | (FOUR) 227 |
| MACKENZIE: | (FOUR) 115 | برهان قاطع: | ۶۷۴ |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): چهارم | CHAHĀROM |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | FOURTH |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *KWTURYOS, *KWETWRTOS, *QWETURTO |

اوستایی (AVESTAN): **TUIRYŌ**

پهلوی (PAHLAVI): **TASUM, CAHĀRUM**

کردی (KURDISH): **CHARANI**

افغانی (پشتو) (AFGHANI): **TSALORAM, CHALORAM**

تخاری A (TOKHARIAN A): **STÄRT**

تخاری B (TOKHARIAN B): **STARTE**

سانسکریت (SANSKRIT): **TURĪYAS, CATURTHÁS**

ارمنی (ARMENIAN): **CHORIR, KARORD**

یونانی (GREEK): **TETAR, TETARTOS**

لاتین (LATIN): **QUĀRTUS**

فرانسه (FRENCH): **QUATRIÈME**

اسپانیایی (SPANISH): **CUARTO**

ایتالیایی (ITALIAN): **QUARTO**

رومانی (RUMANIAN): **AL PATRULEA, A PATRA**

پرتغالی (PORTUGUESE): **QUARTO**

نورس کهن (OLD NORSE): **FJÓRTHI**

ساکسونی کهن (OLD SAXON): **FJÓRTHI**

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): **FIORDO**

آلمانی (GERMAN): **VIERT, VIERTEL**

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): **FĒORTHA**

انگلیسی (ENGLISH): **FOURTH**

دانمارکی (DANISH): **FJERDE**

نروژی (NORWEGIAN): **FJERDE**

هلندی (DUTCH): **VIERDE**

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): **CHERVRI**

لهستانی (POLISH): **CZWARTY**

لیتوانی (LITHUANIAN): **KETVIRTAS**

لتونی (لتی) (LATVIAN): **CETURTAIS**

گالی (GAULISH): **PETUARIOS**

| پسگشت‌ها REFERENCES | |
|---|---|
| POKORNY: | 642-644 |
| BARNHART: | (FOURTH) 404 |
| DELAMARRE: | (QUATRIÉME) 212 |
| MACKENZIE: | (FOURTH) 115 |
| ONIONS: | (FOURTH) 373 |
| AMINDAROV: | (FOURTH) 227 |
| برهان قاطع: | ۶۷۳ |

| | |
|---|---|
| **CHEHEL** | **فارسی** *(PERSIAN):* **چهل** |
| **FORTY** | **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** |
| ***KWETWORI, *KWTRIG** | **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN):* |

اوستایی *(AVESTAN):* **CATHWARESAT**

پارسی باستان *(OLD PERSIAN):*

**CATHVRTHAT**

پهلوی *(PAHLAVI):* **CEHIL, CHEHEL**

افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* **TSALWESHT**

سانسکریت *(SANSKRIT):* **CATVĀRISÁT**

لاتین *(LATIN):* **QUADRAGINTA**

فرانسه *(FRENCH):* **QUARANTE**

اسپانیایی *(SPANISH):* **CUARENTA**

ایتالیایی *(ITALIAN):* **QUARANTA**

رومانی *(RUMANIAN):* **PATRUZECI**

پرتغالی *(PORTUGUESE):* **QUARENTA**

گوتیک *(GOTHIC):* **FIDWOR, TIGJUS**

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):*

**FJÓRIR TIGIR**

نورس کهن *(OLD NORSE):* **FJORIR TIGIR**

ساکسونی کهن *(OLD SAXON):*

**FIWARTIG, FIARTIG**

فریزی کهن *(OLD FRISIAN):*

**FEUWERTICH**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):*

**FIORZUG**

آلمانی *(GERMAN):* **VIERZIG**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):*

**FĒOWRTIC**

انگلیسی *(ENGLISH):* **FORTY**

دانمارکی *(DANISH):* **FYRRE**

سوئدی *(SWEDISH):* **FYRATIO**

نروژی *(NORWEGIAN):* **FORTI**

هلندی *(DUTCH):* **VEERTÏG**

لهستانی *(POLISH):* **CZERDZIESCI**

چک *(CZECH):* **CHTYRICET**

اسلواکی *(SLOVAK):* **SHTYRIDSAT**

| *REFERENCES* | **بسگشت‌ها** |
|---|---|
| *POKORNY:* | **642-644** |
| *BARNHART:* | **(FORTY) 403** |
| *MACKENZIE:* | **(FORTY) 115** |
| *ONIONS:* | **(FORTY) 372** |
| *SKEAT:* | **(FORTY) 223** |
| **۶۷۴** | **برهان قاطع :** |

| | |
|---|---|
| **CHIDAN** | **فارسی** *(PERSIAN):* **چیدن** |
| **PICK, ARRANGE, CLIP** | **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** |
| ***KWEI-** | **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN):* |

اوستایی *(AVESTAN):* **-CINAETA,**

**CHAYEITI, CHINVAITI, CHINITI**

پهلوی *(PAHLAVI):* **CITAN, CHIDAN**

کردی *(KURDISH):* **CHIVANDIN**

بلوچی *(BALUCHI):* **CINAG**

سانسکریت *(SANSKRIT):*

CINŌTI, CÁYATI, CITĀ

یونانی (GREEK): POIEŌ

لهستانی (محلی) (POLISH): KOIĆ

بلغاری‌کهن (OLD BULGARIAN): CHINU

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 637-638 |
| MACKENZIE: | (GATHER) 116 |
| AMINDAROV: | 229 |
| برهان قاطع: | ۶۷۶ |

| | |
|---|---|
| XĀR, XAS, HASĒKÉ | فارسی (PERSIAN): خار، خس، خسیکه (خارپشت) |
| THIRN, PRİCKLE, URCHIN, HEDGEHOG | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *GHĒRS-, *GHER- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

پهلوی (PAHLAVI): XĀR, XĀRPŪSHT

سانسکریت (SANSKRIT):

HÁRSATĒ, HRSYATI

یونانی (GREEK):

CHĒRÓS, CHĒR, KHĒR

لاتین (LATIN):

HORREŌ, HORRĒRE, HĒR, ĒRECIUS

فرانسه (FRENCH): HÉRISSON

اسپانیایی (SPANISH): ERIZO

ایتالیایی (ITALIAN): RICCIO

رومانی (RUMANIAN): ARICIU

پرتغالی (PORTUGUESE): OURICO

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):(از فرانسه)

YRICHON

انگلیسی (ENGLISH): URCHIN

سوئدی (SWEDISH): GERS

نروژی (NORWEGIAN): GJORS

ایرلندی کهن (OLD IRISH): GARB

ولزی (WELSH): GARW

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 445 |
| BARNHART: | (URCHIN) 1188 |
| DELAMARRE: | (HÉRISSON) 133 |
| MACKENZIE: | |
| (THORN) 136, (HEDGEHOG) 163 | |
| ONIONS: | |
| (URCHIN) 964, (CHRACTER) 163 | |
| SKEAT: | |
| (GHERS) 754, (URCHIN) 681, | |
| (CHARACTER) 103 | |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۹۲۸۱ |
| برهان قاطع: | ۶۹۷ و ۷۴۷ |

چم این واژه در زبان سانسکریت و لاتین و یونانی و ایرلندی‌کهن و ولزی: هر چیز سخت و تیز و خشن، خارپشت.

چم این واژه در زبان سوئدی و نروژی: نوعی ماهی خاردار.

| | |
|---|---|
| XĀM | فارسی (PERSIAN): خام |
| RAW, UNRIPE | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *OM-, *ŌMŌS-, *HŌMOS- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

| | | |
|---|---|---|
| پارسی باستان | (OLD PERSIAN): | *ĀMĀD |
| پهلوی | (PAHLAVI): | XĀM |
| کردی | (KURDISH): | XĀV, XAVI, XAM |
| بلوچی | (BALUCHI): | HAMAG |
| افغانی (پشتو) | (AFGHANI): | ŌM, ŪM |
| ختنی | (KHOTANESE): | HĀMA |
| سانسکریت | (SANSKRIT): | ĀMÁ,ĀMAS |
| ارمنی | (ARMENIAN): | HUM |
| یونانی | (GREEK): | ŌMÓS |
| لاتین | (LATIN): | AMARUS |
| فرانسه | (FRENCH): | AMER |
| اسپانیایی | (SPANISH): | AMARGO |
| ایتالیایی | (ITALIAN): | AMARO |
| رومانی | (RUMANIAN): | AMAR |
| پرتغالی | (PORTUGUESE): | AMARGO |
| ایرلندی کهن | (OLD IRISH): | OM |
| گالی | (GAULISH): | OF |
| آلبانی | (ALBANIAN): | AMBËLË, ËMBLË |

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 777 |
| DELAMARRE: | 163, 230 |
| MACKENZIE: (CRUDE) 109, (RAW) 129 | |
| MALLPRY & ADAMS: | HOMOS |
| AMINDAROV: (RAW) 275, (UNRIPE) 305 | |
| برهان قاطع: | ۷۰۴ |

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های رومانس (برگرفته از لاتین): تلخ

چم این واژه در زبان آلبانی: تلخی.

| | | |
|---|---|---|
| فارسی | (PERSIAN): خایه | XAYÉ |
| چَم انگلیسی سزواژه‌ی فارسی: | | TESTICLE |
| هند و اروپایی | (INDO-EUROPEAN): | *Ō(W)ÝOM, *ŌYO-, *ŌWO-, *AUEI- |
| اوستایی | (AVESTAN): | ĀVAYA- |
| پارسی باستان | (OLD PERSIAN): | XĀYA |
| پهلوی | (PAHLAVI): | XAYAG, HĀYIK |
| کردی | (KURDISH): | HA'IK |
| بلوچی | (BALUCHI): | HAIK |
| افغانی (پشتو) | (AFGHANI): | HAGËY |
| ارمنی | (ARMENIAN): | JU |
| یونانی | (GREEK): | ŌIÓN |
| لاتین | (LATIN): | ŌVUM |
| فرانسه | (FRENCH): | AEUF |
| اسپانیایی | (SPANISH): | HUEVO |
| ایتالیایی | (ITALIAN): | UOVO |
| رومانی | (RUMANIAN): | OU |
| پرتغالی | (PORTUGUESE): | OVO |
| گوتیک | (GOTHIC): | ADA, *ADDJA |
| ایسلندی کهن | (OLD SCANDINAVIAN): | EGG |
| نورس کهن | (OLD NORSE): | EGG |
| ساکسونی کهن | (OLD SAXON): | EI |
| آلمانی کهن | (OLD HIGH GERMAN): | EI |
| آلمانی | (GERMAN): | EI |
| انگلیسی کهن | (OLD ENGLISH): | EGGE, AEG |
| انگلیسی | (ENGLISH): | EGG |

دانمارکی (DANISH): AEG
سوئدی (SWEDISH): ÄGG
نروژی (NORWEGIAN): EGG
هلندی (DUTCH): EI
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
AJICE
لهستانی (POLISH): JAJE, JAJO
روسی (RUSSIAN): JAJCO, YAITSÓ
چک (CZECH): VAJCE, VEJCE
صربی (SERBIAN): JAJIE
بوهمی (BOHEMIAN): VEJCE
ایرلندی کهن (OLD IRISH): OG
گالی (GAULISH): WY
ولزی (WELSH): WY
برتونی (BRETON): VI
گالیک (GAELIC): UBH

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 783-784 | POKORNY: |
| (EGG) 317 | BARNHART: |
| 149 | DELAMARRE: |
| (EGG) 112 | MACKENZIE: |
| 256 | BUCK: |
| (EGG) 303 | ONIONS: |
| (EGG) 180 | SKEAT: |
| برهان قاطع: | ۷۱۱ |

یادداشت:

۱- چم این واژه در اوستایی و پارسی باستان و پهلوی و همه‌ی زبان‌های هند و اروپایی دیگر: تخم (مرغ).
۲- واژه‌های "خاویار" و "خاک" و "خاگینه" نیز همریشه‌ی واژه‌ی "خایه" هستند.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): خاییدن،- خای (به چم "جویدن") | XAIDAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | CHEW |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *KHA-, *KAK- |

اوستایی (AVESTAN): XĀ-, KANI-, KANN-
پارسی باستان (OLD PERSIAN): KANN-
سانسکریت (SANSKRIT):
KHADATI, KHANATI, KHAD-
ارمنی (ARMENIAN): XACANEM
یونانی (GREEK): XOMÒS
لاتین (LATIN): HĀMUS
لیتوانی (LITHUANIAN): KĀNDU

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 634 | POKORNY: |
| 809 | BUCK: |
| برهان قاطع: | ۷۱۰ و ۷۱۲ |

یادداشت:

چم این واژه در زبان یونانی: خمیده.
چم این واژه در زبان لاتین: کجک، قلاب.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): خرچنگ | XARCHANG |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | CRAB |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *KER-, *KARKAR- |

پهلوی (PAHLAVI):
KARCANG, KARZANG
سانسکریت (SANSKRIT): KARKATA
ارمنی (ARMENIAN): KHCHAPAR
یونانی (GREEK):
XARKINOS, KARKINOS
لاتین (LATIN): CANCER
فرانسه (FRENCH): CANCER, CANCRE
اسپانیایی (SPANISH):
CANGREJO, CÁNCER
ایتالیایی (ITALIAN):
CANCRO, GRANCHIO
رومانی (RUMANIAN): CANCER
پرتغالی (PORTUGUESE):
CARANGUEJO, CÃNCER

نروژی (NORWEGIAN): R&KE
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLACIC):
RAKU
لهستانی (POLISH): RAK
چک (CZECH): RAKO(VINA)
اسلواکی (SLOVAK): PAK

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 531 |
| BARNHART: | (CANCER) 139 |
| MACKENZIE: (CRAB) 109, (CANCER) 106 | |
| ONIONS: | (CANCER) 140 |
| SKEAT: | (CANCER) 88 |
| برهان قاطع : | ۷۲۸ |

یادداشت:

در برخی از زبان‌های هند و اروپایی این واژه چم "سرطان" را هم دارد.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): خِرَد | KHERAD |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | INTELLECT, WISDOM, REASON |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *KAR-, *KARKAR-, *KARTŪS |

اوستایی (AVESTAN): XRATUSH, XRATU
پهلوی (PAHLAVI): XRAT, XVART, XRAD
سانسکریت (SANSKRIT):
KRATU-, KATHINÁ
ارمنی (ARMENIAN): KHELK
یونانی (GREEK): KRATUS
گوتیک (GOTHIC): HARDUS
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
HARDHR
ساکسونی کهن (OLD SAXON): HARD

فریزی کهن (OLD FRISIAN): HERD
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): HART
آلمانی (GERMAN): HART
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): HEARD
انگلیسی (ENGLISH): HARD
دانمارکی (DANISH): HAARD
سوئدی (SWEDISH): HÂRD
نروژی (NORWEGIAN): HAARD
هلندی (DUTCH): HARD

| پسگشت‌ها REFERENCES | |
|---|---|
| BARNHART: (HARD) 465 | BUCK: 1200-1202 , 1064-1065 |
| MACKENZIE: (WISDOM) 140, (REASON) 129 | برهان قاطع : ۷۲۹ |

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: محکم، سخت.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN)*: خُرد (به چم "کوچک"، "ناچیز") | **XORD** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **SMALL, LITTLE, PALTRY** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN)*: | ***(S)KERDH-, *(S)KORDH-** |

اوستایی *(AVESTAN)*: **XVARETA**

پهلوی *(PAHLAVI)*: **XVART, XURD**

کردی *(KURDISH)*: **XORT**

سانسکریت *(SANSKRIT)*: **KRDHŪ-, KRADHIYAMS, KRADHISTA**

یونانی *(GREEK)*: **KHURSION, KHRSANIOS**

لیتوانی *(LITHUANIAN)*: **SKURSTÙ, SKURDAU, SKURSTI**

| پسگشت‌ها REFERENCES | |
|---|---|
| POKORNY: | 949 |
| MACKENZIE: | (LITTLE) 122, (SMALL) 133 |
| AMINDAROV: | (XORT) 83 |
| برهان قاطع : | ۷۲۹ |
| فرهنگ معین : | ۱۴۰۸ |

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN)*: خرس | **XERS** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **BEAR** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN)*: | ***RKTOS, *RKSOS, *RKPOS** |

اوستایی *(AVESTAN)*: **ARESHA, ARSHA**

پارسی باستان *(OLD PERSIAN)*: **ARSHA-**

پهلوی *(PAHLAVI)*: **XIRS**

اوستی *(OSSETIC)*: **ARS**

کردی *(KURDISH)*: **WIRC**

سانسکریت *(SANSKRIT)*: **RKSA, RKSHAS**

ارمنی *(ARMENIAN)*: **ARJ**

یونانی *(GREEK)*: **ÁRKTOS**

لاتین *(LATIN)*: **URSUS**

فرانسه *(FRENCH)*: **OURS**

اسپانیایی *(SPANISH)*: **OSO**

ایتالیایی *(ITALIAN)*: **ORSO**

رومانی *(RUMANIAN)*: **URS**

پرتغالی *(PORTUGUESE)*: **URSO**

بوهمی *(BOHEMIAN)*: **OURZ**

ایرلندی کهن *(OLD IRISH)*: **ART**

| | |
|---|---|
| گالی (GAULISH): | ARTH |
| ولزی (WELSH): | ORS |
| برتونی (BRETON): | OURZ |
| آلبانی (ALBANIAN): | ARI |
| هتیت (HITTITE): | HARTAGGA |

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 875 |
| BARNHART: | (ARCTIC) 49 |
| DELAMARRE: | (OURS) 104 |
| MACKENZIE: | (BEAR) 104 |
| BUCK: | 186 |
| ONIONS: | (ARCTIC) 48 |
| SKEAT: | (ARCTIC) 29 |
| برهان قاطع: | ۷۳۳ |

| | | |
|---|---|---|
| فارسی (PERSIAN): | خرفستر، خستر (به چم "حشره‌ی موذی") | XARFSTAR, XASTAR |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | | INSECT, REPTILE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | | *KREP-, *KRP- |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | XRAFSTRA |
| پهلوی (PAHLAVI): | XRAFSTAR |
| سانسکریت (SANSKRIT): | KRPA |
| لاتین (LATIN): | CORPUS, CORPORIS |
| فرانسه (FRENCH): | CORPS |
| اسپانیایی (SPANISH): | CUERPO |
| ایتالیایی (ITALIAN): | CORPO |
| رومانی (RUMANIAN): | CORP |
| پرتغالی (PORTUGUESE): | CORPO |
| فریزی کهن (OLD FRISIAN): | HREF, HRIF |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | (H)RĒF |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | HRIF |
| انگلیسی (ENGLISH): | -RIFF (MIDRIFF) |
| هلندی (DUTCH): | RIF |
| ایرلندی میانه (MIDDLE IRISH): | CRĪ |

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 620 |
| BARNHART: | (MIDRIFF) 660, (CORPSE) 222 |
| DELAMARRE: | (CORPS) 102 |
| MACKENZIE: | (MIDRIFF) 130 |
| SKEAT: | (MIDRIFF) 374-375 |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۹۶۹۴ |
| برهان قاطع: | ۷۳۵ و (خراستر) ۷۲۳ |
| فرهنگ معین: | ۱۴۱۱ |

یادداشت:

۱- واژه‌ی "خرفستر" (اوستایی:XRAFSTRA) از دو بخش ساخته شده است: اوستایی KREP به چم "تن" و اوستایی -ED(E)D-TRO* یا -ED به چم "خوردن" (620: POKORNY). در زبان پهلوی نیز واژه‌ی KIRB چم "تن" یا "بدن" را داشت (104: MACKENZIE)

۲- ONIONS ریشه‌ی واژه‌های ژرمنی این فهرست را "نامعلوم" می‌نامد (ONIONS:(MIDRIFF) 575)

۳- چم این واژه در همه‌ی واژه‌های این فهرست (به جز اوستایی و پهلوی): "تن"، "بدن"

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* خروس | **XORŪS** |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | **ROOSTER, COCK** |
| **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN):* | ***KERKOS, *KER-** |

اوستایی *(AVESTAN):* **XRAOS, KAHRKATAT, KAHRKATAS**

پهلوی *(PAHLAVI):* **XRŌS**

کردی *(KURDISH):* **XOROS**

بلوچی *(BALUCHI):* **KRŌS**

سانسکریت *(SANSKRIT):* **KRKA-, KUKKUTA**

یونانی *(GREEK):* **KEKAX, KEKKO**

لاتین‌میانه *(MIDDLE LATIN):* **COCCUM**

فرانسه *(FRENCH):* **COQ**

رومانی *(RUMANIAN):* **COCOS**

نورس کهن *(OLD NORSE):* **KOKKR**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* **COCC**

انگلیسی *(ENGLISH):* **COCK**

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):* **KOKOTŪ**

لهستانی *(POLISH):* **KOGUT**

روسی *(RUSSIAN):* **KURITZA**

صربی *(SERBIAN):* **OROZ, KOKOT**

بوهمی *(BOHEMIAN):* **KOHOUT**

لیتوانی *(LITHUANIAN):* **KRAUKILŸS**

پروسی کهن *(OLD PRUSSIAN):* **KERKO**

ایرلندی کهن *(OLD IRISH):* **KOKR, CERCC**

برتونی *(BRETON):* **KOG, KILHOG**

| بسگشت‌ها | *REFERENCES* |
|---|---|
| 571 | *POKORNY:* |
| (COCK) 185 | *BARNHART:* |
| (COQ) 140 | *DELAMARRE:* |
| (COCK) 107 | *MACKENZIE:* |
| 174-176 | *BUCK:* |
| (COCK) 186 | *ONIONS:* |
| (COCK) 118 | *SKEAT:* |
| برهان قاطع: | ۷۴۱ |

یادداشت:

۱- SKEAT , ONIONS معتقدند که این واژه نوعی "نام آوا" (ONOMATOPOEIA) است.

۲- چم این واژه در زبان یونانی: شاهین.

۳- بازگشت به: خروش

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* خروش، خروشیدن | **XORŪSH, XORŪSHIDAN** |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | **CPY, SHOUT** |
| **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN):* | ***KOR-, *KR-, *KER-** |

اوستایی *(AVESTAN):* XRAOSAITI, XRAOS
پهلوی *(PAHLAVI):* XRŌSTAN
سانسکریت *(SANSKRIT):*
KRŌSA, KRŌSATI, KRŌSA-
گوتیک *(GOTHIC):*(شاید)
KRUK, KRUKJAN
ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):*(شاید)
HRYGLA
آلمانی *(GERMAN):*(شاید) KRÄCHZEN
انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):*(شاید)
CRACIAN
انگلیسی *(ENGLISH):*(شاید) CROAK
اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):*
KRICHATI

لهستانی *(POLISH):* KRZYCZEC
روسی *(RUSSIAN):* KRICHAT
چک *(CZECH):* KRICHET
صربی *(SERBIAN):* KRICHATI
بوهمی *(BOHEMIAN):* KRICHETI
اسلواکی *(SLOVAK):* KRICHAT, KRIK
لیتوانی *(LITHUANIAN):* KRAUKTI
لتونی (لتی) *(LATVIAN):* KRAUKAT

| بسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 571 |
| MACKENZIE: | (CRY) 109 |
| BUCK: | 1250-1252 |
| برهان قاطع: | ۷۴۱ |

**یادداشت:**

بازگشت به: خروس

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* خرید، خریدن | **XARID XARIDAN** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **BUY, PURCHASE** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | ***KWREI-, *KWRINĀMI** |

پهلوی *(PAHLAVI):* XRIDAN, XARITAN
کردی *(KURDISH):* KERIN, XERIDAN
تخاری A *(TOKHARIAN A):* KURYAR
تخاری B *(TOKHARIAN B):* KAYOR
سانسکریت *(SANSKRIT):*
KRI-, KRINATI, KRAY
یونانی *(GREEK):* PRIASTHAI
لاتین *(LATIN):*(شاید) CAUPŌ, CAUPŌNIS
گوتیک *(GOTHIC):*(شاید)
KAUTH, KAUTHON
ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):*(شاید)
KAUP, KAUPA
ساکسونی کهن *(OLD SAXON):*(شاید)
KŌP, KŌPIAN
فریزی کهن *(OLD FRISIAN):*(شاید) KĀP
آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):*(شاید)
KOUF, KOUFŌN
آلمانی *(GERMAN):*(شاید)
KAUF, KAUFEN
انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):*(شاید)
CĒAP, CĒAPIAN
انگلیسی *(ENGLISH):*(شاید) CHEAP

دانمارکی (DANISH):(شاید) KIOBE

سوئدی (SWEDISH):(شاید) KÖPA

هلندی (DUTCH):(شاید) KOOPEN, KOOP

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

KUPITI, KRINUTI

لهستانی (POLISH): KUPIC

روسی (RUSSIAN): KUPIT

چک (CZECH): KOUPIT, KOUPĒ

صربی (SERBIAN): KUPITI

اسلواکی (SLOVAK): KUPIT

لیتوانی (LITHUANIAN):

KRIENO, KRAĪTIS

لتونی (لتی) (LATVIAN): KRIENS

ایرلندی کهن (OLD IRISH): CRENAI

گالی (GAULISH): PRINIT

| بسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 648 |
| BARNHART: | (CHEAP) 162 |
| DELAMARRE: | (ACHETER) 265 |
| MACKENZIE: | (BUY) 105 |
| BUCK: | 817-818 |
| ONIONS: | (CHEAP) 166 |
| MALLORY & ADAMS: | KWREI |
| برهان قاطع: | ۷۴۳ |

یادداشت:

۱- برخی معتقدند که واژه‌های ژرمنی این فهرست از واژه‌ی لاتین CAUPŌ (به چم "دستفروش") مشتق شده‌اند.

۲- چم این واژه در انگلیسی: ارزان.

۳- برخی معتقدند که واژه‌های اسلاوی این فهرست از زبان‌های ایرانی مشتق شده‌اند.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): | خَست (به چم "زخم")، خستن (به چم "آزردن، مجروح کردن") |
| | XAST, XASTAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | WOUND |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *SWER-, *SWEROS |

اوستایی (AVESTAN): XVARA

پهلوی (PAHLAVI): XASTAN, XVASTAN

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

SVERD

ساکسونی کهن (OLD SAXON): SWERD

فریزی کهن (OLD FRISIAN): SWERD

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

SWERO, SWERAN, SWERT

آلمانی (GERMAN):

SCHWÄRE, SCHWÄREN, SCHWERT

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): SWEORD

انگلیسی (ENGLISH): SWORD

دانمارکی (DANISH): SVERD

سوئدی (SWEDISH): SVÄRD

نروژی (NORWEGIAN): SVERD

هلندی (DUTCH): SWARD

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

CHURYA

روسی (RUSSIAN): CHVORYJ

چک (CZECH): CHVORY

| | |
|---|---|
| ایرلندی کهن *(OLD IRISH):* | **SERB** |
| گالی *(GAULISH):* | **CHWARREN** |
| ولزی *(WELSH):* | **CHWERW** |

| پسگشت‌ها | *REFERENCES* |
|---|---|
| 1050 | *POKORNY:* |
| (SWORD) 1103 | *BARNHART:* |
| | *DELAMARRE:* |

| | |
|---|---|
| **(BLESSURE, DOULEUR) 110** | |
| (WOUND) 141 | *MACKENZIE:* |
| 306 | *BUCK:* |
| (SWORD) | *ONIONS:* |
| (SWORD) 623 | *SKEAT:* |
| برهان قاطع : | ۷۴۷ |
| فرهنگ معین : | ۱۴۱۹ |

**یادداشت:**

۱- یکی از چم‌های این واژه در زبان‌های ژرمنی: شمشیر، درد.

۲- SKEAT, ONIONS معتقدند که ریشه‌ی واژه‌های ژرمنی این فهرست نامعلوم است.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* | **خُسرُ، خُسُرو (به چم"پدرزن یا پدرشوهر"، "مادرزن یا مادرشوهر")** OSOR, OSORŪ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **FATHER-IN-LAW, MOTHER-IN-LAW** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | ***SWEKRŪ-** |

اوستایی *(AVESTAN):* **XUASURA**

افغانی (پشتو) *(AFGHANI):*

**KHOSER, KHWĀSHE**

سانسکریت *(SANSKRIT):* **SVÁSURA,**

**SVASRŪ, CHVAKURA, CHVAKRŪ**

ارمنی *(ARMENIAN):*

**SKESUR, KVEKURA**

یونانی *(GREEK):* **ECHUROS**

لاتین *(LATIN):*

**SOCER, SOCERĪ, SOCRUS**

اسپانیایی *(SPANISH):* **SUEGRO, SUEGRA**

ایتالیایی *(ITALIAN):*

**SUOCERO, SUOCERA**

رومانی *(RUMANIAN):* **SOCRU, SOCRA**

گوتیک *(GOTHIC):* **SWAIHRŌ, SWAIHRA**

ایسلندی کهن *(OLD SCNDINAVIBN):*

**SWĀERA**

فریزی کهن *(OLD FRISIAN):* **SWEGER**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):*

**SWEHUR, SWIGAR**

آلمانی *(GERMAN):*

**SCHÄHER, SCHWIEGER-**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):*

**SWĒOR, SWEGER**

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):*

**SVEKRY, SVEKRO**

لهستانی *(POLISH):* **SWIEKIER**

روسی *(RUSSIAN):* **SVEKRŌVI, SVEKOR**

صربی *(SERBIAN):* **SUEKAR**

اسلواکی *(SLOVAK):* **SVOKOR, SVOKRA**

لیتوانی *(LITHUANIAN):*

**UOSHVIS, SHĒSHURAS , SHĒSHIURE**

گالی *(GAULISH):*

**CHWEGR, CHWEGRWN**

آلبانی *(ALBANIAN):* **VJEHËRR**

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 1043-1044 |
| *DELAMARRE:* | 43 |
| *BUCK:* | 122 |
| *MOLLORY & ADAMS:* | |
| **SUEKRUHAS** | |
| ۷۴۸ | برهان قاطع : |
| ۱۴۲۰ | فرهنگ معین : |

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* **خسرو** | **XOSRŌ** |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | **KING, SOVEREIGN** |
| **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN):* | ***SU+KLEU-** |

اوستایی *(AVESTAN):* **HU-SRAVAH**

**SLAVA**

پهلوی *(PAHLAVI):*

**HUSRŪV, XUSRAV, HUSRAW**

کردی *(KURDISH):* **XOSRŌ**

سانسکریت *(SANSKRIT):* **SUSHRAVAS**

ارمنی *(ARMENIAN):* **LU**

یونانی *(GREEK):* **KLUTÓS**

لاتین *(LATIN):* **INCLTUS**

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):*

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | |
| **(SU) 1037, (KLEU-) 605** | |
| *MACKENZIE:* | **(FAMOUS) 113** |
| *ONIONS:* | **(CAESAR) 134** |
| ۷۴۸ | برهان قاطع : |

**یادداشت:**

۱- معرب این واژه "کسری" است. احتمال دارد که واژه‌ی لاتین **CAESAR** (یونانی**KAISAR**، فرانسه‌ی کهن **CESAR**، لهستانی **CZAR**، روسی **TSAR**، گوتیک **KISAR**، آلمانی **KAISER**، انگلیسی **CAESAR**) نیز یا از همین واجریشه باشد و یا از پارسی اخذ شده باشد.

۲- بازگشت به: سرود

۳- چم این واژه در زبان‌های یونانی و لاتین، ارمنی، اسلاوی کهن: نامدار، مفتخر

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* **خشت** | **XESHT** |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | **ADOBE, SUN-DRIED BRICK** |
| **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN):* | ***AIDH-, *IDH** |

اوستایی *(AVESTAN):* **ISHTYA**

پارسی باستان *(OLD PERSIAN):* **ISHTI-**

| | |
|---|---|
| پهلوی (PAHLAVI): | XISHT |
| افغانی (پشتو) (AFGHANI): | |
| | XASHTA, XËSHTA |
| سانسکریت (SANSKRIT): | |
| | ISHTAKĀ, ISHTYA- |
| یونانی (GREEK): | AĪTHOS |
| ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): | EISA |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | ESSA |
| آلمانی (GERMAN): | ESSE |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | AED |

| بسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 12 | POKORNY: |
| (BRICK) 105 | MACKENZIE: |
| (BRICK) 603-604 | BUCK: |
| (ETHER) 329 | ONIONS: |
| (AIDH) 752 | SKEAT: |
| برهان قاطع: | ۷۵۰ |

**یادداشت:**

۱- چم این واژه در زبان یونانی و ایسلندی کهن و ایرلندی کهن: شعله، اَلو، آتش.

چم این واژه در زبان آلمانی کهن و آلمانی: دودکش‌بخاری، بخاری.

۲- واژه‌ی فارسی "هیزم" نیز از همین واجریشه است.

| | | |
|---|---|---|
| فارسی (PERSIAN): | خشک | XOSHK |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | | DRY |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | | *SUS-, *SAUS-, *SAUSO- |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | |
| | HAOS-, HUSHKA-, HUSH- |
| پارسی باستان (OLD PERSIAN): | USHKA |
| پهلوی (PAHLAVI): | HUSHK, XUSHK |
| کردی (KURDISH): | HISHK |
| سانسکریت (SANSKRIT): | |
| | SÚSYATI, SOSA-, SÚṢKA, SOSAS |
| یونانی (GREEK): | |
| | HAŪOS, AŪOS, HAÚEIN |
| لاتین (LATIN): | SŪDUS |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | |
| | SŌRĒN |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | |
| | SĒAR, SĒARIAN |
| انگلیسی (ENGLISH): | SERE, SEAR |
| نروژی (NORWEGIAN): | SOYR |
| هلندی (DUTCH): | ZOOR |
| اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): | |
| | SUCHŪ, SUSHITI |
| روسی (RUSSIAN): | SUXOI |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | SAŪSAS, SAŪSTI |
| لتونی (لتی) (LATVIAN): | SUST, SAUSS |
| آلبانی (ALBANIAN): | THANJ |

| پسگشت‌ها REFERENCES | | | |
|---|---|---|---|
| POKORNY: | 880-881 | MACKENZIE: | (DRY) 111 |
| BARNHART: | (SERE) 989, (SEAR) 976 | BUCK: | 1075-1076 |
| DELAMARRE: | (SEC) 233 | ONIONS: | (SERE) 811 |
| | | SKEAT: | (SEAR) 545 |
| | | AMINDAROV: | (DRY) 215 |

یادداشت:

چم این واژه در زبان لاتین: (هوا) صاف و آفتابی و خشک.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): خشم، خشمگین | XASHM, XASHMGIN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | ANGER, ANGRY, IRATE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *EIS- |

اوستایی (AVESTAN): AĒSHMA

پهلوی (PAHLAVI): HISHM, HĒSHM, XESHM

سانسکریت (SANSKRIT): ISHIRA, IS-

یونانی (GREEK): *OISMA, ORÍNEIN

لاتین (LATIN): IRA, EIRA, IRRIRE

اسپانیایی (SPANISH): IRA

ایتالیایی (ITALIAN): IRA

پرتغالی (PORTUGUESE): IRA

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): EISA

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): OFOST, OBAST

لیتوانی (LITHUANIAN): AISTRA

ایرلندی کهن (OLD IRISH): ĪARN

ولزی (WELSH): HAIARN

برتونی (BRETON): HOUARN

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 299-300 |
| BARNHART: | (IRE) 544 |
| MACKENZIE: | (ANGER) 102 |
| BUCK: | 1134-1137 |
| ONIONS: | (IRE) 485 |
| SKEAT: | (IRE) 308 |
| برهان قاطع: | ۷۵۴ |
| فرهنگ معین: | ۱۴۲۴ |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): خفتن، خفتیدن | XOFTAN, XOFTIDAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | SLEEP |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *SWEP-, *SWOP-, *SWEPMI |

اوستایی (AVESTAN): XVAP-

پهلوی (PAHLAVI): XUFTAN, XUAFTAN

کردی (KURDISH): XEW

افغانی (پشتو) (AFGHANI): KHOB

سانسکریت (SANSKRIT): SVAP-, SVAPITI

| | | | |
|---|---|---|---|
| پسگشت‌ها | REFERENCES | | |
| 1048-1049 | POKORNY: | 761 | برهان قاطع: |
| (DORMIR) 287 | DELAMARRE: | (SLEEP) 133 | MACKENZIE: |

یادداشت:

بازگشت به "خواب" و "خوابیدن".

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): | خم، خمُب، خمُبه، خُنب (به چم "خمره"، "کوزه") XOM, XOMB, XOMBÈ, XONB |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | JUG, PITCHER |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *KUMB-, *KUMBH-, *KUMBOS |

اوستایی (AVESTAN): XUMBŌ, XUMBA

پهلوی (PAHLAVI): XUMB, XUNBAK, XUMBAC

سانسکریت (SANSKRIT): KUMBHÁS, KUMBA

یونانی (GREEK): KÚMBOS, CHUMBĒ

لاتین (LATIN): -CUMBŌ

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): KUMM, KUNPF

آلمانی (GERMAN): KUMME

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): CUMB

انگلیسی (ENGLISH): COOMB, COMBE, COMB

هلندی (DUTCH): KOM

لهستانی (POLISH): KUBEK

ایرلندی کهن (OLD IRISH): COMM

برتونی (BRETON): KOMM

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 592 |
| DELAMARRE: | (POT, RECIPIENT) 120 |
| MACKENZIE: | (JUG) 120 |
| ONIONS: | (COMBE, COOMB) 213 |
| SKEAT: | (COMBE, COOMB) 122 |
| THE NEW SHORTER OXFORD ENGLISH DICTIONARY: | (COOMB) 505-506 |
| برهان قاطع: | ۷۶۸ |

یادداشت:

این واژه در آلمانی و انگلیسی نوین کم‌کاربرد است و چم آن: خمره‌ی بزرگ.

| XANDÉ, XANDIDAN | فارسی (PERSIAN): خنده، خندیدن |
|---|---|
| LAUGH, LAUGHTER | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *KHA KHA | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):(شاید) |

پهلوی *(PAHLAVI):*

**XANDAK, XANDIDAN, XAND-**

کردی *(KURDISH):* **XENDÉ, XENDAN**

افغانی (پشتو) *(AFGHANI):*

**KHANUËL,KANDĀ**

سانسکریت *(SANSKRIT):* **KÀKHATI**

ارمنی *(ARMENIAN):* **XAXANKH**

یونانی *(GREEK):*

**CHACHASŌ, KACHÁZEIN**

لاتین *(LATIN):*

**CACHINNŌ, CACHINNARE**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):*

**KACHAZZEN**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):*

**CEAHHETTAN**

انگلیسی *(ENGLISH):*

**CACHINNATION, CACHINNATE**

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):*

**CHOCHOTATI, XOXOTATI**

لهستانی *(POLISH):* **CHICHTAĆ**

لیتوانی *(LITHUANIAN):*

**KIKÉNT, KIKNOTI**

| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | **634** |
| *BARNHART:* | |
| **(CACHINNATION) 133** | |
| *DELAMARRE:* | **265** |
| *MACKENZIE:* | **(LAUGH) 121** |
| *AMINDAROV:* | **(LAUGHING) 247** |
| برهان قاطع: | ۷۷۴-۷۷۵ |

**یادداشت:**

واژه‌ی (شاید) در جلو "هند و اروپایی" همیشه به این معنی است که رابطه‌ی واژه‌های ایرانی فهرست با واجریشه‌ی هند و اروپایی و دیگر واژه‌های فهرست "احتمالی" است و هیچکدام از پسگشت‌های من به این رابطه اشاره نکرده‌اند.

| XĀB, XĀBIDAN | فارسی (PERSIAN): خواب، خوابیدن |
|---|---|
| SLEEP, DREAM | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *SWEP-, *SUP-, *SWEPNOS, *SŪPNOS | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی *(AVESTAN):* **XVAP-, XVAFNA**

پهلوی *(PAHLAVI):* **XWAB, XAMN**

کردی *(KURDISH):* **XEV, XEVIN, XEVN**

بلوچی *(BALUCHI):* **VĀB**

افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* **KHOB**

تخاری A *(TOKHARIAN A):* **SPE**

تخاری B *(TOKHARIAN B):* **SÄNE**

سانسکریت *(SANSKRIT):*

**SVÁPITI, SVĀPAYATI, SVÁPATI, SVÁPNA-, SVÄPA**

| | |
|---|---|
| ارمنی *(ARMENIAN):* | **KUN, KNOY** |
| یونانی *(GREEK):* | **HŪPNOS, HÝPNOS** |
| لاتین *(LATIN):* | **SŌPIŌ, SŌPOR, SŌPŌRIS, SOMNUS** |
| فرانسه *(FRENCH):* | **SOMMEIL** |
| اسپانیایی *(SPANISH):* | **SUEÑO** |
| ایتالیایی *(ITALIAN):* | **SOMNO** |
| رومانی *(RUMANIAN):* | **SOMN** |
| پرتغالی *(PORTUGUESE):* | **SONHO, SON** |
| ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):* | **SOFA, SVEFJA, SVEFN** |
| ساکسونی کهن *(OLD SAXON):* | **SWEBBIAN** |
| فریزی کهن *(OLD FRISIAN):* | **SUFFEN, SWEFN** |
| آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):* | **ANSWEBBFN** |
| انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* | **SWEFAN, SWEFN** |
| اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):* | **SŪPATI, SŪNŪ** |
| لهستانی *(POLISH):* | **SEN, SPAC** |
| روسی *(RUSSIAN):* | **SON, SPAT** |
| صربی *(SERBIAN):* | **SAN, SPAVATI** |
| برهمی *(BOHEMIAN):* | **SEN, SPATI** |
| لیتوانی *(LITHUANIAN):* | **SĀPNAS, SAPNȲS** |
| لتونی (لتی) *(LATVIAN):* | **SAPNIS** |
| ایرلندی کهن *(OLD IRISH):* | **SŪAN** |
| گالی *(GAULISH):* | **HUN** |
| ولزی *(WELSH):* | **HUN** |
| برتونی *(BRETON):* | **HUN, HUNI** |
| آلبانی *(ALBANIAN):* | **SJUMË** |
| هتیت *(HITTITE):* | **SUP-** |

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 1048-1049 |
| *BARNHART:* | (SOMNOLENT) 1034, (HYPNOTIC) 501 |
| *DELAMARRE:* | 287 |
| *MACKENZIE:* | (SLEEP) 133, (DAEAM) 111 |
| *BUCK:* | 268-270 |
| *ONIONS:* | (SOMNI- 848 |
| *SKEAT:* | (SOMNOLENCE) 581 |
| *AMINDAROV:* | (DREAM) 215, (SLEEP) 287 |
| برهان قاطع: | ۷۸۰ |

**یادداشت:**

در زبان‌های ایرانی برای "خواب" (به چم "خفتن") و "خواب" (به چم "آنچه در خواب دیده می‌شود") یک واژه‌ی واحد بکار می‌رود ولی در اکثر زبان‌های اروپایی برای این دو حالت دو واژه‌ی متمایز بکار می‌رود. گاهی این دو واژه همریشه و گاهی ناهمریشه‌اند. در این فهرست واژه‌های همریشه وابسته به هر دو حالت داده شده است.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): خواستن، خواست | XĀSTAN, XĀST |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | DESIRE, WISH, WANT |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *SWĀD-, *SWĀDAI, *SWADONOM |

اوستایی (AVESTAN): XWASTŌ

پهلوی (PAHLAVI): XWASTAN

کردی (KURDISH):

XVASTIN, XUSTIN, XWESTEK

سانسکریت (SANSKRIT):

SVAD-, SVÁDATI, SVĀDATĒ

ارمنی (ARMENIAN): XOSTAG

یونانی (GREEK): HĒDOMAI, ĒDOMAI

لاتین (LATIN): SVADEŌ, SVADĒRE

لیتوانی (LITHUANIAN): SUDYTI

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 1039-1040 |
| DELAMARRE: | 286 |
| MACKENZIE: | (WANT) 139 |
| SKEAT: | (SWAD) 759 |
| AMINDAROV: | (DESIRE) 311 |
| ۷۸۲ و ۷۸۳ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

۱- بازگشت به: شیرین.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): خوال (به چم "دوده‌ای که برای ساختن مرکب از دود چراغ می‌گیرند") | XŪAL |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | LAMPBLACK, BLACKING |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *SUER, *SWORDOS, |

اوستی (OSSETIC): XUARUN

سغدی (SOGADIAN): XWRN

خُتنی (KHOTANESE): HUĀRAKA

لاتین (LATIN): SORDĒS, SORDĒRE

گوتیک (GOTHIC): SWARTS

نورس کهن (OLD NORSE): SVARTR

ساکسونی کهن (OLD SAXON): SWART

فریزی کهن (OLD FRISIAN): SWAR

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

SWARZ

آلمانی (GERMAN): SCHWARTZ

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): SWEART

انگلیسی (ENGLISH): SWART

دانمارکی (DANISH): SORT

سوئدی (SWEDISH): SVART

نروژی (NORWEGIAN): SVART

هلندی (DUTCH): ZWART

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 1052 |
| BARNHART: | (SWART) 1100 |
| MALLORY & ADAMS: | SUER |
| ۷۸۲ | برهان قاطع: |
| ۱۰۰۳۷ | لغت‌نامه دهخدا: |
| ۱۴۴۹ | فرهنگ معین: |

یادداشت:

۱- بازگشت به: سیاه.

۲- چم این واژه در زبان لاتین: کثیف و چرکین.

۳- چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: سیاه.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): خوان (به چم "خوردنی" و سینی یا طبق "مواد خوراکی") | XĀN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | PLATTTER, TRAY, FOOD |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *SWĀD-, *SWĀDONOM |

اوستایی (AVESTAN): XWASTŌ, XWANDRA-

پهلوی (PAHLAVI): XVĀN, XWĀN

کردی (KURDISH): XĀN, XUNCHÉ

بلوچی (BALUCHI): V'ĀN

افغانی (پشتو) (AFGHANI): XVĀN, KHWAND

سانسکریت (SANSKRIT): SVĀDATĒ, SVĀTTÁ-, SVĀDA-, SVÁDÁYATI

یونانی (GREEK): HADEIN

لاتین (LATIN): SUADEŌ, SUADĒRE

فرانسه (FRENCH): (PER)SUASION

اسپانیایی (SPANISH): (PER)SUADIR

ایتالیایی (ITALIAN): (PER)SUADERE

پرتغالی (PORTUGUESE): (PER)SUADIR

گوتیک (GOTHIC): SUTIS

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):(شاید) SWATAN

لیتوانی (LITHUANIAN): SÚDYTI

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 1039-1040 |
| BARNHART: | (SUASION) 1082 |
| MACKENZIE: (XWĀN) 95, (TABLE) 136 | |
| AMINDAROV: | (TRAY) 301 |
| ۷۸۳ | برهان قاطع : |
| ۱۴۴۹ | فرهنگ معین : |

یادداشت:

۱- چم این واژه در زبان لاتین و دیگر زبان‌های رومانس: وادار کردن، قبولاندن، متقاعد کردن.

۲- واژه‌ی "خوانچه" یا "خُونچه" نیز از همین ریشه است.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): خواندن | XĀNDAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | READ, SING, CALL |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *SWEN-, *SWON- |

اوستایی (AVESTAN): XVAN-, XVANAT-

پهلوی (PAHLAVI): XWANDAN, XVANTAN

اوستی (OSSETIC): XŌNUN, XŌNIN

کردی (KURDISH): XVĀNDIN, XVENDIN

افغانی (پشتو) (AFGHANI):

LWĒST, SWASTĒL

سانسکریت (SANSKRIT): SVAN-, SVĀNATI

لاتین (LATIN): SŌNO, SŌNARE, SONUS

فرانسه (FRENCH): SON

اسپانیایی (SPANISH): SONIDO

ایتالیایی (ITALIAN): SUONO

رومانی (RUMANIAN): SUNET

پرتغالی (PORTUGUESE): SOM

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

SVANR

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

SWINSIAN, SWAN

انگلیسی (ENGLISH): SOUND

لیتوانی (LITHUANIAN): SKAN'A

ایرلندی کهن (OLD IRISH):

SENIM, SON

برتونی (BRETON): SON

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 1046-1047 |
| BARNHART: | (SOUND) 1034 |
| MACKENZIE: | (CALL) 106 |
| BUCK: | 1035-1036 |
| ONIONS: | (SOUND3) 848 |
| SKEAT: | (SOUND3) 583 |
| SHIPLEY: | (SUEN) 395 |
| AMINDAROV: | (READ) 275 |
| ۷۸۴ | برهان قاطع : |

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های رومانس (زبان‌های ناشی از لاتین): صدا.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): خواهر | XĀHAR |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | SISTER |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *SWESOR |

اوستایی (AVEṢTAN): XVAHAR, XVANHAR

پهلوی (PAHLAVI): XVĀHAR, XAH

اوستی (OSSETIC): XO, XORE

کردی (KURDISH): XOH, XŪHA

بلوچی (BALUCHI): GVAHĀR, GVĀR

افغانی (پشتو) (AFGHANI): KHOR, XOR

تخاری A (TOKHARIAN A): SAR

تخاری B (TOKHARIAN B): SER

سانسکریت (SANSKRIT): SVÁSAR

ارمنی (ARMENIAN): K'OIR

یونانی (GREEK): ĒOR

لاتین (LATIN): SOROR

فرانسه (FRENCH): SæUR

ایتالیایی (ITALIAN): SORELLA

رومانی (RUMANIAN): SORA

گوتیک (GOTHIC): SWISTAR

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

SYSTIR

فریزی کهن (OLD FRISIAN): SWESTER

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

SWESTER

آلمانی (GERMAN): SCHWESTER

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): SWEOSTOR

انگلیسی (ENGLISH): SISTER

دانمارکی (DANISH): SOSTER

سوئدی (SWEDISH): SYSTER

نروژی (NORWEGIAN): SOSTER

هلندی (DUTCH): ZUSTER

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): SESTRA

لهستانی (POLISH): SIOSTRA

روسی (RUSSIAN): SETRÁ

چک (CZECH): SESTRA

صربی (SERBIAN): SESTRA

بوهمی (BOHEMIAN): SESTRA

اسلواکی (SLOVAK): SESTRA

لیتوانی (LITHUANIAN): SESUŌ, SESERS

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): SWESTRO

ایرلندی کهن (OLD IRISH): SIUR

ولزی (WELSH): SHWAER

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 1051 |
| BARNHART: | (SISTER) 1010-1011 |
| DELAMARRE: | 43 |
| MACKENZIE: | (SISTER) 133 |
| BUCK: | 107 |
| ONIONS: | (SISTER) 830 |
| SKEAT: | (SISTER) 565 |
| ۷۸۴ | برهان قاطع : |

یادداشت:

چم این واژه در زبان یونانی: دختر

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): خوب | XŪB |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | GOOD |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *SŪ-, *SŪE-, *SU- |

اوستایی (AVESTAN): HU-, HŪBAYA

پارسی باستان (OLD PERSIAN): U-

پهلوی (PAHLAVI): HU-, XŪB, HŪP, XVAP, HUDĀG

افغانی (پشتو) (AFGHANI): XŪB

سانسکریت (SANSKRIT): SU-, SUVAPUS

یونانی (GREEK): HU-, EÚS

لاتین (LATIN): EU-

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): SŪ-

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): SED-, SEDRAVE

چک (CZECH): ZDRAVY, ZBOZI

اسلواکی (SLIOVAK): ZDRAVÝ

لیتوانی (LITHUANIAN): SU-, SU-DRUS

ایرلندی کهن (OLD IRISH): SO-, SU-

گالی (GAULISH): SU-

ولزی (WELSH): HY-

برتونی (BRETON): HE-

هتیت (HITTITE): ASSUS

| MACKENZIE: | (GOOD) 116 | REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|---|---|
| ۸۷۴ | برهان قاطع : | POKORNY: | 1037-1038 |
| | | DELAMARRE: | 235 |

یادداشت:

۱- بازگشت به: هو

۲- این واجریشه بیشتر بعنوان پیشوند بکار رفته است.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): خود، خویش، خویشتن | XOD, XISH, XISHTAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | SELEF |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *S(W)E-, *SWEDH-, *SUE-, *SEUE-, *SE- |

اوستایی (AVESTAN):

HAVA-, XVATŌ, (H)UVA

پارسی باستان (OLD PERSIAN):

XWAT, XVAI

پهلوی (PAHLAVI):

XWAT, XWAD, XVĒSH-TAN

کردی (KURDISH): XUD-,

افغانی (پشتو) (AFGHANI): KHOD-, KHUD-

سانسکریت (SANSKRIT): SVÁ-

ارمنی (ARMENIAN):

IUR, IN-KEN, IN-KEAN

یونانی (GREEK): É-, EÉ-, HOS-

لاتین (LATIN): SUI-, SU-, SUUS, SĒ-

گوتیک (GOTHIC): SILBA, SWĒS, SIK

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

SJĀLFR

ساکسونی کهن (OLD SAXON):

SELF, SELBO

فریزی کهن (OLD FRISIAN): SELF, SELVA

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

SELBO, SELB, SIH

آلمانی (GERMAN): SELBST, SICH

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

SELF, SELOF, SYLF

انگلیسی (ENGLISH): SELF

دانمارکی (DANISH): SELV

سوئدی (SWEDISH): SJÄLV

نروژی (NORWEGIAN): SJOL

هلندی (DUTCH): ZELF

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

SVOJU

لیتوانی (LITHUANIAN): SAVĒS, SEVĒS

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): SWAIS

آلبانی (ALBANIAN): VE-TĒ

| | | | |
|---|---|---|---|
| SKEAT: | | REFERENCES | پسگشت‌ها |
| (SUICIDE) 614, (SELF) 548 | | POKORNY: | 882-884 |
| THE AMERICAN HERITAGE | | BARNHART: | |
| DICTIONARY OF THE ENGLISH | | (SELF) 981, (SUICIDE) 1089 | |
| LANGUAGE: | (S(W)E-) 2050 | MACKENZIE: | (SELF) 132 |
| ۷۸۴ و ۷۹۸ | برهان قاطع: | ONIONS: | |
| | | (SUICIDE) 884, (SELF) 807 | |

یادداشت:

SKEAT , ONIONS ریشه‌ی واژه‌های ژرمنی این فهرست را ناشناخته می‌دانند.

| | |
|---|---|
| XOR, XORSHID, HŪR | فارسی (PERSIAN): خور، خورشید، هور |
| SUN | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *SĀWEL-, *SĀSWOL-, *SŪL-, *SWEN- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): XWENG, HVAR∂, HŪRŌ, HUUARE

پهلوی (PAHLAVI): XVARSGĒTM XWAR

اوستی (OSSETIC): HOR

کردی (KURDISH): XEWER, HUR

سانسکریت (SANSKRIT): SÚRAS, SVAR, SÚVAR, SURYA

ارمنی (ARMENIAN): AREU

یونانی (GREEK): HĒLIOS,ĒÉLIOS

لاتین (LATIN): SŌL

فرانسه (FRENCH): SOLEIL

اسپانیایی (SPANISH): SOL

ایتالیایی (ITALIAN): SOLE

رومانی (RUMANIAN): SOARE

پرتغالی (PORTUGUESE): SOL

گوتیک (GOTHIC): SUNNO, SAUIL, SUNEL

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): SUNNA, SŌL

ساکسونی کهن (OLD SAXON): SUNNA

فریزی کهن (OLD FRISIAN): SUNNE, SONNE

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): SUNNA

آلمانی (GERMAN): SONNE

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): SUNNE, SŌL

انگلیسی (ENGLISH): SUN

دانمارکی (DANISH): SOL

سوئدی (SWEDISH): SOL

نروژی (NORWEGIAN): SOL

هلندی (DUTCH): ZON

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): SLŪNĬCE

لهستانی (POLISH): SLONCE

روسی (RUSSIAN): SLONCE

| | |
|---|---|
| صربی (SERBIAN): | SUNCE |
| بوهمی (BOHEMIAN): | SLUNCE |
| اسلواکی (SLOVAK): | SLNCE |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | SÁULE |
| لتونی (لتی) (LATVIAN): | SÁULE |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | SÚIL, SŪL |
| گالی (GAULISH): | HAUL |
| ولزی (WELSH): | HAUL |
| برتونی (BRETON): | HAUL, HEOL |
| آلبانی (ALBANIAN): | HÜL |
| هتیت (HITTITE): | PANHUR |

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 881 |
| BARNHART: | (SUN) 1091, (SOLAR) 1031 |
| DELAMARRE: | (LE SOLEIL) 189 |
| MACKENZIE: | (SUN) 135 |
| BUCK: | 54 |
| ONIONS: | (SUN) 885 |
| SKEAT: | (SUN) 616, (SLOAR) 579 |
| RAMAT: | 43 |
| AMINDAROV: | (SUN) 295 |
| برهان قاطع: | ۷۸۷ و ۲۳۸۹ |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): خوردن | XORDAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | EAT |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *SWEL-, *SWELK- |

اوستایی (AVESTAN):

XWAR, XVARAITI, XWARETHA-

پهلوی (PAHLAVI):

XVARTAN, XWARDAN, XWĀRIDAN

اوستی (OSSETIC): XÄRIN, XVÄRUN

کردی (KURDISH):

XŪRIN, XVĀRIN, XWERIN

بلوچی (BALUCHI): XŌRAL

افغانی (پشتو) (AFGHANI): KHWARĒL

ارمنی (ARMENIAN): XORTIC, XOR

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

SOLLR, SVELGA, SVELGR

ساکسونی کهن (OLD SAXON):

FARSWEL GAN

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

SWELGAN

آلمانی (GERMAN): SCHWELGEN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

SWILLAN, SWELGAN

انگلیسی (ENGLISH): SWILL, SWALLOW

دانمارکی (DANISH): SVELGE

سوئدی (SWEDISH): SVÄLJA

نروژی (NORWEGIAN): SOLL, SVELGIE

هلندی (DUTCH): ZWELGEN

| | |
|---|---|
| پسگشت‌ها REFERENCES | ONIONS: (SWALLOW) 891 |
| POKORNY: 1045 | SKEAT: (SWALLOW) 621, (SWILL) 622 |
| BARNHART: (SWALLOW) 1099, (SWILL) 1102 | AMINDAROV: (DRINK) 215, (EAT) 216 |
| MACKENZIE: (EAT) 112, (DRINK) 111 | برهان قاطع: ۷۸۸ |
| BUCK: 328 , 331 | |

یادداشت:

چم این واژه در زبان آلمانی: بزم برپا کردن.

چم این واژه در زبان انگلیسی: با حرص و شتاب خوردن، بلعیدن.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): خوک | XŪK |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | SWINE, SOW, PIG, HOG |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *SŪS-, *SUW- |

اوستایی (AVESTAN): HŪ

پهلوی (PAHLAVI): XŪG

اوستی (OSSETIC): XU, XUI

کردی (KURDISH): XŪ

بلوچی (BALUCHI): HIK, HIX

افغانی (پشتو) (AFGHANI): KHUK, XUG

تخاری B (TOKHARIAN B): SUWO, SWĀN-

سانسکریت (SANSKRIT): SŪKARÁ, SŪKARI

یونانی (GREEK): HŪS, HȲS, HUĒNÓS

لاتین (LATIN): SŪS, SUIS, SUĪNUS, SUCULA

گوتیک (GOTHIC): SWEIN

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): SȲR, SVIN

ساکسونی کهن (OLD SAXON): SUGA, SWĪN

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): SŪ, SWIN

آلمانی (GERMAN): SAV, SVHWEIN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): SU, SWIN, SUGU

انگلیسی (ENGLISH): SOW, SWINE, HOG

دانمارکی (DANISH): SO, SVIN

سوئدی (SWEDISH): SUGGA, SO, SVIN

نروژی (NORWEGIAN): SUGGA, SVIN

هلندی (DUTCH): ZEUG, SWIJN

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): SVINŪ, SVINIJA

لهستانی (POLISH): SWINIA

روسی (RUSSIAN): SVIN'JA, SVINOI

چک (CZECH): SVINĒ

صربی (SERBIAN): SVINJA

بوهمی (BOHEMIAN): SVINĒ

اسلواکی (SLOVAK): SVINA

| | |
|---|---|
| لیتوانی (LITHUANIAN): | KIAULE |
| لتونی (لتی) (LATVIAN): | |
| | SUVĒNS, SIVĒNS, CŪKA |
| پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): | SEWE- |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | |
| | SOCC, HUKK |
| سلتی (کلتی) (CELTIC): | *SUKKO- |
| گالی (GAULISH): | SU- |
| ولزی (WELSH): | HOCH, HWCH |
| برتونی (BRETON): | HOUC'H, HOC'H |
| آلبانی (ALBANIAN): | THI |

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 1038 |
| BARNHART: | (SOW) 1038, (SWINE) 1102 |
| DELAMARRE: | (PORC, TRUIE) 137 |
| MACKENZIE: | (PIG) 127 |
| BUCK: | 160-164 |
| ONIONS: | (SWIWE) 894, (SOW) 849 |
| SKEAT: | (SWINE) 622, (SOW) 584 |
| برهان قاطع: | ۷۹۴ |

**یادداشت:**

در بیشتر زبان‌های هند و اروپایی برای "خوک نر" و "خوک ماده" واژه‌های متفاوت دارند و این واژه با هم در این فهرست داده شده‌اند.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): خون | XŪN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | BLOOD |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *WES-, *WOS- |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | VOHUNI-, VOHUNA |
| پهلوی (PAHLAVI): | XŌN, XŪN |
| کردی (KURDISH): | KĒN, KWAN |
| بلوچی (BALUCHI): | HŌN, HŪN |
| افغانی (پشتو) (AFGHANI): | VĪNĒ, WINA |
| سانسکریت (SANSKRIT): | VÁSĀ, VASĀ |
| ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): | |
| | VĀS, VEISA |
| فریزی کهن (OLD FRISIAN): | WĀSE |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | |
| | WASAL |
| آلمانی (GERMAN): | WASEN |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | WŌS |
| انگلیسی (ENGLISH): | OOZE |
| نروژی (NORWEGIAN): | ŌZ, VEISA |

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 1172 |
| BARNHART: | (OOZE) 729 |
| MACKENZIE: | (BLOOD) 104 |
| BUCK: | (BLOOD) 206 |
| ONIONS: | (OOZE) 628 |
| SKEAT: | (OOZE) 412 |
| AMINDAROV: | (BLOOD) 192 |
| برهان قاطع: | ۷۹۵ |
| فرهنگ معین: | ۱۴۶۲ |

یادداشت:

چم این واژه در زبان سانسکریت: چربی.

چم این واژه در زبان انگلیسی کهن: شهد، شیی نمدار، گِل، گِل و لای.

چم این واژه در زبان انگلیسی امروز: آهسته جاری شدن، (خون) آمدن، گل و لای، خون نیمه لخته.

چم این واژه در زبان آلمانی کهن، ایسلندی کهن و فریزی کهن: باران، آب راکد.

چم این واژه در زبان آلمانی امروز: چمن، مَرغ.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* خوی (به چم "عرق بدن" | **XOY** |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | **SWEAT** |
| **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN):* | ***SWEID-, *SWOID, *SWID-** |

اوستایی *(AVESTAN):* **XVAĒDHA**

پهلوی *(PAHLAVI):* **XWĒY, XVĀI, XWISTAN**

اوستی *(OSSETIC):* **XED**

کردی *(KURDISH):* **XŪDAN, XWEYDAN, XŪ, XŌH**

بلوچی *(BALUCHI):* **HED**

افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* **KHWALA**

سانسکریت *(SANSKRIT):* **SVIDYATI, SVEDATE, SVEDÁYATI, SVEDA-**

ارمنی *(ARMENIAN):* **K'IRTN**

یونانی *(GREEK):* **HIDRÓS, ĪDIO**

لاتین *(LATIN):* **SŪDOR, SŪDARE, SŪDŌ**

فرانسه *(FRENCH):* **SUER, SUEUR**

اسپانیایی *(SPANISH):* **SUDOR, SUDAR**

ایتالیایی *(ITALIAN):* **SUDORE, SUDARE**

رومانی *(RUMANIAN):* **SUDOARE**

پرتغالی *(PORTUGUESE):* **SUOR, SUAR**

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):* **SVEITI**

ساکسونی کهن *(OLD SAXON):* **SWĒT**

فریزی کهن *(OLD FRISIAN):* **SWĒT**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):* **SWEIZ, SWIZZWN**

آلمانی *(GERMAN):* **SCHWEISS, SCHWITZEN**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* **SWĀT**

انگلیسی *(ENGLISH):* **SWEAT**

دانمارکی *(DANISH):* **SVED**

سوئدی *(SWEDISH):* **SVETT**

نروژی *(NORWEGIAN):* **SVED**

هلندی *(DUTCH):* **ZWEET**

لتونی (لتی) *(LATVIAN):* **SVÍST, SVIDĒT**

ایرلندی کهن *(OLD IRISH):* **SREOD**

ولزی *(WELSH):* **CHWYS**

آلبانی *(ALBANIAN):* **DIRSË, DJERSË**

| *REFERENCES* | **پسگشت‌ها** |
|---|---|
| *POKORNY:* | **1043** |
| *BARNHART:* | **(SWEAT) 1101** |
| *DELAMARRE:* | **287** |
| *MACKENZIE:* | **(SWEAT) 135** |
| *BUCK:* | **454-455** |

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۷۹۷ | برهان قاطع : | *ONIONS:* | (SWEAT) 893 |
| ۱۴۶۴ | فرهنگ معین : | *SKEAT:* | (SWEAT) 622 |
| ۱۰۱۵۹-۱۰۱۶۰ | لغت‌نامه دهخدا: | *AMINDAROV:* | (SWEAT) 295 |

**یادداشت:**

در برخی زبان‌های هند و اروپایی (مثلاً زبان‌های رومانس و آلمانی) واژه‌های "عرق" و " عرق کردن" با هم فرق دارند ولی در برخی دیگر (مثلاً انگلیسی) اسم و فعل واژه یکی است.

| | |
|---|---|
| **فارسی** *(PERSIAN):* **داد (به چم "عدل")** | **DĀD** |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | **JUSTICE** |
| **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN):* | ***DHĒ-, *DHĒTU-, *DHĒTIS-, *DHŌ-** |

اوستایی *(AVESTAN):*

**DATHAITI, DĀTA, DATHA**

پارسی باستان *(OLD PERSIAN):*

**ADADĀ, DĀTA**

پهلوی *(PAHLAVI):* **DĀD, DAT**

کردی *(KURDISH):* **DĀD, DAD**

افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* **DĀD**

تخاری A *(TOKHARIAN A):*

**TĀ-, TÄS-, TAS-**

تخاری B *(TOKHARIAN B):* **TES-**

سانسکریت *(SANSKRIT):* **DAD HĀTI, DHĀ,-HITAH,-DHITAH, DHĀTUM, DHAMAN**

ارمنی *(ARMENIAN):* **ED, DNEM**

یونانی *(GREEK):*

**THETÓS, THĒTÓN, TITHÉNAI**

لاتین *(LATIN):* **-DITUS,-DIDĪ,-DERE**

گوتیک *(GOTHIC):* **GA-DĒTHS,- DA**

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):*

**DĀDH**

ساکسونی کهن *(OLD SAXON):* **DĀD, DŪAN**

فریزی کهن *(OLD FRISIAN):*

**DĒD, DĒDE, DUĀ**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):*

**TETA, TĀT, TUON**

آلمانی *(GERMAN):* **TAT, TUN**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* **DAD, DŌN**

انگلیسی *(ENGLISH):* **DEED, DO**

دانمارکی *(DANISH):* **DAAD**

سوئدی *(SWEDISH):* **DĀD**

نروژی *(NORWEGIAN):* **DAAD**

هلندی *(DUTCH):* **DAAD, DOEN**

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):*

**DĒTŪ, DĒTI**

روسی *(RUSSIAN):* **DĒNU, DĒVĀTŪ**

لیتوانی *(LITHUANIAN):*

**DĒTAS, DËTU, DĒTI**

پروسی کهن *(OLD PRUSSIAN):* **-DITANS**

گالی *(GAULISH):* **DEDE**

هتیت *(HITTITE):* **DA-AISH, DA-AI, DĀI-**

| پسگشت‌ها | REFERENCES | | |
|---|---|---|---|
| 235-239 | POKORNY: | | SKEAT: |
| | BARNHART: | (DEED) 159, (CO) 177 | |
| (DEED) 258, (DO) 292 | | (DAD) 41 | AMINDAROV: |
| (JUSTICE) 120 | MACKENZIE: | برهان قاطع: | ۸۰۷ |
| | ONIONS: | | |

(DEED) 250, (DO) 279-280

یادداشت:

چم آغازین این واژه در بیشتر زبان‌های این فهرست: قرار دادن، مقرر کردن.
چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: انجام، انجام دادن، عمل.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): دادن | DĀDAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | GIVE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *DŌ-, *DŌU-, *DIDŌMI, *DŌTOS |

اوستایی (AVESTAN):
DADAITI, DADHAMI, DĀ-
پارسی باستان (OLD PERSIAN): DADĀTUV
پهلوی (PAHLAVI):
DĀDAN, DAHISHN, DĀTAN
اوستی (OSSETIC): DAEDTN, DAETTIN
کردی (KURDISH): DAN, DAIN
بلوچی (BALUCHI): DĒAG, DEĀGH
سانسکریت (SANSKRIT): DÁDĀTI, DĀ-
ارمنی (ARMENIAN): TAM
یونانی (GREEK): DIDOMI, DIDÓNAI
لاتین (LATIN): DŌ, DEDET, DARE
فرانسه (FRENCH): DONNER
اسپانیایی (SPANISH): DAR
ایتالیایی (ITALIAN): DARE, DONARE
رومانی (RUMANIAN): DA
پرتغالی (PORTUGUESE): DAR
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
DAMI, DATI
لهستانی (POLISH): DAĆ

روسی (RUSSIAN): DAT´, DHRI'E, DATŪ
چک (CZECH): DÁT
صربی (SERBIAN): DATI
بوهمی (BOHEMIAN): DÁTI
اسلواکی (SLOVAK): DAT
لیتوانی (LITHUANIAN): DÚOMI, DUOTI
لتونی (لتی) (LATVIAN): DUOT
ایرلندی کهن (OLD IRISH): DO-BIUR
آلبانی (ALBANIAN): DĀ-
هتیت (HITTITE): DĀ-

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 223-226 | POKORNY: |
| (DATE) 252 | BARNHART: |
| (DONNER) 252 | DELAMARRE: |
| (GIVE, GIVING) 116 | MACKENZIE: |
| 749 | BUCK: |
| (DATE) 155, (DONATION) 179 | SKEAT: |
| برهان قاطع: | ۸۰۹ |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): دار، درود (به چم "درخت"، "چوب") | DĀR, DORŪD |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | TREE, WOOD |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *DERU-, *DŌRU-, *DREU-, *DRŪ |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | DĀURU, DRŪ- |
| پهلوی (PAHLAVI): | DĀR |
| کردی (KURDISH): | DĀR |
| بلوچی (BALUCHI): | DĀR |
| تخاری B (TOKHARIAN B): | OR |
| سانسکریت (SANSKRIT): | DÁRU, DRÓS, DRU- |
| ارمنی (ARMENIAN): | TRAM, DAR(ASTAN) |
| یونانی (GREEK): | DRȲS, DÓRU, DOŪRA |
| گوتیک (GOTHIC): | TRIU |
| ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): | TRĒ |
| ساکسونی کهن (OLD SAXON): | TRIO |
| فریزی کهن (OLD FRISIAN): | TRĒ |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | TRĒO, TRĒOW |
| انگلیسی (ENGLISH): | TREE |
| دانمارکی (DANISH): | TRA |
| سوئدی (SWEDISH): | TRÄD, TRÄ |
| نروژی (NORWEGIAN): | TRE |
| اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): | DRĒVO, DRŪVA |
| لهستانی (POLISH): | DRZEWO |
| روسی (RUSSIAN): | DEREVO |
| چک (CZECH): | DREVO |
| صربی (SERBIAN): | DRVO |
| بوهمی (BOHEMIAN): | DREVO |
| اسلواکی (SLOVAK): | DREVO |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | DERVA |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | DAUR, DARAG |
| ولزی (WELSH): | DERWEN |
| آلبانی (ALBANIAN): | DRU |
| هتیت (HITTITE): | TARU |

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 214 |
| BARNHART: | (TREE) 1164 |
| DELAMARRE: | (ARBRE, BOIS) 168 |
| MACKENZIE: | (WOOD) 140 |
| BUCK: | 48-50 |
| ONIONS: | (TREE) 939 |
| SKEAT: | (TREE) 662 |
| ۸۰۹ | برهان قاطع: |

یادداشت:

۱- در بیشتر زبان‌های هند و اروپایی این واژه هم به چم "درخت" و هم به چم "چوب" بکار می‌رفته.

۲- چم این واژه در زبان‌های ایرلندی کهن و گالی: درخت بلوط.

۳- چم واژه‌ی TRAM در زبان ارمنی: محکم.

| | |
|---|---|
| DĀS, DĀSÉ | فارسی *(PERSIAN):* داس، داسه |
| SICKLE | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *D∂-, *DĀI-, *DĪ- | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* |

پهلوی *(PAHLAVI):* DĀS

سانسکریت *(SANSKRIT):*

DĀTRAM, (DĀTRA, OATI, DAYATI)

اسپانیایی *(SPANISH):*(شاید) DALLE

لیتوانی *(LITHUANIAN):*(شاید) DALGIS

لتونی (لتی) *(LATVIAN):*(شاید) DOALGIS

| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 175 |
| *MACKENZIE:* | (SISKLE) 132 |
| *BUCK:* | 507 |
| برهان قاطع : | ۸۱۳ و ۸۱۴ |

| | |
|---|---|
| DĀSHTAN | فارسی *(PERSIAN):* داشتن |
| HAVE, HOLD | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *DHER-, *DHER∂-, *DHR- | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* |

اوستایی *(AVESTAN):* DAR-, DĀRAYEITI

پارسی باستان *(OLD PERSIAN):*

DAR-, DĀRĀYAMIY

پهلوی *(PAHLAVI):* DĀSHTAN

اوستی *(OSSETIC):* DARIN, DARUN

کردی *(KURDISH):* DĀR

بلوچی *(BALUCHI):* DĀRAGH, DĀRAG

سانسکریت *(SANSKRIT):*

DHAR- DHĀRÁYATI

ارمنی *(ARMENIAN):* DADAR

یونانی *(GREEK):* THĒSASTHAI

لاتین *(LATIN):* FIRMUS

فرانسه *(FRENCH):* FERME

اسپانیایی *(SPANISH):* FIRME

ایتالیایی *(ITALIAN):* FERMO

رومانی *(RUMANIAN):* FERM

پرتغالی *(PORTUGUESE):* FIRME

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):*

TARNI, TARNEN

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* DARIAN

انگلیسی *(ENGLISH):*(از لاتین) FIRM

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):*

DRUZHATI

چک *(CZECH):* DRZHET

اسلواکی *(SLOVAK):* DRZHAT

لیتوانی *(LITHUANIAN):* DERIÚ, DERĒTI

لتونی (لتی) *(LATVIAN):* DERU, DERĒT

ولزی *(WELSH):* DRYD

| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 252-254 |
| *BARNHART:* | (FIRM) 384 |
| *MACKENZIE:* | |
| | (HOLD ) 118, (HAVE) 117 |
| برهان قاطع : | ۸۱۵ |

یادداشت:

چم این واژه در زبان یونانی: نشستن، خود را شق نگهداشتن.

چم این واژه در زبان‌های لیتوانی و لتونی: اجیر کردن.

چم این واژه در زبان ولزی: صرفه‌جو.

چم این واژه در زبان‌های رومانس: محکم.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): داغ | DĀGH |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | HOT, BRAND |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *DHEGWH-, *DHEGWHO |

اوستایی (AVESTAN): DAGHA, DAZHAITI

پهلوی (PAHLAVI): DAGH

کردی (KURDISH):

DĀGH, DAX, DAXKIRIN

بلوچی (BALUCHI): DĀG, DĀGH

افغانی (پشتو) (AFGHANI): DĀGH

تخاری A (TOKHARIAN A): TSÄK

تخاری B (TOKHARIAN B): TSAK, TEKI

سانسکریت (SANSKRIT):

DÁHATI, DĀHA-, DĀGHÁ, DĀHAYATI

یونانی (GREEK): TÉPHRA

لاتین (LATIN): FOVEŌ, FOVĒRE

گوتیک (GOTHIC): DAGS

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

ZHEGO, ZHESHTI

روسی (RUSSIAN): DEGOTU

چک (CZECH): DEHNA, DAHNEK

لیتوانی (LITHUANIAN):

DĒGU, DĒGTI, DIGTAS, DAHĀ

لتونی (لتی) (LATVIAN):

DAGLAS, DAGLIS

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): DAGIS

ایرلندی کهن (OLD IRISH):

DED-ÓL, DAIG

ولزی (WELSH): DEIFIO

آلبانی (ALBANIAN): DJEK

| بسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 240-241 | POKORNY: |
| (BRŪLER) 253 | DELAMARRE: |
| (BRAND) 193 | AMINDAROV: |
| برهان قاطع: | ۸۱۵ |

یادداشت:

۱- چم این واژه در زبان روسی: قیر.

چم این واژه در زبان گوتیک: روز.

۲- واژه‌ی انگلیسی DAY و آلمانی TAG (هر دو به چم "روز") نیز از همین واجریشه‌اند.

| | |
|---|---|
| **DĀM** | فارسی *(PERSIAN):* **دام (به چم "جانور اهلی")** |
| **TAME (ANIMAL), LIVESTOCK** | **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** |
| ***DOM∂-, *DEMH-** | **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN):* |

اوستایی *(AVESTAN):* **DĀMAN**

پهلوی *(PAHLAVI):* **DĀM**

اوستی *(OSSETIC):* **DOMUN, DOMYN**

سانسکریت *(SANSKRIT):*

**DAMYÁTI, DHĀMAN, DAM , DAMYA-**

یونانی *(GREEK):*

**DAMĀN, DAMNĀNAI, ANÁTHĒMA**

لاتین *(LATIN):*

**DOMĀRE, DOMITĀR, DOMŌ**

گوتیک *(GOTHIC):* **TAMJAN**

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):*

**TAMR, TEMJA**

ساکسونی کهن *(OLD SAXON):* **TAM**

فریزی کهن *(OLD FRISIAN):* **TAM**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):*

**ZAM, ZEMMEN**

آلمانی *(GERMAN):* **ZAHM, ZAHMEN**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):*

**TAM, TEMIAN**

انگلیسی *(ENGLISH):* **TAME**

دانمارکی *(DANISH):* **TAM**

سوئدی *(SWEDISH):* **TAM**

نروژی *(NORWEGIAN):* **TAM**

هلندی *(DUTCH):* **TAM**

ایرلندی کهن *(OLD IRISH):* **DAMNAID**

ولزی *(WELSH):* **GODDEF, ADDEF**

برتونی *(BRETON):* **ANSAU, DANVAT**

هتیت *(HITTITE):* **DAMASZI**

| *REFERENCES* | **بسگشت‌ها** |
|---|---|
| *POKORNY:* | **199-200** |
| *BARNHART:* | **(TAME) 1113** |
| *MACKENZIE:* | **(ANIMAL, IAME) 102** |
| *ONIONS:* | **(TAME) 901** |
| *SKEAT:* | **(TAME) 628** |
| *MALLORY & ADAMS:* | **DEMH-** |
| ۸۱۷ | **برهان قاطع:** |

**یادداشت:**

چم این واژه در زبان ولزی: تاب آوردن.

| | |
|---|---|
| **DĀMĀD** | فارسی *(PERSIAN):* **داماد** |
| **BRIDEGROOM, GROOM** | **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** |
| ***GEM-, *GÉMEROS, *GÉMETÉR** | **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN):* |

اوستایی *(AVESTAN):* **ZĀMĀTAR**

پهلوی *(PAHLAVI):* **DĀMĀD, DĀMĀT**

کردی *(KURDISH):* **ZĀWĀT**

بلوچی *(BALUCHI):* **JĀMĀTH, JĀNWĀTH**

افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* **ZŪM, ZŪMGAI**

سانسکریت *(SANSKRIT):* **JĀMĀTAR**

یونانی *(GREEK):* **GAM, GAMĒŌ**

لاتین *(LATIN):* **GENER**

فرانسه *(FRENCH):* **GENORE**

اسپانیایی *(SPANISH):* **YERNO**

| | | | |
|---|---|---|---|
| MACKENZIE: | | REFERENCES | پسگشت‌ها |
| (BRIDEGROOM) 105 | | POKORNY: | 369-370 |
| ۸۱۷ | برهان قاطع : | DELAMARRE: | (GENDRE) 39 |

| | |
|---|---|
| DĀNESTAN | فارسی (PERSIAN): دانستن |
| KNOW | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *GEN-, *GEN∂-, *GNŌ-, *GNOTI- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN):

ZAN-, ZĀNATĀ-, ZANÄT

پارسی باستان (OLD PERSIAN):

ADĀNĀ, DAN-

پهلوی (PAHLAVI):

DĀNASTAN, DĀNISTAN

اوستی (OSSETIC):

ZŌNIN, ZŌNUN, ZŌNUM

کردی (KURDISH): ZĀNIN

بلوچی (BALUCHI): ZANAG, ZANAGH

افغانی (پشتو) (AFGHANI):

PĒZHANAN, -ZANI

تخاری A (TOKHARIAN A): KNAID, KNĀ

تخاری B (TOKHARIAN B): KNĀ

سانسکریت (SANSKRIT):

JANDMI, JANIMAS

ارمنی (ARMENIAN):

CANEAY, KIDNAL, DZANOT

لاتین (LATIN): NŌSCERE

گوتیک (GOTHIC): KANN, KUNNAN

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

KAN, KUNNA

ساکسونی کهن (OLD SAXON):

CAN, CUNNAN

فریزی کهن (OLD FRISIAN): KAN, KUNNA

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

KAN, KUNNA

آلمانی (GERMAN): KAN, KÖNNEN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): CUNNAN

انگلیسی (ENGLISH): CAN

دانمارکی (DANISH): KANDE, KAN

سوئدی (SWEDISH): KAN

نروژی (NORWEGIAN): KUNNE

هلندی (DUTCH): KUNNEN, KAN

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

ZNATI

لیتوانی (LITHUANIAN): ZHINÓTI

لتونی (لتی) (LATVIAN): ZINÁT

ایرلندی کهن (OLD IRISH):

-GNINIM, -GNINAIM

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 376-377 |
| BARNHART: | (CAN 138) |
| DELAMARRE: | (CONNAITRE) 257 |
| MACKENZIE: | (KNOW) 121 |
| BUCK: | (CAN) 646-648 |
| ۸۱۹ | برهان قاطع : |

**یادداشت:**

۱- واژه‌ی "دانا" نیز از همین واجریشه است.

۲- بازگشت به: شناختن.

| | |
|---|---|
| DĀNÉ | فارسی (PERSIAN): دانه |
| SEED, GRAIN | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *DHĒ-, *DHĒI-, *DHŌNĀ- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): DANŌ, DĀNA

پهلوی (PAHLAVI): DĀNAK, DĀN, DĀNAG

کردی (KURDISH): DĀNÉ, DĀNEKI

بلوچی (BALUCHI): DAN, DANAG

افغانی (پشتو) (AFGHANI): DĀNE

سانسکریت (SANSKRIT): DHANÁS, DHĀNAH, DHĀNYÁ

لیتوانی (LITHUANIAN): DÚONA

لتونی (لتی) (LATVIAN): DUŌNA

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 242 |
| MACKENZIE: | (SEED) 132 |
| BUCK: | 515 |
| MALLORY & ADAMS: | DHOH NEH |
| برهان قاطع: | ۸۲۰ |

| | |
|---|---|
| DĀNIDAN | فارسی (PERSIAN): دانیدن (به چم "غلطاندن"، "جاری شدن") |
| ROLL, FLOW | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *DHEN-, *DHON- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

پارسی باستان (OLD PERSIAN): DANUVATIY

تخاری A (TOKHARIAN A): TSÄN

تخاری B (TOKHARIAN B): TSÄN, TSENE

سانسکریت (SANSKRIT): DHĀVATI, DHANAYTI, DHĀNUTAR, DHAUTIS

یونانی (GREEK):(شاید): THEIN

لاتین (LATIN): FŌNS, FONTIS

فرانسه (FRENCH): FONTS, FONTAINE

اسپانیایی (SPANISH): FUENTE

ایتالیایی (ITALIAN): FONTE, FONTANA

رومانی (RUMANIAN): FINTINĂ

پرتغالی (PORTUGUESE): FONTE

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):(شاید): DOGG

ساکسونی کهن (OLD SAXON):(شاید): DOU

فریزی کهن (OLD FRISIAN):(شاید): DĀW

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):(شاید): TOU, TOUWES

آلمانی (GERMAN):(شاید): TAU

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):(شاید): DEU, DĒAW

انگلیسی (ENGLISH):(شاید): DEW

دانمارکی (DANISH):(شاید): DUG

سوئدی (SWEDISH):(شاید): DAGG

هلندی (DUTCH): DAUW

| پسگشت‌ها REFERENCES | |
|---|---|
| POKORNY: 249 | SKEAT: (DHEU) 753, (DEW) 167 |
| BARNHART: (FOUNTAI) 404, (DEW) 273 | MALLORY & ADAMS: DHEN |
| ONIONS: (DEW) 263 | لغت‌نامه دهخدا: ۱۰۴۲۱ |

**یادداشت:**

چم این واژه در زبان لاتین و زبان‌های ناشی از آن (زبان‌های رومانس): فواره، چشمه.

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: ژاله، شبنم.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): دایه | DĀYÉ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | WET NURSE, NANNY |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *DHĒ-, *DHĒNĀ, *DHEDHN-, *DHĒLU-, *DHEI- |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | DAENO-, DAĒNU- |
| پهلوی (PAHLAVI): | DĀYAK, DĀYAG |
| اوستی (OSSETIC): | DÄIN, DÄYUN |
| کردی (KURDISH): | DĀIN, DĀYE, DĀĒ |
| بلوچی (BALUCHI): | DĀI |
| افغانی (پشتو) (AFGHANI): | DĀYI |
| سانسکریت (SANSKRIT): | DHA- DHĀTRĪ |
| ارمنی (ARMENIAN): | DAYEAK |
| یونانی (GREEK): | TIGĒNĒ, GĒLŌ, GĒLAMON |
| لاتین (LATIN): | FĒLŌ, FĒLARE |
| گوتیک (GOTHIC): | D?GGJA |
| نروژی (NORWEGIAN): | DIE |
| اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): | DOJITI |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | DENAID |
| لتونی (لتی) (LATVIAN): | DEJU |
| پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): | DADAN |
| ولزی (WELSH): | DYNU |
| برتونی (BRETON): | DENAFF |
| آلبانی (ALBANIAN): | DJATHË |

| پسگشت‌ها REFERENCES | |
|---|---|
| POKORNY: | 241-242 |
| MACKENZIE: | (NURSE, WET NURSE) 125 |
| SKEAT: | (OHEI) 753 |
| برهان قاطع: | ۸۲۲ |

**یادداشت:**

چم واجریشه‌ی هند و اروپایی این واژه: مکیدن، شیردادن.

چم این واژه در اوستایی: ماده، مادینه.

چم این واژه در زبان‌های لیتوانی و پروس کهن و ولزی و برتونی و سانسکریت و لاتین و گوتیک و نروژی و

اسلاوی کهن: شیردادن.

چم این واژه در زبان آلبانی: شیرترش.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): دخت، دختر | DOXT, DOXTAR |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | DAUGHTER |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *DAUG(H)TER, *DHUG∂TER |

اوستایی (AVESTAN):
DUGEDAR, DUGHDHAR
پهلوی (PAHLAVI): DUXTAR, DUXT
کردی (KURDISH): DUXT, DIT
تخاری A (TOKHARIAN A): CKĀCAR
تخاری B (TOKHARIAN B): TKĀCER
سانسکریت (SANSKRIT): DUHITĀR,
DUHITĀRAM, DUHITĀ
ارمنی (ARMENIAN): DUSTR
یونانی (GREEK):
THYGĀTĒR, THYGATĒRA
گوتیک (GOTHIC): DAUHTAR
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
DŌTTIR
نورس کهن (OLD NORSE): DOTIR
ساکسونی کهن (OLD SAXON): DOHTA
فریزی کهن (OLD FRISIAN): DOCHTER
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
TOHTER
آلمانی (GERMAN): TOCHTER
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
DOHTOR
انگلیسی (ENGLISH): DAUGHTER

دانمارکی (DANISH): DATTER
سوئدی (SWEDISH): DOTTER
نروژی (NORWEGIAN): DATTER
هلندی (DUTCH): DOCHTER
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
DŪSHTI, DŪSHTERE
لهستانی (POLISH): DZIWCZYNA
روسی (RUSSIAN): DOCH, DŌCHERI
چک (CZECH): DCERA, DĒVCHĒ
لیتوانی (LITHUANIAN):
DECĒRA, DIEVCHA
لتونی (لتی) (LATVIAN): DUKTĒ

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 277 |
| BARNHART: | (DAUGHTER) 252 |
| DELAMARRE: | (FILLE) 38 |
| MACKENZIE: | (DAUGHTER) 109 |
| BUCK: | 105-106 |
| ONIONS: | (DAUGHTER) 245 |
| SKEAT: | (DAUGHTER) 155 |
| ۸۲۶ | برهان قاطع: |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): دخش، دشت (به چم "تکلیف"، "شغل"، "آغاز کار"، "معامله‌ی اول") DAXSH, DASHT | |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | JOB, TRANSACTION, MARK |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *DEK-, *DEKOS- |

اوستایی (AVESTAN):
DASEM, DAXSH-, DĀSHTA-, DAXSHTA

پهلوی (PAHLAVI):
DAXSHAK, DAXSHAG

تخاری A (TOKHARIAN A): TĀK

ختنی (KHOTANESE):

سانسکریت (SANSKRIT):
DASASYĀTI, DASĀ, DĀSNOTI, DĀSHTI

ارمنی (ARMENIAN): ƏNCA, TESANEM

یونانی (GREEK): DECHOMAI

لاتین (LATIN):
DISCŌ, DISCĒRE, DOCEŌ, DOCĒRE

ایرلندی کهن (OLD-IRISH): DECH

آلبانی (ALBANIAN): NDIEH,NDESH

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 189-190 |
| MACKENZIE: | (CHARACTERISTIC) 106, (MARK) 123 |
| برهان قاطع: | ۸۲۷ |
| فرهنگ معین: | ۱۴۹۸ |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۱۰۴۹۵ |

یادداشت:

چم این و اجریشه در زبان سانسکریت : وضع، سرنوشت.

چم این و اجریشه در زبان لاتین : آموختن، آموزاندن.

چم این و اجریشه در زبان ایرلندی کهن : بهترین.

چم این و اجریشه در زبان آلبانی : برخورد کردن، ملاقات کردن.

چم این و اجریشه در زبان یونانی : پذیرفت.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): در، دروازه | DAR, DARVĀZE |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | DOOR, GATE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *DHWORĒ-, *DHUR-, *DHWER- |

اوستایی (AVESTAN): DVAR

پارسی باستان (OLD PERSIAN): DUVAR

پهلوی (PAHLAVI): DARN, DAR

اوستی (OSSETIC): DVAR

کردی (KURDISH): DER, DERI, BAR

افغانی (پشتو) (AFGHANI):

VAR, DARA, DĒRWĀZA

سانسکریت (SANSKRIT): DVĀRAS

DÚRAS, DVĀRĀU, DVAR, DURÁS

ارمنی (ARMENIAN): DURN

یونانی (GREEK): THÝRĀ, THÚRĀ

لاتین (LATIN): FORĒS, FORIS, PORTA

فرانسه (FRENCH): PORTE

اسپانیایی (SPANISH): PUERTA

ایتالیایی (ITALIAN): PORTA

رومانی (RUMANIAN): POARTA

پرتغالی (PORTUGUESE): PORTA

گوتیک (GOTHIC): DAUR, TOR

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

DYRR

ساکسونی کهن (OLD SAXON): DOR

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): TOR

آلمانی (GERMAN): TOR, TÜR

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

DOR, DŪRU

انگلیسی (ENGLISH): DOOR

دانمارکی (DANISH): DOR

سوئدی (SWEDISH): DÖR

نروژی (NORWEGIAN): DOR

هلندی (DUTCH): DEUR

اسلاوی کهن (OLD ĊHURCH SLAVIC):

DVIRI

لهستانی (POLISH): DRZWI

روسی (RUSSIAN): DVER

چک (CZECH): DVERE

بوهمی (BOHEMIAN): DVERE

اسلواکی (SLOVAK): DVERE

لیتوانی (LITHUANIAN): DÚRYS

لتونی (لتی) (LATVIAN): DURIS

ایرلندی کهن (OLD IRISH): DORUS

ولزی (WELSH): DOR, DRWS, PORTH

برتونی (BRETON): DOR

آلبانی (ALBANIAN): DERE

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 278 |
| *BARNHART:* | (DOOR) 296 |
| *DELAMARRE:* | (PORTE) 60 |
| *MACKENZIE:* | (DOOR) 111 |
| *BUCK:* | 465-467 |
| *ONIONS:* | (DOOR) 284 |
| *SKEAT:* | (DOOR) 176 |
| *AMINDAROV:* | (DOOR) 214 |
| ۸۲۸ | برهان قاطع: |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): دراز | DERĀZ, DRRĀZ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | LONG |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *DELĒGH-, *DIGHO- |

اوستایی (AVESTAN): DAR∂Ō, DAR∂GĀ

پارسی باستان (OLD PERSIAN): DARGĀ

پهلوی (PAHLAVI): DRĀZ, DRĀJ

اوستی (OSSETIC): DARGH

کردی (KURDISH): DIRIZH

بلوچی (BALUCHI): DRĀJ, DRAJH

افغانی (پشتو) (AFGHANI): DANGËR

سانسکریت (SANSKRIT): DIRGHÁS

یونانی (GREEK): DOLIKHOS

لاتین (LATIN): LONGUS

گوتیک (GOTHIC): TULGUS

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): TULGE

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): DLŪGŪ

لهستانی (POLISH): DLUGI

روسی (RUSSIAN): DÓLGIJ

چک (CZECH): DLŪHÝ

صربی (SERBIAN): DŪG

بوهمی (BOHEMIAN): DLOUHY, DLHO, DLHÝ

لیتوانی (LITHUANIAN): ILGAG

لتونی (لتی) (LATVIAN): ILGS

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): ILGA,ILGI

ولزی (WELSH): DALA, DALY

برتونی (BRETON): DALC'H, DERC'HEL

آلبانی (ALBANIAN): GLATË

هتیت (HITTITE): TALUGAES, DALUGAES, DALUKI

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 197 |
| DELAMARRE: | (LONG) 221 |
| MACKENZIE: | (LONG) 122 |
| BUCK: | 882-883 |
| MRLLORY & ADAMS: | DIHGHÓS |
| DIHGHOSADAMS; | |
| ۸۲۹ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

۱- بازگشت به: درازا، درنگ.

۲- چم این واژه در زبان گوتیک: دراز مدت، پایا، محکم

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): درازا | DERAZĀ, DARĀZĀ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | LENGTH |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | DELĒGH- *DĪGHO |

اوستایی (AVESTAN): DRĀJAH,DRĀJHŌ

پهلوی (PAHLAVI): DRAHNĀY,DRANĀY

سانسکریت (SANSKRIT): DRĀGIHMÁN, DRĀGHMÁN, DIRGATĀ

اسلاوی کهن :(OLD CHURCH SLAVIC):
DLŪGOTA

لهستانی (POLISH): DLUGOSC

روسی (RUSSIAN): DLINA

چک (CZECH): DÉLKA

صربی (SERBIAN): DŪJH

اسلواکی (SLOVAK): DIZHKA

هتیت (HITTITE): DALUGASTIC

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 197 |
| DELAMARRE: | (LONGUEUR) 200 |
| MACKENZIE: | (LENGTH) 121 |
| BUCK: | 882-883 |
| ۸۲۹ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

بازگشت به: دراز، درنگ

| | |
|---|---|
| **فارسی** (PERSIAN): درد | **DARD** |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | **PAIN** |
| **هند و اروپایی** (INDO-EUROPEAN): | **DER-, DRĒ-** |

پهلوی (PAHLAVI): DART

کردی (KURDISH): DARD, DERD

بلوچی (BALUCHI): DARD

افغانی (پشتو) (AFGHANI): DARD

تخاری A (TOKHARIAN A): DARDH

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 207 |
| MACKENZIE: | (PAIN) 126 |
| AMINDAROV | 44 |
| ۸۳۴ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

بازگشت به: دریدن

| | |
|---|---|
| **فارسی** (PERSIAN): درز، درزمان (به چشم "شکاف جامه"، ریسمان) | **DARZ, DARZMĀN** |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | **SLIT, CLEAVAGE, SEAM** |
| **هند و اروپایی** (INDO-EUROPEAN): | ***DHEREGH-, *DHRGHNA-** |

اوستایی (AVESTAN): DEREZA, DAREZ-

پهلوی (PAHLAVI): DARZ

اوستی (OSSETIC): DARES

کردی (KURDISH): DEZI

تخاری A (TOKHARIAN A):
TÄRNĀ, TÄRK, CÄRK

تخاری B (TOKHARIAN B): CARKA

سانسکریت (SANSKRIT): DARH-

ارمنی (ARMENIAN): DEJAK, DERJAN

آلبانی (ALBANIAN): DRETH

هتیت (HITTITE): TARNAHI

| پسگشت‌ها | REFERENCES | (SEAM) 131 | MACKENZIE: |
|---|---|---|---|
| 258 | POKORNY: | برهان قاطع : | ۸۳۵ |

**یادداشت:**

چم این واژه در اوستایی و سانسکریت: محکم کردن

چم این واژه در ارمنی: خیاط، ریسمان

چم این واژه در اوستی: جامه

چم این واژه در زبانهای تخاری: اجازه دادن، رخصت دادن.

چم این واژه در کردی: ریسمان

۲ـ در زبان پهلوی واژه‌ی DARZIG به چم «خیاط» بکار می‌رفته است.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): درست | DOROST |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | RIGHT, WELL, CORRECT |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *DREU-, *DRU, *DREWə- |

اوستایی (AVESTAN): DRVA-

پارسی باستان (OLD PERSIAN):

DRU-DRSHTI, DRUVA-DRSHTI

پهلوی (PAHLAVI): DURUST, DRUST

کردی (KURDISH): DURUST, DUZ

سانسکریت (SANSKRIT): DHRUVÁS

گوتیک (GOTHIC): TRIGGWS

ساکسونی کهن (OLD SAXON): TRIUWE

فریزی کهن (OLD FRISIAN): TRIVWE

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

GITRIUWI

آلمانی (GERMAN): TREU

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

TRĪEWE, TRĒOWE

انگلیسی (ENGLISH): TRUE

دانمارکی (DANISH): TRO

سوئدی (SWEDISH): TRYGG, IROGEN

نروژی (NORWEGIAN): TRYGG

هلندی (DUTCH): GETROUW

لیتوانی (LITHUANIAN): DRŪTAS

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): DRUWIS

ایرلندی کهن (OLD IRISH): DERB

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 214-216 | POKORNY: |
| (TRUE) 1171-1172 | BARNHART: |
| (RIGHT) 1, (WELL) 140 | MACKENZIE: |
| (TRUE) 946 | ONIONS: |
| (TRUE) 669 | SKEAT: |
| (CORRECT) 205, (RIGHT) 279 | AMINDAROV: |
| برهان قاطع : | ۸۳۶ |

یادداشت:

۱ـ بازگشت به: دار، درشت

۲ـ چم این واژه در زبان لیتوانی: قوی

۳ـ چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: باوفا، راستین، راست

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): درشت | DOROSHT |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | ROUGH, HARSH, LARGE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | ĀDRU-, *DREV-, *DREW∂- |

پارسی باستان (OLD PERSIAN): *DRUSHTA

پهلوی (PAHLAVI): DURUSHT, DRUSHT

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): TROS

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): TRUS

نروژی (NORWEGIAN): TRYSJA

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 216 | POKORNY: |
| | MACKENZIE: |
| | (HARSH) 117,(ROUGH) 131 |
| برهان قاطع: | ۸۳۷ |

یادداشت:

بازگشت به: دار، درست

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): درنگ، درنگیدن | DERANG,DERANGIDAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | DELAY, PAUSE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *(D)LONGHO-, *DELĒGH- |

اوستایی (AVESTAN): ADAREGHŌ

پهلوی (PAHLAVI): DIRANG, DĒRANG, DRANG

کردی (KURDISH): DERENG

لاتین (LATIN): LONGUS, LONGA

فرانسه (FRENCH): LONG

اسپانیایی (SPANISH): LARGO

ایتالیایی (ITALIAN): LUNGO

رومانی (RUMANIAN): LUNG

پرتغالی (PORTUGUESE): LONGO

گوتیک (GOTHIC): LAGGRS

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): LANGR, LENGJA

ساکسونی کهن (OLD SAXON): LANG

فریزی کهن (OLD FRISIAN): LANG, LENDZA

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): LANG, LENGAN

آلمانی (GERMAN): LANG

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): LONG, LINGAN

انگلیسی (ENGLISH): LONG, LINGER

دانمارکی (DANISH): LANG

سوئدی (SWEDISH): LÄNG

نروژی (NORWEGIAN): LANG

هلندی (DUTCH): LANG, LENGEN

ایرلندی کهن (OLD IRISH): LONG

گالی (GAULISH): LONGO-

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 197 |
| BARNHART: | (LONG) 608,(LINGER) 599 |
| MACKENZIE: | (DURATION) 112 |
| BUCK: | 882-883 |
| ONIONS: | (LONG) 536 |
| SKEAT: | (LONG) 347, (LINGER) 342 |
| MALLOR & ADAMS: | DLONGHOS |
| برهان قاطع : | ۸۴۱ |

یادداشت:

۱- واجریشه‌ی هند و اروپایی این ریشه در اصل همان واجریشه‌ای است که واژه‌ی «دراز» از آن ناشی شده است.

۲- بازگشت به: دراز

۳- چم این واژه در زبانهای اوستایی و پهلوی: طولانی، پایدار.

۴- چم این واژه در زبانهای رومانس (ناشی از لاتین) و ژرمنی: دراز، طولانی

| | |
|---|---|
| DERŌ, DORUDAN, DERAVIDAN | فارسی (PERSIAN): درو، درودن، درویدن |
| REAP, HARVEST | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *DER-, *DERU-, *DEDRU-, *DRUĀ-, *DRWA- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

پهلوی (PAHLAVI): DRŪDAN

کردی (KURDISH): DIRWĒNE

تخاری A (TOKHARIAN A): TSRORYE

سانسکریت (SANSKRIT):

DĀ-, DATI, DYATI

یونانی (GREEK): DERŌ, DĒRHIS

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

DERŌ, DIRA

روسی (RYSSIAN): DERNŪ

چک (CZECH): DRU

صربی (SERBIAN): ZĀDRĒM

لیتوانی (LITHUANIAN):

DERU, DRLJIM, DRLJITI

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 208 |
| BARNHART: | (TARE) 1116 |
| MACKENZIE: | (REAP) 129 |
| BUCK: | 507 |
| برهان قاطع: | ۸۴۱ |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۱۰۶۸۲ و ۱۰۶۹۵ |

یادداشت:

۱- این واژه با واژه‌ی "دریدن" همریشه است. بازگشت به: دریدن.

۲- چَم بیشتر واژه‌های غیر ایرانی این فهرست: بریدن، تراشیدن.

| | |
|---|---|
| DORŪGH | فارسی (PERSIAN): دروغ |
| LIE | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *DHREUGH-, *DHROUGH-, *DHRUGH- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN):

DRUJ-, DRUZHAITI, DRAOGHA,

پارسی باستان (OLD PERSIAN):

DRAUGA, DURUGIYA

پهلوی (PAHLAVI): DRŌG,

DRŌV, DROGH, DRŌ, DRUXTAN

کردی (KURDISH): DURŪGH, DEREW-

بلوچی (BALUCHI):

DARŌG, DRŌG, DRŌGH

افغانی (پشتو) (AFGHANI):

DARŌGH, DARWĀGH

سانسکریت (SANSKRIT):

DRÚHYATI, DROGHAS, DRUH-

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

DRAUGR

ساکسونی کهن (OLD SAXON): BIDRIOGAN

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

TRIOGAN

آلمانی (GERMAN): TRÜGEN

ارمنی (ARMENIAN): DASTAK

ایرلندی کهن (OLD IRISH): AIRDRECH

ایرلندی میانه (MIDDLE IRISH):

AURDDRACH

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 276 |
| BARNHART: | (DREAM) 300 |
| MACKENZIE: | (LIE) 121 |
| DELAMARRE: | (MAIN) 100 |
| BUCK: | 1169-1171 |
| MALLORY & ADAMS: | DHROUGHOS |
| ۸۴۳-۸۴۴ | برهان قاطع: |

یادداشت:

۱- به احتمال زیاد واژه‌ی انگلیسی DREAM (انگلیسی کهن: DRĒAM) نیز از همین واجریشه است.

۲- چَم این واژه در زبان ایرلندی میانه: شبح.

چَم این واژه در زبان آلمانی: گول زدن، گمراه کردن.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): دریا | DARYĀ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | SEA |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *GLEI- |

اوستایی (AVESTAN): ZRAYAH, ZRĒH-

پارسی باستان (OLD PERSIAN):

DRAYAHĀB, ZRĒH

پهلوی (PAHLAVI):

ZRAY, DRAYĀB, ZRĒH

کردی (KURDISH): DERYĀ

بلوچی (BALUCHI):

ZIRIH, ZIRĀ

افغانی (پشتو) (AFGHANI):

DARYAB, -DARGAY

سانسکریت (SANSKRIT):

JRÁYATI, JRÁYAS

ارمنی (ARMENIAN):(شاید) DZOV

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 401 |
| MACKENZIE: | (SEA) 131 |
| BUCK: | 36-37 |
| ۸۴۷ | برهان قاطع: |

| | |
|---|---|
| DARIDAN | فارسی (PERSIAN): دریدن |
| TEAR, RIP | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *DER-, *DRĒ- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): DAR-, DERETA

پهلوی (PAHLAVI):

DARITAN, DARRIDAN

کردی (KURDISH): DERIYAN

بلوچی (BALUCHI):

DIRAG, DIRAGH, DIRRAG

افغانی (پشتو) (AFGHANI): DĀRAL

تخاری A (TOKHARIAN A): TSÄR

تخاری B (TOKHARIAN B): TSÄR

سانسکریت (SANSKRIT):

DAR-, DRNĀTI, DĀRSHI, DŪRAYA

یونانی (GREEK): DEREIN

گوتیک (GOTIC): -TAIRAN, -TAURNAN

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): TæRA

ساکسونی کهن (OLD SAXON): TERIAN

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

ZERAN

آلمانی (GERMAN): ZEHREN, ZERREN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): TERAN

انگلیسی (ENGLISH): TEAR

هلندی (DUTCH): TEREN

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

DĪRATI, DERO

لهستانی (POLISH): DRZEC

روسی (RUSSIAN):

DRAT, DRATE, DIRAT

چک (CZECH): DÍRA

بوهمی (BOHEMIAN): DRATI

اسلواکی (SLOVAK): DIERA

لیتوانی (LITHUANIAN): DIRTI

لِتونی (لِتی) (LETTIC): NUŌDARAS

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 206 |
| BARNHART: | (TEAR) 1119 |
| DELAMARRE: | (ÉCORCHER) 251 |
| MACKENZIE: | (TEAR) 136 |
| BUCK: | 565-567 |
| ONIONS: | (TEAR) 906 |
| SKEAT: | (TEAR) 633 |
| ۸۴۸ | برهان قاطع: |

یادداشت:

در برخی از زبان‌های هند و اروپایی این واژه این چَم‌ها را هم دارد: پوست کندن (از حیوان).

| | |
|---|---|
| DEJH, DEZ | فارسی (PERSIAN): دژ، دز |
| FORTRESS | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *DHEIGH-, *DHIGHIOS-, *DHOIGH- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): UZDAEZA, -DAEZA

پارسی باستان (OLD PERSIAN): DIDĀ

پهلوی (PAHLAVI): DIZ

اوستی (OSSETIC): FECHO

تخاری A (TOKHARIAN A): TSEKE

سانسکریت (SANSKRIT):

DIH-, DEHI-, DIHMI, DĒHA

ارمنی (ARMENIAN): DĒZ

یونانی (GREEK): TEIKHOS, TOIKHOS

لاتین (LATIN): FIG-

گوتیک (GOTIC):

DAIGS, DEIGAN, DEGAN

ایسلندی کهن (OLD SCAMDINAVIAN):

DEIG, DEIGR

فریزی کهن (OLD FRISIAN): DEEG

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

HEIG, DAG

آلمانی (GERMAN): TEIG

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

DĀGES, DĀH, DĀG

انگلیسی (ENGLISH): DOUGH

دانمارکی (DANISH): DEIG

سوئدی (SWEDISH): DEG

نروژی (NOREGIAN): DEIG

هلندی (DUTCH): DEEG

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

ZĪDŪ, DĒZA

لیتوانی (LITHUANIAN):

DYJHTI, DIEZHTI

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): DIDĀ

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 244 |
| BARNHART: | (DOUGH) 297 |
| MACKENZIE: | (FORTRESS) 115 |
| BUCK: | 472 |
| ONIONS: | (DOUGH) 286 |
| SKEAT: | |
| (DOUGH) 180, (DHEIGH) 753 | |
| MALLORY & ADAMS: | DIGHS, DIGHÓS |
| برهان قاطع : | ۸۵۰ |

**یادداشت:**

۱- بازگشت به: دیوار.

۲- چَم این واژه در زبان‌های ایرانی باستان و یونانی: دیوار.

چَم این واژه در زبان‌های اسلاوی و ژرمنی: گِل، خمیر.

چَم این واژه در زبان تخاری A: مجسمه‌ی کوچک.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): دست | DAST |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | HAND, ARM |
| **هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):** | *GHESTO-, *GHESR- |

اوستایی (AVESTAN): ZASTO, ZASTA-

پارسی باستان (OLD PERSIAN):

DASTA-, HASTA-

پهلوی (PAHLAVI): DAST,

کردی (KURDISH): DEST, DASK

بلوچی (BALUCHI): DAST

افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* **DASTA, LĀS**

سانسکریت *(SANSKRIT):* **HÁSTA, HASTAS**

ارمنی *(ARMENIAN):* **DASTAK**

لاتین *(LATIN):* **PRAESTŌ**

لیتوانی *(LITHUANIAN):*

**PA-JHASTE, -JHASTIS**

آلبانی *(ALBANIAN):* **DORË**

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 447 |
| *DELAMARRE:* | (MAIN) 100 |
| *MACKENZIE:* | (HAND) 117 |
| ۸۵۴–۸۵۵ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

چَم این واژه در زبان ارمنی: بند، مفصل.

چَم این واژه در زبان لاتین: در دسترس.

| | |
|---|---|
| **DOSH-, DEZH-** دش –، دز–، (به چَم "بد" مثلاً در "دشوار" یا "دژخیم") | فارسی *(PERSIAN):* |
| **BAD, ILL-, EVIL, MAL-** | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| ***DUS-** | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* |

اوستایی *(AVESTAN):* **DUSH-**

پارسی باستان *(OLD PERSIAN):*

**DUSH-, DUZH, (DUZH-VARA)**

پهلوی *(PAHLAVI):*

**DUSH-, DUZH-, DUSH-VĀR**

اوستی *(OSSETIC):* **DIJ-, (DIJMIN)**

کردی *(KURDISH):* **DIJ-, (DIJMIN)**

افغانی (پشتو) *(AFGHANI):*

**DUSH-, (DUSHMAN)**

سانسکریت *(SANSKRIT):*

**DUSH-, DUR-, DUZ-, DUS-**

ارمنی *(ARMENIAN):* **DZH-, (DZHVAR)**

یونانی *(GREEK):* **DYS-, DUS-**

لاتین *(LATIN):* **DIF-, (DIFFICILIS)**

گوتیک *(GOTHIC):* **TUZ-**

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):* **TOR-**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):* **ZUR-**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* **TOR-**

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):*

**DUZHDU**

لهستانی *(POLISH):* **DESZCZ**

روسی *(RUSSIAN):* **DOZHDU**

چک *(CZECH):* **DSHCHĒ, DESHTI**

اسلواکی *(SLOVAK):* **DÁZHD**

ایرلندی کهن *(OLD IRISH):* **DO-, DU-**

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 227 |
| *MACKENZIE:* | |
| (DUJ-, DUSH-) 28 | |
| *BUCK:* | |
| (DIFFICULT) 650-652 | |
| *AMINDAROV:* | (ENEMY) 218 |
| ۸۵۱ و ۸۶۵ و ۸۶۷ | برهان قاطع: |

یادداشت:

چَم این واژه در زبان‌های اسلاوی: هوای بد و بارانی، باران.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN)*: دشمن | **DOSHMAN** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **ENEMY** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN)*: | ***DUS-MENES, *DUS-MEN** |

اوستایی *(AVESTAN)*: **DUSHMANAH, DUSHMAINYU**

پهلوی *(PAHLAVI)*: **DUSHMAN, DUSHMEN**

کردی *(KURDISH)*: **DIJMIN**

افغانی (پشتو) *(AFGHANI)*: **DUSHMAN**

سانسکریت *(SANSKRIT)*: **DURMANĀS**

یونانی *(GREEK)*: **DSMENÉS**

رومانی *(RUMANIAN)*: **DUSHMAN**

صربی *(SERBIAN)*: **DUSHMANIN**

| بسگشت‌ها | *REFERENCES* |
|---|---|
| 700 | *POKORNY:* |
| (ENEMY) 112 | *MACKENZIE:* |
| 1344-1346 | *BUCK:* |
| (ENEMY) 218 | *AMINDAROV:* |
| برهان قاطع: | ۸۶۶ |

یادداشت:

به احتمال زیاد علت وجود این واژه در زبان‌های آنجشت سانه‌ی یا لکان این است: واژه‌ی "دشمن" از فارسی به ترکی و از ترکی به این زبان‌های انتقال یافته است.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN)*: دشن، دشت (به چَم "دستلاف یا سودای اول") | **DASHN, DASHT** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **SALE, (FIRST) DEAL** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN)*: | ***DEKS-** |

اوستایی *(AVESTAN)*: **DASHINA-**

پهلوی *(PAHLAVI)*: **DASHN, DASHNAG**

سانسکریت *(SANSKRIT)*: **DÁKSINA-, DAKSIND-** tax sin - dag sin

یونانی *(GREEK)*: **DEXITERÓS, DEXIÓS**

لاتین *(LATIN)*: **DEXTER**

گوتیک *(GOTHIC)*: **TÁIHSWA, TAÍHSWŌ**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN)*: **ZESO, ZESWA**

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC)*: **DESNU, DESN**

روسی *(RUSSIAN)*: **DESNITSA**

لیتوانی *(LITHUANIAN)*: **DĒSINAS, DESINĒ**

ایرلندی کهن *(OLD IRISH)*: **DESS**

ولزی *(WELSH)*: **DEHEU**

گالیک *(GAELIC)*: **DEAS**

آلبانی *(ALBANIAN)*: **DJATHTË**

چپی

| | | | |
|---|---|---|---|
| *ONIONS:* | (DEXTER) 263 | *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
| *SKEAT:* | (DEXTER) 167 | *POKORNY:* | 190 |
| *MALLORY:* | 140 | *BARNHART:* | (DEXTERITY) 274 |
| ۱۵۳۶ و ۱۵۳۸ | فرهنگ معین: | *MACKENZIE:* | |
| ۸۶۶ | برهان قاطع: | (RIGHT-HAND) 130, (DASHN) 25 | |

**یادداشت:**

چَم این واژه در همه‌ی زبان‌های این فهرست (به جز فارسی امروزی): دست راست یا سمت راست، مهارت، ماهر. برخی معتقدند که واژه‌ی "دشت" (یا "دشن") با واژه‌ی "دخش" به چم آغاز و "ابتدا" و "تیره و تاریک" (**لغت‌نامه دهخدا:** ۱۰۴۹۵) یکی است. حتی اگر "دشن" با واژه‌ی پهلوی DASHN رابطه‌ای نداشته باشد رابطه‌ی واژه‌های اوستایی و پهلوی این فهرست با دیگر واژه‌های این فهرست مورد تایید همه‌ی پسگشت‌های در دسترس من است.

| | |
|---|---|
| **DELIR, DALIR** | فارسی *(PERSIAN):* دلیر |
| **BRAVE** | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| ***DHERS-, *DHRSÚS-, *DHORS-** | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* |

اوستایی *(AVESTAN):*

**DARSHI-, DARSHYU-, DARəSHAT**

پارسی باستان *(OLD PERSIAN):*

**ADARSH-DARSHAM, DARSHITA, DADARSI, DARSH-**

پهلوی *(PAHLAVI):* **DILĒR**

کردی *(KURDISH):* **DELIR**

تخاری A *(TOKHARIAN A):*

**TSÄRA, TSRASI**

سانسکریت *(SANSKRIT):*

**DHRSÚS, DHRSNŌTI, DHÁRSATI**

یونانی *(GREEK):* **THARSUS, THARSEIN**

گوتیک *(GOTHIC):* **GADARS**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):*

**GITURRAN**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):*

**DEAR, DAR, DURRAN**

انگلیسی *(ENGLISH):* **DARE**

هلندی *(DUTCH):* **DURVEN**

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):*

**DRŪZŪ, DRŪZATE**

لهستانی *(POLISH):* **DZIELNY**

روسی *(RUSSIAN):* **DERZAT´**

لیتوانی *(LITHUANIAN):* **DRASÙS**

لتونی (لتی) *(LATVIAN):* **DRUOSHS**

پروسی کهن *(OLD PRUSSIAN):* **DYRSUS**

| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 259 |
| *BARNHART:* | (DARE) 251 |
| *MACKENZIE:* | (BRAVE) 105 |
| *BUCK:* | 1148-1152 |
| *ONIONS:* | (DARE) 244 |
| *SKEAT:* | (DARE) 154-155 |
| *AMINDAROV:* | (BRAVE) 194 |

یادداشت:

چَم این واژه در زبان‌های ژرمنی: جرئت کردن.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): دُم، دُمب | DOM, DOMB |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | TAIL |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *DUMB- |

اوستایی (AVESTAN): DUMA
پهلوی (PAHLAVI): DUM, DUMB
اوستی (OSSETIC): DUMAG, DIMÄG
کردی (KURDISH): DUNK, DŪW
بلوچی (BALUCHI): DUNB, DUMB, DUNBAG
افغانی (پشتو) (AFGHANI): LAM
سانسکریت (SANSKRIT): DHUMBHMA
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): ZHMPFO
لتونی (لتی) (LATVIAN): DUBA

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 227 | POKORNY: |
| (TAILI) 136 | MACKENZIE: |
| 209-210 | BUCK: |
| برهان قاطع: | ۸۷۶ |

یادداشت:

۱- در حاشیه‌ی برهان قاطع: (۸۷۶) آمده است که شاید ریشه‌ی هند و اروپایی این واژه DHUMBHMA باشد.
۲- چم این واژه در آلمانی کهن: آلت مردی.
۳- احتمال دارد که واژه‌ی انگلیسی DOCK (به چَم "بخش گوشتین دُم جانور") نیز از همین واجریشه باشد (فریزی کهن: DOK یا آلمانی کهن: TOCKA؛ ایسلندی کهن: DOKKA).

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): دَم، دَما (به چَم "نَفَس") | DAM, DAMA |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | BREATH |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *DHEM-, *DHOMBOS |

پهلوی (PAHLAVI): DAM, DAMISHN
اوستی (OSSETIC): DIMIN, DUMUN
کردی (KURDISH): DEM
بلوچی (BALUCHI): DAM
سانسکریت (SANSKRIT): DHAM-, DHAMITI
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): DUMBA
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): DAMPH
آلمانی (GERMAN): DAMPF
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): *DAMP
انگلیسی (ENGLISH): DAMP, DANK
دانمارکی (DANISH): DYNG, DAMP
سوئدی (SWEDISH): DUNKEN
نروژی (NORWEGIAN): DUNKEN

| هلندی *(DUTCH):* | DOMPIG |
| --- | --- |
| لیتوانی *(LITHUANIAN):* | DUMPIU |
| لتونی (لتی) *(LATVIAN):* | DANGA |
| پروسی کهن *(OLD PRUSSIAN):* | DUMSLE |

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
| --- | --- |
| *POKORNY:* | 248 |
| *BARNHART:* | (DAMP) 250 |
| *MACKENZIE:* | (BREATH) 105 |
| *SKEAT:* | (DAMP) 153, (DUMPS) 185 |
| برهان قاطع: | ۸۷۶ |

**یادداشت:**

۱- بازگشت به: دمیدن.

۲- واژه‌ی "دما" به چَم "گرما" هم بکار می‌رود (مثلاً در "دماسنج").

۳- چَم این واژه در زبان‌های ژرمنی: بخار، رطوبت، دود و دَم.

چَم این واژه در ایسلندی کهن: غبار، گرد و خاک.

| فارسی *(PERSIAN):* دمیدن (به چَم "نفس کشیدن" و "فوت کردن یا ورزیدن") | DAMIDAN |
| --- | --- |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | BREATHE, BLOW |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | *DHEM-, *DHENGUO-, *DHEMBH- |

| | |
| --- | --- |
| پهلوی *(PAHLAVI):* | DAMIDAN, DAFTAN |
| اوستی *(OSSETIC):* | DUMUN, DIMIN |
| کردی *(KURDISH):* | DEM- |
| سانسکریت *(SANSKRIT):* | DHÁMATI, DHAMYATĒ, DHMĀYATĒ |
| یونانی *(GREEK):* | THEMERÓS |
| ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):* | DĀMR, DIMMR |
| فریزی کهن *(OLD FRISIAN):* | DIUNK, DIMM |
| آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):* | TIMBER, TUNKAL |
| آلمانی *(GERMAN):* | DUNKEL |
| انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* | DIMM |
| انگلیسی *(ENGLISH):* | DIM |
| دانمارکی *(DANISH):* | DIMMIG |
| نروژی *(NORWEGIAN):* | DAAM |
| اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):* | DUMŌ, DOTI |
| لیتوانی *(LITHUANIAN):* | DUMIŪ, DŪMTI |
| ایرلندی کهن *(OLD IRISH):* | DEIM, DEM |
| هتیت *(HITTITE):* | DANKUISH |

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
| --- | --- |
| *POKORNY:* | 247 |
| *BARNHART:* | (DIM) 279 |
| *MACKENZIE:* | (BREATHE) 105 |
| *ONIONS:* | (DIM) 268 |
| *SKEAT:* | (DIM) 170 |
| برهان قاطع: | ۸۸۱ |

**یادداشت:**

۱- بازگشت به: دَم.

۲- چَم این واژه در زبان یونانی: اخم‌آلود، عبوس.

چَم این واژه در زبان‌های دیگر (به جز زبان‌های ایرانی) تیره، تاریک.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): دندان | DANDĀN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | TOOTH |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *DONT-, *DNT-, *DENT-, *EDONT- |

اوستایی (AVESTAN): DANTA, DANTAN

پارسی باستان (OLD PERSIAN): DANTAN

پهلوی (PAHLAVI): DĀD, DANDĀN

اوستی (OSSETIC): DĀNDAG

کردی (KURDISH): DIDĀN, DINDĀN

بلوچی (BALUCHI): DANTĀN, DATAN

سانسکریت (SANSKRIT): DÁN,

DÁNT-, DÁNTAM, DATÁS, DÁNTA

ارمنی (ARMENIAN): ATAMN

یونانی (GREEK):

ODŌN, ODOÚS, ODÓNTOS

لاتین (LATIN): DĒNS, DENTIS

فرانسه (FRENCH): DENT

اسپانیایی (SPANISH): DIENTE

ایتالیایی (ITALIAN): DENTE

رومانی (RUMANIAN): DINTE

پرتغالی (PORTUGUESE): DENTE

گوتیک (GOTHIC): TUNTHUS

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

TONN

ساکسونی کهن (OLD SAXON): TAND

فریزی کهن (OLD FRISIAN): TŌTH

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): ZAND

آلمانی (GERMAN): ZAHN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): TŌTH

انگلیسی (ENGLISH): TOOTH

دانمارکی (DANISH): TAND

سوئدی (SWEDISH): TAND

نروژی (NORWEGIAN): TAND

هلندی (DUTCH): TAND

لهستانی (POLISH): DZIEGNA

لیتوانی (LITHUANIAN): DANTIS

ایرلندی کهن (OLD IRISH): DET

ولزی (WELSH): DANT

برتونی (BRETON): DANT

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 289 |
| BARNHART: | (TOOTH) 1150 |
| DELAMARRE: | (DENT) 97 |
| MACKENZIE: | (TOOTH) 137 |
| BUCK: | 231 |
| ONIONS: | (TOOTH) 931 |
| SKEAT: | (TOOTH) 654 |
| ۸۸۴ | برهان قاطع : |

| | |
|---|---|
| **DÓ** | **فارسی** *(PERSIAN)*: دو، ۲ |
| **TWO** | **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** |
| ***DUWŌ, *DUWŌU, *DWŌ, *DUWOI, *DWOI** | **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN)*: |

اوستایی *(AVESTAN)*: **DAĒ, DVA, DŌ**

پارسی‌باستان *(OLD PERSIAN)*: **DUVITIYA**

پهلوی *(PAHLAVI)*: **DŌ**

اوستی *(OSSETIC)*: **DUVĀ**

کردی *(KURDISH)*: **DU, DŪ**

بلوچی *(BALUCHI)*: **DU**

افغانی (پشتو) *(AFGHANI)*: **DVA**

تخاری A *(TOKHARIAN A)*: **WU, WE**

تخاری B *(TOKHARIAN B)*: **WI**

سانسکریت *(SANSKRIT)*: **DVÁU, DVĀ**

ارمنی *(ARMENIAN)*: **ERKU**

یونانی *(GREEK)*: **DÚŌ, DÝO**

لاتین *(LATIN)*: **DUO, DUAE**

فرانسه *(FRENCH)*: **DEUX**

اسپانیایی *(SPANISH)*: **DOS**

ایتالیایی *(ITALIAN)*: **DUE**

رومانی *(RUMANIAN)*: **DOI, DOUĀ**

پرتغالی *(PORTUGUESE)*: **DOUS**

گوتیک *(GOTHIC)*: **TWAI, TWOS, TWA**

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN)*:

**TVEIR, TVǣR**

ساکسونی کهن *(OLD SAXON)*:

**TWĒNE, TWĀ**

فریزی کهن *(OLD FRISIAN)*:

**TWĒNE, TWĀ**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN)*:

**ZWĒNE, ZWŌ**

آلمانی *(GERMAN)*: **ZWEI**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH)*: **TWĀ**

انگلیسی *(ENGLISH)*: **TWO**

دانمارکی *(DANISH)*: **TO**

سوئدی *(SWEDISH)*: **TVĀ**

نروژی *(NORWEGIAN)*: **TVO**

هلندی *(DUTCH)*: **TWEE**

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC)*:

**DŪVA, DŪVĒ**

لهستانی *(POLISH)*: **DWA, DWÓJKA**

روسی *(RUSSIAN)*: **DVA, DVE**

چک *(CZECH)*: **DVA, DVĚ**

اسلواکی *(SLOVAK)*: **DVA, DVEI-**

لیتوانی *(LITHUANIAN)*: **DÚ, DVI**

ایرلندی کهن *(OLD IRISH)*: **DÁU, DÓ**

گالی *(GAULISH)*: **DOU, DWY**

آلبانی *(ALBANIAN)*: **DY, DYJ, DŰ**

هتیت *(HITTITE)*: **TA, TĀN**

| *REFERENCES* | **بسگشت‌ها** |
|---|---|
| *POKORNY:* | 228 |
| *BARNHART:* | (TWO) 1179 |
| *DELAMARRE:* | (DEUX) 211 |
| *MACKENZIE:* | (TWO) 138 |
| *ONIONS:* | (TWO) 952 |
| *SKEAT:* | (TWO) 676 |
| ۸۸۸ | برهان قاطع: |

| | |
|---|---|
| DŪD | فارسی (PERSIAN): دود |
| SMOKE | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *DHŪMOS-, *DHEUH-, *DHUH- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

پهلوی (PAHLAVI): DŪD, DŪT

کردی (KURDISH): DŪ, DUMAN

بلوچی (BALUCHI): DŪT

افغانی (پشتو) (AFGHANI): LŪ

تخاری B (TOKHARIAN B): TUTE

سانسکریت (SANSKRIT):

DHŪMÁS, DHŪMĀYATI

یونانی (GREEK): THŪMOS

لاتین (LATIN): FŪMUS

فرانسه (FRENCH): FUMÈE

اسپانیایی (SPANISH): HUMO

ایتالیایی (ITALIAN): FUMO

رومانی (RUMANIAN): FUM

پرتغالی (PORTUGUESE): FUMACA

ساکسونی کهن (OLD SAXON): DŌMIAN

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): TOUM

انگلیسی (ENGLISH):(از فرانسه) FUME

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

DYMĀ, DYMŪ

لهستانی (POLISH): DYM

روسی (RUSSIAN): DYM

صربی (SERBIAN): DIM

بوهمی (BOHEMIAN): DÝM

لیتوانی (LITHUANIAN): DŪMAI

لتونی (لتی) (LATVIAN): DUMI

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): DUMIS

ایرلندی کهن (OLD IRISH):

DUMACHA, DĒ

هتیت (HITTITE): TUHH, TUHHIMA

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 261 |
| BARNHART: | (FUME) 413 |
| DELAMARRE: | (FUMÉE) 182 |
| MACKENZIE: | (SMOKE) 133 |
| BUCK: | 73 |
| RAMAT: | 34 |
| AMINDAROV: | (FOG) 225, (STEAM) 291 |
| ۸۹۲ | برهان قاطع: |

یادداشت:

چَم این واژه در برخی از زبان‌های هند و اروپایی: بخار، روح.

| | |
|---|---|
| DŪR | فارسی (PERSIAN): دور |
| FAR, DISTANT | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *DUHAROS, *DUEHAROS, *DEU-, *DUĀ- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN):

DŪIRE, DURAĒ, DŪRĀT

پارسی باستان (OLD PERSIAN):

DŪRA, DŪRAIY

| | |
|---|---|
| پهلوی (PAHLAVI): | DŪR |
| کردی (KURDISH): | DŪR |
| بلوچی (BALUCHI): | DŪR, DĪR |
| افغانی (پشتو) (AFGHANI): | LIRI, LERI |
| سانسکریت (SANSKRIT): | DŪRÁ |
| ارمنی (ARMENIAN): | ERKAR, YERGAR |
| یونانی (GREEK): | DĒRHOS, DĒRÓN |
| لاتین (LATIN): | DŪRARE, DŪRABILIS |
| فرانسه (FRENCH): | DURER |
| اسپانیایی (SPANISH): | DURAR |
| ایتالیایی (ITALIAN): | DURARE |
| رومانی (RUMANIAN): | DURA |
| پرتغالی (PORTUGUESE): | DURAR |
| هتیت (HITTITE): | TŪWA |

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 219 |
| BARNHART: | (DURABLE) 307 |
| BUCK: | (FAR) 868-869 |
| MALLORY & ADAMS: | DUHAROS |
| برهان قاطع: | ۸۹۴ |

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های رمانس (لاتین و فرانسه و غیره): دوام آوردن، طول کشیدن، به درازا کشیدن.

چم این واژه در زبان‌های ارمنی و یونانی: دراز.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): دوزخ | DŪZAX |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | HELL |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *DUS-, *DWEI- |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | DAOZHAHVA, DVAĒSH-, DVAĒSHAH- |
| پارسی باستان (OLD PERSIAN): | DUSHAHU |
| پهلوی (PAHLAVI): | DUZHĒ, DUSHOX |
| کردی (KURDISH): | DŪGHAX, DŪJE |
| بلوچی (BALUCHI): | DŌZAK, DŌZĒ, DŌZAX |
| افغانی (پشتو) (AFGHANI): | DŌGHAX, DŌZAX |
| سانسکریت (SANSKRIT): | DVĒSTI, DVĒSAS |
| ارمنی (ARMENIAN): | DUHOX |
| یونانی (GREEK): | DEDEIKHELOS, DEIDĒMON, DEIMÓS, DEILOS |
| لاتین (LATIN): | DIRUS |

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 227-228 |
| MACKENZIE: | (HELL) 117 |
| AMINDAROV: | (HELL) 235 |
| برهان قاطع: | ۸۹۶ |

یادداشت:

۱- چم اصلی این واژه: دهشتناک، بسیار بد، تنفرانگیز، مهلک

۲- ریشه‌های اوستایی و پارسی کهن این واژه: DŪSH (به چَم "بد"، "وحشتناک") و ANHŪ (به چَم "جهان")

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): دوست، دوست داشتن | DŪST, DŪST DĀSHTAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | FRIEND, LIKE, LOVE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *GEUS-, *GUS-, *GUSTIS |

اوستایی (AVESTAN):

ZAOSH, ZAOSHO, ZUSHTŌ

پارسی باستان (OLD PERSIAN):

DAUSHTAR, DAUSH-

پهلوی (PAHLAVI):

DŌST, DAUSHTA, DŌSHIDAN

افغانی (پشتو) (AFGHANI): DOST

ختنی (KHOTANESE):

YSŪSDĒ, YSUA, YSUYĀN

سانسکریت (SANSKRIT):

JŌSATI, JŌSATĒ, JŌSAH, JÚSTIS

یونانی (GREEK): GEÚEIN

لاتین (LATIN): DĒGŪNŌ, GUSTUS

فرانسه (FRENCH): GOUT

اسپانیایی (SPANISH): GUSTO

ایتالیایی (ITALIAN): GUSTO

گوتیک (GOTHIC): KAUSJAN, KIUSAN

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

KJOSA

ساکسونی کهن (OLD SAXON): KIOSAN

فریزی کهن (OLD FRISIAN):

KIĀSA, ZIĀSA

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

KIOSAN

آلمانی (GERMAN): KIESEN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): CĒOSAN

انگلیسی (ENGLISH): CHOOSE

هلندی (DUTCH): KIEZEN

لیتوانی (LITHUANIAN):

ASAGŪ, DOGOA, TOGU

ایرلندی کهن (OLD IRISH): -GUSSIM

آلبانی (ALBANIAN): DESHA

| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 399 |
| *BARNHART:* | (CHOOSE) 168 |
| *DELAMARRE:* | (GOUT) 88 |
| *MACKENZIE:* | |
| (LIKE) 121, (FRIEND) 115, (LOVE) 122 | |
| *ONIONS:* | (CHOOSE) 172 |
| ۸۹۷ | برهان قاطع: |

یادداشت:

چَم این واژه در زبان‌های هند و اروپایی کهن: خوشایند بودن، مزه دادن، لذت بردن، مزه.

چَم این واژه در زبان‌های رمانس: مزه، میل.

چَم این واژه در زبان‌های ژرمنی نوین: پسندیدن، گزیدن.

چَم این واژه در زبان‌های یونانی: مورد پسند، ارزشمند.

| | |
|---|---|
| DŪSH | فارسی *(PERSIAN):* دوش (به چَم "کتف") |
| SHOULDER | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *DOUS- | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* |

اوستایی *(AVESTAN):* DAOSH, DAOSHA

پهلوی *(PAHLAVI):* DÓSH

افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* OSHA, OZHA

سانسکریت *(SANSKRIT):*

DŌSH, DÓS-, DŌSHÁN, DOSNÁS

لاتین *(LATIN):* DORSUM

فرانسه *(FRENCH):* DOS

ایتالیایی *(ITALIAN):* DOSSO

لیتوانی *(LITHUANIAN):* -DUSE

ایرلندی کهن *(OLD IRISH):* DOË, DOAT, DRUIMM

ولزی *(WELSH):* TRUM

| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 226 |
| *DELAMARRE:* | (DOS) 98 |
| *MACKENZIE:* | (SHOULDER) 132 |
| *BUCK:* | 236 |
| *SKEAT:* | (DORSAL) 180 |
| ۸۹۸ | برهان قاطع: |

یادداشت:

چَم این واژه در برخی زبان‌های هند و اروپایی: بازو، ساعد.

| | |
|---|---|
| DŪSH | فارسی *(PERSIAN):* دوش (به چَم "دیشب") |
| LAST NIGHT | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *DEU | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* |

اوستایی *(AVESTAN):* DAOSHATARA

پهلوی *(PAHLAVI):* DŌSH

اوستی *(OSSETIC):* DISSON

کردی *(KURDISH):* DUC

بلوچی *(BALUCHI):* DOSHI

افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* DŌS

یونانی *(GREEK):* DEIELOS

| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 217 |
| *MACKENZIE:* | (LAST NIGHT)) 27 |
| ۸۹۸ | برهان قاطع: |

| | |
|---|---|
| DŪSHIDAN, DOXTAN, DŪXTAN | فارسی *(PERSIAN):* دوشیدن، دُختن، دوختن |
| MILK | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *DHEUGH-, *DHAUGH- | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* |

پارسی باستان *(OLD PERSIAN):* -DUGA

پهلوی *(PAHLAVI):*

DŌSHITAN, DŌXTAN, DŌSHIDAN

اوستی *(OSSETIC):* DŪCHIN, DOCHUN

کردی *(KURDISH):*

DŌTIN, DŪSHIN, DŌSHIM

DOSHAGH :(BALUCHI) بلوچی

DAVASHAL :(AFGHANI) افغانی(پشتو)

DUHÁTI, :(SANSKRIT) سانسکریت

DÓGDHI, DŌH-

DIEM :(ARMENIAN) ارمنی

THESTAI :(GREEK) یونانی

FĒLŌ :(LATIN) لاتین

DAUG, DADDJAN :(GOTHIC) گوتیک

:(OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

DUGA

:(OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

TUHT, TĀJU

DEAG :(OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

:(OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

DOJO

DOIĆ :(POLISH) لهستانی

DOJIT :(RUSSIAN) روسی

DOJIT :(CZECH) چک

DOJIT :(SLOVAK) اسلواکی

DĒJU :(LATVIAN) لتونی (لتی)

DENIM :(OLD IRISH) ایرلندی کهن

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 271 |
| MACKENZIE: | (MILK) 123 |
| BUCK: | 386 |
| ۸۹۲ | برهان قاطع : |

| | |
|---|---|
| DOVVOM, DOYYOM | :(PERSIAN) فارسی دوم، دویم |
| SECOND | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *DUI-IOS, *DUI-TOS | :(INDO-EUROPEAN) هند و اروپایی |

DAIBITYA :(AVESTAN) اوستایی

DUITIIA :(OLD PERSIAN) پارسی باستان

DIDOM, DUDIGAR :(PAHLAVI) پهلوی

DWAYAM, :(AFGHANI) افغانی(پشتو)

DOHAM

WÄT :(TOKHARIAN A) A تخاری

WATE :(TOKHARIAN B)B تخاری

SÄTA :(KHOTANESE) ختنی

DVIAT, DVITIYA :(SANSKRIT) سانسکریت

:(RUMANIAN) رومانی

AL DOILEA, A DOUA

ZWEIT :(GERMAN) آلمانی

TWEEDE :(DUTCH) هلندی

DRUJI :(POLISH) لهستانی

DEUHÝ :(CZECH) چک

DRUHÝ :(SLOVAK) اسلواکی

DYTE :(ALBANIAN) آلبانی

DUYANALLI :(HITTITE) هتیت

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 228 |
| MACKENZIE: | (SECOND) 131 |
| MALLORY & ADAMS: | |
| DUI-IOS, DUI-TOS | |

یادداشت:

چم این واژه در زبان آلبانی: دوما"

چم این واژه در زبان هتیت: ستوان دوم

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): دویدن، دو | DAVIDAN, DOV |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | RUN |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *DHEU-, *DHOU- |

اوستایی (AVESTAN): DAV-, DREU-, DRAVATI

پهلوی (PAHLAVI): DAVATAN, DAVISTAN, DAVIDAN, DWĀRIDAN, DWĀRISTAN

سانسکریت (SANSKRIT): DHÁVATĒ, DHAV, DRATI

ارمنی (ARMENIAN): DURGAN

یونانی (GREEK): THÉŌ, THEIN, TRÉKHO

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):(شاید) DÖGG

نورس کهن (OLD NORSE):(شاید) DOGG, DOGGUAR

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):(شاید) TOU

آلمانی (GERMAN):(شاید) TAU

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):(شاید) DĒAW, DAU

انگلیسی (ENGLISH):(شاید) DEW

دانمارکی (DANISH):(شاید) DUG

سوئدی (SWEDISH):(شاید) DAGG

هلندی (DUTCH):(شاید) DAUW

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 259-260 |
| *BARNHART:* | (DEW) 273 |
| *DELAMARRE:* | 253 |
| *MACKENZIE:* | (RUN) 131 |
| *BUCK:* | 694 |
| *ONIONS:* | (DEW) 263 |
| *SKEAT:* | (DEW) 167 |
| *MALLORY & ADAMS:* | DHEU |
| ۹۰۲ | برهان قاطع: |

یادداشت:

چَم این واژه در زبان‌های هند و اروپایی کهن: دویدن، جاری شدن.

چَم این واژه در زبان‌های ژرمنی نوین: ژاله.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): دِه (مثلاً در "دهکده") | DEH |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | VILLAGE, HAMLET |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *DHEU-, *DHUĒ-, *DHŪNO |

اوستایی (AVESTAN): DAXYU, DAHYU

پارسی باستان (OLD PERSIAN):

DAHYU, DAHYA
پهلوی (PAHLAVI): DĒH
کردی (KURDISH): DAU
بلوچی (BALUCHI): DĒH, DĪH
افغانی(پشتو) (AFGHANI): DIH
تخاری A (TOKHARIAN A): TWE
تخاری B(TOKHARIAN B): TWEYE
سغدی (SOGHDIAN): ZTYW
سانسکریت (SANSKRIT): DÁSYU, DÁSÁ
یونانی (GREEK): DOỸLOS, DOŪLOS
لاتین (LATIN): DUNUM
ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN):
TŪN
نورس کهن (OLD NORSE): DYJA
فریزی کهن (OLD FRISIAN): TŪN
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
ZŪN
آلمانی (GERMAN): ZAUN
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): DŪN, TOÑ
انگلیسی (ENGLISH): DOWN, TOWN
هلندی (DUTCH): TUIN
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
DŪMO
روسی (RUSSIAN): DUJ
لیتوانی (LITHUANIAN):
DUJÁ, DUJE
ایرلندی کهن (OLD IRISH):
DÚ, DUMAE, DŪN
سلتی (کلتی) (CEKTIC): DŪNOM
ولزی (WELSH): DINAS, DIN
آلبانی (ALBANIAN): DEJ

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 263 |
| BARNHART: | (DOWN)) 298 |
| MACKENZIE: | (VILLAGE) 139 |
| MALLORY & ADAMS: | DES- |
| ۹۰۲ | برهان قاطع : |

**یادداشت:**

چَم‌های برخی از واژه‌های این فهرست: دژ، تپه‌ی شنی، تپه، وزیدن، شهر، ناحیه
چَم واژه‌ی انگلیسی DOWN: تپه‌ی پوشیده از علف.
چَم واژه‌ی زبان سغدی: تبعید شده، از دهکده رانده شده.
چَم واژه‌ی زبان سانسکریت و واجریشه‌ی هند و اروپایی: دشمن.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): ده(۱۰) | DAH |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | TEN |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *DEKM-, *DEKU- |

اوستایی (AVESTAN): DASA
پهلوی (PAHLAVI): DAH
اوستی (OSSETIC): DEKET, DÄS
کردی (KURDISH): DEH
بلوچی (BALUCHI): DĀH, DEH
افغانی(پشتو) (AFGHANI): LAS

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): دهُم | DAHOM |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | TENTH |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *DEKMOS, *DEKMTOS |

اوستایی (AVESTAN): DASəMA

پهلوی (PAHLAVI): DAHOM

یادداشت:

بازگشت به: دهم.

تخاری A (TOKHARIAN A): SÄK

تخاری B (TOKHARIAN B): ŚAK

سانسکریت (SANSKRIT):

DÁSA, DÁCHA, DACA

ارمنی (ARMENIAN): TASN

یونانی (GREEK): DÉKA

لاتین (LATIN): DECEM

فرانسه (FRENCH): DIX

اسپانیایی (SPANISH): DIEZ

ایتالیایی (ITALIAN): DIECI

رومانی (RUMANIAN): ZEĆE

پرتغالی (PORTUGUESE): DEZ

گوتیک (GOTHIC): TÁIHUN

ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN):

TIU

ساکسونی کهن (OLD SAXON): TEHAN

فریزی کهن (OLD FRISIAN): TIĀN

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

ZEHAN

آلمانی (GERMAN): ZEHN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): TĒN

انگلیسی (ENGLISH): TEN

دانمارکی (DANISH): TIO

سوئدی (SWEDISH): TIO

نروژی (NORWEGIAN): TIO

هلندی (DUTCH): TIEN

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

DESETI

لهستانی (POLISH): DZIESIEĆ

روسی (RUSSIAN): DESIAT, DESIATE

چک (CZECH): DESET

اسلواکی (SLOVAK): DESAT

لیتوانی (LITHUANIAN): DĒSHIMT

ایرلندی کهن (OLD IRISH): DEICH

گالی (GAULISH): DEICH

ولزی (WELSH): DEG

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 191 |
| BARNHART: | (TEN) 1124 |
| DELAMARRE: | (DIX) 214 |
| MACKENZIE: | (TEN) 136 |
| ONIONS: | (TEN) 909 |
| SKEAT: | (TEN) 634 |
| RAMAT: | 34 |
| AMINDAROV: | (TEN) 297 |
| برهان قاطع: | ۹۰۲ |

اوستی (OSSETIC): DÄSÄM

افغانی(پشتو) (AFGHANI): LASAM

تخاری A (TOKHARIAN A): ŚKÄNT

تخاری B(TOKHARIAN B):

SKANTE, SKANCE

سانسکریت (SANSKRIT):

DASAMÁ, DASAMÁH

ارمنی (ARMENIAN): TASM-ERORD

یونانی (GREEK): DĒCATOS

لاتین (LATIN): DECIMUS

فرانسه (FRENCH): DIXIÉME

اسپانیایی (SPANISH): DÉCIMO

ایتالیایی (ITALIAN): DECIMO

رومانی (RUMANIAN):

AL ZECELEA, A, ZECEA

پرتغالی (PORTUGUESE): DECIMO

گوتیک (GOTHIC): TAIHUNDA

ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN):

TIUNDA

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

ZEHANTO, ZEHENDO

آلمانی (GERMAN): ZEHNT

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

TEOTHA, TEOGOTHA

انگلیسی (ENGLISH): TENTH

هلندی (DUTCH): TIENDE

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

DESETŪ

لهستانی (POLISH): DZIESIATY

لیتوانی (LITHUANIAN):

DECHMAD, DESHIMTAS

لتونی (لتی) (LATVIAN): DESMITAIS

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): DESSIMTS

گالی (GAULISH): DECAMETOS

ولزی (WELSH): DECVET

گالیک (GAELIC): I-DHJETË

| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 192-193 |
| *BARNHART:* | (TEN) 1124 |
| *MACKENZIE:* | (TENTH) 136 |
| *ONIONS:* | (TEN) 909 |

**یادداشت:**

بازگشت به: دَه.

| | |
|---|---|
| **DEY, DIRŪZ** | **فارسی** (PERSIAN): **دی، دیروز** |
| **YESTER(DAY)** | **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** |
| ***GHDÉS, *GHYÉS, *GHÉS, *GHDYÉS** | **هند و اروپایی** (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): ZYŌ

پارسی باستان (OLD PERSIAN): DIY,

DIYAKA

پهلوی (PAHLAVI): DĪK

اوستی (OSSETIC): ÄZINÄ, AZHINE,

ZINON

کردی (KURDISH): -DI

بلوچی (BALUCHI): ZĒ, ZĪK

سانسکریت (SANSKRIT): HYÁS

یونانی (GREEK): CHTHÉS, KHTHÉS

لاتین (LATIN): HERI

فرانسه (FRENCH): HIER

اسپانیایی (SPANISH): AYER

ایتالیایی (ITALIAN): IERI

رومانی (RUMANIAN): IERI

گوتیک (GOTHIC): GISTER(DAGIS)

ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): IGAR

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): GESTARON, GESTREN

آلمانی (GERMAN): GESTERN

انگلیسی‌کهن (OLD ENGLISH): GEOSTRAN(DAG)

انگلیسی (ENGLISH): YESTERDAY, YESTER

دانمارکی (DANISH): I GAAR

سوئدی (SWEDISH): I GĀR

نروژی (NORWEGIAN): IGĀR

هلندی (DUTCH): GISTER, GISTEREN

ایرلندی کهن (OLD IRISH): INDHĒ, IN-DÉ

گالی (GAULISH): DOE

آلبانی (ALBANIAN): DJE

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
| --- | --- |
| POKORNY: | 416 |
| BARNHART: | (YESTERDAY) 1253 |
| DELAMARRE: | (HIER) 297 |
| BUCK: | 100 |
| ONIONS: | (YESTER-) 1019 |
| SKEAT: | (YESTERDAY) 729 |
| ۹۰۷-۹۰۸ | برهان قاطع: |

| فارسی (PERSIAN): دیدن | DIDAN |
| --- | --- |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | SEE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *DHEI-, *DHIĀ-, *DHI-, *DEDO- |

اوستایی (AVESTAN): DĀDARESA, DERES, DĀ(Y)

پارسی باستان (OLD PERSIAN): DĀI-, DIDIY

پهلوی (PAHLAVI): DIDAN, DITAN

کردی (KURDISH): DITIN

بلوچی (BALUCHI): DIDH, DIDOX

افغانی(پشتو) (AFGHANI): LIDAL, LIDËL

سانسکریت (SANSKRIT): DADÁRŚA, DRC-, DARSÁYATI, DIDHYE

یونانی (GREEK): DÉDORKA, IDEIN

گوتیک (GOTHIC): GA-TARHJAN

ایرلندی کهن (OLD IRISH): -DARC

ولزی (WELSH): EDRYCH

آلبانی (ALBANIAN): DITURË, DITME

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
| --- | --- |
| POKORNY: | 243 |
| DELAMARRE: | (VOIR) 251 |
| MACKENZIE: | (SEE) 132 |
| BUCK: | 1042, 1045 |
| ۹۱۰ | برهان قاطع: |

یادداشت:

آشکار است که واژه‌های فارسی "دیده" و "دیدگان" و "دیدار" نیز از همین واجریشه‌اند.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): دیم (به چم "روی"، "رخسار") | DĒM |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | FACE, LOOKS, ASPECT |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *DHEIə-, *DHIĀ- |

اوستایی (AVESTAN): DAEMAN

پهلوی (PAHLAVI): ANDĒMĀN (KAR)

کردی (KURDISH): DĒM

افغانی(پشتو) (AFGHANI): LĒMA

ارمنی (ARMENIAN): DĒM

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 243 | POKORNY: |
| برهان قاطع: | ۹۱۵ |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۱۱۴۱۴ |

یادداشت:

۱- چم این واژه در زبان پهلوی: پذیرفته، برده.

۲- بازگشت به: دیدن

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): دیو | DĪV |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | DEMON |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *DEJWOS-, *DEIWOS |

اوستایی (AVESTAN): DAĒUUA, DAĒVA

پارسی باستان (OLD PERSIAN): DAIVA

پهلوی (PAHLAVI): DEV, DĒW

اوستی (OSSETIC): DEÍVAÍ

کردی (KURDISH): DĒW

سانسکریت (SANSKRIT): DEVĀ

یونانی (GREEK): ZEUS

لاتین (LATIN): DEUS

فرانسه (FRENCH): DIEU

اسپانیایی (SPANISH): DIOS

ایتالیایی (ITALIAN): DIO

رومانی (RUMANIAN): ZEU

پرتغالی (PORTUGUESE): DEUS

ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN):

TĪVAR

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

ZĪO

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

TIG, TĪWES

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

DIVŪ

لیتوانی (LITHUANIAN): DIEVAS

لتونی (لتی) (LATVIAN): DIEVS

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):

DEIWAS, DEIWS

ایرلندی کهن (OLD IRISH): DIA

گالی (GAUKISH): DĒVO-

ولزی (WELSH): DUW

برتونی (BRETON): DOU

| | | | |
|---|---|---|---|
| SKEAT: | (DEIW) 753 | REFERENCES | بسگشت‌ها |
| RAMAT: | 50 | POKORNY: | 185-186 |
| AMINDAROV: | (DEMON) 210 | DELAMARRE: | (DIEU) 72 |
| ۹۱۷ | برهان قاطع: | MACKENZIE: | (DEMON) 110 |
| | | BUCK: | 1464-1465 |

deviation

یادداشت:

۱- چَم این واژه در همه‌ی زبان‌های این فهرست: خدا.

۲- علت دگرگونی چَم این واژه در زبان‌های ایرانی این است که پس از ظهور زرتشت و آئین او "اهورامزدا" مورد پرستش قرار گرفت و واژه‌ی "دیو" چَم کنونی خود را به دست آورد.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): دیوار | DIVĀR |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | WALL |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *DHEIGH-, *DHEIGHOS-, *DHEIGMI- |

اوستایی (AVESTAN): DAĒZAYEITI

پارسی باستان (OLD PERSIAN): DIDA

پهلوی (PAHLAVI): DĒWĀR

کردی (KURDISH): DIWAR

افغانی(پشتو) (AFGHANI): DEWĀL

تخاری A (TOKHARIAN A): TSEK-

تخاری B (TOKHARIAN B): TSAIK-

سانسکریت (SANSKRIT): DÉHMI, DEHI-

ارمنی (ARMENIAN): DIZANEM

یونانی (GREEK): TEĪKHOS, TEĪCHOS, TOIĈHOS

لاتین (LATIN): FINGŌ, FINGERE

گوتیک (GOTHIC): DIGAND

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): ZĪDŪ

چک (CZECH): ZEĎ

صربی (SERBIAN): ZID

بوهمی (BOHEMIAN): ZED

لیتوانی (LITHUANIAN): ZHIEDZHIU

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): SEYDIS

ایرلندی کهن (OLD IRISH): COMOD-DING

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 244-245 |
| DELAMARRE: (FAÇONNER LA TERRE) | 253 |
| MACKENZIE: | (WALL) 139 |
| BUCK: | 472-473 |
| AMINDAROV: | (WALL) 307 |

یادداشت:

۱- بازگشت به: دژ

۲- چم این واژه در تخاری و لاتین: شکل دادن، (از گِل) ساختن.

۳- واژه‌ی انگلیسی DOUGH و آلمانی TEIG(به چَم "خمیر") نیز از همین واجریشه‌اند.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): راست | RAST |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | STRAIGHT, TRUE, RIGHT |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *REG-, *RĒGTOS-, *ROG-, *RG- |

اوستایی (AVESTAN): RAŽAYEITI, RAZ-

پارسی باستان (OLD PERSIAN): RASTA-

پهلوی (PAHLAVI): RĀST

اوستی (OSSETIC): RAS

کردی (KURDISH): RĀST

بلوچی (BALUCHI): RĀST

افغانی(پشتو) (AFGHANI): RĀST

تخاری (TOKHARIAN B)B: RÄK

سانسکریت (SANSKRIT): PJYATI, RAT-, RAJIS, RADDHÁ

یونانی (GREEK): ORÉGŌ, OREKTÓS

لاتین (LATIN): REGŌ, RĒCTUS

فرانسه (FRENCH): RECT-

اسپانیایی (SPANISH): RECT-

ایتالیایی (ITALIAN): RETT-

رومانی (RUMANIAN): RECT-

پرتغالی (PORTUGUESE): RET-

گوتیک (GOTHIC): UF- RAKJAN, RAIHTS

ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): REKJA, RĒTTR

ساکسونی کهن (OLD SAXON): REHT

فریزی کهن (OLD FRISIAN): RIUCHT

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): REHT

آلمانی (GERMAN): RECHT

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): RIHT

انگلیسی (ENGLISH): RIGHT

دانمارکی (DANISH): RET

سوئدی (SWEDISH): RÄT

نروژی (NORWEGIAN): RETT

هلندی (DUTCH): RECHT

لیتوانی (LITHUANIAN): REZHTIS

ایرلندی کهن (OLD IRISH): RECHT, RIGIM,

ولزی (WELSH): RHAITH

برتونی (BRETON): REIZ

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 854 |
| BARNHART: | (RIGHT) 926 |
| DELAMARRE: | |
| (DIRIGER EN DROITE LIGNE) | 276 |
| MACKENZIE: | |
| | (STRAIGHT) 135, (TRUE) 137 |
| BUCK: | 1180-1181 |
| AMINDAROV: | (STRAIGHT) 292 |
| MALLORY: | 125 |
| ۹۲۷ | برهان قاطع : |

یادداشت:

چَم "راست" در برابر "کج" و "راست" در برابر "دروغ" و "راست" در برابر "چپ" در اکثر زبان‌های هند و اروپایی وجود دارد.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN)*: راسو | **RĀSŪ** |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | **WEASEL** |
| **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN)*: | ***LOHRK** |

| | |
|---|---|
| پهلوی *(PAHLAVI)*: | **RASUG** |
| لاتین *(LATIN)*: | **LUŌSS** |
| لهستانی *(POLISH)*: | **LASICA** |
| رومی *(RUSSIAN)*: | **LĀSKA** |
| بلغاری *(BULGARIAN)*: | **VLASICA, LASIKA** |
| لتونی (لتی) *(LATVIAN)*: | **LUOSS** |

| پسگشت‌ها | *REFERENCES* |
|---|---|
| (WEASEL) 140 | *MACKENZIE:* |
| LOHRK | *MALLORY & ADAMS:* |
| برهان قاطع: | ۹۲۹ |

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN)*: ران، رون | **RĀN, RŪN** |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | **THIGH** |
| **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN)*: | ***SRĒNO-, *SRĒNĀ** |

| | |
|---|---|
| اوستایی *(AVESTAN)*: | **RĀNA** |
| پهلوی *(PAHLAVI)*: | **RĀN** |
| کردی *(KURDISH)*: | **RĀN** |
| بلوچی *(BALUCHI)*: | **RĀN** |
| افغانی(پشتو) *(AFGHANI)*: | **VRŪN** |
| ارمنی *(ARMENIAN)*: | **ERAN** |
| ایسلندی‌کهن *(OLD SCANDINAVIAN)*:(شاید) | **RUMPR** |
| آلمانی میانه *(MIDDLE HIGH)*:(شاید) | **RUMPE** |
| آلمانی *(GERMAN)*:(شاید) | **RUMPE** |
| انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH)*:(شاید) | **RUMPE** |
| انگلیسی *(ENGLISH)*:(شاید) | **RUMP** |
| دانمارکی *(DANISH)*:(شاید) | **RUMPE** |
| سوئدی *(SWEDISH)*:(شاید) | **RUMPA** |
| نروژی *(NORWEGIAN)*:(شاید) | **RUMPE** |
| هلندی *(DUTCH)*:(شاید) | **ROMP** |
| لیتوانی *(LITHUANIAN)*: | **STRENOS** |

| پسگشت‌ها | *REFERENCES* |
|---|---|
| 1002 | *POKORNY:* |
| 109 | *DELAMARRE:* |
| برهان قاطع: | ۹۳۲ |

یادداشت:

چَم این واژه در زبان‌های ژرمنی: کپل، کفل.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): راه، رَه | RĀN, RAH |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | ROAD, WAY |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *RET(H)-, *ROTO- |

اوستایی (AVESTAN): RAITHA, RAITHYA

پارسی باستان (OLD PERSIAN): RATHA-, *RATHYA

پهلوی (PAHLAVI): RĀH

کردی (KURDISH): RĒ, RĪ

بلوچی (BALUCHI): RĀ, RĀH

افغانی(پشتو) (AFGHANI): LĀR, RĀH

سغدی (SOGHDIAN): R'DH

سانسکریت (SANSKRIT): RÁTHA-, RATHYA

ارمنی (ARMENIAN): RAH

لاتین (LATIN): ROTA

فرانسه (FRENCH): ROUE

اسپانیایی (SPANISH): RUEDA

ایتالیایی (ITALIAN): RUOTA

رومانی (RUMANIAN): ROATĂ

پرتغالی (PORTUGUESE): RODA

ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): RODULL

فریزی کهن (OLD FRISIAN): RETH

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): RAD, RAT

آلمانی (GERMAN): RAD

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): RADOR, RODOR

دانمارکی (DANISH): RAT

سوئدی (SWEDISH): RATT

نروژی (NORWEGIAN): RATT

هلندی (DUTCH): RAD

لیتوانی (LITHUANIAN): RĀTAS

لتونی (لتی) (LATVIAN): RATS

ایرلندی کهن (OLD IRISH): ROTH

ولزی (WELSH): RHOD

برتونی (BRETON): -RET, ROD

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 866 |
| DELAMARRE: | (ROUE) 126 |
| MACKENZIE: | (RĀH) 70 |
| BUCK: | (WHEEL) 724-725 |
| SKEAT: | (RET) 757 |
| ۹۳۴ | برهان قاطع: |

یادداشت:

چم این واژه در زبان سانسکریت: ارابه.

چم این واژه در زبان‌های غیرایرانی این فهرست: چرخ.

چم این واژه در زبان انگلیسی کهن: آسمان، فلک.

| | |
|---|---|
| RĀY | فارسی (PERSIAN): رای (به چَم "تدبیر و داوری و مقتضای عقل") |
| WISDOM, TACT | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *REI-, *RĒI- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 860 |
| MACKENZIE: | (RICH) 130 |
| THE AMERICAN HERITAGE: | |
| DICTIONARY OF THE ENGLISH: | |
| LANGUAGE: | (RE-) 2044 |
| AMINDAROV: | (OPINION) 263 |
| ۹۶۳ | برهان قاطع: |

اوستایی (AVESTAN): RĀY, RAYI, RAĒVANT

پهلوی (PAHLAVI): RĀY(OMAND)

کردی (KURDISH): RAY

سانسکریت (SANSKRIT): RAI-, RĒVANT, RAYIVANT, RAYÁS, RAYIS

لاتین (LATIN): RĒS, REI

**یادداشت:**

۱- واژه‌ی REAL در زبان‌های انگلیسی و فرانسه نیز از این واجریشه‌است: BARNHART:(REAL) 891.

۲- چَم این واژه در زبان‌های ایرانی پیشین: چیزدار، دارا.

چَم این واژه در زبان لاتین: چیز، شیئی، دارائی.

| | |
|---|---|
| RĀY | فارسی (PERSIAN): رای (به چَم "پادشاه"، "سلطان هندی") |
| KING, RULER | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *REG-, *ROGI-, *RĒGIO-, *RĒGS | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): RASTAR

سانسکریت (SANSKRIT): RĀJ-, RAJYÁ-, RAJNI-, RĀJATI, RĀY, RANJ, RĀJAN

ارمنی (ARMENIAN): ARCVI

یونانی (GREEK): DRÉGŌ, DREGNÓS

لاتین (LATIN): RĒX, RĒGIUS, RĒGIS

فرانسه (FRENCH): ROI

اسپانیایی (SPANISH): REY

ایتالیایی (ITALIAN): RE

رومانی (RUMANIAN): REGE

پرتغالی (PORTUGUESE): REI

گوتیک (GOTHIC): REIKS, REIKI

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): RĪHHI

آلمانی (GERMAN): REICH

دانمارکی (DANISH): RIGE

نروژی (NORWEGIAN): RIGE

هلندی (DUTCH): RIJK

ایرلندی کهن (OLD IRISH): RĪ, RĪG

گالی (GAULISH): -RIX

ولزی (WELSH): RHI

برتونی (BRETON): ROUE, ROE

| پسگشت‌ها | REFERENCES | | |
|---|---|---|---|
| 855 | POKORNY: | (REGAL) 750, (REGICIDE) | |
| (REGAL) 903 | BARNHART: | 751 | ONIONS: |
| (ROI) 79 | DELAMARRE: | (REGAL) 507 | SKEAT: |
| (KING) 1321-1322 | BUCK: | ۹۳۶ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

این واژه در کلیله و دمنه بسیار به کار رفته است.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): رده | RADĒ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | SERIES, ORDER, ROW |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *ROTHO-, *RET |

اوستایی (AVESTAN): **RATHA**

پارسی باستان (OLD PERSIAN): ***RATAKA**

پهلوی (PAHLAVI): **RADAG**

کردی (KURDISH): **RĒZIK**

تخاری A (TOKHARIAN A): **RATÄK**

تخاری B (TOKHARIAN B): **RETKE**

سانسکریت (SANSKRIT): **RÁTH-**

لاتین (LATIN): **ROTA**

فرانسه (FRENCH): **ROND**

اسپانیایی (SPANISH): **RODOND**

ایتالیایی (ITALIAN): **TONDO**

رومانی (RUMANIAN): **ROTUND**

ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): **RADULL**

فریزی کهن (OLD FRISIAN): **RETH**

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): **RAD**

آلمانی (GERMAN): **RAD**

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): **RADOR, ROND**

انگلیسی (ENGLISH): **ROUND, ROTUND**

دانمارکی (DANISH): **RUND**

سوئدی (SWEDISH): **RUND**

نروژی (NORWEGIAN): **RUND**

هلندی (DUTCH): **RON**

لیتوانی (LITHUANIAN): **RĀTAS**

لتونی (لتی) (LATVIAN): **RATS**

ایرلندی کهن (OLD IRISH):

گالی (GAULISH): **-RITUM**

ولزی (WELSH): **RHOD**

گالیک (GAELIC): **-RITUM**

آلبانی (ALBANIAN): **RRETH**

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 866 | POKORNY: |
| (ROUND) 939 | BARNHART: |
| (ROW) 131 | MACKENZIE: |
| (ROUND) 904 | BUCK: |
| (ROUN)) 774 | ONIONS: |
| (RĒZIK) 139 | AMINDAROV: |
| برهان قاطع: | ۹۴۴ |

| پسگشت‌ها | REFERENCES | | |
|---|---|---|---|
| 855 | POKORNY: | بُرهان قاطع: | ۹۴۵ |
| (BATTLE) 103 | MACKENZIE: | (BATTLE) 189 | AMINDAROV: |

یادداشت:

۱- بازگشت به: راست، رای

۲- چم این واژه در زبان لاتین: کنترل، مهار، راهبری، اداره، حکومت کردن.

۳- چم این واژه در سانسکریت و اوستایی و پارسی کهن: رده، صف، صف رزمندگان.

| فارسی (PERSIAN): رُستن، روییدن | ROSTAN, RŪĒDAN |
|---|---|
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | GROW |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *LEUDH- |

اوستایی (AVESTAN): RADDH, RAOTHAITI, RUD-, RAOTHENTI

پهلوی (PAHLAVI): RUSTAN

بلوچی (BALUCHI): RUDAG, RUDHAGH

سانسکریت (SANSKRIT): RŌDHATI, RŌHATI, RŌHA-, RUDH-, RODHANTI

یونانی (GREEK): ELEÚTHEROS

لاتین (LATIN): LĪBRE

فرانسه (FRENCH): LIBRE

اسپانیایی (SPANISH): LIBRE

گوتیک (GOTHIC): LIUDAN

ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): LODHENN

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): LIOTAN, LIODAN, LIUT

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): LEODAN, LEOD

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): LJUDŪ

روسی (RUSSIAN): LJUDI

چک (CZECK): LID, LJUDINŪ

لیتوانی (LITHUANIAN): LIÁUDIS

لتونی (لتی) (LATVIAN): LÁUDIS

ایرلندی کهن (OLD IRISH): LUSS

ولزی (WELSH): LLYSIAU

برتونی (BRETON): LOUZOU

آلبانی (ALBANIAN): LENJ

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 684-685 | POKORNY: |
| (LIBERAL) 592 | BARNHART: |
| (LIBRE) 226 | DELAMARRE: |
| (GROW) 117 | MACKENZIE: |
| (LIBERTY, LIBERAL) 526 | ONIONS: |
| (GROW) 876-877 | BUCK: |
| (LIBERATE, LIBERTY) 338 | SKEAT: |
| ۹۴۹ | بُرهان قاطع: |

یادداشت:

۱- چم این واژه در زبان‌های یونانی و لاتین: آزاد، وارسته (ضمناً نام خدای وفور و رشد و نمو نیز در زبان لاتین LĪBER بود).

چم این واژه در زبان‌های اسلاوی و گالی و ولزی و آلبانی: مردم.

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های فریزی کهن، آلمانی کهن، ایرلندی کهن و گالی: چرخ.

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی و آلبانی: حلقوی، گرد.

چم این واژه در زبان‌های اوستائی و سانسکریت: ارابه

چم این واژه در زبان تخاری: قشون.

چم این واژه در زبان ایسلندی کهن: حلقه‌ی نور.

| | |
|---|---|
| RAZ | فارسی *(PERSIAN):* رز (به چَم"درخت انگور") |
| GRAPEVINE, VINE | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *HYLOC- | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* |

اوستایی *(AVESTAN):* RAZURA

پهلوی *(PAHLAVI):* RAZ

اوستی *(OSSETIC):* RAZA

یونانی *(GREEK):* ÓLÓGINOS

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):* LOZAC

روسی *(RUSSIAN):* LOZA

هتیت *(HITTITE):* ALKISTA-, ALKISTAN

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *MACKENZIE:* | VINE 139 |
| *MALLORY & ADAMS:* | HYLOC |
| ۹۴۴ | برهان قاطع: |

یادداشت:

چم این واژه در زبان اوستی: میوه‌ها

چم این واژه در زبان یونانی: انشعاب.

چم این واژه در زبان هتیت: شاخه.

| | |
|---|---|
| RAZM | فارسی *(PERSIAN):* رزم |
| BATTLE, FIGHTING | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *RĒG | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* |

اوستایی *(AVESTAN):* RASMAN-, RAZ-, RASMA

پارسی باستان *(OLD PERSIAN):* RAZMA

پهلوی *(PAHLAVI):* RAZM

کردی *(KURDISH):* REZM

سانسکریت *(SANSKRIT):* RAJI

ارمنی *(ARMENIAN):* PATERAZM, RAZM

یونانی *(GREEK):* OREGMA

لاتین *(LATIN):* REGIMEN, REGERE

چم این واژه در ایرلندی کهن: گیاه.

۲- واژه‌ی آلمانی LEUTE (به چَم "مردم") نیز از همین واجریشه است.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): رَستن (به چَم "رَبیدن"، "نجات یافتن") | RASTAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | ESCAPE, RELEASE, EMANCIPATE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *RĒ-, *RĒWĀ-, *RŌWĀ- |

پارسی‌باستان (OLD PERSIAN): RESTE, RESTAN

اوستایی: RADH, AV-RAD

پهلوی (PAHLAVI): RASTAN, RASTĀRIH

بلوچی (BALUCHI): RASTEGAR

سانسکریت (SANSKRIT): AIRIME, RÁMATE

یونانی (GREEK): ĒRŌS, ERAMAI

گوتیک (GOTHIC): RASTA

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): ROST

ساکسونی کهن (OLD SAXON): RESTA, RAST, RESTIAN

فریزی کهن (OLD FRISIAN): REST, REST

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): RESTA, RASTON

آلمانی (GERMAN): RAST, RASTEN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): RESTE, RESTAN

انگلیسی (ENGLISH): REST

دانمارکی (DANISH): REST

سوئدی (SWEDISH): RAST

نروژی (NORWEGIAN): RAST

هلندی (DUTCH): RUSTE

لیتوانی (LITHUANIAN): ROVA

لتونی (لتی) (LATVIAN): RĀWA

ولزی (WELSH): ARAF

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 338 |
| BARNHART: | (REST) 918 |
| MACKENZIE: | (ESCAPE) 112 |
| ONIONS: | (REST) 760 |
| SKEAT: | (REST) 513-514, (EROTIC) 199 |
| برهان قاطع: | ۹۴۹ |

یادداشت:

چم این واژه در زبان یونانی: عشق.

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: واحد مسافت، (در سفر) استراحتگاه، بستر، استراحت، غنودن.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): رسیدن | RESIDAN, RASIDAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | REACH, ARRIVE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *ER-, *ERE- |

اوستایی (AVESTAN): AR- ƏRƏTA-, ARAYA-

پارسی باستان (OLD PERSIAN): RASA-,

RASATIY

پهلوی (PAHLAVI): RASĪTAN, RASIDAN,

RAS-

بلوچی (BALUCHI): RASAG

افغانی(پشتو) (AFGHANI): RASĒDAL

سانسکریت (SANSKRIT): RECHATI,

-ARĀ , -ĀRANA

ارمنی (ARMENIAN): Y-ARNEM

یونانی (GREEK): ÓRNUMI, ÓRNYMI

لاتین (LATIN): ORIOR

| بسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 327 | POKORNY: |
| (ARRIVE) 102 | MACKENZIE: |
| برهان قاطع : | ۹۵۰ |

یادداشت:

چم این واژه در زبان لاتین: بلند شدن، بالا رفتن.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): رَشک (به چَم"حسادت") | RASHK |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | JEALOUSY, ENVY |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *RES-, *ERES- |

اوستایی (AVESTAN): ARASKA,

AR∂SHYANT, IRSHYĀ, ARASKA

پهلوی (PAHLAVI): ARESHK, RASHK

بلوچی (BALUCHI): ARISHK, RASHK

تخاری A (TOKHARIAN A): ARSAL

تخاری B(TOKHARIAN B): ARSĀKLAI

سانسکریت (SANSKRIT): IRASYATI,

IRSYATI, IRSYÁ, ARESYANT

ارمنی (ARMENIAN): HER

یونانی (GREEK): AROZ, AREIĒ

لاتین (LATIN):(شاید) IRA

ساکسونی کهن (OLD SAXON): IRRI

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): IRRE

لیتوانی (LITHUANIAN): ARSHUS

هتیت (HITTITE): *ARSANA, ARSANIYA

| بسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 337 | POKORNY: |
| (JEAKOUSY) 120 | MACKENZIE: |
| 1138-1140 | BUCK: |
| برهان قاطع : | ۹۵۲ و ۱۰۵ |

یادداشت:

چَم این واژه در زبان‌های ژرمنی و زبان لاتین : خشمگین، خشم.

چَم این واژه در زبان‌های تخاری: مار، کرم.

| | |
|---|---|
| RESHK | فارسی (PERSIAN): رِشک (به چَم "تخم شپش") |
| NIT | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *RIK | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

پارسی باستان (OLD PERSIAN): *RISHKA

اوستی (OSSETIC): LISKA

کردی (KURDISH): RISHK

بلوچی (BALUCHI): RISHK, RASHK

افغانی(پشتو) (AFGHANI): RICA, RIXA

سانسکریت (SANSKRIT): LIKSÁ, LIKSHÁ

لاتین (LATIN): RICINUS

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| MALLORY & ADAMS: | RIK |
| ۹۵۲ | برهان قاطع: |

| | |
|---|---|
| RAGHZE | فارسی (PERSIAN): رغزه (به چَم "جامه‌ی پشمین") |
| WOOLEN(CLOTH) | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *REZG-, *RESG- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

سانسکریت (SANSKRIT): RAJJUS

لاتین (LATIN): RESTIS

فریزی کهن (OLD FRISIAN): RÜSKE

آلمانی میانه (MIDDLE HIGH GERMAN):
RUSCHE, ROSCHE

آلمانی (GERMAN): RUSCH

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
RESC, RISC, RESCE

انگلیسی (ENGLISH): RUSH

نروژی (NORWEGIAN): RUSK, RYSKJE

هلندی (DUTCH): RUSCH, RISCH

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
ROZGA

بلغاری (BULGARIAN): ROZGA

لیتوانی (LITHUANIAN): REZGIU, REZGU

لتونی (لتی) (LATVIAN):
REZHGIS, REJHGET

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 874 |
| BARNHART: | (RUSH) 946 |
| ONIONS: | 778 |
| SKEAT: | 529 |
| MALLORY & ADAM: | RESG |
| ۹۵۴ | برهان قاطع: |
| ۱۲۱۵۰ | لغت‌نامه دهخدا: |

یادداشت:

چَم این واژه در زبان‌های ژرمنی: نی.

چَم این واژه در زبان‌های لیتوانی و لتونی: سبد(ساخته شده از نی)، بافتن.

چَم این واژه در زبان‌های سانسکریت و لاتین: طناب (ساخته شده از ساقه‌ی گیاه).

چَم این واژه در زبان اسلاوی کهن: ریشه.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): رفتن | RAFTAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | GO, LEAVE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *REBH- |

اوستایی (AVESTAN): RAP-

پهلوی (PAHLAVI): RAF-, RAFTAN

اوستی (OSSETIC): RÄVÄG

کردی (KURDISH): REWIN

بلوچی (BALUCHI): ROAG

آلمانی میانه (MIDDLE HIGH GERMAN): REBEN

ایرلندی میانه (MIDDLE IRISH): REB

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 853 |
| برهان قاطع: | ۹۵۵ |

یادداشت:

مرحوم معین در پانوشت برهان قاطع: (و به پیروی از "نیبرگ" و "هوبشمان") واژه‌ی رفتن را از واجریشه‌ی هند و اروپایی -REP می‌داند و آن را با واژه‌ی لاتین RĒPŌ همریشه می‌پندارد (برهان قاطع: ۹۵۵).

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): رُم، روم (به چَم "موی زهار") | ROM |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | RUBIC HAIR |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *REUMM- |

اوستی (OSSETIC): RAZA

تخاری B (TOKHARIAN B): RUWĀ

سانسکریت (SANSKRIT):

RÓMAN, LóMN, LŌMAN

ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN):

ROGG-, ROGGR

نروژی (NORWEGIAN): RU

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

RYJO

روسی (RUSSIAN): RUNŌ

لتونی (لتی) (LATVIAN): RAUJU

ایرلندی کهن (OLD IRISH): RŌN

ولزی (WELSH): RHAWN

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| MALLORY & ADAMS: | REUMN- |
| برهان قاطع: | ۹۷۹ و ۹۲۰ |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۱۲۴۰۱ و ۱۲۲۲۸ |

یادداشت:

چم این واژه در سانسکریت: موی بدن انسان و حیوان.

چم این واژه در تخاری B و لتونی و اسلاوی کهن: کندن.

چم این واژه در ایرلندی کهن: یال اسب.

چم این واژه در روسی و نروژی و ایسلندی کهن: موی نرم، پشم نرم.

| | |
|---|---|
| RANG | فارسی (PERSIAN): رنگ |
| COLOR | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *REG- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

پهلوی (PAHLAVI): **RANG**
کردی (KURDISH): **RENG, RENK**
بلوچی (BALUCHI): **RANG**
افغانی(پشتو) (AFGHANI): **RANG**
سانسکریت (SANSKRIT): **RAJYATI, RĀGA, RAJYATE, RANJAYATI, RANGA**
ارمنی (ARMENIAN): **ERANG**
یونانی (GREEK): **RÉZO, RÉHMA, RAHÉUS**

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 854 |
| *MALLORY & ADAMS:* | REG- |
| ۹۶۴ | برهان قاطع : |

| | |
|---|---|
| RUBAH | فارسی (PERSIAN): روباه |
| FOX | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *LUP-, *ULP-, *LŌUPĒKOS | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): **URUPI, RAOPI**
پهلوی (PAHLAVI): **RŌPĀS, RŌBĀH**
کردی (KURDISH): **RŪWI**
بلوچی (BALUCHI): **ROPASK**
سانسکریت (SANSKRIT): **LOPĀSÁ, LOPĀKA, LOPĀSAS**
ارمنی (ARMENIAN): **ALUES**
یونانی (GREEK): **ALŌPĒKS**
لاتین (LATIN): **VOLPĒS**
اسپانیایی (SPANISH): **RAPOSA**
پرتغالی (PORTUGUESE): **RAPOSA**
دانمارکی (DANISH): **RAV**
سوئدی (SWEDISH): **RÄV**
نروژی (NORWEGIAN): **REV**
لیتوانی (LITHUANIAN): **LĀPE, VILPISHYS**
لتونی (لتی) (LATVIAN): **LAPSA, RUADH**
ایرلندی کهن (OLD IRISH): **RUADH**
برتونی (BRETON): **LOUARN**

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 1179 |
| *DELAMARRE:* | (RENARD) 135 |
| *MACKENZIE:* | (FOX) 115 |
| ۹۶۸ | برهان قاطع : |

| | |
|---|---|
| RŪD, RŪDXANE | فارسی (PERSIAN): رود، رودخانه |
| RIVER, STREAM | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *SREU-, *SROU-, *SRU- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): RAODHAITI, RAVAN

پارسی باستان (OLD PERSIAN): RAUTA

پهلوی (PAHLAVI): RŌT, RŌD

کردی (KURDISH): RŌ, RŪBAR

بلوچی (BALUCHI): RŌT

افغانی (پشتو) (AFGHANI): -RUD

سانسکریت (SANSKRIT): ŞRÁVATI, SRU, SROTAS

ارمنی (ARMENIAN): ROT

یونانی (GREEK): RHEIN, REŪM

ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): STRAUMR

ساکسونی کهن (OLD SAXON): STRŌM

فریزی کهن (OLD FRISIAN): STRĀM

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): STROUM

آلمانی (GERMAN): STROM

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): STRĒAM

انگلیسی (ENGLISH): STREAM

دانمارکی (DANISH): STROM

سوئدی (SWEDISH): STRÖM

نروژی (NORWEGIAN): STRAUM

هلندی (DUTCH): STROOM

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): STRUJA

لهستانی (POLISH): STRUMIEN

روسی (RUSSIAN): STRUIA

چک (CZECH): REKA

اسلواکی (SLOVAK): RIEKA

لیتوانی (LITHUANIAN): SRAVĒTI, SRUTH

لتونی (لتی) (LATVIAN): STRAVA, STRAUME

ایرلندی کهن (OLD IRISH): SRUAIMM

ولزی (WELSH): SSRWD

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 1003 |
| BARNHART: | (STREAM) 1075 |
| MACKENZIE: | (RIVER) 131 |
| BUCK: | 41-42 |
| ONIONS: | (STREAM) 874 |
| SKEAT: | (STREAM) 706 |
| RAMAT: | 130 |
| AMINDAROV: | 279 |
| ۹۶۹ | برهان قاطع: |

یادداشت:

این واژه در برخی زبان‌های هند و اروپایی (مثلاً یونانی) چَم جاری بودن را نیز دارد.

| | |
|---|---|
| RŪDĒ | فارسی (PERSIAN): روده |
| INTESTINE, BOWEL(S) | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *RUT-, *REUTO-, *ROUTO | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

| | |
|---|---|
| پهلوی (PAHLAVI): | RŌDIG, RŌ, RŌTIG |
| کردی (KURDISH): | RUWI |
| بلوچی (BALUCHI): | RŌTH, RŌS |
| افغانی (پشتو) (AFGHANI): | RŪDA |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | RĒADA |
| انگلیسی (ENGLISH): | READ |
| هلندی کهن (OLD DUTCH): | ROODE |

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 873-874 |
| MACKENZIE: | (INTESTINE) 120 |
| ۹۷۰ | برهان قاطع : |

یادداشت:

چم این واژه در انگلیسی نوین: شکم جانور

THE NEW SHORTER OXFORD ENGLISH DICTIONARY: 2491

| | |
|---|---|
| RŪZ | فارسی (PERSIAN): روز |
| DAY | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *LEUK- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | RAOCHA |
| پارسی باستان (OLD PERSIAN): | RAUCHA, RAUCAH |
| پهلوی (PAHLAVI): | ROC, RŌZ |
| کردی (KURDISH): | RUZH,- RŌJ |
| بلوچی (BALUCHI): | VRAJ |
| افغانی (پشتو) (AFGHANI): | RŌSH, RŌC |
| سانسکریت (SANSKRIT): | RUC-, RŌCISH |
| ارمنی (ARMENIAN): | LOIS |
| یونانی (GREEK): | LEUKÓS |
| لاتین (LATIN): | LUX, LUCIS |

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 687-690 |
| MACKENZIE: | (DAY) 109 |
| BUCK: | 60, 991 |
| ۹۷۱ | برهان قاطع : |

یادداشت:

۱- بازگشت به: روشن.

۲- چَم واژه‌های سانسکریت و ارمنی و یونانی و لاتین این فهرست: روشنایی.

| | | |
|---|---|---|
| RŌSHAN, RŌSHANI, RŌSHANĀI | روشن، روشنی، روشنایی | فارسی (PERSIAN): |
| LIGHT, BRIGHTNESS, LUCIDITY | | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *LEUK-, *LOUK-, *LUK- | | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی *(AVESTAN):* **RAOCHAYATI, RAOCHANT, RAOKHSHANA, RAOSHNA**

پارسی باستان *(OLD PERSIAN):* **RAOXSHNA, RAUCHA**

پهلوی *(PAHLAVI):* **RŌSHN, RŌSHNIH**

کردی *(KURDISH):* **RŌNI**

بلوچی *(BALUCHI):* **RŌSHANJ**

افغانی(پشتو) *(AFGHANI):* **RŌKHAN**

تخاری A *(TOKHARIAN A):* **LUK**

تخاری B *(TOKHARIAN B):* **LYUKE, LUK**

سانسکریت *(SANSKRIT):* **ROCIS, RÓCATE, ROCAYATI, RUSH**

ارمنی *(ARMENIAN):* **LOIS, LOYS**

یونانی *(GREEK):* **LEUKÓS**

لاتین *(LATIN):* **LUX, LŪCEŌ, LŪMEN, LŪCĒRE**

فرانسه *(FRENCH):* **LUMIER**

اسپانیایی *(SPANISH):* **LUZ**

ایتالیایی *(ITALIAN):* **LUCE**

رومانی *(RUMANIAN):* **LUMINA**

گوتیک *(GOTHIC):* **LIUHATH**

ایسلندی‌کهن *(OLD SCANDINAVIAN):* **LEYGR, LJOS**

ساکسونی کهن *(OLD SAXON):* **LIOHT**

فریزی کهن *(OLD FRISIAN):* **LIACHT**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):* **LIOCH**

آلمانی *(GERMAN):* **LICHT**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* **LĒHT, LĒOHT**

انگلیسی *(ENGLISH):* **LIGHT**

دانمارکی *(DANISH):* **LYS**

سوئدی *(SWEDISH):* **LJUS**

نروژی *(NORWEGIAN):* **LYS**

هلندی *(DUTCH):* **LICHT**

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):* **LUCHI**

لهستانی *(POLISH):* **LEKKI, LEKKO**

چک *(CZECH):* **LEHKI**

اسلواکی *(SLOVAK):* **L'AHKÝ**

لیتوانی *(LITHUANIAN):* **LAŪKAS**

پروسی کهن *(OLD PRUSSIAN):* **LUCKIS**

ایرلندی کهن *(OLD IRISH):* **LUCHIR**

هیتیت *(HITTITE):* **LUK-, LUKK-**

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 687-690 |
| *BARNHART:* | (LIGHT) 594 |
| *DELAMARRE:* | 185, 267 |
| *MACKENZIE:* | (BRIGH) 105, (LIGHT) 121 |
| *BUCK:* | 60, 991, 55 |
| *ONIONS:* | (LIGHT) 527 |
| *SKEAT:* | (LIGHT) 340 |
| *AMINDAROV:* | (LIGHT) 249 |
| ۹۷۶-۹۷۷ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

واژه‌های فارسی "رخش" و "درخش" و "درخشیدن" و "رخشیدن" نیز از همین واجریشه‌اند.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* روغن | **RŌGHAN** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **OIL** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | ***REUGH-MEN-, *REUGH-MN** |

اوستایی *(AVESTAN):* **RAOGHNA, RAOGAN**

پهلوی *(PAHLAVI):* **RŌGHAN, RŌVN, RŌGHN**

کردی *(KURDISH):* **RŪN**

بلوچی *(BALUCHI):* **RŌGAN, RŌGUN, RŌGHAN**

ایسلندی‌کهن *(OLD SCANDINAVIAN):* **RJŪMI**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):* **ROUM**

آلمانی *(GERMAN):* **RAHM**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* **REAM**

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 873 |
| MACKENZIE: | (OIL) 125 |
| AMINDAROV: | (BUTTER) 195 |
| ۹۷۸ | برهان قاطع : |

**یادداشت:**

چم این واژه در آلمانی: خامه، سرشیر.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* ریختن | **RIXTAN** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **POUR, SPILL** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | ***LIEKW-, *LOIKW-, *LIKW-** |

اوستایی *(AVESTAN):* **RAEC-, RAECAYATI**

پهلوی *(PAHLAVI):* **RĒXTAN, WĒXTAN, RĒZ-, RĒZISHN**

اوستی *(OSSTIC):* **LIJIN, LĒJUN**

کردی *(KURDISH):* **RETIN**

بلوچی *(BALUCHI):* **RĒCAG, RISHAGH**

سانسکریت *(SANSKRIT):* **RĒC-**

ارمنی *(ARMENIAN):* **IKANEM**

یونانی *(GREEK):* **LEIPO**

لاتین *(LATIN):* **LIQUARE**

ایرلندی کهن *(OLD IRISH):*(شاید) **LIA**

ولزی *(WELSH):*(شاید) **LLIANT**

آلبانی *(ALBANIAN):*(شاید) **LUM**

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 669-670 |
| MACKENZIE: | |
| (RĒXTAN) 72, (POUR) 127 | |
| BUCK: | 577 |
| ۹۸۷ | برهان قاطع : |

**یادداشت:**

۱- بازگشت به: گریختن.

۲- چم این واژه در زبان ایرلندی کهن: سیل.

چم این واژه در زبان‌های ولزی و آلبانی: رود.

چم این واژه در زبان لاتین: آب شدن.

۳- واژه‌ی "ریدن" نیز از همین واجریشه است.

| | |
|---|---|
| **RISIDAN, RISHTAN, RESHTAN** | **فارسی** *(PERSIAN):* **ریسیدن، ریشتن، رشتن** |
| **SPIN (TO MAKE YARN)** | **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** |
| ***REIK-** | **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN):* |

| | |
|---|---|
| **پهلوی** *(PAHLAVI):* | **RISHTAN, RISHTAG** |
| اوستی *(OSSETIC):* | **ALWIESSUN, ALVIJSSIN** |
| کردی *(KURDISH):* | **RIST, RISTIN** |
| بلوچی *(BALUCHI):* | **RĒSAGH, RĒSAG** |
| سانسکریت *(SANSKRIT):* | **RIŚATI** |
| یونانی *(GREEK):* | **EREICHŌ** |

| *REFERENCES* | **بسگشت‌ها** |
|---|---|
| *POKORNY:* | **858** |
| *MACKENZIE:* | **(STRING) 135** |
| *AMINDAROV:* | **(RIST) 139** |
| **برهان قاطع:** | **۹۸۸ و ۱۹۵۱** |

**یادداشت:**

چم این واژه در زبان پهلوی: ریسمان، رشته‌ی نخ.

چم این واژه در زبان یونانی: ریز ریز یا پاره پاره کردن.

| | |
|---|---|
| **RĒSH** | **فارسی** *(PERSIAN):* **ریش (به چَم "زخم")** |
| **WOUND, SORE** | **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** |
| ***REIS-** | **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN):* |

| | |
|---|---|
| اوستایی *(AVESTAN):* | **RAĒSH-, RAĒSHYEITI, RAĒSHAH** |
| پهلوی *(PAHLAVI):* | **RĒSH** |
| کردی *(KURDISH):* | **RISH** |
| بلوچی *(BALUCHI):* | **RISH** |
| سانسکریت *(SANSKRIT):* | **RISYATI, RESATI, RISTA-, RĒSHAYATI** |
| ایسلندی‌کهن *(OLD SCANDINAVIAN):* | **RISTA** |
| آلمانی میانه *(MIDDLE HIGH GERMAN):* | **RISTEN, RIST** |
| آلمانی *(GERMAN):* | **RITZEN, RISS** |
| اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):* | **RISHITI** |
| لتونی (لتی) *(LATVIAN):* | **REISUMS, RISIĒNS** |

| | | | |
|---|---|---|---|
| پسگشت‌ها | REFERENCES | (WOUND) 141, (SORE) 134 | |
| 859 | POKORNY: | برهان قاطع: | ۹۸۸ |
| | MACKENZIE: | | |

**یادداشت:**

۱- در زبان پهلوی واژه‌ی RĒSHIDAN چَم "زخم کردن" را داشت.

۲- چَم این واژه در آلمانی: شکاف، خراش، خراشیدن.

۳- چم این واژه در لتونی: شکاف.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): ریش (به چَم"موی صورت") | RĒSH |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | BEARD |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *WRĀD-, *WRED-, *WRD- |

| | |
|---|---|
| پهلوی (PAHLAVI): | RĒSH |
| کردی (KURDISH): | RISHI |
| افغانی(پشتو) (AFGHANI): | ZHIRA |

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 1167 | POKORNY: |
| (BEARD) 104 | MACKENZIE: |
| (BEARD) 190 | AMINDAROV: |
| برهان قاطع: | ۹۸۸ |

**یادداشت:**

بازگشت به: ریشه

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): ریشه | RĒSHÉ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | ROOT |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *WRĀD-, *WA∂D-, *WRD-, *WERED-, *WRED- |

| | | | |
|---|---|---|---|
| اوستایی (AVESTAN):(اَپایَد) | VARESHAJI | یونانی (GREEK): | RHIZA |
| پارسی باستان (OLD PERSIAN): | RESK | لاتین (LATIN): | RĀDIX |
| پهلوی (PAHLAVI): | RĒSHAG, RĒSHAK | فرانسه (FRENCH): | RACINE |
| اوستی (OSSETIC): | RIXI, RĒXĒ | اسپانیایی (SPANISH): | RAIS |
| کردی (KURDISH): | RA, REH | ایتالیایی (ITALIAN): | RADISE |
| افغانی(پشتو) (AFGHANI): | RISHA | رومانی (RUMANIAN): | RĀDĀCINĀ |
| تخاری B (TOKHARIAN B): | WITSAKO | پرتغالی (PORTUGESE): | RAIZ |

| | |
|---|---|
| گوتیک (GOTHIC): | WAURTS |
| ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): | URT, RŌT |
| ساکسونی کهن (OLD SAXON): | WURT |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | WURZ |
| آلمانی (GERMAN): | WURZEL |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | WYRT |
| انگلیسی (ENGLISH): | WORT |
| دانمارکی (DANISH): | URT |
| سوئدی (SWEDISH): | ÖRT |
| نروژی (NORWEGIAN): | URT |
| هلندی (DUTCH): | WORTEL |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | FRÉN |
| ولزی (WELSH): | GWRAIDD |
| آلبانی (ALBANIAN): | RRĀNZE |

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 1167 |
| *BARNHART:* | (ROOT) 937, (WORT) 1246 |
| *DELAMARRE:* | (RACINE) 158 |
| *MACKENZIE:* | (ROOT) 131 |
| *BUCK:* | 522-523 |
| *ONIONS:* | (ROOT) 773 |
| *SKEAT:* | (WORT) 724, (ROOT) 524 |
| *AMINDAROV:* | (ROOT) 280 |
| برهان قاطع : | ۹۸۸-۹۸۹ |

**یادداشت:**

۱- واژه‌ی انگلیسی ROOT نیز از همین واجریشه است (انگلیسی کهن: ROT؛ ایلسندی کهن: RŌT).

۲- چم این واژه در زبان انگلیسی: گیاه.

۳- بازگشت به: ریش

| | | |
|---|---|---|
| **فارسی** *(PERSIAN):* | زادن، زاییدن | ZĀDAN, ZĀEDAN |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | | GENERATE, BEAR (CHILDREN) |
| **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN):* | | *GEN-, *GON-, *GNE- |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | ZAYEITI, ZIZENTI, ZĀTA- |
| پهلوی (PAHLAVI): | ZĀDAN, ZAY- |
| اوستی (OSSETIC): | ZAYI, ZĀNĀC, ZÄNAG |
| کردی (KURDISH): | ZAIN, ZAYI |
| بلوچی (BALUCHI): | ZAGH, ZĀYAG |
| افغانی(پشتو) (AFGHANI): | ZEZH, ZOVUL |
| سانسکریت (SANSKRIT): | JĀYATE, JANATI |
| ارمنی (ARMENIAN): | CIN, CINANIM |
| یونانی (GREEK): | GENEÁ, GIGNESTHAI, GÓNOS |
| لاتین (LATIN): | NĀSCOR, GIGNĒRE, NATUS, GENERĀRE |
| فرانسه (FRENCH): | NAITRE, ENGENDRER |
| اسپانیایی (SPANISH): | NACER, ENGENDRAR |
| ایتالیایی (ITALIAN): | NASCERE |

رومانی *(RUMANIAN)*: **NASTE**

پرتغالی *(POTUGUESE)*: **NASCER, GERAR**

گوتیک *(GOTHIC)*: **KUNI**

ایسلندی‌کهن *(OLD SCANDINAVIAN)*: **KYN**

ساکسونی کهن *(OLD SAXON)*: **KUNNI**

فریزی کهن *(OLD FRISIAN)*: **KENN**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN)*: **CHUNNI, KIND**

آلمانی *(GERMAN)*: **KIND**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH)*: **CENNAN, CYN**

انگلیسی *(ENGLISH)*: **KIN**

سوئدی *(SWEDISH)*: **KÖN**

هلندی *(DUTCH)*: **KUNNE**

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC)*: **ZETĪ**

لیتوانی *(LITHUANIAN)*: **GENTIS**

ایرلندی کهن *(OLD IRISH)*: **GAINIUR, GEINIM**

ولزی *(WELSH)*: **GENI**

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 373-375 |
| *BARNHART:* | (KIN) 565 |
| *DELAMARRE:* | (NAITRE) 256 |
| *MACKENZIE:* | (BEAR, BE BORN) 104 |
| *BUCK:* | 280-282 |
| *ONIONS:* | (KIN) 505 |
| *SKEAT:* | (KIN) 322 |
| *AMINDAROV:* | (BORN) 193 |
| برهان قاطع: | ۹۹۵ و ۱۰۰۲ |
| فرهنگ معین: | ۱۷۱۰ و ۱۷۱۸ |

**یادداشت:**

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی کهن و انگلیسی: همزاد، خویشاوند.

چم این واژه در زبان آلمانی: کودک.

چم این واژه در زبان اسلاوی کهن: شوهر دختر والدین، داماد.

| **فارسی** *(PERSIAN)*: زار (به چَم "نحیف و ضعیف"، "پیر")، زال | **ZĀR, ZĀL** |
|---|---|
| **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN)*: | ***GER-, *GERONT-, *GRĒ-** |

اوستایی *(AVESTĀN)*: **ZAIRINA, ZAURVAN, AZARƏSHANT**

پهلوی *(PAHLAVI)*: **ZĀR, ZARWĀN, ZARMĀN**

اوستی *(OSSETIC)*: **ZARIN, ZARŪN**

بلوچی *(BALUCHI)*: **ZAL**

افغانی (پشتو) *(AFGHANI)*: **ZŌR, ZHARAL**

سانسکریت *(SANSKRIT)*: **JAR-, JARATI, JARANT**

ارمنی *(ARMENIAN)*: **GER**

یونانی *(GREEK)*: **GÉRŌN, GERAS**

ایسلندی‌کهن *(OLD SCANDINAVIAN)*: **KARL**

فریزی کهن *(OLD FRISIAN)*: **ZERL**

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): KARL

آلمانی (GERMAN): LERL

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): CEORL

انگلیسی (ENGLISH): CHURL

دانمارکی (DANISH): KARL

سوئدی (SWEDISH): KARL

هلندی (DUTCH): KEREL

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): ZURETI, ZIRETI

آلبانی (ALBANIAN): GRUA

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 390-391 |
| BARNHART: | (CHURL) 171 |
| MACKENZIE: | (ZARWĀN) 98 |
| BUCK: | 958-959 |
| ONIONS: | (CHURL) 175 |
| SKEAT: | (CHURL) 109 |
| MALLORY & ADAMS: | GERHA-O-S |
| برهان قاطع: | ۹۹۵ و ۹۹۸ |

**یادداشت:**

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: مرد دهاتی، دهگان.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): زاغ (به چَم "پرنده‌ای سیاه و کلاغ مانند") | ZĀGH |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | RAVEN |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *GHĀGWH-, *GHAG- |

ارمنی (ARMENIAN): JAG

آلبانی (ALBANIAN): ZOK, ZOGU

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 409 |
| برهان قاطع: | ۹۹۷ |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): زالو، زلُو | ZĀLŪ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | LEECH |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *GELU |

پهلوی (PAHLAVI): ZALUG

کردی (KURDISH): ZALŪ, ZALŪG, ZALŪL

بلوچی (BALUCHI): ZARĀGH

افغانی(پشتو) (AFGHANI): ZALLU

سانسکریت (SANSKRIT): JALUKA, JALIKA

ایرلندی کهن (OLD IRISH): GIL

سلتی(کلتی) (CELTIC): GELU

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| MACKENZIE: | (LEECH) 121 |
| MALLORY & ADAMS: | GELU- |
| برهان قاطع: | ۹۹۹ و ۱۰۲۷ |

| ZĀNŪ | زانو :(PERSIAN) فارسی |
|---|---|
| KNEE | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *GENU-, *GONU-, *GNEU- | :(INDO-EUROPEAN) هند و اروپایی |

اوستایی (AVESTAN): ZĀNU, SHNU
پارسی باستان (OLD PERSIAN): ZĀNU-KA
پهلوی (PAHLAVI): ZĀNŪG, ZĀNŪK, (U)SHNŪG
کردی (KURDISH): ZĀNA
بلوچی (BALUCHI): ZĀN
افغانی(پشتو) (AFGHANI): ZANGUN
تخاری A (TOKHARIAN A): KANWEN
تخاری B (TOKHARIAN B): KENINE, KNI-
سانسکریت (SANSKRIT): JĀNU
ارمنی (ARMENIAN): CUNR
یونانی (GREEK): CÓNU
لاتین (LATIN): GENŪ
فرانسه (FRENCH): GENOU
ایتالیایی (ITALIAN): GINOCCHIO
رومانی (RUMANIAN): GENUNCHIO
گوتیک (GOTHIC): KNIU
ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): KNĒ
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): KNEO
آلمانی (GERMAN): KNIE
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): GNĒO
انگلیسی (ENGLISH): KNEE
دانمارکی (DANISH): KNA
سوئدی (SWEDISH): KNĀ
نروژی (NORWEGIAN): KNĀ
هلندی (DUTCH): KNIE
برتونی (BRETON): GLIN
هیت (HITTITE): GENU

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 381 |
| BARNHART: | (KNEE) 568 |
| DELAMARRE: | (GENOU) 99 |
| MACKENZIE: | (KNEE) 120 |
| BUCK: | 243 |
| ONIONS: | (KNEE) 507 |
| SKEAT: | (KNEE) 324 |
| برهان قاطع: | ۱۰۰۰ |

| ZĀVOSH | زاوش :(PERSIAN) فارسی |
|---|---|
| ZEUS | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *DEI-, *DIĒUS | :(INDO-EUROPEAN) هند و اروپایی |

پارسی باستان (OLD PERSIAN): DYAOSH
سانسکریت (SANSKRIT): DYÁUH
یونانی (GREEK): ZEÚS
لاتین (LATIN): JOVE, JUPPITER
هیت (HITTITE): SHIUSH

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 184 |
| RAMAT: | 46 |
| برهان قاطع: | ۱۰۰۱ |

**یادداشت:**

۱- بازگشت به: دیو.
۲- (به روایت مرحوم معین) مرحوم پورداود معتقد بود که شکل ایرانی این واژه از زبان یونانی گرفته شده است.
۳- چم این واژه در سانسکریت: آسمان، عرش.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* زبان | **ZEBĀN** |
| **چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | **TONGUE** |
| **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN):* | ***DNGHŪ, *DNGHWĀ** |

| | |
|---|---|
| اوستایی *(AVESTAN):* | **HIZVĀH, HIZŪ** |
| پارسی باستان *(OLD PERSIAN):* | **HIZBANA, HUZVĀN** |
| پهلوی *(PAHLAVI):* | **UZWĀN, ZUWĀN, HUZVĀN** |
| اوستی *(OSSETIC):* | **ÄWZAG** |
| کردی *(KURDISH):* | **AZMĀN, ZIMAN** |
| بلوچی *(BALUCHI):* | **ZAVĀN, ZUVĀN** |
| افغانی(پشتو) *(AFGHANI):* | **ZHABR, ZHIBA** |
| تخاری A *(TOKHARIAN A):* | **KÄNTU** |
| تخاری B *(TOKHARIAN B):* | **KÄNTWO** |
| سانسکریت *(SANSKRIT):* | **JIVĀ, JUHŪ, JIHVĀ** |
| ارمنی *(ARMENIAN):* | **LEZU** |
| لاتین *(LATIN):* | **DINGUA, LINGUA** |
| فرانسه *(FRENCH):* | **LANGUE** |
| اسپانیایی *(SPANISH):* | **LENGUA** |
| ایتالیایی *(ITALIAN):* | **LINGUA** |
| رومانی *(RUMANIAN):* | **LIMBĀ** |
| پرتغالی *(PORTUGUESE):* | **LINGUA** |
| گوتیک *(GOTHIC):* | **TUNGO, TUGGŌ** |
| ایسلندی‌کهن *(OLD SCANDINAVIAN):* | **TUNGA** |
| ساکسونی کهن *(OLD SAXON):* | **TUNGA** |
| فریزی کهن *(OLD FRISIAN):* | **TUNGE** |
| آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):* | **ZUNGA** |
| آلمانی *(GERMAN):* | **ZUNGE** |
| انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* | **TUNGE** |
| انگلیسی *(ENGLISH):* | **TONGUE** |
| دانمارکی *(DANISH):* | **TUNGE** |
| سوئدی *(SWEDISH):* | **TUNGA** |
| نروژی *(NORWEGIAN):* | **TUNGE** |
| هلندی *(DUTCH):* | **TONG** |
| اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):* | **JEZYKŪ** |
| لهستانی *(POLISH):* | **JEZYK** |
| روسی *(RUSSIAN):* | **JAZÝK** |
| چک *(CZECH):* | **JAZYK** |
| بوهمی *(BOHEMIAN):* | **JAZYK** |
| اسلواکی *(SLOVAK):* | **JAZYK** |
| لیتوانی *(LITHUANIAN):* | **LIEZHÚVIS** |
| پروسی کهن *(OLD PRUSSIAN):* | **IN SUWIS** |
| ایرلندی کهن *(OLD IRISH):* | **TENG, TENGAE** |
| ولزی *(WELSH):* | **TAFOD** |
| برتونی *(BRETON):* | **TEOD, TEAUT** |

| | | | |
|---|---|---|---|
| BUCK: | 230 | REFERENCES | پسگشت‌ها |
| ONIONS: | (TONGUE) 930 | POKORNY: | 223 |
| SKEAT: | (TONGUE) 653 | BARNHART: | (TONGUE) 1149-1150 |
| ۱۰۰۳ | برهان قاطع: | DELAMARRE: | (LANGUE) 97 |
| | | MACKENZIE: | (TONGUE) 137 |

| | |
|---|---|
| ZADAN | فارسی (PERSIAN): زدن |
| HIT, STRIKE | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *GWHEN-, *GWHÉNMI | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN):

GAN-, JAN-, JHAINTI

پارسی باستان (OLD PERSIAN): JATA-,

JAN-, AJANAM

پهلوی (PAHLAVI): ZADAN, ZATAN,

ZHATAN

کردی (KURDISH): ZHENIN

بلوچی (BALUCHI): JANAG, JANAGH,

ZADAG, ZADHAGH

افغانی(پشتو) (AFGHANI): -ZHAN-,

VAZHAN

سانسکریت (SANSKRIT): HAN-, HANTI-,

ارمنی (ARMENIAN): GAN, GANEM,

JNEM

یونانی (GREEK): THEINO

لاتین (LATIN): -FENDŌ, OFFENDŌ,

OFFENDĒRE

ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN):

GUTHR, GUNNR

ساکسونی کهن (OLD SAXON): GŪTHEA

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

GUND-

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

JHENTH, ZHENO

لیتوانی (LITHUANIAN): GENÚ

ایرلندی کهن (OLD IRISH): GONIM

آلبانی (ALBANIAN): GJANJ

هتیت (HITTITE): KUENZI, KUEN-

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 491-492 |
| BARNHART: | (DEFEND) 259 |
| DELAMARRE: | (FRAPPER) 260 |
| MACKENZIE: | (HIT) 118 |
| BUCK: | 552-555, 288-289 |
| SKEAT: | (GWHEN) 420 |
| ۱۰۰۷ | برهان قاطع: |

یادداشت:

۱- ریشه‌ی لاتین این واژه در واژه‌های OFFEND, DEFEND دیده می‌شود.

۲- چم این واژه در زبان هتیت: کشته شده، مقتول.

| | |
|---|---|
| ZAR | فارسی (PERSIAN): زر |
| GOLD | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *GHEL-, *GHLŌ-, *GHLTOM, *GHOLTOM | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): ZARANYA-, ZARENA, ZARNAINA

پارسی باستان (OLD PERSIAN): ZARNA, DARANYA

پهلوی (PAHLAVI): ZARR

اوستی (OSSTIC): ZÄRINÄ

کردی (KURDISH): ZĒR

بلوچی (BALUCHI): ZAR

افغانی(پشتو) (AFGHANI): ZAR, SRË

سغدی (SOGHDIAN): SYRN

ختنی (KHOTANESE): ZYRAR

سانسکریت (SANSKRIT): HIRANYAM, HÁRI-, HĀTAKA-

یونانی (GREEK): CHOLÉ

گوتیک (GOTHIC): GULTH

ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): GULL, GOLL

ساکسونی کهن (OLD SAXON): GOLD

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): GOLD

آلمانی (GERMAN): GOLD

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): GOLD

انگلیسی (ENGLISH): GOLD

دانمارکی (DANISH): GULD

سوئدی (SWEDISH): GULD

نروژی (NORWEGIAN): GULL

هلندی (DUTCH): GOUD

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): ZLATO, ZÉLTS

لهستانی (POLISH): ZLATO

روسی (RUSSIAN): ZOLATO

چک (CZECH): ZLATO

صربی (SERBIAN): ZLATO

بوهمی (BOHEMIAN): ZLATO

اسلواکی (SLOVAK): ZLATO

لتونی (لتی) (LATVIAN): ZELTS

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 429 |
| BARNHART: | (GOLD ) 440-441 |
| DELAMARRE: | (L'OR) 182 |
| MACKENZIE: | (GOLD ) 116 |
| BUCK: | 610 |
| ONIONS: | (GOLD ) 405 |
| SKEAT: | (GOLD ) 244 |
| AMINDARÓV: | (GOLD ) 231 |
| ۱۰۰۸ | برهان قاطع: |

یادداشت:

بازگشت به: زرد

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): زرد، زرین | ZARD, ZARIN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | YELLOW |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *GHEL-, *GHLŌ |

اوستایی (AVESTAN): ZARI-, ZARETA, ZARISH

پارسی باستان (OLD PERSIAN): *ZARTA

پهلوی (PAHLAVI): ZART, ZARD

اوستی (OSSTIC): ZERD

کردی (KURDISH): ZER, ZERIN

بلوچی (BALUCHI): ZARD

افغانی(پشتو) (AFGHANI): ZIYAR, ZHER

سانسکریت (SANSKRIT): HÁRIS, HARITA

ارمنی (ARMENIAN): ZARTAGOIN

یونانی (GREEK): KHLOOS, CHLŌRÓS

لاتین (LATIN): HELVUS

فرانسه (FRENCH): JAUNE

ایتالیایی (ITALIAN): GIALLO

رومانی (RUMANIAN): GALBEN, GLALLO

ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): GULR

ساکسونی کهن (OLD SAXON): GELO

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): GELO

آلمانی (GERMAN): GELB

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): GEOLU, GEOLWE

انگلیسی (ENGLISH): YELLOW

دانمارکی (DANISH): GUL

سوئدی (SWEDISH): GUL

نروژی (NORWEGIAN): GUL

هلندی (DUTCH): GEEL

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): ZHLŪTŪ, ZELENŪ, ZHLITŪ

لهستانی (POLISH): ZHOLTI

روسی (RUSSIAN): ZELENUII, ZHELTIJ

چک (CZECH): ZHLUTÝ

صربی (SERBIAN): ZHUT

اسلواکی (SLOVAK): ZHLTÝ

لیتوانی (LITHUANIAN): ZHEĨVAS, ZAĨVAS, ZHELVAS, GELSVAS

لتونی (لتی) (LATVIAN): DZELTĀNS

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): GELA

ایرلندی کهن (OLD IRISH): GELATYNAN

گالی (GAULISH): GILVUS

گالیک (GAELIC): GELL

آلبانی (ALBANIAN): DHELPËRË

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 429 |
| BARNHART: | (YELLOW) 1253 |
| DELAMARRE: | (JAUNE, VERT) 238 |
| MACKENZIE: | (YELLOW) 141 |
| BUCK: | 1059 |
| ONIONS: | (YELLOW) 1019 |
| SKEAT: | (YELLOW) 728 |
| AMINDAROV: | (ZER) 174, (ZERIN) 175 |
| برهان قاطع: | ۱۰۱۲ |

یادداشت:

۱- بازگشت به: زر.

۲- چَم این واژه در برخی زبان‌های اسلاوی: سبز مایل به زرد.

| | |
|---|---|
| ZEREH | فارسی (PERSIAN): زره |
| ARMOR, ARMOUR | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *GHLĀD | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): ZRADA, ZRĀDHA

پهلوی (PAHLAVI): ZRĒH, ZEREH

اوستی (OSSETIC): ZGHAR

کردی (KURDISH): ZIRX, ZIRĪ

بلوچی (BALUCHI): ZIRIH

افغانی(پشتو) (AFGHANI): ZIRA

سانسکریت (SANSKRIT): HRĀDATĒ

HRADĀ-

یونانی (GREEK): CHALAZŌ, CHÉLADA

ایرلندی کهن (OLD IRISH): AD-GLADUR

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 451 |
| MACKENZIE: | (ARMOUR) 102 |
| برهان قاطع: | ۱۰۱۹ |

یادداشت:

واژه‌ی "زراد" و "زرادخانه" نیز از همین واجریشه‌اند.

| | |
|---|---|
| ZESHT | فارسی (PERSIAN): زشت |
| UGLY | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *GHEIS-, *GHEIZD-, *GHEIZDHOS, *GHEIZDH | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): ZAĒSHA-,

ZŌISHNU-, ZŌIZHDISHTA-

پهلوی (PAHLAVI): ZISHT, ZESHT

افغانی (AFGHANI): ZIXT

سانسکریت (SANSKRIT): HĒDÁS

گوتیک (GOTHIC): US-GEISNAN,

US-GAISJAN

ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN):

GEISKA

ساکسونی کهن (OLD SAXON): GEST

فریزی کهن (OLD FRISIAN): JĒST, GĀST

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

HĒD, HEDAH, GEIST

آلمانی (GERMAN): GEIST

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): GĀST

انگلیسی (ENGLISH): GHOST

هلندی (DUTCH): GEEST

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 427 |
| BARNHART: | (GHOST) 431 |
| MACKENZIE: | (UGLY) 138 |
| ONIONS: | (GHOST) 396 |
| SKEAT: | (GHOST) 238 |
| برهان قاطع: | ۱۰۲۱ |

یادداشت:

چَم آغازین این واژه: وحشت‌انگیز، خشم‌آور، دهشت، غضب.

چم این واژه در آلمانی و انگلیسی: روح، شبح.

| ZEMESTAN | فارسی (PERSIAN): زمستان |
|---|---|
| WINTER | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *GHEI-, *GHEIM-, *GHIOM-, *GHEIMON | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | ZYĀ, ZYAM̄, ZĀEM |
| پهلوی (PAHLAVI): | ZAM-, ZAMESTAN̄ |
| اوستی (OSSETIC): | ZIMAG, ZUMÄG |
| کردی (KURDISH): | ZIVISTAN |
| افغانی(پشتو) (AFGHANI): | ZHËMAY |
| سانسکریت (SANSKRIT): | HÉMAN, HEMANTÁS, HĒMA- |
| ارمنی (ARMENIAN): | JIUN, ZMERN |
| یونانی (GREEK): | KHEIMŌN |
| لاتین (LATIN): | HIEMS |
| فرانسه (FRENCH): | HIVER |
| اسپانیایی (SPANISH): | INVERNO |
| ایتالیایی (ITALIAN): | INVERNO |
| رومانی (RUMANIAN): | IARNĀ |
| پرتغالی (PORTUGUESE): | INVERNO |
| اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): | ZIMA |
| لهستانی (POLISH): | ZIMA |
| روسی (RUSSIAN): | ZIMA |
| چک (CZECH): | ZIMA |
| صربی (SERBIAN): | ZIMA |
| بوهمی (BOHEMIAN): | ZIMA |
| اسلواکی (SLOVAK): | ZIMA |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | ZHIEMA |
| لتونی (لتی) (LATVIAN): | ZIEMA |
| گالی (GAULISH): | GIAMONIOS |
| آلبانی (ALBANIAN): | DIMËN |
| هتیت (HITTITE): | KIMANZA |

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 425-426 |
| DELAMARRE: | (HIVER) 194 |
| MACKENZIE: | (WINTER) 140 |
| BUCK: | 1013-1016 |
| AMINDAROV: | (WINTER) 310 |
| برهان قاطع: | ۱۰۲۸ و ۱۰۳۱ |

*یادداشت:*

چَم واژه‌ی JIUN در زبان ارمنی: برف.

چَم این واژه در زبان گالی: نام یکی از ماه‌های زمستان.

| ZAMIN | فارسی (PERSIAN): زمین |
|---|---|
| EARTH, LAND | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *GHEM-, *GHOM-, *DHEGHŌM | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | ZĀM- |
| پهلوی (PAHLAVI): | ZAMĪK |
| اوستی (OSSETIC): | ZÄX, ZÄNXÄ |
| بلوچی (BALUCHI): | ZAMIK, ZAMĪG |
| افغانی(پشتو) (AFGHANI): | JMAKA |
| تخاری A (TOKHARIAN A): | TKAM |

تخاری B(TOKHARIAN B): KEM

سانسکریت (SANSKRIT): KSAM, JMÁ

یونانی (GREEK): KHTHÓN

لاتین (LATIN): HUMUS

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): ZEMLJA

لهستانی (POLISH): ZIEMIA

روسی (RUSSIAN): SEMLYA

چک (CZECH): ZÉMÉ

صربی (SERBIAN): ZEMLJA

بوهمی (BOHEMIAN): ZEMĒ

اسلواکی (SLOVAK): ZEM

لیتوانی (LITHUANIAN): ZHĒME

لتونی (لتی) (LATVIAN): ZEME

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): SEMMIN, SAME

ایرلندی کهن (OLD IRISH): DÚ, DỌN

آلبانی (ALBANIAN): ḊHE

هتیت (HITTITE): TEKAN

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 414-415 | POKORNY: |
| (LA TERRE) 181 | DELAMARRE: |
| (EARTH) 112 | MACKENZIE: |
| 16-17 | BUCK: |
| (GHEL-, GHEM) 757 | SKEAT: |
| برهان قاطع: | ۱۰۳۲ |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): زن | ZAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | WOMAN |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *GWĒNA, *GWNAS, *GWEN-, *GWĒNIS |

اوستایی (AVESTAN): JANI-, GENĀ, JAINI

پهلوی (PAHLAVI): ZAN

کردی (KURDISH): JIN

بلوچی (BALUCHI): JAN

افغانی(پشتو) (AFGHANI): JINAI

تخاری A (TOKHARIAN A): ŚÄM

تخاری B (TOKHARIAN B): ŚANA

سانسکریت (SANSKRIT): JANIS

ارمنی (ARMENIAN): KIN

یونانی (GREEK): GYNĒ

گوتیک (GOTHIC): QUINŌ, GĒNS, KWĒNS

ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): KONA, KVĀN

ساکسونی کهن (OLD SAXON): QVENA, QVĀN

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): QUENA, GUENA

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): CWENE, CWĒN

انگلیسی (ENGLISH): QUEAN, QUEEN

دانمارکی (DANISH): KVINDE, KONE

سوئدی (SWEDISH): KVINNA, KONA

نروژی (NORWEGIAN): KVINNE

هلندی (DUTCH): QUENE

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

| | |
|---|---|
| ZHENA | |
| لهستانی *(POLISH):* | ZONA |
| روسی *(RUSSIAN):* | ZENA, ZENSHCHINA |
| چک *(CZECH):* | ZHĒNA |
| صربی *(SERBIAN):* | ZHENA |
| اسلواکی *(SLOVAK):* | ZHĒNA |
| برهمی *(BOHEMIAN):* | ZHENA |
| لیتوانی *(LITHUANIAN):* | ZHMONA |
| لتونی (لتی) *(LATVIAN):* | SIEVA |
| پروسی کهن *(OLD PRUSSIAN):* | GENNA |
| ایرلندی کهن *(OLD IRISH):* | GÉN, BEN |
| ولزی *(WELSH):* | BENYW |
| آلبانی *(ALBANIAN):* | ZONJË |

| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 473 |
| *BARNHART:* | (QUEAN, QUEEN) 874 |
| *DELAMARRE:* | (FEMME) 49 |
| *MACKENZIE:* | (WOMAN) 140 |
| *BUCK:* | 82-83 |
| *ONIONS:* | (QUEAN, QUEEN) 731 |
| *SKEAT:* | (QUEAN) 491, (QUEEN) 492 |
| برهان قاطع: | ۱۰۳۳ |

**یادداشت:**

در انگلیسی نوین چَم QUEAN "زن پُررو، سلیطه" است و چم QUEEN "ملکه" است.

| | | |
|---|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* | **زنخ، زنخدان (به چم "چانه")** | ZANAX, ZANAXDĀN |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | | CHIN |
| **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN):* | | *GÉNW-, *GONEDH-, *GNEDH |

| | |
|---|---|
| اوستایی *(AVESTAN):* | ZANVA |
| کردی *(KURDISH):* | CHENE, CHENG, ZAND |
| افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* | ZËNA |
| تخاری A *(TOKHARIAN A):* | ŚANWEM |
| سانسکریت *(SANSKRIT):* | HANUS |
| ارمنی *(ARMENIAN):* | CNAUT |
| یونانی *(GREEK):* | GÉNY |
| لاتین *(LATIN):* | GENA, GENAE |
| گوتیک *(GOTHIC):* | KINNUS |
| ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):* | KINN |
| ساکسونی کهن *(OLD SAXON):* | KINNI |
| فریزی کهن *(OLD FRISIAN):* | ZIN, KIN |
| آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):* | KINNI |
| آلمانی *(GERMAN):* | KINN |
| انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* | CIN |
| انگلیسی *(ENGLISH):* | CHIN |
| دانمارکی *(DANISH):* | KIND |
| سوئدی *(SWEDISH):* | KIND |
| نروژی *(NORWEGIAN):* | KIND |
| هلندی *(DUTCH):* | KIN |
| لیتوانی *(LITHUANIAN):* | ZÁNDAS |
| ایرلندی کهن *(OLD IRISH):* | GIN |
| ولزی *(WELSH):* | GEN |

| | | | |
|---|---|---|---|
| ONIONS: | (CHIN) 170 | REFERENCES | بسگشت‌ها |
| SKEAT: | (CHIN) 107 | POKORNY: | 381 |
| AMINDAROV: | (CHIN) 199 | BARNHART: | (CHIN) 166 |
| ۱۰۳۶ | برهان قاطع: | BUCK: | 220-224 |

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های ارمنی و لاتین و گوتیک و زبان‌های اسکاندیناوی: گونه.

چم این واژه در زبان‌های لیتوانی و تخاری: آرواره.

چم این واژه در زبان ایرلندی کهن: دهان.

| | |
|---|---|
| ZENDÉ, ZĒVĀ | فارسی (PERSIAN): زنده، زیوا |
| LIVE, ALIVE | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *GWĪWOS, *GWĪ, *GWIŌW-, *GWEI- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN):
JHITI, JHIV-, JHIVYA-, JHIVATU

پارسی باستان (OLD PERSIAN):
JIVANT, JIV-

پهلوی (PAHLAVI): ZINDAK,
ZHIVANDAK,
ZINDAG, ZWISHNOMAND

کردی (KURDISH): ZINDI, JINDAR

افغانی (پشتو) (AFGHANI): ZHWANDAY

سانسکریت (SANSKRIT):
JĪVAS, JĪWANA, JIV

یونانی (GREEK): BIOS, ZŌĒ

لاتین (LATIN): VĪVUS

فرانسه (FRENCH): VIVANT

اسپانیایی (SPANISH): VIVO

ایتالیایی (ITALIAN): VIVO

رومانی (RUMANIAN): VIU

پرتغالی (PORTUGUESE): VIVO

گوتیک (GOTHIC): QIUS, QIWAI

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
KVIKR

ساکسونی کهن (OLD SAXON): QUIK

فریزی کهن (OLD FRISIAN): QUIK

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): QUEC

آلمانی (GERMAN): KECK

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
CWICU, CUIC

انگلیسی (ENGLISH): QUICK

دانمارکی (DANISH): KVIK

سوئدی (SWEDISH): QVICK

نروژی (NORWEGIAN): KVIKK

هلندی (DUTCH): KWIK

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
ZHIVŪ

لهستانی (POLISH): ZHIJACI

روسی (RUSSIAN):
ZHIVAJ, ZHIT, JIVOTI

چک (CZECH):

NAZHIVU, ZHIJICI

صربی (SERBIAN): ZHIV, ZHIVJETI

بوهمی (BOHEMIAN): ZHIVOUCHI

اسلواکی (SLOVAK): NAJHIVE, ZHIVÝ

لیتوانی (LITHUANIAN): GÝVAS, GYVENTI

لتونی (لتی) (LATVIAN): DZIVS, DZIGA

ایرلندی کهن (OLD IRISH): BEO, BIU

ولزی (WELSH): BIW

برتونی (BRETON): BEVA

گالیک (GAELIC): BIW

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 467-469 |
| BARNHART: | (QUICK) 875 |
| DELAMARRE: | 223 |
| MACKENZIE: | |
| (ALIVE) 102, (LIVING) 122 | |
| BUCK: | 285-286 |
| ONIOS: | (QUICK) 731 |
| SKEAT: | (QUICK) 492 |
| AMINDAROV: | (ALIVE) 183 |
| ۱۰۸۳ | برهان قاطع: |

یادداشت:

۱- چم این واژه در زبان آلمانی نوین: سرزنده.

چم این واژه در زبان هلندی: جیوه.

۲- یکی از چم‌های واژه‌ی انگلیسی QUICK: زنده.

۳- بازگشت به: زیستن.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): | زوت، زوتر، زاوتر (به چم "موبد زرتشتی مامور تهیه کردن آب مقدس") |
| ZOT, ZAOTAR, ZAVTAR | |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | (ZOROASTRIAN) PRIEST |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *GHEW-, *GHEWD- |

اوستایی (AVESTAN):

ZAOTAR, ZAOTHRA

پهلوی (PAHLAVI): ZŌT

سانسکریت (SANSKRIT):

JUHOTI, JUHUTĒ, HŌTAR

ارمنی (ARMENIAN): JOR, JOYL

یونانی (GREEK): CHEŪMA, CHÉŌ

لاتین (LATIN): FUNDŌ, FUNDERE

گوتیک (GOTHIC): GIUTAN

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

GIÓTA, GUSTR, GUSA

فریزی کهن (OLD FRISIAN): JĀTA

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

GIOZZAN, GUSSA

آلمانی (GERMAN): GIESSEN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): GĒOTAN

انگلیسی (ENGLISH): GUSH

دانمارکی (DANISH): GYDE

سوئدی (SWEDISH): GIOTA

نروژی (NORWEGIAN): GOTA

هلندی (DUTCH): GOOT, GUDSEN

لیتوانی (LITHUANIAN):

VAUSÚS, GAUSĒTI

لتونی (لتی) *(LATVIAN)*: GAŪSS

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| *POKORNY:* | 447-448 |
| *MACKENZIE:* | (ZOT) 99 |
| *SKEAT:* | (GUSH) 255 |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۱۳۰۰۲ و ۱۳۰۰۹ |

**یادداشت:**

۱- واژه‌ی "زور" به چم "آب مقدس که در مراسم زرتشتی پاشیده می‌شود" نیز از همین واجریشه است (اوستایی:ZAOTHRA؛ پهلوی: ZŌHR).

۲- چم این واژه در زبان‌های ژرمنی و زبان لاتین: جاری شدن، آبگونه شدن.

۳- چم این واژه در زبان ارمنی: آبکند، دره.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN)*: زود | ZOOD |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | SOON, QUICK, QUICKLY |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN)*: | *GEW-, *GEWə- |

اوستایی *(AVESTAN)*: ZŌT, JAVA

پارسی باستان *(OLD PERSIAN)*: ZŪTA

پهلوی *(PAHLAVI)*: ZŌT, ZŪD

کردی *(KURDISH)*: ZŪ, ZŪT, ZIT, ZITH

بلوچی *(BALUCHI)*: ZŪT, ZIT, ZITH

افغانی (پشتو) *(AFGHANI)*: ZHËR

سانسکریت *(SANSKRIT)*: JUTA, ZHURITI

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN)*:(شاید) KEYRA

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| *POKORNY:* | 399 |
| *MACKENZIE:* | (QUICK) 129 |
| برهان قاطع: | ۱۰۴۳ |

**یادداشت:**

شاید این واژه‌ها هم از همین واجریشه باشند:گوتیک: SUNS؛ آلمانی کهن: SĀN؛ انگلیسی کهن:SŌNA؛ انگلیسی: SOON.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN)*: زور، زورمند | ZŪR, ZŪRMAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | FORCE, POWER, MIGHT, STRENGTH |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN)*: | *GEW-, *GEWE- |

اوستایی *(AVESTAN)*: ZĀVAR

پهلوی *(PAHLAVI)*: ZŌR, ZORIG

کردی *(KURDISH)*: ZORBE

سانسکریت *(SANSKRIT)*: SURAH, JUNĀTI, SÁVĪRAS

ارمنی *(ARMENIAN)*: ZAUR

یونانی *(GREEK)*: (شاید) -KUROS

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN)*:(شاید)

گالی (GAULISH): (شاید)

CAUR

CAWR

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 399 |
| AMINDAROV: | (STRONG) 178 |
| ۱۰۴۳ | برهان قاطع: |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): زور (به چم "نادرست و دروغ") | ZŪR |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | FALSE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *GWEL-, *GHWEL-, *GWELOS |

اوستایی (AVESTAN): ZŪRAH,

ZBARAH, ZBAREMNA, ZĀWAR

پهلوی (PAHLAVI): ZŪR

سانسکریت (SANSKRIT):

HVÁLATI, HVÁRATE

یونانی (GREEK): PHĒLOS

لاتین (LATIN):

FALSUS, FALLŌ, FALLERE

فرانسه (FRENCH): FAUX

اسپانیایی (SPANISH): FALSO

ایتالیایی (ITALIAN): FALSO

رومانی (RUMANIAN): FALS

پرتغالی (PORTUGUESE): FALSO

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

FALSKUR

فریزی کهن (OLD FRISIAN): FALSCH

آلمانی میانه (MIDDLE HIGH GERMAN):

VALSCH

آلمانی (GERMAN): FALSCH

انگلیسی میانه (MIDDLE ENGLISH): (از فرانسه)

FALS

انگلیسی (ENGLISH): FALSE

دانمارکی (DANISH): FALSK

سوئدی (SWEDISH): FALSK

نروژی (NORWEGIAN): FALSK

هلندی (DUTCH): VALS

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

ZŪLŪ

روسی (RUSSIAN): ZOL

لیتوانی (LITHUANIAN):

ZHVALÚS, NUOZHVELNUS

لتونی (لتی) (LATVIAN): ZVEL'U, ZVALNS

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 489 |
| BARNHART: | (FALSE) 367 |
| MACKENZIE: | (FALSE) 113 |
| ONIONS: | (FALSE) 344 |
| SKEAT: | (FALSE) 208 |
| ۱۳۰۰۹ | لغت‌نامه دهخدا: |
| ۱۷۶۰ | فرهنگ معین: |

یادداشت:

این واژه عربی نیست و شکل عربی آن از فارسی گرفته شده است.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* زه (به چم "چله‌ی کمان") | **ZEH** |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | **BOW- STRING** |
| **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN):* | ***GWIIA-, *GWIIOS, *GWIHÓS** |

اوستایی *(AVESTAN):* **JHYĀ**

پهلوی *(PAHLAVI):* **ZĪH**

کردی *(KURDISH):* **ZHIH**

بلوچی *(BALUCHI):* **JIGH**

افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* **ZHAI**

سانسکریت *(SANSKRIT):* **JYĀ**

یونانی *(GREEK):* **BIÓS**

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):* **ZHICA**

لیتوانی *(LITHUANIAN):* **GIJÁ**

| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | **481** |
| *DELAMARRE:* | |
| **(CORDE D'ARC) 115** | |
| *MACKENZIE:* | **(BOW-STRING) 105** |
| *MALLORY & ADAMS:* | **GW (I)IEH-** |
| **۱۰۴۶** | **برهان قاطع:** |

**یادداشت:**

در پازند این واژه بدین‌صورت است: **JIK**

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* زهر | **ZAHR** |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | **POISON** |
| **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN):* | ***GWHN-TRO, *GWHEN** |

پارسی باستان *(OLD PERSIAN):* **JATHRA**

پهلوی *(PAHLAVI):* **ZAHR**

کردی *(KURDISH):*

**JEHR, ZHĀHR, ZHĀHR, ZHĀIR**

بلوچی *(BALUCHI):* **ZAHR**

افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* **ZAHR**

ارمنی *(ARMENIAN):* **ZHAHR, ZHAHUR**

لهستانی *(POLISH):*(شاید) **ZATRUC**

| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | **491-493** |
| *MACKENZIE:* | **(POISON) 127** |
| *THE AMERICAN HERITAGE DICTIONARY OF THE ENGLISH LANGUAGE:* | |
| **(GWHEN) 2031** | |
| *AMINDAROV:* | **(POISON) 269** |
| **۱۰۷۴** | **برهان قاطع:** |

**یادداشت:**

واژه‌ی انگلیسی **BEZOAR** (فرانسه: **BÉZDARD**؛ پرتغالی: **BEZOAR**؛ اسپانیایی: **BEZÁR**؛ عربی

"بادزهر"(BĀDZAHR) نیز از واژه‌ی فارسی "پادزهر" گرفته شده است (SKEAT: 58-59)

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* زیان | ZIYĀN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | LOSS, DAMAGE |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | *GWEI-, *GWI- |

اوستایی *(AVESTAN):* ZYĀNĀ, ZYANI-

پهلوی *(PAHLAVI):* ZIYAN, ZYAN

اوستی *(OSSETIC):* ZIÁN, ZHIÁN

کردی *(KURDISH):* ZIYAN

بلوچی *(BALUCHI):* ZIYANI

افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* ZIYAN

سانسکریت *(SANSKRIT):* JÁYATI, JYÁNA, JYĀ-

ارمنی *(ARMENIAN):* ZEAN

یونانی *(GREEK):* BIAŌ

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 469 |
| *MACKENZIE:* (DAMAGE) 109, (LOSS) 122 | |
| *BUCK:* | 760-762 |
| *AMINDAROV:* | (DAMAGE) 208 |
| ۱۰۵۰ | برهان قاطع : |

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* زیر | ZIR |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | UNDER |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | *NDHEROS, *NDHOS, *NDHERI |

اوستایی *(AVESTAN):* ADO, ADE, ADHARŌ, ADARō, ADHAIRI

پهلوی *(PAHLAVI):* ĒR, RZHĒR, AZIR, AZISHKEH

کردی *(KURDISH):* ZHIR

بلوچی *(BALUCHI):* SHĒR, SHĒRĀ, CĒRĀ

تخاری A *(TOKHARIAN A):* ANCH, ĀNC

تخاری B *(TOKHARIAN B):* ETTE

سانسکریت *(SANSKRIT):* ADHÁS, ÁDHARAS

ارمنی *(ARMENIAN):* AND

یونانی *(GREEK):*(شاید) ATHEROS

لاتین *(LATIN):* INFRĀ, INFÉRUS

فرانسه *(FRENCH):* INFERIEUR

اسپانیایی *(SPANISH):* INFERIOR

ایتالیایی *(ITALIAN):* IFERIORE

پرتغالی *(PORTUGUESE):* INFERIOR

گوتیک *(GOTHIC):* UNDAR

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):* UNDIR

ساکسونی کهن *(OLD SAXON):* UNDAR

فریزی کهن *(OLD FRISIAN):* UNDER

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):* UNTAR

آلمانی *(GERMAN):* UNTER

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): UNDER
انگلیسی (ENGLISH): UNDER
دانمارکی (DANISH): UNDER
سوئدی (SWEDISH): UNDER
نروژی (NORWEGIAN): UNDER
هلندی (DUTCH): ONDER, UNDER

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 771 |
| BARNHART: | (UNDER) 1184 |
| DELAMARRE: | (SOUS, AU-DESSOUS) 300 |
| MACKENZIE: | (UNDER) 138 |
| ONIONS: | (UNDER) 958 |
| SKEAT: | (UNDER) 679 |
| برهان قاطع: | ۱۰۵۱ |

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های رومانس: پست.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): زیستن، زیست، زی | ZISTAN, ZIST, ZI |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | LIVE, LIFE, BIO- |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *GWĪWŌ, *GWEI- |

اوستایی (AVESTAN): JHIVAITI
پارسی باستان (OLD PERSIAN): ZIVISHN, JIV
پهلوی (PAHLAVI): ZISTAN, SIWISTAN, ZITISHN, ZIWISHNIH
کردی (KURDISH): JIYIN
افغانی (پشتو) (AFGHANI): ZHWĒND
تخاری A (TOKHARIAN A): SO-
تخاری B (TOKHARIAN B): SAU-
سانسکریت (SANSKRIT): JĪVATI
یونانی (GREEK): EBIŌN
لاتین (LATIN): VĪVŌ, VIVERE
فرانسه (FRENCH): VIVRE
اسپانیایی (SPANISH): VIVIR
ایتالیایی (ITALIAN): VIVERE
رومانی (RUMANIAN): VIETUI
پرتغالی (PORTUGUESE): VIVER

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): ZHIVŌ, ZHITI
لهستانی (POLISH): ZHIC
روسی (RUSSIAN): ZHIT
چک (CZECH): ZHIVOT, ZHIVÝ
بوهمی (BOHEMIAN): ZHITI
اسلواکی (SLOVAK): ZHIVOT, ZHIVÝ
لیتوانی (LITHUANIAN): GYVAS
لتونی (لتی) (LATVIAN): DZĪVOUT

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 467-468 |
| DELAMARRE: | (VIVRE) 260 |
| MACKENZIE: | (LIVE) 122, (LIFE) 121 |
| برهان قاطع: | ۱۰۵۳ و ۱۰۳۸ |
| فرهنگ معین: | ۱۷۷۱ |

**یادداشت:**

بازگشت به: زنده.

| ZIN, ZĒN | فارسی *(PERSIAN):* زین |
|---|---|
| SADDLE, WEAPON | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *GHEI-, *GHĒI-, *GHI- | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* |

اوستایی *(AVESTAN):* **ZHAIZDÀ, ZHEIDZHIÙ, ZHEIDZHAU**

**ZAÉNA, ZAĒNU, ZAYA-**

ایرلندی کهن *(OLD IRISH):* **GŌITE, GAI**

پهلوی *(PAHLAVI):* **ZĒN, ZĒNIG**

سانسکریت *(SANSKRIT):*

**HĒTIH, HINŌTI-, HINVATI-**

ارمنی *(ARMENIAN):* **ZĒN, JIOY**

گوتیک *(GOTHIC):* **GAIN**

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):*

**GEDDA**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):*

**GAIDO**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* **GĀD**

انگلیسی *(ENGLISH):* **GOAD**

لیتوانی *(LITHUANIAN):*

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 424 |
| *BARNHART:* | (GOAD) 439 |
| *MACKENZIE:* | (ZĒN) 99 |
| *BUCK:* | |
| (WEAPONS) 1383-1384 | |
| *ONIONS:* | (GOAD) 403 |
| *SKEAT:* | (GOAD) 243-244 |
| ۱۷۷۲ | فرهنگ معین: |
| ۱۰۵۷ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

۱- این واژه در زبان پهلوی دارای دو چم بود: سلاح، زین (در پهلوی این واژه‌های همریشه هم وجود داشتند: ZĒNABZĀR (زره اسب)؛ ZĒNĀWAND (هشیار، بیدار). به پندار من واژه‌ی "زندان" (پهلوی:Z(I)NDAN؛ اوستی:ZINDON؛ ارمنی:ZNDAN)و واژه‌ی "زینهار" یا "زنهار" (پهلوی:ZINHĀR؛ سغدی ZYNYH) نیز از همین واجریشه‌اند.

۲- چم این واژه در زبان انگلیسی: نیزه، سُکه.

۲- چم این واژه در زبان‌های ایرلندی کهن و لیتوانی: زخم، زخمی کردن

| ZHĀLÈ | فارسی *(PERSIAN):* ژاله |
|---|---|
| DEW | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *GHELD-, *GHEL∂D-, *GHEL∂DĀ | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* |

پهلوی *(PAHLAVI):* **ZHALA**

افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* **ZHĀLA**

سانسکریت (SANSKRIT): JADA, *JHARDAK

یونانی (GREEK): KHÁLASA

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): ZHLĒDICA

لهستانی (POLISH): ZHTODŹ, ZRASZAĆ

روسی (RUSSIAN): ZHLĒDICA

اسلوین (SLOVENE): ZHLĒD

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 435 |
| MALLORY & ADAMS: | GHELD |
| برهان قاطع: | ۱۰۵۷ |
| فرهنگ معین: | ۱۷۷۵ |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۱۳۱۳۴ |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): ژرف | ZGARF |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | DEEP |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):(شاید) | *DHEUB-, *DHUB-, *DHOUB- |

اوستایی (AVESTAN): ZHAFRA, JAIWA-

پهلوی (PAHLAVI): ZOFĀY, ZOFR, ZUFAR, ZAFR, AWP΄Y

اوستی (OSSETIC): ARF

کردی (KURDISH): ZHIOR

بلوچی (BALUCHI): JUHL, JAHL

افغانی (پشتو) (AFGHANI): ZHAVAR, ZHAWËR

تخاری A (TOKHARIAN A): TOP

تخاری B (TOKHARIAN B): TAUPE

یونانی (GREEK): BUTHÓS

گوتیک (GOTHIC): DIUPS

ایسلندی کهن (OLD SVANDINAUIAN): DJŪPR

ساکسونی کهن (OLD SAXON): DIOP, DIAP

فریزی کهن (OLD FRISIAN): DIAP

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): TIUF, TIOF

آلمانی (GERMAN): TIEF

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): DĒOP

انگلیسی (ENGLISH): DEEP

دانمارکی (DANISH): DYB

سوئدی (SWEDISH): DJUP

نروژی (NORWEGIAN): DYP

هلندی (DUTCH): DIEP

لیتوانی (LITHUANIAN): DUBÙS

لتونی (لتی) (LATVIAN): DUŌBS

ایرلندی کهن (OLD IRISH): DOMAIN

گالی (GAULISH): DWFN

ولزی (WELSH): DWFN

برتونی (BRETON): DOUN

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 264 |
| BARNHART: | (DEEP) 258 |
| DELAMARRE: | (FOSS, PROFONDEUR) 181 |
| MACKENZIE: | (DEEP) 110 |
| BUCK: | 891-892 |
| ONIONS: | (DEEP) 250 |
| SKEAT: | (DEEP) 159 |
| برهان قاطع: | ۱۰۵۹ |

یادداشت:
وابستگی واژه‌های ایرانی این فهرست با واجریشه‌ی هند و اروپایی و سایر واژه‌های این فهرست که از آن واجریشه ناشی شده‌اند قطعی نیست و بهمین دلیل در جلو واجریشه‌ی هند و اروپایی واژه‌ی (شاید) آمده است.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): سار (به چم "گونه‌ای پرنده") | SĀR |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | STARLING |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *STOROS, *STORNOS, *STRNOS |

پهلوی (PAHLAVI): SĀR
ارمنی (ARMENIAN): SARIK
لاتین (LATIN): STURNUS
فرانسه (FRENCH): ÉTOURNEAU
اسپانیایی (SPANISH): ESTORNINO
پرتغالی (PORTUGUESE): ESTORNINHO
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): STARI
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): ATAR, STARA
آلمانی (GERMAN): STAR
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): STAR, STEARN
انگلیسی (ENGLISH): STARLING
دانمارکی (DANISH): STAR
سوئدی (SWEDISH): STARE
نروژی (NORWEGIAN): STAR
روسی (RUSSIAN): STRENÁTKA
چک (CZECH): STRNAD
لیتوانی (LITHUANIAN): SHARKA
پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): STARNITE

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 1036 |
| BARNHART: | (STARLING) 1061 |
| ONIONS: | (STARLING) 864 |
| SKEAT: | (STARLING) 599 |
| MALLORY & ADAMS: | KARHKEHA |
| برهان قاطع: | ۱۰۶۸ |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): ساستا (به چم "حکمران"، "حاکم مستبد") | SĀSTĀ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | RULER, TYRANT |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *KĀS-, *K∂S- |

اوستایی (AVESTAN): SĀSTA-, SĀSTI-, SĀSTAR
پهلوی (PAHLAVI): SĀSTĀR
سانسکریت (SANSKRIT): SĀSTI, SĀSTAR-
ارمنی (ARMENIAN): SAST, SASTEM

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 533 |
| MACKENZIE: | (COMMANDER) 107,(TYRANT) 138 |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۱۳۲۹۴-۱۳۲۹۵ |
| برهان قاطع: | ۱۰۷۲ |
| فرهنگ معین: | ۱۸۹۶ |

| | |
|---|---|
| SĀL | فارسی (PERSIAN): سال |
| YEAR | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *KEL | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): SARATH, SARD

پارسی باستان (OLD PERSIAN):

SARDHA-, THARD-

پهلوی (PAHLAVI): SĀL

اوستی (OSSETIC): SÄRD, SÄRDÄ

کردی (KURDISH): SĀL

بلوچی (BALUCHI): SĀL

افغانی (پشتو) (AFGHANI): SĀL

سانسکریت (SANSKRIT): SARÁD, SARD-

ارمنی (ARMENIAN): -SARD

لاتین (LATIN):

CALEŌ, CALĒRE, CALDUS

فرانسه (FRENCH): CHAUD, CHALEUR

اسپانیایی (SPANISH): CALIENTE, CALOR

ایتالیایی (ITALIAN): CALDŌ, CALORE

رومانی (RUMANIAN): CALD

پرتغالی (PORTUGUESE): CALOR

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

HLAR

ساکسونی کهن (OLD SAXON): HALŌIAN

فریزی کهن (OLD FRISIAN):

HLI, LŪK, LUKE

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

LAŌ, LĀWĒR

آلمانی (GERMAN): LAU

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

HLĒOWE, HLEO

انگلیسی (ENGLISH): LUKE(WARM)

دانمارکی (DANISH): LUM, LUMMER

نروژی (NORWEGIAN): LUM,LUMMER

هلندی (DUTCH): LEUK

لیتوانی (LITHUANIAN):

SHILUS, SHILTAS, SHYLÚ

ولزی (WELSH): CLYD, CLAEAR

برتونی (BRETON): KLOUAR

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 551-552 |
| BARNHART: | (LUKEWARM) 614 |
| MACKENZIE: | (YEAR) 141 |
| BUCK: | |
| 1011-1012, (HOT) 1077 | |
| RAMAT: | 134 |
| ۱۰۷۳ | برهان قاطع: |

یادداشت:

۱- بازگشت به: سرد.

۲- واژه‌ی "کالری" (CALORIE) نیز از همین واجریشه است.

۳- چم این واژه در زبان ساکسونی کهن: سوختن.

چم این واژه در زبان‌های رومانس و زبان ولزی: گرم، گرما.

چم این واژه در زبان ژرمنی: نیم‌گرم، ولرم، ملایم.

چم این واژه در زبان سانسکریت: پائیز.

| SĀN, SOHĀN, FASĀN | فارسی *(PERSIAN):* سان، سوهان، فسان |
|---|---|
| WHETSTONE, HONE | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *KŌ(I), *KĒ(I), *KOHNOS | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* |

| | |
|---|---|
| اوستایی *(AVESTAN):* | SAËNI |
| تخاری B *(TOKHARIAN B):* | KANTAS |
| سانسکریت *(SANSKRIT):* | SĀNA, SHANAS |
| یونانی *(GREEK):* | KŌNOS |
| لاتین *(LATIN):* | CŌS, CŌTIS |
| ایتالیایی *(ITALIAN):* | COTE |
| ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):* | HEIN |
| انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* | HĀN |
| انگلیسی *(ENGLISH):* | HONE |
| دانمارکی *(DANISH):* | HEN |
| سوئدی *(SWEDISH):* | HEN |

| *REFERENCES* | *بسگشت‌ها* |
|---|---|
| *POKORNY:* | 541-542 |
| *BARNHART:* | (HONE) 489 |
| *ONIONS:* | (HONE) 446 |
| *SKEAT:* | (HONE) 276 |
| *MALLORY & ADAMS:* | KOH, NOS |
| **برهان قاطع:** | ۱۰۷۶-۱۰۷۷ |
| **فرهنگ معین:** | ۱۸۱۰ |
| **لغت‌نامه دهخدا:** | ۱۳۳۶۶ |

***یادداشت:***

۱- چم این واژه در زبان یونانی: مخروط درخت کاج.

۲- واژه‌های فارسی "ساییدن" و "سودن" و "بسودن" نیز از همین واجریشه‌اند (542: POKORNY)

| SĀYÉ | فارسی *(PERSIAN):* سایه |
|---|---|
| SHADE, SHADOW | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *SKAI-, *SKEI-, *SKĪ- | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* |

| | |
|---|---|
| اوستایی *(AVESTAN):* | ASĀYĀ, SAYA- |
| پهلوی *(PAHLAVI):* | SĀYAG |
| کردی *(KURDISH):* | SĪ, SÉ |
| بلوچی *(BALUCHI):* | SĀĪ, SĀIG |
| افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* | SIYURAY |
| تخاری B *(TOKHARIAN B):* | SKIYO |
| سانسکریت *(SANSKRIT):* | CHĀYĀ |
| یونانی *(GREEK):* | SKIĀ |
| لاتین *(LATIN):* | SEJA |
| گوتیک *(GOTHIC):* | SKEINAN |
| ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):* | SKĪNA |
| ساکسونی کهن *(OLD SAXON):* | SKĪNAN |
| فریزی کهن *(OLD FRISIAN):* | SKĪNA |
| آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):* | SKĪNAN |
| آلمانی *(GERMAN):* | SCHEINEN |
| انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* | SCĪNAN |
| انگلیسی *(ENGLISH):* | SHINE |
| دانمارکی *(DANISH):* | SKINNE |
| سوئدی *(SWEDISH):* | SKINA |
| نروژی *(NORWEGIAN):* | SKINNE |

| | |
|---|---|
| هلندی *(DUTCH):* | **SCHIJNEN** |
| اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):* | **SĒNĪ** |
| لهستانی *(POLISH):* | **CIEN** |
| روسی *(RUSSIAN):* | **SEN** |
| چک *(CZECH):* | **STÍN** |
| صربی *(SERBIAN):* | **SJENA** |
| بوهمی *(BOHEMIAN):* | **SIÑ** |
| لتونی (لتی) *(LATVIAN):* | **SEJA, SEJS** |
| آلبانی *(ALBANIAN):* | **HĒ, HIE** |

| *REFERENCES* | **پسگشت‌ها** |
|---|---|
| *POKORNY:* | **917-918** |
| *DELAMARRE:* | **(L'OMBRE) 190** |
| *MACKENZIE:* | **(SHADE, SHADOW) 132** |
| *BUCK:* | **62-63** |
| *MALLORY & ADAMS:* | **SKÒIHA** |
| ۱۰۷۹ | **برهان قاطع:** |

**یادداشت:**

۱- واژه‌های انگلیسی **SHADE** و **SHADOW** و آلمانی **SCHATTEN** از یک واجریشه‌ی نزدیک به این واجریشه‌ی هند و اروپایی ناشی شده‌اند (POKORNY:957). به عقیده‌ی **BUCK** این دو واجریشه احتمالاً یکی هستند.

۲- چم واژه‌های ژرمنی این فهرست: نور دادن، درخشیدن، تاریکی را روشن کردن. چم این واژه در زبان سانسکریت: نور کم، سایه.

| | | |
|---|---|---|
| **فارسی** *(PERSIAN):* | **سپاردن، اسپاردن، سپردن** | **SEPĀRDAN, ESPĀRDAN, SEPORDAN** |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | | **ENTRUST, GIVE** |
| **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN):* | | ***SP(H)ER-, *SPRINAMI** |

اوستایی *(AVESTAN):* **SPARAITI**

پارسی باستان *(OLD PERSIAN):*
***APSPAR, *SPAR-**

پهلوی *(PAHLAVI):*
**APASPĀRTAN, ASPURTAN, SEPURDAN, SPAR, ŌSPURDAN**

کردی *(KURDISH):* **SIPARTIN**

افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* **SPARĀL**

سانسکریت *(SANSKRIT):*
**SPHURÁTI, SPRNĀTI**

ارمنی *(ARMENIAN):*
**APSPAREM, SPARNAL**

یونانی *(GREEK):* **SPAIRŌ, SPÁIREIN**

لاتین *(LATIN):* **SPERNŌ, SPERNERE**

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):*
**SPERNA, SPORNA**

ساکسونی کهن *(OLD SAXON):* **SPURNAN**

فریزی کهن *(OLD FRISIAN):* **SPURNA**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):*
**SPURNAN**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):*
**SPEORNAN, SPURNAN**

| انگلیسی (ENGLISH): | SPURN |
|---|---|
| سوئدی (SWEDISH): | SPJÄRNA |
| اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): | SPERNA |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | SPIRIÙ, SPIRTI |
| لتونی (لتی) (LATVIAN): | SPERT |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | SEIR |
| هتیت (HITTITE): | ISPAR |

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 992-993 |
| BARNHART: | (SPURN) 1053 |
| DELAMARRE: | (HEURTER DU PIED) 284 |
| MACKENZIE: | (TRAMPLE) 137 |
| ONIONS: | (SPURN) 858 |
| SKEAT: | (SPURN) 593 |
| برهان قاطع: | ۱۰۸۶ و ۱۰۸۷ |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۱۳۲۴۶ و ۱۳۴۳۲ |
| فرهنگ معین: | ۱۸۲۲ |

یادداشت:

چم آغازین این واژه "گام برداشتن" بوده است (مثلا واژه‌ی فارسی "رهسپار") ولی در برخی زبان‌ها (به ویژه یونانی و زبان‌های رومانس و ژرمنی چم آن ابتدا "لگد زدن" و "پاگذاردن روی چیزی" بوده ولی امروزه (به ویژه در انگلیسی و زبان‌های اسکاندنیاوی نوین) چم آن "با لگد بیرون کردن" و "با تحقیر رد کردن" شده است. ضمناً چم واژه‌ی SPURDAN در پهلوی "زیر پا له کردن" بوده است.

| فارسی (PERSIAN): سپر | SEPAR |
|---|---|
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | SHIELD |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *SPE(H)EL-, *SP(H)ELTĀ |

| پهلوی (PAHLAVI): | SPAR |
|---|---|
| تخاری A (TOKHARIAN A): | SPĀLTK- |
| تخاری B (TOKHARIAN B): | SPALK- |
| سانسکریت (SANSKRIT): | PHALAKAM, SPHARAM, PHARAM |
| ارمنی (ARMENIAN): | ASPAR |
| یونانی (GREEK): | PLATUS |
| گوتیک (GOTHIC): | SPILDA |
| ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): | SPILLA, SPJALD |
| ساکسونی کهن (OLD SAXON): | SPILDAN |

| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | SPILDAN, SPALTAN |
|---|---|
| آلمانی (GERMAN): | SPALTEN |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | SPILLAN, SPELD |
| انگلیسی (ENGLISH): | SPILL |
| دانمارکی (DANISH): | SPILDE |
| سوئدی (SWEDISH): | SPILLA |
| نروژی (NORWEGIAN): | SPILLE |
| هلندی (DUTCH): | SPILLEN |

| پسگشت‌ها | REFERENCES | | |
|---|---|---|---|
| 985-986 | POKORNY: | برهان قاطع: | ۱۰۸۷ |
| (SPILL) 1045-1046 | BARNHART: | (SHIELD) 132 | MACKENZIE: |

یادداشت:

۱- چم این واژه در تخاری A و B: چالش کردن، سخت کوشیدن.

چم این واژه در گوتیک و یونانی: لوحه یا صفحه‌ای چوبی، سپر چوبی.

۲- چم اصلی این واژه "شکافتن" و "شَقه کردن" بوده است که در زبان‌های ژرمنی نوین تبدیل به "خونریزی" و "ریختن" و "نابود کردن" شده است.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): سِپرُز (به چم "طحال") | SEPORZ |
| چَم انگلیسی سَرواژه‌ی فارسی: | SPLEEN |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *SP(H)ELGH(EN), *SP(H)ELGHĀ, *SPLENGH-, *SPLĒGH- |

اوستایی (AVESTAN): SPEREZAN

پهلوی (PAHLAVI): SPĀRZ, SPURZ

سانسکریت (SANSKRIT): PALIÁN

ارمنی (ARMENIAN): P'AICALN

یونانی (GREEK): SPIĒN

لاتین (LATIN): LIĒN, LIĒNIS, SPLĒN

فرانسه‌ی کهن (OLD FRENCH): ESPLEN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): (از فرانسه کهن) SPLEN

انگلیسی (ENGLISH): SPLEEN

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): SLĒZENA

ایرلندی کهن (OLD IRISH): SELG

گالیک (GAELIC): FELCH

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 987 | POKORNY: |
| (SPLEEN) 1048 | BARNHART: |
| (RATE) 109 | DELAMARRE: |
| (SPLEEN) 134 | MACKENZIE: |
| (SPLEEN) 855 | ONIONS: |
| (SPLEEN) 589 | SKEAT: |
| فرهنگ معین: | ۱۸۲۴ |
| لغت نامه دهخدا: | ۱۳۴۳۳ |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): سپنتا، اسپنتا | SEPANTĀ, ESPANTĀ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | HOLY |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *KWEN-, *KWENTO- |

اوستایی (AVESTAN): SPENTA-, SPĀNAH, SPANYAH

پهلوی (PAHLAVI): SPENĀG

گوتیک (GOTHIC): HUNSL

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* **HŪSL**

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):* **SVETŪ**

لهستانی *(POLISH):* **SWIETY**

چک *(CZECH):* **SUJATÓJ**

اسلواکی *(SLOVAK):* **SVÄTÝ**

لیتوانی *(LITHUANIAN):* **SHVENTAS**

لتونی (لتی) *(LATVIAN):* **SVINÉT, SVETS**

پروسی کهن *(OLD PRUSSIAN):* **SWENTA, SWINTS**

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 630 |
| *DELAMARRE:* | (SAINT) 78 |
| *MACKENZIE:* | (HOLY) 118 |
| *BUCK:* | (HOLY) 1475-1476 |
| ۱۳۴۳۷ و ۲۰۷۴ | لغت‌نامه دهخدا : |

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* سپهر | **SEPEHR** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **SPHERE, FIRMAMENT** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | ***KWEI-, *KWEIT-, *KWEITIO-** |

پارسی باستان *(OLD PERSIAN):* ***SPITRÁ***

پهلوی *(PAHLAVI):* **SPIHR, HUSPITR**

سانسکریت *(SANSKRIT):* **CHVITRA**

یونانی *(GREEK):* **SPHAIRA**

لاتین *(LATIN):* **SPHÈRE, SPHAERA**

فرانسه *(FRENCH):* **SPHÈRE**

اسپانیایی *(SPANISH):* **ÉSFERA**

ایتالیایی *(ITALIAN):* **SFERA**

رومانی *(RUMANIAN):* **SFERA**

پرتغالی *(PORTUGUESE):* **ESFERA**

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 629 |
| *MACKENZIE:* | (SPHERE) 76 |
| *ONIONS:* | (SPHERE) 825 |
| *SKEAT:* | (SPHERE) 587 |
| ۱۰۹۲ | برهان قاطع : |

***یادداشت:***

۱- بازگشت به: سپید.

۲- واژه‌های رومانس (برگرفته از لاتین) در این فهرست در آغاز چم "گوی" و "فلک" را داشتند و بعداً چم آنها "کره‌ی سماوی یا جغرافیایی" نیز شد.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* سپید، سفید، اسپید | **SEPĒD, SEFĒD, ESPĒD** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **WHITE** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | ***KWEI-, *KWEID-, *KWID-, *KWITNO-** |

اوستایی *(AVESTAN):* **SPAETA**

پهلوی *(PAHLAVI):* **SPĒT, SPĒD**

کردی *(KURDISH):* **SIPĪ**

بلوچی *(BALUCHI):* **ISPĒT, SAFĒTH**

افغانی (پشتو) (AFGHANI): SPIN

سانسکریت (SANSKRIT):

SVĒTA, SVET-, CHEVETA, SVINDATE

ارمنی (ARMENIAN): SPITAK

گوتیک (GOTHIC): WHEITS, HWEITS

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

HWEITI, HWITR

ساکسونی کهن (OLD SAXON): HWIT

فریزی کهن (OLD FRISIAN): HWIT

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): HWIZ

آلمانی (GERMAN): WEISS

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): HWIT

انگلیسی (ENGLISH): WHITE

دانمارکی (DANISH): HVID

سوئدی (SWEDISH): HVIT

نروژی (NORWEGIAN): HVID, KVIT

هلندی (DUTCH): WIT

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

SVĒTŪ

روسی (RUSSIAN): SVŪNUTI

لیتوانی (LITHUANIAN):

SHVIECHIV, SHVISTI

لتونی (لتی) (LATVIAN): KVITU

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 628-629 | POKORNY: |
| (WHITE) 1233 | BARNHART: |
| (WHITE) 140 | MACKENZIE: |
| 1054 | BUCK: |
| (WHITE) 1004 | ONIONS: |
| (WHITE) 712 | SKEAT: |
| برهان قاطع: | ۱۰۹۳ |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): ستاره | SETĀRÈ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | STAR |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *STER-, *STĒR-, *STR- |

اوستایی (AVESTAN):

STAR-, STARŌ, STĀREM

پهلوی (PAHLAVI):

STĀRAK, STĀRAG, STAR

اوستی (OSSETIC): STALI

کردی (KURDISH): ISTIRK

افغانی (پشتو) (AFGHANI): STORAI, STORI

تخاری A (TOKHARIAN A): SREN

تخاری B (TOKHARIAN B): SCIRYE

سانسکریت (SANSKRIT): STĀR-, TĀRAS

ارمنی (ARMENIAN): ASTE

یونانی (GREEK): ASTER

لاتین (LATIN): STĒLLA, STĒRLĀ

فرانسه (FRENCH): ÉTOILE

اسپانیایی (SPANISH): ESTRELLA

ایتالیایی (ITALIAN): STELLA

رومانی (RUMANIAN): STEA

پرتغالی (PORTUGUESE): ESTRELA

گوتیک (GOTHIC): STAIRNŌ

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

STJARNA

ساکسونی کهن (OLD SAXON): STERRO

فریزی کهن (OLD FRISIAN): **STĒRA**

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): **STERRO, STERNO**

آلمانی (GERMAN): **STERN**

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): **STEORA**

انگلیسی (ENGLISH): **STAR**

دانمارکی (DANISH): **STJERNE**

سوئدی (SWEDISH): **STJÄRNA**

نروژی (NORWEGIAN): **STJERNE**

هلندی (DUTCH): **STER**

ایرلندی کهن (OLD IRISH): **SER**

ولزی (WELSH): **SEREN**

برتونی (BRETON): **STERENN**

هتیت (HITTITE): **HASHTER**

| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 1027-1028 |
| *BARNHART:* | (STAR) 1060 |
| *DELAMARRE:* | (ÉTOILE) 191 |
| *MACKENZIE:* | (STAR) 134 |
| *BUCK:* | 55-56 |
| *ONIONS:* | (STAR) 863 |
| *SKEAT:* | (STAR) 598 |
| *RAMAT:* | 39 |
| ۱۰۹۶ | برهان قاطع : |

| | | |
|---|---|---|
| فارسی (PERSIAN): | ستایش | **SETĀYESH** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | | **PRAISE (NOUN), COMMENDATION, ACCLAIM** |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | | ***STEU-, *STĒUMI** |

اوستایی (AVESTAN): **STAV-, STUBH**

پهلوی (PAHLAVI): **STAY, STAYISHN**

افغانی (پشتو) (AFGHANI): **STAYËL**

سانسکریت (SANSKRIT): **STAU-, STUTI-**

| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 1035 |
| *MACKENZIE:* | (PRAISE) 128 |
| ۱۰۹۸ | برهان قاطع : |

**یادداشت:**

بازگشت به: ستودن.

| | | |
|---|---|---|
| فارسی (PERSIAN): | ستاک، استاک | **SETĀK, ESTĀK** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | | **STOCK, STEM** |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | | ***STEUG-, *STUGNÓS, *STOBHOS** |

افغانی (پشتو) (AFGHANI): **SËTA**

تخاری A (TOKHARIAN A): **STOP**

سانسکریت (SANSKRIT): **STAMBHAS**

یونانی (GREEK): **STUPOS**

فرانسه کهن (OLD FRENCH): **ESTOC**

ایتالیایی (ITALIAN): **STOCCO**

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): **STUFR. STAFR, STOKKR, STYKKI**

| | |
|---|---|
| ساکسونی کهن *(OLD SAXON):* | **STOK** |
| فریزی کهن *(OLD FRISIAN):* | **STOKK** |
| آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):* | **STOC, STUKI** |
| آلمانی *(GERMAN):* | **STOCK, STÜCK** |
| انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* | **STOCKE, STOCC** |
| انگلیسی *(ENGLISH):* | **STOCK** |
| دانمارکی *(DANISH):* | **STOK** |
| سوئدی *(SWEDISH):* | **STUKA** |
| نروژی *(NORWEGIAN):* | **STAUKA** |
| هلندی *(DUTCH):* | **STOK** |
| لیتوانی *(LITHUANIAN):* | **STUKTI, STABAS** |
| لتونی (لتی) *(LATVIAN):* | **STŪPS** |
| ایرلندی کهن *(OLD IRISH):* | **SAB** |

| پسگشت‌ها | *REFERENCES* |
|---|---|
| 1033 | *POKORNY:* |
| (STOCK) 1070 | *BARNHART:* |
| (SOUCHE) 123 | *DELAMARRE:* |
| (STOCK) 871 | *ONIONS:* |
| (STOCK) 605 | *SKEAT:* |
| برهان قاطع: | ۱۰۹۷ و ۱۲۴ |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۱۳۵۸ و ۲۱۰۵ |
| فرهنگ معین: | ۱۸۳۱ |

یادداشت:

۱- به احتمال زیاد واژه‌های فارس "ساق" و "ساقه" هم از همین واجریشه‌اند.

۲- چم این واژه در زبان سانسکریت: فشار آوردن، فشردن، (ضربه) زدن.

چم این واژه در زبان ایتالیایی: شمشیر.

چم این واژه در زبان یونانی: چوبدستی، عصا.

۳- هشدار: خویشی واژه‌های ایرانی این فهرست با واجریشه‌ی هند و اروپایی و دیگر واژه‌های این فهرست مورد تأئید همه‌ی خبرگان نیست به ویژه برای اینکه شکل اوستایی و پهلوی آن هم در دست نمی‌باشد.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* ستبر، استبر | **SETABR, ESTABR** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **BIG, STRONG** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | ***STEB(H)-, *STĒB(H)-** |

| | |
|---|---|
| اوستایی *(AVESTAN):* | **STAWRA, STMBHRA** |
| پارسی باستان *(OLD PERSIAN):* | **STAMBAVA** |
| پهلوی *(PAHLAVI):* | **STABR, STAPR, STAWR** |
| اوستی *(OSSETIC):* | **STAWD** |
| کردی *(KURDISH):* | **STŪR** |
| سانسکریت *(SANSKRIT):* | **STABH-,** |
| یونانی *(GREEK):* | **ASTEMPHĒS** |
| گوتیک *(GOTHIC):* | **STAFS** |
| ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):* | **STAFR, STEFJA** |
| آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):* | **STABĒN** |
| آلمانی *(GERMAN):* | **STAB** |

| | |
|---|---|
| انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* | **STAF** |
| انگلیسی *(ENGLISH):* | **STAFF** |
| دانمارکی *(DANISH):* | **STAB, STAV** |
| سوئدی *(SWEDISH):* | **STAV** |
| نروژی *(NORWEGIAN):* | **STAV** |
| هلندی *(DUTCH):* | **STAV** |
| روسی *(RUSSIAN):* | **STEBÁTE** |
| لیتوانی *(LITHUANIAN):* | **STAMBÚS, STABAS** |
| لتونی (لتی) *(LATVIAN):* | **STUBROS** |

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 1012 |
| BARNHART: | (STAFF) 1056 |
| MACKENZIE: (BIG) 104, (STRONG) 134 | |
| ONIONS: | (STAFF) 860-861 |
| SKEAT: (STAFF) 595, (STEMBH, STEBH) 759 | |
| AMINDAROV: | (THICK) 298 |
| ۱۰۹۸ | برهان قاطع : |

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: چوبدستی.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* ستروِن، استروِن | **SATARVAN, ASTARVAN** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **STERILE, BARREN** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN)*:(شاید) | ***STER-, *STERI-** |

| | |
|---|---|
| یهودی - فارسی | **ASTAR-VUND** |
| سانسکریت *(SANSKRIT):* | **STARÍS** |
| ارمنی *(ARMENIAN):* | **STERJ** |
| یونانی *(GREEK):* | **STÉRESTHAI, STEIRA** |
| لاتین *(LATIN):* | **STERILIS** |
| فرانسه *(FRENCH):* | **STÉRILE** |
| اسپانیایی *(SPANISH):* | **ESTÉRIL** |
| ایتالیایی *(ITALIAN):* | **STERIL** |
| پرتغالی *(PORTUGUESE):* | **ESTÉRIL** |
| گوتیک *(GOTHIC):* | **STÁIRŌ** |
| ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):* | **STIRTLA** |
| آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):* | **STERO** |
| انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* | **STIERC** |
| انگلیسی *(ENGLISH)*:(از فرانسه) | **STERILE** |
| بلغاری *(BULGARIAN):* | **STERICA** |
| آلبانی *(ALBANIAN):* | **SHTJERRË** |

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 1031 |
| BARNHART: | (STERILE) 1066 |
| DELAMARRE: | (STÉRILE) 235 |
| ONIONS: | (STERILE) 868 |
| SKEAT: | (STERILE) 602 |
| ۱۱۰۰ | برهان قاطع : |
| ۱۳۴۶ و ۲۸۴۸ | لغت‌نامه دهخدا : |
| ۱۸۳۳ | فرهنگ معین : |

**یادداشت:**

۱- فقدان واژه‌های همریشه در زبان‌های اوستایی و پهلوی و دیگر زبان‌های ایرانی وابستگی "سترون" یا واجریشه‌ی هند و اروپایی -STER را نامُسجّل می‌کند و بهمین دلیل در جلو واجریشه‌ی هند و اروپایی (شاید) آورده‌ام.
۲- به احتمال زیاد واژه‌های "استر" (به چم "قاطر" که جانوری" مقطوع النسل است) و "سترون" (به چم "پاک کردن و تراشیدن" نیز از همین واجریشه‌اند.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* ستنبه، ستمبه (به چم "مرد درشت و قوی و دلیر") | **SETAMBÉ SETANBÉ,** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **BURLY, HUSKY** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | ***STEB(H)-, *STOMB(H)OS** |

اوستایی *(AVESTAN):* **ST∂MBANA**

پارسی باستان *(OLD PERSIAN):*

***STAMBAKA**

سانسکریت *(SANSKRIT):*

**STAMBHA, STABDHA-**

ارمنی *(ARMENIAN):* **STAMBAK**

| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 1012 |
| ۱۱۰۰-۱۱۰۱ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

بازگشت به: ستبر

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* ستودن، ستاییدن | **SOTŪDAN, SETAĒDAN** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **PRAISE (VERB), COMMEND** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | ***STEU-, *STĒUMI-** |

اوستایی *(AVESTAN):*

**STAV-, STAOMI, STAOITI, STAOTAR**

پهلوی *(PAHLAVI):* **STŪDAN, STĀYIDAN**

اوستی *(OSSETIC):* **STUO, STID, STAUN**

افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* **STĀYAL**

سانسکریت *(SANSKRIT):*

**STU-, STAU-, STÁVATĒ, STAUTI**

یونانی *(GREEK):* **STEUTAI, STEUTI**

| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 1035 |
| *DELAMARRE:* | 287 |
| *MACKENZIE:* | (PRAISE) 128 |
| ۱۱۰۱ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

بازگشت به: ستایش.

| | |
|---|---|
| SOTŪR | فارسی (PERSIAN): ستور |
| CATTLE | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *STEUROS, *STEW∂ROS, *(S)TAUROS | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): STAORA-, STAWRA-

پهلوی (PAHLAVI): STŌR

اوستی (OSSETIC): STURT'Ä

کردی (KURDISH): ASTŌR

افغانی (پشتو) (AFGHANI): SUTŪR

سانسکریت (SANSKRIT): STHÁVIRAS

ارمنی (ARMENIAN): STHÁURIN

یونانی (GREEK):(شاید) TAŪROS

لاتین (LATIN):(شاید) TAURUS

فرانسه (FRENCH):(شاید) TAUREAU

اسپانیایی (SPANISH):(شاید) TORO

ایتالیایی (ITALIAN):(شاید) TORO

رومانی (RUMANIAN):(شاید) TAUR

پرتغالی (PORTUGUESE):(شاید) TOURO

گوتیک (GOTHIC): STIUR

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

STJŌRR, THJŌRR

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): STIOR

آلمانی (GERMAN): STIER

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

STĒOR, STŌR

انگلیسی (ENGLISH): STEER

دانمارکی (DANISH): TYR, STOR

سوئدی (SWEDISH): TJUR, STOR

نروژی (NORWEGIAN): TJOR, TYR

هلندی (DUTCH): STIE

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

TURŪ

لیتوانی (LITHUANIAN):(شاید) TAŪRAS

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):(شاید)

TAURIS

ایرلندی کهن (OLD IRISH):(شاید) TARB

گالی (GAULISH):(شاید) TARVOS

ولزی (WELSH):(شاید) TARW

برتونی (BRETON):(شاید) TARO

آلبانی (ALBANIAN):(شاید) TAROK

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 1010 |
| *BARNHART:* | (STEER) 1064 |
| *DELAMARRE:* | (TAUREAU) 137 |
| *MACKENZIE:* | |
| (CATTLE) 106, (HORSE) 118 | |
| *BUCK:* | 152-155, 145 |
| *ONINOS:* | (STEER) 866 |
| *SKEAT:* | (STEER) 601 |
| ۱۱۰۲ | برهان قاطع: |
| ۱۳۴۷۲ | لغت‌نامه دهخدا: |

**یادداشت:**

چم این واژه در سانسکریت: قوی و سترگ.

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی و رومانس و سلتی: گاو نر، گوساله‌ی نر.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): ستوسه، شنوسه، اشنوسه، سنوسه (به چم "عطسه") SETŪSÉ, SHENŪSÉ, ESHNŪSÉ, SENUSÉ | |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | SNEEZE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *PNEU-, *SKEU- |

پهلوی (PAHLAVI): SHNŌSHAG

سانسکریت (SANSKRIT): KSHU-

ارمنی (ARMENIAN): PHARCHEM

یونانی (GREEK): PTARNUMAI

لاتین (LATIN): STERNUŌ, STERNUERE

فرانسه (FRENCH): ÉTERNUER

اسپانیایی (SPANISH): ESTORNUDAR

ایتالیایی (ITALIAN): STARNUTARE

رومانی (RUMANIAN): STRĀNUTA

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): HNJŌSA, FNŌSA

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): NIOSAN

آلمانی (GERMAN): NIESEN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): FNESAN, FNĒOSAN

انگلیسی (ENGLISH): SNEEZE

دانمارکی (DANISH): NYSE

سوئدی (SWEDISH): VYSA

نروژی (NORWEGIAN): NYSE

هلندی (DUTCH): NIEZEN

ایرلندی کهن (OLD IRISH): STREOD, SREOD

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 838-839 |
| BARNHART: | (SNEEZE) 1026 |
| DELAMARRE: | (ÉTERNUER) 275 |
| MACKENZIE: | (SNEEZE) 133 |
| BUCK: | 263-264 |
| ONINOS: | (SNEEZE) 840 |
| SKEAT: | (SNEEZE) 576 |
| برهان قاطع: | ۱۴۱ و ۱۱۰۲ |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۱۳۴۷۳ و ۱۴۵۳۲ |
| فرهنگ معین: | ۲۰۸۴ و ۲۸۹ |

یادداشت:

۱- واژه‌های ژرمنی وابسته به "دمزدن" نیز از این واجریشه‌اند: آلمانی کهن: FNEHAN؛ ایسلندی کهن: FNŸSA. همچنین واژه‌های یونانی PNEIN (به چم "دمزدن") و PNEŪMA (به چم "دمزدنی یا تنفس") نیز از همین واجریشه‌اند.

۲- BUCK واژه‌های این فهرست را از واجریشه‌ی هند و اروپایی -KSEU یا -SKEU می‌داند.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): ستون | SOTŪN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | COLUMN, PILLAR |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *STŌU- |

اوستایی (AVESTAN): STŪNA, STUNĀ

پهلوی (PAHLAVI): STŪN, STŪNAG

کردی *(KURDISH):* **STŪN, ISTUN**

افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* **STAN**

سانسکریت *(SANSKRIT):* **STHŪNĀ**

ارمنی *(ARMENIAN):* **SIUN, SIUNAG**

یونانی *(GREEK):* **STȲLOS, STAURÓS**

لاتین *(LATIN):* **-STAU-, (IN-STAU-RĀRE)**

گوتیک *(GOTHIC):* **STIU-RJAN**

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):*

**STȲRI**

فریزی کهن *(OLD FRISIAN):* **STIURE**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):*

**STIU-RA**

آلمانی *(GERMAN):* **STEUR**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* **STEOR**

انگلیسی *(ENGLISH):* **STEER**

هلندی *(DUTCH):* **STUUR**

| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 1008-1009 |
| *BARNHART:* | |
| (STYLUS) 1081, (STEER) 1065 | |
| *MACKENZIE:* | |
| (COLUMN) 107, (PILLAR) 127 | |
| *ONINOS:* | (STEER) 866 |
| *SKEAT:* | (STEU) 789 |
| ۱۱۰۲ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: سکان، (باسکان یا فرمان) راندن، برقرار کردن

| | |
|---|---|
| **SETIGH, SETIKH** | فارسی *(PERSIAN):* **ستیغ، ستیخ** |
| **CREST(OF MOUNTAIN)** | **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** |
| ***(S)TEI-, *ST(O)I-** | **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN):* |

اوستایی *(AVESTAN):*

**STIJA, STAĒRA-, TAĒRA**

پهلوی *(PAHLAVI):* **STĒGH**

سغدی *(SOGADIAN):* **ST'YGH, STĒGH**

سانسکریت *(SANSKRIT):* **TIVRÁ-**

لاتین *(LATIN):* **STILUS, STIVA**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):* **STIL**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* **STIL**

| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 1015 |
| *MACKENZIE:* | (ERECT) 112 |
| *SKEAT:* | (STEIG) 759 |
| ۱۱۰۴ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

۱- بازگشت به: تیغ، تیز.

۲- چم این واژه در زبان لاتین: قلم حکاکی.

| | |
|---|---|
| SAXT | فارسی *(PERSIAN):* سخت |
| HARD | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *KAK-, *KEK- | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* |

اوستایی *(AVESTAN):* SACHAITI

پهلوی *(PAHLAVI):* SAXT

بلوچی *(BALUCHI):* SAK, SUKT

تخاری A *(TOKHARIAN A):* KĀKMART

تخاری B *(TOKHARIAN B):* KAMART

سانسکریت *(SANSKRIT):*

SAKNŌTI, SAKTA

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):*

HAGR

آلمانی میانه *(MIDDLE HIGH GERMAN):*

HAGEN

آلمانی *(GERMAN):* HECKEN

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* HAGAN

انگلیسی *(ENGLISH):* HATCH

دانمارکی *(DANISH):* HAKKE

سوئدی *(SWEDISH):* HÄCKA

ایرلندی کهن *(OLD IRISH):* CÉCHT

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 522 |
| *BARNHART:* | (HATCH) 468 |
| *MACKENZIE:* | (HARD) 117 |
| *ONINOS:* | (HATCH) 430 |
| *SKEAT:* | (HATCH) 263 |
| ۱۱۰۶ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

۱- POKORNY واژه‌های ژرمنی این فهرست را با دیگر واژه‌های این فهرست همریشه می‌داند ولی ONIONS و BARNHART و SKEAT ریشه‌ی واژه‌های ژرمنی را ناشناخته می‌دانند.

۲- چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: روی تخم خوابیدن، به وجود آوردن.

چم این واژه در زبان سانسکریت: توانستن، قدرت داشتن.

۳- واژه‌ی انگلیسی HARD (انگلیسی کهن:HRARD؛ آلمانی:HART از ریشه‌ی هند و اروپایی KAR*) آمده‌اند (POKORNY:531)

| | |
|---|---|
| SOXAN | فارسی *(PERSIAN):* سخن |
| SPEECH | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *SEKW-, *SOKW- | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):*(شاید) |

اوستایی *(AVESTAN):* SAXVAR

پارسی باستان *(OLD PERSIAN):* SAX-, SOX-

پهلوی *(PAHLAVI):* SAXWAN, SOXVAN

سانسکریت *(SANSKRIT):*

CHANS-, SÁCATE

ارمنی *(ARMENIAN):* ASEM, AGEM

یونانی *(GREEK):* ENNEPE

لاتین *(LATIN):* INSEQUE

| | |
|---|---|
| ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN)*: | SEGJA |
| ساکسونی کهن *(OLD SAXON)*: | SEGGIAN |
| فریزی کهن *(OLD FRISIAN)*: | SEDZA |
| آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN)*: | SAGĒN |
| آلمانی *(GERMAN)*: | SAGEN |
| انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH)*: | SECGAN |
| انگلیسی *(ENGLISH)*: | SAY |
| دانمارکی *(DANISH)*: | SIGE |
| سوئدی *(SWEDISH)*: | SÄGA |
| هلندی *(DUTCH)*: | SEGGEN, ZEGGEN |
| اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC)*: | SOCHITI |
| لهستانی *(POLISH)*: | OSOKA |
| روسی *(RUSSIAN)*: | SKAZAT |
| لیتوانی *(LITHUANIAN)*: | SAKÝTI, SEKŪ, SAKAŪ |
| ایرلندی کهن *(OLD IRISH)*: | INSCE |
| گالی *(GAULISH)*: | HEPP |
| ولزی *(WELSH)*: | EB, EBR, HEB |
| آلبانی *(ALBANIAN)*: | THOM |

| پسگشت‌ها | *REFERENCES* |
|---|---|
| 897 | *POKORNY:* |
| (SAY) 961 | *BARNHART:* |
| (DIRE) 279 | *DELAMARRE:* |
| (SPEECH) 134 | *MACKENZIE:* |
| 1256-1258 | *BUCK:* |
| (SAY) 792 | *ONINOS:* |
| (SAY) 536 | *SKEAT:* |
| برهان قاطع: | ۱۱۰۶ |

**یادداشت:**

۱- واژه‌ی فارسی "پاسخ" از واجریشه‌های "پاد" و "سخن" تشکیل شده است، (پهلوی آن: **PĀSOX, PASSOX**، کردی: **BERSĪV**، ارمنی: **PATASXANI**).

۲- چم این واژه در لاتین: به ترتیب گفتن.

۳- **ONIONS** معتقد است که واژه‌های این فهرست با واژه‌های ایرانی - هندی این فهرست رابطه‌ای ندارد. سایر پسگشت‌ها هم واژه‌های ایرانی - هندی این فهرست را مورد بررسی قرار نداده‌اند، لذا جلو واجریشه‌ی هند و اروپایی (شاید) آورده‌ام.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN)*: سر | SAR |
| چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | HEAD |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN)*: | *KER-, *KERə-, *KRĀ-, *KEREI-, *KEREU-, *KRS- |

| | |
|---|---|
| اوستایی *(AVESTAN)*: | SARAH- |
| پهلوی *(PAHLAVI)*: | SAR |
| اوستی *(OSSETIC)*: | SĀR |
| کردی *(KURDISH)*: | SAR, SER, SEROK |
| بلوچی *(BALUCHI)*: | SAR |
| افغانی (پشتو) *(AFGHANI)*: | SAR |
| سانسکریت *(SANSKRIT)*: | SIRAS, CHIRAS |
| ارمنی *(ARMENIAN)*: | SAR |

| | |
|---|---|
| یونانی (GREEK): | KERAS, KARĀ |
| لاتین (LATIN): | CERE(BRUM) |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | HIRNI |
| آلمانی (GERMAN): | STIRN |

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 574 |
| DELAMARRE: | (JÊTE) 101 |
| MACKENZIE: | (HEAD) 117 |
| BUCK: | 212-213 |
| AMINDAROV: | (HEAD) 234 |
| برهان قاطع: | ۱۱۱۱ |

یادداشت:

چم این واژه در زبان ارمنی: بلندی.

چم این واژه در زبان آلمانی: پیشانی.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): سرا، سرای | SARĀ, SARĀY |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | HOUSE, PLACE, HALL |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *KEL-, *KOL-, *KĒL |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | SRĀDHA |
| پارسی باستان (OLD PERSIAN): | *SRĀDA |
| پهلوی (PAHLAVI): | SRĀY |
| سانسکریت (SANSKRIT): | SĀLĀ, SARANÁ |
| ارمنی (ARMENIAN): | SRAH, SRAHAK |
| یونانی (GREEK): | KALIÁ |
| لاتین (LATIN): | CELLA |
| ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): | HOLL |
| ساکسونی کهن (OLD SAXON): | HALLA |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | HALLA |
| آلمانی (GERMAN): | HALLE |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | HEAL |
| انگلیسی (ENGLISH): | HALL |
| هلندی (DUTCH): | HAL |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | CUILE, CELIM |

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 553 |
| BARNHART: | (HALL) 462 |
| MACKENZIE: | (HALL) 117 |
| SKEAT: | (HALL) 258 |
| MALLORY & ADAMS: | KELS, K(L)LOS |
| برهان قاطع: | ۱۱۱۲ |

یادداشت:

۱- واژه‌های CELLULE, CELLAR, CELL نیز از همین واجریشه‌اند.

۲- چم این واژه در زبان‌های سانسکریت و یونانی: کلبه، خانه‌ی کوچک.

| | |
|---|---|
| SARD | فارسی (PERSIAN): سرد |
| COLD | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *KEL-, *KELTOS | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): SAR∂TŌ
پهلوی (PAHLAVI): SART, SARD
اوستی (OSSETIC): SALD
کردی (KURDISH): SĀR, SARAYI
بلوچی (BALUCHI): SART, SARD
افغانی (پشتو) (AFGHANI): SŌR
سانسکریت (SANSKRIT): SISIRA
ارمنی (ARMENIAN): SARN, SAR
لاتین (LATIN): CALIDUS
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): HÉLA
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): HĀLI
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): HĀLIG

بلغاری (BULGARIAN): SLANA
لیتوانی (LITHUANIAN): SĀLTAS, SHALŪ
لتونی (لتی) (LATVIAN): SALTS
پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): PASSALIS
گالی (GAULISH): CLYD

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 551 |
| DELAMARRE: (GELÉ, FROID) 225 | |
| MACKENZIE: | (COLD) 107 |
| AMINDAROV: | (COLD) 201 |
| ۱۱۲۱ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

۱- چم این واژه در زبان‌های لاتین و گالی: گرم (تغییر معنی این واجریشه در این زبان‌ها بسیار جالب است).

۲- واژه‌ی "سرما" نیز از همین واجریشه است.

| | |
|---|---|
| SARDÉ | فارسی (PERSIAN): سرده (به چم "نوع"، "قسم") |
| KIND, SORT, GENUS | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *KERDHĀ | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): SAREDHA
پارسی باستان (OLD PERSIAN): THARD-
پهلوی (PAHLAVI): SARTAK, SARDAK
سانسکریت (SANSKRIT): SÁRDHAS
یونانی (GREEK): KÓRTHYS, CHÓRTHYS
گوتیک (GOTHIC): HAIRDA
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): HJORDH

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): HERTA
آلمانی (GERMAN): HERDE
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): HEORD
انگلیسی (ENGLISH): HERD
دانمارکی (DANISH): HJORD
سوئدی (SWEDISH): HJORD
نروژی (NORWEGIAN): HJORD
هلندی (DUTCH): HERDER

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 579 |
| BARNHART: | (HERD) 477 |
| MACKENZIE: | (KIND) 120, (SORT) 134 |
| ONINOS: | (HERD) 437 |
| SKEAT: | (HERD) 269 |
| ۱۸۶۵ | فرهنگ معین: |
| ۱۱۲۲ | برهان قاطع: |

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

CHRĒDA

لهستانی (POLISH): TRZODA

بلغاری کهن (OLD BULGARIAN): CHRĒDA

لیتوانی (LITHUANIAN): KERZHIUS

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): KĒRDAN

ایرلندی کهن (OLD IRISH): CROD

ولزی (WELSH): CORDD

یادداشت:

چم این واژه در زبان یونانی: توده، انباشته، تل

چم این واژه در زبان ایرلندی کهن و ولزی: گروه، گروه سربازان.

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: گله، دسته‌ی گوسپند یا گاو، گروه.

| فارسی (PERSIAN): سرشک (به چم "اشک چشم"، "قطره" | SERESHK |
|---|---|
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | TEAR(S), DROP |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *SRESK |

اوستایی (AVESTAN): SRASKA

پهلوی (PAHLAVI):

SRISHK, SRIXT, SRESHK

کردی (KURDISH): SIRISHK

ارمنی (ARMENIAN): SRSKEL

لیتوانی (LITHUANIAN):

SHLĀKAS, SHLAKĒTI

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 1002 |
| MACKENZIE: | (DROP) 111, (TEAR) 136 |
| AMINDAROV: | 297 |
| ۱۱۲۴ | برهان قاطع: |

یادداشت:

چم این واژه در اوستایی: تگرگ.

| فارسی (PERSIAN): سرگین | SARGIN |
|---|---|
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | DUNG, FECES |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *SKER-, *SKWER-, *KOKWR-, *SKOR-, *SKEN- |

اوستایی (AVESTAN): SAIRYA

پهلوی (PAHLAVI): SARGŌN, SARGĪN, SARGĒN

افغانی (پشتو) (AFGHANI): SËRA

سانسکریت (SANSKRIT): SÁKRT
یونانی (GREEK):
SKŌR, SKATÓS, KOPROS
لاتین (LATIN): -CERDA, STERCUS
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
SKARN
فریزی کهن (OLD FRISIAN): SKERN
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): SCEÁRN
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
SKAREDŪ
لهستانی (POLISH): SRAĆ
روسی (RUSSIAN): SÓR, SRAT
صربی (SERBIAN): SRATI

بوهمی (BOHEMIAN): SRÁTI
لیتوانی (LITHUANIAN):
SHARWAI, SHIKŪ
لتونی (لتی) (LATVIAN): SARNI
هتیت (HITTITE): SHAKKAR, SAKNAS

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 947-948 |
| BARNHART: | (SCATOLOGY) 965 |
| MACKENZIE: | (DUNG) 111 |
| BUCK: | 275-278 |
| MALLORY & ADAMS: | KÓKWR |
| ۱۱۲۸ | برهان قاطع: |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): سرود، سرودن | SORŪD, SORŪDAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | SONG, SING |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *KLEU-, *KLEUə-, *KLEU-TROM |

اوستایی (AVESTAN):
SRAOTHRA, SRAOTA
پهلوی (PAHLAVI):
SRŌT, SRŪT, SRŌD, SRŪDAN
بلوچی (BALUCHI): SARŌDH
افغانی (پشتو) (AFGHANI): SAROD
تخاری A (TOKHARIAN A): KLYOS
تخاری B (TOKHARIAN B): KLYAUS
سانسکریت (SANSKRIT):
SRUDHI, SRUTA, CRU
ارمنی (ARMENIAN): LUR
یونانی (GREEK): ĒCHLUON, KLUEIN
لاتین (LATIN): CLUEŌ, CLUĒRE
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

HLUSTA, HLUST
ساکسونی کهن (OLD SAXON): HLUST
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
HLOSĒN
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
HLYSNAN, HLYSTAN, HLYST
انگلیسی (ENGLISH): LISTEN
سوئدی (SWEDISH): LYSSNA
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
SLYSHATI
بلغاری (BULGARIAN): SLYSHATI
صربی (SERBIAN): SLŪSHATI
لیتوانی (LITHUANIAN): KLAUSAŪ
لتونی (لتی) (LATVIAN): KLÁUSIT

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 605-607 |
| BARNHART: | (LISTEN) 601 |
| MACKENZIE: | (SONG) 133, (SING) 133 |
| ONINOS: | (LISTEN) 531, (LOUD) 538 |
| SKEAT: | (KLEU) 755, (LISTEN) 344, (LOUD) 348 |
| ۱۱۳۲ | برهان قاطع: |

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): KLAUSITON

ایرلندی کهن (OLD IRISH): CLUAS

ولزی (WELSH): CLUST

برتونی (BRETON): CLEVOUT

**یادداشت:**

۱- واژه‌ی انگلیسی LOUD (آلمانی کهن HLVT، آلمانی LAUT، یونانی KLUTOS، لاتین CULTUS، هلندی LUID، فریزی کهن، HLŪD) نیز از همین واجریشه است. ضمناً احتمال دارد که واژه‌ی فارسی "شنیدن" نیز از همین واجریشه باشد (پارسی باستان XSHNAVĀMIY*، پهلوی ĀSHNŪTAN و SHNAVSHN و XSHNUDAN، بلوچی SANAGH).

۲- چم این واژه در همه‌ی زبان‌های این فهرست به جز پهلوی و فارسی و بلوچی و افغانی: شنوایی، شعور، شنیدن، گوش، گوش کردن و واژه‌های وابسته به فهمیدن یا شنوایی.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): سُرون، سُرو (به چم "شاخ") | SORŪN, SORŪ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | HORN |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *KER-, *KERəS-, *KORNO- |

اوستایی (AVESTAN): SRŪ, SRVĀ

پهلوی (PAHLAVI): SRUV, SRŪB, SRŪ

بلوچی (BALUCHI): SURUM, SRUNBĒ

سانسکریت (SANSKRIT): CHIRAS, CHRNGA

یونانی (GREEK): KÉRAS

لاتین (LATIN): CIRNŪ

فرانسه (FRENCH): CORNE

اسپانیایی (SPANISH): CUERNO

ایتالیایی (ITALIAN): CORNO

رومانی (RUMANIAN): CORN

گوتیک (GOTHIC): HAURN

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): HORN

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): HORN

آلمانی (GERMAN): HORN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): HORN

انگلیسی (ENGLISH): HORN

| | |
|---|---|
| دانمارکی *(DANISH):* | HORN |
| سوئدی *(SWEDISH):* | HORN |
| نروژی *(NORWEGIAN):* | HORN |
| هلندی *(DUTCH):* | HOORN |
| ایرلندی کهن *(OLD IRISH):* | CORN |
| سلتی (کلتی) *(CELTIC):* | CORN |
| ولزی *(WELSH):* | CORN |
| برتونی *(BRETON):* | KORN |

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 574 |
| *BARNHART:* | (HORN) 491 |
| *MACKENZIE:* | (HORN) 118 |
| *BUCK:* | 208-209 |
| *ONINOS:* | (HORN) 448 |
| *SKEAT:* | (HORN) 277 |
| ۱۱۳۰ و ۱۱۳۴ | برهان قاطع: |
| ۱۸۷۸ و ۱۸۷۶ | فرهنگ معین: |

| | |
|---|---|
| **فارسی *(PERSIAN):*** سرین، سرون (به چم "کپل"، "نشستگاه"، "تحت") | **SORĪN, SORŪN** |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | **BUTTOCK** |
| **هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):*** | ***KLOUNI-, *KLOUNIS** |

اوستایی *(AVESTAN):*
**SRAONI, SRAONISH**
پهلوی *(PAHLAVI):* **SARIN, SARŪK**
بلوچی *(BALUCHI):* **SRĒN, SARĒN**
یونانی *(GREEK):* **KLONIS**
لاتین *(LATIN):* **CLUNIS**
ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):*
**KLAUN**
لیتوانی *(LITHUANIAN):* **SHLAUNÌS**
پروسی کهن *(OLD PRUSSIAN):* **SLAUNIS**

ایرلندی کهن *(OLD IRISH):* **CLUAIN**
ولزی *(WELSH):* **CLUN**
برتونی *(BRETON):* **KLUN**
گالیک *(GAELIC):* **CLUN**

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 607-608 |
| *DELAMARRE:* | 102 |
| ۱۱۳۷ | برهان قاطع: |
| ۱۸۷۸ و ۱۸۸۱ | فرهنگ معین: |

| | |
|---|---|
| **فارسی *(PERSIAN):*** سُفت (به چم "شانه" و "کتف") | **SOFT** |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | **SHOULDER** |
| **هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):*** | ***KUP-, *(S)KUPT-** |

اوستایی *(AVESTAN):* **SUPTI**
پارسی باستان *(OLD PERSIAN):*
**CÚTI-, SUPTI**

پهلوی *(PAHLAVI):* **SUFT**
سانسکریت *(SANSKRIT):* **SUPTI**
ارمنی *(ARMENIAN):* **SUP**

فریزی کهن (OLD FRISIAN): SCHOFT

آلمانی میانه (OLD HIGH GERMAN):

SCHUFT

هلندی (DUTCH): SCHOFT

آلبانی (ALBANIAN): SUPË, SUP

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 627 |
| DELAMARRE: | (EPAULE) 109 |
| MACKENZIE: | (SHOULDER) 132 |
| BUCK: | 238 |
| ۱۱۴۳ | برهان قاطع: |

یادداشت:

چم این واژه در هلندی: شانه‌ی اسب.

| | |
|---|---|
| SAG | فارسی (PERSIAN): سگ |
| DOG | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *KWŌN, *K(U)WO(N), *KUNÓS | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): SPĀ

پارسی باستان (OLD PERSIAN):

*SAKA, *SPAKA, SPAXA

پهلوی (PAHLAVI): SAK, SAG

کردی (KURDISH):

SEH, SAH, SACH, SEG

افغانی (پشتو) (AFGHANI): SPAI

تخاری A (TOKHARIAN A): KU

تخاری B (TOKHARIAN B):

KU, SHUWANA

سانسکریت (SANSKRIT): SVA, SUÑAŚ

ارمنی (ARMENIAN): SHUN

یونانی (GREEK): KÚŌN, KÝON, KYNÓS

لاتین (LATIN): CANIS

فرانسه (FRENCH): CHIEN

اسپانیایی (SPANISH): CAN

ایتالیایی (ITALIAN): CANE

رومانی (RUMANIAN): CĪNE

پرتغالی (PORTUGUESE): CĀO

گوتیک (GOTHIC): HUNDS

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

HUNDR

ساکسونی کهن (OLD SAXON): HUND

فریزی کهن (OLD FRISIAN): HUND

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): HUNT

آلمانی (GERMAN): HUND

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): HUND

انگلیسی (ENGLISH): HUND

دانمارکی (DANISH): HUND

سوئدی (SWEDISH): HUND

نروژی (NORWEGIAN): HUND

هلندی (DUTCH): HOND

لهستانی (POLISH): SAMIEC

روسی (RUSSIAN): SUKA, SOBAKA

لیتوانی (LITHUANIAN): SHUŌ, SHUNS

ایرلندی کهن (OLD IRISH): CŪ, CON

ولزی (WELSH): CI, CWN

برتونی (BRETON): KI

| | | | |
|---|---|---|---|
| *BUCK:* | 178-179 | *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
| *ONINOS:* | (HOUND) 449 | *POKORNY:* | 633 |
| *SKEAT:* | (HOUND) 279 | *BARNHART:* | (HOUND) 493 |
| ۱۱۵۵ | برهان قاطع: | *DELAMARRE:* | (CHIEN) 135 |
| | | *MACKENZIE:* | (DOG) 111 |

| | |
|---|---|
| **SOM** | فارسی *(PERSIAN):* بِشم |
| **HOOF** | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| ***KAPHO-, *KOPHO-** | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* |

اوستایی *(AVESTAN):* **SAFA**

پارسی باستان *(OLD PERSIAN):*

***SUMBA, *SUMPA**

پهلوی *(PAHLAVI):* **SUMB**

کردی *(KURDISH):* **SIM**

افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* **SUM**

سانسکریت *(SANSKRIT):* **SAPHAS**

ارمنی *(ARMENIAN):* **SMBAK, SUMPAG**

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):*

**HŌFR**

ساکسونی کهن *(OLD SAXON):* **HŌF**

فریزی کهن *(OLD FRISIAN):* **HŌF**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):* **HUOF**

آلمانی *(GERMAN):* **HUF**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* **HŌF**

انگلیسی *(ENGLISH):* **HOOF**

دانمارکی *(DANISH):* **HOV**

سوئدی *(SWEDISH):* **HOV**

نروژی *(NORWEGIAN):* **HOV**

هلندی *(DUTCH):* **HOEF**

لهستانی *(POLISH):* **KOPYTO**

روسی *(RUSSIAN):* **KOPYTO**

اسلواکی *(SLOVAK):* **KOPYTO**

| | |
|---|---|
| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
| *POKORNY:* | 530 |
| *BARNHART:* | (HOOF) 489 |
| *DELAMARRE:* | (SABOT) 147 |
| *MACKENZIE:* | (HOOF) 118 |
| *ONINOS:* | (HOOF) 447 |
| ۱۱۶۳ | برهان قاطع: |

| | |
|---|---|
| **SAMŪR** | فارسی *(PERSIAN):* سمور |
| **ERMINE, SABLE (MARTEN)** | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| ***KORMŌN, KORMEN, KER-** | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN)*:(شاید) |

پهلوی *(PAHLAVI):* **SAMŌR, SIMŌR**

فرانسه *(FRENCH):* **HERMINE, HERMELINE**

اسپانیایی *(SPANISH):*

ARMELINA, ARMIÑO

ایتالیایی (ITALIAN): ERMELLINO

پرتغالی (PORTUGUESE): ARMINHO

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

HARMO, HARMIN

آلمانی (GERMAN):

HARME, HERMELIN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): HEARMA

انگلیسی (ENGLISH): ERMINE

لیتوانی (LITHUANIAN):

SARMUŌ, SHZERUŌ

لتونی (لتی) (LATVIAN): SERMULIS

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 573, 615 |
| BARNHART: | (ERMINE) 340 |
| DELAMARRE: | (HERMINE) 135 |
| MACKENZIE: | (SABLE) 131 |
| ONINOS: | (ERMINE) 324 |
| SKEAT: | (ERMINE) 199 |
| ۱۱۶۸ | برهان قاطع: |
| ۱۳۷۶۶ | لغت‌نامه دهخدا: |

**یادداشت:**

در مورد پیگیری مسیر تطور این واژه میان دانشمندان اختلاف عقیده وجود دارد (BARNHART: 340-341).

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): **سنگ** | SANG |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | STONE |
| **هند و اروپایی** (INDO-EUROPEAN): | *AKEN-, *AK- |

اوستایی (AVESTAN): ASƏNGA

پارسی باستان (OLD PERSIAN): ATHANGA

پهلوی (PAHLAVI): SANG, SAG

کردی (KURDISH): SENK, SENG

بلوچی (BALUCHI): SING

افغانی (پشتو) (AFGHANI): SANG

سانسکریت (SANSKRIT): ASĀNIH,ĀSMAN

یونانی (GREEK): AKONĒ, ÁKMŌN

لاتین (LATIN): ACUNA, AGNA

گوتیک (GOTHIC): AHANA

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): OGN

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

AGANA

آلمانی (GERMAN): AHNE

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

EGENU, AGNAN

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

KAMY

روسی (RUSSIAN): KAMEN

لیتوانی (LITHUANIAN): AKMUŌ, ASHNIS

لتونی (لتی) (LATVIAN): ASNS

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 19-20 |
| BARNHART: | (HAMMER) 463 |
| DELAMARRE: (PIERRE, CIEL) 178 | |
| MACKENZIE: | (STONE) 135 |
| ۱۱۷۵ | برهان قاطع: |

یادداشت:

۱- برخی پسگشت‌ها واژه‌ی انگلیسی HAMMER و همریشه‌های ژرمنی آنرا نیز از همین واجریشه می‌دانند.

۲- بازگشت به: آس، آسمان.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): سوت (به چم"صفیر") | SŪT |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | WHISTLE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *SWEI-, *SWEIGHL-, *SWEIZDŌ |

سانسکریت (SANSKRIT): SVÉDATI, KSVEDATI

یونانی (GREEK): SIZŌ

لاتین (LATIN): SĪBILŌ, SIBILĀRE

فرانسه (FRENCH): SIFFLET

اسپانیایی (SPANISH): SILBATO

گوتیک (GOTHIC): SWIGLON

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): SWËGLŌN

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): SVISTATI, ZVIZDATI

لهستانی (POLISH): ŚWIST, ŚWISTAĆ

چک (CZECH): SÍPATI

لیتوانی (LITHUANIAN): SHVIRKSHTI, SHVILPTI

لتونی (لتی) (LATVIAN): SIKT

ایرلندی کهن (OLD IRISH): SÉTIM, SĒT

ولزی (WELSH): CHWYTHEL, CHWYTH

برتونی (BRETON): C'HOUEZA

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 1040-1041, 632 |
| DELAMARRE: | (SIFFLER) 287 |
| ۱۳۸۲۳ | لغت‌نامه دهخدا: |
| ۱۹۴۴ | فرهنگ معین: |

یادداشت:

POKORNY (صفحه‌ی ۴۱-۱۰۴۰) می‌گوید واژه‌ی فارسی نوین "سفلیدن" یا "سیفلیدن"(SIFLIDEN) نیز از همین واجریشه است ولی این واژه را در هیچ کدام از فرهنگ‌ها نیافتم. شاید منظورش "سرفیدن" به چم "سرفه کردن" باشد (لغت نامه دهخدا: ۱۳۶۰۸)

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): سوختن | SŪXTAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | BURN |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *KFUK- |

اوستایی (AVESTAN): SAOCHINT, SAOC-, SAOCHAYEITI

پهلوی (PAHLAVI): SOXTAN, SŌZISHN

اوستی (OSSETIC): SOJUN, SŪJIN

کردی (KURDISH): SŌTIN

بلوچی (BALUCHI): SUCAG, SUSHAGH

افغانی (پشتو) (AFGHANI): SĒZAL, SĒJAL

سانسکریت (SANSKRIT): SŌCATI, SŪCYATI

| | |
|---|---|
| پسگشت‌ها | REFERENCES |
| 597 | POKORNY: |
| | MACKENZIE: |
| (BURN, BURNING) 105 | |
| برهان قاطع : | ۱۱۸۳ |

یادداشت:

۱- واژه‌ی فارسی "سرخ" (اوستایی:SUXRA؛ پهلوی: SUXR) نیز از همین ریشه است. (597: POKORNY)

۲- بازگشت به: سوگ

| | | |
|---|---|---|
| فارسی (PERSIAN): | سور (به چم "جشن و مهمانی"، "خوراک") | SŪR |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | | FEAST, BANQUET, MEAL |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | | *KEU- |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | SŪRƏM, SUIRYA |
| پهلوی (PAHLAVI): | SŪR |
| کردی (KURDISH): | SŪR |
| بلوچی (BALUCHI): | SIR |
| سانسکریت (SANSKRIT): | *SAVAH, ŚVAH |
| ارمنی (ARMENIAN): | SHUKH |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | KIÁUNE |
| لتونی (لتی) (LATVIAN): | CAŪNA, CAŪNE |
| پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): | CAUNE |

| | |
|---|---|
| پسگشت‌ها | REFERENCES |
| 595 | POKORNY: |
| | MACKENZIE: |
| (MEAL) 123, (FEAST) 114 | |
| (FEAST) 223 | AMINDAR: |
| فرهنگ معین : | ۱۹۴۹ |
| برهان قاطع : | ۱۱۸۵ |

یادداشت:

چم این واژه در زبان اوستایی: سحر

چم این واژه در زبان بلوچی: جشن عروسی

چم این واژه در زبان ارمنی: درخشش

| | | |
|---|---|---|
| فارسی (PERSIAN): | سوراخ | SŪRĀX |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | | HOLE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | | *KEU-, *KUWR-, *KOWOS- |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | SURĀ-, SISPIMNA |
| پهلوی (PAHLAVI): | SŪRĀG, SŪRĀX |
| کردی (KURDISH): | SURAX |
| افغانی (پشتو) (AFGHANI): | SŪRAI |
| سانسکریت (SANSKRIT): | SÁVIRA, SU-ÁYATI |
| ارمنی (ARMENIAN): | SOR, SUN |
| یونانی (GREEK): | KUAR, KOILOS |
| لاتین (LATIN): | CAVUS, CAVA, CAVERNA |
| فرانسه (FRENCH): | CAVERN |

اسپانیایی (SPANISH): CAVERNA

ایتالیایی (ITALIAN): CAVERNA, CAVA

پرتغالی (PORTUGUESE): CAVERNA

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

HUNA

انگلیسی (ENGLISH):(از لاتین)

CAVE, CAVERN

لیتوانی (LITHUANIAN): SHAŪNAS

لتونی (لتی) (LATVIAN): SHĀVA

ایرلندی میانه (MIDDLE IRISH):

CUA, CŪASS

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 592-594 |
| BARNHART: | (CAVE) 152 |
| DELAMARRE: | (TROU) 185 |
| MACKENZIE: | (HOLE) 118 |
| ONINOS: | |
| (CAVE, CAVERN) 155 | |
| SKEAT: | (CAVE) 98 |
| ۱۱۸۵ | برهان قاطع: |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): سوزن | SŪZAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | NEEDLE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *KŪ- |

اوستایی (AVESTAN): SŪKA

پهلوی (PAHLAVI):

SŪCAN, SŌZAN, SŪZAN

اوستی (OSSETIC): SOJINE, SUJIN

کردی (KURDISH):

SHŪZHIN, BEZHUZHIN

بلوچی (BALUCHI):

SŪCIN, SISHIN, SICIN

افغانی (پشتو) (AFGHANI): STËN

سانسکریت (SANSKRIT):

SŪCI, SŪLA-, SŪKA-

ارمنی (ARMENIAN): SLAK

لاتین (LATIN): CUNEUS

ایرلندی کهن (OLD IRISH): CUIL

ولزی (WELSH): CYLION-EN

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 626 |
| MACKENZIE: | (NEEDLE) 124 |
| ۱۱۸۷ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

۱- چم کلی این واژه در بیشتر زبان‌های هند و اروپایی: تیز

چم این واژه در زبان لاتین: گوه

۲- واژه‌های فارسی "شُک" و "شُکه" هم از همین ریشه‌اند.

| | |
|---|---|
| SŪG | فارسی (PERSIAN): سوگ (به چم "عزا") |
| SORROW, MOURNING, BEREAVEMENT | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *KEUK- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | -SAOKA |
| پهلوی (PAHLAVI): | SŌK |
| سانسکریت (SANSKRIT): | CHOKA |
| ارمنی (ARMENIAN): | SUG |

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 597 |
| MACKENZIE: | (2 SŌG) 75 |
| ۱۱۸۹-۱۱۹۰ | برهان قاطع: |

یادداشت:

بازگشت به: سوختن

| | |
|---|---|
| SEVOM, SAYOM | فارسی (PERSIAN): سوم، سیم |
| THIRD | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *TRITYOS, *TRTYOS | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | THRITYA |
| پارسی باستان (OLD PERSIAN): | -THRITIYA |
| پهلوی (PAHLAVI): | SIDĪG,- SEYOM |
| افغانی (پشتو) (AFGHANI): | DREYAM |
| تخاری B (TOKHARIAN B): | TRITE |
| سانسکریت (SANSKRIT): | TRTĪYAS |
| ارمنی (ARMENIAN): | ERIR |
| یونانی (GREEK): | TRITOS |
| لاتین (LATIN): | TERTIUS |
| فرانسه (FRENCH): | TROISIÈME |
| اسپانیایی (SPANISH): | TERCERO |
| ایتالیایی (ITALIAN): | TERZO |
| رومانی (RUMANIAN): | AL TREILEA |
| پرتغالی (PORTUGUESE): | TERCIERO |
| گوتیک (GOTHIC): | THRIDJA |
| ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): | THRIDHI |
| ساکسونی کهن (OLD SAXON): | THRIDDIO |
| فریزی کهن (OLD FRISIAN): | THREDDA |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | DRITTO |
| آلمانی (GERMAN): | DRITTE |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | THRIDDA |
| انگلیسی (ENGLISH): | THIRD |
| دانمارکی (DANISH): | TREDJE |
| سوئدی (SWEDISH): | TREDJE |
| نروژی (NORWEGIAN): | TREDJE |
| هلندی (DUTCH): | DERDE |
| اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): | TRETIJI |
| لهستانی (POLISH): | TRCEZI |
| روسی (RUSSIAN): | TRETIJ |
| صربی (SERBIAN): | TREC´I |
| بوهمی (BOHEMIAN): | TRETI |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | TRĒCHIAS |
| لتونی (لتی) (LATVIAN): | TRESHIAS |

| | |
|---|---|
| پروسی کهن *(OLD PRUSSIAN):* | TĪRTS |
| ایرلندی کهن *(OLD IRISH):* | TRESS |
| ولزی *(WELSH):* | TRYDYDD |
| برتونی *(BRETON):* | TREDE, TRIVET |
| آلبانی *(ALBANIAN):* | TRETË |
| هتیت *(HITTITE):* | TARRIIANALLI- |

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 1091 | *POKORNY:* |
| (THIRD) 1135 | *BARNHART:* |
| (TROISIÈME) 211 | *DELAMARRE:* |
| (THIRD) 136 | *MACKENZIE:* |
| 941 | *BUCK:* |
| برهان قاطع: | ۱۱۹۱ |

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* سوهان، ساو، سان | SŌHĀN, SĀV, SĀN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | FILE |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | *KE(I)-, *KĒ-NO- |

| | |
|---|---|
| اوستایی *(AVESTAN):* | SAENI |
| سانسکریت *(SANSKRIT):* | SĀNAS, SAYATI, SHĀ-TI |
| ارمنی *(ARMENIAN):* | SAIR, SROY, SUR |
| یونانی *(GREEK):* | KŌNOS |
| لاتین *(LATIN):* | CŌS, CŌTIS, CATAS |
| ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):* | HEIN |
| آلمانی میانه *(OLD HIGH GERMAN):* | HĀR |
| انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* | HAN |
| انگلیسی *(ENGLISH):* | HONE |
| دانمارکی *(DANISH):* | HEN |
| سوئدی *(SWEDISH):* | HEN |
| نروژی *(NORWEGIAN):* | HEN |
| هلندی *(DUTCH):* | HEN |

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 542 | *POKORNY:* |
| (HONE) 489 | *BARNHART:* |
| (HONE) 446 | *ONINOS:* |
| (HONE) 276 | *SKEAT:* |
| برهان قاطع: | ۱۰۷۷ و ۱۱۹۳ |

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* سه | SÉ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | THREE |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | *TREI-, *TREYES, *TISORES, |

| | |
|---|---|
| اوستایی *(AVESTAN):* | THRAY, THRI- |
| پارسی باستان *(OLD PERSIAN):* | SAYA, THRAYAM |
| پهلوی *(PAHLAVI):* | SÉ, SĒ |
| کردی *(KURDISH):* | SĪ |
| بلوچی *(BALUCHI):* | SAI |
| افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* | DRE |
| تخاری A *(TOKHARIAN A):* | TRE, TRI- |
| تخاری B *(TOKHARIAN B):* | TRAI, TARYA |
| سانسکریت *(SANSKRIT):* | TRÁYAS, TISRÁS, TRI |
| ارمنی *(ARMENIAN):* | EREKH, SE |

یونانی (GREEK): TREĪS, TRIA
لاتین (LATIN): TRĒS
فرانسه (FRENCH): TROIS
اسپانیایی (SPANISH): TRES
ایتالیایی (ITALIAN): TRE
رومانی (RUMANIAN): TREI
پرتغالی (PORTUGUESE): TRĒS
گوتیک (GOTHIC): THREIS, THRIJA
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): THRIR, THRJŪ
ساکسونی کهن (OLD SAXON): THRIA, THRIU
فریزی کهن (OLD FRISIAN): THRIA, THRĒ
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): DRĪ
آلمانی (GERMAN): DREI
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): THRI, THREO
انگلیسی (ENGLISH): THREE
دانمارکی (DANISH): TRE
سوئدی (SWEDISH): TRE
نروژی (NORWEGIAN): TRE
هلندی (DUTCH): DRIE

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): TRIJE, TRI
لهستانی (POLISH): TRZY
روسی (RUSSIAN): TRI
چک (CZECH): TRI
صربی (SERBIAN): TRI
بوهمی (BOHEMIAN): TRI
اسلواکی (SLOVAK): TRI
لیتوانی (LITHUANIAN): DRYS, TRŸS
لتونی (لتی) (LATVIAN): TRIS
ایرلندی کهن (OLD IRISH): TRĪ, TĒOIR
ولزی (WELSH): TRI
برتونی (BRETON): TRI
آلبانی (ALBANIAN): TRE, TRI
هتیت (HITTITE): TRI-

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 1090 |
| BARNHART: | (THREE) 1137 |
| DELAMARRE: | 211 |
| MACKENZIE: | (THREE) 136 |
| BUCK: | 941 |
| ۱۱۹۴ | برهان قاطع: |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): سیاه، سیه | SIYĀH, SIYAH |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | BLACK |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *KIE-, *KĪ-, *KIEMO- |

اوستایی (AVESTAN): SYĀVA, SĀMŌ, SAMA-
پارسی باستان (OLD PERSIAN): SIYĀVAH, SĀ-
پهلوی (PAHLAVI): SIYAK, SYAH, SYĀ

اوستی (OSSETIC): SAU
کردی (KURDISH): SIYĀH
بلوچی (BALUCHI): SIYĀH
سانسکریت (SANSKRIT): SYĀVÁ, SYĀ-, SYĀMAS

ارمنی (ARMENIAN): SEAV

یونانی (GREEK):(اسم خاص) KIMON

لاتین (LATIN): CĪMEX

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

SIVŌ

روسی (RUSSIAN): SÍVYJ

صربی (SERBIAN): SIV

لیتوانی (LITHUANIAN):

SHYVAS, SHEMAS

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): SIJWAN

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 541 |
| DELAMARRE: | |
| (GRIS SOMBRE) 239 | |
| MACKENZIE: | (BLACK) 104 |
| ۱۱۹۹ | برهان قاطع: |

| | |
|---|---|
| SIZDAH | فارسی (PERSIAN): سیزده |
| THIRTEEN | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *TREI+DEKM | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): THRIDASA

پارسی باستان (OLD PERSIAN):

THRAYADATH

پهلوی (PAHLAVI): SĪCDAK, SĒZDAH

کردی (KURDISH): SIZDEH, SĒZDÉ

افغانی (پشتو) (AFGHANI):

DYĀRLAS, DYĀRLĒS

سانسکریت (SANSKRIT):

TRÁYŌDASA, THRYODACA

لاتین (LATIN): TREDECIM

فرانسه (FRENCH): TREIZE

اسپانیایی (SPANISH): TRECE

ایتالیایی (ITALIAN): TREDICI

رومانی (RUMANIAN): TREIDPREZECE

پرتغالی (PORTUGUESE): TREZE

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

THRETTĀN

ساکسونی کهن (OLD SAXON):

THRIUTEIN, THRUTEIN

فریزی کهن (OLD FRISIAN): THRETTEN

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

DRĪZEHAN

آلمانی (GERMAN): DREIZEHN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

THRĒOTĒNE

انگلیسی (ENGLISH): THIRTEEN

دانمارکی (DANISH): TRETTEN

سوئدی (SWEDISH): TRETTON

نروژی (NORWEGIAN): TRETTEN

هلندی (DUTCH): DERTIEN

لهستانی (POLISH): TRZYNÁSIE

چک (CZECH): TRINÁCT

اسلواکی (SLOVAK): TRINÁST

ولزی (WELSH): TRYDYDD

| پسگشت‌ها | REFERENCES | | |
|---|---|---|---|
| (THIRTEEN) 1135 | BARNHART: | (THIRTEEN) 642 | SKEAT: |
| (THIRTEEN) 136 | MACKENZIE: | برهان قاطع: | ۱۲۰۵ |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): | سیم (به چم "بخشی از یوغ") |
| | SĒM |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | |
| | (THE NECKPIECE OF A) YOKE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | |
| | *KEM-, *KAM- |

اوستایی (AVESTAN): SIMĀ, SIMŌITHRĀ

پهلوی (PAHLAVI): SĒM, ASĒM

سانسکریت (SANSKRIT): SÁMYĀ

ارمنی (ARMENIAN): SAMIK

یونانی (GREEK): CHÁMAX

آلمانی میانه (MIDDLE HIGH GERMAN):

HAMEL

دانمارکی (DANISH): HAMMEL

سوئدی (SWEDISH): HAMMEL

نروژی (NORWEGIAN):(محلی) HUMUL

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 556 | POKORNY: |
| برهان قاطع: | ۱۲۰۹ |
| فرهنگ معین: | ۱۹۸۳ |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۱۳۸۹۶ |

یادداشت:

چم‌های این واژه در دیگر زبان‌های هند و اروپایی این فهرست: تیر چوبی، ستون چوبی، دیرک

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): | شاخه، شاخ |
| | SHĀXÉ, SHĀX |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | |
| | BRANCH, HORN |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | |
| | *KĀK-, *KĀKHĀ |

اوستایی (AVESTAN): YAXSHTI, SHAKHA

پهلوی (PAHLAVI): SHAX

کردی (KURDISH): SHAKH

بلوچی (BALUCHI): SHĀH, SHAX

افغانی (پشتو) (AFGHANI):

SHKĒR, XĀX, SHAX

سانسکریت (SANSKRIT):

SĀXĀ, SĀKHĀ, SAKTI

ارمنی (ARMENIAN): CAX, CHAX

گوتیک (GOTHIC): HOHA

نورس کهن (OLD NORSE): HĀR

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

HUOHILI

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

SOCHA

لهستانی (POLISH): ROZSOCHA

روسی (RUSSIAN): SUK,- SOCHA

لیتوانی (LITHUANIAN): SHAKA

لتونی (لتی) (LATVIAN): SAKNE

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): SAGNIS

ایرلندی کهن (OLD IRISH):

GĒSCAE, CĒCHT

گالی (GAULISH): CAINC

ولزی (WELSH): CAINC

آلبانی (ALBANIAN): THĒKË

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 523 |
| DELAMARRE: | (BRANCH) 170 |
| ۱۲۱۹ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

در فارسی شاخ دارای دو چم است: سرودن یا شاخ جانور و شاخه‌ی گیاه.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): شاد | SHĀD |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | HAPPY, JOYFUL |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *KWEIə-, *KWIIĒ-, *KWILO-, *KWIYĒ |

اوستایی (AVESTAN):

SHAYĀTŌ, SHĀTA-, SHĀITI

پارسی باستان (OLD PERSIAN): SHIYĀTIS

پهلوی (PAHLAVI): SHĀD, SHĀ

اوستی (OSSETIC):

ANCAYUM, ÄNCHAD, ANCÄIN

کردی (KURDISH): SHĀD

بلوچی (BALUCHI): SHĀD

تخاری B (TOKHARIAN B): SHĀTE

سغدی (SOGADIAN): SH'T

سانسکریت (SANSKRIT): CIRÁM

ارمنی (ARMENIAN):

HANGCHIM, HANGIST

لاتین (LÁTIN): QUIES, QUIETUS

فرانسه کهن (OLD FRENCH): QUIETE

اسپانیایی (SPANISH): QUIETO, QUEDO

ایتالیایی (ITALIAN): QUIETO, CHETO

پرتغالی (PORTUGUESE): QUIETO

گوتیک (GOTHIC): HVEILA

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

HVILA

نورس کهن (OLD NORSE): HVILD

ساکسونی کهن (OLD SAXON): HWĪL

فریزی کهن (OLD FRISIAN): HWĪLE

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

HWĪLA, WĪLA

آلمانی (GERMAN): WEILE

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): HWIL

انگلیسی (ENGLISH): WHILE

دانمارکی (DANISH): HVILE

سوئدی (SWEDISH): VILA

نروژی (NORWEGIAN): HVILE, KVILE

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

POKOJI, POCHITI

| پسگشت‌ها | REFERENCES | | |
|---|---|---|---|
| 638 | POKORNY: | 1104, 840 | BUCK: |
| (WHILE) 1232 | BARNHART: | (WHILE) 1002 | ONIONS: |
| | DELAMARRE: | (WHILE) 711 | SKEAT: |
| (PAISIBLE, HEUREUX) 226 | | 234 | ANDAROV: |
| (HAPPY) 117 | MACKENZIE: | برهان قاطع: | ۱۲۲۲ |

یادداشت:

۱- چم این واژه در اوستایی و پارسی باستان: استراحت.
چم این واژه در زبان‌های رومانس: آرام، آرامش.
چم این واژه در زبان ایسلندی کهن: بستر، استراحت‌گاه.
چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: استراحت، مدت، هنگام.
۲- واژه‌ی انگلیسی QUIET نیز از همین واجریشه است (از لاتین به فرانسه کهن و سپس به انگلیسی).

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* شانزده | **SHĀNZDAH** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **SIXTEEN** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | ***SWEKS+DEKM** |

اوستایی *(AVESTAN):* **XSHVASH-DASA**

پهلوی *(PAHLAVI):*

**SHĀNCHDAH, SHĀNZDAH, SHĀZDAH**

کردی *(KURDISH):*

**SHĀNZDEH, SHĀNZDÉ**

بلوچی *(BALUCHI):* **SHANZDAH**

افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* **SHPARËS**

سانسکریت *(SANSKRIT):* **SÓDASHAN**

یونانی *(GREEK):* **HEKKAIDECA**

لاتین *(LATIN):* **SEDECLM**

فرانسه *(FRENCH):* **SEIZE**

اسپانیایی *(SPANISH):* **DIECISÉIS**

ایتالیایی *(ITALIAN):* **SEDICI**

رومانی *(RUMANIAN):* **SAISPREZECE**

پرتغالی *(PORTUGUESE):* **DEZESSEIS**

آلمانی *(GERMAN):* **SECHZEHN**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):*

**SIXTȲNE, SIXTĒNE**

انگلیسی *(ENGLISH):* **SIXTEEN**

لهستانی *(POLISH):* **SZESNASTU**

روسی *(RUSSIAN):* **SHESTNADTSAT**

چک *(CZECH):* **SHESTNÁCT**

بلغاری *(BULGARIAN):* **SHESTNAYSET**

اسلواکی *(SLOVAK):* **SHESTNÁST'**

آلبانی *(ALBANIAN):*

**GSHĀTEMBËDHJETË**

| | | | |
|---|---|---|---|
| MACKENZIE: | (SIXTEEN) 133 | REFERENCES | پسگشت‌ها |
| AMINDAROV: | (SIXTEEN) 287 | POKORNY: | 1044, 191 |
| ۱۲۳۰ | برهان قاطع: | BARNHART: | (SIXTEEN) 1011 |

| | | |
|---|---|---|
| SHĀNÉ | شانه (به چم "استخوان کتف" و "کثیف") | فارسی (PERSIAN): |
| SHOULDER | | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *(S)KEL-, *(S)KOL-, *SKL-DHRĀ | | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):(شاید) |

پهلوی (PAHLAVI): SHĀNAG, SHĀNAK

بلوچی (BALUCHI): SHAK, SHĀNŪG

افغانی (پشتو) (AFGHANI): OSHA

یونانی (GREEK): SKÁLLEIN, SKALIS

لاتین (LATIN): CULTER, SCAPULA

فرانسه (FRENCH): ÉPAULE

اسپانیایی (SPANISH): ESPALDA

ایتالیایی (ITALIAN): SPALLA

پرتغالی (PORTUGUESE): FSPADUA

گوتیک (GOTHIC): SKILDUS

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): SCULDRA

فریزی کهن (OLD FRISIAN): SCULDERE

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): SCULTRA, SCULTERRA

آلمانی (GERMAN): SCHULTER

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): SCULDOR

انگلیسی (ENGLISH): SHOULDER

دانمارکی (DANISH): SCULDER

سوئدی (SWEDISH): SCULDRA

نروژی (NORWEGIAN): SCULDER

هلندی (DUTCH): SCHOUDER

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 925 |
| BARNHART: | (SHOULDER) 1000 |
| DELAMARRE: | (ÉPAUL) 109 |
| MACKENZIE: (SHOULDER-BLADE) 132 | |
| ONIONS: | (SHOULDER) 823 |
| SKEAT: | (SHOULDER) 558 |
| ۱۲۳۰ | برهان قاطع: |
| ۲۰۰۳ | فرهنگ معین: |
| ۱۴۰۴۷ | لغت‌نامه دهخدا: |

**یادداشت:**

۱- رابطه‌ی میان واژه‌های ایرانی و دیگر واژه‌های این فهرست احتمالی است و بهمین دلیل در جلو واجریشه‌ی هند و اروپایی نشان (شاید) آورده شده است. ضمناً این احتمال هم وجود دارد که "شانه" از هند و اروپایی -KUP* (سانسکریت:-SUPTI، اوستایی: -SUPTI، آلبانی: SUP) باشد (624:POKOANY)

۲- ONIONS ریشه‌ی واژه‌های ژرمنی این فهرست را "ناشناخته" می‌داند.

۳- چم این واژه در یونانی: کج بیل، بیل باغبانی.

چم این واژه در زبان لاتین: چاقو.

چم این واژه در زبان گوتیک: سپر.

۴- در بیشتر زبان‌های هند و اروپایی این واجریشه به چم "استخوان کف" بکار می‌رفته و شکل و کاربرد این استخوان برای کندن و ضربه زدن منجر به پیدایش واژه‌ها و چم‌های دیگر شده است.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN)*: شاه | **SHĀH** |
| **چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | **KING** |
| **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN)*: | ***KTHĒ(I)-, *KTHə(I)-** |

اوستایی *(AVESTAN)*: **XSHAYATI, XSHAYŌ, XSHI-**

پارسی باستان *(OLD PERSIAN)*: **KSHATHRA-, XSHĀYTHIYA,**

پهلوی *(PAHLAVI)*: **SHĀH, SHATHR**

کردی *(KURDISH)*: **SHAH, PADSHAH**

افغانی *(BALUCHI)*: **SHAH**

افغانی (پشتو) *(AFGHANI)*: **PĀCHA, PĀCHAH, CHAH**

سانسکریت *(SANSKRIT)*: **KSI-, KSÁYATI, KSATRÁ**

یونانی *(GREEK)*: **KHTÁOMAI, KHTĒNA**

| *REFERENCES* | **بسگشت‌ها** |
|---|---|
| *POKORNY:* | **626** |
| *MACKENZIE:* | **(KING) 120** |
| *BUCK:* | **(RULE) 1319-1321, (KING) 1321-1322** |
| **برهان قاطع:** | **۱۲۳۱** |

**یادداشت:**

چم این واژه در سانسکریت و یونانی: استیلا، قدرت، تسخیرسازی.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN)*: شب | **SHAB** |
| **چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | **NIGHT** |
| **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN)*: | ***KWSEP-** |

اوستایی *(AVESTAN)*: **XSHAP, XSHAPAN**

پارسی باستان *(OLD PERSIAN)*: **XSHAP**

پهلوی *(PAHLAVI)*: **SHAB, SHAWĀX**

اوستی *(OSSETIC)*: **ĀXSĀW**

کردی *(KURDISH)*: **SHEW**

بلوچی *(BALUCHI)*: **SHAP**

افغانی (پشتو) *(AFGHANI)*: **SHPA**

سانسکریت *(SANSKRIT)*: **KSÁP, KSAPÁ**

یونانی *(GREEK)*: **PSĒPHAS**

| *REFERENCES* | **بسگشت‌ها** |
|---|---|
| *POKORNY:* | **649** |
| *DELAMARRE:* | **195** |
| *MACKENZIE:* | **(NIGHT) 125** |
| *BUCK:* | **992** |
| *AMINDAROV:* | **(NIGHT) 259** |
| *RAMAT:* | **132** |
| **برهان قاطع:** | **۱۲۳۹** |

| | |
|---|---|
| SHABĀN | فارسی *(PERSIAN):* شبان |
| SHEPHERD | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *PEK-, *PEKU-, *PEKOS-, *PEKT-(+PŌI-) | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* |

اوستایی *(AVESTAN):* *FSHU-PAITI, PASU-

پارسی باستان *(OLD PERSIAN):* *FSHU-PĀVAN

پهلوی *(PAHLAVI):* SHUPĀN, SHUBĀN

کردی *(KURDISH):* SHIWAN

بلوچی *(BALUCHI):* SHAWĀNK, SHIPĀNK

افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* SHPŪN

سانسکریت *(SANSKRIT):* PASVÁH, PASU-, FSŪ-,

ارمنی *(ARMENIAN):* SHPET

یونانی *(GREEK):* (TÒ)PÉCHOS

لاتین *(LATIN):* PECŪ, PECUS, PECORIS

ایتالیایی *(ITALIAN):* PECORA

گوتیک *(GOTHIC):* FAIHU

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):* FĒ

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):* FIHU

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* FEOH, FEHU

لیتوانی *(LITHUANIAN):* PEKUS

پروسی کهن *(OLD PRUSSIAN):* PECKU

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 797 |
| *DELAMARRE:* | (BERGER) 52 |
| *MACKENZIE:* | (SHEPHERD) 132 |
| *BUCK:* | 160-164 |
| ۱۲۴۰ | برهان قاطع: |

***یادداشت:***

۱- واژه‌ی "شبان" از دو واجریشه درست شده است:-FSHU به چم "رمه" یا "گوسفند" (هند و اروپایی:-PEK و پسوند PAITI به چم "پاییدن" (هند و اروپایی:-PŌI؛ بازگشت به: پاییدن)

۲- به احتمال زیاد واژه‌ی "چوپان" هم از همین واجریشه است.

۳- آیا رابطه‌ای میان اوستایی -FSHŪ و انگلیسی SHEEP (انگلیسی کهن: SCĒAP؛ آلمانی کهن:SCĀF؛ آلمانی:SCHAF) وجود دارد؟

۴- بازگشت به: پشم

| | |
|---|---|
| SHOTOR, OSHTOR | فارسی *(PERSIAN):* شتر، اشتر |
| CAMEL | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *WES- | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* |

اوستایی *(AVESTAN):* ŪSHRŌ, USHTRA

پهلوی *(PAHLAVI):* USHTAR, USHTR, USTR

سانسکریت *(SANSKRIT):* USTRA

لاتین *(LATIN):* VERRĒS, VERRIS

فرانسه *(FRENCH):* VERRAT

| | |
|---|---|
| اسپانیایی (SPANISH): | VERRACO |
| ایتالیایی (ITALIAN): | VERRO |
| پرتغالی (PORTUGUESE): | BARRÃO |

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 1172 | POKORNY: |
| (CAMEL) 106 | MACKENZIE: |
| (CAMEL) 189-190 | BUCK: |
| برهان قاطع : | ۱۲۵۲ و ۱۳۸ |
| فرهنگ معین : | ۲۷۸ و ۲۰۲۵ |

یادداشت:

چم این واژه در زبان لاتین و دیگر زبان‌های رومانس: گراز، خوک وحشی

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): شرم | SHARM |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | SHAME, MODESTY |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *KORMOS |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | FSHARƏMA |
| پهلوی (PAHLAVI): | SHARM |
| اوستی (OSSETIC): | ÄFSÁRM, ÄFSÁRMI |
| کردی (KURDISH): | SHERM |
| بلوچی (BALUCHI): | SHARM |
| افغانی (پشتو) (AFGHANI): | SHARM, SHARAM |
| ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): | HARMR |
| ساکسونی کهن (OLD SAXON): | HARM |
| فریزی کهن (OLD FRISIAN): | HERM |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | HARM, HARAM |
| آلمانی (GERMAN): | HARM |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | HEARM |
| انگلیسی (ENGLISH): | HARM |
| دانمارکی (DANISH): | HARME |
| سوئدی (SWEDISH): | HARM |
| نروژی (NORWEGIAN): | HARME |
| اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): | SRAMŪ |
| روسی (RUSSIAN): | SRAME |
| بلغاری (BULGARIAN): | SRAMU |

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 615 | POKORNY: |
| (HARM) 466 | BARNHART: |
| (SHAME) 132 | MACKENZIE: |
| (SHAME) 1141, (HARM) 760 | BUCK: |
| (HARM) 428 | ONIONS: |
| (HARM) 262 | SKEAT: |
| (SHAME) 284 | AMINDAROV: |
| برهان قاطع : | ۱۲۶۴ |

یادداشت:

۱- چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: غم، خشم، صدمه، آسیب.

۲- شاید واژه‌ی انگلیسی SHAME و واژه‌های همریشه‌ی آن در زبان‌های ژرمنی هم از همین ریشه باشند.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): شستن | SHOSTAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | WASH, RINSE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):(شاید) | *GHEU- |

| | |
|---|---|
| پهلوی (PAHLAVI): | SHISTAN |
| کردی (KURDISH): | SHUSHTIN |
| بلوچی (BALUCHI): | SHŌZAG, SHŌDAG |
| سانسکریت (SANSKRIT): | JUHÓTI, AHUTIS |
| ارمنی (ARMENIAN): | JOYL |
| یونانی (GREEK): | CHEIN, KHÉEIN |
| لاتین (LATIN): | FUNDERE |
| فرانسه (FRENCH): | FONDRE |
| اسپانیایی (SPANISH): | FUDIR |
| ایتالیایی (ITALIAN): | FODERE |
| پرتغالی (PORTUGUESE): | FONDRE |
| گوتیک (GOTHIC): | GIUTAN |
| ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): | GIOTA |
| ساکسونی کهن (OLD SAXON): | GIOTAN |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | GIOZZAN |
| آلمانی (GERMAN): | GIESSEN |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | FOUNDEN |
| انگلیسی (ENGLISH): | FOUND |
| نروژی (NORWEGIAN): | GIETEN |

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 447 | POKORNY: |
| (FOUND) 404 | BARNHART: |
| (WASH) 139 | MACKENZIE: |
| (FOUND) 373 | ONIONS: |
| (FOUND) 224 | SKEAT: |
| برهان قاطع : | ۱۲۶۷ |

یادداشت:

۱- هیچکدام از پسگشت‌های من اشاره‌ای به خویشی واژه‌های ایرانی این فهرست با دیگر واژه‌های این فهرست نکرده‌اند و بهمین دلیل جلو واجریشه‌ی هند و اروپایی (شاید) آورده‌ام.

۲- چم این واژه در زبان‌های رومانس و یونانی و انگلیسی: ذوب کردن، آبسان کردن.

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: جاری شدن.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): شش | SHESH |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | SIX |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *SEKS, *SWEKS |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | XSHVASH |
| پهلوی (PAHLAVI): | SHASH |
| اوستی (OSSETIC): | ÄXSÄZ |
| کردی (KURDISH): | SHESH |

افغانی (پشتو) *(AFGHANI)*: **SHPAZH**

تخاری A *(TOKHARIAN A)*: **SÄK**

تخاری B *(TOKHARIAN B)*: **SKAS**

سانسکریت *(SANSKRIT)*: **SHASH, SHAT, SAS-, SAT**

ارمنی *(ARMENIAN)*: **VECH, VETSS**

یونانی *(GREEK)*: **HÉKS, WÉKS, HÉX**

لاتین *(LATIN)*: **SEX**

فرانسه *(FRENCH)*: **SIX**

اسپانیایی *(SPANISH)*: **SEIS**

ایتالیایی *(ITALIAN)*: **SEI**

رومانی *(RUMANIAN)*: **SASE**

پرتغالی *(PORTUGUESE)*: **SEIS**

گوتیک *(GOTHIC)*: **SAIHS**

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN)*: **SEX**

ساکسونی کهن *(OLD SAXON)*: **SEHS**

فریزی کهن *(OLD FRISIAN)*: **SEX**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN)*: **SEHS**

آلمانی *(GERMAN)*: **SECHS**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH)*: **SIEX**

انگلیسی *(ENGLISH)*: **SIX**

دانمارکی *(DANISH)*: **SEKS**

سوئدی *(SWEDISH)*: **SEX**

نروژی *(NORWEGIAN)*: **SEKS**

هلندی *(DUTCH)*: **ZES**

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC)*: **SHESTI**

لهستانی *(POLISH)*: **CZESEIU**

روسی *(RUSSIAN)*: **SHEST**

چک *(CZECH)*: **SHEST**

بلغاری *(BULGARIAN)*: **SHEST**

اسلواکی *(SLOVAK)*: **SHEST**

لیتوانی *(LITHUANIAN)*: **SHESHI**

ایرلندی کهن *(OLD IRISH)*: **SÉ**

گالی *(GAULISH)*: **CHWECH**

آلبانی *(ALBANIAN)*: **GJASHTE, GASHTË**

| بسگشت‌ها | *REFERENCES* |
|---|---|
| 1044 | *POKORNY:* |
| (SIX) 1011 | *BARNHART:* |
| 212-213 | *DELAMARRE:* |
| (SIX) 133 | *MACKENZIE:* |
| برهان قاطع: | ۱۲۶۶ |

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN)*: شُش | **SHOSH** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **LUNG** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN)*: | ***KUESH-, *KUS-, *KWES-** |

اوستایی *(AVESTAN)*: **SUSHI**

پهلوی *(PAHLAVI)*: **SHUSH, SUSH**

کردی *(KURDISH)*: **PISHIK**

افغانی (پشتو) *(AFGHANI)*: **SAZHAI, SAGHÁI**

تخاری A *(TOKHARIAN A)*: **KWÄS**

سانسکریت *(SANSKRIT)*: **CVAS, SHVĀSITI**
ارمنی *(ARMENIAN)*: **SHUNCH**
لاتین *(LATIN)*: **QUEROR, QUERI**
ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN)*: **HVASA**
انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH)*: **HWŌSAN, HWAST**
انگلیسی *(ENGLISH)*: **WHEEZE**
سوئدی *(SWEDISH)*: **VÄSA**
نروژی *(NORWEGIAN)*: **HVESE, KVESE**
هلندی *(DUTCH)*: **HVASE**
لیتوانی *(LITHUANIAN)*: **SHUSHINTI**

| بسگشت‌ها | *REFERENCES* |
|---|---|
| 631-632 | *POKORNY:* |
| (WHEEZE) 1230 | *BARNHART:* |
| (LUNG) 122 | *MACKENZIE:* |
| KUESH | *MALLORY & ADAMS:* |
| ۱۲۶۷ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

چم این واژه در زبان‌های غیرایرانی: نفس نفس زدن، با صدا یا به سختی نفس کشیدن.
چم این واژه در زبان لیتوانی: دمزنی، نَفَس.
چم این واژه در زبان لاتین: غرولند کردن، شکایت.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN)*: ششم | **SHESHOM, SHISHOM** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **SIXTH** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN)*: | ***SEKS+DEKM** |

اوستایی *(AVESTAN)*: **XSHTVA**
پهلوی *(PAHLAVI)*: **SHASHUM**
افغانی (پشتو) *(AFGHANI)*: **SHPAZHAM**
تخاری A *(TOKHARIAN A)*: **SKÄST**
تخاری B *(TOKHARIAN B)*: **SKASTE**
سانسکریت *(SANSKRIT)*: **SASTHÁS**
یونانی *(GREEK)*: **HEKTOS**
لاتین *(LATIN)*: **SEXTUS**
فرانسه *(FRENCH)*: **SIXIÉME**
اسپانیایی *(SPANISH)*: **SEXTO**
ایتالیایی *(ITALIAN)*: **SESTO**
رومانی *(RUMANIAN)*: **AS SASELEA, A SASEA**
پرتغالی *(PORTUGUESE)*: **SEXTOTA, SEXTO**
گوتیک *(GOTHIC)*: **SAIHSTA**
ساکسونی کهن *(OLD SAXON)*: **SENSTO**
آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN)*: **SENSTO**
آلمانی *(GERMAN)*: **SECHSTE**
انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH)*: **SIEXTA, SYXTE**
انگلیسی *(ENGLISH)*: **SIXTH**
هلندی *(DUTCH)*: **ZESDE**
اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC)*: **SHESTŪ**
لهستانی *(POLISH)*: **SZÓSTY, SZÓSTA**
لیتوانی *(LITHUANIAN)*:

SHISHTAS, SHESTÝ

| | |
|---|---|
| پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): | USCHTS |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | SESSED |
| گالی (GAULISH): | CHWECHED |

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 1044 |
| BARNHART: | (SIXTH) 1011 |
| DELAMARRE: | (SIXIÈME) 213 |
| ۱۷۶۸ | برهان قاطع: |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): شصت، شست | SHAST |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | SIXTY |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *SEKS, *SWEKS+DEKM |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | XSHVASHTI |
| پهلوی (PAHLAVI): | SHAST |
| کردی (KURDISH): | SHEST |
| افغانی (پشتو) (AFGHANI): | SHPETË, SHPĒTA |
| سانسکریت (SANSKRIT): | SHASHTI, SASTI |
| ارمنی (ARMENIAN): | VATSOUN |
| یونانی (GREEK): | EXHNTA |
| لاتین (LATIN): | SEXAGINTA |
| فرانسه (FRENCH): | SOIXANTE |
| اسپانیایی (SPANISH): | SESENTA |
| ایتالیایی (ITALIAN): | SESSANTA |
| رومانی (RUMANIAN): | SAIZECI |
| پرتغالی (PORTUGUESE): | SESSENTA |
| آلمانی (GERMAN): | SECHZIZ |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | SIXTIG |
| انگلیسی (ENGLISH): | SIXTY |
| نروژی (NORWEGIAN): | SEKSTI |
| هلندی (DUTCH): | ZESTIG |
| لهستانی (POLISH): | SZEŚCDZIESIECIU |
| روسی (RUSSIAN): | SHESTDESYAT |
| چک (CZECH): | SHEDESÁT |
| بلغاری (BULGARIAN): | SHEYSET |
| اسلواکی (SLOVAK): | SHEST'DESIAT |
| آلبانی (ALBANIAN): | GJASHTËDHJETË |

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 1044, 191 |
| BARNHART: | (SIXTY) 1011 |
| MACKENZIE: | (SIXTY) 133 |
| ۱۲۶۵ | برهان قاطع: |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): شکافتن، شکاف | SHEKĀFTAN, SHEKĀF |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | SPLIT, SLIT, CUT, RIP, CLEAVE, CLEAVAGE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *(S) KEL-, *SKEL(E)P-, *SKOL(E)P- |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | -SCAPTI, SKAPH |
| پهلوی (PAHLAVI): | SHKĀFTAN, SHKĀF- |
| کردی (KURDISH): | SHIKĀFTIN |
| سانسکریت (SANSKRIT): | |

KÁLPATĒ, KALPÁYATI

یونانی *(GREEK):*

SKÁLOPS, SCHIALOP, SKHOLOP

لاتین *(LATIN):* SCALPŌ, SCALPERE

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):*

SKJOLF

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):*

SCELIFA

آلمانی *(GERMAN):* (محلی) SCHELFE

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):*

SCIELF, SCYLFE

انگلیسی *(ENGLISH):* SHELF

هلندی *(DUTCH):* SCHELF

لیتوانی *(LITHUANIAN):* KÁLPA

ایرلندی کهن *(OLD IRISH):* KALPUS

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 923-927 |
| *BARNHART:* | (SHELF) 995-996 |
| *MACKENZIE:* | (SHKAFTAN) 80 |
| ۱۲۷۵ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

چم این واژه در ایسلندی کهن: نیمکت، پاره‌سنگ.
چم این واژه در آلمانی کهن و آلمانی نوین: (گردو و ذرت و غیره) پوست، پوست کندن.
چم این واژه در انگلیسی کهن و انگلیسی نوین: تاقچه، شکاف دیوار.
چم این واژه در پروسی کهن: بدنه‌ی ستون یا تیر.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* شکستن، شکست | SHEKASTAN, SHEKAST |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | BREAK, SMASH |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | *SKEI-, *SKAITO-, *SKEID- |

اوستایی *(AVESTAN):* SAED-, SĀNEM

پهلوی *(PAHLAVI):* SHKASTAN

کردی *(KURDISH):* SHIKANDIN

سانسکریت *(SANSKRIT):*

CHINÁTTI, CHYÁTI

ارمنی *(ARMENIAN):* CHTEM

یونانی *(GREEK):* SKHIZŌ, SKHAŌ

لاتین *(LATIN):*

SCINDŌ, SCIO, SCINDĒRE

گوتیک *(GOTHIC):* SKAIDAN

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):*

SKITA

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):*

SCIZAN

آلمانی *(GERMAN):* SCHEISSEN

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* SCITAN

انگلیسی *(ENGLISH):* SHIT

دانمارکی *(DANISH):* SKID, SKIDE

هلندی *(DUTCH):* SCHIJTEN

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):*

CHEDITI

لیتوانی *(LITHUANIAN):*

SK´AIDYATI, SKIEDZIU

لتونی (لتی) *(LATVIAN):* SHKIEDU

ولزی *(WELSH):* CHWYDU

برتونی *(BRETON):* C'HOUEDA

| | |
|---|---|
| پسگشت‌ها REFERENCES | MACKENZIE: (BREAK) 105 |
| POKORNY: 919-920 | ONIONS: (SHIT) 821 |
| DELAMARRE: (COUPER, SÉARER) 281 | AMINDAROV: (BREAK) 194 |

یادداشت:

چم اصلی این واژه: شکافتن، جدا کردن، خرد کردن، قطع کردن.

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی نوین: ریدن (ترکیدن)، ترکمان.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): شکوه | SHOKŪH |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | CLORY, MAJESTY, DIGNITY |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *KEUS-, *SKEU-, *(S)KOU- |

پهلوی (PAHLAVI): SHKŌH

افغانی (پشتو) (AFGHANI): SHKULĀ

سانسکریت (SANSKRIT): KAVIS

ارمنی (ARMENIAN):

CHCANEM, SHUKEGH

یونانی (GREEK):

THYOSKÓOS, -SKÓWOS, KOÉO

لاتین (LATIN): CAVĒRE,COVĒRE

گوتیک (GOTHIC): USKAWS

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

SKYGN

ساکسونی کهن (OLD SAXON): SKAUWON

فریزی کهن (OLD FRISIAN): SKĀWIA

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

SCOUWŌN

آلمانی (GERMAN): SCHAUEN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): SCĒAWIAN

انگلیسی (ENGLISH): SHOW

دانمارکی (DANISH): SKUE

نروژی (NORWEGIAN): SKYGNE

هلندی (DUTCH): SCHOUWEN

روسی (RUSSIAN):(محلی) CHŪCHATU

چک (CZECH): CHICH

اسلواکی (SLOVAK): CHUHAM

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):

AU- SCAUDITWEI

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 587-588 | POKORNY: |
| (SHOW) 1000 | BARNHART: |
| (DIGNITY) 110,(MAJESTY) 122 | MACKENZIE: |
| (SHOW) 823 | ONIONS: |
| (SHOW) 559 | SKEAT: |
| برهان قاطع: | ۱۲۸۳ |

یادداشت:

چم این واژه در زبان سانسکریت: بینا، دارای بصیرت

پچم این واژه در زبان‌های ژرمنی: نمایاندن، به نظر رسیدن یا رساندن، جلوه کردن
چم این واژه در زبان لاتین: احتیاط کردن
چم این واژه در زبان‌های چک و روسی: احساس، شعور

| | |
|---|---|
| SHEMORDAN, SHOMĀR | فارسی (PERSIAN): شمردن، شمار |
| COUNT, ENUMERATE | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *(S)MER-, *(S)MEMOR | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی *(AVESTAN):* **MAR-, MARAITI, HISHMARAITI, HISHMAR-**

پهلوی *(PAHLAVI):* **MAR-, MARAG, OSHMĀR, ŌSHMARTAN, ŌSHMURDAN, SHUMAR**

کردی *(KURDISH):*
**SHIMARTIN, ASHMARDIN, ISHMĀR, ZHIMARTIN**

افغانی (پشتو) *(AFGHANI):*
**SHUMAR, SHMERËL**

سانسکریت *(SANSKRIT):*
**SMAR-, SMARATI**

یونانی *(GREEK):*
**MÉRIMNA, MÉRMÉRA, MERMAIREIN**

لاتین *(LATIN):* **MEMOR, MEMORIA**

گوتیک *(GOTHIC):* **MAURNAN**

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):*
**MORNA**



ساکسونی کهن *(OLD SAXON):* **MORNIAN**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):*
**MURNAN, MORNEN**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):*
**MURNAN**

انگلیسی *(ENGLISH):* **MOURN**

لیتوانی *(LITHUANIAN):* **MERETI**

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 969-970 |
| *BARNHART:* | |
| (MEMORY) 650,(MOURN) 682 | |
| *DELAMARRE:* | |
| (SE SOUVENIR) 282 | |
| *BUCK:* | 1228-1229 |
| *ONIONS:* | (MOURN) 593 |
| *SKEAT:* | (MOURN) 388 |
| *AMINDAROV:* | (COUNT) 205 |
| ۱۲۹۱ و ۱۲۹۳ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**
چم آغازین این واژه: در اندیشه بودن، برشمردن، نگران بودن
چم این واژه در زبان لاتین: در اندیشه بودن، بیاد آوردن، یادبود.
چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: (به یادبود کسی) سوگواری کردن.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): شنا | SHENĀ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | SWIM |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *SNĀ-, *SNĀMI, *SNĀU-, *SNET- |

اوستایی (AVESTAN):

SANAYEITĒ, SNĀTA-, SNĀ-

پهلوی (PAHLAVI): SNĀZ, SNĀCIDAN

اوستی (OSSETIC):

NAIN, AXSNIN, AXSNUN

تخاری B (TOKHARIAN B): NĀSK

سانسکریت (SANSKRIT): SNÁTI, SNĀYĀTI

ارمنی (ARMENIAN): NAY

یونانی (GREEK): NĒKHŌ, NĒŌ

لاتین (LATIN):

NŌ, NĀRE, NATŌ, NATARE

فرانسه (FRENCH): NAGER

اسپانیایی (SPANISH): NADAR

ایتالیایی (ITALIAN): NUOTARE

رومانی (RUMANIAN): INOTA

پرتغالی (PORTUGUESE): NADAR

ایرلندی کهن (OLD IRISH):

SNÁID, SNĀM

ولزی (WELSH): NAWF

برتونی (BRETON): NEUNVI, NEUI

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 971-972 | POKORNY: |
| (NAGER) 282 | DELAMARRE: |
| (SWIM) 136 | MACKENZIE: |
| 681-682 | BUCK: |
| برهان قاطع: | ۱۷۹۸ |

یادداشت:

چم این واژه در ارمنی: نمدار.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): شناختن | SHENĀXTAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | KNOW, RECOGNIZE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *GEN-, *GENə-, *GNO-, *GNĒ- |

اوستایی (AVESTAN):

-ZĀNENTI, -ZĀNATI, XSHNĀSATY

پارسی باستان (OLD PERSIAN):

XSHNĀSĀTIY, XSHNA-

پهلوی (PAHLAVI): SHENĀXTAN

کردی (KURDISH): NĀSIN

افغانی (پشتو) (AFGHANI):

PĒ-ZHANI

تخاری A (TOKHARIAN A): KNĀ-

تخاری B (TOKHARIAN B): KNĀ-

سانسکریت (SANSKRIT):

JĀNĀMI, JANATI, JNĀ-, JANDTI

ارمنی (ARMENIAN): CANEAY

یونانی (GREEK):

-GNŌSKŌ, GIGNOSKEIN

لاتین (LATIN):

(G)NŌSCŌ, NŌCERE, COGNOSCERE

فرانسه (FRENCH): CONNAÎTRE

اسپانیایی (SPANISH): CONOCER

ایتالیایی (ITALIAN): CONOSCERE

رومانی (RUMANIAN): CUNOASTE

پرتغالی (PORTUGUESE): CONHOCER

گوتیک (GOTHIC): KUNNAN

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): KUNNA, KNĀ

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): CUNNEN, CHNĀAN

آلمانی (GERMAN): KENNEN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): CNĀWAN, CNĒOW

انگلیسی (ENGLISH): KNOW

دانمارکی (DANISH): KENDE

سوئدی (SWEDISH): KÄNNA

نروژی (NORWEGIAN): KENDE

هلندی (DUTCH): KENNEN

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): ZNATI

لهستانی (POLISH): ZNAĆ

روسی (RUSSIAN): ZNATE

چک (CZECH): ZNÁT

اسلواکی (SLOVAK): (PO) ZNAT

لیتوانی (LITHUANIAN): PA-ZHISU, ZHINŌTI

لتونی (لتی) (LATVIAN): ZNATI

ایرلندی کهن (OLD IRISH): -GNINAIM, GNATH, GNINIM

آلبانی (ALBANIAN): NJOH

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 376 |
| BARNHART: | (KNOW) 569 |
| DELAMARRE: | (CONNAÎTRE) 257 |
| MACKENZIE: | (KNOW) 121, (RECOGNIZE) 129 |
| BUCK: | 1208-1210 |
| ONIONS: | (KNOW) 508 |
| SKEAT: | (KNOW) 325 |
| AMINDAROV: | (RECOGNIZE) 276 |
| برهان قاطع: | ۱۲۹۸ |

یادداشت:

واژه‌ی انگلیسی CAN (انگلیسی کهن:CUNNAN) نیز از همین واجریشه است. بازگشت به: دانستن

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): شور | SHŪR |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | SALTY |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *KSEU- |

پهلوی (PAHLAVI): SŌR, SŌRAG

کردی (KURDISH): SHŪR, SHOR

سانسکریت (SANSKRIT): KSURÁ

یونانی (GREEK): XVŌ, XYDTRA

لیتوانی (LITHUANIAN): SKUTÚ, SKÚSTI

لتونی (لتی) (LATVIAN): SKUVU, SKŪT

| | | | |
|---|---|---|---|
| پسگشت‌ها | REFERENCES | (SALTY) 281 | AMINDAROV: |
| 586 | POKORNY: | برهان قاطع : | ۱۳۰۷ |
| (SALTY) 131 | MACKENZIE: | | |

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های غیرایرانی این فهرست: ابزار بریدن یا خراشیدن.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): صد | SAD |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | HUNDRED |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *KMTOM |

اوستایی (AVESTAN): SATEM
پهلوی (PAHLAVI): SAD, SAT
اوستی (OSSETIC): SÄDÄ
کردی (KURDISH): SED
افغانی (پشتو) (AFGHANI): SAL, SIL, SËL
تخاری A (TOKHARIAN A): KÄNT
تخاری B (TOKHARIAN B): KÄNTE
ختنی (KHOTANESE): SATA
سانسکریت (SANSKRIT): SATÁM, SHATÁ
یونانی (GREEK): HEKATÒN, EKATO
لاتین (LATIN): CENTUM
فرانسه (FRENCH): CENT
اسپانیایی (SPANISH): CIENTO
ایتالیایی (ITALIAN): CENTO
رومانی (RUMANIAN): SUTĀ
پرتغالی (PORTUGUESE): CEM
گوتیک (GOTHIC): HUNDA
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
HUNDRADH
ساکسونی کهن (OLD SAXON):
HUNDEROD, HUND
فریزی کهن (OLD FRISIAN):
HUNDRED, HUND

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
HUNDERT, HUNT
آلمانی (GERMAN): HUNDERT
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): HUND
انگلیسی (ENGLISH): HUNDRED
دانمارکی (DANISH): HUNDRA
سوئدی (SWEDISH): HUNDRA
نروژی (NORWEGIAN): HUNDRE
هلندی (DUTCH): HONDERD
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
SŪTO
لهستانی (POLISH): STU, SETKA
روسی (RUSSIAN): STO
چک (CZECH): STO
بلغاری (BULGARIAN): STO
اسلواکی (SLOVAK): STO
لیتوانی (LITHUANIAN): SHIMTAS
لتونی (لتی) (LATVIAN): SIMTS
ایرلندی کهن (OLD IRISH): CET
گالی (GAULISH): CANT
ولزی (WELSH): CANT
برتونی (BRETON): CANT

| | | | |
|---|---|---|---|
| پسگشت‌ها | REFERENCES | | |
| 192 | POKORNY: | (CENT) 216 | DELAMARRE: |
| (HUNDRED) 497 | BARNHART: | (HUNDRED) 118 | MACKENZIE: |
| | | برهان قاطع: | ۱۳۳۳ |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): عن (به چم "براز"، "گه") | ANN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | SHIT |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):(شاید) | *ĀNO- |

ارمنی (ARMENIAN): ANUR

لاتین (LATIN): ĀNUS

فرانسه کهن (OLD FRENCH): ĀNUS

انگلیسی (ENGLISH): (از فرانسه‌ی کهن) ANUS

ایرلندی کهن (OLD IRISH):

ĀINN, ĀNNE

| | |
|---|---|
| پسگشت‌ها | REFERENCES |
| 47 | POKORNY: |
| (ANUS) 40 | BARNHART: |
| (ANNEAU) 117 | DELAMARRE: |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۱۶۳۸۲ |

یادداشت:

۱- چم این واژه در زبان‌های غیر از فارسی: متعهد، دایره، گردی.

۲- رابطه‌ی این واژه فارسی با واجریشه هند و اروپایی و دیگر واژه‌های این فهرست احتمالی است و بهمین دلیل در جلو واجریشه‌ی هند و اروپایی (شاید) آمده است.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): غرش، غرنبه، غرمبه، غرنبیدن، غریدن | GHORRESH, GHORONB`E, GHOROMBÉ, GHORONBIDAN, GHORRIDAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | ROAR, THUNDER, GRUMBLE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *GHREM- |

اوستایی (AVESTAN): GRAM

پهلوی (PAHLAVI):

GHARRĀNIDAN, GHARRĀNĀG

کردی (KURDISH): GURIN, GURE-GUR

افغانی (پشتو) (AFGHANI): GHUSA

یونانی (GREEK): CHREMETIZEIN

گوتیک (GOTHIC): GRAMJAN

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

GRIMMR

ساکسونی کهن (OLD SAXON): GRIM

فریزی کهن (OLD FRISIAN): GRIM

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

GRIM, GREMMAN

آلمانی (GERMAN): GRIMM,

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

GRIMM, GREMIAN

انگلیسی (ENGLISH): GRIM

دانمارکی (DANISH): GRUM

نروژی (NORWEGIAN): GRYMTA
هلندی (DUTCH): GRIMMIG
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
GRŪMITI, GROMŪ
لهستانی (POLISH): GREMÉT, GROM
روسی (RUSSIAN): GREMĒTU, GROM
چک (CZECH):
HRMÍTI, HRIMATI, HRMIT
صربی (SERBIAN): GROM
بوهمی (BOHEMIAN): HROM
اسلواکی (SLOVAK): HRMENIE, HROM
لیتوانی (LITHUANIAN):
GRUMIÙ, GRUMĒTI
لتونی (لتی) (LATVIAN): GREMJU
پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): GRUMINS

| بسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 458-459 |
| BARNHART: | (GRIM) 449-450 |
| MACKENZIE: | (ROAR) 131, (THUNDER) 136 |
| BUCK: | 57-58 |
| CNIONS: | (GRIM) 414 |
| AMINDAROV: | (THUNDER) 299 |
| برهان قاطع: | ۱۴۰۴ و ۱۴۰۷ و ۱۴۰۹ |
| فرهنگ معین: | ۲۰۴۴ و ۲۰۴۵ |

یادداشت:

چم‌های این واژه در زبان‌های هند و اروپایی گوناگون: غریدن، آسمان غرنبه، خشمگین.
چم این واژه در زبان یونانی: شیهه کشیدن.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): فر- فرا- (به چم "پیش"، "به سوی جلو") | FAR-, FARĀ- |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | FORWARD, PRO- |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *PER-, *PERI-, *PRO |

اوستایی (AVESTAN): FRA-, PAIRI-
پارسی باستان (OLD PERSIAN):
PARIY, PARI-, PER-
پهلوی (PAHLAVI): FRĀ
سانسکریت (SANSKRIT): PRA-, PARI-,
ارمنی (ARMENIAN): HRA-
یونانی (GREEK): PERI
لاتین (LATIN): PER-, PERI-, PRO-
گوتیک (GOTHIC): FAIR-, FRA-
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
PARIY, VER-, FIR-
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): FYR
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
PER-, PRE-
روسی (RUSSIAN): PRO-
چک (CZECH): PRO-
صربی (SERBIAN): PRĀ-
بوهمی (BOHEMIAN): PER-
پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): PER-, PRA-
ایرلندی کهن (OLD IRISH): IR-, RO-
گالی (GAULISH): ER-, ERI-
ولزی (WELSH): RY-

برتونی (BRETON): ER-, RO-

آلبانی (ALBANIAN): PËR-

هتیت (HITTITE): PRA-

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 810 |
| ۱۴۴۳ | برهان قاطع: |
| ۱۷۰۰۱-۱۷۰۰۲ | لغت‌نامه دهخدا: |

| FARĀX | فارسی (PERSIAN): فراخ |
|---|---|
| LARGE, AMPLE, SPACIOUS | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *PLĀT, *PLĒT-, *PLŌT-, *PLTU- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN):

FRATHAH, PƏRƏTHWI

پارسی باستان (OLD PERSIAN):

*FRĀ(H)UVA-

پهلوی (PAHLAVI): FRĀH, FRĀX

کردی (KURDISH): FEREH

بلوچی (BALUCHI): PRĀH

سانسکریت (SANSKRIT):

PARTHVI, PRÁTHAS, PRÁTHATI

ارمنی (ARMENIAN): LAIN

یونانی (GREEK): PLATŌS, PLATÝS

لاتین (LATIN): PLANTA, PLANTĀRE

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

PLESNA

لیتوانی (LITHUANIAN):

SPLECHIU, SPLĒSTI

لتونی (لتی) (LATVIAN): PLANDIT

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):

PLASMENO

ایرلندی کهن (OLD IRISH): LETH

ولزی (WELSH): LLED

برتونی (BRETON): LET, LED

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 833 |
| MACKENZIE: | (LARGE) 121 |
| ۱۴۴۴ | برهان قاطع: |

یادداشت:

چم این واژه در لاتین: کاشتن، نهال.

| FARĀMŪSH, FARĀMŪSHIDAN | فارسی (PERSIAN): فراموش، فراموشیدن |
|---|---|
| FORGET, FORGOTTEN | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *MRS-, *MER-, *MORSEYŌ | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

پارسی باستان (OLD PERSIAN):

*FRAMURSH

پهلوی (PAHLAVI): FRĀMURSH,

FRĀMUSHTAN, FRAMŌSH

بلوچی (BALUCHI):

SHAMUSHAG, SHAMŌSHAGH

افغانی (پشتو) (AFGHANI): HERAWËL

تخاری B (TOCHAAIAN B): MÄRS

سانسکریت (SANSKRIT):

MRS-, PRAMARSH,

MARSHAYATI, MARSHYATE, MRSYAT

ارمنی (ARMENIAN): MORANAM

گوتیک (GOTHIC): MARZJAN

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

MERREN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): MIERRAN

لیتوانی (LITHUANIAN): MIRSHTI

لتونی (لتی) (LATVIAN): -MARSHA

| بسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 737-738 | POKORNY: |
| (OUBLIER) 269 | DELAMARRE: |
| (FORGET, FORGOTTEN) 115 | MACKENZIE: |
| 1230-1231 | BUCK: |
| ۱۴۴۸ | برهان قاطع: |

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: آزردن، دردسر و نگرانی.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): فراوان | FARĀVĀN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | MUCH, LOTS, MANY |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *PELU-, *LLEIS- |

اوستایی (AVESTAN): POURU-, FRĀYAH-

پارسی باستان (OLD PERSIAN): PARU

پهلوی (PAHLAVI): FRĀY, FREH

کردی (KURDISH): FERĀWIN

سانسکریت (SANSKRIT): PURÚ

یونانی (GREEK): POLÚS, PLEIADES

گوتیک (GOTHIC): FILU

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): FIOL

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

FILO, FILU

آلمانی (GERMAN): VIEL

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

FELA, FEOLA

هلندی (DUTCH): VEEL

لیتوانی (LITHUANIAN): PILOS

ایرلندی کهن (OLD IRISH): IL, LĪA

ولزی (WELSH): LIAUS, LLIAWS

| بسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 800 | POKORNY: |
| (MUCH) 124 | MACKENZIE: |
| 922 | BUCK: |
| ۱۴۴۸ | برهان قاطع: |

یادداشت:

بازگشت به: پُر

| | |
|---|---|
| FERESHTÉ | فارسی *(PERSIAN):* فرشته |
| ANGEL | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *PÉLU- | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* |

| | |
|---|---|
| اوستایی *(AVESTAN):* | FRAĒSHTA |
| پارسی باستان *(OLD PERSIAN):* | FRAISHTA |
| پهلوی *(PAHLAVI):* | FRĒSHTAG |
| سانسکریت *(SANSKRIT):* | PERISHTA |
| ارمنی *(ARMENIAN):* | HRESHTAK |

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 800 |
| *MACKENZIE:* | (ANGEL) 102 |
| برهان قاطع: | ۱۴۶۳ |

| | |
|---|---|
| FAR-, FARĀ- | فارسی *(PERSIAN):* فر- فرا- (به چم "پیش"، "به سوی جلو") |
| FORWARD, PRO | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *PRO- | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* |

| | |
|---|---|
| اوستایی *(AVESTAN):* | FRA-, FRĀ- |
| پارسی‌باستان *(OLD PERSIAN):* | FRA- |
| پهلوی *(PAHLAVI):* | FRA |
| کردی *(KURDISH):* | HIL, HAL |
| سانسکریت *(SANSKRIT):* | PRA- |
| ارمنی *(ARMENIAN):* | HRA |
| یونانی *(GREEK):* | PRO- |
| لاتین *(LATIN):* | PRŌ- |
| گوتیک *(GOTHIC):* | FRA- |
| آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):* | FIR- |
| آلمانی *(GERMAN):* | VER- |
| روسی *(RUSSIAN):* | PRO-, PRĀ- |
| چک *(CZECH):* | PRO- |
| صربی *(SERBIAN):* | PRĀ- |
| لیتوانی *(LITHUANIAN):* | PRA-, PRO- |
| پروسی‌کهن *(OLD PRUSSIAN):* | PRA-, PRO- |
| ایرلندی کهن *(OLD IRISH):* | RO- |
| برتونی *(BRETON):* | RO-, RU- |
| هتیت *(HITTITE):* | PRA |

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 813-814 |
| *BARNHART:* | (PRO-) 841 |
| *DELAMARRE:* | |
| (DEVANT, AVANT) 300 | |
| *ONIONS:* | (PRO-) 711 |
| *SKEAT:* | (PRO-) 476 |
| برهان قاطع: | ۱۴۴۳ |

| | |
|---|---|
| FARMĀN, FARMŪDAN | فارسی *(PERSIAN):* فرمان، فرمودن |
| COMMAND, ORDER, SAY, SPEAK | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *WER-, *VERDHO-, *URDHO- | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* |

| | |
|---|---|
| اوستایی *(AVESTAN):* | URVĀTA |
| پارسی‌باستان *(OLD PERSIAN):* | FRAMĀNĀ, FRAMĀ |
| پهلوی *(PAHLAVI):* | |

FRAMĀN, FRAMŪTAN, FRAMŪDAN

کردی (KURDISH): FERMUN, FERMAN

افغانی (پشتو) (AFGHANI): FARMĀYIL

سانسکریت (SANSKRIT): VRATÁ-, VRÁTAM, FRAMÁNAM

ارمنی (ARMENIAN): HRAMAN, HRAMAYEL

یونانی (GREEK): EIRO, IERÉŌ

لاتین (LATIN): VERBUM

فرانسه (FRENCH): VERBE, VERBAL

اسپانیایی (SPANISH): VERBO, VERBAL

ایتالیایی (ITALIAN): VÉRBO, VERBAL

رومانی (RUMANIAN): VERB, VERBAL

پرتغالی (PORTUGUESE): VERBO, VERBAL

گوتیک (GOTHIC): WAÚRD

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): ORDH

ساکسونی کهن (OLD SAXON): WORD

فریزی کهن (OLD FRISIAN): WORD

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): WORT

آلمانی (GERMAN): WORT

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): WOR

انگلیسی (ENGLISH): WORD

دانمارکی (DANISH): ORD

سوئدی (SWEDISH): ORD

نروژی (NORWEGIAN): ORD

هلندی (DUTCH): WOORD

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): ROTA, RESHTI

روسی (RUSSIAN): URÁKA

لیتوانی (LITHUANIAN): RĒKIÙ, RĒKTI

لتونی (لتی) (LATVIAN): RĒKT

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): WERTEMMAI, WIRDS

هتیت (HITTITE): UERIIA, WERIYA

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 1162-1163 |
| BARNHART: | (WORD) 1244 |
| MACKENZIE: | (COMMAND) 107 |
| BUCK: | 1259 |
| ONIONS: (WORD) 1012, (FIRMAN) 357 | |
| SKEAT: | (WORD) 722 |
| AMINDAROV: | (COMMAND) 202 |
| ۱۴۶۹ و ۱۴۷۰ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

۱- واژه‌ی پارسی‌باستان **FRAMĀTAR** (فرماندار) نیز از همین ریشه است.

۲- واژه‌ی فرمان **FIRMAN** به زبان انگلیسی هم وارد شده و چم "دستور" و "اجازه" و "حکم" را دارد.

۳- چم این واژه در زبان‌های رومانس و ژرمنی: سخن، واژه، گفتار.

چم این واژه در زبان‌های اسلاوی کهن و روسی: سوگند.

چم این واژه در زبان لیتوانی و لتونی: فریاد زدن.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN)*: فریفتن، فریب | **FARIFTAN, FARIB** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **CHEAT, DECEIVE** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN)*: | ***LEI-, *LIBH-, *LEIP-** |

پهلوی *(PAHLAVI)*: **FRĒFTAN, FRĒB**

تخاری A *(TOKHARIAN A)*: **LIP-**

سانسکریت *(SANSKRIT)*:

**LIP-, LIPÁTI, LIPYÁTĒ**

یونانی *(GREEK)*: **LIPOS, LIPA**

لاتین *(LATIN)*: **LIPPUS**

گوتیک *(GOTHIC)*:

**LAIBA, LIBAN, BILEIBAN, BILAIBJAN**

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN)*:

**LEIFA, LEIF, LIF**

ساکسونی کهن *(OLD SAXON)*: **LĪF**

فریزی کهن *(OLD FRISIAN)*: **LĪF**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN)*:

**BELIBAN, LEIBEN, LEIPA, LEIP, LĪB**

آلمانی *(GERMAN)*:

**BLEIBEN, LEIB, LEBEN**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH)*:

**BELIFAN, LIF, LAF**

انگلیسی *(ENGLISH)*: **LIFE, LEAVE**

دانمارکی *(DANISH)*: **LIV, LEVE**

سوئدی *(SWEDISH)*: **LIF, LEFVA**

نروژی *(NORWEGIAN)*: **LIV**

هلندی *(DUTCH)*: **LIIF, LEVEN**

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC)*:

**LĒPITY**

لیتوانی *(LITHUANIAN)*:

**LIPNUS, LIPÙS, LIPTI**

لتونی (لتی) *(LATVIAN)*: **LÍPU, LIPT**

آلبانی *(ALBANIAN)*:

**LEPARÓS, LEPËRDHI**

هتیت *(HITTITE)*: **LIP**

| بسگشت‌ها | *REFERENCES* |
|---|---|
| 670 | *POKORNY:* |
| (LIVE) 603, (LIFE) 594 | *BARNHART:* |
| (DECEIVE, DECEPTION) 107 | *MACKENZIE:* |
| (LIFE) 527, (LEAVE) 521 | *ONIONS:* |
| (LIFE) 340, (LIVE) 345 | *SKEAT:* |
| ۱۴۸۴ | *برهان قاطع:* |

***یادداشت:***

۱- واژه‌ی انگلیسی **LIVE** نیز از همین واجریشه است: انگلیسی کهن: **LIFIAN**؛ فریزی کهن: **LIBBA**؛ ساکسونی کهن: **LIBBIAN**؛ هلندی: **LEVEN**؛ آلمانی کهن: **LEBĒN**؛ ایسلندی کهن: **LIFA**؛ گوتیک: **LIBAN**.

۲- چم این واژه در زبان لاتین: دارای چشم تار.

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی و زبان تخاری: ماندن، بجا ماندن، رفتن.

چم این واژه در زبان آلبانی و هتیت: کثیف (کردن).

چم این واژه در زبان لیتوانی و لتونی: پیروی کردن، رهبری کردن.

چم این واژه در زبان یونانی: چربی.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): فه، فیه (به چم "پارو" و "سکان") | FAH, FIH |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | OAR, PADDLE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *SP(H)Ē-, *SPHEN-, *SPHI-, *SPHA- |

سانسکریت (SANSKRIT): SPHYAS

یونانی (GREEK):

SPHĒN, SPÁTHĒ, SPHĒNÓS

لاتین (LATIN): SPONDA

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

SPĀNN, SPŌNN

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): SPĀN

آلمانی (GERMAN): SPAN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): SPŌN

انگلیسی (ENGLISH): SPOŌN

نروژی (NORWEGIAN): SPAK

هلندی (DUTCH): SPAAK

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

SOND

ایرلندی کهن (OLD IRISH): SOND

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 980 |
| BARNHART: | (SPOON) 1050 |
| DELAMARRE: | 123 |
| ۱۵۸۰ | برهان قاطع : |

**یادداشت:**

چم این واژه در زبان یونانی: گوه.

چم این واژه در زبان لاتین: چهارچوب تختخواب.

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: قاشق، (در آغاز) قاشق چوبی، تراشه‌ی چوب.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): قاز، غاز | GHĀZ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | GOOSE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *GHANS- |

اوستایی (AVESTAN): ZĀO

بلوچی (BALUCHI): GHAZ

افغانی (پشتو) (AFGHANI): QĀZ

سانسکریت (SANSKRIT): HANSÁ, HANSI

یونانی (GREEK): CHĒN, KHĒN

لاتین (LATIN): ANSER

اسپانیایی (SPANISH): GANSO

رومانی (RUMANIAN): GISCĀ

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): GĀS

فریزی کهن (OLD FRISIAN): GŌS, GŌZ

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): GANS

آلمانی (GERMAN): GANS

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): GŌS

انگلیسی (ENGLISH): GOOSE

دانمارکی (DANISH): GAAS

سوئدی (SWEDISH): GAS

| | |
|---|---|
| نروژی (NORWEGIAN): | GAAS |
| هلندی (DUTCH): | GANZ |
| اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): | GOSI, GUSI |
| لهستانی (POLISH): | GES |
| روسی (RUSSIAN): | GUS, GUSI |
| چک (CZECH): | HUSA |
| صربی (SERBIAN): | GUSKA |
| بوهمی (BOHEMIAN): | HUSA |
| اسلواکی (SLOVAK): | HUS |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | ZHASIS |
| لتونی (لتی) (LATVIAN): | ZASS |
| پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): | SANSY |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | GEISS, GĒD |
| ولزی (WELSH): | GWYDD |
| برتونی (BRETON): | GWAZ |

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 412 | POKORNY: |
| (GOOSE) 442 | BARNHART: |
| (OIE) 139 | DELAMARRE: |
| 177 | BUCK: |
| (GOOSE) 406 | ONIONS: |
| 47 | RAMAT: |
| برهان قاطع : | ۱۵۱۴ |

**یادداشت:**

این واژه در اصل ترکی نیست و از یک زبان هند و اروپایی (شاید ایرانی) به ترکی راه یافته است.

| | |
|---|---|
| **فارسی (PERSIAN): قوزک، غوزک، (کوژک)** | **GHŪZAK** |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | **MALLEOLUS, ANKLE** |
| **هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):** | ***GUT-, *GŪET-, *GUPĀ** |

| | |
|---|---|
| یونانی (GREEK): | GYPĒ |
| ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): | KŌFI |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | KUBISI |
| آلمانی (GERMAN): | KOBEN |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | COFA |
| انگلیسی (ENGLISH): | COVE |
| نروژی (NORWEGIAN): | KOVE |
| اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): | GYZHA |
| لهستانی (POLISH): | GIZHA, GIZA, GUZ |
| چک (CZECH): | HYZĒ |
| صربی (SERBIAN): | GIDZHA |
| اسلواکی (SLOVAK): | GUZA |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | GŪZAS, GŪZYS |
| لتونی (لتی) (LATVIAN): | GŪZA, GUZA |

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 395 | POKORNY: |
| (COVE) 228 | BARNHART: |
| (COVE) 222 | ONIONS: |
| (COVE) 140 | SKEAT: |
| فرهنگ معین : | ۲۴۵۱ |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۱۶۸۵۷ |

یادداشت:

۱- بازگشت به: گو، گوی

۲- چم این واژه در زبان‌های غیراز فارسی: اتاقک، خوک دونی، غار، کلبه، قلتبه، تلدگی.

چم این واژه در زبان‌های انگلیسی نوین: خلیج کوچک

۳- واژه‌های "کوژ" و "قوز" نیز از همین ریشه‌اند.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN)*: کار (به چم "ارتش" و "جنگ")، کارزار | **KĀR-, KĀRZĀR** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **WAR, BATTLE** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN)*: | ***KOROS, *KORIOS, *KYOS** |

اوستایی *(AVESTAN)*: **KĀRA, KĀRAVAITI**

پارسی باستان *(OLD PERSIAN)*: **KĀRA**

پهلوی *(PAHLAVI)*: **KĀR**

کردی *(KURDISH)*: **KAR**

افغانی (پشتو) *(AFGHANI)*: **KĀR**

سانسکریت *(SANSKRIT)*: **KĀRYA**

یونانی *(GREEK)*: **KORIANOS**

گوتیک *(GOTHIC)*: **HARJIS, HARJA-**

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN)*: **HERR**

ساکسونی کهن *(OLD SAXON)*: **HERI**

فریزی کهن *(OLD FRISIAN)*: **HERE**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN)*: **HARI, HERI**

آلمانی *(GERMAN)*: **HEER**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH)*: **HERE**

دانمارکی *(DANISH)*: **KRIG**

سوئدی *(SWEDISH)*: **KRIG**

نروژی *(NORWEGIAN)*: **KRIG**

هلندی *(DUTCH)*: **KRIJG**

لیتوانی *(LITHUANIAN)*: **KARAS, KARIAS, KARE**

لتونی (لتی) *(LATVIAN)*: **KARSH**

پروسی کهن *(OLD PRUSSIAN)*: **KARGIS**

ایرلندی کهن *(OLD IRISH)*: **CUIR**

| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 615-616 |
| *DELAMARRE:* | 84 |
| *MACKENZIE:* | 49 |
| *AMINDAROV:* | (WORK) 311 |
| ۱۵۵۸ | برهان قاطع: |
| ۲۷۸۹ | فرهنگ معین: |

یادداشت:

۱- امروزه بیشتر دانشمندان معتقدند که واژه‌های انگلیسی **WAR** و فرانسه‌ی **GUERRE** از این واجریشه مشتق نشده‌اند بلکه از واجریشه‌ی هند و اروپایی **WERS*** هستند.

۲- در فارسی واژه‌ی "کارزار" یعنی "محل نبرد": "کار" = نبرد و یا جنگ و "زار" = محل (مانند "گلزار").

۳- البته این واژه در فارسی امروز به چم "عمل" و "پیشه" و "کردار" بکار می‌رود.

| KĀRD | کارد :(PERSIAN) فارسی |
|---|---|
| KNIFE | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *K(O)RT-, *(S)KERT-, *(S)KRET | :(INDO-EUROPEAN) هند و اروپایی |

| | |
|---|---|
| :(AVESTAN) اوستایی | |
| KARETA, KAR∂TISH | |
| :(PAHLAVI) پهلوی | KĀRD |
| :(OSSETIC) اوستی | KAR, KÄRDIN |
| :(KURDISH) کردی | KIRD, KĒR |
| :(BALUCHI) بلوچی | KÄRC, KĀRCA |
| :(TOKHARIAN B) B تخاری | KERTTE |
| :(SANSKRIT) سانسکریت | |
| KRNĀTI, KART-, KRNŌTI, KRTIS | |
| :(LATIN) لاتین | CORTEX, CURTUS |
| :(GOTHIC) گوتیک | HAIRUS |
| :(OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن | |
| CHRUTU, CHRĒSTI | |
| :(POLISH) لهستانی | KRAJAĆ |
| :(RUSSIAN) روسی | KROTHIJ, KROJIT |
| :(CZECH) چک | -CHRUSHTA |
| :(LITHUANIAN) لیتوانی | KERTU, KIRSTI |
| :(LATVIAN) لتونی (لتی) | CĒRTU, CIRST |
| :(OLD PRUSSIAN) پروسی کهن | KIRTIS |
| :(ALBANIAN) آلبانی | KJĒTH |
| :(HITTITE) هتیت | KARTAI |

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 941-942 |
| DELAMARRE: | 115 |
| MACKENZIE: | (KNIFE) 120 |
| BUCK: | 556-557 |
| AMINDAROV: | (KNIFE) 246 |
| ۱۵۵۹ | برهان قاطع: |

یادداشت:

چم این واژه در بیشتر زبان‌های هند و اروپایی: آلت بُرنده

چم این واژه در زبان لاتین: بریدن و کوتاه کردن، پوسته، رویه.

| KĀM, KĀMÉ | کام، کامه (به چم "میل"، "آرزو"، "خواست") :(PERSIAN) فارسی |
|---|---|
| DESIRE, LONGING | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *KĀ-, *KĀMO-, *KARO- | :(INDO-EUROPEAN) هند و اروپایی |

| | |
|---|---|
| :(AVESTAN) اوستایی | KĀMA |
| :(OLD PERSIAN) پارسی باستان | KĀMA |
| :(PAHLAVI) پهلوی | KĀM |
| :(OSSETIC) اوستی | KOM |
| :(SANSKRIT) سانسکریت | KĀM, KAMAS |
| :(ARMENIAN) ارمنی | KAM, KAMIM |
| :(LATIN) لاتین | CĀRUS |
| :(FRENCH) فرانسه | CHER |
| :(SPANISH) اسپانیایی | CARO, QUERIDO |
| :(ITALIAN) ایتالیایی | CARO |
| :(PORTUGUESE) پرتغالی | |
| CARO, QUERIDO | |
| :(GOTHIC) گوتیک | HORS |
| :(OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن | |

HÓRR, HŌRA

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):*

HOURRA

آلمانی *(GERMAN):* HURE

انگلیسی *(ENGLISH):* WHORE

دانمارکی *(DANISH):* HORE, HŌRR

سوئدی *(SWEDISH):* HORA, HŌRR

نروژی *(NORWEGIAN):* HORE, HŌRR

هلندی *(DUTCH):* HOER, HŌRR

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):*

KOXATI

لهستانی *(POLISH):* KURWA

لیتوانی *(LITHUANIAN):* KURVA

لتونی (لتی) *(LATVIAN):* KARS

ایرلندی کهن *(OLD IRISH):*

CARAE, CARAIM

گالیک *(GAELIC):* KAEZ

| پسگشت‌ها | *REFERENCES* |
|---|---|
| 515 | *POKORNY:* |
| | *BARNHART:* |
| (WHORE) 1234, (CHARITY) 160 | |
| (CHER) 224 | *DELAMARRE:* |
| 48 | *MACKENZIE:* |
| برهان قاطع: | ۱۵۷۸ و ۱۵۷۹ |

**یادداشت:**

چم این واژه در لاتین و زبان‌های رومانس: گرامی، عزیز، گران.

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی و اسلاوی: فاحشه، روسپی.

| فارسی *(PERSIAN):* کاویدن، کاوش، کافتن | KĀVIDAN, KĀVESH, KĀFTAN |
|---|---|
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | EXCAVATE, DIG |
| **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN):* | *(S)KĒP-, *(S)KŌP-, *(S)KAPA |

اوستایی *(AVESTAN):* -SCAPTI

پهلوی *(PAHLAVI):* KĀFTAN

یونانی *(GREEK):* CHOPÁS, CHOMMA

لاتین *(LATIN):* CAPPŌ, CAPPULĀRE

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):*

HŪBBA, HĀPPA

آلمانی *(GERMAN):* HIPPE

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):*

KAPAJO, KOPATI

لهستانی *(POLISH):* KOPAC

روسی *(RUSSIAN):*

SHCHEPÁTU, SHCHEPÍTU

چک *(CZECH):* KOPAT

بلغاری *(BULGARIAN):* KOPÁ

صربی *(SERBIAN):* KOPA

اسلواکی *(SLOVAK):* KOPAT

لیتوانی *(LITHUANIAN):* KAPÓTI

لتونی (لتی) *(LATVIAN):* KAPÁT

گالی *(GAULISH):* CAPANNA

آلبانی *(ALBANIAN):*

KEP, KMESË, KAMÉS

| پسگشت‌ها REFERENCES | | | |
|---|---|---|---|
| POKORNY: | 931-932 | برهان قاطع: | ۱۵۸۳ و ۱۵۷۰ |

یادداشت:

۱- واژه‌ی "شکافتن" نیز از همین واجریشه‌ی هند و اروپایی است (پهلوی: SHKAFTAN؛ کردی SHIKAFTIN؛ یونانی: SXAPTO؛ اوستایی:-SCAPTI)

۲- چم این واژه در زبان لاتین: خرد کردن، کوفتن.

چم این واژه در زبان‌های آلمانی و لیتوانی و لتونی: داس دسته بلند، داس

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): کپُ (به چم "دهان"، "دهانه"، "ظرف شیشه‌ای بزرگ"، "قرابه") | KOP |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | OPENING, CARBOY, JEROBOAM |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *KŪPĀ, *KEUP- |

| | |
|---|---|
| کردی (KURDISH): | GHĒP, KAS |
| سانسکریت (SANSKRIT): | KŪPAS |
| یونانی (GREEK): | KŪPE |
| لاتین (LATIN): | CŪPA, CUPPA |
| فرانسه (FRENCH): | COUPE |
| اسپانیایی (SPANISH): | COPA |
| ایتالیایی (ITALIAN): | COPPA |
| رومانی (RUMANIAN): | CUPĀ |
| پرتغالی (PORTUGUESE): | COPA |
| ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): | HŪFR |
| نورس کهن (OLD NORSE): | KOPPR |
| فریزی کهن (OLD FRISIAN): | KOPP |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | KOPF |
| آلمانی (GERMAN): | KOPF |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | CUPPE |
| انگلیسی (ENGLISH): | CUP |
| هلندی (DUTCH): | KOPJE |
| ولزی (WELSH): | CWPAN |
| برتونی (BRETON): | KOP |

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 591 | POKORNY: |
| (CUP) 242 | BARNHART: |
| (CUVE) 120 | DELAMARRE: |
| 348-349 | BUCK: |
| (GOBLET) 231 | AMINDAROV: |
| برهان قاطع: | ۱۵۹۲ |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۱۸۱۵۶ |

یادداشت:

چم این واژه در برخی زبان‌های هند و اروپایی امروزین: کاپ، فنجان، گنجانه بزرگ.

چم این واژه در کردی: گونه، لپ.

چم این واژه در سانسکریت: چاه، سوراخ.

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: قرابه، سر، کله.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* کَد،- کده (به چم "خانه") | KAD,- KADÉ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | HOUSE |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | *KED-, *KOT-, *KOTOS |

اوستایی *(AVESTAN):* KATA, KOTA

پهلوی *(PAHLAVI):* KATAK, KADAK

افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* KOR

سانسکریت *(SANSKRIT):* CATTÁ

یونانی *(GREEK):* KOTŪLE

گوتیک *(GOTHIC):* HĒTHJŌ

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* HEATHOR

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):*

KOTICI

روسی *(RUSSIAN):* KOTÉC

بلغاری *(BULGARIAN):* KOTULU

لیتوانی *(LITHUANIAN):* KĀTILAS

| پسگشت‌ها | *REFERENCES* |
|---|---|
| 586-587 | *POKORNY:* |
| 62 | *DELAMARRE:* |
| (HOUSE) 118 | *MACKENZIE:* |
| KET- | *MALLORY & ADAMS:* |
| برهان قاطع : | ۱۶۰۴ |

**یادداشت:**

چم این واژه در گوتیک و اسلاوی کهن و اوستایی: اتاق.

چم این واژه در انگلیسی کهن: محوطه، حصار.

چم این واژه در سانسکریت: نهفته، پنهان.

چم این واژه در روسی: سد رودخانه (برای ماهی‌گیری).

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* کدام | KODĀM |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | WHICH |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | *KWO- |

اوستایی *(AVESTAN):* KATĀRŌ, KATĀRA

پارسی باستان *(OLD PERSIAN):* KATĀMA

پهلوی *(PAHLAVI):* KADĀM, KATĀM

کردی *(KURDISH):* KU

افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* KUM

سانسکریت *(SANSKRIT):*

HATARÁ, KATARÁS

یونانی *(GREEK):* PÓTEROS, KÓTEROS

لاتین *(LATIN):* UTER

گوتیک *(GOTHIC):* HWATHAR

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):*

HVADHARR

ساکسونی کهن *(OLD SAXON):* HWETHAR

فریزی کهن *(OLD FRISIAN):*

HWEDER, HWEDDER

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):*

HWEDAR, WEDAR

آلمانی (GERMAN): WEDER

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

HWATHER, HWETHER

انگلیسی (ENGLISH): WHETHER

دانمارکی (DANISH): HVER

سوئدی (SWEDISH): VAR

نروژی (NORWEGIAN): HVER, KVAR

لهستانی (POLISH): KTÓRY

چک (CZECH): KTERÝ

بلغاری (BULGARIAN):

KOTERYJU, KOTORYJU

اسلواکی (SLOVAK): KTORÝ

لیتوانی (LITHUANIAN): KATRĀS

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 645-646 |
| MACKENZIE: | (WHICH) 140 |
| ONIONS: | (WHETHER) 1002 |
| SKEAT: | (WHETHER) 7/0 |
| ۱۶۰۴ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: آیا، که.

| | |
|---|---|
| **فارسی** (PERSIAN): کردن | **KARDAN** |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | **DO** |
| **هند و اروپایی** (INDO-EUROPEAN): | ***KWER-** |

اوستایی (AVESTAN): KAR-, KERENAOTI

پارسی باستان (OLD PERSIAN):

KAR-, KUNĀVAHY

پهلوی (PAHLAVI): KARTAN, KARDAN

اوستی (OSSETIC): KÄNIN, KÄNUN

کردی (KURDISH): KIRIN

بلوچی (BALUCHI): KANAG, KANAGH

افغانی (پشتو) (AFGHANI): KAWËL

سانسکریت (SANSKRIT):

KAR-, KRNOTI, KRTA-

لیتوانی (LITHUANIAN): KURIŪ, KŪRTI

لتونی (لتی) (LATVIAN): KURT

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): KURA

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 641 |
| MACKENZIE: | |
| | (DO) 111, (MAKE) 122 |
| BUCK: | 537-539 |
| ۱۶۱۷ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

چم این واژه در گذشته "ساختن" هم بوده است.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): کرک (به چم "مرغ خانگی") | KARK |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | HEN, POULTRY |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *KERK-, *KRQK-, *KREK-, *KRENK-, *KRONK- |

اوستایی (AVESTAN): KAHRKĀ-

پهلوی (PAHLAVI): KARK

اوستی (OSSETIC): KARK

کردی (KURDISH): KURK

افغانی (پشتو) (AFGHANI): CIRG

تخاری A (TOKHARIAN A): KRANKO

سانسکریت (SANSKRIT):

KRKARA-, KRAKARA-, KARKA-VĀKU-

ارمنی (ARMENIAN): KARKACH

یونانی (GREEK): CHERKAS

لاتین (LATIN): CRŌCIŌ, CROCARE

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

HRANG, HRINGJA

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): HRINGAN

انگلیسی (ENGLISH): RING

دانمارکی (DANISH): RINGE

سوئدی (SWEDISH): RINGA

نروژی (NORWEGIAN): RINGE, RINGIE

هلندی (DUTCH): RINGEN

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

KRUKNOTI

روسی (RUSSIAN): KRECHETU, KRĒK

چک (CZECH): SHKERK

بلغاری (BULGARIAN): KROKON

صربی (SERBIAN): KRĒKA

اسلواکی (SLOVAK): KRAKATI

لیتوانی (LITHUANIAN):

KROKIÙ, KARKIÙ

لتونی (لتی) (LATVIAN):

KRĀCU, KRECĒT

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): KACTO

ایرلندی کهن (OLD IRISH): CRAIN

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 568 |
| BARNHART: | (RING) 930 |
| MACKENZIE: | (KARRK) 49 |
| ONIONS: | (RING) 768 |
| SKEAT: | (RING) 520 |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۱۸۲۷۳ |
| برهان قاطع: | ۱۶۲۲ |

یادداشت:

۱- واژه‌های فارسی "کرکس" و اوستایی KAHRKASA و سانسکریت KRKASA نیز از همین واجریشه آمده‌اند.

۲- چم این واژه در زبان پهلوی: قرقاول

چم این واژه در زبان‌های غیرایرانی و غیرهندی: غرید، غدغد کردن، صدای قورباغه ایجاد کردن.

| | |
|---|---|
| KERM | فارسی (PERSIAN): کرم |
| WORM | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *KWRMI-, *KWRMIS- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | K∂R∂MA |
| پهلوی (PAHLAVI): | KARM, KIRM |
| اوستی (OSSETIC): | KALM |
| کردی (KURDISH): | KURUM, KURM |
| بلوچی (BALUCHI): | KIRM |
| افغانی (پشتو) (AFGAANI): | CHINJ |
| سانسکریت (SANSKRIT): | KRMI-, KRMIS, KRIMI |
| لهستانی (POLISH): | CZERN |
| روسی (RUSSIAN): | CHERVU |
| اسلواکی (SLOVAK): | CHRM |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | KIRMÌS |
| لتونی (لتی) (LATVIAN): | CIRMINS, CĒRME |
| پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): | GIRMIS |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | CRUIM |
| ولزی (WELSH): | PRÉNU |
| آلبانی (ALBANIAN): | KRIMP |

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 649 |
| BARNHART: | (CRIMSON) 235 |
| MACKENZIE: | (WORM) 140 |
| SKEAT: | (CRIMSON) 144 |
| AMINDAROV: | (WORM) 311 |
| MALLORY & ADAMS: | (KWRIMS) |
| برهان قاطع : | ۱۶۲۵ |

**یادداشت:**

واژه‌ی "قرمز" نیز از همین واجریشه است. ضمناً واژه‌های انگلیسی CRIMSON و فرانسه‌ی CRAMOISI و اسپانیایی CARMESI و ایتالیایی کهن CREMESINO و لاتین CREMESINUS از ریشه‌ی سانسکریت یا ایرانی این واژه ناشی شده‌اند.

| | |
|---|---|
| KORRÉ | فارسی (PERSIAN): کُرّه (به چم "بچه‌ی اسب و خر و غیره") |
| COLT | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *GELT-, *GLET-, *GEL-, *GLDOS | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

| | |
|---|---|
| پهلوی (PAHLAVI): | KURRAG |
| اوستی (OSSETIC): | KUR |
| کردی (KURDISH): | KOR, KUR |
| سانسکریت (SANSKRIT): | KULA |
| یونانی (GREEK): | KÓR(R)OS |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | COLT |
| انگلیسی (ENGLISH): | COLT |
| دانمارکی (DANISH): | KULD |
| سوئدی (SWEDISH): (محلی) | KULT |
| هلندی (DUTCH): | KULT |
| صربی (SERBIAN): | KÚRVOS |
| هتیت (HITTITE): | KURKA |

| پسگشت‌ها | REFERENCES | | |
|---|---|---|---|
| 358 | POKORNY: | KORUS | MALLORY & ADAMS: |
| (COLT) 191 | BARNHART: | برهان قاطع : | ۱۶۳۲ |
| | | (COLT) 107 | MACKENZIE: |

یادداشت:

چم این واژه در کردی و برخی گویش‌های محلی ایرانی: فرزند ذکور، پسر.

چم این واژه در زبان هلندی: تنومند، گردن کلفت.

چم این واژه در زبان صربی: حرام‌زاده.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): کَس | KAS |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | PERSON, SOMEONE, ONE (PERSON) |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *KWOS |

اوستایی (AVESTAN): KAS-, (KAS-CHIT)

سانسکریت (SANSKRIT): KÁS

پارسی باستان (OLD PERSIAN): KASH-, (KASHCHI)

پهلوی (PAHLAVI): KAS

کردی (KURDISH): KES, KESEK

بلوچی (BALUCHI): KAS

افغانی (پشتو) (AFGHANI): KAS

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| (KAS) 50 | MACKENZIE: |
| 137 | RAMAT: |
| برهان قاطع : | ۱۶۴ |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): کُس | KOS |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | CUNT |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *(S)KEUK-, *KUKSIS |

کردی (KURDISH): QUZ

بلوچی (BALUCHI): KUS

افغانی (پشتو) (AFGHANI): KUS

سانسکریت (SANSKRIT): KUKSIS

لاتین (LATIN): CUNNUS

انگلیسی میانه (OLD ENGLISH): CUNTE

انگلیسی (ENGLISH): CUNT

دانمارکی (DANISH): KUSSE

هلندی (DUTCH): KUT

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): KUPU

لهستانی (POLISH): KIEP

چک (CZECH): KEP

لیتوانی (LITHUANIAN): KUSHYS

لتونی (لتی) (LATVIAN): KŪSIS, KŪSA

| | | | |
|---|---|---|---|
| DELAMARRE: | 108 | REFERENCES | پسگشت‌ها |
| ۱۶۴۲ | برهان قاطع: | POKORNY: | 953 |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): کش، کشال، کشاله (به چم "بغل"، "آغوش"، "سینه"، "زیربغل"، "کشاله‌ی ران") | KASH, KASHAL, KASHALÉ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | ARMPIT, CROTCH |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *KOKSĀ, *HOKSA |

اوستایی (AVESTAN): KASHA

پهلوی (PAHLAVI): KASH

بلوچی (BALUCHI): KASH

سانسکریت (SANSKRIT):

KAKSĀ, KAKSHA

لاتین (LATIN): COXA

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

HĀHSINA

آلمانی (GERMAN): HACHSE

ایرلندی کهن (OLD IRISH): COSS

ولزی (WELSH): COES

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 611 |
| MACKENZIE: | (ARMPIT) 50 |
| ۱۶۴۶ | برهان قاطع: |
| ۱۸۳۴۳ و ۸-۱۸۳۴۷ | لغت‌نامه دهخدا: |
| ۲۹۷۶ | فرهنگ معین: |

یادداشت:

چم این واژه در زبان لاتین: کپل، سرین، باسن.

چم این واژه در زبان آلمانی: بند انگشت.

چم این واژه در زبان ایرلندی کهن: پا.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): کشتن | KOSHTAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | KILL, SLAY, SLAUGHTER |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *GWHEN-, *GWHNTÓS-, *GWHENTEL- |

اوستایی (AVESTAN):

KAOSH, KUSHAITI, KUSHÁTI

پهلوی (PAHLAVI):

KUSHTAN, KOXSHITAN

کردی (KURDISH): KUSHTIN

بلوچی (BALUCHI): KUSHAG, KUSHAGH

سانسکریت (SANSKRIT):

KUSHNATI, KUSH-

یونانی (GREEK): THEINEIN

هتیت (HITTITE): KUENZI

| پسگشت‌ها | REFERENCES | | |
|---|---|---|---|
| 291-293 | POKORNY: | (GWHEN) 754 | SKEAT: |
| (KILL) 120 | MACKENZIE: | برهان قاطع: | ۱۶۴۸-۱۶۴۹ |
| | | (KILL) 288-290 | BUCK: |

**یادداشت:**

۱- **BUCK** اصل این واژه‌ی هند و ایرانی را "ناشناخته" می‌داند.

۲- چم این واژه در زبان سانسکریت: کشیدن، دریدن

۳- واژه‌ی "کشتن" با واژه‌های "زدن" و "زهر" همریشه است.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN)*: کِشتن، کاشتن | KESHTAN, KĀSHTAN |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | CULTIVATE, TILL, |
| **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN)*: | *KWEL-, *KWELE- |

اوستایی *(AVESTAN)*: KĀRAYEITI

پهلوی *(PAHLAVI)*: KISHTAN

بلوچی *(BALUCHI)*: KISHAGH

افغانی (پشتو) *(AFGHANI)*:

KĀRAL, KARËL

سانسکریت *(SANSKRIT)*: CÁRATI,

CALATI, KARSŪS, CHAR

یونانی *(GREEK)*: TELOS, PÓLOS

لاتین *(LATIN)*: COLERE

فرانسه *(FRENCH)*: CULTIVER

اسپانیایی *(SPANISH)*: CULTIVAR

ایتالیایی *(ITALIAN)*: COLTIVARE

رومانی *(RUMANIAN)*: CULTIVA

پرتغالی *(PORTUGUESE)*: CULTIVAR

انگلیسی *(ENGLISH)*:(از فرانسه)

CULTIVATE

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 639 | POKORNY: |
| | BARNHART: |
| (COLONY) 190, (CULTIVATE) 241 | |
| (TILL) 137 | MACKENZIE: |
| | BUCK: |
| (CULTIVATE, TILL) 493-494 | |
| (COLONY) 122 | SKEAT: |
| برهان قاطع: | ۱۵۶۷ |

**یادداشت:**

۱- بازگشت به: کشیدن، چرخ.

۲- چم این واژه در زبان یونانی: پایان، محور.

| | |
|---|---|
| KASHIDAN, KESHIDAN | فارسی (PERSIAN): کشیدن |
| DRAW, PULL, DRAG | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *KWEL-, *KWOL- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): KARSH-, KARSHA

پهلوی (PAHLAVI):

KASHITAN, KESHIDAN, KESH-

کردی (KURDISH): KISHĀN

بلوچی (BALUCHI): KASHAG, KASHAGH

افغانی (پشتو) (AFGHANI):

KXÁL, KASHAWĒL

سانسکریت (SANSKRIT): KARSH-, KRSH-

ارمنی (ARMENIAN): KARSHEM

آلبانی (ALBANIAN): KJEL

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 639 |
| MACKENZIE: | |
| (DRAM) 111, (PULL) 129 | |
| BUCK: | |
| (DRAW, PULL) 571-572 | |
| برهان قاطع : | ۱۶۵۷ |

**یادداشت:**

بازگشت به: کِشتن، چرخ.

| | |
|---|---|
| KAM | فارسی (PERSIAN): کم |
| LITTLE, SMALL (AMOUNT), FEW | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *(S) KREMB-, *(S)KRMB-, *(S)KERB(H)- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN):

KAMNA, KAMBISHTEM

پارسی‌باستان (OLD PERSIAN):

KAMNA, *KANBIYAH, KANBISHTA

پهلوی (PAHLAVI): KAM, KEM

کردی (KURDISH): KĒM, KIM

بلوچی (BALUCHI): KAM

افغانی (پشتو) (AFGHANI): KAM

یونانی (GREEK): KHRÁMBOS

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):(شاید)

SKARPR

ساکسونی کهن (OLD SAXON):(شاید) SKARP

فریزی کهن (OLD FRISIAN):(شاید)

SKARP, SKERP

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):(شاید)

SCARF

آلمانی (GERMAN):(شاید) SCHARF

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):(شاید)

SCEARP

انگلیسی (ENGLISH):(شاید) SHARP

دانمارکی (DANISH):(شاید) SHARP

سوئدی (SWEDISH):(شاید) SKARP

نروژی (NORWEGIAN):(شاید) SKARP

هلندی (DUTCH):(شاید) SCHERP

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 943, 948, 938 |
| BARNHART: | (SHARP) 994, (SCRIMP) 972, (SHRIMP) 1001 |
| MACKENZIE: | FEW) 114, (LITTLE) 122, (SMALL) 133 |
| BUCK: | (LITTLE, FEW) 925-926 |
| ONIONS: | (SCRAPE) 811 |
| SKEAT: | (SHARP) 554, (SCRAPE) 542, (SHRIMP) 559 |
| AMINDAROV: | (LITTLE) 249 |
| برهان قاطع : | ۱۶۸۹ |

**یادداشت:**

۱- چون خویشی واژه‌های ژرمنی این فهرست با واژه‌های ایرانی آن مسجل نیست، در جلو واژه‌های ژرمنی (شاید) آورده‌ام.

۲- BUCK معتقد است که واژه‌های فارسی این فهرست احتمالاً با واژه‌های آلمانی کهن **HAMMĒR** و ایسلندی کهن **SKAMR** همریشه‌اند (926 :BUCK).

| | |
|---|---|
| **فارسی** *(PERSIAN):* کمر | **KAMAR** |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | **BACK, WAIST** |
| **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN):* | ***KAMER-** |

| | |
|---|---|
| اوستایی *(AVESTAN):* | **KAMARĀ** |
| پهلوی *(PAHLAVI):* | **KAMAR** |
| اوستی *(OSSETIC):* | **KAMÀRI** |
| کردی *(KURDISH):* | **KEMER, KEMBER** |
| افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* | **KAMAR** |
| سانسکریت *(SANSKRIT):* | **KMARATI, KMAR** |
| ارمنی *(ARMENIAN):* | **K'AMAK** |
| یونانی *(GREEK):* | **KAMÁRĀ** |
| لاتین *(LATIN):* | **KAMERA** |
| فرانسه *(FRENCH):* | **CHAMBRE** |
| اسپانیایی *(SPANISH):* | **CÁMARA** |
| ایتالیایی *(ITALIAN):* | **CAMERA** |
| رومانی *(RUMANIAN):* | **CAMERÁ** |
| پرتغالی *(PORTUGUESE):* | **CÁMARA** |
| ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):* | **HAMR** |
| لتونی (لتی) *(LATVIAN):* | **KAMIĒSIS** |
| پروسی‌کهن *(OLD PRUSSIAN):* | **CAYMOIS** |

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 524-525 |
| BARNHART: | (CAMERA) 137, (CHAMBER) 158 |
| MACKENZIE: | (WAIST) 139 |
| ONIONS: | (CHAMBER) 161 |
| SKEAT: | (CHAMBER) 101 |
| AMINDAROV: | (BELT) 191 |
| برهان قاطع : | ۱۶۹۴ |

یادداشت:

چم این واژه در اوستایی و اوستی و کردی: کمربند، تسمه.

چم این واژه در سانسکریت: خمیده، قوسدار.

چم این واژه در زبان‌های یونانی و رومانس: هرچیز دارای سرپوش یا تاق قوسدار، تاق ضربی، اتاق.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): ککه، که که، ککا(به چم "سرگین"، "براز"، "گُه") | KEKÉ, KEKA |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | FECES, SHIT, EXCREMENT |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *KAKKA- |

سانسکریت (SANSKRIT): KAK-, CAKNAS

ارمنی (ARMENIAN): KAKOR

یونانی (GREEK): KAKKÁŌ, KÁKKÉ

لاتین (LATIN): CACŌ, CACĀRE

فرانسه (FRENCH): CHIER

اسپانیایی (SPANISH): CAGAR

ایتالیایی (ITALIAN): CACARE

رومانی (RUMANIAN): CĀCA, CĀCAT

پرتغالی (PORTUGUESE): CAGAR

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): KUKA

آلمانی (GERMAN): KACKEN, GEGGA

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): CAC-, CACKEN

انگلیسی (ENGLISH):(محلی) CACK

دانمارکی (DANISH): KAKKE

هلندی (DUTCH): KAKKEN

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): KAKATI

لهستانی (POLISH): KAKAC

روسی (RUSSIAN): KAKAT

صربی (SERBIAN): KAKATI, KAKITI

برهمی (BOHEMIAN): KAKATI

ایرلندی میانه (MIDDLE PERSIAN): CACCAIM, COCC

ولزی (WELSH): CACH

برتونی (BRETON): CAC'H

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 521 |
| DELAMARRE: | (CHIER) 262 |
| BUCK: | 275 |
| THE NEW SHORTER OXFORD ENGLISH DICTIONARY: | 314 |
| MALLORY: | 32 |
| برهان قاطع: | ۱۶۶۵ |

| فارسی (PERSIAN): کل، کچل | KAL, KACHAL |
|---|---|
| چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | BALD |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *KELEWO-, *KLWOS |

اوستایی (AVESTAN): KAURVA
کردی (KURDISH): KECHEL
سانسکریت (SANSKRIT): KULVAS
لاتین (LATIN): CALVUS
فرانسه (FRENCH): CHAUVE
اسپانیایی (SPANISH): CALVO
ایتالیایی (ITALIAN): CALVO
رومانی (RUMANIAN): CHEL
پرتغالی (PORTUGUESE): CALVO
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): KALO
آلمانی (GERMAN): KAHL
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): CALU
انگلیسی (ENGLISH): CALLOW
سوئدی (SWEDISH): KAL
هلندی (DUTCH): KAAL
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): COLŪ
چک (CZECH): HOLÝ
اسلواکی (SLOVAK): HOLÝ
لتونی (لتی) (LATVIAN): KAILS

| بسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 554 | POKORNY: |
| (CALLOW) 136 | BARNHART: |
| (CHAUVE) 316 | DELAMARRE: |
| 317-318 | BUCK: |
| (CALLOW) 137 | ONIONS: |
| برهان قاطع: ۱۶۰۰ و ۱۶۶۵ | |

یادداشت:

چم این واژه در انگلیسی نوین: جوجه، بی‌تجربه.

| فارسی (PERSIAN): کلاغ | KALĀGH |
|---|---|
| چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | CROW |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *KER-, *KOR-, *KR- |

اوستایی (AVESTAN): VĀRAGHNA
پهلوی (PAHLAVI): WARĀGH, VARĀK
کردی (KURDISH): KALA
بلوچی (BALUCHI): GURAGH
افغانی (پشتو) (AFGHANI): KĀRGHA, KĀRGHĒ
تخاری B (TOKHARIAN B): KERU
یونانی (GREEK): KHORAX
لاتین (LATIN): CORVUS
فرانسه (FRENCH): CORBEAU
اسپانیایی (SPANISH): CUERVO
ایتالیایی (ITALIAN): CORNACCHIA
پرتغالی (PORTUGUESE): CORVO
نورس کهن (OLD NORSE): SKRAUMI, SKRUM
فریزی کهن (OLD FRISIAN): SKRUMMEL
آلمانی (GERMAN): SCHRUMMLN
نروژی (NORWEGIAN):

SKAAT, SKRATE, SKRATLE

| لهستانی (POLISH): | KARKAC |
|---|---|
| چک (CZECH): | KRÁKORATI |
| صربی (SERBIAN): | KRAKORITI |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | SKRIUNÚ |
| ایرلندی میانه (MIDDLE IRISH): | CRŪ |

| بسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 567, 570 | POKORNY: |
| (CROW) 109 | MACKENZIE: |
| برهان قاطع: | ۱۶۶۹ |
| فرهنگ معین: | ۳۰۱۶ |

**یادداشت:**

۱- چم این واژه در زبان‌های اسلاوی این فهرست: غارغار کردن

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی این فهرست: جیغ و داد کردن، صدای گوشخراش

۲- شاید واژه‌های انگلیسی **CROW** و آلمانی **KRÄHE** نیز از همین واجریشه باشند.

| فارسی (PERSIAN): کله | KALLÉ |
|---|---|
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | HEAD |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *KAPUT, *KAPOLO |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | KAMERƏTHA |
| کردی (KURDISH): | KELLE |
| سانسکریت (SANSKRIT): | KAPÚCCHALAM |
| ارمنی (ARMENIAN): | KULOUKH |
| یونانی (GREEK):(شاید) | KÁPĀ, KEPHALĒ |
| لاتین (LATIN): | CAPUT, CAPITIUM |
| فرانسه (FRENCH): | CAP |
| اسپانیایی (SPANISH): | CABEZA |
| ایتالیایی (ITALIAN): | CAPO |
| رومانی (RUMANIAN): | CAP |
| پرتغالی (PORTUGUESE): | CABECA |
| گوتیک (GOTHIC): | HAUBITH |
| ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): | HOFUDH |
| ساکسونی کهن (OLD SAXON): | HOBID |
| فریزی کهن (OLD FRISIAN): | HĀVED, HĀFD |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | HOUBIT |
| آلمانی (GERMAN): | HAUPT |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | HĒFOD |
| انگلیسی (ENGLISH): | HEAD |
| دانمارکی (DANISH): | HOVED |
| سوئدی (SWEDISH): | HOVUD |
| نروژی (NORWEGIAN): | HOVED |
| هلندی (DUTCH): | HOOFD |
| اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): | GLAWA |
| لهستانی (POLISH): | GLOWA |
| روسی (RUSSIAN): | GOLOVA |
| چک (CZECH): | HLAVA |
| صربی (SERBIAN): | GLAVA |
| بوهمی (BOHEMIAN): | HLAVA |
| اسلواکی (SLOVAK): | HLAVA |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | GALVA |
| لتونی (لتی) (LATVIAN): | GALVA |

| پسگشت‌ها REFERENCES | | | |
|---|---|---|---|
| BUCK: | 212-213 | POKORNY: | 529 |
| ONIONS: | (HEAD) 432 | BARNHART: | (HEAD) 470 |
| AMINDAROV: | (HEAD) 234 | DELAMARRE: | (TETE) 100 |
| برهان قاطع : | ۱۸۸۴ | | |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): کندن | KANDAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | DIG, CARVE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):(شاید) | *KH-, *KHAN-, *KHN∂ |

اوستایی (AVESTAN): KAN-

پارسی باستان (OLD PERSIAN): KAN-

پهلوی (PAHLAVI): KANDAN, KANTAN

اوستی (OSSETIC): -GANIN

کردی (KURDISH): KENÁN, CHIKANDIN

افغانی (پشتو) (AFGHANI):

KANDAL, KINDËL

سانسکریت (SANSKRIT):

KHAN-, KHÁNATI

ارمنی (ARMENIAN): AKAN

| پسگشت‌ها REFERENCES | |
|---|---|
| POKORNY: | 634 |
| MACKENZIE: | (DIG) 110 |
| AMINDAROV: | (DIG) 212 |
| برهان قاطع : | ۱۷۰۷ |

**یادداشت:**

۱- واژه‌های این فهرست با واژه‌های انگلیسی CARVE و آلمانی KERBEN و واژه‌های اسکاندنیاوی همریشه آنها شباهت دارند ولی ظاهراً این واژه‌ها از یک واجریشه‌ی هند و اروپایی دیگر (*GERBH) آمده‌اند (147:BARNHART)

۲- بازگشت به پانوشت POKORNY در صفحه‌ی ۶۳۴.

۳- رابطه‌ی واژه‌های هند و ایرانی این فهرست با واجریشه‌ی هند و اروپایی فوق احتمالی است و بهمین دلیل در جلو آن (شاید) بکار رفته است.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): کو، کجا | KŪ, KOJĀ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | WHERE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *KWŌ- *KWŪ-, *KWUR-, *KWER- |

اوستایی (AVESTAN):

KŪ, KŪTHRA, KUDĀ

پهلوی (PAHLAVI): KŪ

کردی (KURDISH):

KIDERĒ, KUDER, KUDA, KUVA

افغانی (پشتو) (AFGHANI): KUM

سانسکریت (SANSKRIT):

KŪ, KŪVA, KVĀ, KŪTRA, KUHĀ

ارمنی *(ARMENIAN)*: **UR, OUR**
یونانی *(GREEK)*: **PU-**
لاتین *(LATIN)*: **UBI**
فرانسه *(FRENCH)*: **OÚ**
اسپانیایی *(SPANISH)*: **DONDE**
ایتالیایی *(ITALIAN)*: **DOVE**
رومانی *(RUMANIAN)*: **UNDE**
پرتغالی *(PORTUGUESE)*: **ONDE**
گوتیک *(GOTHIC)*: **HWAR**
ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN)*:
**HVAR**
ساکسونی کهن *(OLD SAXON)*: **HWĀR**
فریزی کهن *(OLD FRISIAN)*: **HWĒR**
آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN)*: **HWĀR**
آلمانی *(GERMAN)*: **WO**
انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH)*:
**HWAR, HWAR**
انگلیسی *(ENGLISH)*: **WHERE**
دانمارکی *(DANISH)*: **HVOR**
سوئدی *(SWEDISH)*: **VAR**
نروژی *(NORWEGIAN)*: **HVOR, KVAR**
هلندی *(DUTCH)*: **WARR**

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC)*:
**KŪDE**
لهستانی *(POLISH)*: **GDZIE**
چک *(CZECH)*: **KDE, KAM**
بوهمی *(BOHEMIAN)*: **KDE, KAM**
اسلواکی *(SLOVAK)*: **KDE, KAM**
لیتوانی *(LITHUANIAN)*: **KURĖ, KUR**
پروسی کهن *(OLD PRUSSIAN)*: **QUEI**
گالی *(GAULISH)*: **CW, CWD**
ولزی *(WELSH)*: **CW, CWD**
آلبانی *(ALBANIAN)*: **KU, KUR**
هتیت *(HITTITE)*: **KUWABI**

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 647-648 |
| *BARNHART:* | (WHERE) 1231 |
| *DELAMARRE:* | (OÙ) 304 |
| *MACKENZIE:* | (WHERE) 140 |
| *SKEAT:* | (WHERE) 710 |
| *AMINDAROV:* | (WHERE) 309 |
| برهان قاطع: | ۱۷۱۶ و ۱۵۹۷ |

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN)*: کوتاه، کوته | **KŪTĀH, KŪTAH** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **SHORT** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN)*:(شاید) | ***(S)KER-, *KORTU-, *(S)KRTĀ-, *KRTOS-** |

اوستایی *(AVESTAN)*:
**KUTAKA, KAUTAKA**
پهلوی *(PAHLAVI)*:
**KOTAK, KŌTĀH, KUK**
کردی *(KURDISH)*: **KŪT, KŪTĀH, KUK**
افغانی (پشتو) *(AFGHANI)*: **KŌTĀH**

سانسکریت *(SANSKRIT)*: **KATU-**
ارمنی *(ARMENIAN)*: **KOTAK**
یونانی *(GREEK)*: **KIERŌ**
لاتین *(LATIN)*: **CURTUS**
فرانسه *(FRENCH)*: **COURT**
اسپانیایی *(SPANISH)*: **CORTO**

ایتالیایی (ITALIAN): CORTO
رومانی (RUMANIAN): SCURT
پرتغالی (PORTUGUESE): CURTO
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
SKORT, SKORTR
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
SCURZ
آلمانی (GERMAN): KURZ
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
SCEORT, SCORT
انگلیسی (ENGLISH): SHORT
دانمارکی (DANISH): KORT
سوئدی (SWEDISH): KORT
نروژی (NORWEGIAN): KORT
هلندی (DUTCH): KORT
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
KRATŪKŪ
لهستانی (POLISH): KROTKI
روسی (RUSSIAN): KORTKIJ
چک (CZECH): KRÁTKÝ
صربی (SERBIAN): KRATAK
بوهمی (BOHEMIAN): KRĀTKY
اسلواکی (SLOVAK): KRÁTKY
لیتوانی (LITHUANIAN): KARTUS
هتیت (HITTITE): KURTAI-

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 938-941 | POKORNY: |
| (CURT) 254, (SHORT) 941 | BARNHART: |
| (SHORT) 132 | MACKENZIE: |
| 883-889 | BUCK: |
| (SHORT) 558 | SKEAT: |
| (SHORT) 285 | AMINDAROV: |
| برهان قاطع: | ۱۷۲۱ و ۱۷۲۴ |

**یادداشت:**

۱- واژه‌های فارسی "کودک" و "کوچک" هم از همین ریشه‌اند.

۲- رابطه‌ی واژه‌های ایرانی و سانسکریت این فهرست با دیگر واژه‌های آن احتمالی است و لذا جلو واجریشه‌ی هند و اروپایی (شاید) آورده‌ام.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): کود، کوت | KŪD, KŪT |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | FERTILIZER, DUNG, MANURE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *KŪDH- |

اوستایی (AVESTAN): GŪTHA
سانسکریت (SANSKRIT): GŪTHA
ارمنی (ARMENIAN): KU, KOY
یونانی (GREEK): US-KHUTHÁ
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): QUAT
آلمانی (GERMAN): KOT
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): CWĒAD
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
GONVO
لیتوانی (LITHUANIAN): SHÚDAS
لتونی (لتی) (LATVIAN): SŪDS

| | | | |
|---|---|---|---|
| BUCK: | 276 | REFERENCES | بسگشت‌ها |
| ۱۷۲۳ | برهان قاطع: | POKORNY: | 627 |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): کور | KŪR |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | BLIND |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *KAIKO-, *KĀID- |

پهلوی (PAHLAVI): KŌR

کردی (KURDISH): KOR, KUR, KURI

سانسکریت (SANSKRIT): KEKARA

ارمنی (ARMENIAN): GOUYR

لاتین (LATIN): CAECUS

اسپانیایی (SPANISH): CIEGO

ایتالیایی (ITALIAN): CIECO

پرتغالی (PORTUGUESE): CEGO

گوتیک (GOTHIC): HAIHS

لیتوانی (LITHUANIAN): KEIKTI

ایرلندی کهن (OLD IRISH): CAECH

ولزی (WELSH): COEG

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 519-520 |
| MACKENZIE: | (BLIND) 104 |
| BUCK: | 322-323 |
| AMINDAROV: | (BILND) 192 |
| ۱۷۲۴ | برهان قاطع: |

یادداشت:

چم این واژه در سانسکریت: چپ چشم.

چم این واژه در گوتیک و ایرلندی کهن و ولزی: یک چشمی.

چم این واژه در لیتوانی: با سو"نیت نگاه کردن.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): کوژ، کوز، قوز | KŪZH, KŪZ, GHŪZ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | HUMP, HUNCH, CONVEX |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *KEUK-, *KOUK, *KUK- |

پهلوی (PAHLAVI): KŌF

کردی (KURDISH): KŪZ

سانسکریت (SANSKRIT): KUCAS

گوتیک (GOTHIC): HAUHS

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): HŌR, HĀR

ساکسونی کهن (OLD SAXON): HŌH

فریزی کهن (OLD FRISIAN): HĀCH

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): HŌH

آلمانی (GERMAN): HOCH

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): HĒAH

انگلیسی (ENGLISH): HIGH

دانمارکی (DANISH): HOI

سوئدی (SWEDISH): HÖG

| | |
|---|---|
| نروژی *(NORWEGIAN):* | **HOY** |
| هلندی *(DUTCH):* | **HOOG** |
| لهستانی *(POLISH):* | **KUEZKI** |
| روسی *(RUSSIAN):* | **KŪCHA** |
| چک *(CZECH):* | **KUCHE** |
| بلغاری *(BULGARIAN):* | **KUKA** |
| لیتوانی *(LITHUANIAN):* | **KAŪKAS** |
| لتونی (لتی) *(LATVIAN):* | **KUKURS, KUKUMS** |
| پروسی کهن *(OLD PRUSSIAN):* | **CAWX** |
| ایرلندی کهن *(OLD IRISH):* | **CUAR** |

یادداشت:

چم این واژه در سانسکریت: پستان زن

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: برجسته، بلند

چم این واژه در زبان لیتوانی: ورم، برآمدگی

چم این واژه در زبان بلغاری: قلاب

چم این واژه در زبان روسی: انباشته.

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 589 |
| *BARNHART:* | (HIGH) 481 |
| *MACKENZIE:* | (HUMP) 118 |
| *ONIONS:* | (HIGH) 440 |
| *SKEAT:* | (HIGH) 271 |
| ۱۷۲۷ | برهان قاطع : |
| ۲۷۴۵ | فرهنگ معین : |

| | |
|---|---|
| **KŪFTAN, KŪBIDAN, KŪSTAN** | فارسی *(PERSIAN):* **کوفتن، کوبیدن، کوستن** |
| **POUND, SMASH, CRUSH,** | **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** |
| ***KĀU-, *KəU-** | **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN):* |

| | |
|---|---|
| پارتی (اوراق مانوی) | **KWBG, KWSTN** |
| پهلوی *(PAHLAVI):* | **KŌFTAN, KŌSTAN, KŌB** |
| کردی *(KURDISH):* | **KŪTAN** |
| تخاری A *(TOKHARIAN A):* | **KO** |
| تخاری B *(TOKHARIAN B):* | **KAU** |
| لاتین *(LATIN):* | **CŪDŌ, CŪDERE** |
| گوتیک *(GOTHIC):* | **HAWI** |
| ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):* | **HUGGVA** |
| ساکسونی کهن *(OLD SAXON):* | **HAUWAN** |
| فریزی کهن *(OLD FRISIAN):* | **HAWA, HOWA** |
| آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):* | **HOUWAN** |
| آلمانی *(GERMAN):* | **HAVEN** |
| انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* | **HĒAWAN** |
| انگلیسی *(ENGLISH):* | **HEW** |
| دانمارکی *(DANISH):* | **HUGGE** |
| سوئدی *(SWEDISH):* | **HUGGA** |
| نروژی *(NORWEGIAN):* | **HOGGE** |
| هلندی *(DUTCH):* | **HOUWEN** |
| اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):* | **KUJU** |

روسی (RUSSIAN): KUZNO, KOVATE
بلغاری (BULGARIAN): KOVATI
صربی (SERBIAN): KŪJĒM
لیتوانی (LITHUANIAN): KÁUJU, KÁUTI
لتونی (لتی) (LATVIAN): -KAUT
پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): CUGIS

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 535 |
| BARNHART: | (HEW) 479 |
| DELAMARRE: | (BATTRE, FORGER) 262 |
| MACKENZIE: | (POUND) 127 |
| ۱۷۲۹ و ۱۷۳۲ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

چم این واژه در زبان‌های تخاری: کشتن.

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: (با ضربه‌ی شمشیر و غیره) بریدن، ضربت زدن.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): **کوکو (به چم "فاخته")** | **KŪKŪ** |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | **CUCKOO** |
| **هند و اروپایی** (INDO-EUROPEAN): | ***KAW-, *KAUK∂LOS** |

سانسکریت (SANSKRIT): KOKILAS
یونانی (GREEK): KAUKALIAS, KOKKYX
لاتین (LATIN): CUCŪLUS
فرانسه (FRENCH): COUCOU
اسپانیایی (SPANISH): CUCO
ایتالیایی (ITALIAN): CUCULO
پرتغالی (PORTUGUESE): COGUL
آلمانی (GERMAN): KUCKUCK
انگلیسی (ENGLISH): CUCKOO
هلندی (DUTCH): KOEKOEK
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): KUKAVIKA
لهستانی (POLISH): KUKULKA
روسی (RUSSIAN): KUKUSHKA, KUKUSA
لیتوانی (LITHUANIAN): KAUKALE, KUKUOTI
ایرلندی میانه (MIDDLE IRISH): CUACH

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 536 |
| BARNHART: | (CUCKOO) 240 |
| DELAMARRE: | (COUCOU) 140 |
| MALLORY: | 116 |
| ۱۷۳۴ | برهان قاطع: |
| ۳۱۳۰ | فرهنگ معین: |

**یادداشت:**

نام این پرنده یک واژه‌ی آوایی (نام آوا ONOMATOPOEIA) است که در بسیاری از زبان‌های هند و اروپایی وجود دارد. کاربرد آن توسط شاعران فارسی (مثلاً خیام و امیرخسرو) نشان می‌دهد که این واژه از دیرباز در زبان فارسی وجود داشته است.

| | |
|---|---|
| KŪN | فارسی (PERSIAN): کون |
| RECTUM, ANUS | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *KUL-, *KAUL-, *KUTSÓS | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

پهلوی (PAHLAVI): KŪN
کردی (KURDISH): KUN, QING, KIN
بلوچی (BALUCHI): KŪN, KIN
سانسکریت (SANSKRIT): KULYĀ
یونانی (GREEK): KAULÓS
لاتین (LATIN): CŪLUS, CAULIS
فرانسه (FRENCH): CUL
اسپانیایی (SPANISH): CULO
ایتالیایی (ITALIAN): CULO
پرتغالی (PORTUGUESE): CULO
گوتیک (GOTHIC): HULUNDI
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): HOLR
ساکسونی کهن (OLD SAXON): HOL
فریزی کهن (OLD FRISIAN): HOL
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): HOL
آلمانی (GERMAN): HOHL
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): HOL
انگلیسی (ENGLISH): HOLE
دانمارکی (DANISH): HUL
سوئدی (SWEDISH): HÄL
نروژی (NORWEGIAN): HUL, HOL
هلندی (DUTCH): HOL
لیتوانی (LITHUANIAN): KÁULAS
لتونی (لتی) (LATVIAN): KAŪLS
پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): CAULAN

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 537 |
| BARNHART: | (HOLE) 486 |
| MACKENZIE: | (ANUS) 102 |
| ONIONS: | (HOLE) 444 |
| SKEAT: | (HOLE) 274 |
| MALLORY & ADAMB: | |
| KUTSÓS | |
| ۱۷۳۸ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: سوراخ.

| | |
|---|---|
| KŪH | فارسی (PERSIAN): کوه |
| MOUNTAIN | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *KEUP-, *KEUB-, *KOU-, *KOUB | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): KAOFA
پارسی باستان (OLD PERSIAN): KAUFA
پهلوی (PAHLAVI): KŌF, KOFAK
کردی (KURDISH): KŪWI
بلوچی (BALUCHI): KŌPAK, KOFAGH
افغانی (پشتو) (AFGHANI): KVAB
تخاری A (TOKHARIAN A): KOC
تخاری B (TOKHARIAN B): KAUC
ارمنی (ARMENIAN): KOHAK
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

HOF, HOPR

ساکسونی کهن (OLD SAXON): HŌP

فریزی کهن (OLD FRISIAN): HĀP

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

HOVAR, HUBIL

آلمانی (GERMAN): HÜGEL, HAUFE

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

HOFER, HĒAP

انگلیسی (ENGLISH): HEAP

دانمارکی (DANISH): HOP

نروژی (NORWEGIAN): HOV

هلندی (DUTCH): HEUVEL, HOOP

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

KUPŪ

لهستانی (POLISH): KOPIEC, KUPA

بلغاری (BULGARIAN): KUPU

صربی (SERBIAN): HUP

اسلواکی (SLOVAK): KOPEC

لیتوانی (LITHUANIAN): KAUPAS, KUPRA

لتونی (لتی) (LATVIAN): KURS

ایرلندی کهن (OLD IRISH): CŪAN

آلبانی (ALBANIAN): KJIPI

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 589-591 |
| BARNHART: | (HEAP) 470-471 |
| MACKENZIE: | (MOUNTAIN) 124 |
| BUCK: | 25, 852 |
| برهان قاطع: | ۱۷۳۹ |

**یادداشت:**

چم برخی از واژه‌های این فهرست: کوهان، تپه، توده یا انباشته‌ی بلند.

| فارسی (PERSIAN): کی (به چم "چه کسی") | KI |
|---|---|
| چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | WHO |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *KWE-, *KWA-, *KWI- |

اوستایی (AVESTAN): KŌ, KĀ

پارسی باستان (OLD PERSIAN): KASH

پهلوی (PAHLAVI): KĒ

افغانی (پشتو) (AFGHANI): CHĀ

تخاری A (TOKHARIAN A): KUS

تخاری B (TOKHARIAN B): KUSE

سانسکریت (SANSKRIT):

KAS, KĀ, KIS

ارمنی (ARMENIAN): OV, VOR

یونانی (GREEK): TIS, TĒO

لاتین (LATIN): QUI, QUIS, QUAE

فرانسه (FRENCH): QUI

اسپانیایی (SPANISH): QUE, QUIEN

ایتالیایی (ITALIAN): CHI

رومانی (RUMANIAN): CINE

پرتغالی (PORTUGUESE): QUE, QUEM

گوتیک (GOTHIC): HWAS, HWŌ

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

HVERR

ساکسونی کهن (OLD SAXON): HWĒ

فریزی کهن (OLD FRISIAN): HWĀ

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

HWER, WER

| | |
|---|---|
| آلمانی (GERMAN): | WER |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | HWĀ |
| انگلیسی (ENGLISH): | WHO |
| دانمارکی (DANISH): | HVO |
| سوئدی (SWEDISH): | HVAR, HVEM |
| نروژی (NORWEGIAN): | HVO |
| هلندی (DUTCH): | WIE |
| اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): | KŪTO, CHITO |
| لهستانی (POLISH): | KTO, KTORY |
| روسی (RUSSIAN): | KTO, CHTO |
| چک (CZECH): | KDO, KTERÝ |
| اسلواکی (SLOVAK): | KTO, KTORÝ |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | KAS |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | NECH, CĒ, CIA |
| ولزی (WELSH): | PWY |
| هتیت (HITTITE): | KUIS, KUIT |

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 644-648 |
| BARNHART: | (WHO) 1234 |
| DELAMARRE: | (QUI) 303 |
| MACKENZIE: | (WHO) 140 |
| ONIONS: | (WHO) 1004 |
| SKEAT: | (WHO) 718 |
| فرهنگ معین : | ۳۱۴۶ |

**یادداشت:**

واژه‌های اوستایی KAS و پارسی باستان KASH (به چم "کس"، "شخص") نیز از همین واجریشه‌اند. همچنین واژه‌های اوستایی KAS-CHIT و پارسی باستان KASH-CHI نیز از همین واجریشه‌اند(RAMA: 137)

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): کی (به چم "چه وقت"، "چه هنگام") | KAY |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | WHEN |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *KWA-, *KWO-, *KWE- |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | KADHA, KEM, KO |
| پارسی باستان (OLD PERSIAN): | KADHĀ, KĀ, KASH |
| پهلوی (PAHLAVI): | KA, KAY |
| اوستی (OSSETIC): | KÄD |
| کردی (KURDISH): | KI, KENGĒ |
| بلوچی (BALUCHI): | KADI |
| افغانی (پشتو) (AFGHANI): | KALA |
| سانسکریت (SANSKRIT): | KĀH, KADĀ |
| ارمنی (ARMENIAN): | UR |
| یونانی (GREEK): | POI |
| لاتین (LATIN): | QUOM, CUM, QUAND |
| فرانسه (FRENCH): | QUAND |
| اسپانیایی (SPANISH): | CUANDO |
| ایتالیایی (ITALIAN): | QUANDO |
| رومانی (RUMANIAN): | CIND |
| پرتغالی (PORTUGUESE): | QUANDQ |
| گوتیک (GOTHIC): | HWAN |
| ساکسونی کهن (OLD SAXON): | HWAN |
| فریزی کهن (OLD FRISIAN): | HWENNE |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | WANNE, WENNI |

آلمانی *(GERMAN):* **WANN**
انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* **HWANNE, HWENNE**
انگلیسی *(ENGLISH):* **WHEN**
هلندی *(DUTCH):* **WANNEER**
اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):* **KOGDA**
لهستانی *(POLISH):* **KIEDY, KIEDYZ**
روسی *(RUSSIAN):* **KDY, KDYZH**
اسلواکی *(SLOVAK):* **KED, KEDY**
لیتوانی *(LITHUANIAN):* **KA, KUR, KADA**
پروسی کهن *(OLD PRUSSIAN):* **KAN**
ایرلندی کهن *(OLD IRISH):* **CAN**
ولزی *(WELSH):* **PON**
آلبانی *(ALBANIAN):* **KË**

| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 644-648 |
| *BARNHART:* | (WHEN) 1230 |
| *DELAMARRE:* | 303 |
| *MACKENZIE:* | (WHEN) 140 |
| *ONIONS:* | (WHEN) 1001 |
| ۱۷۴۸ | برهان قاطع : |

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* کین، کینه | KIN, KINÉ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | HATE, MALICE, HATRED |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | *KWEI, *KWOINA- |

اوستایی *(AVESTAN):* **KAĒNĀ, KĀY**
پهلوی *(PAHLAVI):* **KĒN**
اوستی *(OSSETIC):* **CHITHÄ**
کردی *(KURDISH):* **KIN**
بلوچی *(BALUCHI):* **KINAGH**
افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* **KINA**
سانسکریت *(SANSKRIT):* **KĀY-, CĀYATI**
ارمنی *(ARMENIAN):* **KĒN**
یونانی *(GREEK):* **KEDOS, KEDEIN**
اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):* **CĒNA**
روسی *(RUSSIAN):* **KAJATU**
بلغاری *(BULGARIAN):* **CÉNA**
لیتوانی *(LITHUANIAN):* **KÁINA**
پروسی کهن *(OLD PRUSSIAN):* **ER-KININT**
ایرلندی کهن *(OLD IRISH):* **CIN, CINAD**

| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 637 |
| *MACKENZIE:* | |
| (HATE) 117, (MALICE) 122 | |
| ۱۷۵۹ | برهان قاطع : |

**یادداشت:**

۱- شاید واژه‌ها انگلیسی HATE و آلمانی HASS و فرانسه‌ی HAIN و گوتیک HATIS هم از همین ریشه باشند.

۲- چم این واژه در اوستی و بلغاری: شرف.

چم این واژه در روسی و ایرلندی کهن: تقصیر.

چم این واژه در پروسی کهن: خلاص از شر شیطان.

چم این واژه در لیتوانی و اسلاوی کهن: بها، قیمت.

چم این واژه در زبان‌های اوستایی و سانسکریت: تقاص، دیه، جریمه‌ی قتل.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): گائیدن، گاییدن، گادن | GĀEDAN, GĀDAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | COPULATE, FUCK |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *GWEI-, *GWI-, *GWEY∂- |

پهلوی (PAHLAVI): GĀDAN

سانسکریت (SANSKRIT): JINAS

گوتیک (GOTHIC): QUISTJAN

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): KVEITA

فریزی کهن (OLD FRISIAN): QUINKA

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): QUIST

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): -CWENCAN

انگلیسی (ENGLISH): QUENCH

نروژی (NORWEGIAN): KVEISA

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 470 | POKORNY: |
| (QUENCH) 874 | BARNHART: |
| (COPULATE) 108 | MACKENZIE: |
| (QUENCH) 492 | SKEAT: |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۱۸۸۶۸ و ۱۸۸۷۰ |
| فرهنگ معین: | ۳۱۹۲ |

یادداشت:

چم این واژه در زبان سانسکریت: پیری

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: فرونشاندن، ضایع کردن

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): گاز (به چم "علف") | GĀZ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | GRASS |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):(شاید) | *GHR∂S-, *CHRŌS-, *GHRĒ- |

کردی (KURDISH): GIHA

سانسکریت (SANSKRIT): GHAS

گوتیک (GOTHIC): GRAS

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): GRAS

ساکسونی کهن (OLD SAXON): GRAS

فریزی کهن (OLD FRISIAN): GRES

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): GRAS

آلمانی (GERMAN): GRAS

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): GRAS, GARS

انگلیسی (ENGLISH): GRASS

دانمارکی (DANISH): GRÄS

سوئدی (SWEDISH): GRÄS

نروژی (NORWEGIAN): GRESS

هلندی (DUTCH): GRAS

| | | | |
|---|---|---|---|
| SKEAT: | (GRASS) 248 | REFERENCES | پسگشت‌ها |
| AMINDAROV: | (GRASS) 231 | POKORNY: | 454 |
| ۳۱۶۵ | فرهنگ معین : | BARNHART: | (GRASS) 447 |
| ۱۷۶۳ | برهان قاطع : | ONIONS: | (GRASS) 410 |

یادداشت:

هیچکدام از پسگشت‌ها (مراجع) من به رابطه‌ی واژه‌های ایرانی و سانسکریت این فهرست با دیگر واژه‌های این فهرست اشاره‌ای نمی‌کنند. بهمین دلیل در جلو واجریشه‌ی هند و اروپایی (شاید) آورده‌ام.

| | |
|---|---|
| GĀM | فارسی (PERSIAN): گام |
| STEP, PACE | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *GWĀ-, *GWEM-, *GWAMN- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN):
GĀMAN, GĀYA-, GATISH

پارسی باستان (OLD PERSIAN): GĀTHU

پهلوی (PAHLAVI): GĀM

کردی (KURDISH): GAW

افغانی (پشتو) (AFGHANI): GĀM

تخاری A (TOKHARIAN A): KÄM

تخاری B (TOKHRIAN B): KÄM

سانسکریت (SANSKRIT):
GĀYAM, -GAMAN, GÁTIS

ارمنی (ARMENIAN): KAM

یونانی (GREEK): BĒMA, BAINEIN

لاتین (LATIN): VENIR

گوتیک (GOTHIC): GA-QUMTH, QIMAN

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
KOMA

ساکسونی کهن (OLD SAXON): CUMAN

فریزی کهن (OLD FRISIAN): KUMA

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
QUEMAN, COMAN

آلمانی (GERMAN): KOMMEN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
CUMAN, COMEN

انگلیسی (ENGLISH): COME

دانمارکی (DANISH): KOMME

سوئدی (SWEDISH): KOMMA

نروژی (NORWEGIAN): KOMME

هلندی (DUTCH): KOMEN

لیتوانی (LITHUANIAN): GŌTI

لتونی (لتی) (LATVIAN): GĀJU

ایرلندی کهن (OLD IRISH): GĀTRAM

آلبانی (ALBANIAN): NGĀ

| | |
|---|---|
| REFERENCES | پسگشت‌ها |
| POKORNY: | 463-464 |
| BARNHART: | (COME) 192 |
| DELAMARRE: | (PAS) 84 |
| MACKENZIE: | (STEP) 134 |
| ۱۷۶۵ | برهان قاطع : |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): گاو | GĀV |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | COW |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *GWŌUS, *GWŌM |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | GĀUSH, GAO- |
| پارسی باستان (OLD PERSIAN): | GAV |
| پهلوی (PAHLAVI): | GĀW |
| اوستی (OSSETIC): | QŪG, YOG |
| کردی (KURDISH): | GĀ |
| بلوچی (BALUCHI): | GŌK, GŌX |
| افغانی (پشتو) (AFGHANI): | GHWĀ |
| تخاری A (TOKHARIAN A): | KO |
| تخاری B (TOKHARIAN B): | KAU |
| سانسکریت (SANSKRIT): | GĀÚS, GO- |
| ارمنی (ARMENIAN): | KOV, GOV |
| یونانی (GREEK): | BOŪS |
| لاتین (LATIN): | BŌS |
| فرانسه (FRENCH): | BAUF |
| اسپانیایی (SPANISH): | BUEY |
| ایتالیایی (ITALIAN): | BUE, BOVE |
| ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): | KȲR |
| ساکسونی کهن (OLD SAXON): | KŌ |
| فریزی کهن (OLD FRISIAN): | KŪ |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | KUO |
| آلمانی (GERMAN): | KUH |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | CŪ |
| انگلیسی (ENGLISH): | COW |
| دانمارکی (DANISH): | KO |
| سوئدی (SWEDISH): | KO |
| نروژی (NORWEGIAN): | KU |
| هلندی (DUTCH): | KOE |
| اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): | KRAVA, GOVEDO |
| لهستانی (POLISH): | KROWA |
| روسی (RUSSIAN): | KOROVA, GOVIADO |
| چک (CZECH): | KRÁVA |
| صربی (SERBIAN): | KRAVA |
| بوهمی (BOHEMIAN): | KRÁVA |
| اسلواکی (SLOVAK): | KRAVA |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | KARVE |
| لتونی (لتی) (LATVIAN): | GÙOVS |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | BŌ |
| ولزی (WELSH): | BUW |
| برتونی (BRETON): | BUC'H |
| گالیک (GAELIC): | BÓ |

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 482 |
| BARNHART: | (COW) 229 |
| DELAMARRE: | 133-134 |
| MACKENZIE: | (COW) 109 |
| BUCK: | 152-155 |
| ONIONS: | (COW) 223 |
| SKEAT: | (COW) 140 |
| RAMAT: | 34 |
| AMINDAROV: | (BULL) 195 |
| ۱۷۶۶ | برهان قاطع: |

| | |
|---|---|
| GORĀZ | فارسی (PERSIAN): گراز |
| BOAR | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *WER-, *WEROS | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): (شاید) |

| | | | |
|---|---|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | VARĀZA | رومانی (RUMANIAN): | VIER |
| پهلوی (PAHLAVI): | VARĀZ, WARĀZ | لتونی (لتی) (LATVIAN): | VERVEX |
| کردی (KURDISH): | BERĀZ | پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): | VIRSES |
| سانسکریت (SANSKRIT): | VARĀHA | | |
| ارمنی (ARMENIAN): | VARAZ | | |
| لاتین (LATIN): | VERRĒS | | |
| فرانسه (FRENCH): | VERRAT | | |
| اسپانیایی (SPANISH): | VERRACO | | |
| ایتالیایی (ITALIAN): | VERRO | | |

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| MACKENZIE: | (BOAR) 104 |
| BUCK: | 160-164 |
| AMINDAROV: | (BOAR) 192 |
| ۱۷۷۹ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

رابطه‌ی واژه‌های ایرانی و سانسکریت و ارمنی این فهرست با واجریشه‌ی هند و اروپایی و دیگر واژه‌های این فهرست احتمالی است و بهمین دلیل در جلو واجریشه‌ی هند و اروپایی (شاید) آورده‌ام.

| | |
|---|---|
| GERĀMI, GERĀM | فارسی (PERSIAN): گرامی، گرام |
| DEAR, TREASURED, VALUABLE | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *GWER-, GWERə-, GWRTÓS | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): (شاید) |

اوستایی (AVESTAN):
GAR-, GARO-, GARAH-

پهلوی (PAHLAVI):
GRĀMĪG, GARĀMIK, GARĀM,
GRĀMIH, GRĀMAG

سانسکریت (SANSKRIT):
GŪRTÁS, GIRÁS, GRNATI, GIRÁH

لاتین (LATIN): (شاید) GRĀTIA, GRĀTUS

فرانسه (FRENCH): GRACE

اسپانیایی (SPANISH): GRACIA

ایتالیایی (ITALIAN): GRAZIA

رومانی (RUMANIAN): GRATIE

پرتغالی (PORTUGUESE): GRACA

انگلیسی (ENGLISH): (از فرانسه) GRACE

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
GRANU

لیتوانی (LITHUANIAN):
GIRIÙ, GIRTI, GĒRAS

لتونی (لتی) (LATVIAN): DZIRTIĒS

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): GIRTWEI

آلبانی (ALBANIAN): GRISH, GĖRSHÁ

| ONIONS: | | REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|---|---|
| (GRACE) 408, (GRATEFUL) 411 | | POKORNY: | 478 |
| SKEAT: | (GRACE) 249 | BARNHART: | |
| ۳۲۱۴ | فرهنگ معین : | (GRACE) 444,(GRATEFUL) 447 | |
| ۱۷۸۱ | برهان قاطع : | MACKENZIE: | |
| | | 37, (DRAR) 109, (TREASURED) 137 | |

**یادداشت:**

۱- چم‌های گوناگون این واژه در زبان‌های این فهرست: خوشایند، تعریف، تحسین، لطف، سپاس، عزیز

۲- چون رابطه‌ی واژه‌های فارسی و پهلوی این فهرست با دیگر واژه‌های آن در هیچکدام از پسگشت‌هایم ذکر نشده برای احتیاط جلو واجریشه‌ی هند و اروپایی (شاید) گذاشته‌ام.

| | |
|---|---|
| GERĀN- | فارسی (PERSIAN): گران |
| HEAVY, SERIOUS, GRAVE, DIFFICULT, EXPENSIVE | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *GWER-, *GWR- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | GOURO, GARU |
| پارسی باستان (OLD PERSIAN): | *GRANA |
| پهلوی (PAHLAVI): | GARĀN |
| کردی (KURDISH): | GHIRAN, GIRAN |
| افغانی (پشتو) (AFGHANI): | GRĀN |
| تخاری A (TOKHARIAN A): | KRAMARTS |
| سانسکریت (SANSKRIT): | GURÚH, GURÚS |
| یونانی (GREEK): | BARÝS, BÁROS |
| لاتین (LATIN): | GRAVIS |
| فرانسه (FRENCH): | GRAVE |
| اسپانیایی (SPANISH): | GRAVE |
| ایتالیایی (ITALIAN): | GRAVE |
| رومانی (RUMANIAN): | GREU |
| پرتغالی (PORTUGUESE): | GRAVE |
| گوتیک (GOTHIC): | KAÚRUS |
| ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): | KYRR, KUIRR |
| انگلیسی (ENGLISH):(از فرانسه) | GRAVE |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | GÙRSTU, GÙRTI |
| لتونی (لتی) (LATVIAN): | GRŪTS |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | BAIR |
| ولزی (WELSH): | BRYW |

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 476-477 |
| BARNHART: | (GRAVE) 447 |
| DELAMARRE: | (LOURD) 223 |
| MACKENZIE: | (HEAVY) 117 |
| ONIONS: | (GRAVE) 411 |
| SKEAT: | (GRAVE) 248 |
| AMINDAROV: | (HEAVY) 235 |
| ۱۷۸۱ | برهان قاطع : |

**یادداشت:**

چم این واژه در ایسلندی کهن: آرام، باوقار.

چم این واژه در لیتوانی: غنودن، درازکشیدن.

| | |
|---|---|
| **فارسی** *(PERSIAN):* **گربه** | **GORBÉ** |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | **CAT** |
| **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN):* | ***WLP-, *LUP-, *ULPOS** |

پارسی باستان *(OLD PERSIAN):* ***URPA**

پهلوی *(PAHLAVI):* **GURPAK, GURBAG**

سانسکریت *(SANSKRIT):* **URUPIS**

ارمنی *(ARMENIAN):* **GADOU**

| **بسگشت‌ها** | *REFERENCES* |
|---|---|
| 1179 | *POKORNY:* |
| **برهان قاطع :** | ۱۷۸۴ |

**یادداشت:**

شاید واژه‌های انگلیسی **CAT** و آلمانی **KATZE** و لاتین **CATUS** و فرانسه‌ی **CHAT** و اسپانیایی **GATO** نیز از همین واجریشه آمده باشند ولی برخی واجریشه‌شناسان معتقدند که اصل این واژه از آفریقا یا آسیا می‌باشد. **(BARNHART: 149)**

| | |
|---|---|
| **فارسی** *(PERSIAN):* **-گرد (به چم "شهر" مثلاً در "دستگرد" یا "بروجرد")** | **GERD** |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | **CITY, FORTRESS** |
| **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN):* | ***GHER-, *GHORDHOS** |

اوستایی *(AVESTAN):* **GƏRƏDHO**

پارسی باستان *(OLD PERSIAN):* ***KRTA**

پهلوی *(PAHLAVI):* **KART**

اوستی *(OSSETIC):* **GORAD, GORAET**

تخاری B *(TOKHARIAN B):* **KERCĪYE**

سانسکریت *(SANSKRIT):* **GRHÁS**

ارمنی *(ARMENIAN):* **GARTH**

یونانی *(GREEK):* **KORTHIS, KORTOS**

لاتین *(LATIN):* **HORTUS**

فرانسه *(FRENCH):* **JARDIN**

اسپانیایی *(SPANISH):* **JARDIN, HUERTO**

گوتیک *(GOTHIC):* **GARDS, GARDA**

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):* **GARDHR**

ساکسونی کهن *(OLD SAXON):* **GARD́, GARDO**

فریزی کهن *(OLD FRISIAN):* **GARDA**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):* **GARTO, GART**

آلمانی *(GERMAN):* **GARRTEN**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* **GEARD**

انگلیسی *(ENGLISH):* **YARD, GARDEN**

دانمارکی *(DANISH):* **GĀRD**

سوئدی *(SWEDISH):* **GĀRD**

نروژی *(NORWEGIAN):* **GĀRD**

هلندی *(DUTCH):* **GAARD**

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
GRADŪ

لهستانی (POLISH): GRÓD

روسی (RUSSIAN): -GRAD, GÓROD

چک (CZECH): HRAD

بلغاری (BULGARIAN): GRADU

بوهمی (BOHEMIAN): HRAD

اسلواکی (SLOVAK): GRAD

لیتوانی (LITHUANIAN): GARDAS

ایرلندی کهن (OLD IRISH): GORT

هتیت (HITTITE): GURTAS

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 444 |
| BARNHART: | (YARD) 1251 |
| BUCK: | 1307-1309 |
| ONIONS: | (YARD) 1018 |
| SKEAT: | (YARD) 727 |
| ۱۷۸۷ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

چم این واژه در اکثر واژه‌های این فهرست: شهر، قلعه، حصار، محوطه، باغ.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): گردن، گُرم | GARDAN, GORM |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | NECK |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *GUER-, *GUERə-, *GWRIWĀ |

اوستایی (AVESTAN): GRĪVĀ

پهلوی (PAHLAVI): GERDĀN, GARTAN

کردی (KURDISH): GERDĀN

بلوچی (BALUCHI): GARDAN

افغانی (پشتو) (AFGHANI):
GARDAN, GHĀRA

سانسکریت (SANSKRIT): GRĪVĀ

یونانی (GREEK): DÉRE

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
KRAGE

آلمانی (GERMAN): KRAGEN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): KRAGEN

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
GRIVA

لتونی (لتی) (LATVIAN): GRĪVA

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 474-475 |
| DELAMARRE: | 100 |
| MACKENZIE: | (NECK) 124 |
| BUCK: | 231-233 |
| ۱۷۹۰ | برهان قاطع: |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): گُرده (به چم "کلیه" یا "قلوه") | GORDÉ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | KIDNEY |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *WERT-, *WORTO-, *WRTI |

اوستایی (AVESTAN): VEREDHKA, VERETKA

پارسی باستان (OLD PERSIAN): *VRT

پهلوی (PAHLAVI): GURTAK, GURDAK

کردی (KURDISH): GURDALE, GURDILE

بلوچی (BALUCHI): GUTTIGH

افغانی (پشتو) (AFGHANI): -WËRGAY

سانسکریت (SANSKRIT): VRKKÁ

لیتوانی (LITHUANIAN): VRITI

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 1157 | POKORNY: |
| (KIDNEY) 120 | MACKENZIE: |
| برهان قاطع: | ۱۷۹۲ |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): گُرس (به چم "گیسوی بافته") | GORS |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | BRAIDED HAIR |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *WEL-, *WLNA-, *WOLKO- |

اوستایی (AVESTAN): VARƏSA

سانسکریت (SANSKRIT): VALKA

یونانی (GREEK): LAXNM

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): LAGTHR

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): WLOH

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): VALKNO, VALSU

روسی (RUSSIAN): VOLOKNÓ, VOLOS

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 1139 | POKORNY: |
| (WOOL) 1243-1244 | BARNHART: |
| برهان قاطع: | ۱۷۹۴ |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۱۹۰۶۲ |
| فرهنگ معین: | ۳۲۵۸ |

یادداشت:

۱- بازگشت به: وَبَر

۲- چم این واژه در دیگر زبان‌های این فهرست: نخ پشمی، ریسمان (از الیاف گیاهی).

۳- واژه‌های انگلیسی WOOL و آلمانی WOLLE و سانسکریت URNA (همه به چَم "پشم") نیز از همین واجریشه‌اند (POKORNY: 1139)

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* **گرسنه، گشنه، گرسنگی، گشنگی** | **GOROSNÉ, GOSHNÉ, GOROSNEGI, GOSHNEGI** |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | **HUNGRY, HUNGER** |
| **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN):* | ***KENK-** |

پارسی باستان *(OLD PERSIAN):*

***VRSA, *VRSNA**

پهلوی *(PAHLAVI):*

**GURSAG, GURSAGIH, GUSHNAG**

کردی *(KURDISH):* **GORSNEH**

بلوچی *(BALUCHI):* **GUSHNAG**

افغانی (پشتو) *(AFGHANI):*

**WËSHAY, WËZHA**

سانسکریت *(SANSKRIT):* **GHASATI,**

**KĀNKSATI, KAKATĒ, KAKAT**

یونانی *(GREEK):* **KÉNKEI, KÉGKEIN**

گوتیک *(GOTHIC):* **HŪHRUS**

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):*

**HUNGR**

ساکسونی کهن *(OLD SAXON):* **HUNGAR**

فریزی کهن *(OLD FRISIAN):* **HUNGER**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):*

**HUNGAR**

آلمانی *(GERMAN):* **HUNGAR**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* **HUNGAR**

انگلیسی *(ENGLISH):* **HUNGER**

دانمارکی *(DANISH):* **HUNGER**

سوئدی *(SWEDISH):* **HUNGER**

نروژی *(NORWEGIAN):* **HUNGER**

هلندی *(DUTCH):* **HONGER**

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):*

**GLADŪ**

لهستانی *(POLISH):* **GŁÓD, GLODNY**

روسی *(RUSSIAN):* **GOLOD, GOLODNY**

چک *(CZECH):* **HLAD, HLADOVÝ**

صربی *(SERBIAN):* **GLAD, GLADNY**

برهمی *(BOHEMIAN):* **HLAD, HLADOVÝ**

اسلواکی *(SLOVAK):* **HLAD, HLADNÝ**

لیتوانی *(LITHUANIAN):* **KENKTI, KANKÁ**

| *REFERENCES* | **پسگشت‌ها** |
|---|---|
| *POKORNY:* | **565** |
| *BARNHART:* | **(HUNGER) 497** |
| *MACKENZIE:* | **(HUNGER, HUNGRY) 118** |
| *BUCK:* | **332** |
| *ONIONS:* | **(HUNGER): 453** |
| *KEAT:* | **(HUNGER): 282** |
| **برهان قاطع:** | **۱۷۹۴-۱۷۹۵** |

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* **گرفتن** | **GERFTAN** |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | **GRAB, HOLD , TAKE, SEIZE** |
| **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN):* | ***GHREBH-, *GHROBH-** |

اوستایی *(AVESTAN):*

**GRAB-, GEREPTA-, GERIWNAITI**

پارسی باستان *(OLD PERSIAN):*

**GRAB-, GARBAYAITI**

پهلوی (PAHLAVI): GRIFTAN, GARAFTAN

کردی (KURDISH): GIRTIN

بلوچی (BALUCHI): GIRAG

سانسکریت (SANSKRIT): GRABH-, GRAH-, GRBHNATI, AGRABHAT

لاتین (LATIN): GRABÚS

گوتیک (GOTHIC): GREIPAN

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): GRĀPA

فریزی کهن (OLD FRISIAN): GRAPSEN

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): GRABBELN

آلمانی (GERMAN): GREIFEN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): GRAPPIAN

انگلیسی (ENGLISH): GRAB

سوئدی (SWEDISH): GRABBA

نروژی (NORWEGIAN): GRAFSA

هلندی (DUTCH): GRABBEL

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): GRABITI, GREBT

لهستانی (POLISH): GRABIC

روسی (RUSSIAN): GREBŪ

چک (CZECH): HRABATI

صربی (SERBIAN): ZGRABITI

لیتوانی (LITHUANIAN): GRABUS

لتونی (لتی) (LATVIAN): GRABJU-, GREBT

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 455 |
| BARNHART: | (GRAB) 443 |
| DELAMARRE: | (SAISIR) 258 |
| MACKENZIE: | (TAKE) 136, (HOLD ) 118 |
| BUCK: | 744-746 |
| ۱۷۹۷ | برهان قاطع : |

| | |
|---|---|
| GORG | فارسی (PERSIAN): گرگ |
| WOLF | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *WLKWOS | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): V∂HRKA, V∂HRKŌ

پارسی باستان (OLD PERSIAN): VARKĀNA

پهلوی (PAHLAVI): GURG

کردی (KURDISH): VARG, GUR

بلوچی (BALUCHI): GYRG

افغانی (پشتو) (AFGHANI): LEWË

تخاری B (TOKHARIAN B): WALKWE

سانسکریت (SANSKRIT): VR̥KAS, VRKIS

ارمنی (ARMENIAN): GAIL, KAYL, LAPEL

یونانی (GREEK): LÚKOS, LÝKOS

لاتین (LATIN): LUPUS

فرانسه (FRENCH): LOUP

اسپانیایی (SPANISH): LOBO

ایتالیایی (ITALIAN): LUPO

رومانی (RUMANIAN): LUP

پرتغالی (PORTUGUESE): LOBO

گوتیک (GOTHIC): WULFS

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): ULFR

ساکسونی کهن (OLD SAXON): WULF

فریزی کهن (OLD FRISIAN): WOLF

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): WOLF

آلمانی (GERMAN): WOLF

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

WEARG, WULF

انگلیسی (ENGLISH): WOLF

دانمارکی (DANISH): ULV

سوئدی (SWEDISH): VARG, ULV

نروژی (NORWEGIAN): ULV

هلندی (DUTCH): WOLF

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

VLIKŪ, VLŪKU

لهستانی (POLISH): WILK

روسی (RUSSIAN): VOLK

چک (CZECH): VIK

صربی (SERBIAN): VUK

بوهمی (BOHEMIAN): VLK

اسلواکی (SLOVAK): VLK

لیتوانی (LITHUANIAN): VILKAS, VILKE

لتونی (لتی) (LATVIAN): VILKS

آلبانی (ALBANIAN): ULK

هتیت (HITTITE): ULIPPAN

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 1178 |
| BARNHART: | (WOLF) 1242 |
| DELAMARRE: | 138 |
| MACKENZIE: | (WOLF) 140 |
| BUCK: | 185 |
| MALLORY & ADAMS: | ULKWOS |
| AMINDAROV: | (WOLF) 311 |
| ۱۹۰۸۰ | برهان قاطع: |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): گرم، گرما، گرمی | GARM, GARMĀ, GARMI |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | WARM, HOT |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *GWHER-, *GWHORMÓS |

اوستایی (AVESTAN): GARƏMŌ, GARƏMA

پارسی باستان (OLD PERSIAN): GARMA-

پهلوی (PAHLAVI): GARM, GARMOG

اوستی (OSSETIC): GHARM, QARM

کردی (KURDISH):

GARM, GERM, GERMI

بلوچی (BALUCHI): GARM

افغانی (پشتو) (AFGHANI):

GARAM, GHARMA

تخاری A (TOKHARIAN A): SÄRME

سانسکریت (SANSKRIT): GHARMÁS

ارمنی (ARMENIAN):

JERM, CHERM, CHERMOUTIUN

یونانی (GREEK): THERMOS, THÉRMĒ

لاتین (LATIN): FORMUS

گوتیک (GOTHIC): *WARMS, WARMJAN*

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

VARMR

فریزی کهن (OLD FRISIAN): WARM

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

WARM

آلمانی (GERMAN): WARM

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH)*:

**WARME, WEARM**

انگلیسی *(ENGLISH)*: **WARM**

دانمارکی *(DANISH)*: **VARM**

سوئدی *(SWEDISH)*: **VARM**

نروژی *(NORWEGIAN)*: **VARM**

هلندی *(DUTCH)*: **WARM**

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC)*:

**GORĒTI**

لهستانی *(POLISH)*: **GORACO**

چک *(CZECH)*: **GOR∂K, HORKY**

اسلواکی *(SLOVAK)*: **HORÚCI**

لیتوانی *(LITHUANIAN)*: **GĀRAS**

پروسی کهن *(OLD PRUSSIAN)*: **GORME**

ایرلندی کهن *(OLD IRISH)*:

**FOGEIR, GORIM**

آلبانی *(ALBANIAN)*: **ZJARM**

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 493 |
| BARNHART: | (WARM) 1219 |
| DELAMARRE: | 223 |
| MACKENZIE: | (WARM) 139, (HOT) 118 |
| BUCK: | 1077 |
| AMINDAROV: | (WARM) 308 |
| ۱۸۰۰ | برهان قاطع: |

| | |
|---|---|
| **GEREH** | فارسی *(PERSIAN)*: **گره** |
| **KNOT** | **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** |
| ***GRETH-, *GROTH-** | **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN)*: |

پارسی باستان *(OLD PERSIAN)*: ***GRATH-**

پهلوی *(PAHLAVI)*: **GRAH, GRIH**

کردی *(KURDISH)*: **GHIRI**

سانسکریت *(SANSKRIT)*:

**GRATH, GRATHNAS, GRATHNÁMI**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN)*:

**KRATTO, KREZZO**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH)*: **CRADOL**

انگلیسی *(ENGLISH)*: **CRADLE**

ایرلندی *(IRISH)*: **CRAIDHAL**

گالیک *(GAELIC)*: **CREATHAL**

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 386 |
| BARNHART: | (CRADLE) 230 |
| MACKENZIE: | (KNOT) 121 |
| BUCK: | 551 |
| SKEAT: | (CRADLE) 141 |
| ۱۸۰۳ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

چم این واژه در زبان آلمانی کهن: سبد.

چم این واژه در زبان انگلیسی: گهواره (که در آغاز متشکل از یک سبد بوده است).

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): گریختن، گریز | GORIXTAN, GORIZ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | ESCAPE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *LIEKW-, *LIKWTOS |

پارسی باستان (OLD PERSIAN):

VIRAIK, VIRAĒK

پهلوی (PAHLAVI): WIRĒXTAN, WIRĒG

کردی (KURDISH): FELITĪN

لاتین (LATIN): LINGUERE

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 669 |
| MACKENZIE: | (ESCAPE) 112 |
| برهان قاطع: | ۱۸۰۶ |

یادداشت:

بازگشت به: ریختن.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): گریوه (به چم "تپه"، "پشته") | GARIVÉ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | HILL, MOUND |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *GWER-, *GWOR- |

اوستایی (AVESTAN): GAIRIVA, GAIRI

پهلوی (PAHLAVI): GRIWAG

سانسکریت (SANSKRIT): GIRIS

یونانی (GREEK): DEIRÓS

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

GORA

لهستانی (POLISH): GÓRKA

روسی (RUSSIAN): GORA

چک (CZECH): HORA

صربی (SERBIAN): GORA

بوهمی (BOHEMIAN): HORA

اسلواکی (SLOVAK): HORA

لیتوانی (LITHUANIAN): GIRIA

لتونی (لتی) (LETTIC): GARS

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): GARIAN

آلبانی (ALBANIAN): GUR

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 477 |
| MACKENZIE: | (HILL) 118, (NECK) 124 |
| BUCK: | 25 |
| MALLORY: | 159 |
| برهان قاطع: | ۱۸۰۷ |
| فرهنگ معین: | ۳۲۹۷ |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۳۲۹۷ |

یادداشت:

۱- چم این واژه در زبان آلبانی: سنگ.

۲- این واژه در برخی زبان‌های اسلاوی چم "جنگل" و "کوه" را هم دارد.

| | |
|---|---|
| GERYÉ, GERYĒDAN, GERISTAN | فارسی *(PERSIAN)* گریه، گرییدن، گریستن |
| CRYING, WEEPING, CRY, WEEP | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *GHER- | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN)*: |

اوستایی *(AVESTAN)*: GAREZ-

پهلوی *(PAHLAVI)*:

GRIYSTAN, GRISTAN, GRIY-

کردی *(KURDISH)*:

GHIRĪAN, GHIRIN, GIRIN

سانسکریت *(SANSKRIT)*: GHARGHARA,

GHURGHURĀYATĒ, GHARGHARITA

لاتین *(LATIN)*: HIRRĪRE

گوتیک *(GOTHIC)*: GRĒTAN

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN)*:

GRĀTA

ساکسونی کهن *(OLD SAXON)*: GRĀTAN

فریزی کهن *(OLD FRISIAN)*: GRĒTA

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN)*:

GRUOZEN

آلمانی *(GERMAN)*: GRÜSSEN

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH)*:

GRĀTAN, GRĒTAN

انگلیسی *(ENGLISH)*: GREET

دانمارکی *(DANISH)*: GRADE

سوئدی *(SWEDISH)*: GRATA

نروژی *(NORWEGIAN)*: GRÄTE

هلندی *(DUTCH)*: GROETEN

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC)*:

GERKATI

روسی *(RUSSIAN)*: GURKATI

چک *(CZECH)*: HERCHETI

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 439 |
| *BARNHART:* | (GREET) 449 |
| *MACKENZIE:* | (CRY) 109, (WEEP) 140 |
| *ONIONS:* | (GREET) 413 |
| *AMINDAROV:* | (CRY) 207 |
| برهان قاطع: | ۱۸۰۶ و ۱۸۰۷ |
| فرهنگ معین: | ۳۲۹۵ و ۳۲۹۸ |

یادداشت:

۱- در اسکاتلند و شمال انگلستان هنوز هم واژه‌ی GREET چم "گریه کردن" را دارد.

۲- چم این واژه در زبان سانسکریت: خِرخِرکردن، تلق تلق کردن، غرغره کردن

چم این واژه در زبان‌های فریزی کهن و آلمانی و انگلیسی و هلندی: سلام کردن، خوش آمد گفتن.

چم این واژه در زبان‌های اسلاوی: صدا، صدای کبوتر، صدا ایجاد کردن.

| | |
|---|---|
| GOSTARDAN | فارسی *(PERSIAN)*: گستردن |
| SPREAD, STREW | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *STER-, *STERU-, *STRTO- | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN)*: |

اوستایی *(AVESTAN)*: STƏRƏNATI, STAR-, STƏRƏNAOTI

پهلوی *(PAHLAVI):*

**WISTARDAN, WISTAR-**

سانسکریت *(SANSKRIT):*

**STRNĀTI, STRNŌTI, STRA-**

یونانی *(GREEK):*

**STRONŪMI, STORNÝNAI**

لاتین *(LATIN):* **STERNŌ, STERNERE**

گوتیک *(GOTHIC):* **STRAUJAN**

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):*

**STRĀ**

ساکسونی کهن *(OLD SAXON):* **STRŌIAN**

فریزی کهن *(OLD FRISIAN):* **STRĒWA**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):*

**STERWEN**

آلمانی *(GERMAN):* **STREUEN**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):*

**STRĒOWIAN**

انگلیسی *(ENGLISH):* **STREW**

دانمارکی *(DANISH):* **STRO**

سوئدی *(SWEDISH):* **STRÖ**

نروژی *(NORWEGIAN):* **STRO**

هلندی *(DUTCH):* **STROOIEN**

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):*

**PROSTRĒTI**

روسی *(RUSSIAN):* **PROSTIRAT**

بوهمی *(BOHEMIAN):* **PROSTERITI**

ایرلندی کهن *(OLD IRISH):* **SERNIM**

گالی *(GAULISH):* **YSTRAD**

برتونی *(BRETON):* **STRAD**

آلبانی *(ALBANIAN):* **SHTRINJ**

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 1029-1030 |
| *BARNHART:* | (STREW) 1076 |
| *DELAMARRE:* | 286 |
| *MACKENZIE:* | (SPREAD) 134 |
| *BUCK:* | 573-575 |
| ۱۸۱۶ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

۱- واژه‌ی فارسی "بستر" (پهلوی **WISTAR ,WISTARAG, VISTARAK**) نیز از همین ریشه است (برهان قاطع: ۲۷۸) **(104 (BEDDING): MACKENZIE)**

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* **گَست (به چم "بد"، "زشت"، "قبیح")** | **GAST** |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | **UGLY, BAD, FOUL** |
| **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN):* | * |

پارسی‌باستان *(OLD PERSIAN):* **GASTA**

گوتیک *(GOTHIC):* **STIGGKWAN,**

**STIGGAN, STINGAN**

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):*

**STŌKHVAT**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):*

**STINKAN**

آلمانی *(GERMAN):* **STINKEN**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):*

**STINKAN**

انگلیسی *(ENGLISH):* **STINKE**

دانمارکی *(DANISH):* **STINKE**

| سوئدی (SWEDISH): | STINKA |
|---|---|
| هلندی (DUTCH): | STINKEN |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | GESTI |

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 466-467 |
| BARNHART: | (STINK) 1068-1069 |
| BUCK: | 1024 |
| SKEAT: | (STENCH) 601, (STINK) 604 |
| برهان قاطع: | ۱۸۱۴ |

یادداشت:

۱- BARNHART معتقد است که ریشه‌ی اصلی واژه‌های ژرمنی این فهرست ناشناخته است.

۲- بازگشت به: گند.

| فارسی (PERSIAN): گُسستن، گسِستن | GOSASTAN, GOSISTAN |
|---|---|
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | BREAK, SPLIT, CUT |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *KER-, *KER∂-, *KRĒ- |

اوستایی (AVESTAN): -SAR∂TA-, SARI-

پارسی باستان (OLD PERSIAN): *VIS-DRĀMIY

پهلوی (PAHLAVI): WISISTAN, WISIN

تخاری A (TOKHARIAN A): KĀRYAP

تخاری B (TOKHARIAN B): KAREP

سانسکریت (SANSKRIT): SANÁTI, SIRYÁTE, SŪRTA-

یونانی (GREEK): CHERĀ-, CHERAIZO

لاتین (LATIN): CARIES, CARIŌSUS

فرانسه (FRENCH): Co RIE

اسپانیایی (SPANISH): CARIES

ایتالیایی (ITALIAN): CARIE

پرتغالی (PORTUGUESE): CARIES

انگلیسی (ENGLISH): (از فرانسه) CARIES

ایرلندی کهن (OLD IRISH): ARACHRIN, CRĪN-

آلبانی (ALBANIAN): THER

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 578 |
| BARNHART: | (CARIES) 145 |
| MACKENZIE: | (BREAK) 105, (SPLIT) 134 |
| برهان قاطع: | ۱۸۱۶ |

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های کهن این فهرست: فروپاشیدن، صدمه‌ی شدید دیدن.

چم این واژه در زبان‌های رومانس نوین: فساد دندان.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* گِش (به چم "قلب") | **GESH** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **HEART** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | ***KĒRD-, *KRD-, *KRED-, *KERED-** |

اوستایی *(AVESTAN):*

**ZəRəD, ZəRəTHAYA**

افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* **ZRË**

سانسکریت *(SANSKRIT):* **HRD, SRÁD-**

ارمنی *(ARMENIAN):* **SIRT**

یونانی *(GREEK):* **KARDIA, KARDIO-**

لاتین *(LATIN):* **COR, CORDIS**

فرانسه *(FRENCH):* **C UR**

اسپانیایی *(SPANISH):* **CUER, CORAZON**

ایتالیایی *(ITALIAN):* **CUORE**

پرتغالی *(PORTUGUESE):* **CORACĀO**

گوتیک *(GOTHIC):* **HAIRTŌ**

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):*

**HJARTA**

ساکسونی کهن *(OLD SAXON):* **HERTA**

فریزی کهن *(OLD FRISIAN):*

**HERTE, HIRTE**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):*

**HERZA**

آلمانی *(GERMAN):* **HERZ**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* **HEORTE**

انگلیسی *(ENGLISH):* **HEART**

دانمارکی *(DANISH):* **HJERTE**

سوئدی *(SWEDISH):* **HJÄRTA**

نروژی *(NORWEGIAN):* **HJERTE**

هلندی *(DUTCH):* **HART**

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):*

**SRĪDĪCE, SRŪDĪCE**

لهستانی *(POLISH):* **SERCE**

روسی *(RUSSIAN):* **SÉRDTSE**

چک *(CZECH):* **SRDCE**

صربی *(SERBIAN):* **SRCE**

اسلواکی *(SLOVAK):* **SRDCE**

لیتوانی *(LITHUANIAN):* **SHIRDIS**

لتونی (لتی) *(LATVIAN):* **SIRDS**

پروسی کهن *(OLD PRUSSIAN):*

**SEYR, SIRAN**

ایرلندی کهن *(OLD IRISH):* **CRIDE**

ولزی *(WELSH):* **CRAIDD**

برتونی *(BRETON):* **KREIS**

هتیت *(HITTITE):* **KARDI, KARDIYASH**

| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 579-580 |
| *BARNHART:* | (HEART) 471 |
| *DELAMARRE:* | (Co UR) 101 |
| *BUCK:* | 251 |
| *ONIONS:* | (HEART) 433 |
| *SKEAT:* | (HEART) 265 |
| ۱۸۱۸ | برهان قاطع : |
| ۳۳۲۲ | فرهنگ معین : |
| ۱۹۱۶۵ | لغت‌نامه دهخدا: |

**یادداشت:**

واژه‌های انگلیسی و فرانسه (و غیره) CARDIAC و CARDIOLOGY نیز از همین واجریشه مشتق شده‌اند.

| | | |
|---|---|---|
| GASHTAN, GARDIDAN, GASHT | **گشتن، گردیدن، گشت** | **فارسی** *(PERSIAN):* |
| TURN, REVOLVE, MOVE AROUND | | **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** |
| *WERT, *WORTO, *WRTO- | | **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN):* |

اوستایی *(AVESTAN):* VARET-

پهلوی *(PAHLAVI):*
GARDIDAN, GARDANIDAN,
WASHTAN, GARTITAN

کردی *(KURDISH):* GHERUĀN

افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* AWĖSHTĖL

تخاری A *(TOKHARIAN A):* WÄRT

سانسکریت *(SANSKRIT):*
VARTATE, VART-, VRT-

لاتین *(LATIN):* VERTŌ, VERTĒRE

رومانی *(RUMANIAN):* INVIRTI

گوتیک *(GOTHIC):* WAIRTHAN

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):*
WERDEN

آلمانی *(GERMAN):* WERDED

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):*
WEORTHAN

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):*
VRATITI, VRŪTETI

لهستانی *(POLISH):* (OD)WRÓCIC

روسی *(RUSSIAN):* OBRATIT

لیتوانی *(LITHUANIAN):*
VARTYTI, VERSTI, VERCHIU

لتونی (لتی) *(LATVIAN):* VERST

| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 1156-1157 |
| *DELAMARRE:* | (TOURNER) 292 |
| *MACKENZIE:* | (TURN) 137 |
| *BUCK:* | 664-667 |
| ۱۷۹۲ | برهان قاطع : |

***یادداشت:***

چم این واژه در تخاری A : افکندن، گرداندن.

چم این واژه در آلمانی: شدن، گردیدن.

| | | |
|---|---|---|
| GOFTAN, GOFT, GŪ | **گفتن، گفت، -گو** | **فارسی** *(PERSIAN):* |
| SAY, UTTER | | **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** |
| *GWET- | | **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN):*(شاید) |

پارسی باستان *(OLD PERSIAN):* GAUB-

پهلوی *(PAHLAVI):* GUFTAN

کردی *(KURDISH):* GUTIN, GOTIN

سغدی *(SOGADIAN):* ZHAM, ZHĀY∂M

سانسکریت *(SANSKRIT):* GÁDATI, GAD

ارمنی *(ARMENIAN):* KOCHEM

یونانی *(GREEK):* EŪKTO

گوتیک *(GOTHIC):* QUITHAN, QATH

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):*
KVEDHA, KVATH

ساکسونی کهن *(OLD SAXON):*
QUETHAN, QUATH

فریزی کهن (OLD FRISIAN): QUETHA

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): QUETHAN, QUEDAN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): CWETHAN, CWATH

دانمارکی (DANISH): KVADE

سوئدی (SWEDISH): KVĀDA

نروژی (NORWEGIAN): KVADE

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 480-481 |
| BARNHART: | (QUOTH) 878 |
| DELAMARRE: | (DIRE) 259 |
| MACKENZIE: | (SAY) 131 |
| BUCK: | 1257 |
| ONIONS: | (QUOTH) 734 |
| SKEAT: | (QUOTH) 494 |
| RAMAT: | 39 |
| ۱۸۲۱ | برهان قاطع : |

**یادداشت:**

رابطه‌ی این واژه‌های ایرانی با دیگر واژه‌های این فهرست احتمالی است و بهمین علت جلو واجریشه‌ی هند و اروپایی، (شاید) آمده است.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): گلو | GELŪ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | THROAT |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *GWER-, *GWRIWA |

اوستایی (AVESTAN): -GAR, GARAH, GRIW

پهلوی (PAHLAVI): GARŪK, GALŌG

کردی (KURDISH): GERŪ, GHEŪRI, GHEŪRŪ

افغانی (پشتو) (AFGHANI): GHARAI, GHĀRA

سانسکریت (SANSKRIT): GALA, GALAH

ارمنی (ARMENIAN): GOGORT, KUL

لاتین (LATIN): GULA

فرانسه (FRENCH): GUEULE

اسپانیایی (SPANISH): GOLA

ایتالیایی (ITALIAN): GOLA

رومانی (RUMANIAN): GURĀ

پرتغالی (PORTUGUESE): GOLA

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): KELA

آلمانی (GERMAN): KEHLE

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): CEOL

هلندی (DUTCH): KEEL

لهستانی (POLISH): GARDLO

روسی (RUSSIAN): GORLO

اسلواکی (SLOVAK): HRDLO

لیتوانی (LITHUANIAN): GRKLE

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 474 |
| DELAMARRE: | 99 |
| MACKENZIE: | (THROAT) 136 |
| BUCK: | 233-234 |
| ۱۸۳۲ | برهان قاطع : |

یادداشت:

چم این واژه در زبان فرانسه: پوز، فک.

چم این واژه در زبان‌های اسپانیایی و پرتغالی: یقه.

چم این واژه در زبان رومانی: دهان.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): گلوله | GOLŪLÉ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | BALL, CLUE, CLEW, SKEIN |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *GLEU-, *GLOU-, *GLU- |

کردی (KURDISH):

GULÚR, GULŌK, GŪLŪLÉ

افغانی (پشتو) (AFGHANI):

GOLËY, GULËY

سانسکریت (SANSKRIT): GLĀÚS

یونانی (GREEK): GIG-GLU-MOS

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): KLŌ

نورس کهن (OLD NORSE): KLĒ

ساکسونی کهن (OLD SAXON): KLEUWIN

فریزی کهن (OLD FRISIAN): KLĒ

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

KLIUWA

آلمانی (GERMAN): KNĀUEL

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): CLIEWEN

انگلیسی (ENGLISH): CLUE, CLEW

هلندی (DUTCH): KLUWEN

لهستانی (POLISH): GRUDA

روسی (RUSSIAN): GLUDA

چک (CZECH): HROUDA

اسلواکی (SLOVAK): HRUDA

ایرلندی کهن (OLD IRISH):

GLŌ-, GLÁO

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 361-362 |
| BARNHART: | |
| | (CLUE) 182, (CLUMP) 183 |
| SKEAT: | (CLEW, CLUE) 114 |
| برهان قاطع: | ۱۸۳۲ |

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: گلوله یا گوی نخ

چم این واژه در زبان‌های سانسکریت و زبان‌های اسلاوی: قلنبه.

چم این واژه در زبان یونانی: بند استخوان، قوزک.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): گله (به چم "شکوه و شکایت") | GELÉ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | COMPLAINT |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *GALGH-, *G(A)LAGH- |

اوستایی (AVESTAN): GAREZ, GR∂ZA, GAREZA, G∂R∂ZATI

پارسی باستان (OLD PERSIAN): *GRZÁ-

پهلوی (PAHLAVI): GLAG, GILAK, GARZIDAN, GARZISHN

اوستی (OSSETIC): GHARZIN, GHARZUM

کردی (KURDISH): GILĪ

سانسکریت (SANSKRIT): GARH, GARATĒ, GARHATI

یونانی (GREEK): GHLAGGN

لاتین (LATIN): CLANGOR

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): KLING

فریزی کهن (OLD FRISIAN): KLINKEN

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): KLAGŌN

آلمانی (GERMAN): KLAGE, KLAGEN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): KLINKAN

انگلیسی (ENGLISH): CLINK

دانمارکی (DANISH): KLINGA

سوئدی (SWEDISH): KLINGA

نروژی (NORWEGIAN): KLINGE

هلندی (DUTCH): KLINKEN

ایرلندی میانه (MIDDLE IRISH): GLĀM

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 350-351 |
| DELAMARRE: | (SE PLAINDRE) 255 |
| MACKENZIE: | (COMPLAINT, COMPLAIN) 107 |
| SKEAT: | (CLINK) 114 |
| ۱۸۳۲ | برهان قاطع: |

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: صدا ایجاد کردن، سر و صدا کردن.

| | |
|---|---|
| GONBAD | فارسی (PERSIAN): گنبد |
| DOME | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *GUPA- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

پهلوی (PAHLAVI): GUMBAT, GUMBAD

کردی (KURDISH): GUMBED

لاتین (LATIN): CŪPA

نورس کهن (OLD NORSE): KUFR

فریزی کهن (OLD FRISIAN): KOPP

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): KOPF

آلمانی (GERMAN): KOPF

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): CUMB

انگلیسی (ENGLISH): COOMB

سوئدی (SWEDISH): KUFFA

نروژی (NORWEGIAN): KUVEN

هلندی (DUTCH): KUIF, KOM

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): GOBA

روسی (RUSSIAN): GUBÁ

لیتوانی (LITHUANIAN): GUMBAS

لتونی (لتی) (LATVIAN): GUMBA

| | | | |
|---|---|---|---|
| SKEAT: | | REFERENCES | پسگشت‌ها |
| | (COMB, COOMB) 122 | POKORNY: | 395-395 |
| ۱۸۳۶ | برهان قاطع: | MACKENZIE: | (DOME) 111 |

یادداشت:

چم‌های این واژه در زبان‌های غیرایرانی: کاسه، ظرف گرد و گنبد مانند، فرورفتگی گرد به شکل کاسه، سر، کله.

| | |
|---|---|
| GOND, GON | فارسی *(PERSIAN)*: گند، گن (به چم "خایه" و "غده") |
| TESTICLE, TUMOR | چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| GON∂-, *GONOS | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN)*: |

پهلوی *(PAHLAVI)*: GUND

کردی *(KURDISH)*: GUN

سانسکریت *(SANSKRIT)*: GENŌ

یونانی *(GREEK)*: GONĒ, GONOS

لاتین *(LATIN)*: GONAS

فرانسه *(FRENCH)*: GONADE

اسپانیایی *(SPANISH)*: GONADA

ایتالیایی *(ITALIAN)*: GONADE

پرتغالی *(PORTUGUESE)*: GONADA

| | |
|---|---|
| REFERENCES | پسگشت‌ها |
| POKORNY: | 373-374 |
| MACKENZIE: | (TESTICLE) 136 |
| ۱۸۴۱ | برهان قاطع: |

یادداشت:

واژه‌ی انگلیسی GONAD (به چم "گُناد" و "خایه" و "تخمدان") نیز از همین واجریشه آمده است.

| | |
|---|---|
| GAND | فارسی *(PERSIAN)* گند (به چم "بوی بد") |
| STENCH, FOUL SMELL | چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *GWEDH- | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN)*: |

اوستایی *(AVESTAN)*:

GAINTI, GANTI, GANTAY-

پارسی باستان *(OLD PERSIAN)*: GASTA

پهلوی *(PAHLAVI)*:

GAND, GANDAGIH, GANDAK

بلوچی *(BALUCHI)*:

GAND, GANDAG, GANDAGH

افغانی (پشتو) *(AFGHANI)*:

GANDA, GANDAL

سانسکریت *(SANSKRIT)*: GANDHÁ

لیتوانی *(LITHUANIAN)*: GENDU

لتونی (لتی) *(LATVIAN)*: GINSTU

| | |
|---|---|
| REFERENCES | پسگشت‌ها |
| POKORNY: | 466-467 |
| MACKENZIE: | (STENCH) 134 |
| BUCK: | 1024, 1179 |
| ۱۸۴۱ | برهان قاطع: |

یادداشت:

۱- به عقیده‌ی POKORNY واژه‌های انگلیسی STINK و آلمانی STINKEN (آلمانی کهن:STINKAN و گوتیک: STINGAN) نیز از همین واجریشه‌ی هند و اروپایی هستند.

۲- چم این واژه در بلوچی: بد، شرور، فضله.

چم این واژه در اوستایی و سانسکریت: بد.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): | گندم GANDOM |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | WHEAT |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *GER-, *GRNOM |

اوستایی (AVESTAN): GANTUMA

پهلوی (PAHLAVI): GANDUM, GANTUM

کردی (KURDISH): GENIM

بلوچی (BALUCHI): GANDIM

افغانی (پشتو) (AFGHANI):

GHANËM, GHANUM

تخاری B (TOKHARIAN B): KANTI

ختنی (KHOTANESE): GANAMA

سانسکریت (SANSKRIT): GODHŪMA

هتیت (HITTITE): KAN

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 390-391 |
| MACKENZIE: | (WHEAT) 140 |
| BUCK: | 513-516 |
| MALLORY & ADAMS: | GA-ONDH |
| برهان قاطع: | ۱۸۴۲ |

یادداشت:

شاید واژه‌های انگلیسی CORN و آلمانی KORN (گوتیک: KAURN) نیز از همین واجریشه باشند.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): | گو، گوی (به چم "توپ (بازی)") GŪ, GŪY |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | BALL, SPHERE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *GEULOS, *GUGĀ- |

پهلوی (PAHLAVI): GŌY

کردی (KURDISH): GŪ, GOI

سانسکریت (SANSKRIT):

GŌLAH, GŌLĀ, GŌLAM

ارمنی (ARMENIAN): KALUM

یونانی (GREEK): GUALON

لاتین (LATIN): CULLEUS

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

KJUKA

نورس کهن (OLD NORSE): KŪLA

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

KIOL, CLIUWA

آلمانی (GERMAN): KUGEL

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

CĒOL, KLIUWE

هلندی (DUTCH): KOGEL

| | |
|---|---|
| لهستانی (POLISH): | GUGA |
| روسی (RUSSIAN): | GUGLJA |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | GUGA |

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 394-397 |
| MACKENZIE: | (BALL) 103 |
| BUCK: | 907-908 |
| ۱۸۴۶ و ۱۸۶۴ | برهان قاطع : |

یادداشت:

چم این واژه در زبان یونانی: فرورفتگی، گودی

چم این واژه در زبان لاتین: کیسه‌ی چرمی

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): گواریدن، گواردن | GOVARIDAN, GOVARDAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | DIGEST |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):(شاید) | *GWER-, *GWER∂ |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | JARAITI |
| پهلوی (PAHLAVI): | GUKARITAN, GUGĀRDAN, GUGĀRIDAN |
| سانسکریت (SANSKRIT): | GIRÁTI |
| ارمنی (ARMENIAN): | KERAY |
| یونانی (GREEK): | BORĀ, BIBROSKEIN |
| لاتین (LATIN): | VORĀRE, VORŌ |
| فرانسه (FRENCH): | VORACE |
| اسپانیایی (SPANISH): | VORAZ |
| ایتالیایی (ITALIAN): | VORACE |
| پرتغالی (PORTUGUESE): | VORAZ |
| اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): | ZRĒTI |
| روسی (RUSSIAN): | ZHERU |
| چک (CZECH): | ZHERU |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | GERTI, GERIÙ |

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 474-475 |
| BARNHART: | (VORACITY) 1211-1212 |
| DELAMARRE: | (AVALER) 259 |
| MACKENZIE: | (DIGEST) 110 |
| ONIONS: | (VORACIOUS) 986 |
| SKEAT: | (VORACITY) 695 |
| ۱۸۴۷ | برهان قاطع : |

یادداشت:

۱- هوبشمان این واژه‌ی فارسی را با واژه‌ی سانسکریت VI-KAR همریشه می‌داند (برهان قاطع :: ۱۸۴۷)

۲- پسوند VOROUS- (مثلاً در واژه‌ی CARNIVOROUS) نیز از همین واجریشه است.

۳- چم این واژه در زبان‌های سانسکریت و اوستایی و یونانی و چک: بلعیدن.

۴- هیچکدام از پسگشت‌ها (مراجع) من به رابطه‌ی واژه‌های ایرانی این فهرست با دیگر واژه‌های این فهرست اشاره نکرده‌اند و بهمین دلیل در جلو واجریشه‌ی هند و اروپایی (شاید) آورده‌ام.

| | |
|---|---|
| GŪR | فارسی *(PERSIAN)*: گور (به چم "قبر"، "آرامگاه") |
| TOMB, GARAVE | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *GREBH-, *GROBH-, *GRABH-, *GHREBH | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN)*: |

کردی *(KURDISH)*: **GŪR, GŌRN**

افغانی (پشتو) *(AFGHANI)*: **GOR**

سانسکریت *(SANSKRIT)*: **GIRI-H**

گوتیک *(GOTHIC)*: **ZRAB, GRABA**

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN)*:

**GROF, GRABŌ**

ساکسونی کهن *(OLD SAXON)*: **GRAF**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN)*: **GRAB**

آلمانی *(GERMAN)*: **GRAB**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH)*: **GRAF**

انگلیسی *(ENGLISH)*: **GRAVE**

دانمارکی *(DANISH)*: **GRAVE**

سوئدی *(SWEDISH)*: **GRAV**

نروژی *(NORWEGIAN)*: **GRAVE**

هلندی *(DUTCH)*: **GRAF**

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC)*:

**GROBŪ**

لهستانی *(POLISH)*: **GRÓB**

روسی *(RUSSIAN)*: **GROB**

چک *(CZECH)*: **HROB**

بوهمی *(BOHEMIAN)*: **HROB**

اسلواکی *(SLOVAK)*: **HROB**

آلبانی *(ALBANIAN)*: **GUR**

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 455 |
| *BARNHART:* | (GRAVE) 447 |
| *BUCK:* | 293, 593 |
| *ONIONS:* | (GRAVE) 411 |
| *SKEAT:* | (GRAVE) 248 |
| برهان قاطع: | ۱۸۵۰ |

یادداشت:

چم پیشین این واژه در زبان‌های ژرمنی: کندن، چال کردن.

| | |
|---|---|
| GUSH | فارسی *(PERSIAN)*: گوش |
| EAR | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *GHOUS-, *ŌUS, *əUS-, *US- | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN)*: |

اوستایی *(AVESTAN)*: **GAOSHA, ŪSHI**

پارسی باستان *(OLD PERSIAN)*: **GAUSHA**

پهلوی *(PAHLAVI)*: **GŌSH**

اوستی *(OSSETIC)*: **GHOS, QUS**

کردی *(KURDISH)*: **GUH**

بلوچی *(BALUCHI)*: **GŌSH**

افغانی (پشتو) *(AFGHANI)*:

**GHVAGH, GHWAZH**

سانسکریت *(SANSKRIT)*: **GHŌSHA**

ارمنی *(ARMENIAN)*: **UNKN**

یونانی *(GREEK)*: **OŪS**

لاتین *(LATIN)*: **AURIS, AURICULA**

| | |
|---|---|
| فرانسه (FRENCH): | OREILLE |
| اسپانیایی (SPANISH): | OREJA |
| ایتالیایی (ITALIAN): | ORECCHIO |
| رومانی (RUMANIAN): | URECHE |
| پرتغالی (PORTUGUESE): | OREHA |
| گوتیک (GOTHIC): | AUSŌ |
| ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): | EYRA |
| ساکسونی کهن (OLD SAXON): | ŌRE, ŌRA |
| فریزی کهن (OLD FRISIAN): | ARE |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | ŌRA |
| آلمانی (GERMAN): | OHR |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | ĒARE |
| انگلیسی (ENGLISH): | EAR |
| دانمارکی (DANISH): | ORE |
| سوئدی (SWEDISH): | ÖRA |
| نروژی (NORWEGIAN): | ORE |
| هلندی (DUTCH): | OOR |
| اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): | UCHO |
| لهستانی (POLISH): | UCHO |
| روسی (RUSSIAN): | ÚKHO |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | AUSIS, UCHO |
| لتونی (لتی) (LATVIAN): | AUSS |
| پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): | AUSIN |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | ĀU, Ō |
| آلبانی (ALBANIAN): | VESH |

یادداشت:

۱- بازگشت به: هوش

۲- در اوستایی "گوش" و "هوش" هم چم بوده‌اند.

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 785 | POKORNY: |
| (EAR) 310 | BARNHART: |
| (OREILLE) 106 | DELAMARRE: |
| (EAR) 112 | MACKENZIE: |
| برهان قاطع: | ۱۸۵۵ |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): گوشه | GŪSHÉ |
| چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | CORNER, ANGLE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *GEUSOS, *GOUSOS, *GŪSOS |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | *GAOSHAKA |
| پهلوی (PAHLAVI): | GŌSHAG |
| کردی (KURDISH): | GŪSHE, GUSH |
| بلوچی (BALUCHI): | GŌSHAK |
| یونانی (GREEK): | GÚĒS |
| نورس کهن (OLD NORSE): | KJŌS |
| سوئدی (SWEDISH): | KJUSA, KJUS |
| نروژی (NORWEGIAN):(محلی) | KŪS |
| هلندی (DUTCH): | KŪSE |

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 398 | POKORNY: |
| (CORNER) 108 | MACKENZIE: |
| برهان قاطع: | ۱۸۵۹ |

**یادداشت:**

چم این واژه در زبان یونانی: چوب خمیده، چوب دستگاه شخم زنی.
چم این واژه در زبان نورس کهن: سوراخ، خمیدگی ساحل، خور.
چم این واژه در زبان نروژی: قوز، کوژی.
چم این واژه در زبان هلندی: ته تفنگ.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* گون، گونه (به چم "رنگ"، "رخسار") | GŪN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | COLOR, TINT, HUE |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | *GUT-, *GUET-, *GOUNOM |

| | |
|---|---|
| اوستایی *(AVESTAN):* | GAONA |
| پهلوی *(PAHLAVI):* | GŌN, GŌNAK |
| افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* | GUNA |
| ارمنی *(ARMENIAN):* | GOIN |
| گوتیک *(GOTHIC):* | KUNA- |
| نورس کهن *(OLD NORSE):* | KAUN |
| هلندی *(DUTCH):* | KOON |
| لیتوانی *(LITHUANIAN):* | GAURAI |

| بسگشت‌ها | *REFERENCES* |
|---|---|
| 397 | *POKORNY:* |
| 1050-1051 | *BUCK:* |
| برهان قاطع : | ۱۸۶۱ |

**یادداشت:**

چم این واژه در اوستایی: مو، رنگ مو

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* گُه، گوه (به چم "سرگین") | GOH, GŪH |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | SHIT, EXCREMENT |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | *GWŪ-, *GWOU- |

| | |
|---|---|
| اوستایی *(AVESTAN):* | -GŪTHA, GŪTHŌ |
| پهلوی *(PAHLAVI):* | GŪH, GŪHVART |
| کردی *(KURDISH):* | GŪ |
| بلوچی *(BALUCHI):* | GITH |
| افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* | GHUL |
| سانسکریت *(SANSKRIT):* | GŪTHAH |
| ارمنی *(ARMENIAN):* | KU, GUGH-, KOY |
| یونانی *(GREEK):*(شاید) | (IM)BUBINĀRE |
| فریزی کهن *(OLD FRISIAN):* | QUĀD |
| آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):* | QUAT |
| آلمانی *(GERMAN):* | KOT |
| انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* | CWEAD |
| اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):* | GOVNO |
| لهستانی *(POLISH):* | GÓWNO |
| روسی *(RUSSIAN):* | GOVNO |
| چک *(CZECH):* | OHAVITI |
| صربی *(SERBIAN):* | GAVITI |
| اسلواکی *(SLOVAK):* | OHUDA |
| لیتوانی *(LITHUANIAN):* | GEDA |

| | | | |
|---|---|---|---|
| *BUCK:* | 276 | *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
| *MALLORY & ADAMS:* | GWUH | *POKORNY:* | 483-485 |
| ۱۸۶۲ | برهان قاطع : | *MACKENZIE:* | (EXCREMENT) 113 |

| | |
|---|---|
| **GĒS, GESŪ** | فارسی *(PERSIAN):* گیس، گیسو |
| **HAIR, LOCKS, TRESS** | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| ***GHAIT-, *GHAES-** | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* |

اوستایی *(AVESTAN):* **GAĒSA, GAĒSU**

پهلوی *(PAHLAVI):* **GĒS**

اوستی *(OSSETIC):* **GHĒSÄ, QIS**

ارمنی *(ARMENIAN):* **GES**

یونانی *(GREEK):* **CHAITĒ, XAITĒ**

ایرلندی میانه *(MIDDLE IRISH):* **GAĪSET**

| | |
|---|---|
| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
| *POKORNY:* | 410 |
| *MACKENZIE:* | |
| | (CURLS) 109, (LOCKS) 122 |
| ۱۸۶۹ | برهان قاطع : |

| | |
|---|---|
| **LĀBÉ** | فارسی *(PERSIAN):* لابه (به چم "سخن" و "چاپلوسی" و "عجز و خواهش") |
| **FLATTERY, ENTREATY, IMPLORATION, SUPPLICATION** | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| ***LEP-** | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* |

پهلوی *(PAHLAVI):*

**LĀBAG, LĀBAKKARIH**

کردی *(KURDISH):* **LABEHI**

افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* **LĀPA, LĀFA**

سانسکریت *(SANSKRIT):*

**LEWAM, LÓWAM, LÁPATI**

یونانی *(GREEK):* **LAPIZŌ**

روسی *(RUSSIAN):* **LEPETÁTU**

بلغاری *(BULGARIAN):* **LOPOTIVU**

ایرلندی کهن *(OLD IRISH):* **LĪAIG**

| | |
|---|---|
| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
| *POKORNY:* | 677-678 |
| *MACKENZIE:* | |
| | (SUPPLICATION) 135 |
| ۱۸۷۳ | برهان قاطع : |

| | |
|---|---|
| **LĀL** | فارسی *(PERSIAN):* لال (به چم "گنگ" و "زبان گرفته") |
| **DUMB** | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| ***LAL-, *LALLA-, *LUL-, *LEL-** | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* |

کردی *(KURDISH):* **LAL**

سانسکریت *(SANSKRIT):*

**LALALLĀ, LÓLATI**

یونانی *(GREEK):* **LALÉŌ, LÁLOS**

لاتین *(LATIN)*: **LALLŌ**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN)*: **LALLEN**

آلمانی *(GERMAN)*: **LALLEN**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH)*: **LULLEN**

انگلیسی *(ENGLISH)*: **LULL**

دانمارکی *(DANISH)*: **LULLE**

سوئدی *(SWEDISH)*: **LULLA**

نروژی *(NORWEGIAN)*: **LULLE**

هلندی *(DUTCH)*: **LOLLEN**

روسی *(RUSSIAN)*: **LÁLA**

لیتوانی *(LITHUANIAN)*: **LALUÓTI**

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 650 | POKORNY: |
| (LULL) 614 | BARNHART: |
| (BÉGAYER) 266 | DELAMARRE: |
| (LULL) 539 | ONIONS: |
| (LULL) 351 | SKEAT: |
| برهان قاطع : | ۱۸۷۹ |

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: سکوت و آرامش، بی سرو صدایی و سکون، خواباندن.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN)*: لالایی، لای لای (به چم "آواز برای خواباندن کودک") | **LĀLĀE** |
| چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **LULLABY** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN)*: | ***LALLA-, *LĀIŌ-, *LĒIŌ** |

کردی *(KURDISH)*: **LŪRĪ**

لاتین *(LATIN)*: **LALLUM, LALLĀRE**

آلمانی *(GERMAN)*: **(EIN)LULLEN**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH)*: **LULLEY, LULLEN, LULLAI**

انگلیسی *(ENGLISH)*: **LULLABY**

نروژی *(NORWEGIAN)*: **LULLE**

هلندی *(DUTCH)*: **LULLEN**

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 650 | POKORNY: |
| (LULLABY) 614 | BARNHART: |
| 251 | AMINDAROV: |
| فرهنگ معین: | ۳۵۳۶ |

یادداشت:

۱- بازگشت به: لال.

۲- چم این واژه در هلندی: پر حرفی کردن (جالب این است که در برهان قاطع : نیز [صفحه‌ی ۱۸۷۹] واژه‌ی "لالا" چنین معنی شده است: پرگوئی، هرزه چانگی.

۳- واژه‌ی کودکانه‌ی "لالا" و "لالا کردن" نیز از همین واجریشه است.

| | |
|---|---|
| LĀNÉ | فارسی *(PERSIAN):* **لانه** |
| NEST, DEN | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *NIZDOS, *NIZDOM | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* |

اوستایی *(AVESTAN):* NISHI-, NISHITHAITI

پارسی باستان *(OLD PERSIAN):* NIYASHĀ-, NIYASHĀDYAM

پهلوی *(PAHLAVI):* NISHIN-, NISHĒM

کردی *(KURDISH):* LAN, LĀNÉ, HILIN, HILUN

افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* NĀST

سانسکریت *(SANSKRIT):* NĪDAS

ارمنی *(ARMENIAN):* NIST, NUSDIL

لاتین *(LATIN):* NĪDUS

فرانسه *(FRENCH):* NID

اسپانیایی *(SPANISH):* NIDO

ایتالیایی *(ITALIAN):* NIDO

پرتغالی *(PORTUGUESE):* NINHO

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):* NEST

آلمانی *(GERMAN):* NEST

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* NEST

انگلیسی *(ENGLISH):* NEST

هلندی *(DUTCH):* NEST

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):* GNĒZD

لهستانی *(POLISH):* GNIAZDO

روسی *(RUSSIAN):* HNÍZDIT

اسلواکی *(SLOVAK):* HNIEZDO

لیتوانی *(LITHUANIAN):* LIZDAS

لتونی (لتی) *(LATVIAN):* LIGZDA

ایرلندی کهن *(OLD IRISH):* NET

ولزی *(WELSH):* NYTH

برتونی *(BRETON):* NEIZ

گالیک *(GAELIC):* NEAD

کورث والی *(CORNISH):* MEID

| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 887 |
| *BARNHART:* | (NEST) 701 |
| *DELAMARRE:* | (NID) 148 |
| *MACKENZIE:* | (PERCH) 126 |
| *ONIONS:* | (NEST) 607 |
| *SKEAT:* | (NEST) 399 |
| ۱۸۸۲ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

۱- چم این واژه در سانسکریت: استراحت‌گاه.

۲- برخی واجریشه شناسان معتقدند که ریشه‌ی این واژه "محل نشستن" است و لذا با واژه‌ی انگلیسی **SIT** (به چَم "نشستن") خویشی دارد.

۳- چم این واژه در افغانی: نشسته.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* لب | LAB |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | LIP |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | *LEB-, *LŌB-, *LAB- |

پارسی باستان *(OLD PERSIAN):* **LAP-, LAB-**

پهلوی *(PAHLAVI):* **LAP, LAW, LAB**

کردی *(KURDISH):* **LĒW**

بلوچی *(BALUCHI):* **LAP**

سانسکریت *(SANSKRIT):*

**LAMBATE, RÁMBATE**

یونانی *(GREEK):* **LABÓS**

لاتین *(LATIN):* **LABIUM, LABRUM**

فرانسه *(FRENCH):* **LÈVRE**

اسپانیایی *(SPANISH):* **LABIO**

ایتالیایی *(ITALIAN):* **LABBRO**

پرتغالی *(PORTUGUESE):* **LÁBIO**

ساکسونی کهن *(OLD SAXON):* **LEPOR**

فریزی کهن *(OLD FRISIAN):* **LIPPA**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):*

**LEFFUR, LEFS**

آلمانی *(GERMAN):* **LIPPE**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* **LIPPA**

انگلیسی *(ENGLISH):* **LIP**

دانمارکی *(DANISH):* **LABE**

سوئدی *(SWEDISH):* **LÄPPE**

نروژی *(NORWEGIAN):* **LEPPE**

هلندی *(DUTCH):* **LIP**

لیتوانی *(LITHUANIAN):* **LŪPA**

لتونی (لتی) *(LATVIAN):* **LŪPA**

| بسگشت‌ها | *REFERENCES* |
|---|---|
| 655-657 | *POKORNY:* |
| (LIP) 600 | *BARNHART:* |
| (LIP) 122 | *MACKENZIE:* |
| 229-230 | *BUCK:* |
| (LIP) 530 | *ONIONS:* |
| (LIP) 343 | *SKEAT:* |
| 34 | *RAMAT:* |
| برهان قاطع: | ۱۸۸۵ |

**یادداشت:**

۱- چم این واژه در سانسکریت: آویزان، آویختن.

۲- واژه‌های "لُپ" فارسی و "LOBE" انگلیسی نیز از همین واجریشه‌ی هند و اروپایی آمده‌اند.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* لش (به چَم "بیکاره و کاهل"، "بی‌عار"، "تنبل") | LASH |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | LAZY, SLACK, LANGUID |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | *(S)LĒG, *(S)LEG- |

تخاری A *(TOKHARIAN A):* **SLAKKÄR**

سانسکریت *(SANSKRIT):* **LANGA**

یونانی *(GREEK):* **LĒGEIN, LĒHŌ**

لاتین *(LATIN):* **LAXUS**

فرانسه *(FRENCH):* **LÂCHE**

ایتالیایی *(ITALIAN):* **LASSISTA**

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):*

**SLAKR**

| | |
|---|---|
| ساکسونی کهن (OLD SAXON): | SLAK |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | SLAH |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | SLAC |
| انگلیسی (ENGLISH): | SLACK |
| دانمارکی (DANISH): | SLAP, SLAKKE |
| سوئدی (SWEDISH): | SLAK |
| نروژی (NORWEGIAN): | SLAKK |
| لتونی (لتی) (LATVIAN): | LEGĒNS |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | LACC |
| ولزی (WELSH): | LLACC |

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 959-960 |
| BARNHART: | (LAX) 582, (SLACK) 1014 |
| ONIONS: | (SLACK) 833 |
| SKEAT: | (SLACK) 568 |
| فرهنگ معین: | ۳۵۸۴ |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۱۹۶۸۰ |

**یادداشت:**

۱- واژه‌های "لاش" و "لاشه" هم از همین واجریشه‌اند.

۲- چَم این واژه در زبان تخاری: افسرده

چَم این واژه در زبان‌های لاتین و سانسکریت: شَل، لنگ

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): لنگ، لنگیدن | LANG, LANGIDAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | LAME, PARALYZED, HALTING, CRIPPLED, MAIM |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):(شاید) | *LEM-, *LOM-, *LM- |

| | |
|---|---|
| سانسکریت (SANSKRIT): | LANGA |
| ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): | LAMI |
| ساکسونی کهن (OLD SAXON): | LAMO |
| فریزی کهن (OLD FRISIAN): | LAM, LOM |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | LAM |
| آلمانی (GERMAN): | LAHM |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | LAMA |
| انگلیسی (ENGLISH): | LAME |
| دانمارکی (DANISH): | LAM |
| سوئدی (SWEDISH): | LAM |
| نروژی (NORWEGIAN): | LAM |
| هلندی (DUTCH): | LAM |
| اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): | LOMITI |
| لهستانی (POLISH): | LAMAĆ |
| روسی (RUSSIAN): | LOM, LOMATE |
| چک (CZECH): | ZLOMIT |
| بلغاری (BULGARIAN): | LOMITI |
| اسلواکی (SLOVAK): | ZLOMIT |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | LIMTI |
| لتونی (لتی) (LATVIAN): | LIMT |
| پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): | LIMTWEI |
| ایرلندی میانه (MIDDLE IRISH): | LEM |
| ولزی (WELSH): | LLEFRITH |
| برتونی (BRETON): | LIVRIZ |
| آلبانی (ALBANIAN): | LEMË, LAMË |

| پسگشت‌ها | REFERENCES | | |
|---|---|---|---|
| 674 | POKORNY: | (LAME) 513 | ONIONS: |
| (LAME) 574 | BARNHART: | (LAME) 327 | SKEAT: |
| (LAME) 318-319 | BUCK: | برهان قاطع : | ۱۹۰۷ |
| | | فرهنگ معین : | ۳۶۳۱ |

یادداشت:

۱- رابطه‌ی "لنگ" با این واجریشه‌ی هند و اروپایی و دیگر واژه‌های این فهرست در هیچ یک از مراجع من داده نشده، بهمین دلیل برای احتیاط در جلو واجریشه‌ی هند و اروپایی (شاید) آورده‌ام.

۲- چَم این واژه در زبانهای اسلاوی و بالتیک: شکستن

چَم این واژه در زبانهای ولزی و ایرلندی میانه و برتونی: ناتوان، از کار افتاده.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): لِنگ (مثلاً در "لِنگ و پاچه") | LENG |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | LEG |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *LEK-, *LOK-, *LK-, *L∂K- |

| | |
|---|---|
| کردی (KURDISH): | LINK, LANK, LINGĒ |
| افغانی (پشتو) (AFGHANI): | LENGAY |
| سانسکریت (SANSKRIT): | RKSÁLĀ |
| یونانی (GREEK): | LÁX |
| لاتین (LATIN): | LACERTUS |
| ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): | LEGGR |
| آلمانی فرودین میانه (MLDDLE LOW GERMAN): | LECKEN |
| آلمانی فرودین (LOW GERMAN): | LÖKEN |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | LĪRA |
| انگلیسی (ENGLISH): | LEG |
| دانمارکی (DANISH): | LAG |
| سوئدی (SWEDISH): | LÄG |
| نروژی (NORWEGIAN): | LEGG |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | LAKÙS |
| لتونی (لتی) (LATVIAN): | LEZU, LĒKT |
| پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): | LAGNO |

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 673 | POKORNY: |
| (LEG) 587 | BARNHART: |
| (LEG) 522 | ONIONS: |
| (LEG) 335 | SKEAT: |
| ۳۶۳۱ | فرهنگ معین : |
| ۱۹۰۷ | برهان قاطع : |

یادداشت:

چم این واژه در زبان لاتین: بازو

چم این واژه در زبان آلمانی فرودین و لتونی: جست و خیز

چم این واژه در زبان لیتوانی: فراری

چم این واژه در زبان پروسی کهن: شلوار

| | |
|---|---|
| LISIDAN, LESHTAN | فارسی (PERSIAN): لیسیدن، لشتن |
| LICK | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *LĒIGH-, *LOIGH, *LEIGMI | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): RAĒZ-, RAĒZAITE

پارسی باستان (OLD PERSIAN):

LIZ-, *LISHTANAIY, LAIZĀMIY

پهلوی (PAHLAVI): LISHTAN, LISTAN

کردی (KURDISH): ALASTIN, ALISTIN

سانسکریت (SANSKRIT):

LIHATI, LIH-, LÉDHI, RÉDHI

ارمنی (ARMENIAN): LIZUM, LIZEM

یونانی (GREEK): LEICHEIN, LEIKHŌ

لاتین (LATIN):

LINGERE, LIGURRIRE, LINGŌ

فرانسه (FRENCH): LÉCHER

ایتالیایی (ITALIAN): LECCARE

رومانی (RUMANIAN): LINGE

پرتغالی (PORTUGUESE): LAMBER

گوتیک (GOTHIC): BILAGŌN

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

SLEIKJA

ساکسونی کهن (OLD SAXON): LIKKŌN

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

LECKŌN

آلمانی (GERMAN): LECKEN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): LICCIAN

انگلیسی (ENGLISH): LICK

هلندی (DUTCH): LIKKEN

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

LIZATI, LIZHO

لهستانی (POLISH): LIZAC, LIZNIECIE

روسی (RUSSIAN): LIZATE

صربی (SERBIAN): LIZATI

بوهمی (BOHEMIAN): LIZATI

اسلواکی (SLOVAK): LÍZAT

لیتوانی (LITHUANIAN):

LIĒSHTI, LIEZHIÙ

لتونی (لتی) (LATVIAN): LAIZIT, LIZHO

ایرلندی کهن (OLD IRISH): LIGIM

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 668 |
| BARNHART: | (LICK) 593 |
| DELAMARRE: | (LÉCHER) 266 |
| BUCK: | 267 |
| ONIONS: | (LICK) 526 |
| SKEAT: | (LICK) 339 |
| برهان قاطع: | ۱۸۹۵ |

| | |
|---|---|
| MĀ | فارسی (PERSIAN): ما |
| WE, US, OUR | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *NE-, *NŌ- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): AHMAKEM, AHMA

پارسی باستان (OLD PERSIAN): AMĀXAM

پهلوی (PAHLAVI): AMĀ, AMĀH, ĒMĀ

اوستی (OSSETIC): MAX

| | |
|---|---|
| کردی (KURDISH): | ME, MĒ, MA |
| افغانی (پشتو) (AFGHANI): | MUZH, MUNZH |
| تخاری A (TOKHARIAN A): | NÄSH |
| تخاری B (TOKHARIAN B): | NASH |
| سانسکریت (SANSKRIT): | ASMAKA, NAS, ASMAN |
| ارمنی (ARMENIAN): | MENK |
| یونانی (GREEK): | ĒMAS |
| لاتین (LATIN): | NŌS |
| فرانسه (FRENCH): | NOUS |
| اسپانیایی (SPANISH): | NOSOTROS, NOS |
| ایتالیایی (ITALIAN): | NOI |
| رومانی (RUMANIAN): | NOI, NOSTRI, NOASTRE |
| پرتغالی (PORTUGUESE): | NÓS |
| گوتیک (GOTHIC): | UNS |
| ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): | OSS |
| ساکسونی کهن (OLD SAXON): | ŪS |
| فریزی کهن (OLD FRISIAN): | ŪS |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | UNS |
| آلمانی (GERMAN): | UNS |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | ŪS |
| انگلیسی (ENGLISH): | US |
| دانمارکی (DANISH): | OS |
| سوئدی (SWEDISH): | OSS |
| نروژی (NORWEGIAN): | OSS |
| هلندی (DUTCH): | ONS |
| اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): | NASŪ |
| چک (CZECH): | NÁS, NÁM |
| اسلواکی (SLOVAK): | NÁS, NÁM |
| پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): | NŌUSON |
| ولزی (WELSH): | NI, NY |
| آلبانی (ALBANIAN): | NE, NA |
| هتیت (HITTITE): | ANZHASH, NAS |

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 758 | POKORNY: |
| (US) 1189 | BARNHART: |
| (WE) 139 | MACKENZIE: |
| (US) 965 | ONIONS: |
| (US) 681 | SKEAT: |
| برهان قاطع: | ۱۹۳۱ |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): مادر | MĀDAR |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | MOTHER |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *MĀTER- |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | *MĀTAR |
| پارسی باستان (OLD PERSIAN): | *MĀTĀ |
| پهلوی (PAHLAVI): | MĀDAR, MĀD |
| اوستی (OSSETIC): | MĀDE, MADĀ, MĀD |
| کردی (KURDISH): | MĀK |
| بلوچی (BALUCHI): | MĀT, MĀTH, MĀS |
| افغانی (پشتو) (AFGHANI): | MOR |
| تخاری A (TOKHARIAN A): | MĀCAR |
| تخاری B (TOKHARIAN B): | MĀCER |
| سانسکریت (SANSKRIT): | MĀTAR, MĀTA |
| ارمنی (ARMENIAN): | MAYR, MAIR |
| یونانی (GREEK): | METER |

| | |
|---|---|
| لاتین (LATIN): | MATER |
| فرانسه (FRENCH): | MÈRE |
| اسپانیایی (SPANISH): | MADRE |
| ایتالیایی (ITALIAN): | MADRE |
| رومانی (RUMANIAN): | MAMĀ |
| پرتغالی (PORTUGUESE): | MÃE |
| ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): | MÓTHIR |
| ساکسونی کهن (OLD SAXON): | MŌDAR |
| فریزی کهن (OLD FRISIAN): | MŌDER |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | MOUTAR |
| آلمانی (GERMAN): | MUTTER |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | MŌDOR |
| انگلیسی (ENGLISH): | MOTHER |
| دانمارکی (DANISH): | MŌDER |
| سوئدی (SWEDISH): | MODER |
| نروژی (NORWEGIAN): | MŌDER, MOR |
| هلندی (DUTCH): | MOEDER |
| اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): | MATI |
| لهستانی (POLISH): | MATKA |
| روسی (RUSSIAN): | MAT´ |
| چک (CZECH): | MATKA |
| صربی (SERBIAN): | MATI |
| بوهمی (BOHEMIAN): | MĀTKA, MĀTI |
| اسلواکی (SLOVAK): | MATKA |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | MŌTYNA, MOTÉ |
| لتونی (لتی) (LATVIAN): | MĀTE |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | MĀTHIR |
| گالی (GAULISH): | MATREBO |
| ولزی (WELSH): | MAM |
| برتونی (BRETON): | MAM |
| گالیک (GAELIC): | MĀTHAIR |
| آلبانی (ALBANIAN): | MOTRË |

| بسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 700-701 | POKORNY: |
| (MOTHER) 680 | BARNHART: |
| (MÈRE) 40 | DELAMARRE: |
| (MOTHER) 124 | MACKENZIE: |
| 103-104 | BUCK: |
| (MOTHER) 592 | ONIONS: |
| برهان قاطع: | ۱۹۳۲ |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): ماست | MĀST |
| چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | YOGURT |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *MAD- |

| | |
|---|---|
| کردی (KURDISH): | MĀZD, MĀST |
| بلوچی (BALUCHI): | MASTAGH |
| افغانی (پشتو) (AFGHANI): | MĀSTA, MASTE |
| سانسکریت (SANSKRIT): | MÁSTU |
| ارمنی (ARMENIAN): | MACUM, MACUN |
| یونانی (GREEK): | MASTÓS |
| لاتین (LATIN): | MADEŌ, MADĒRE |
| گوتیک (GOTHIC): | MATS |

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN)*:
**MATR**
ساکسونی کهن *(OLD SAXON)*: **METI**
فریزی کهن *(OLD FRISIAN)*: **METI**
آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN)*:
**MAST, MAZ**
آلمانی *(GERMAN)*: **MÄSTUNG**
انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH)*: **METE**
انگلیسی *(ENGLISH)*: **MEAT**
دانمارکی *(DANISH)*: **MAD**
سوئدی *(SWEDISH)*: **MAT**
نروژی *(NORWEGIAN)*: **MAT**
آلبانی *(ALBANIAN)*: **MANJ, MAZË**

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 694-695 | POKORNY: |
| 646 | BARNHART: |
| 565 | ONIONS: |
| برهان قاطع: | ۱۹۴۱-۱۹۴۲ |

**یادداشت:**

۱- چَم این واژه در زبان‌های ژرمنی: خوراک، چاق کننده، گوشت.
چَم این واژه در زبان یونانی: پستان.
چَم این واژه در زبان لاتین: پُر، سرشار، خیس بودن.
۲- واژه‌ی فارسی "مَسکه" (به چَم "چربی ماست") نیز از همین واجریشه آمده است **(694-POKORNY)**.
۳- واژه‌ی فارسی "ماسیدن" نیز از همین واجریشه آمده است.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN)*: مالیدن | **MĀLIDAN** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **RUB, WIPE** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN)*: | ***MELG-, *MELəG-, *MOLG-** |

اوستایی *(AVESTAN)*:
**MARZ-, MAREZAITI, MəRəZAITI**
پهلوی *(PAHLAVI)*: **MĀLIDAN,**
**MĀL-, MŪSHTAN, MALITAN**
اوستی *(OSSETIC)*: **MÄRZIN**
کردی *(KURDISH)*: **MĀLIN**
بلوچی *(BALUCHI)*:
**MALAGH, MALĒNAGH**
تخاری A *(TOKHARIAN A)*:
**MALKE, MALKLUNE**
تخاری B *(TOKHARIAN B)*: **MALK-WER**
سانسکریت *(SANSKRIT)*:
**MARZ-, MRJ-, MARSHTI, MARJATI**
یونانی *(GREEK)*: **AMÉLGŌ, AMÉLGEIN**
لاتین *(LATIN)*: **MULGEŌ, MULGĒRE**
ایتالیایی *(ITALIAN)*: **MUNGERE**
رومانی *(RUMANIAN)*: **MULGE**
گوتیک *(GOTHIC)*: **MILUKS**
ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN)*:
**MJOLKA**
ساکسونی کهن *(OLD SAXON)*: **MILUK**
فریزی کهن *(OLD FRISIAN)*: **MELOK**
آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN)*:
**MELCHAN, MILUH**

آلمانی *(GERMAN)*: MELKEN, MILCH
انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH)*: MELCAN
انگلیسی *(ENGLISH)*: MILK
دانمارکی *(DANISH)*: MALKE
سوئدی *(SWEDISH)*: MJÖLK
نروژی *(NORWEGIAN)*: MELK, MJOLK
هلندی *(DUTCH)*: MELK
اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC)*: MLŪZO, MLĒSTI
لیتوانی *(LITHUANIAN)*: MÉLZHU
ایرلندی کهن *(OLD IRISH)*: BLIGIM
آلبانی *(ALBANIAN)*: MIEL

| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 722-723 |
| *BARNHART:* | |
| (MILK) 661-662, (MEAL) 645 | |
| *DELAMARRE:* | 269 |
| *MACKENZIE:* | (RUB) 131 |
| *BUCK:* | 385-386, 569 |
| *ONIONS:* | (MILK) 576 |
| *SKEAT:* | (MILK) 375 |
| ۱۹۴۸ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

۱- چَم این واژه در کردی: جاروب کردن.
چَم واژه‌های این فهرست (به جز اوستایی و پهلوی و فارسی و کردی و بلوچی و سانسکریت): شیر، شیر دوشیدن (شاید بدین علت که شیر دوشیدن مستلزم "مالش" یا "مالیدن" است.)
۲- میان این واجریشه و واجریشه‌ی -MEL (POKORNY: 716-1717) خویشی نزدیکی وجود دارد.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN)*: مام، مامی، ماما (به چَم "مادر") | MĀM, MĀMI, MĀMĀ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | MAMA, MAMMA |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN)*: | *MĀ, *MĀMĀ, *MAMMĀ, *MAMMĀ, *M-AM |

پهلوی *(PAHLAVI)*(پازند): MĀM
افغانی (پشتو) *(AFGHANI)*: MĀMI
سانسکریت *(SANSKRIT)*: MĀ, MĀMA
ارمنی *(ARMENIAN)*: MAMA, MAM
یونانی *(GREEK)*: MĀMMA, MĀMMĒ
لاتین *(LATIN)*: MAMMA
فرانسه *(FRENCH)*: MAMAN
اسپانیایی *(SPANISH)*: MAMĀ
ایتالیایی *(ITALIAN)*: MAMMA
رومانی *(RUMANIAN)*: MUMĀ
ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN)*: MŌNA
آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN)*: MUOMA
آلمانی *(GERMAN)*: MAMA, MÜMME
انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH)*: MAMMA
انگلیسی *(ENGLISH)*: MAMA, MAMMA, MUM, MUMMY, MA
هلندی *(DUTCH)*: MAMA
اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC)*:

MAMA

لهستانی *(POLISH)*: MAMA

روسی *(RUSSIAN)*: MÁMA

چک *(CZECH)*: MÁMA, MAMINKA

اسلواکی *(SLOVAK)*: MAMA

لیتوانی *(LITHUANIAN)*:

MA, MAMĀ, MOMĀ

لتونی (لتی) *(LATVIAN)*: MĀMA

ایرلندی کهن *(OLD IRISH)*:

MAMÀ, MAM

ولزی *(WELSH)*: MAM

برتونی *(BRETON)*: MAM

کورن والی *(CORNISH)*: MAM

آلبانی *(ALBANIAN)*: MAMË, MËMË

هتیت *(HITTITE)*: MAMMA

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 694 |
| BARNHART: | (MAMMA) 627 |
| DELAMARRE: | (MAMAN) 37 |
| ONIONS: | (MAMMA) 549 |
| SKEAT: | (MAMMA) 358 |
| MALLORY & ADAMS: | M-AM |
| برهان قاطع: | ۱۹۴۸ |

**یادداشت:**

۱- این واژه‌ی کودکانه تقریباً در تمام زبان‌های هند و اروپایی وجود دارد و رابطه‌ی آن با "مادر" و پستان "مَمه" آشکار است ولی واجریشه‌ی آن با واجریشه‌ی "مادر" (MĀTER*) فرق دارد. علت نایابی آن در متون زبان‌های کهن شاید این باشد که این واژه بچه‌گانه است.

۲- چم این واژه در افغانی و آلمانی کهن: خاله، عمه.

۳- ضمناً واژه‌ی MOMMY در لاتین به چَم "مادر بزرگ" بکار رفته.

| فارسی *(PERSIAN)*: | مان (به چَم "خان" و "خانه" مثلاً در "خان‌ومان" یا «خانمان») MĀN |
|---|---|
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | HOUSE, HOME |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN)*: | *DEM-, *DOMUS, *DÓMOS |

اوستایی *(AVESTAN)*: NMĀNA, D∂MĀNA

پارسی باستان *(OLD PERSIAN)*: MANIYA

پهلوی *(PAHLAVI)*:

MĀN, MANISHN, MĀND

کردی *(KURDISH)*: MAL

تخاری A *(TOKHARIAN A)*: TAM-, TÄM-

تخاری B *(TOKHARIAN B)*:

TEM-, TÄM-, TSÄM-

سانسکریت *(SANSKRIT)*: DAMŪ,

(DAMŪ-NAS), MĀNAH, DÁMAS

ارمنی *(ARMENIAN)*:

TANU-, (TANU-TĒR)

یونانی *(GREEK)*: DOMÓS, DŌMA

لاتین *(LATIN)*: DOMUS, DOMŌ

فرانسه *(FRENCH)*: DÔME

اسپانیایی *(SPANISH)*: DOMO

پرتغالی *(PORTUGUESE)*: DOMO

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN)*:

TIMBR

ساکسونی کهن *(OLD SAXON)*: TIMBAR

فریزی کهن (OLD FRISIAN): TIMBER

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): ZIMBER

آلمانی (GERMAN): ZIMMER

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): TIMBER

انگلیسی (ENGLISH): TIMBER

دانمارکی (DANISH): TOMMER

سوئدی (SWEDISH): TIMMER

نروژی (NORWEGIAN): TOMMER

هلندی (DUTCH): TIMMER

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): DOMŪ

لهستانی (POLISH): DOM

روسی (RUSSIAN): DÓMA, DOM

چک (CZECH): DOMA, DOMÁCÍ

صربی (SERBIAN): DOM

بوهمی (BOHEMIAN): DŪM

اسلواکی (SLOVAK): DOM, DOMA

لیتوانی (LITHUANIAN): NĀMAS

لتونی (لتی) (LATVIAN): NAMS

ایرلندی کهن (OLD IRISH): DAMNAE

ولزی (WELSH): DEFNYDD

برتونی (BRETON): DEFFNEZ

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 198-199 | POKORNY: |
| (DOME) 294-295 | BARNHART: |
| (MAISON) 59 | DELAMARRE: |
| (HOUSE) 118 | MACKENZIE: |
| (HOUSE) 457-459 | BUCK: |
| فرهنگ معین: | ۳۷۱۸ |
| برهان قاطع: | ۲۰۴۲ |

**یادداشت:**

۱- در زبان پهلوی XĀN UD MĀN ("خانمان" یا "خان و مان") هم چَم HOUSE AND HOME انگلیسی بود.

۲- چَم این واژه در زبان‌های ژرمنی کهن: خانه.

چَم این واژه در زبان آلمانی: اتاق.

چَم این واژه در زبان‌های انگلیسی و هلندی و اسکاندیناوی: هیزم، الوار ساختمانی.

چَم این واژه در زبان‌های رومانس امروزی: گنبد.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): – مان (به چَم "مرد"، "هوشمند" – در نام‌ها: هومان، نریمان) | MĀN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | MAN |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *MANUS, *MONUS |



اوستایی (AVESTAN): MANUS-

پهلوی (PAHLAVI): -MĀN (ZAR-MĀN)

سانسکریت (SANSKRIT): MÁNU-, MÁNUS

گوتیک (GOTHIC): MANNA

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): MATHA, MANNR

ساکسونی کهن (OLD SAXON): MAN

فریزی کهن (OLD FRISIAN): MONN

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): MAN

آلمانی (GERMAN): MANN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): MANN, MON, MANNA

انگلیسی (ENGLISH): MAN
دانمارکی (DANISH): MAND
سوئدی (SWEDISH): MAN
نروژی (NORWEGIAN): MAND
هلندی (DUTCH): MAN
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): MOZHI
لهستانی (POLISH): MAZH
روسی (RUSSIAN): MUZH
صربی (SERBIAN): MUZH
بوهمی (BOHEMIAN): MUZH

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 700 |
| BARNHART: | (MAN) 627 |
| DELAMARRE: | (HOMME) 51, 74 |
| MACKENZIE: | (MAN) 122 |
| ONIONS: | (MAN) 550 |
| SKEAT: | (MAN) 358 |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): ماندن | MANDAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | STAY, REMAIN, WAIT |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *MEN-, *MN- |

اوستایی (AVESTAN): MAN-, MANAYA
پارسی باستان (OLD PERSIAN): MAN-, MANAYA
پهلوی (PAHLAVI): MAN-, MĀNDAN, MANISTAN
کردی (KURDISH): MAIN, MANDU
بلوچی (BALUCHI): MANTA, MĀNAGH
افغانی (پشتو) (AFGHANI): MANDA
تخاری A (TOKHARIAN A): MÄSK
تخاری B (TOKHARIAN B): MÄSK
سانسکریت (SANSKRIT): MAN-, MAMANDHI
ارمنی (ARMENIAN): MNAM, MUNAL
یونانی (GREEK): MENŌ, MÉNEIN
لاتین (LATIN): MAṆEŌ, MANĒRE
ایتالیایی (ITALIAN): RIMANERE
رومانی (RUMANIAN): RAMĪNERA
ایرلندی کهن (OLD IRISH): AINMNE
هتیت (HITTITE): MI-IMNA, MI-IMMAI

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 729 |
| BARNHART: | (MANSION) 631 |
| MACKENZIE: | (REMAIN) 130, (STAY) 134 |
| BUCK: | 838 |
| ONIONS: | (MANSION) 533 |
| SKEAT: | (REMAIN) 509 |
| برهان قاطع: | ۱۹۵۰ |

| | |
|---|---|
| MĀH, MAH | فارسی (PERSIAN): ماه، مَه (به چَم "قمر") |
| MOON | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *MĒNŌT, *MĒNESES, *MĒNES-, *MĒNS-, *MĒS- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN):
MAWNGH, MĀ, MĀH

پارسی باستان (OLD PERSIAN): MĀH

پهلوی (PAHLAVI): MĀH

کردی (KURDISH): MEH

افغانی (پشتو) (AFGHANI): -MËY

تخاری A (TOKHARIAN A): MAÑ

تخاری B (TOKHARIAN B): MEM

سانسکریت (SANSKRIT): MĀS, MĀSAS

یونانی (GREEK): MĒNĒ, MĒN

گوتیک (GOTHIC): MENA

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
MĀNI

ساکسونی کهن (OLD SAXON): MĀNO

فریزی کهن (OLD FRISIAN): MŌNA

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): MĀNO

آلمانی (GERMAN): MOND

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): MŌNA

انگلیسی (ENGLISH): MOON

دانمارکی (DANISH): MĀNE

سوئدی (SWEDISH): MĀNE

نروژی (NORWEGIAN): MĀNE

هلندی (DUTCH): MAAN

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
MĒSECĪ

چک (CZECH): MĒSÍC

صربی (SERBIAN): MJESIC

بوهمی (BOHEMIAN): MĒSIC

اسلواکی (SLOVAK): MESIAC

لیتوانی (LITHUANIAN):
MĒNUO, MĒNULIS

لتونی (لتی) (LATVIAN): MĒNESS

ایرلندی کهن (OLD IRISH): MĪ

ولزی (WELSH): MIS

برتونی (BRETON): MIZ

آلبانی (ALBANIAN): MUAI

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 731 |
| BARNHART: | (MOON) 676 |
| DELAMARRE: | (LUNE) 186 |
| MACKENZIE: | (MOON) 124 |
| BUCK: | 54-55 |
| AMINDAROV: | (MOON) 256 |
| ۱۹۵۶ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

در بیشتر زبان‌های هند و اروپایی واژه‌ی "ماه" (به چَم "قمر") یا واژه‌ی "ماه" (به چَم "شهر" یا " یک دوازدهم سال" فرق دارد. این فهرست حاوی واژه‌هایی است که فقط چَم "قمر" را دارند و یا هم چم "قمر" و هم چَم "شهر" را دارند.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): ماه (به چَم "شهر" یا "یک دوازدهم سال") | MĀH |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | MONTH |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *MENŌT |

اوستایی (AVESTAN): MĀH, MĀ
پارسی باستان (OLD PERSIAN): MĀH
پهلوی (PAHLAVI):
MĀH, MAHAK, MĀHIGĀN
کردی (KURDISH): MEH
افغانی (پشتو) (AFGHANI): MYĀSHT
تخاری A (TOKHARIAN A): MĀN
تخاری B (TOKHARIAN B): MEÑE
سانسکریت (SANSKRIT): MĀS, MASĀ
ارمنی (ARMENIAN): AMIS
یونانی (GREEK): MĒN, MĒS
لاتین (LATIN): MENSIS
فرانسه (FRENCH): MOIS
اسپانیایی (SPANISH): MES
ایتالیایی (ITALIAN): MESE
پرتغالی (PORTUGUESE): MÊS
گوتیک (GOTHIC): MĒNŌTHS
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
MŌNATHR
ساکسونی کهن (OLD SAXON): MĀNOTH
فریزی کهن (OLD FRISIAN): MŌNATH
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
MĀNŌT, MĀNŌD
آلمانی (GERMAN): MONAT
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): MŌNATH
انگلیسی (ENGLISH): MONTH
دانمارکی (DANISH): MANED
سوئدی (SWEDISH): MĀNAD
نروژی (NORWEGIAN): MANED
هلندی (DUTCH): MAAND

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
MISECI
لهستانی (POLISH): MIESIAC
روسی (RUSSIAN): MESJAC, MIESIATS
چک (CZECH): MĒSÍC
بلغاری (BULGARIAN): MĒSECŪ
صربی (SERBIAN): MJESEC
بوهمی (BOHEMIAN): MĒSIC
اسلواکی (SLOVAK): MESIAC
لیتوانی (LITHUANIAN):
MENESIS, MĒNUO
لتونی (لتی) (LATVIAN): MĒNESIS
پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): MENINS
ایرلندی کهن (OLD IRISH): MI
ولزی (WELSH): MIS
برتونی (BRETON): MIZ
گالیک (GAELIC): MIOS
آلبانی (ALBANIAN): MUAJ

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 731-732 |
| BARNHART: | (MONTH) 675 |
| DELAMARRE: | (MOIS) 186 |
| MACKENZIE: | (MONTH) 124 |
| BUCK: | 1010-1011 |
| ONIONS: | (MONTH) 587 |
| SKEAT: | (MONTH) 384 |
| AMINDAROV: | (MONTH) 256 |
| ۱۹۵۶ | برهان قاطع: |

یادداشت:

بازگشت به: ماه (به چم "قمر")

| MĀHI | فارسی (PERSIAN): ماهی |
|---|---|
| FISH | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *MAD-, *MAD- *DO- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): MASYA

پهلوی (PAHLAVI): MĀHIK, MĀHĪG

کردی (KURDISH): MĀSĪ

بلوچی (BALUCHI):

MĀHI, MĀHIG, MĀHIGH

افغانی (پشتو) (AFGHANI): MĀHI

سانسکریت (SANSKRIT): MÁTSYA

یونانی (GREEK): MADAŌ

لاتین (LATIN): MADĒRE, MADEŌ

فرانسه (FRENCH): MOUILLER

اسپانیایی (SPANISH): MOJADO, MOJAR

پرتغالی (PORTUGUESE):

MOLHADO, MOLHAR

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 694-695 |
| MACKENZIE: | (FISH) 114 |
| BUCK: | (FISH) 184 |
| AMINDAROV: | (FISH) 225 |
| ۱۹۶۱ | برهان قاطع : |

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های یونانی و رومانس: تر، خیس بودن، خیسیدن.

| MĀHICHÉ, MĀYCHÉ | فارسی (PERSIAN): ماهیچه، مایچه |
|---|---|
| MUSCLE | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *MŪS, *MUS | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

سانسکریت (SANSKRIT): MUSHKA

ارمنی (ARMENIAN): MUKN

یونانی (GREEK):

MŪS, MŸS, MŸOS, MŸO-

لاتین (LATIN): MŪSCULUS

فرانسه (FRENCH): MUSCLE

اسپانیایی (SPANISH): MÙSCULO

ایتالیایی (ITALIAN): MUSCULO

رومانی (RUMANIAN): MUSCHI

پرتغالی (PORTUGUESE): MÚSCULO

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): MŪS

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): MŪS

آلمانی (GERMAN): MUSKEL

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): MŪS

انگلیسی (ENGLISH): MUSCLE

دانمارکی (DANISH): MUSKLE

سوئدی (SWEDISH): MUSKEL

نروژی (NORWEGIAN): MUSKEL

| پسگشت‌ها REFERENCES | | | |
|---|---|---|---|
| POKORNY: | 752-753 | ONIONS: | (MUSCLE) 598 |
| BARNHART: | (MUSCLE) 687 | SKEAT: | (MUSCLE) 391 |
| DELAMARRE: | 135 | فرهنگ معین: | ۳۷۴۴ و ۳۷۴۵ |

یادداشت:

۱- بازگشت به: موش.

۲- چم این واژه در سانسکریت: خایه.

۳- واجریشه‌ی شناسان معتقدند که واژه‌ی "مایچه" (که شاید در اصله "موشچه" بوده است) با واژه‌ی "موش" خویشی دارد و بهمین دلیل واژه‌ی ماهیچه در لاتین (MŪSCULUS) مصغر واژه‌ی MŪS به معنی "موش " است. دلیل این خویشی، شباهت شکل ماهیچه‌ی دوسر و "موش" است. ضمناً در زبان‌های ارمنی و یونانی واژه‌های MŪS, MUKN(یا MŸS) دو چَم دارند: موش و عضله.

۴- واژه‌های ژرمنی این فهرست همه از لاتین مشتق شده‌اند.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): مایه | MĀYÉ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | MATTER, CAPITAL, ESSENCE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):(شاید) | *MĀTER |

پهلوی (PAHLAVI): MĀDISHT, MATAK

کردی (KURDISH): MAYE, SERMAYE

سانسکریت (SANSKRIT): MĀTAR

یونانی (GREEK): MĒTER

لاتین (LATIN): MĀTERIA, MĀTER

فرانسه (FRENCH): MATIÉTRE

اسپانیایی (SPANISH): MATERIA

ایتالیایی (ITALIAN): MATERIA

پرتغالی (PORTUGUESE): MATÉRIA

آلمانی (GERMAN):(از لاتین) MATERIE

انگلیسی (ENGLISH):(از فرانسه‌ی کهن) MATTER

| پسگشت‌ها REFERENCES | |
|---|---|
| POKORNY: | 700 |
| BARNHART: | (MATTER) 642,(MATERIAL) 640 |
| MACKENZIE: | (MATTER) 123 |
| AMINDAROV: | (CAPITAL) 196 |
| برهان قاطع: | ۱۹۶۴ و ۱۹۳۴ |
| لغت نامه دهخدا: | ۲۰۰۶۸ و ۱۹۹۳۲ |
| فرهنگ معین: | ۳۷۳۶ و ۳۶۴۸ |

یادداشت:

برخی از واجریشه شناسان معتقدند که واژه‌ی فارسی "مایه" با واژه‌ی لاتین MATERIA خویشی دارد و هر دوی این واژه‌ها (و واژه‌های مشابه در دیگر زبان‌های هند و اروپایی) همه از واجریشه‌ی "مادر" (MĀT, MĀTER) آمده‌اند ضمنا واژه‌ی "ماده" هم از همین واجریشه است. شاید واژه‌ی عربی "مادّه" هم اصلاً از یک زبان هند و اروپایی اخذ

شده باشد (و در این صورت آن هم از واجریشه‌ی MĀTER آمده است). چون این رابطه مسلم نیست در جلوی واجریشه‌ی هند و اروپایی این فهرست (شاید) آورده‌ام.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): مرد | MARD |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | MAN |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *MER-, *MERE-, *MORTO |

اوستایی (AVESTAN): MARETA, MASHA

پارسی باستان (OLD PERSIAN): MARTIYA

پهلوی (PAHLAVI): MART, MARD

کردی (KURDISH): MERD, MĒR

بلوچی (BALUCHI): MAR

سانسکریت (SANSKRIT):

MARTA, MARTYA, MANU-

ارمنی (ARMENIAN): MARD

یونانی (GREEK): MORTÓS, BROTÓS

لاتین (LATIN): MORTALIS

انگلیسی (ENGLISH):(از لاتین) MORTAL

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 735 |
| BARNHART: | (MORTAL) 679 |
| DELAMARRE: | (HOMME) 51 |
| MACKENZIE: | (MAN) 122 |
| BUCK: | 81, 79 |
| ONIONS: | (MORTAL) 591 |
| AMINDAROV: | (MAN) 253 |
| MALLORY: | 49 |
| برهان قاطع: | ۱۹۸۲ |

یادداشت:

بازگشت به: مرگ.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): مرزیدن (به چَم "جماع کردن")، مرز | MORZIDAN, MORZ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | COPULATE, COPULATION, INTERCOURSE, FUCK |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *MELG-, *MOLGO- |

اوستایی (AVESTAN): MARZ-, MITHW-

پهلوی (PAHLAVI): MARZĪDAN,

MARZISHN, MARZ, MARZITĀN

سانسکریت (SANSKRIT):

MITH-, MARZ-, MÁRSTI

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 722 |
| MACKENZIE: | (COPULATE) 108 |
| برهان قاطع: | ۱۹۸۷ |
| فرهنگ معین: | ۴۰۱۲ |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۲۰۶۵۴ و ۲۰۶۶۰-۲۰۶۵۹ |

یادداشت:

بازگشت به: مالیدن.

| فارسی (PERSIAN): مرز | MARZ |
|---|---|
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | BOUNDARY, BORDER, FRONTIER |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *MORG-, *MERG-, *MROG- |

اوستایی (AVESTAN): MAREZA, MAR∂ZU

پهلوی (PAHLAVI): MARZ

سانسکریت (SANSKRIT):(شاید) MARYĀDA

ارمنی (ARMENIAN): MARZ

لاتین (LATIN): MARGŌ, MARGINIS

فرانسه (FRENCH): MARQUE

اسپانیایی (SPANISH): MARCA

ایتالیایی (ITALIAN): MARKA

پرتغالی (PORTUGUESE): MARCA

گوتیک (GOTHIC): MARKA

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

MORK

ساکسونی کهن (OLD SAXON): MARKA

فریزی کهن (OLD FRISIAN): MERKE

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

MARCA, MARTHA

آلمانی (GERMAN): MARK

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

MEARC, MEARKE, MERKE

انگلیسی (ENGLISH): MARK

دانمارکی (DANISH): MARK

سوئدی (SWEDISH): MARK

نروژی (NORWEGIAN): MARK

هلندی (DUTCH): MARK

ایرلندی کهن (OLD IRISH):

MRUIG, MARUIG

گالی (GAULISH): BROGI-

ولزی (WELSH): BRO

برتونی (BRETON): BRO, BROGAE

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 738 |
| BARNHART: | (MARK) 634 |
| DELAMARRE: | 63 |
| MACKENZIE: | (BOUNDARY) 105 |
| BUCK: | 1311-1312 |
| ONIONS: | (MARK) 556 |
| SKEAT: | (MARK) 362 |
| فرهنگ معین: | ۴۰۰۹ |
| برهان قاطع: | ۱۹۸۶-۱۹۸۷ |

**یادداشت:**

در انگلیسی نوین و برخی زبان‌های ژرمنی دیگر این واژه چَم "نشان" و "نشان سرحدی" را دارد.

| فارسی (PERSIAN): مرگ، مردن، مرده | MARG, MORDAN, MORDÉ |
|---|---|
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | DEATH, DIE, DEAD |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *MER-, *MER∂-, *MRTIS, *MORTOS, *MRTOM |

اوستایی (AVESTAN): A-MARIYATĀ, MAR-

MARIYEITE, M∂R∂TA, MAHRKA

پهلوی (PAHLAVI):

پارسی باستان (OLD PERSIAN): MARG, MURTAN, MURDAN

اوستی (OSSETIC):
MĀRYN, MARG, MARD
کردی (KURDISH):
MERK, MYR, MYRI, MIRIN
بلوچی (BALUCHI):
MARK, MIRAG, MIRAGH
افغانی (پشتو) (AFGHANI):
MRAL, MER, MARG, MRINA
سانسکریت (SANSKRIT):
AMRTA, MARIYÁTE, MÁRATE
MARTĀ-, MRTI-, MARAS
ارمنی (ARMENIAN): MERANIM,
MARH, MAH, MERDZ, MERNIL
لاتین (LATIN):
MORIOR, MORS, MORTIS, MORI
فرانسه (FRENCH): MORT, MOURIR
اسپانیایی (SPANISH):
MUERTO, MORIR, MUERTE
ایتالیایی (ITALIAN):
MORTO, MORIRE, MORTE
رومانی (RUMANIAN):
MORT, MURI, MOARTE
پرتغالی (PORTUGUESE):
MORTO, MORRER, MORTE
گوتیک (GOTHIC): BROTÓS
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
MORD
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
MORD

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): MORD
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
MIRQ, MRĒTI, MRŪTVŪ
لهستانی (POLISH):
SMIERC, MARTWY, UMIERAĆ
روسی (RUSSIAN):
UMERET, UMIRAT, SMERT
صربی (SERBIAN): MORITI, MRTAV
بوهمی (BOHEMIAN):
MORTVÝ, (U)MRITI
اسلواکی (SLOVAK):
MRTVY, SMERT, ZOMRIET
لیتوانی (LITHUANIAN):
MIRSHTU, MARINTI, MIRTI, MIRTIS
لتونی (لتی) (LATVIAN): MIRSTU, MIRT
ایرلندی کهن (OLD IRISH): MARB
ولزی (WELSH): MARW
برتونی (BRETON): MARO, MARVEL
هتیت (HITTITE): MER-, MEIRTA

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 735 |
| BARNHART: | (MORTAL) 679 |
| DELAMARRE: | 89, 270 |
| MACKENZIE: | (DEATH) 109, (DIE) 110 |
| BUCK: | 286, 290 |
| ۱۹۹۵ و ۱۹۸۶ | برهان قاطع: |

| MARMAR | فارسی (PERSIAN): مَرمَر |
|---|---|
| MARBLE | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *MER-, *MERə-, *MR- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

کردی (KURDISH): MERMER

سانسکریت (SANSKRIT):

MŪRNÁS, MRNĀTI

ارمنی (ARMENIAN): MARMAR

یونانی (GREEK): MÁRMAROS

لاتین (LATIN): MARMOR

فرانسه (FRENCH): MARBRE

اسپانیایی (SPANISH): MÁRMOL

ایتالیایی (ITALIAN): MARMO

رومانی (RUMANIAN): MARMURE

پرتغالی (PORTUGUESE): MÁRMO

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

MERJA

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

MARMUL

آلمانی (GERMAN): MARMOR

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

MARMA, MARMO

انگلیسی (ENGLISH): MARBLE

دانمارکی (DANISH): MARMOR

سوئدی (SWEDISH): MARMOR

نروژی (NORWEGIAN): MARMOR

هلندی (DUTCH): MARMER

لهستانی (POLISH): MARMUR

چک (CZECH): MRAMUR

اسلواکی (SLOVAK): MARMOR

هتیت (HITTITE): MARRIATTARI

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 735-736 |
| BARNHART: | (MARBLE) 632 |
| ONIONS: | (MARBLE) 555 |
| SKEAT: | (MARBLE) 361 |
| AMINDAROV: | (MARBLE) 252 |
| ۴۰۴۵ | فرهنگ معین: |
| ۱۹۹۶ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

۱- چم این واژه در سانسکریت و هتیت: کوبیده، خُرد شده.

۲- برخی واجریشه شناسان معتقدند که شکل‌های کنونی این واژه در اکثر زبان‌ها از واژه‌ی یونانی MÁRMAROS مشتق شده‌اند.

| MOZD | فارسی (PERSIAN): مزد |
|---|---|
| WAGE(S), PAY | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *MIZDHÓS | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): MIZHDA

پهلوی (PAHLAVI): MIZD, MOZD

اوستی (OSSETIC): MIZD, MYZD

کردی (KURDISH): MUZD

سانسکریت (SANSKRIT):

MIDHÁ, MIDHĀMA

یونانی *(GREEK):* **MISTHÓS**

گوتیک *(GOTHIC):* **MIZDŌ**

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):*

**MĒDA, MIEDA**

ساکسونی کهن *(OLD SAXON):* **MĒDA**

فریزی کهن *(OLD FRISIAN):* **MĒDE**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):*

**MĒTA, MIATA**

آلمانی *(GERMAN):* **MIETE**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):*

**MEORD, MĒD, MĒDA**

انگلیسی *(ENGLISH):* **MEED**

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):*

**MŪZDA, MĪZDA**

روسی *(RUSSIAN):* **MZDA**

چک *(CZECH):* **MZDA**

بوهمی *(BOHEMIAN):* **MZDA**

اسلواکی *(SLOVAK):* **MZDA**

| پسگشت‌ها | *REFERENCES* |
|---|---|
| *POKORNY:* | 746 |
| *BARNHART:* | (MEED) 648 |
| *MACKENZIE:* (HIRE) 118, (PAY) 126 | |
| *ONIONS:* | (MEED) 567 |
| *SKEAT:* | (MEED) 369 |
| *RAMAT:* | 38 |
| برهان قاطع: | ۲۰۰۰ |

**یادداشت:**

واژه‌ی "مژده" نیز به احتمال قوی از همین واجریشه است.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* مزدا | **MAZDA** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **MAZDA, GOOD** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | ***MENDH-** |

اوستایی *(AVESTAN):* **MAZDĀ, MAZDĀH,**

پارسی باستان *(OLD PERSIAN):* **MAZDRA-**

پهلوی *(PAHLAVI):* **MAZĀ, MĀZDĒSN**

سانسکریت *(SANSKRIT):* **MĒDHĀ**

یونانی *(GREEK):*

**MANTHANO, MATHEIN**

گوتیک *(GOTHIC):*

**MUNDŌN, MUNDERI**

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):*

**MUNDA**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):*

**MUNTAR, MUNTER, MENDI,**

**MENDEN**

بلغاری *(BULGARIAN):* **MODRŪ**

لیتوانی *(LITHUANIAN):*

**MANDRAS, MUNTER**

لتونی (لتی) *(LATVIAN):*

**MUÔDRS, MUOZHS**

ولزی *(WELSH):* **MYNNU**

آلبانی *(ALBANIAN):* **MUND**

| پسگشت‌ها | *REFERENCES* |
|---|---|
| *POKORNY:* | 730 |
| *MACKENZIE:* | (MAZDEAN) 123 |
| *BUCK:* | 1222 |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۲۰۷۴۶ |

یادداشت:

۱- چم این واژه در سانسکریت و بلغاری: خرد، عاقل.
چم این واژه در یونانی: آموختن.
چم این واژه در گوتیک: هدف، سر منزل مقصود.
چم این واژه در آلمانی کهن و ولزی: اشتیاق، خواستن.
چم این واژه در لیتوانی و لتونی: دلیر، دلاور.
چم این واژه در آلبانی: پیروزی.
۲- در اوستایی MAZDĀ به چَم "خردمند" و "عاقل" هم بوده است.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): مژه، مژگان | MOZHÉ, MOZHGĀN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | EYELASH |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *MEIK-, *MEIGH- |

پهلوی (PAHLAVI): MICHAK, MIZH, MIZHAG
کردی (KURDISH): MIJGAN, MIZHI, MIZHĀNK, MUJÚAL
بلوچی (BALUCHI): MICĀC, MISHASH, MIZHAGHĀN
سانسکریت (SANSKRIT): NIMISHA
لاتین (LATIN): MICŌ, MICĀRE
بلغاری‌کهن (OLD BULGARIAN): MUCHUTU
ایرلندی کهن (OLD IRISH): DE-MECCIM
ولزی (WELSH): MYGR

| بسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 712-713 | POKORNY: |
| (EYELASH) 113 | MACKENZIE: |
| برهان قاطع: ۲۰۰۶ و ۲۰۰۵ | |

یادداشت:

چَم این واژه در زبان لاتین: سوسوزدن، سوسو.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): مُست (به چَم "شکایت" و "گله") | MOST |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | COMPLAINT, GRIPE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *MĒUDH-, *MŪDH- |

پارسی باستان (OLD PERSIAN): *MUSTI*
پهلوی (PAHLAVI): MUST
یونانی (GREEK): MUTHOS
گوتیک (GOTHIC): MAUDJAN
بلغاری کهن (OLD BULGARIAN): MYSLU
لیتوانی (LITHUANIAN): MAUDZHIÚ, MAŪSTI

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 743 |
| MACKENZIE: | (COMPLAINT) 107 |
| برهان قاطع : | ۲۰۰۷ |

یادداشت:

چم این واژه در زبان یونانی: سخن، حرف.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): مَست | MAST |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | INTOXICATED, DRUNK |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *MAD-, *DO- |

اوستایی (AVESTAN): MADHA-, MAD-

پهلوی (PAHLAVI): MAST

کردی (KURDISH): MEST

سانسکریت (SANSKRIT): MÁDYATI,
MAMÁTTI, MÁNDATI, MATTÁ-

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 694 |
| AMINDAROV: | (DRUNK) 215 |
| برهان قاطع : | ۲۰۰۷ |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): مشک | MASHK |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | SHEEPSKIN, MUSSUCK |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *MOISOS |

اوستایی (AVESTAN): MARSHA

پهلوی (PAHLAVI):
MASHK, MASHKIZAG

سغدی (SOGADIAN): MSHK

سانسکریت (SANSKRIT):
MĒSHAS, MASHAKA

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
MEISS

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
MEISA

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
MĒCHŪ

لهستانی (POLISH): MIECH

روسی (RUSSIAN): MĒCH

بلغاری (BULGARIAN): MECHŪ

لیتوانی (LITHUANIAN): MÁISHAS

لتونی (لتی) (LATVIAN): MÁISS

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): MOASIS

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 747 |
| DELAMARRE: | (SAC EN PEAU) 148 |
| MACKENZIE: | (MUSSUCK) 124 |
| برهان قاطع : | ۲۰۱۴ |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): مُشک | MOSHK |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | MUSK |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *MŪS, *MUS |

پهلوی (PAHLAVI): MUSHK
سانسکریت (SANSKRIT): MUSKAH
یونانی (GREEK): MOSKHOS
لاتین (LATIN): MUSCUS
فرانسه (FRENCH): MUSC
آلمانی (GERMAN): MUSCH, MOSCHUS
انگلیسی (ENGLISH): MUSK
هلندی (DUTCH): MUSKUS

| بسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 753 |
| BARNHART: | (MUSK) 688 |
| MACKENZIE: | (MUSK) 124 |
| ONIONS: | (MUSK) 598 |
| SKEAT: | (MUSK) 392 |
| برهان قاطع: | ۲۰۱۴ |

یادداشت:

چم این واژه در زبان سانسکریت: خایه.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): مغ، مجوس | MOGH, MAJŪS |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | *MAGUS, MAGI, (ZOROASTRIAN) PRIEST |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *MAGH-, *MĀGH- |

اوستایی (AVESTAN): MAGU, MAGA
پارسی باستان (OLD PERSIAN):
MAGUSH, MAGUS, MAG
پهلوی (PAHLAVI):
MAGU, MAGUPAT, MOGHMARD
تخاری A (TOKHARIAN A): MOKATS
سانسکریت (SANSKRIT):
MAGHÁ, MAGHÁVAN-
ارمنی (ARMENIAN):
MOG, MOGPET, MARTHANX
یونانی (GREEK):
MAGIKĒ, MAGIKÓS, MAGOS
لاتین (LATIN): MAGICĒ, MAGUS
فرانسه (FRENCH): MAGE
اسپانیایی (SPANISH): MAGO
ایتالیایی (ITALIAN): MAGO

پرتغالی (PORTUGUESE): MAGO
گوتیک (GOTHIC): MAGAN, MAHTS
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
MEGA, MAGA, MUGA, MĀ
فریزی کهن (OLD FRISIAN): MUGA, MEI
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
MAGAN, MUGAN, MAG
آلمانی (GERMAN): MAGIE
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
MAGAN, MAG
انگلیسی (ENGLISH): MIGHT
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
MOGŪ, MOSHTI
روسی (RUSSIAN): MOSHŪ
لیتوانی (LITHUANIAN):
MĀGULAS, MOKETI

| | | | |
|---|---|---|---|
| MACKENZIE: MOGH (MOGHMARD) 56 | | REFERENCES | پسگشت‌ها |
| ONIONS: | | POKORNY: | 695 |
| | MOGH (MOGHMARD) 56 | BARNHART: | |
| ۲۰۳۰ | برهان قاطع: | | (MAGIC, MAGI) 622 |

یادداشت:

۱- چم این واژه در زبان‌های ایرانی: روحانی زرتشتی.
چم این واژه در دیگر زبان‌های هند و اروپایی این فهرست: جادوگر، توانا، دانا.
چم این واژه در سانسکریت: توانمندی، دارایی.
۲- واژه‌های انگلیسی MAGICIAN, MAGIC نیز از همین واجریشه‌اند.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): مغز | MAGHZ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | MARROW, PITH, BRAIN, KERNEL |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *MOSGH-, *MOZGHO-, *MOSGOS |

اوستایی (AVESTAN): MAZGA
پارسی‌باستان (OLD PERSIAN): MAZGH
پهلوی (PAHLAVI): MAZGA, MASG
اوستی (OSSETIC): MAGHZ
کردی (KURDISH): MEGZ, MEJU
بلوچی (BALUCHI): MAZHG
افغانی (پشتو) (AFGHANI): MĀGHZA
تخاری A (TOKHARIAN A): MASSUNT
سانسکریت (SANSKRIT): MAJJÁN
ارمنی (ARMENIAN): MICHOUG, MIDK
فرانسه (FRENCH): MOELLE
اسپانیایی (SPANISH): MOELLO
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): MERGR
ساکسونی کهن (OLD SAXON): MARG
فریزی کهن (OLD FRISIAN): MERG, MERCH
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): MARG, MARAG
آلمانی (GERMAN): MARK
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): MEARH, MEARG
انگلیسی (ENGLISH): MARROW
دانمارکی (DANISH): MARV
سوئدی (SWEDISH): MERG
نروژی (NORWEGIAN): MARV
هلندی (DUTCH): MERG
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): MOZGŪ
لهستانی (POLISH): MÓZG
روسی (RUSSIAN): MOZG
صربی (SERBIAN): MOZAK
بوهمی (BOHEMIAN): MOZEG
اسلواکی (SLOVAK): MOZOG
لیتوانی (LITHUANIAN): SMĀGENES
پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): MUSGENO

| | | | |
|---|---|---|---|
| پسگشت‌ها | REFERENCES | | MACKENZIE: |
| 750 | POKORNY: | (BRAIN) 105, (MAROW) 123 | |
| | BARNHART: | 215 | BUCK: |
| (MARROW) 635-636 | | (MARROW) 557 | ONIONS: |
| | DELAMARRE: | (MARROW) 363 | SKEAT: |
| (MOELLE, CERVELLE) 148 | | برهان قاطع : | ۲۰۲۱ |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): مگس | MAGAS |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | FLY |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *MUS-, *MUKYON, *MUGHYŌN, *MŪSA |

اوستایی (AVESTAN): MAKHSHI

پهلوی (PAHLAVI):

MAKHSH, MAGAS, MAKAS

کردی (KURDISH): MĒSH, MYSH

بلوچی (BALUCHI):

MAGISK, MAKASH, MAHISK

افغانی (پشتو) (AFGHANI): MĒCH, MAC

سانسکریت (SANSKRIT):

MAKSHIKA, MAKSH-, MAKSHA-

ارمنی (ARMENIAN): MUN

یونانی (GREEK): MYIA, MUSYA, MUIA

لاتین (LATIN): MUSCA

فرانسه (FRENCH): MOUCHE

اسپانیایی (SPANISH): MOSCA

ایتالیایی (ITALIAN): MOSCA

رومانی (RUMANIAN): MUSCĂ

پرتغالی (PORTUGUESE): MOSCA

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): MȲ

ساکسونی کهن (OLD SAXON): MUGGIA

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

MUCKA, MUGGA

آلمانی (GERMAN): MÜCKE

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

MYGG, MYCG, MYCGE

انگلیسی (ENGLISH): MIDGE

دانمارکی (DANISH): MYG

سوئدی (SWEDISH): MYGG

نروژی (NORWEGIAN): MYGG

هلندی (DUTCH): MUG

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

MUCHA

لهستانی (POLISH): MUCHA

روسی (RUSSIAN): MUKHA

چک (CZECH): MOUCHA

صربی (SERBIAN): MUHA

بوهمی (BOHEMIAN): MOUCHA

اسلواکی (SLOVAK): MUCHA

لیتوانی (LITHUANIAN): MUSHĒ

لتونی (لتی) (LATVIAN): MŪSA

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): MUSO

آلبانی (ALBANIAN): MÜZË

| | | | |
|---|---|---|---|
| BUCK: | 193 | REFERENCES | بسگشت‌ها |
| ONIONS: | (MIDGE) 575 | POKORNY: | 752 |
| SKEAT: | (MIDGE) 374 | BARNHART: | (MIDGE) 659-660 |
| ۲۰۲۹ | برهان قاطع: | DELAMARRE: | (MOUSTIQUE) 143 |
| | | MACKENZIE: | (FLY) 114 |

یادداشت:

چم این واژه در ارمنی و زبان‌های ژرمنی: پشه‌ریزه، انواع حشرات دوباله و کوچک.

| | | |
|---|---|---|
| MALAS, MALĒS | ملس، ملیس (به چَم"ترش و شیرین"، "میخوش") | فارسی (PERSIAN): |
| SWEET AND SOUR | | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *AMROS, *MROS | | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): (شاید) |

| | | | |
|---|---|---|---|
| AMPFER | آلمانی (GERMAN): | AMLÁS | سانسکریت (SANSKRIT): |
| AMPER | سوئدی (SWEDISH): | AMOKH | ارمنی (ARMENIAN): |
| AMUOLS | لتونی(لتی) (LATVIAN): | AMĀRUS | لاتین (LATIN): |
| TAMLË, ËMBLË | آلبانی (ALBANIAN): | AMER | فرانسه (FRENCH): |
| | | AMARG | اسپانیایی (SPANISH): |
| | | AMARO | ایتالیایی (ITALIAN): |
| | | AMAR | رومانی (RUMANIAN): |
| | | AMARGO | پرتغالی (PORTUGUESE): |
| | | APR | ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): |

| | |
|---|---|
| REFERENCES | بسگشت‌ها |
| DELAMARRE: | 163,230 |
| BUCK: | 1033-1035 |
| ۲۱۴۷۱ و ۲۱۵۱۵ | لغت‌نامه دهخدا: |
| ۴۳۴۴ و (ملیس) ۴۳۵۵ | فرهنگ معین: |

یادداشت:

۱- چم این واژه در زبان‌های ناشی از لاتین(زبان‌های رُمانس): ملخ.

چم این واژه در زبان لتونی و زبان‌های ژرمنی این فهرست: (گیاه) ترشک، ریواس.

چم این واژه در زبان آلبانی: شیرترش.

۲- چون نتوانسته‌ام برابرهای "ملس" را در زبان‌های ایرانی به ویژه پهلوی و اوستایی پیدا کنم، جلو واجریشه‌ی هند و اروپایی این فهرست(شاید) گذاشته‌ام.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): ممه | MAME |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | BREAST |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *MAMMĀ |

| | |
|---|---|
| یونانی (GREEK): | MAMMĒ |
| لاتین (LATIN): | MAMMA, MAMMILLA |
| فرانسه (FRENCH): | MAMMELLE |
| اسپانیایی (SPANISH): | MAMA |
| ایتالیایی (ITALIAN): | MAMELLA |
| پرتغالی (PORTUGUESE): | MAMA |
| انگلیسی (ENGLISH): | MAMMA |

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 248 | BUCK: |
| (MAMMA) 549 | ONIONS: |
| (MAMMALIA) 358 | SKEAT: |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۲۱۵۴۱ |
| فرهنگ معین: | ۴۳۶۴-۴۳۶۵ |

یادداشت:

۱- واژه‌های انگلیسی MAMMARY, MAMMALIAN, MAMMAL نیز از همین واجریشه‌اند.

۲- بازگشت به: مادر.

۳- واژه هائی مانند "ممه" و یا "مَلَس" چون کودکانه یاکم کاربرد هستند کمتر در نوشتار به‌کار می‌روند و شاید به همین علت باشد که در نوشتارهای پهلوی و اوستایی موجود وجود ندارند.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): من، (کاشانی) مَ | MAN, MA |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | ME, I, MY, MINE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *MĒ, *ME, *MEGE, *MĒM |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | MANA, ME, MĀ, MAM |
| پارسی باستان (OLD PERSIAN): | MANĀ |
| پهلوی (PAHLAVI): | MANA, MAN |
| کردی (KURDISH): | MIN |
| افغانی(پشتو) (AFGHANI): | MĀTA |
| تخاری A (TOKHARIAN A): | NI, *MANI |
| تخاری B (TOKHARIAN B): | NI, *MANI |
| سانسکریت (SANSKRIT): | MĀ, ME, MAHYAM |
| یونانی (GREEK): | ME, EME, MOI |
| لاتین (LATIN): | MĒ, MI, MIHI |
| فرانسه (FRENCH): | ME, MOI |
| اسپانیایی (SPANISH): | ME, MI |
| ایتالیایی (ITALIAN): | MI, ME |
| رومانی (RUMANIAN): | MI , MĀ |
| پرتغالی (PORTUGUESE): | ME, MIM |
| گوتیک (GOTHIC): | MIK, MIS, MEINS |
| ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): | MIK, MĒR |
| ساکسونی کهن (OLD SAXON): | MI |
| فریزی کهن (OLD FRISIAN): | MI, MIR |

| | |
|---|---|
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | MIH, MIR, MIN |
| آلمانی (GERMAN): | MICH, MIR |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | MĒ, MEC |
| انگلیسی (ENGLISH): | ME, MY, MINE |
| دانمارکی (DANISH): | MIG |
| سوئدی (SWEDISH): | MIG |
| نروژی (NORWGIAN): | MIG |
| هلندی (DUTCH): | MIJ |
| اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): | ME, MENE |
| لهستانی (POLISH): | ME, MNIE, MNA |
| چک (CZECH): | MNE, MĒ, MNĒ |
| بلغاری (BULGARIAN): | MOJ |
| اسلواکی (SLOVAK): | MI, MAN, MNE |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | MANÉ, MANAS |
| پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): | MIEN, MAIY, MAIS |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | MĒ |
| ولزی (WELSH): | MI |
| برتونی (BRETON): | ME |
| گالیک (GAELIC): | MI |
| آلبانی (ALBANIAN: | MUA, MUE, IM |
| هتیت (HITTITE): | AMUG, -MI, -MU |

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 702 |
| BARNHART: | (ME) 644 |
| MACKENZIE: | (I) 119, (MAN) 53 |
| ONIONS: | (ME) 564 |
| SKEAT: | (ME) 368 |
| ۲۰۳۶ | برهان قاطع : |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): منج (به چَم "زنبور" یا "زنبورعسل"، "عسل") | MANJ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | HONEYBEE, HONEY |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *MELI-, *MELIT, *MELNES |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | MADU, MATHU |
| سانسکریت (SANSKRIT): | MEDHU |
| ارمنی (ARMENIAN): | MELUI, MEGHOU |
| یونانی (GREEK): | MELINNA, MITHU |
| لاتین (LATIN): | MEL, MELLIS |
| فرانسه (FRENCH: | MIEL |
| اسپانیایی (SPANISH): | MIEL |
| ایتالیایی (ITALIAN): | MIELE |
| رومانی (RUMANIAN): | MIERE, MIED |
| پرتغالی (PORTUGUESE): | MEL |
| گوتیک (GOTHIC): | MILITH |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | MILDEU |
| انگلیسی (ENGLISH): | MILDEW |
| اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): | MEDU |
| لهستانی (POLISH): | MIOD |
| روسی (RUSSIAN): | MED |
| چک (CZECH): | MED |
| بوهمی (BOHEMIAN): | MED |
| اسلواکی (SLOVAK): | MED |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | MEDUS |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | MIL |

| | |
|---|---|
| ولزی *(WELSH):* | MEL |
| برتونی *(BRETON):* | MEL |
| آلبانی *(ALBANIAN):* | MJAL, MJALTË |
| هتیت *(HITTITE):* | MILIT |

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 723-724 |
| BARNHART: | (MILDEW) 661 |
| DELAMARRE: | 147,149 |
| BUCK: | 389 |
| برهان قاطع: | ۲۰۳۸ |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۲۱۵۹۸-۲۱۵۹۹ |

**یادداشت:**

۱- بازگشت به: می

۲- چَم واژه‌های یونانی و ارمنی این فهرست: زنبور.

چَم دیگر واژه‌های این فهرست: عسل.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* منش | MANESH |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | DISPOSITION, THOUGHT, INTENTION |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | *MEN-, *MNE- |

| | |
|---|---|
| اوستایی *(AVESTAN):* | MANAH-, MATHRŌ |
| پارسی باستان *(OLD PERSIAN):* | (HAKHA)MANESH |
| پهلوی *(PAHLAVI):* | MĒNISHN, MAN-, MANIDAN |
| سانسکریت *(SANSKRIT):* | MANTRA, MANAS-, DURMANAS |
| یونانی *(GREEK):* | MEMONA |
| لاتین *(LATIN):* | MĒN, COMMENTOR, MENTIS |
| گوتیک *(GOTHIC):* | -MUNDS |
| لیتوانی *(LITHUANIAN):* | MENTIS |
| پروسی کهن *(OLD PRUSSIN):* | MENTIMAI |
| آلبانی *(ALBANIAN):* | MUND, MEND |

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 724 |
| MACKENZIE: | (THOUGHT) 136, (INTENTION) 120 |
| برهان قاطع: | ۲۰۴۲ |

**یادداشت:**

۱- بازگشت به: مینو.

۲- واژه‌ی انگلیسی MENTAL هم از همین واجریشه است.

| | |
|---|---|
| MŪR, MŪRCHÉ | فارسی (PERSIAN): مور، مورچه |
| *MORWI, *MORMO, *WORMO | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): MAOIRI-
پهلوی (PAHLAVI): MŌR, MŌRCAK
اوستی (OSSTIC): MÄLJIG, MULJUG
کردی (KURDISH): MŪRI
بلوچی (BALUCHI): MŌR, MORIK
افغانی(پشتو) (AFGHANI): MŌR, MORIK, MEZHAY
تخاری B (TOKHARIAN B): MARME
سغدی (SOGHDIAN): M'WRCH
سانسکریت (SANSKRIT): VARMI-, VALMIKA
ارمنی (ARMENIAN): MURCHIUN
یونانی (GREEK): WORMĪKAS, MURMEX
لاتین (LATIN): -MICA (FORMICA)
فرانسه (FRENCH): FOURMI
اسپانیایی (SPANISH): HORMIGA
ایتالیایی (ITALIAN): FORMICA
رومانی (RUMANIAN): FURMICA
پرتغالی (PORTUGUESE): FORMIGA
ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): MAURR, MYRE
فریزی کهن (OLD FRISIAN): MIRE
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): MYRE
انگلیسی (ENGLISH): -MIRE (PIS-MIRE)
دانمارکی (DANISH): MYRE
سوئدی (SWEDISH): MYRA
نروژی (NORWGIAN): -MAUR (MIGEMAUR)
هلندی (DUTCH): MIERE
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): MRAVI
لهستانی (POLISH): MRÓWKA
روسی (RUSSIAN): MURAVĒJ
چک (CZECH): MRAVENEC
بلغاری (BULGARIAN): MRAVI, MRAVIJÁ
اسلواکی (SLOVAK): MRAVEC
ایرلندی کهن (OLD IRISH): MOIRB
ولزی (WELSH): MYRION
برتونی (BRETON): MERIEN
گالیک (GAELIC): MURYON

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 749 |
| DELAMARRE: | (FOURMI) 143 |
| MACKENZIE: | (ANT) 102 |
| ONIONS: | (PISMIRE) 684 |
| SKEAT: | (PISMIRE) 454 |
| AMINDAROV: | (ANT) 185 |
| ۲۰۴۹ | برهان قاطع: |

| | |
|---|---|
| MŪSH | فارسی (PERSIAN): موش |
| MOUSE | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *MŪS | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): MŪSH, MŪSHAKA, MŪSHIKĀ

| | |
|---|---|
| پهلوی (PAHLAVI): | MŪSHK |
| اوستی (OSSETIC): | MIST, MISTE |
| کردی (KURDISH): | MISHK |
| بلوچی (BALUCHI): | MUSHK, MŪSHK |
| افغانی(پشتو) (AFGHANI): | MOZHAK, MAGHAK |
| سانسکریت (SANSKRIT): | MŪS, MŪSH |
| ارمنی (ARMENIAN): | MUKN, MOUG, MUGNIG |
| یونانی (GREEK): | MŪS, MȲS |
| لاتین (LATIN): | MŪS |
| ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): | MŪS |
| ساکسونی کهن (OLD SAXON): | MŪS |
| فریزی کهن (OLD FRISIAN): | MŪS |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | MŪS |
| آلمانی (GERMAN): | MAUS |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | MŪS |
| انگلیسی (ENGLISH): | MOUSE |
| دانمارکی (DANISH): | MUS |
| سوئدی (SWEDISH): | MUS |
| نروژی (NORWGIAN): | MUS |
| هلندی (DUTCH): | MUIS |
| اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): | *MYSHI |
| لهستانی (POLISH): | MYSZ |
| روسی (RUSSIAN): | MYSH |
| چک (CZECH): | MYSH |
| صربی (SERBIAN): | MISH |
| بوهمی (BOHEMIAN): | MYSH |
| اسلواکی (SLOVAK): | MYSH |
| آلبانی (ALBANIAN): | MI |

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 752 |
| BARNHART: | (MOUSE) 682 |
| DELAMARRE: | (SOURIS) 135 |
| MACKENZIE: | (MOUSE) 124 |
| BUCK: | 182 |
| ONIONS: | (MOUSE) 593 |
| SKEAT: | (MOUSE) 388 |
| AMINDAROV: | (MOUSE) 254 |
| ۲۰۵۳ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

بازگشت به: ماهیچه.

| | | |
|---|---|---|
| فارسی (PERSIAN): | مویه، موبیدن (به چَم "گریه و نوحه (کردن)") | MŪYÉ, MŪĒDAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | | MOAN, LAMENT |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | | *MŪ-, *MUG-, *MUGYO |

| | |
|---|---|
| پارسی باستان (OLD PERSIAN): | MAUDHA |
| پهلوی (PAHLAVI): | MŌYAG, MŌDHAK |
| سانسکریت (SANSKRIT): | MÚNJATI, MÓJATI |
| ارمنی (ARMENIAN): | MOIR |
| یونانی (GREEK): | MUZŌ |

| | |
|---|---|
| لاتین (LATIN): | MŪGIŌ, MUGIRE |
| فرانسه (FRENCH): | MUGIR |
| اسپانیایی (SPANISH): | MUGIR |
| ایتالیایی (ITALIAN): | MACHIARRE |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | MUCKAZZEN |
| آلمانی (GERMAN): | MUCKEN |
| هتیت (HITTITE): | MUGGA- |

| بسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 751-752 | POKORNY: |
| (MUGIR) 270 | DELAMARRE: |
| (LAMENTATIO) 121 | MACKENZIE: |
| برهان قاطع: | ۲۰۵۷ |

**یادداشت:**

چم این واژه در ارمنی: گدایی کردن.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): مه، مهتر | MEH, MEHTAR |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | GREAT, OLD(ER), ELDER |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *MEG-, *MEGH |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | MASYĀO, MAZANT, MAZ- |
| پارسی باستان (OLD PERSIAN): | *MATHIYAH,*MASIYAH, MATHISHTA |
| پهلوی (PAHLAVI): | MEH, MAS, MAHIST, MAHESHT |
| کردی (KURDISH): | MASTIR |
| افغانی(پشتو) (AFGHANI): | MASHAR |
| تخاری A (TOKHARIAN A): | MAK |
| تخاری B (TOKHARIAN B): | MAKĀ |
| سانسکریت (SANSKRIT): | MAHĀ-, MAHĀNT |
| ارمنی (ARMENIAN): | MEC |
| یونانی (GREEK): | MEGAS, MEGÁLOU |
| لاتین (LATIN): | MAGNUS, MAGISTER |
| فرانسه (FRENCH): | MAITRE |
| اسپانیایی (SPANISH): | MAESTRO |
| ایتالیایی (ITALIAN): | MAESTRO |
| پرتغالی (PORTUGUESE): | MASTRE |
| گوتیک (GOTHIC): | MIKILS |
| ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): | MIKILL |
| ساکسونی کهن (OLD SAXON): | MIKIL |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | MIHHIL, MICHIL |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | MICEL |
| انگلیسی (ENGLISH): | MUCH, MICKLE, MASTER |
| دانمارکی (DANISH): | MEGET |
| سوئدی (SWEDISH): | MYCKEN |
| نروژی (NORWGIAN): | MYKE, MYE |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | MAG, MAIGE |
| گالی (GALISH): | MAGIO |
| ولزی (WELSH): | MEISTR |
| برتونی (BRETON): | MESTR |
| آلبانی (ALBANIAN): | MATH, MADHI |
| هتیت (HITTITE): | MEKKISH |

| پسگشت‌ها | REFERENCES | | |
|---|---|---|---|
| 708 | POKORNY: | (GRAND) 227 | DELAMARRE: |
| | BARNHART | (GREAT) 116 | MACKENZIE: |
| (MASTER) 639, (MUCH) 683 | | 1329, 878-880 | BUCK: |
| | | برهان قاطع: | ۲۰۵۸ |

یادداشت:

واژه‌های هندی"مهاراج" و "مهاتما" و "ماهوت"(MAHOUT) نیز از همین ریشه‌اند.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): مِه، میغ (به چَم"ابر"، "سحاب") | MEH, MĒGH |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | MIST, FOG, CLOUD |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *MEIGH-, *MEIK-, *MIGHLĀ-, *MOIGH- |

اوستایی (AVESTAN): MAEGHA

پهلوی (PAHLAVI): MĒGH, MIZNĒ

اوستی (OSSETIC): MIGH, MĪGHÄ

سانسکریت (SANSKRIT): MIH, MEGHÁ

ارمنی (ARMENIAN): MĒG, MEK

یونانی (GREEK): OMIKHLĒ

ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): MISTR, MISTUR

فریزی کهن (OLD FRISIAN): MIGGELJE

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): MIST

انگلیسی (ENGLISH): MIST

سوئدی (SWEDISH): MIST

نروژی (NORWGIAN): MIST

هلندی (DUTCH): MIST, MIGGELN

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): MĪGLA

لهستانی (POLISH): MGLA

روسی (RUSSIAN): MGLA, MZHIT

صربی (SERBIAN): MĀGLA

برهمی (BOHEMIAN): MHA

لیتوانی (LITHUANIAN): MIGLÀ

لتونی(لتی) (LATVIAN): MIGLA

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 712 | POKORNY: |
| (MIST) 668 | BARNHART: |
| (BROUILLARD) 186 | DELAMARRE: |
| (CLOUD) 107, (MIST) 124 | MACKENZIE: |
| 65-66 | BUCK: |
| (MIST) 581 | ONIONS |
| (MIS) 380 | SKEAT: |
| برهان قاطع: | ۲۰۷۹ و ۲۰۵۹-۲۰۵۸ |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): مُهر | MOHR |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | SEAL |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *MEI- |

پهلوی (PAHLAVI): MUHR, MUTRAK, MUDRĀK, MUDAR

اوستی (OSSETIC): MIXUR

کردی (KURDISH):

MUHUR, MOOR, MOHR

بلوچی (BALUCHI):

MURDĀN, MURDĀNAGH

سانسکریت (SANSKRIT): MUDRA

ارمنی (ARMENIAN): MURHAK

| REERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 710 |
| MACKENZIE: | (SEAL) 131 |
| برهان قاطع: | ۲۰۶۲ |
| فرهنگ معین: | ۴۴۶۲ |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): می (به چَم"شراب") | MAY |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | WINE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *MEDHU |

اوستایی (AVESTAN): MATHU, MADHA, MADHU

پهلوی (PAHLAVI): MAI, MADH, MAY

اوستی (OSSETIC): MID, MUD

کردی (KURDISH): MEI, MEYA

افغانی(پشتو) (AFGHANI): MEY

سغدی (SOGHDIAN): MUDH

سانسکریت (SANSKRIT): MÁDHU, MÁDA

یونانی (GREEK): MÉTHU, MÉLI, MÉTHY

لاتین (LATIN): (HYDRO)MELI

فرانسه (FRENCH): (HYDRO)MEL

اسپانیایی (SPANISH): (HIDRO)MEL

ایتالیایی (ITALIAN): (IDRO)MEL

پرتغالی (PORTUGUESE): (HIDRO)MEL

گوتیک (GOTHIC): MIDUS

ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN):

MJODHR

فریزی کهن (OLD FRISIAN): MEDE

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

METU

آلمانی (GERMAN): MET

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): MEDU

انگلیسی (ENGLISH): MEAD

دانمارکی (DANISH): MJOD

سوئدی (SWEDISH): MJŌD

نروژی (NORWGIAN): MJOD

هلندی (DUTCH): MEE, MEDE

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

MEDŪ

لهستانی (POLISH): MIOD

روسی (RUSSIAN): MED

لیتوانی (LITHUANIAN): MEDUS

پروسی کهن (OLD PRUSSIN): MEDDO

ایرلندی کهن (OLD IRISH): MID, MEDO

ولزی (WELSH): MEDD

| BUCK: | 389 | REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|---|---|
| ONIONS: | (MEAD) 564 | POKORNY: | 707 |
| SKEAT: | (MEAD) 368 | BARNHART: | (MEAD) 644 |
| AMINDAROV: | (WINE) 310 | DELAMARRE: | 147,148 |
| ۲۰۳۰ و ۲۰۷۱ | برهان قاطع: | MACKENZIE: | (WINE) 140 |

**یادداشت:**

ریشه‌ی این واژه و ریشه‌ی واژه‌ی "انگبین" یا "عسل" در زبان هند و اروپایی یکی است و شاید علت این باشد که در دوران باستان نوشابه‌ی الکی مردمان هند و اروپایی عبارت بود از عسل تخمیر شده یا شراب عسل(بعدها ساختن شراب از انگور مرسوم‌تر شد). امروزه واژه شراب در اکثر زبان‌های اروپایی از واژه‌ی لاتین **VINUM** آمده است و اصل این واژه درست معلوم نیست.

| | |
|---|---|
| **MIĀN** | فارسی *(PERSIAN)*: **میان** |
| **MIDDLE, MID-, BETWEEN** | **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** |
| ***ME-, *MEDHI-, *MÁDHYA-, *MÉDHYO** | **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN)*: |

اوستایی *(AVESTAN)*: **MAITHA, MAIDHYA**

پهلوی *(PAHLAVI)*: **MIYĀN, MAYĀN**

اوستی *(OSSETIC)*: **MIDÄG, MEDÄG, MEFIIO**

کردی *(KURDISH)*: **MAYĀN (KIRIN)**

بلوچی *(BALUCHI)*: **NIYĀMAGH, NIYĪMIG, NIYĀM**

افغانی(پشتو) *(AFGHANI)*: **MANJ, MIYANJ, MANDZ**

سانسکریت *(SANSKRIT)*: **MÁDHYA**

ارمنی *(ARMENIAN)*: **MĒJ, MICHAG, MICHIN, MECHDEGH**

یونانی *(GREEK)*: **MÉSOS, MÉTHYOS, MESO-**

لاتین *(LATIN)*: **MEDIUS**

فرانسه *(FRENCH)*: **(AU) MILIEU, MI-**

اسپانیایی *(SPANISH)*: **MEDIO**

ایتالیایی *(ITALIAN)*: **MEDIO, (NEL) MEZZO**

پرتغالی *(PORTUGUESE)*: **(DO) MEIO**

گوتیک *(GOTHIC)*: **MIDJIS**

ایسلندی‌کهن *(OLD SCANDINAVIAN)*: **MEDHAL, MIDHR**

ساکسونی کهن *(OLD SAXON)*: **MIDDIL**

فریزی کهن *(OLD FRISIAN)*: **MIDDEL**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN)*: **MITTIL, MITTI**

آلمانی *(GERMAN)*: **MITTEL**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH)*: **MIDDEL**

انگلیسی *(ENGLISH)*: **MIDDLE, MID-**

دانمارکی *(DANISH)*: **MIDDLE, MIDT-**

سوئدی *(SWEDISH)*: **MEDEL, MID-**

نروژی *(NORWGIAN)*: **MIDDEL, MIDT-**

هلندی *(DUTCH)*: **MIDDEL, MIDDEN-**

| | |
|---|---|
| اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): | MEZHDU |
| لهستانی (POLISH): | MIEDZY |
| روسی (RUSSIAN): | MEZHÁ |
| چک (CZECH): | MEZI |
| بلغاری (BULGARIAN): | MEZHDA |
| اسلواکی (SLOVAK): | MEDZI |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | IMMEDŌN, MIDE, MID- |
| گالی (GALISH): | MEDIO- |

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 706 |
| BARNHART: | (MIDDLE) 659 |
| DELAMARRE: | (AU MILIEU) 227 |
| MACKENZIE: | (BETWEEN) 104, (MIDDLE) 124 |
| BUCK: | 863 |
| ONIONS | (MIDDLE) 575 |
| SKEAT: | (MIDDLE) 374 |
| RAMAT: | 46 |
| برهان قاطع: | ۲۰۷۲ |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): میخ | MĒX |
| چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | NAIL, PEG |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *MEI-, *MOI-RO- |

| | |
|---|---|
| پارسی باستان (OLD PERSIAN): | *MAIXA |
| پهلوی (PAHLAVI): | MĒX |
| اوستی (OSSETIC): | MĪX, MĒX |
| کردی (KURDISH): | MĪX |
| بلوچی (BALUCHI): | MĒH |
| افغانی(پشتو) (AFGHANI): | MĒX, MĒXCŪ |
| سغدی (SOGHDIAN): | MYGHK |
| سانسکریت (SANSKRIT): | MAYŪKHA |
| لاتین (LATIN): | MOENIA, MOENIUM |
| ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): | -MĀRI |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | MĀRE, GEMĀRE |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | -TUIDMEN, TUIDME |

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 709 |
| MACKENZIE: | (NAIL) 124 |
| برهان قاطع: | ۲۰۷۳ |

**یادداشت:**

چم این واژه در زبان لاتین: استحکامات.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* میترا، مهر | **MITRA, MEHR** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **MITRA (NAME OF A GOD), KINDNESS, AFFECTION, AMITY, FRIENDSHIP, LOVE** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | ***MEI-** |

اوستایی *(AVESTAN):* **MITHRA**

پارسی‌باستان *(OLD PERSIAN):* **MITHRA**

پهلوی *(PAHLAVI):* **MITR, MITHR, MIHR**

کردی *(KURDISH):* **MIHR**

افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* **MEHR**

سانسکریت *(SANSKRIT):* **MITRÁ-, MITRAH**

یونانی *(GREEK):* **MITRHÉ**

لتونی (لتی) *(LATVIAN):* **MIEMURI, MEIMURI**

| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 710 |
| *AMINDAROV:* | (MIHR) 117 |
| *THE AMERICAN HERITAGE DICTIONARY OF THE ENGLISH LANGUAGE:* | (MEI-) 2073 |
| برهان قاطع : | ۲۰۶۰-۲۰۶۱ |
| فرهنگ معین : | ۴۴۶۲ |

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* میز، میخ، میختن (به چَم "شاش"، "شاشیدن") | **MĒZ, MĒX, MĒXTAN** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **URINE, PISS** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | ***MEIGH-, *MOIGHO-** |

اوستایی *(AVESTAN):* **MĒZAITI, MAEZ, MAĒSMA, MIZ-**

پهلوی *(PAHLAVI):* **(GŌ-)MĪZ, MISTAN, MĪZĪTAN**

اوستی *(OSSETIC):* **MĒZUM, MIZIN**

کردی *(KURDISH):* **MIZ, MIZTIN, MISTIN**

بلوچی *(BALUCHI):* **MĒZAGH, MIZHAGH**

افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* **MITAL**

تخاری B *(TOKHARIAN B):* **MISO**

سانسکریت *(SANSKRIT):* **MÉHATI, MEHAS, MIH-**

ارمنی *(ARMENIAN):* **MIZEM, MIZ, MEZ**

یونانی *(GREEK):* **OMIKHÉO**

لاتین *(LATIN):* **MICTUM, MINGŌ, MINGĒRE**

اسپانیایی *(SPANISH):* **MEAR**

گوتیک *(GOTHIC):* **MAIHSTUS**

ایسلندی‌کهن *(OLD SCANDINAVIAN):* **MIGA**

فریزی کهن *(OLD FRISIAN):* **MJUKS**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):* **MIST**

آلمانی *(GERMAN):* **MIST**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* **MIGAN, MEOX**

لهستانی *(POLISH):* **MOCZ**

MOCHA, MOCHIT روسی (RUSSIAN):
MIZHA, MIZA چک (CZECH):
MIZĀM صربی (SERBIAN):
MOCHITI بوهمی (BOHEMIAN):
MOCH اسلواکی (SLOVAK):
MĒZHU, MYSHTI, MINZHU لیتوانی (LITHUANIAN):
MIZHU, MIEZNU لتونی(لتی) (LATVIAN):
MŪN, MŪNAIM ایرلندی کهن (OLD IRISH):

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 713 |
| DELAMARRE: | (URINER) 268 |
| MACKENZIE: | (URINE) 138 |
| BUCK: | 273 |
| برهان قاطع : | ۲۰۷۳ و ۲۰۷۶ |

یادداشت:

چم این واژه در زبان آلمانی: کودحیوانی، کثافت.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): میش | MĒSH |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | EWE, SHEEP |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *MOISO-, *MAISO- |

MAĒSHA اوستایی (AVESTAN):
MĒSH پهلوی (PAHLAVI):
MEH, MIH, MERR, MĪ کردی (KURDISH):
MĒSH بلوچی (BALUCHI):
MĒGH, MĒSH, MAZH افغانی(پشتو) (AFGHANI):
MĒSHA, MĒSI- سانسکریت (SANSKRIT):
MEISS ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN):
MEIS آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
MECHU اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
MIECH لهستانی (POLISH):
MĒCH روسی (RUSSIAN):
MĒCHU بلغاری‌کهن (OLD BULGARIAN):
MÁISHAS, MÁISHE لیتوانی (LITHUANIAN):
MÁISS, MÁIKES لتونی(لتی) (LATVIAN):
MOASIS پروسی کهن (OLD PRUSSIN):

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 747 |
| MACKENZIE: | (SHEEP) 132 |
| BUCK: | 158 |
| AMINDAROV: | (SHEEP)"284 |
| برهان قاطع : | ۲۰۷۸ |

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های اسلاوی و بالیتک و ژرمنی: پوست گوسفند، کیسه‌ی چرمی، دمَ آهنگری.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): مینو | MINŪ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | SPIRIT, INTELLECT(UAL), SPIRITUAL |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *MEN-, *MEMONA, *MNYETOI, *MENĒI |

اوستایی (AVESTAN): MENOI, MAINYA, MAINYEITE

پارسی باستان (OLD PERSIAN): MANIYU-, MAINYĀHAY

پهلوی (PAHLAVI): MĒNŪK, MĒNOG, MEN-, MĒNŌGIG

تخاری A (TOKHARIAN A): MNU

تخاری B (TOKHARIAN B): MANU

سانسکریت (SANSKRIT): MANAS, MANATI, MAMNÉ, MANYATI, MANYU

یونانی (GREEK): MAINOMAI, MÉNOS

لاتین (LATIN): MENEŌ, MEMINI, MENS

اسپانیایی (SPANISH): MENTE

ایتالیایی (ITALIAN): MENTE

رومانی (RUMANIAN): MINTE

گوتیک (GOTHIC): MAN, MUNAN, GEMUNDS

ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): MUNR, MINI

ساکسونی کهن (OLD SAXON): MINNEA

فریزی کهن (OLD FRISIAN): MINNE

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): GEMUNT, MINNA

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): GEMIND

انگلیسی (ENGLISH): MIND

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): MINJO, MINETI

لهستانی (POLISH): -MIONE

چک (CZECH): -MENU

لیتوانی (LITHUANIAN): MENU, MINTI

ایرلندی کهن (OLD IRISH): -MOINIUR, MENME

هتیت (HITTITE): MEMMĀI

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 726-727 |
| BARNHART: | (MIND) 663 |
| DELAMARRE: | 270 |
| MACKENZIE: | (MĒNŌG) 55,(SPIRITUAL) 134 |
| BUCK: | 1198 |
| ONIONS: | (MIND) 577 |
| SKEAT: | (MIND) 755 |
| برهان قاطع: | ۲۰۸۳ |

یادداشت:

چم‌های مختلف این واژه در زبان‌های هند و اروپایی: یاد، حافظه، اندیشه، روح، یادآوری.

۲- واژه‌های MANIC, MANIA- نیز از همین ریشه‌اند.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): ناخن | NĀXON |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | NAIL |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *ONOGH-, *ONGH-, *NOGH-, *NGH- |

پهلوی (PAHLAVI): NĀXON

کردی (KURDISH): NAXONB

بلوچی (BALUCHI): KĀKUN, NĀHUN, NĀXUN

افغانی(پشتو) (AFGHANI): NUK

سانسکریت (SANSKRIT): NAKHĀS, NAKHĀM

یونانی (GREEK): ŌNYX,ŌNYCHOS

لاتین (LATIN): UNGUIS

فرانسه FRENCH): ONGLE

اسپانیایی (SPANISH): UÑA

ایتالیایی (ITALIAN): UNGHIA

رومانی (RUMANIAN): UNGHIE

پرتغالی (PORTUGUESE): UNHA

گوتیک (GOTHIC): GA-NAGLJAN

ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): NAGL

ساکسونی کهن (OLD SAXON): NAGAL

فریزی کهن (OLD FRISIAN): NEIL

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): NAGAL

آلمانی (GERMAN): NAGEL

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): NEIL,NEGL

انگلیسی (ENGLISH): NAIL

دانمارکی (DANISH): NEGL

سوئدی (SWEDISH): NAGEL

نروژی (NORWGIAN): NEGL

هلندی (DUTCH): NAGEL

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): NOGŪTI

روسی (RUSSIAN): NOGOT

چک (CZECH): NEHET

بلغاری کهن (OLD BULGARIAN): NOGA

صربی (SERBIAN): NOKAT

بوهمی (BOHEMIAN): NEHET

اسلواکی (SLOVAK): NECHT

لیتوانی (LITHUANIAN): NĀGAS

لتونی(لتی) (LATVIAN): NĀGAS

پروسی کهن (OLD PRUSSIN): NAGE

ایرلندی کهن (OLD IRISH): INGEN, IONGA

ولزی (WELSH): EGUIN

برتونی (BRETON): IVIN

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 780 |
| BARNHART: | (NAIL) 692 |
| DELAMARRE: | (ONGLE) 105 |
| MACKENZIE: | (NAIL) 124 |
| BUCK: | 245 |
| برهان قاطع: | ۲۰۸۹ |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): ناشتا(به چم "خوراک نخورده") | **NĀSHTĀ** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **NOT HAVING EATEN, HUNGRY** |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | ***ED-, *OD-, *EDONO-, *EDMEN-** |

اوستایی (*AVESTAN*): **ATHAITI**

اوستی (*OSSETIC*): **EDUM**

کردی (*KURDISH*): **NASHTA**

تخاری A (*TOKHARIAN A*): **NĀTSW**

سانسکریت (*SANSKRIT*): **ÁDMI, ACHNATI, AD-**

ارمنی (*ARMENIAN*): **UTEM**

یونانی (*GREEK*): **EDMENAI, EDŌ, ÉDEIN**

لاتین (*LATIN*): **ĒDŌ, ĒSSE, EDERE**

گوتیک (*GOTHIC*): **ITAN, ETUM**

ایسلندی‌کهن (*OLD SCANDINAVIAN*): **ETA**

ساکسونی کهن (*OLD SAXON*): **ETAN**

فریزی کهن (*OLD FRISIAN*): **ĪTA**

آلمانی کهن (*OLD HIGH GERMAN*): **EZZAN**

آلمانی (*GERMAN*): **ESSEN**

انگلیسی کهن (*OLD ENGLISH*): **ETAN**

انگلیسی (*ENGLISH*): **EAT**

سوئدی (*SWEDISH*): **ÄTA**

هلندی (*DUTCH*): **ETEN**

اسلاوی کهن (*OLD CHURCH SLAVIC*): **JASTŪ, ĪSTI**

لیتوانی (*LITHUANIAN*): **ĒSTI, EDU, EMI**

لتونی(لتی) (*LATVIAN*): **ĒST**

پروسی کهن (*OLD PRUSSIN*): **ĪST**

ایرلندی کهن (*OLD IRISH*): **ESSE, ITHIM**

گالی (*GALISH*): **YS, ITH**

ولزی (*WELSH*): **YSU**

هتیت (*HITTITE*): **ETMI, ET, ETIR**

| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 287 |
| *BARNHART:* | (EAT) 312 |
| *DELAMARRE:* | (MANGER) 254 |
| *BUCK:* | 327 |
| *ONIONS:* | (EAT) 298 |
| *SKEAT:* | (EAT) 187 |
| برهان قاطع: | ۲۰۹۹ |
| فرهنگ معین: | ۴۵۸۳ |

**یادداشت:**

۱- واژه فارسی "ناشتا" از پیشوند "نا" (نشان منفی) و ریشه‌ی "شتا" (به چم "خوردن") درست شده است.

۲- چم این واژه در زبان‌های این فهرست (به جز سانسکریت و زبانهای ایرانی): خوردن، خورد.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): ناف | **NĀF** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **NAVEL,** |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | ***NOBH-, *NŌBH-, *ONBH-** |

اوستایی (*AVESTAN*): **NĀFA, NABĀ**

پارسی باستان (*OLD PERSIAN*): **NAPAT**

پهلوی (PAHLAVI): NĀFAG,NĀF
اوستی (OSSETIC): NAFFÄ
کردی (KURDISH): NAW, NĀV
بلوچی (BALUCHI): NĀFAGH, NĀFAG, NĀPAG
افغانی(پشتو) (AFGHANI): NUM, NU
سانسکریت (SANSKRIT): NĀBHIS, NĀBHYAM
یونانی (GREEK): OMPHALÓS, NĒUS
لاتین (LATIN): UMBILICUS, IMBŌ
اسپانیایی (SPANISH): OMBLIGO
ایتالیایی (ITALIAN): BELLICO
رومانی (RUMANIAN): BURIC
پرتغالی (PORTUGUESE): UMBIGO
ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): NAFLI, NOF, NOR
فریزی کهن (OLD FRISIAN): NAVLA
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): NABALO, NABA
آلمانی (GERMAN): NABEL, NABE

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): NABULA, NAFELA
انگلیسی (ENGLISH): NAVEL
دانمارکی (DANISH): NAVLE
سوئدی (SWEDISH): NAVLE
نروژی (NORWGIAN): NAVLE
هلندی (DUTCH): NAVEL
لتونی(لتی) (LATVIAN): NABA
پروسی کهن (OLD PRUSSIN): NABIS
ایرلندی کهن (OLD IRISH): IMBLIU

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 314 |
| *BARNHART:* | (NAVEL) 696 |
| *DELAMARRE:* | (NOMBRIL) 104 |
| *MACKENZIE:* | (NAVEL) 124 |
| *BUCK:* | 250 |
| *ONIONS* | (NAVEL) 604 |
| *SKEAT:* | (NAVEL) 396 |
| ۲۱۰۰ | برهان قاطع: |

| | |
|---|---|
| **فارسی** (PERSIAN): نام | NĀM |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | NAME |
| **هند و اروپایی** (INDO-EUROPEAN): | *EN(0)MN, *(0)NOMN, *NŌMN |

اوستایی (AVESTAN): NAMAN
پارسی باستان (OLD PERSIAN): NĀMAN
پهلوی (PAHLAVI): NĀM
اوستی (OSSETIC): NOM, NON
کردی (KURDISH): NAM̄, NĀV, NAW
بلوچی (BALUCHI): NĀM
افغانی(پشتو) (AFGHANI): NUM
تخاری A (TOKHARIAN A): ÑEM

تخاری B (TOKHARIAN B): NŌM
ختنی (KHOTANESE): NĀMA
سانسکریت (SANSKRIT): NĀMAN
ارمنی (ARMENIAN): ANUN, ANOUN
یونانی (GREEK): ÓNOMA, ÓNYMA
لاتین (LATIN): NOMEN
فرانسه (FRENCH): NOM
اسپانیایی (SPANISH): NOMBRE

ایتالیایی (ITALIAN): NOME
رومانی (RUMANIAN): NUME
پرتغالی (PORTUGUESE): NOME
گوتیک (GOTHIC): NAMŌ
ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): NAFN
ساکسونی کهن (OLD SAXON): NAMO
فریزی کهن (OLD FRISIAN): NAMA
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): NAMO
آلمانی (GERMAN): NAME
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): NAMA, NOMA
انگلیسی (ENGLISH): NAME
دانمارکی (DANISH): NAVN
سوئدی (SWEDISH): NAMN
نروژی (NORWGIAN): NAVN
هلندی (DUTCH): NAAM
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): IME
لهستانی (POLISH): IMIE, NAZWA

روسی (RUSSIAN): IMJA
چک (CZECH): JMĒ
اسلواکی (SLOVAK): MENO, NÁZOV
پروسی کهن (OLD PRUSSIN): EMNES, EMMENS
ایرلندی کهن (OLD IRISH): AINM
ولزی (WELSH): ENW
برتونی (BRETON): HANO, ANO
آلبانی (ALBANIAN): ÉMËN
هتیت (HITTITE): LĀMAN

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 321 |
| BARNHART: | (NAME) 693 |
| DELAMARRE: | (NOM) 52 |
| MACKENZIE: | (NAME) 124 |
| BUCK: | 1263 |
| ONIONS: | (NAME) 602 |
| SKEAT: | (NAME) 395 |
| ۲۱۰۶ | برهان قاطع : |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): ناو | NĀV |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | SHIP |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *NĀUS |

اوستایی (AVESTAN): NAVĀZA, NAVAYA
پارسی باستان (OLD PERSIAN): NAY-, (NĀYDAG)
پهلوی (PAHLAVI): NAYDAG
اوستی (OSSETIC): NAU
کردی (KURDISH): NAV
سانسکریت (SANSKRIT): NĀV, NĀVAJÁ, NAÚS

ارمنی (ARMENIAN): NAV, NAVEM
یونانی (GREEK): NAŪS, NĒUS
لاتین (LATIN): NĀVIS, NAVIGARE
فرانسه (FRENCH): NAVIRE
اسپانیایی (SPANISH): NAVE, NAVIO
ایتالیایی (ITALIAN): NAVE

| | |
|---|---|
| رومانی (RUMANIAN): | NAVĀ |
| پرتغالی (PORTUGUESE): | NAVIO |
| ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): | NÓR |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | NAVIE, NŌWEND |
| انگلیسی (ENGLISH): | NAVY |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | ÑAU, NAUE |
| گالی (GALISH): | NOE, NĀVĀ |
| ولزی (WELSH): | NOE |
| برتونی (BRETON): | NEO |

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 755-756 |
| BARNHART: | (NAVY) 696 |
| DELAMARRE: | (NAVIRE) 126 |
| MACKENZIE: | (NAVIGABLE) 124 |
| BUCK: | 1380 |
| ONIONS: | (NAVAL) 604 |
| SKEAT: | (NAVE) 396, (NAVY) 397 |
| MALLORY: | 121 |
| برهان قاطع: | ۲۱۱۰ |

**یادداشت:**

چم این واژه در انگلیسی: ناوگان، نیروی دریایی.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): نای، نی | NĀY, NEY |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | CANE, REED, PIPE |
| **هند و اروپایی** (INDO-EUROPEAN): | *NEDO- |

| | |
|---|---|
| پارسی باستان (OLD PERSIAN): | *NADA |
| پهلوی (PAHLAVI): | NĀY, NĀDH, NAI |
| کردی (KURDISH): | NEI |
| افغانی(پشتو) (AFGHANI): | NĀRA |
| سانسکریت (SANSKRIT): | NADĀ, NADHÁ |
| ارمنی (ARMENIAN): | NET |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | NĒNDRE |
| لتونی(لتی) (LATVIAN): | NASHLI, NASLI |

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 759 |
| MACKENZIE: | (REED, CANE) 58 |
| MALLORY & ADAMS: | NEDÓS |
| برهان قاطع: | ۲۲۲۱ و ۲۱۱۳ |

**یادداشت:**

۱- این واژه با واژه‌ی "بینی" خویشی نزدیک دارد.

۲- چم این واژه در زبان ارمنی: پیکان.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): نر، نره- (مثلاً در"نره خر")، نرینه | NAR, NARRÉ-, NARINĒ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | MALE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *NER-, *ANER-, *NŌRO- |

اوستایی *(AVESTAN)*: **NAR, NARA, NAIRYA**

پارسی باستان *(OLD PERSIAN)*: **MARTIYA, NAR**

پهلوی *(PAHLAVI)*: **NAR**

اوستی *(OSSETIC)*: **NART-, NALE, NAL**

کردی *(KURDISH)*: **NER, NĒR**

بلوچی *(BALUCHI)*: **NAR**

افغانی(پشتو) *(AFGHANI)*: **NĀR, NĀRINA**

سانسکریت *(SANSKRIT)*: **NÁR, NARAH, NARYA**

ارمنی *(ARMENIAN)*: **AIR, ARN**

یونانی *(GREEK)*: **NOREI, ANDRÓS**

لاتین *(LATIN)*: **NERŌ, NERIOSUS, NERIO**

گوتیک *(GOTHIC)*: **NJORDA**

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC)*: **NRAVE**

لیتوانی *(LITHUANIAN)*: **NORIU, NORETI, NORAS, NARTSAS**

پروسی کهن *(OLD PRUSSIN)*: **NERTIEN**

ایرلندی کهن *(OLD IRISH)*: **NĀR, NERT**

ولزی *(WELSH)*: **NER**

برتونی *(BRETON)*: **NERZA**

آلبانی *(ALBANIAN)*: **NJER**

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 765 | POKORNY: |
| (MALE) 122 | MACKENZIE: |
| 85, 81, 139 | BUCK: |
| (MALE) 251 | AMINDAROV: |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۲۲۴۰۶ |
| برهان قاطع: | ۲۱۲۶ |

**یادداشت:**

۱- چم این واژه در زبان لاتین(به ویژه به عنوان اسم خاص یا ویژه نام): نیرومند.
چم این واژه در زبان‌های ولزی و برتونی: قهرمان.
چم این واژه در زبان پروسی کهن: خشم.
چم این واژه در زبان گوتیک: (اسم خاص) نام خدا.
چم این واژه در ایرلندی کهن: شریف، بزرگوار.
۲- بازگشت به: نیرو، نیر.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): نزد، نزدیک | NAZD, NAZDIK |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | NEAR, NIGH, CLOSE (BY) |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *SED-, *SĒD-, *SEDŌ-, *NEDŌ- |

اوستایی *(AVESTAN)*: **NAZDYŌ, ĀSNA, NAZDISHTA-, NAZDA-**

| | |
|---|---|
| پهلوی (PAHLAVI): | NAZD, NAZDIK |
| کردی (KURDISH): | NIZDĒ, NIZUK, NEZIK |
| بلوچی (BALUCHI): | NAZIK, NAZIX, NAZI |
| افغانی(پشتو) (AFGHANI): | NĚZHDE |
| سانسکریت (SANSKRIT): | NĒDĪYAS-, NĒDISTHA-, ÁSANNA- |

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 886 |
| DELAMARRE: | (NEAR) 697, (NIGH) 704 |
| MACKENZIE: | (NEAR) 124 |
| BUCK: | (NEAR) 867-868 |
| برهان قاطع: | ۲۱۳۳ |

یادداشت:

شباهت واژگان این فهرست با واژه‌های انگلیسی NEAR , NIGH (و همریشه‌های ژرمنی آنها) چشمگیر است ولی واجریشه شناسان ریشه‌ی این واژه‌های ژرمنی را "ناشناخته" می‌دانند.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): نُس (به چَم"پوزه"، "اطراف دهان") | NOS |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | SNOUT |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *NAS-, *NĀS-, *NES- |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | NĀH- |
| سغدی (SOGHDIAN): | NOS, NS |
| سانسکریت (SANSKRIT): | NĀS |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | NOSU |

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 755 |
| BARNHART: | (NOSE) 710 |
| برهان قاطع: | ۲۱۳۵-۲۱۳۶ |
| فرهنگ معین: | ۴۷۱۳ |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۲۲۴۴۸ |

یادداشت:

۱- بازگشت به: بینی.

۲- چَم این واژه به زبان سغدی: بینی.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): نَسا (به چَم نعش) | NASĀ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | CORPSE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *NEK-, *NEKUS-, *NK- |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | NASUSH, NASHTA, NASYEITI, NASTĀ |
| پهلوی (PAHLAVI): | NASĀ |
| سانسکریت (SANSKRIT): | NASĀ, NASTĀ, NASEYATI, NASTI, -NĀS |
| یونانی (GREEK): | NEKROS, NEKUS |

لاتین (LATIN): NOCEO,
NEX, Ē-NECTUS, NOCERE, NECIS
ایرلندی کهن (OLD IRISH): ĒC
ولزی (WELSH): ANGEU
برتونی (BRETON): ANKOU

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 762 |
| BARNHART: | (NECROLOGY) 698 |
| DELAMARRE: | (CADAVRE) 51 |
| MACKENZIE: | (CORPSE) 108 |
| BUCK: | 290-291 |
| ONIONS: | (NEKCROSIS) 605 |
| SKEAT: | (NECROMANCY) 397 |
| ۲۱۳۶ | برهان قاطع: |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): نشست، نشاندن، نشستن | NESHAST, NESHĀNDAN, NESHASTAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | SITTING, SETTING |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *SED-, *SIZDŌ- |

اوستایی (AVESTAN): NISHASTI,
NISHIDHAITI
پارسی باستان (OLD PERSIAN):
NIYASHADAYAM, (NI)SHASTA
پهلوی (PAHLAVI): NISHASTAN,
NISHĒM
کردی (KURDISH): NISHIN
بلوچی (BALUCHI): NINDAG, NINDAGH,
NISHTAINAGH
افغانی(پشتو) (AFGHANI): NĀSTAL, NĀS
سانسکریت (SANSKRIT): SÍDATI, SATTÁ
ارمنی (ARMENIAN): NISTIM
یونانی (GREEK): HEZESTHAI, HÉDARĀ,
HÉKTOS
لاتین (LATIN): SEDĒRE, SĒDĒS,
SEDEO, SĪDŌ
فرانسه (FRENCH): ASSEOIR
اسپانیایی (SPANISH): SENTAR

ایتالیایی (ITALIAN): SEDERE
رومانی (RUMANIAN): SEDEA
پرتغالی (PORTUGUESE): SENTAR
گوتیک (GOTHIC): SITAN, SAHISA
ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN):
SITJA, SIT
ساکسونی کهن (OLD SAXON): SITTIAN
فریزی کهن (OLD FRISIAN): SITTA
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
SIZZEN, SIZZU
آلمانی (GERMAN): SITZEN
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): SITTAN
انگلیسی (ENGLISH): SIT
دانمارکی (DANISH): SIDDE
سوئدی (SWEDISH): SITTA
نروژی (NORWGIAN): SITTE
هلندی (DUTCH): ZITTEN

| | |
|---|---|
| اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): | SĒDĒTI, SESTI |
| لهستانی (POLISH): | SIEDZIEĆ |
| روسی (RUSSIAN): | SIDIET |
| چک (CZECH): | SEDĒT |
| اسلواکی (SLOVAK): | SEDIET |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | SÉDĒTI, SEDU |
| لتونی(لتی) (LATVIAN): | SEST |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | SESS |

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 884 |
| BARNHART: | (SIT) 1011 |
| DELAMARRE: | (ASSEOIR) 255 |
| MACKENZIE: | (SIT) 133, (SEAT) 131 |
| BUCK: | 833-834 |
| ONIONS: | (SIT) 830 |
| SKEAT: | (SIT) 565 |
| ۲۱۴۵ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

چَم این واژه در ایرلندی کهن: صندلی.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN) نکوهش، نکوهیدن | NEKŪHESH, NEKŪHIDAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | BLAME, EXECRATE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *KEUƏD-, *KŪD- |

| | |
|---|---|
| پهلوی (PAHLAVI): | NIKŌHIDAN, NIKOHISHN |
| سانسکریت (SANSKRIT): | KUTSA, KUTSÁYATI |
| یونانی (GREEK): | CHUDÁZŌ |
| ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): | HŌTA, SKŪTA |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | HOSC |
| آلمانی (GERMAN): | HUI |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | HŪSC |
| انگلیسی (ENGLISH): | HOOT |
| دانمارکی (DANISH): | HUJE |
| سوئدی (SWEDISH): | HUTA |
| نروژی (NORWGIAN):(محلی) | HUTA |
| لهستانی (POLISH):(محلی) | PRZE-, PRZY- |
| روسی (RUSSIAN): | PROKÚDITU |
| بلغاری کهن (OLD BULGARIAN): | KUZHDO, KUDITI |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | UT |

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 595-596 |
| MACKENZIE: | (BLAME) 104 |
| SKEAT: | (HOOT) 276 |
| ۲۱۶۱ | برهان قاطع: |

**یادداشت:**

۱- چم این واژه در زبان‌های ژرمنی و اسلاوی: فریاد، داد زدن.

۲- احتمال دارد که واژه‌ی انگلیسی SHOUT هم از همین ریشه باشد.

| | |
|---|---|
| **NEGĀH** | فارسی *(PERSIAN):* **نگاه** |
| **LOOK, GLANCE** | **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** |
| ***KWEK-, *KWOK-, *KWEKS-** | **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN):* |

اوستایی *(AVESTAN):* **AKASAT, *NIKĀSA**

پهلوی *(PAHLAVI):* **NIKĀS, NKĀS, NIGĀH, NIGARIDAN**

کردی *(KURDISH):* **NEKĀ**

بلوچی *(BALUCHI):* **NIKĀH**

سانسکریت *(SANSKRIT):* **KÁSTE, KÁSATE**

| *REFERENCES* | **بسگشت‌ها** |
|---|---|
| *POKORNY:* | **638** |
| *MACKENZIE:* | **(LOOK) 122** |
| **۲۱۶۳** | **برهان قاطع:** |

**یادداشت:**

بازگشت به: آگاه.

| | |
|---|---|
| **NAM** | فارسی *(PERSIAN):* **نم** |
| **MOISTURE, DAMP(NESS), HUMIDITY** | **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** |
| ***NEBH-, *MBH-, *OMB** | **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN):* |

اوستایی *(AVESTAN):* **NABAH-**

پارسی باستان *(OLD PERSIAN):* **NAMNA, NABNA-**

پهلوی *(PAHLAVI):* **NAM, NAMB, NAMBĪTAN**

کردی *(KURDISH):* **NEMI, NEM**

بلوچی *(BALUCHI):* **NAMB**

افغانی(پشتو) *(AFGHANI):* **NUMD, NŪMD**

سانسکریت *(SANSKRIT):* **NÁBHAS**

یونانی *(GREEK):* **NÉPHOS, NEPHÉLĒ**

لاتین *(LATIN):* **NEBULA**

فرانسه *(FRENCH):* **NEBLEUX, NUE, NUAGE**

اسپانیایی *(SPANISH):* **NUBE, NEBULOSO**

ایتالیایی *(ITALIAN):* **NUBĒS**

رومانی *(RUMANIAN):* **NOR**

پرتغالی *(PORTUGUESE):* **NUVEM, NEBULOSO**

ایسلندی‌کهن *(OLD SCANDINAVIAN):* **NIFLE, NJOL**

ساکسونی کهن *(OLD SAXON):* **NEBLA**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):* **NEBULE**

آلمانی *(GERMAN):* **NEBEL**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* **NIFOL**

هلندی *(DUTCH):* **NEVEL**

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):* **NEBO, NEBESA**

| | |
|---|---|
| لهستانی *(POLISH):* | **NIEBO** |
| روسی *(RUSSIAN):* | **NEBO** |
| چک *(CZECH):* | **NEBE** |
| لیتوانی *(LITHUANIAN):* | **DEBESIS** |
| ایرلندی کهن *(OLD IRISH):* | **NEM, NĒL** |
| هتیت *(HITTITE):* | **NEPIS, NEPISAS** |

| *REFERENCES* | **بسگشت‌ها** |
|---|---|
| *POKORNY:* | **315-316** |
| *BARNHART:* | **(NEBULA) 637** |
| *DELAMARRE:* | **(NUAGE, NUÉE) 187** |
| *MACKENZIE:* | **(MOISTURE) 124** |
| *BUCK:* | **1074-1075** |
| *ONIONS:* | **(NEBULA) 605** |
| *SKEAT:* | **(NEBULA) 397** |
| *MALLORY:* | **76** |
| **۲۱۶۷** | **برهان قاطع:** |
| **۴۸۰۹** | **فرهنگ معین:** |

**یادداشت:**

۱- چَم این واژه در زبان‌های غیرایرانی: ابر، سحابی، آسمان.

۲- واژه‌ی فارسی "نفت" نیز از همین واجریشه است(سانسکریت: **NABHANŪ**؛ اوستایی: **NAPTA**؛ پهلوی: **NAFT**)، ضمناً واژه‌ی انگلیسی **NAPHTHA** از همین واژه‌ی فارسی گرفته شده است.

| | |
|---|---|
| **NAMĀZ** | **فارسی** *(PERSIAN):* **نماز** |
| **PRAYER** | **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** |
| ***NEM-, *NMTO-, *NEMOS-** | **هند و اروپایی** *(INDO-EUROPEAN):* |

| | |
|---|---|
| اوستایی *(AVESTAN):* | **NEMAH, NEMAITI** |
| پارسی باستان *(OLD PERSIAN):* | **NAM-** |
| پهلوی *(PAHLAVI):* | **NAMĀC, NAMAZH, NAMĀZ** |
| کردی *(KURDISH):* | **NYMIJ, NYMI** |
| بلوچی *(BALUCHI):* | **NAMĀSH, NAWĀSH** |
| افغانی(پشتو) *(AFGHANI):* | **NMŪNJ** |
| سانسکریت *(SANSKRIT):* | **NÁMAS, NAMATI, NATA-** |
| یونانی *(GREEK):* | **NÉMOS** |
| لاتین *(LATIN):* | **NEMOS, NEMORIS** |
| ایرلندی کهن *(OLD IRISH):* | **NEMED, NIMIDAS** |
| گالی *(GALISH):* | **NANTO** |
| ولزی *(WELSH):* | **NANT** |

| *REFERENCES* | **بسگشت‌ها** |
|---|---|
| *POKORNY:* | **764** |
| *MACKENZIE:* | **(PROSTRATION) 128, (REVERENCE) 130** |
| **۲۱۶۸** | **برهان قاطع:** |

یادداشت:

۱- چم اصلی این واژه در هند و اروپایی و پارسی باستان و اوستایی: تعظیم و تکریم، دعا.

۲- چم این واژه در یونانی و لاتین: بیشه‌ی مقدس، چراگاه.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): نمودن | NEMŪDAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | SHOW, REVEAL |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *NEI-, *NEIə-, *NI- |

اوستایی (AVESTAN): NAYEITI

پارسی باستان (OLD PERSIAN): NI-MĀ-, NI-MĀY

پهلوی (PAHLAVI): NĪTAN, NIMŪDAN, NIMŪTAN

اوستی (OSSETIC): NIMAĪN, NIMAYUN

سانسکریت (SANSKRIT): NÁYATI, NĪTA-, NITHĀ, NĒTĀR

ایرلندی کهن (OLD IRISH): NĪATH

هتیت (HITTITE): NĀI-

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 760 |
| MACKENZIE: | |
| (GUIDE) 117, (SHOW) 132 | |
| ۲۱۱۷ | برهان قاطع: |

یادداشت:

چم این واژه در اوستی: شمردن، حساب نمودن.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): ننه، نه نه (به چَم "مادر"، "دایه"، "مادربزرگ") | NANÉ |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *NANA, *NENA |

سانسکریت (SANSKRIT): NANÁ

یونانی (GREEK): NÁNNA, NINNĒ, NENNOS

لاتین (LATIN): NONNUS, NONNA

رومانی (RUMANIAN): NJANJA

آلمانی (GERMAN): NENNE

انگلیسی (ENGLISH): NANNY, NANA

روسی (RUSSIAN): NJANJA

بلغاری (BULGARAIN): NENI

ولزی (WELSH): NAIN

آلبانی (ALBANIAN): NÄNE, NËN

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 754 |
| MALLORY & ADAMS: | N-HEN, N-AN |
| ۲۸۲۴ | فرهنگ معین: |
| ۲۲۷۶۳-۲۲۷۶۴ | لغت‌نامه دهخدا: |

یادداشت:

چم این واژه در زبان آلمانی: (زبان کودکان) شیر.

چم این واژه در زبان بلغاری: ارشد، بزرگتر.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): نو، نوین | NŌ, NAVIN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | NEW |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *NEWO-, *NEWYOS |

اوستایی (AVESTAN): NAVŌ, NAVA

پارسی باستان (OLD PERSIAN): NEUWENEN, NAUNS

پهلوی (PAHLAVI): NŌG, NAVAK, NŌK, NŌ

اوستی (OSSETIC): NVOG, NÄVÄG

کردی (KURDISH): NŪ, NEŪ

بلوچی (BALUCHI): NŌK, NŌX

افغانی(پشتو) (AFGHANI): NAU, NAVAI, NAWE

تخاری A (TOKHARIAN A): ÑU

تخاری B (TOKHARIAN B): ÑUWE, ÑUNE

سانسکریت (SANSKRIT): NÁVAS, NÁVYAS

ارمنی (AREMIAN): NOR

یونانی (GREEK): NÉOS, NEIOS

لاتین (LATIN): NOVUS, NOUVĀRE

فرانسه (FRENCH): NOUVEAU, NEUF

اسپانیایی (SPANISH): NUEVO, NUEVA

ایتالیایی (ITALIAN): NUOVO

رومانی (RUMANIAN): NOV

پرتغالی (PORTUGUESE): NOVO, NOVA

گوتیک (GOTHIC): NIUJIS

ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): NŸR

ساکسونی کهن (OLD SAXON): NIUWI

فریزی کهن (OLD FRISIAN): NĪE, NĪ

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): NIUWE

آلمانی (GERMAN): NEU

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): NĪWE, NĒOWE, NĪOWE

انگلیسی (ENGLISH): NEW

دانمارکی (DANISH): NY

سوئدی (SWEDISH): NY

نروژی (NORWGIAN): NY

هلندی (DUTCH): NIEUW

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): NOVŪ

لهستانی (POLISH): NOWY

روسی (RUSSIAN): NOVYJ, NOVIKŪ

چک (CZECH): NOVÝ

صربی (SERBIAN): NOV

بوهمی (BOHEMIAN): NOVÝ

اسلواکی (SLOVAK): NOVÝ

لیتوانی (LITHUANIAN): NAŪJAS, NAVAS

ایرلندی کهن (OLD IRISH): NŪE

گالی (GALISH): NOVIO

ولزی (WELSH): NEWYDD

برتونی (BRETON): NEVEZ

گالیک (GAELIC): NUADH

هتیت (HITTITE): NĒWAS

| پسگشت‌ها | REFERENCES | | |
|---|---|---|---|
| 769 | POKORNY: | 957 | BUCK: |
| (NEW) 702 | BARNHART: | (NEW) 608 | ONIONS: |
| (NOUVEAU) 229 | DELAMARRE: | (NEW) 399 | SKEAT: |
| (NEW) 125 | MACKENZIE: | ۲۱۷۳ | برهان قاطع: |

یادداشت:

این واجریشه هند و اروپایی با واجریشه‌ی هند و اروپایی -NEU* یا -NŪ* (به چَم "اکنون") خویشی دارد.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): | نوا، نوانیدن، نویدن (به چَم"نغمه"، "خواندن"، "نالیدن") |
| | NAVĀ, NAVĀNIDAN, NAVIDAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | SONG, MELODY, SINGING, GROANING, MOANING |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *NEU-, *NEWŌ, *NEŪMI |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | NAD- |
| پهلوی (PAHLAVI): | NIWAG, NIWĒYĒNIDAN, NIWISTAN |
| کردی (KURDISH): | NEWA |
| تخاری B (TOKHARIAN B): | NU |
| سانسکریت (SANSKRIT): | NÁVATE, NĀUTI |
| ارمنی (AREMIAN): | NUAG, NUAGEM |
| یونانی (GREEK): | NĒDA, NĒDŌN |
| لاتین (LATIN): | NUNTIUS, NUNTIUM |
| لتونی(لتی) (LATVIAN): | NAUJU |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | NŪALL |

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 759 | POKORNY: |
| (CRIER) 271 | DELAMARRE: |
| (MELODY) 123, | ACKENZIE: |
| (ANNOUCNCE) 102 | MALLORY & ADAMS: |
| (MELODY) 253 | AMINDAROV: |
| ۲۲۰۹ و ۲۱۷۴ و ۲۱۸۰ | برهان قاطع: |

یادداشت:

چم این واژه در زبان لاتین: پیام رسان، فرستاده.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): | نود |
| | NAVAD |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | NINETY |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *NEUN+DEKEM |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | NAVAITI |
| پارسی باستان (OLD PERSIAN): | NAVATI |
| پهلوی (PAHLAVI): | NAVAT, NAVAD |
| کردی (KURDISH): | NUD, NEHVID, |

NĀWĒ, NEHVED

افغانی(پشتو) *(AFGHANI):* NAVĒ, NAWI

سانسکریت *(SANSKRIT):* NVIT, NAVATI

ارمنی *(ARMENIAN):* INNUSOUN

یونانی *(GREEK):* ENENHTNA

لاتین *(LATIN):* NONAGINTA

فرانسه *(FRENCH):* QUATRE-VINGT-DIX

اسپانیایی *(SPANISH):* NOVENTA

ایتالیایی *(ITALIAN):* NOVANTA

رومانی *(RUMANIAN):* NOUĀZECI

پرتغالی *(PORTUGUESE):* NOVETA

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):*

NIUNZIG

آلمانی *(GERMAN):* NEUNZIG

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* NIGENTY, NIGONTIG

انگلیسی *(ENGLISH):* NINETY

هلندی *(DUTCH):* NEGENTIG

لهستانی *(POLISH):* DZIEWIEĆDZIESIAT

روسی *(RUSSIAN):* DEYATDESYAT

چک *(CZECH):* DEVADESÁT

بلغاری *(BULGARAIN):* DEVETSET

اسلواکی *(SLOVAK):* DEVÄT'DESIAT

آلبانی *(ALBANIAN):* NËNTËDHJETË

| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 318,191 |
| *BARNHART:* | (NINETY) 705 |
| *MACKENZIE:* | (NINETY) 125 |
| *ONIONS:* | (NINETY) 611 |
| ۲۱۸۴ | برهان قاطع: |

| | |
|---|---|
| NŪZDAH | فارسی *(PERSIAN):* نوزده |
| NINETEEN | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *NEUN+DEKM | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* |

اوستایی *(AVESTAN):* NAVADASA

پهلوی *(PAHLAVI):*

NAVAZDAH, NŌZDAH

اوستی *(OSSETIC):* NÄUDÄS, NUDÄS

کردی *(KURDISH):*

NOZDEH, DEH; U NEH

افغانی(پشتو) *(AFGHANI):* NULAS, NŪNAS

سانسکریت *(SANSKRIT):*

NÁVADASA, NVDZN, NIVZIT

ارمنی *(AREMIAN):* DASNUINU

یونانی *(GREEK):* DEKAENNIA

لاتین *(LATIN):* UNDEVIGINTI

فرانسه *(FRENCH):* DIX-NEUF

اسپانیایی *(SPANISH):* DIECINUEVE

ایتالیایی *(ITALIAN):* DICIANNOVE

رومانی *(RUMANIAN):* NOUĀSPREZECE

پرتغالی *(PORTUGUESE):* DEZENOVE

ایسلندی‌کهن *(OLD SCANDINAVIAN):*

NITJAN

ساکسونی کهن *(OLD SAXON):* NIGENTEIN

فریزی کهن *(OLD FRISIAN):*

NIOGENTENA

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):*

NIUNZEHEN

آلمانی (GERMAN): NEUNZEHN
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): NIGONTĒNE
انگلیسی (ENGLISH): NINETEEN
دانمارکی (DANISH): NITTEN
سوئدی (SWEDISH): NIOTEN
نروژی (NORWGIAN): NITTEN
هلندی (DUTCH): NEGENTIEN
لهستانی (POLISH): DZIEWIETNASTU
روسی (RUSSIAN): DEVYATNADTSAT
چک (CZECH): DEVATENÁST
بلغاری (BULGARIAN): BEVETNAYSET
اسلواکی (SLOVAK): DEVÄTNÁST
آلبانی (ALBANIAN): NËNTËMËDHJETË

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 318, 191 |
| BARNHART | (NINETEEN) 705 |
| MACKENZIE: | (NINETEEN) 125 |
| ONIONS: | (NINETEEN) 611 |
| AMINDAROV: | (NINETEEN) 260 |
| برهان قاطع: | ۲۱۹۵ |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): نوه، نواده | NAVÉ, NAVĀDÉ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | GRANDCHILD |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *NÉPŌT-, *NÉPŌTS |

اوستایی (AVESTAN): NABĀ-, NAPĀT, NAPTAR
پارسی باستان (OLD PERSIAN): NAPĀT, NAPĀ
پهلوی (PAHLAVI): NAB
کردی (KURDISH): NEVI
سانسکریت (SANSKRIT): NÁPĀT
یونانی (GREEK): ANEPSIÓS, NEPOUS
لاتین (LATIN): NEPOS, NEPOTIS
فرانسه (FRENCH): NEVEU
ایتالیایی (ITALIAN): NIPOTE
رومانی (RUMANIAN): NEPOT, NEPOATÁ
پرتغالی (PORTUGUESE): NEPOT
ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): NEFI
ساکسونی کهن (OLD SAXON): NEBO, NEVO
فریزی کهن (OLD FRISIAN): NEVA
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): NEVO
آلمانی (GERMAN): NEFFE
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): NEFA
انگلیسی (ENGLISH): NEPHEW
دانمارکی (DANISH): NEVE
سوئدی (SWEDISH): NEVO
نروژی (NORWGIAN): NEVE
هلندی (DUTCH): NEEF
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): NETIJI
لهستانی (POLISH): WNUK
چک (CZECH): VNUK, VNOUCHE
صربی (SERBIAN): NEĆAK
اسلواکی (SLOVAK): SYNOVEC, VNUK

| | |
|---|---|
| لیتوانی (LITHUANIAN): | NIPOTIS |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | NIAE, NIE |
| ولزی (WELSH): | NAI, NEI |
| برتونی (BRETON): | NIZ, NI |
| آلبانی (ALBANIAN): | NIP |

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 764 |
| BARNHART: | (NEPHEW) 700 |
| DELAMARRE: | (NEVEU) 40 |
| MACKENZIE: | (GRANDSON) 116 |
| BUCK: | 115, 111 |
| ONIONS: | (NEPHEW) 607 |
| SKEAT: | (NEPHEW) 398 |
| MALLORY | 123 |
| ۲۲۰۸ و ۲۱۱۷ | برهان قاطع: |

یادداشت:

چَم این واژه در زبان‌های غیر ایرانی در غیر سانسکریت: پسر برادر، پسر خواهر.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): نه (عدد ۹) | NOH |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | NINE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | (E)NEWN- |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | NAVA |
| پارسی باستان (OLD PERSIAN): | NAVA- |
| پهلوی (PAHLAVI): | NAUM, NAH, NŌ |
| کردی (KURDISH): | NŪ, NĒH, NAH, NEH |
| افغانی(پشتو) (AFGHANI): | NUH, NU |
| تخاری A (TOKHARIAN A): | NŪ |
| تخاری B (TOKHARIAN B): | NŪ |
| سانسکریت (SANSKRIT): | NÁVA, NÁVAN |
| ارمنی (ARMENIAN): | INN, INEH |
| یونانی (GREEK): | ENNÉA, ENNIĀ |
| لاتین (LATIN): | NOVEM |
| فرانسه (FRENCH): | NEUF |
| اسپانیایی (SPANISH): | NUEVO |
| ایتالیایی (ITALIAN): | NUOVO, NOVE |
| رومانی (RUMANIAN): | NOUĀ |
| پرتغالی (PORTUGUESE): | NOVE |
| گوتیک (GOTHIC): | NIUN |
| ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): | NĪU |
| ساکسونی کهن (OLD SAXON): | NIGUN |
| فریزی کهن (OLD FRISIAN): | NIGUN |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | NIUN |
| آلمانی (GERMAN): | NEUN |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | NIGEN |
| انگلیسی (ENGLISH): | NINE |
| دانمارکی (DANISH): | NI |
| سوئدی (SWEDISH): | NIO |
| نروژی (NORWGIAN): | NI |
| هلندی (DUTCH): | NEGEN |
| اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): | DEVETI |
| لهستانی (POLISH): | DEZIEWIAC |

| | |
|---|---|
| روسی *(RUSSIAN):* | DEVYAT |
| چک *(CZECH):* | DEVĔT |
| بلغاری *(BULGARIAN):* | DEVET |
| اسلواکی *(SLOVAK):* | DEVÄT |
| لیتوانی *(LITHUANIAN):* | DEVYNI |
| پروسی کهن *(OLD PRUSSIAN):* | NEWĪNTS |
| ایرلندی کهن *(OLD IRISH):* | NŌI |
| آلبانی *(ALBANIAN):* | NËNDË, NËNTË |

| پسگشت‌ها | *REFERENCES* |
|---|---|
| 318 | *POKORNY:* |
| (NINE) 705 | *BARNHART:* |
| (NEUF) 214 | *DELAMARRE:* |
| (NINE) 125 | *MACKENZIE:* |
| (NINE) 611 | *ONIONS:* |
| (NINE) 401 | *SKEAT:* |
| برهان قاطع: | ۲۲۱۰ |

| | |
|---|---|
| **فارسی *(PERSIAN):* نه، ن (نشان نفی)** | **NA, N-** |
| **چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:** | **NO, NOT** |
| **هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):*** | ***NE, *NĒ, *N-** |

| | |
|---|---|
| اوستایی *(AVESTAN):* | NA, NAĒ, NOIT |
| پارسی باستان *(OLD PERSIAN):* | *NAIT, NA |
| پهلوی *(PAHLAVI):* | NĒ, NA |
| اوستی *(OSSTIC):* | NĄ, NE |
| کردی *(KURDISH):* | NE, NA, NAN, NI |
| افغانی(پشتو) *(AFGHANI):* | NA, NË |
| سانسکریت *(SANSKRIT):* | NÁ, NÉD, NOIT |
| ارمنی *(ARMENIAN):* | NE |
| یونانی *(GREEK):* | NĒ-, NEA, NEAN, NON- |
| لاتین *(LATIN):* | NE-, NĒ, NEI, IN- |
| فرانسه *FRENCH):* | NE(PAS), NON |
| اسپانیایی *(SPANISH):* | NO |
| ایتالیایی *(ITALIAN):* | NON, NO |
| رومانی *(RUMANIAN):* | NICI, NU |
| پرتغالی *(PORTUGUESE):* | NĀO |
| گوتیک *(GOTHIC):* | NI, NEI-, UN- |
| ایسلندی‌کهن *(OLD SCANDINAVIAN):* | NE, NĒ, NEI |
| ساکسونی کهن *(OLD SAXON):* | NE,NI, NEO, NIO |
| فریزی کهن *(OLD FRISIAN):* | NE , NI, NĀ |
| آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):* | NE ,NI, NEO, NIO |
| آلمانی *(GERMAN):* | NIE, NEIN, NICHT |
| انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* | NĀ, NE, NŌ |
| انگلیسی *(ENGLISH):* | NO, NOT, NAY |
| نروژی *(NORWGIAN):* | NO, NÁ |
| هلندی *(DUTCH):* | NEEN, NIET |
| اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):* | NE |
| لهستانی *(POLISH):* | NIE |
| روسی *(RUSSIAN):* | NE, NIET |
| چک *(CZECH):* | NE |
| اسلواکی *(SLOVAK):* | NIE |
| لیتوانی *(LITHUANIAN):* | NE, NEI |
| ایرلندی کهن *(OLD IRISH):* | NI, NĪ, IN- |
| هتیت *(HITTITE):* | NATTA |

| | | | |
|---|---|---|---|
| *MACKENZIE:* | (NO, NOT) 123 | *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
| *ONIONS:* | (NO) 612 | *POKORNY:* | 756 |
| *SKEAT:* | (NO) 401 | *BARNHART:* | (NO) 706 |
| ۲۲۱۱ | برهان قاطع : | *DELAMARRE:* | (NO PAS) 302 |

| | |
|---|---|
| **NAHĀDAN** | فارسی *(PERSIAN):* نهادن |
| **PUT, PLACE** | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| ***DHĒ-, *DHŌ-, *DHE-, *DHA-** | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* |

اوستایی *(AVESTAN):* **NIDAHĀT, (NI)DADHATI, DĀ**

پارسی باستان *(OLD PERSIAN):* **NI-DĀ-**

پهلوی *(PAHLAVI):* **NIHĀDHAN, NIHATAN, NIHĀDAN**

کردی *(KURDISH):* **NADIN, DANIN**

تخاری A *(TOKHARIAN A):* **TĀ-, TĀS-, TAS-**

تخاری B *(TOKHARIAN B):* **TES-**

سانسکریت *(SANSKRIT):* **DÁDHATI, DAHĀMI, NIDADHĀTI, DHĀ-**

ارمنی *(ARMENIAN):* **DNEM**

یونانی *(GREEK):* **TITHENAI, TITHĒMI**

لاتین *(LATIN):* **FACER,- DERE,- DITUS**

فرانسه *(FRENCH):* **FAIR**

اسپانیایی *(SPANISH):* **HACER**

ایتالیایی *(ITALIAN):* **FARE**

رومانی *(RUMANIAN):* **FACE**

پرتغالی *(PORTUGUESE):* **FAZER**

ساکسونی کهن *(OLD SAXON):* **DŪAN, DEDE**

فریزی کهن *(OLD FRISIAN):* **DUĀ, DEDE**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):* **TUON, TETA**

آلمانی *(GERMAN):* **TUN**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* **DŌN, DŌM**

انگلیسی *(ENGLISH):* **DO**

هلندی *(DUTCH):* **DOEN**

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):* **DĒTI**

روسی *(RUSSIAN):* **DĒNU, DĒNATU**

چک *(CZECH):* **DĒJU**

اسلواکی *(SLOVAK):* **DAT**

لیتوانی *(LITHUANIAN):* **DĒTI**

لتونی لتی *(LATVIAN):* **DET, DEJU**

گالی *(GAULISH):* **DEDE**

هتیت *(HITTITE):* **DĀI-**

| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 235 |
| *BARNHART:* | (DO) 292 |
| *MACKENZIE:* | (PLACE) 127, (PUT) 129 |
| *BUCK:* | 537-539 |
| *ONIONS:* | (DO) 279-280 |
| *SKEAT:* | (DO) 177 |
| *AMINDAROV:* | (PUT) 275 |
| ۲۲۱۱ | برهان قاطع : |

یادداشت:

۱- واژه‌های ایرانی و سانسکریت این فهرست از پیشوند -NIH و ریشه‌ی -DHĀ یا DHĒ(به چم "قرار دادن" ساخته شده‌اند.)

۲- چَم واژه‌های رومانس(ناشی از لاتین) و واژه‌های ژرمنی این فهرست: کردن، انجام دادن.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): نهم | NOHOM |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | NINTH |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *(E)NEWEN* |

اوستایی (AVESTAN): NAOMA

پارسی باستان (OLD PERSIAN): NAVAMA

پهلوی (PAHLAVI): NOHOM

کردی (KURDISH): NEHEM

افغانی(پشتو) (AFGHANI): NAHAM

تخاری B (TOKHARIAN B): NUNTE, NUNCE

سانسکریت (SANSKRIT): NAVAMÁ

یونانی (GREEK): ĒNATOS, ĒINATOS

لاتین (LATIN): NŌNUS

فرانسه (FRENCH): NEUVIEM

رومانی (RUMANIAN): AL NOUĀLEA, A NOUA

پرتغالی (PORTUGUESE): NONO, NONA

گوتیک (GOTHIC): NIUNDA

ایسلندی‌کهن (OLD SCANDINAVIAN): NIONDE

فریزی کهن (OLD FRISIAN): NIUGUNDA

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): NIUNTO

آلمانی (GERMAN): NEUNT

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): NEGONTHE

انگلیسی (ENGLISH): NINTH

دانمارکی (DANISH): NIDEL

سوئدی (SWEDISH): NIODEL

نروژی (NORWGIAN): NIDEL

هلندی (DUTCH): NEGENDE

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): DEVETU

لهستانی (POLISH): DZIEWIATY

روسی (RUSSIAN): DEVYATI

چک (CZECH): DEVATÝ

بلغاری (BULGARIAN): DEVATY

لیتوانی (LITHUANIAN): DEVINTAS

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): NEWĪNTS

ایرلندی کهن (OLD IRISH): NŌMAD

ولزی (WELSH): NAWFED

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 319 |
| BARNHART: | (NINTH) 705 |
| MACKENZIE: | (NINTH) 125 |
| SKEAT: | (NINE) 401 |

| NIRŪ | فارسی (PERSIAN): نیرو |
|---|---|
| FORCE, POWER, STRENGTH | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *NER-, *NERIO-, *NŌRO- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 765 |
| MACKENZIE: | (POWER) 128 |
| ۲۲۲۵ | برهان قاطع: |

اوستایی (AVESTAN): NAIRYAVA, NAIRYA-

پهلوی (PAHLAVI): NĒROK, NĒROG

سانسکریت (SANSKRIT): NÁRYA-

**یادداشت:**

۱- چم این واژه در اوستایی و سانسکریت: مردانگی، رجولیت.

۲- بازگشت به: نر

| NĒM, NĒMÉ | فارسی (PERSIAN): نیم، نیمه |
|---|---|
| HALF, DEMI-, HEMI- | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *SĒMI- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): (شاید) |

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): SĀM-

| REFERENCES | | پسگشت‌ها |
|---|---|---|
| POKORNY: | 905-906 | |
| BARNHART: | | |
| (HEMI-) 475, (SEMI-) 982 | | |
| DELAMARRE: | (DEMI, SEMI-) 233 | |
| MACKENZIE: | (HALF) 117 | |
| BUCK: | 935-936 | |
| AMINDAROV: | (HALF) 233 | |
| ۲۲۲۳ و ۲۲۳۷ | | برهان قاطع: |

اوستایی (AVESTAN): NAEMA

پهلوی (PAHLAVI): NĒM, NĒMAK, NĒMAG

کردی (KURDISH): NIW, NIVEK

بلوچی (BALUCHI): NĒMAG, NĒRŌC, NĒMOC

افغانی (پشتو) (AFGHANI): NIM, NĒMAI

سانسکریت (SANSKRIT): NĒMA

یونانی (GREEK): HEMI-

لاتین (LATIN): SEMI-

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): SĒMI-, SĀMI-

**یادداشت:**

رابطه‌ی واژه‌های ایرانی و سانسکریت این فهرست با دیگری واژه‌های این فهرست و واجریشه‌ی هند و اروپایی آنها مشکوک است لذا در جلو واجریشه‌ی هند و اروپایی (شاید) نوشته شده است.

| | |
|---|---|
| NĒV | فارسی (PERSIAN) نیو (به چَم "دلاور"، "پهلوان"، "رادمرد"، "نیک") |
| BRAVE | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *NEI-, *NĪ-, *NEITRO-, *NĪTU-, *NOIBHO- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

پارسی باستان (OLD PERSIAN): NAIBA-

پهلوی (PAHLAVI): NĒV

لاتین (LATIN):

NITEŌ, NITĒRE, NITIDUS, NITOR

گوتیک (GOTHIC): NEITH

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): NID

ساکسونی کهن (OLD SAXON): NITH

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): NID

ایرلندی کهن (OLD IRISH): NOIB, NIA

ولزی (WELSH): NWYF, NWYD

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 760 |
| MACKENZIE: | (BRAVE) 105 |
| برهان قاطع: | ۲۲۳۷ |

یادداشت:

۱- چَم این واژه در زبان‌های ژرمنی: حسد، رشک، جنگ و خصومت.
چَم این واژه در زبان‌های لاتین: چشمگیر، درخشان، برازنده.
۲- شاید واژه‌های "نیک" و "نیکو" نیز از همین واجریشه باشند.

| | |
|---|---|
| NIŪSHIDAN | فارسی (PERSIAN): نیوشیدن (به چَم "شنیدن" و "گوش کردن") |
| HEAR, LISTEN | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *GHOUS | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN):

GŪSHAYAT-, NI-GAOSH

پارسی باستان (OLD PERSIAN): GAUSHA-

پهلوی (PAHLAVI):

NIGHŌSHITAN, NIOXSHIDHAN

اوستی (OSSETIC): QŪSIN, GHOSSUN

بلوچی (BALUCHI):

NIGŌSHAG, NIGHOSHAGH

افغانی (پشتو) (AFGHANI):

NGVALAL, NGHVATAL

سانسکریت (SANSKRIT):

GHŌSHATĪ, GHŌSAYATI

لاتین (LATIN): HEUS

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 454 |
| MACKENZIE: | (HEAR) 117 |
| برهان قاطع: | ۲۲۳۹ |

یادداشت:

چم این واژه در زبان لاتین: گوش بده!

| | |
|---|---|
| VĀZHÉ, VĀT, VĀJ | فارسی (PERSIAN): واژه، وات، واج |
| WORD, SAYING | چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *WEKW-, *WOKW-, *WŌKW- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN):

VĀXSH, VAK-, VACHAH

پهلوی (PAHLAVI):

WĀZ, VĀCHAK, WĀZAG, VĀJ,

اوستی (OSSETIC): VĀK, VĀCAK

کردی (KURDISH): BĒJE, VĀTIN

تخاری A (TOKHARIAN A): WAK

تخاری B (TOKHARIAN B): WEK

سانسکریت (SANSKRIT):

VÁK, VÁKAS, VÁKTI, VÍVAKTI

ارمنی (ARMENIAN): GOCHEM

یونانی (GREEK): ÉPOS, É(W)EIPON

لاتین (LATIN): VOX, VŌCEM

فرانسه (FRENCH): VOIX

اسپانیایی (SPANISH): VOS

ایتالیایی (ITALIAN): VOCE

رومانی (RUMANIAN): VOCE

پرتغالی (PORTUGUESE): VOZ

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

VĀTTAN, VATTR

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

GIWAHNEN

آلمانی (GERMAN):

ERWÄHNEN, GIWAHT

انگلیسی (ENGLISH):(از فرانسه) VOICE

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): WACKIS

هتیت (HITTITE): HWEK


| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 1135-1136 |
| *BARNHART:* | (VOICE) 210 |
| *DELAMARRE:* | (PARLER) 293 |
| *MACKENZIE:* | (WORD) 140, (SAYING) 131 |
| *BUCK:* | 1248 |
| *ONIONS:* | (VOICE) 985 |
| *SKEAT:* | (VOICE) 1248 |
| *AMINDAROV:* | (WORD) 311 |
| *RAMAT:* | 137 |
| برهان قاطع: | ۲۲۴۳ و ۲۲۴۴ و ۲۲۴۸ |


یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های ارمنی و پروسی کهن: فریاد، داد زدن.

چم این واژه در زبان‌های هتیت و ایسلندی کهن: گواهی، شهادت دادن.

چم این واژه در زبان‌های آلمانی: ذکر کردن، گفتن.

چم این واژه در زبان‌های رومانس: صدا، آوازه.

| | |
|---|---|
| VĀS, VĀSH | فارسی (PERSIAN): واس، واش (به چَم "علوفه‌ی ستوران"، "خوشه‌ی گندم") |
| FODDER | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *WES- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): (شاید) |

اوستایی (AVESTAN): VASTRƏM, VĀSTRA-

سانسکریت (SANSKRIT): VÁSTŌH, VAS-

یونانی (GREEK): VESCOR

گوتیک (GOTHIC):

WISAN (WAILA WISAN)

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): VIST

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): WIST

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): WIST

ایرلندی میانه (MIDDLE IRISH):

FESS, FEISS

ولزی (WELSH): GWEST

برتونی (BRETON): -VES (BANVES)

هتیت (HITTITE): WESHI

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 1171 |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۲۳۰۷۴ و ۲۳۰۷۹ |
| فرهنگ معین: | ۴۹۴۸ |
| برهان قاطع: | ۲۲۴۸ |

یادداشت:

۱- چم این واژه در زبان یونانی: خوردن.

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: خوراک، بزم

۲- چون رابطه‌ی واژه‌ی فارسی "واش" (یا "واس") با دیگر واژه‌های این فهرست توسط هیچکدام از پسگشت‌های در دسترس من ذکر نشد، جلو واجریشه‌ی هند و اروپایی آن (شاید) می‌گذارم.

۳- در فرهنگ معین این واژه "ترکی" قلمداد شده و در لغت‌نامه دهخدا، به اصل این واژه اشاره نشده است.

| | |
|---|---|
| VĀL, BĀL | فارسی (PERSIAN): وال، بال (به چَم "ماهی بزرگ"، "نهنگ") |
| WHALE | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *KWALOS, *(S)KWALOS | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): (شاید) |

یونانی (GREEK): (شاید) PHÁLAINA

لاتین (LATIN): SQUALUS

فرانسه (FRENCH): (شاید) BALEINE

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

HVALR

ساکسونی کهن (OLD SAXON): HWAL

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

WAL , WALFISC

آلمانی (GERMAN): WAL, WALFISCH

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): HWæL

انگلیسی (ENGLISH): WHALE

دانمارکی (DANISH): HVAL

سوئدی (SWEDISH): VAL

نروژی (NORWEGIAN): KVAL, HVAL

هلندی (DUTCH): WALVIS

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): KALIS

| پسگشت‌ها | REFERENCES | | |
|---|---|---|---|
| | POKORNY: 958 | برهان قاطع: | ۲۲۴ و ۲۲۵۲ |
| | BARNHART: (WHALF) 1229 | لغت‌نامه دهخدا: | ۲۳۰۹۹ |

**یادداشت:**

۱- SKEAT معتقد است که واژه‌های یونانی و فرانسه‌ی این فهرست با دیگر واژه‌های این فهرست رابطه‌ای ندارند.

۲- ONIONS فقط واژه‌های ژرمنی این فهرست را می‌دهد واجریشه‌ی هند و اروپایی را نمی‌دهد.

۳- BARNHART رابطه‌ی واژه‌های ژرمنی این فهرست رانشان داده و واجریشه‌ی هند و اروپایی آن را نیز می‌دهد.

۴- POKORNY واژه‌های اوستایی -KOLA, KORA*, KAL (به چَم "ماهی") را نیز از این واجریشه می‌داند.

۵- شاهدی برای "وال" و "بال" در زبان‌های پهلوی و اوستایی نیافتم ولی این واژه در زمان فرخی سیستانی (وفات ۴۲۹ هجری قمری) و اسدی طوسی (اواخر قرن چهارم هجری قمری) در فارسی کاربرد داشته است. در مورد این واژه در فرهنگ معین تناقض وجود دارد: در (صفحه‌ی ۴۶۴) واژه‌ی "بال" با واژه‌های لاتین BALAENA و فرانسه‌ی BALEINE مقایسه شده است ولی از سوی دیگر واژه‌ی "وال" با واژه‌ی یونانی PHALAINA مقایسه شده است (صفحه‌ی ۴۹۶۳). چون در ریشه‌یابی این واژه شک وجود دارد جلو واجریشه هند و اروپایی (شاید) آورده‌ام.

| | | |
|---|---|---|
| فارسی (PERSIAN): | والانه، ولانه (به چَم "زخم"، "جراحت") | VĀLĀNÉ, VALĀNÉ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | | WOUND |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | | *VEL-, *VOL-, *VŌL-, *WEL- |

سانسکریت (SANSKRIT): VRAVÁ, VRANA-

یونانی (GREEK):
ANĀLŌMŌ, ANALMŌ, OULÉ

لاتین (LATIN): VULNERĀRE,
VOLNUS, VULNUS, VULNERIS

فرانسه (FRENCH): VULNÉRABLE

اسپانیایی (SPANISH): VULNERABLE

ایتالیایی (ITALIAN): VULNERÁBILE

پرتغالی (PORTUGUESE): VULNERÁVEL

گوتیک (GOTHIC): WIWAN, WULWA

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
VALR, VALKYRIA

فریزی کهن (OLD FRISIAN): WLEMMA

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): WAL

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): WAL

انگلیسی (ENGLISH): (از فرانسه)
VULNERABLE

لهستانی (POLISH): WAKA, WALCZYC

چک (CZECH):
VÁLETI, VÁCHIT, VÁLKA

لیتوانی (LITHUANIAN): VĒLES

لتونی (لتی) (LATVIAN): VELI

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): ŪLINT

ایرلندی کهن (OLD IRISH): FLANN

ولزی (WELSH): GWELI

برتونی (BRETON): GOULYOW

هتیت (HITTITE): VALHMI, HULLĀI

| پسگشت‌ها | REFERENCES | | |
|---|---|---|---|
| POKORNY: 1144-1145 | | برهان قاطع: | ۲۲۵۳ و ۲۲۹۰ |
| BARNHART: (VULNERABLE) 1213 | | فرهنگ معین: | ۴۹۶۶ |
| | | SKEAT: | (VULNERBLE) 696 |

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی و اسلاوی: جنگیدن، صدمه زدن، نبرد، خونریزی.

چم این واژه در زبان ایرلندی کهن: خون.

چم این واژه در زبان‌های رومانس: زخم، زخم‌پذیر، آسیب‌پذیر.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): وای (نشان "حسرت" و "افسوس") | VĀY |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | WOE, ALAS, WELLAWAY |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *WAI- |

اوستایی (AVESTAN):
VAYŌI, AVŌI, VĀE, ĀVŌYA

پهلوی (PAHLAVI): WĀY, VĀE, VVEH

کردی (KURDISH):
VAAI, VEI, WAY, WEY-WEY

ارمنی (ARMENIAN): VAY

یونانی (GREEK): OÁ

لاتین (LATIN): VAE

فرانسه (FRENCH): OUAIS

اسپانیایی (SPANISH): OUAI

ایتالیایی (ITALIAN): GUAI

گوتیک (GOTHIC): WAI

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVAN):
VEI, VA

ساکسونی کهن (OLD SAXON): WĒ

فریزی کهن (OLD FRISIAN): WĒ

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
WĒ, WEHE

آلمانی (GERMAN): WEH

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): WĀ

انگلیسی (ENGLISH): WOE

دانمارکی (DANISH): VE

سوئدی (SWEDISH): VE

نروژی (NORWEGIAN): VE

هلندی (DUTCH): VEE

لتونی (لتی) (LATVIAN): VAI

ایرلندی کهن (OLD IRISH): FĀE

گالی (GAULISH): GWAE

ولزی (WELSH): GWAE

آلبانی (ALBANIAN): VAJ

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 1110 |
| BARNHART: | (WOE) 1242 |
| DELAMARRE: | (MALHEUR) 303 |
| MACKENZIE: | (WOE) 140 |
| ONIONS: | (WOE) 1011 |
| SKEAT: | (WOE) 720 |
| AMINDAROV: | (ALAS) 183 |
| برهان قاطع: | ۲۲۵۵-۲۲۵۶ |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): وَبَر (به چَم "پشم") | VABAR |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | WOOL |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):(شاید) | *WLNĀ- |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | VARENĀ |
| پهلوی (PAHLAVI): | WARR |
| افغانی (پشتو) (AFGHANI): | WARËY |
| سانسکریت (SANSKRIT): | ŪRNĀ |
| ارمنی (ARMENIAN): | GELMN |
| یونانی (GREEK): | LĒNOS |
| لاتین (LATIN): | LĀNA, VELLUS |
| فرانسه (FRENCH): | LAINE |
| اسپانیایی (SPANISH): | LANA |
| ایتالیایی (ITALIAN): | LANA |
| رومانی (RUMANIAN): | LĪNĀ |
| پرتغالی (PORTUGUESE): | LĀ |
| گوتیک (GOTHIC): | WULLA |
| ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): | ULL |
| فریزی کهن (OLD FRISIAN): | WOLLE, ULLE |
| آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): | WOLLA |
| آلمانی (GERMAN): | WOLLE |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | WULL |
| انگلیسی (ENGLISH): | WOOL |
| دانمارکی (DANISH): | ULL |
| سوئدی (SWEDISH): | ULL |
| نروژی (NORWEGIAN): | ULL |
| هلندی (DUTCH): | WOL |
| اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): | VLŪNA |
| لهستانی (POLISH): | WELNA |
| روسی (RUSSIAN): | VOLNA |
| چک (CZECH): | VLNA |
| صربی (SERBIAN): | VÜNA |
| اسلواکی (SLOVAK): | ULNA |
| لیتوانی (LITHUANIAN): | VILNA, VILNUS |
| لتونی (لتی) (LATVIAN): | VILNA |
| پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): | WILNA |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | OLANN |
| گالی (GAULISH): | GWLAN |
| ولزی (WELSH): | GWLAN |
| برتونی (BRETON): | GLOAN |
| هتیت (HITTITE): | HULANA |

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 1139 |
| BARNHART: | (WOOL) 1244 |
| DELAMARRE: | (LAINE) 151 |
| MACKENZIE: | (WOOL) 140 |
| BUCK: | 204 |
| ONIONS: | (WOOL) 1012 |
| SKEAT: | (WOOL) 722 |
| برهان قاطع : | ۲۲۵۶-۲۲۵۷ |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۲۳۱۱۷ |
| فرهنگ معین : | ۴۹۷۷ |

**یادداشت:**

در واژه‌نامه‌ها و فرهنگ‌های فارسی واژه‌ی "وبر" عربی شناخته شده است ولی به احتمال زیاد این واژه عربی از

فارسی یا یک زبان ایرانی دیگر گرفته شده است. بهرحال به منظور هشدار به خواننده واژه‌ی "شاید" جلو واجریشه‌ی هند و اروپایی آورده شده است.

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* وبز (به چَم "زنبور"، مُنجک") | VABZ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | BEE, WASP |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | *WOBHES-, *WOBHSĀ-, *WEBH- |

اوستایی *(AVESTAN):* **VAWZAKA**

پهلوی *(PAHLAVI):* **WABZ**

بلوچی *(BALUCHI):* **GWABZ**

سانسکریت *(SANSKRIT):* **ŪRNA-VĀBHI**

لاتین *(LATIN):* **VESPA**

اسپانیایی *(SPANISH):* **AVISPA**

ایتالیایی *(ITALIAN):* **VESPA**

ساکسونی کهن *(OLD SAXON):* **WASPA**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):* **WAFSA, WEFSA**

آلمانی *(GERMAN):* **WESPE**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* **WASP, WAFS**

انگلیسی *(ENGLISH):* **WASP**

دانمارکی *(DANISH):* **HVEPS**

سوئدی *(SWEDISH):* (محلی) **VAFS**

نروژی *(NORWEGIAN):* **VEPS**

هلندی *(DUTCH):* **WESP**

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):* **OSA**

لهستانی *(POLISH):* **OSA**

روسی *(RUSSIAN):* **OSA**

چک *(CZECH):* **VOSA**

اسلواکی *(SLOVAK):* **OSA**

لیتوانی *(LITHUANIAN):* **VAPSVA, VAPSĀ**

پروسی کهن *(OLD PRUSSIAN):* **WOBSE**

ایرلندی کهن *(OLD IRISH):* **FOICH**

برتونی *(BRETON):* **GUOHI**

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 1179 |
| *BARNHART:* | (WASP) 1221 |
| *DELAMARRE:* | (GUÊPE) 144 |
| *MACKENZIE:* | (WASP) 139 |
| *ONIONS:* | (WASP) 993 |
| *SKEAT:* | (WASP) 703 |

**یادداشت:**

۱- **DELAMARRE** واژه‌ی "وبز" را بعنوان یک واژه‌ی فارسی ذکر می‌کند ولی من این واژه را در هیچ‌کدام از فرهنگ‌های فارسی در دسترس خود نیافتم.

۲- چَم این واژه در اوستایی: کژدم، عقرب.

چَم این واژه در سانسکریت: تنندو، عنکبوت.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): وخش، وخشیدن (به چَم "افزودن"، "تافتن"، "افزایش"، "رشد") VAXSH, VAXSH, VAXSHIDAN | |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | ADD, WAX, GROW, GROWTH |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *WEG-, *WOKS-, *UG-, *AWEG-, *WEKS- |

اوستایی (AVESTAN): UKHSHYEITI, VAKHSHAITI, UXSH-, UXSHYEITI

پهلوی (PAHLAVI): WAXSHIDAN, WAXSH- WAXSHISHN

تخاری A (TOKHARIAN A): OKS-, OKSU-

تخاری B (TOKHARIAN B): AUKSU

سانسکریت (SANSKRIT): UKSH, UKSHATI, VAKSHATI, VAKSH, UKS-

یونانی (GREEK): AÚKSO, AUXANEIN

لاتین (LATIN): AUGĒRE, AUGEO

فرانسه (FRENCH): AUGMENTER

اسپانیایی (SPANISH): AUMENTAR

ایتالیایی (ITALIAN): AUMENTARE

پرتغالی (PORTUGUESE): AUMENTAR

گوتیک (GOTHIC): WAHSJAN

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): VAXA

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): WAHSEN

آلمانی (GERMAN): WACHSEN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): WEAXAN

انگلیسی (ENGLISH): WAX

دانمارکی (DANISH): VOKSE

سوئدی (SWEDISH): VÄXA

نروژی (NORWEGIAN): VOKSE

هلندی (DUTCH): WASSEN

لیتوانی (LITHUANIAN): ÁUGU, AUGTI

لتونی (لتی) (LATVIAN): AUDZET, AUGT

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): AUGINNONS

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 85 |
| BARNHART: | (WAX) 1223 |
| MACKENZIE: | (GROW) 117, (WAX) 139, (GROWTH) 117 |
| BUCK: | (GROW) 876-877 |
| ONIONS: | (WAX) 995 |
| SKEAT: | (WAX) 704 |
| برهان قاطع: | ۲۲۵۹ |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۲۳۱۴۱ و ۲۳۱۴۲ |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): وتک، ورتیج، وردیج (به چَم "بلدرچین") | VATAK |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *WAT-, VART- |

پهلوی (PAHLAVI): VARTAK

اوستی (OSSETIC): VÄRDKA

کردی (KURDISH): VERDI, HAVARDE

بلوچی (BALUCHI): GVARDĀG

افغانی (پشتو) (AFGHANI): NAVARAZ

سانسکریت (SANSKRIT): VARTIKĀ

یونانی (GREEK): ORTUX

| پسگشت‌ها | REFERENCES | | |
|---|---|---|---|
| 1113 | POKORNY: | برهان قاطع: | ۲۲۶۵، ۲۲۵۷، ۲۲۶۸ |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۲۳۵۳ | فرهنگ معین: | ۴۹۷۸، ۴۹۹۹، ۴۹۹۸ |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): ورز، برز، ورزیدن، ورزش | VARZ, BARZ, VARZIDAN, WARZESH |
| چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | WORK, SPORT(S) |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *WERG-, *WREG-, *WERGOM |

اوستایی (AVESTAN):

VAREZA, VƏRƏZYEITI

پهلوی (PAHLAVI):

VARZ, VARZISHN, WARZIDAN

کردی (KURDISH): WERZA, WERZ

افغانی (پشتو) (AFGHANI): WARZISH

تخاری A (TOKHARIAN A): WARK

ارمنی (ARMENIAN): GORC

یونانی (GREEK): ERGON, ĒRDŌ

گوتیک (GOTHIC):

WAURSTW, WAURKJAN

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

VERK, YAKJA, VERKA

ساکسونی کهن (OLD SAXON):

WERK, WIRKIAN

فریزی کهن (OLD FRISIAN):

WERK, WERKIA

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

WERAH, WERC, WIRCHEN

آلمانی (GERMAN): WERK, WIRKEN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): WEORC

انگلیسی (ENGLISH): WORK

دانمارکی (DANISH): VARK

سوئدی (SWEDISH): VERK

نروژی (NORWEGIAN): VERK

هلندی (DUTCH): WERK

ایرلندی کهن (OLD IRISH):

OPAIR, FAIRGED

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 1168-1170 | POKORNY: |
| (WORK) 1244 | BARNHART: |
| | MACKENZIE: |
| (WORK) 140, (WARZ-) 88 | |
| 539-542, 537 | BUCK: |
| (WORK) 1012 | ONIONS: |
| (WORK) 732 | SKEAT: |
| برهان قاطع: | ۲۵۴ و ۲۲۶۸ |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۲۳۱۶۰ و ۲۳۱۶۲ |

یادداشت:

۱- این واجریشه در واژه‌های فارسی "برزگر" و "ورزاو" (ورزگاو) هم دیده می‌شود.

۲- چم این واژه در زبان کردی: گاو نر ویژه‌ی کار و شخم‌زنی، در کردی WERZ یعنی "زمین کشت و کار شده".

| | |
|---|---|
| VARZĀ, VARZĀV | فارسی (PERSIAN): ورزا، ورزاو (به چَم "گاو نر") |
| OX | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *VAKĀ, *WAKĀ | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

پهلوی (PAHLAVI): VARZĀ, WARZĀG

کردی (KURDISH): WERSA

سانسکریت (SANSKRIT): VASĀ, VRSABHA

لاتین (LATIN): VACCA

فرانسه (FRENCH): VACHE

اسپانیایی (SPANISH): VACA

ایتالیایی (ITALIAN): VACCA

رومانی (RUMANIAN): VACĂ

پرتغالی (PORTUGUESE): VACA

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

(شاید) VOLŪ

لهستانی (POLISH):(شاید) WÓL

روسی (RUSSIAN):(شاید) VOL

صربی (SERBIAN):(شاید) VOL

بوهمی (BOHEMIAN):(شاید) VŌL

لیتوانی (LITHUANIAN): VERSHIS

لتونی (لتی) (LATVIAN): VĒRSIS

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 1111 |
| BARNHART: | (VACCINE) 1191 |
| DELAMARRE: | (VACHE) 139 |
| MACKENZIE: | (PLOUGHING OX) 127 |
| BUCK: | (OX) 152-155 |
| برهان قاطع: | ۲۲۶۹-۲۲۷۰ |

| | |
|---|---|
| VARVARÉ | فارسی (PERSIAN): وروره (به چَم "سنجاب") |
| SQUIRREL | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *WERWE, *WEWERĀ, *WER-, | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

لاتین (LATIN): VĪVERRA

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): -WEORNA

روسی (RUSSIAN): NĒVERICA

چک (CZECH): VEVERKA

بلغاری (BULGARIAN): VERVERIKA

لیتوانی (LITHUANIAN):

VAIVERE, VOVERE

لتونی (لتی) (LATVIAN):

VĀVERE, VĀVERIS

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): WEWARE

ولزی (WELSH): GWIWER

برتونی (BRETON): GWIBER

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 1166 |
| DELAMARRE: | (ECUREIL) 138 |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۲۳۱۷۲ |

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* ورزیدن، وزش | VAZĒDAN, VAZESH |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | BLOW |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* | *WEGH-, *WEGHUS-, *WOGH- |

اوستایی *(AVESTAN):*

VAZ-, VAZAITI, VAZAH-

پهلوی *(PAHLAVI):* VAZĪTAN, WĀYIDAN

کردی *(KURDISH):* VEZIN

افغانی (پشتو) *(AFGHANI):* VATAL

سانسکریت *(SANSKRIT):*

VAH-, VÁHATI, VĀHÁYATI

یونانی *(GREEK):* WEKHTŌ, OCHEIN

لاتین *(LATIN):*

VEHŌ, VEHĒRE, VEHICULUM

گوتیک *(GOTHIC):* GAWIGAN

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):*

VEGA

ساکسونی کهن *(OLD SAXON):* WEGAN

فریزی کهن *(OLD FRISIAN):* WEGA, WEIA

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):*

WEGAN

آلمانی *(GERMAN):* BEWEGEN, WÄGEN

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* WEGAN

انگلیسی *(ENGLISH):* WEIGH

دانمارکی *(DANISH):* VEJE

سوئدی *(SWEDISH):* VÄGA

نروژی *(NORWEGIAN):* VEIE

هلندی *(DUTCH):* WEGEN

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):*

VEZO, VESTI

لیتوانی *(LITHUANIAN):*

VEZHU, VEZO, VÉZHTI

ایرلندی کهن *(OLD IRISH):* FÉN

آلبانی *(ALBANIAN):* VJZHŪ

| پسگشت‌ها | *REFERENCES* |
|---|---|
| 1118-1119 | *POKORNY:* |
| (WEIGH) 1226 | *BARNHART:* |
| (ALLER EN CHAR) 291 | *DELAMARRE:* |
| (BLOW) 104 | *MACKENZIE:* |
| (WEIGH) 998 | *ONIONS:* |
| (WEGH) 760 | *SKEAT:* |
| (WEGH-) | *MALLORY & ADAMS:* |
| برهان قاطع: | ۲۲۷۹ |

**یادداشت:**

چم این واژه در زبان‌های سانسکریت و لیتوانی: حمل کردن، بردن، کشیدن.

چم این واژه در زبان افغانی: پریدن.

چم این واژه در زبان ایرلندی کهن: ارابه، وسیله‌ی ترابری.

چم این واژه در زبان ژرمنی: تکان خوردن، جنبیدن، وزن کردن.

| | |
|---|---|
| VAMIDAN, VĀMIDAN | فارسی *(PERSIAN):* ومیدن، وامیدن (به چَم "استفراق کردن") |
| VOMIT | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *WEM-, *WÈMEMI- | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* |

اوستایی *(AVESTAN):* VAM-

پهلوی *(PAHLAVI):* WĀM-, WĀMIDAN

سانسکریت *(SANSKRIT):* VAMATI, VAMITI

یونانی *(GREEK):* EMĒŌ, EMÉIN

لاتین *(LATIN):*

VOMITUS, VOMŌ, VOMERE

فرانسه *(FRENCH):* VOMIR

اسپانیایی *(SPANISH):* VOMITAR

ایتالیایی *(ITALIAN):* VOMITARE

رومانی *(RUMANIAN):* VOMITA

پرتغالی *(PORTUGUESE):*

VÔMITO, VOMITAR

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):*

VĀMA

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* VOMYTE

انگلیسی *(ENGLISH):* VOMIT

نروژی *(NORWEGIAN):* (محلی) VIMLA

اسلاوی کهن *(OLD ÇHURCH SLAVIC):*

VÁMA

لهستانی *(POLISH):*

WOMITOWAĆ, WYMIOTY

لیتوانی *(LITHUANIAN):* VÉMTI

لتونی (لتی) *(LATVIAN):* VEMI, VEMT

| *REFERENCES* | پسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 1146-1147 |
| *BARNHART:* | (VOMIT) 1211 |
| *DELAMARRE:* | (VOMIR) 292 |
| *MACKENZIE:* | (VOMIT) 139 |
| *BUCK:* | 265-266 |
| *ONIONS:* | (VOMIT) 986 |
| *SKEAT:* | (VOMIT) 695 |
| ۱۱۹-۱۲۰ | واژه یاب: (استفراق) |

| | |
|---|---|
| VANG | فارسی *(PERSIAN):* ونگ (به چَم "تهی"، "خالی") |
| EMPTY, VOID, VACUUM | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *WƏK-, *WĀ- | هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* |

اوستایی *(AVESTAN):* ŪNA-, UYAMNA

پهلوی *(PAHLAVI):* VENG

سانسکریت *(SANSKRIT):* ŪNĀ

ارمنی *(ARMENIAN):* UNAIN

یونانی *(GREEK):* KENÓZ, EUNIZ

لاتین *(LATIN):*

VACUUM, VĀSTUS, VACĀRE, VANUS

فرانسه *(FRENCH):* VIDE

اسپانیایی *(SPANISH):* VACIO

ایتالیایی *(ITALIAN):* VACO, VUOTO

رومانی *(RUMANIAN):* VACANT

پرتغالی *(PORTUGUESE):* VÁCUO

گوتیک *(GOTHIC):* WANS

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):*

WAN-R

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):*

VAN, WUOSTI

آلمانی (GERMAN): WÜST

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

WAN, WESTE

انگلیسی (ENGLISH):

VAST, VOID, WASTE

هلندی (DUTCH): WOEST

لیتوانی (LITHUANIAN): VĀNS-

لتونی (لتی) (LATVIAN): VĀN-

ایرلندی کهن (OLD IRISH): FĀS

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 345-346 |
| BARNHART: | (VAST) 1195, (VOID) 1210, (VACUUM) 1191 |
| BUCK: | 932 |
| ONIONS: | (VOID) 985, (WASTE) 994 |
| SKEAT: | (VACUUM) 683, (VAST) 685,(WASTE) 703 |
| برهان قاطع : | ۲۲۹۳ |
| فرهنگ بیلدوی : | (ونگ): ۱۶۰ |
| فرهنگ معین : | ۵۰۶۱ |

یادداشت:

۱- واژه‌های انگلیسی VACATION, VACANT هم از همین واجریشه‌اند.

۲- ممکن است واژه‌های فارسی "وید" و "ویدا" (برهان قاطع :: ۲۲۹۷) هم از همین واجریشه باشند.

| فارسی (PERSIAN): | ویختن، بیختن، بیزیدن (به چَم "غربال کردن") |
|---|---|
| | VIXTAN, BIXTAN, BIZIDAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | SIFT |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *WEIK-, *WEIG- |

اوستایی (AVESTAN): VAĒG-, VAĒYA

پهلوی (PAHLAVI): VIXTAN, WEXTAN

اوستی (OSSETIC): VĒYUN

بلوچی (BALUCHI): GĒJAG

سانسکریت (SANSKRIT):

VIGN-, VĪCI-, VĪJATE

لاتین (LATIN): VINCI, VICIA

گوتیک (GOTHIC): WAIHSTA

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

WICGA, WAG

لتونی (لتی) (LATVIAN): VIKSTU, VIKNE

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 1130 |
| MACKENZIE: | (SIFT) 133 |
| برهان قاطع : | ۳۳۳ |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۵۱۵۴ |

| | |
|---|---|
| VĒR, BĒR | فارسی (PERSIAN): ویر، بیر (به چَم "هوش"، "حافظه"، "نیرو(مند)") |
| INTELLECT, INTELLIGENCE, MEMORY | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *WIROS | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): VĪRA, VĪRŌ

پهلوی (PAHLAVI): WIR, WIROMANDĪH

کردی (KURDISH): BIR

بلوچی (BALUCHI): GIR

تخاری A (TOKHARIAN A): WIR

سانسکریت (SANSKRIT): VIRÁ

یونانی (GREEK): (W)ĪROS

لاتین (LATIN): VIR

گوتیک (GOTHIC): WAIRS

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): WER-

لیتوانی (LITHUANIAN): VYRAS

لتونی (لتی) (LATVIAN): WĪRS

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): WIJRS

ایرلندی کهن (OLD IRISH): FER

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 1177-1178 |
| MACKENZIE: | |
| (MEMORY) 123, (MIND) 124 | |
| BUCK: | 81 |
| RAMAT: | 46 |
| برهان قاطع : | ۳۳۴ و ۲۲۹۸ |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۲۳۲۶۲ |

**یادداشت:**

در پهلوی این واژه هم به چَم "یاد" و "حافظه" و "هوش" بوده و هم به چَم "نیرومند"، "قهرمان".

| | |
|---|---|
| VISH | فارسی (PERSIAN): ویش (به چَم "پرنده"، "زغن") |
| BIRD, KITE | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *AWEI-, *AWIS- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): VĪSH, VAZ

پهلوی (PAHLAVI): -WĪZAG, VĀI, VĀYANDAK

سانسکریت (SANSKRIT): VIS, VES, VAYASAH

ارمنی (ARMENIAN): HAW

یونانی (GREEK): A(W)IETÓS

لاتین (LATIN): AVIS

فرانسه (FRENCH): OISEA

اسپانیایی (SPANISH): AVE

ایتالیایی (ITALIAN): UCELLO

پرتغالی (PORTUGUESE): AVE

گالی (GAULISH): HWYAD

برتونی (BRETON): HOUAD

آلبانی (ALBANIAN): VIDO, VITO

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 86 |
| DELAMARRE: | (OISEAU) 139 |
| MACKENZIE: | (BIRD) 104 |
| BUCK: | 183 |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۲۳۲۶۷ |

یادداشت:

چم این واژه در زبان یونانی: عقاب.

چم این واژه در زبان آلبانی: کبوتر.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): هامون، هامن (به چَم "دشت هموار") | HĀMŪ, HĀMON |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | PLAIN, FLAT, LEVEL (LAND) |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *SOM- |

اوستایی (AVESTAN): HĀMA-

پهلوی (PAHLAVI): HĀMŌN, HĀMŪN

سانسکریت (SANSKRIT):

SĀMAN-, SĀMANÁ-

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

SŌMA

آلمانی (GERMAN): ZIEMEN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

SŌM, SĒMAN

انگلیسی (ENGLISH): SEEM

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

SAMŪ

ایرلندی کهن (OLD IRISH): SAM, SŌMI

| بسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 904-905 | POKORNY: |
| (SEEM) 979-980 | BARNHART: |
| (LEVEL) 121 | MACKENZIE: |
| برهان قاطع: | ۲۳۱۱ |

یادداشت:

۱- بازگشت به: هم، همه.

۲- چم این واژه در زبان‌های کهن: راحت، دلپسند.

چم این واژه در زبان‌های انگلیسی نوین: برازیدن، نمودن.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): هامین، همین (به چم "تابستان") | HĀMIN, HAMIN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | SUMMER |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *SEM-, *SMMERO-, *SMĀ |

اوستایی (AVESTAN):

HAM-, HAMA-, HAMINA

پهلوی (PAHLAVI):

HĀMĪN, HĀMĪNĪG

کردی (KURDISH): HAVIN

سانسکریت (SANSKRIT): SÁMĀ

ارمنی (ARMENIAN): AM, AMARN

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

SUMAR

ساکسونی کهن (OLD SAXON): SUMAR

فریزی کهن (OLD FRISIAN): SUMUR

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

SUMAR

آلمانی (GERMAN): SOMMER

| | |
|---|---|
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | SUMOR |
| انگلیسی (ENGLISH): | SUMMER |
| دانمارکی (DANISH): | SOMMER |
| سوئدی (SWEDISH): | SOMMAR |
| نروژی (NORWEGIAN): | SOMMER |
| هلندی (DUTCH): | ZOMER |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | |
| | SAM, SAMRAD |
| گالی (GAULISH): | SAMONIOS |
| ولزی (WELSH): | HAF |
| برتونی (BRETON): | HANŪ |

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 905 |
| BARNHART: | (SUMMER) 1090 |
| DELAMARRE: | (ÉTÉ) 195 |
| MACKENZIE: | (SUMMER) 135 |
| BUCK: | 1013-1014 |
| ONIONS: | (SUMMER) 885 |
| SKEAT: | (SUMMER) 615 |
| AMINDAROV: | (SUMMER) 295 |
| ۲۳۷۴ | برهان قاطع: |

| | |
|---|---|
| HEZĀR | فارسی (PERSIAN): هزار |
| THOUSAND | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *GHESLO-, *GHESLOM | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | |
| | HAZAN(G)RA, HAZANREM |
| پهلوی (PAHLAVI): | HAZĀR |
| کردی (KURDISH): | HEZAD, HAZAR |
| افغانی (پشتو) (AFGHANI): | ZAR, ZËR |
| سغدی (SOGADIAN): | Z'R |
| سانسکریت (SANSKRIT): | |
| | -HÀSRAM, SAHÁSRA |
| ارمنی (ARMENIAN): | HAZAR |
| یونانی (GREEK): | KHÉLLIOI |
| لاتین (LATIN): | MĪLLE |
| فرانسه (FRENCH): | MILLE |
| اسپانیایی (SPANISH): | MIL |
| ایتالیایی (ITALIAN): | MILLE |
| رومانی (RUMANIAN): | MIE |
| پرتغالی (PORTUGUESE): | MIL |

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 446 |
| DELAMARRE: | (MILLE) 216 |
| MACKENZIE: | (THOUSAND) 136 |
| AMINDAROV: | (THOUSAND) 298 |
| ۲۳۳۱ | برهان قاطع: |

| | |
|---|---|
| HAST, HASTAN | فارسی (PERSIAN): هست، هستن |
| BE, IS | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *ES0, *ÉSMI-, *ESI-, *ESTI- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN):
AH-, AHMI, AHI, ASHTI

پارسی باستان (OLD PERSIAN): AST

پهلوی (PAHLAVI): AST, HAST

کردی (KURDISH): HEYIN, HEBŪN

افغانی (پشتو) (AFGHANI):
DA, DI, DAY, YÄST

تخاری B (TOKHARIAN B): STAR-, STE

سانسکریت (SANSKRIT):
ÁSMI, ÁSI, ÁSTI, AS-

ارمنی (ARMENIAN): EM, Ē

یونانی (GREEK): ESTI, EIMI, EĪNAI

لاتین (LATIN): ESSE, EST, ES, SUM

فرانسه (FRENCH): EST, ÊTRE

اسپانیایی (SPANISH): ES, SER

ایتالیایی (ITALIAN): ESSERE

رومانی (RUMANIAN): ISTE

پرتغالی (PORTUGUESE): SER

گوتیک (GOTHIC): IS, IST, IM

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
EM, ES, ER

ساکسونی کهن (OLD SAXON): IS

فریزی کهن (OLD FRISIAN): IS

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
IST, WESEN

آلمانی (GERMAN): SEIN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): IS

انگلیسی (ENGLISH): IS

دانمارکی (DANISH): ER

سوئدی (SWEDISH): ÄR

هلندی (DUTCH): IS

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
JESMĪ, JESTŪ

لهستانی (POLISH): JEST

روسی (RUSSIAN): EST

چک (CZECH): STÁT

لیتوانی (LITHUANIAN): ESMI, ESTI, ESSI

لتونی (لتی) (LATVIAN): ESMŪ

ایرلندی کهن (OLD IRISH): IS, AM

آلبانی (ALBANIAN): JAM

هتیت (HITTITE): ESMI, ESHZI

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 146, 340-342 |
| BARNHART: | (IS) 545 |
| DELAMARRE: | (ÊTRE) 255 |
| MACKENZIE: | (IS) 120 |
| BUCK: | 635-636 |
| SKEAT: | (ARE) 29 |
| AMINDAROV: | 189 |

یادداشت:

۱- در بیشتر زبان‌های هند و اروپایی کارواژ (فعل) "وجود داشتن"، با بکارگیری دو ریشه‌ی -BH و -ES صرف می‌شود.

۲- بازگشت به: بودن.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): هشت | HASHT |
| چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | EIGHT |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *OKTŌ |

اوستایی (AVESTAN): ASHTA, ASTA
پهلوی (PAHLAVI): HASHT
اوستی (OSSETIC): AST
کردی (KURDISH): HEYSHT, HASHT
افغانی (پشتو) (AFGHAÑI): ATË, ATA
تخاری A (TOKHARIAN A): OKÄT
تخاری B (TOKHARIAN B): OKT
سانسکریت (SANSKRIT):
ASTĀÚ, ASHTĀÚ, ASTĀ, ASTAN
ارمنی (ARMENIAN):
UTH, OUTEH, OU'ᴀU
یونانی (GREEK): OKTŌ
لاتین (LATIN): OCTO
فرانسه (FRENCH): HUIT
اسپانیایی (SPANISH): OCHO
ایتالیایی (ITALIAN): OTTO
رومانی (RUMANIAN): OPT
پرتغالی (PORTUGUESE): OITO
گوتیک (GOTHIC): AHTAU
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
ĀTTA
ساکسونی کهن (OLD SAXON): AHTO
فریزی کهن (OLD FRISIAN): ACHTA
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): AHTO
آلمانی (GERMAN): ACHT
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): EAHTA
انگلیسی (ENGLISH): EIGHT

دانمارکی (DANISH): OTTE
نروژی (NORWEGIAN): ĀTTE
هلندی (DUTCH): ACHT
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
OSMĪ
لهستانی (POLISH): OSIEM
روسی (RUSSIAN): VOSEM
چک (CZECH): OSM
بلغاری (BULGARIAN): OSEM
اسلواکی (SLOVAK): OSEM
لیتوانی (LITHUANIAN): ASHTUONI
ایرلندی کهن (OLD IRISH): OCHT
گالی (GAULISH): WYTH
برتونی (BRETON): EIZ, EICH
گالیک (GAELIC): OCHD
آلبانی (ALBANIAN): TETË

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 775 |
| BARNHART: | (EIGHT) 318 |
| DELAMARRE: | (HUIT) 213 |
| MACKENZIE: | (EIGHT) 112 |
| ONIONS: | (EIGHT) 304 |
| SKEAT: | (EIGHT) 189 |
| AMINDAROV: | (EIGHT) 217 |
| برهان قاطع: | ۲۳۳۸ |

یادداشت:

واژه‌ی "هشتم" هم از همین ریشه است (صفحه‌ی ۷۷۵ در POKORNY)

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): هشتاد | HASHTAD |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | EIGHTY |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *OKTŌ+DEKM |

اوستایی (AVESTAN): ASHTĀITI

پهلوی (PAHLAVI): HASHTAT, ASHTAT, HASHTĀD

کردی (KURDISH): HESHTI, ASHTE, HASHTEH

افغانی (پشتو) (AFGHANI): ATIȲA, ATYĀ

سانسکریت (SANSKRIT): ASHIITÍ

ارمنی (ARMENIAN): OUTSOUN

یونانی (GREEK): EBDOMHTA

لاتین (LATIN): OCTOGINT

فرانسه (FRENCH): QUATRE-VINGTS

اسپانیایی (SPANISH): OCHENTA

ایتالیایی (ITALIAN): OTTANTA

رومانی (RUMANIAN): OPTZECI

پرتغالی (PORTUGUESE): OITENTA

فریزی کهن (OLD FRISIAN): ACHTICH

آلمانی (GERMAN): ACHTZIG

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): EIGHTETI

انگلیسی (ENGLISH): EIGHTY

نروژی (NORWEGIAN): ĀTTI

هلندی (DUTCH): ACHTIG

لهستانی (POLISH): OSIEMDZIESIAT

روسی (RUSSIAN): VOSEMDESYAT

چک (CZECH): OSMDESÁT

بلغاری (BULGARIAN): OSEMDESET

اسلواکی (SLOVAK): OSEMDESIAT

آلبانی (ALBANIAN): TETËDHJETË

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| (EIGHTY) 318 | BARNHART: |
| (EIGHT) 112 | MACKENZIE: |
| (EIGHTY) 304 | ONIONS: |
| برهان قاطع: | ۲۳۳۸ |

یادداشت:

بازگشت به: هشت، ده.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): هَر (مثلاً در "هرجا" یا "هرکس") | HAR |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | EACH, EVERY |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *SOL-, *SEL-, *SOLWOS, *SOLNOS |

اوستایی (AVESTAN): HAURVA

پارسی‌باستان (OLD PERSIAN): HARUVA

پهلوی (PAHLAVI): HAR, HARW

کردی (KURDISH): HER

بلوچی (BALUCHI): HAR

افغانی (پشتو) (AFGHANI): HAR

| | |
|---|---|
| تخاری A (TOKHARIAN A): | SALU |
| تخاری B (TOKHARIAN B): | SOLME |
| سانسکریت (SANSKRIT): | SÁRVA, SÁRVAS |
| ارمنی (ARMENIAN): | OLJ |
| یونانی (GREEK): | HÓLOS, OLOS |
| لاتین (LATIN): | SALVUS, SHLŪS |
| فرانسه (FRENCH): | SAUF |
| اسپانیایی (SPANISH): | SALVO |
| ایتالیایی (ITALIAN): | SALVO |
| پرتغالی (PORTUGUESE): | SALVO |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | OLL |
| برتونی (BRETON): | HOLL, OLL |
| آلبانی (ALBANIAN): | CJALË |

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 979-980 |
| BARNHART: | (SAFE) 950-951 |
| MACKENZIE: | (EACH) 112, (EVERY) 113 |
| BUCK: | (WHOLE) 918-919 |
| ONIONS: | (SAFE) 781 |
| برهان قاطع: | ۲۳۱۸ |

یادداشت:

۱- واژه‌ی "فراهم" (پارسی‌باستان: FRA-HARAVAM) نیز از همین ریشه است.

۲- چم این واژه در زبان‌های رومانس: سالم، بی‌خطر، بی‌آسیب.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): هشتن (به چَم "گذاشتن"، "رها کردن") | HESHTAN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | RELEASE, PUT, PLACE, LET |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *SELG |

| | |
|---|---|
| اوستایی (AVESTAN): | HARZ-, HEREZENTI, |
| پهلوی (PAHLAVI): | HISHTAN, HIRZ- |
| بلوچی (BALUCHI): | ILAG, LIAG, ILAGH |
| افغانی (پشتو) (AFGHANI): | ISHODËL |
| سانسکریت (SANSKRIT): | SRJ-, SRJATI, SRSHTA |
| آلمانی میانه (MIDDLE HIGH GERMAN): | SELKEN |
| انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): | ASOLCEN, SULKE, ĀSEOLCAN, BESYLCAN |
| انگلیسی (ENGLISH): | SULKE |
| ایرلندی کهن (OLD IRISH): | SELG |
| ولزی (WELSH): | HELA |

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| POKORNY: | 900 |
| BARNHART: | (SULKY) 1089 |
| MACKENZIE: | (HISHTAN) 43 |
| ONIONS: | (SULK) 884 |
| SKEAT: | (SULKY) 614-615 |
| برهان قاطع: | ۲۳۳۹ |

یادداشت:

چَم این واژه در ایرلندی کهن و ولزی: شکار.

چَم این واژه در انگلیسی نوین: اَخمو، عبوس.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): هفت | HAFT |
| چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | SEVEN |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *SEPM- |

اوستایی (AVESTAN): HAPTA

پهلوی (PAHLAVI): HAFT

اوستی (OSSETIC): AFT, AWD, AVD

کردی (KURDISH):

HEFT, HAFT, AHFT, HEVFT

افغانی (پشتو) (AFGHANI): OWË, AWA

تخاری A (TOKHARIAN A): SPÄT

سانسکریت (SANSKRIT): SAPTÁ

ارمنی (ARMENIAN):

EWTHN, YOTEH, YOTU

یونانی (GREEK): HEPTÁ

لاتین (LATIN): SEPTEM

فرانسه (FRENCH): SEPT

اسپانیایی (SPANISH): SIETE

ایتالیایی (ITALIAN): SETTE

رومانی (RUMANIAN): SAPTE

پرتغالی (PORTUGUESE): SETE

گوتیک (GOTHIC): SIBUN

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): SJAU

ساکسونی کهن (OLD SAXON): SIBUN

فریزی کهن (OLD FRISIAN):

SOVEN, SIGUN

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): SIBUN

آلمانی (GERMAN): SIEBEN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): SEOFON

انگلیسی (ENGLISH): SEVEN

دانمارکی (DANISH): SYV

سوئدی (SWEDISH): SJU

نروژی (NORWEGIAN): SJU

هلندی (DUTCH): ZEVEN

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):

SEDMI

لهستانی (POLISH): SIEDEM

روسی (RUSSIAN): SEM

چک (CZECH): SEDM

بلغاری (BULGARIAN): SEDEM

اسلواکی (SLOVAK): SEDEM

لیتوانی (LITHUANIAN): SEPTYNI

ایرلندی کهن (OLD IRISH): SECHT

آلبانی (ALBANIAN): SHTATË

هتیت (HITTITE): SIPTA, SIPTAMIA

| *REFERENCES* | بسگشت‌ها |
|---|---|
| *POKORNY:* | 909 |
| *BARNHART:* | (SEVEN) 989 |
| *DELAMARRE:* | (SEPT) 213 |
| *MACKENZIE:* | (SEVEN) 132 |
| *ONIONS:* | (SEVEN) 813 |
| *SKEAT:* | (SEVEN) 551 |
| ۲۳۴۱ | برهان قاطع: |

| | |
|---|---|
| HAFTĀD | فارسی (PERSIAN): هفتاد |
| SEVENTY | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *SEPM+TDEKM | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): HAPTĀITI

پهلوی (PAHLAVI): HAFTĀD, HAFTĀT

کردی (KURDISH): HEFTĒ, HEFTI, AHFTÉ

افغانی (پشتو) (AFGHANI): AWYĀ

سانسکریت (SANSKRIT): SEPTATI

ارمنی (ARMENIAN): YOTANASOUN

یونانی (GREEK): HEPTOMHTA

لاتین (LATIN): SEPTUAGINTA

فرانسه (FRENCH): SOIXANTE-DIX

اسپانیایی (SPANISH): SETENTA

ایتالیایی (ITALIAN): SETTANTA

رومانی (RUMANIAN): SAPTIZECI

پرتغالی (PORTUGUESE): SETENTA

نورس کهن (OLD NORSE): SJAUTIGR

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): SIBUNZUG

آلمانی (GERMAN): SIEBZIG

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): SEOVENTI

انگلیسی (ENGLISH): SEVENTY

سوئدی (SWEDISH): SJUTIO

هلندی (DUTCH): ZEVENTIG

لهستانی (POLISH): SIEDEMDZIESIAT

روسی (RUSSIAN): SEMDESYAT

چک (CZECH): SEDMDESAT

بلغاری (BULGARIAN): SEDEMDEST

اسلواکی (SLOVAK): SEDEMDESIAT

آلبانی (ALBANIAN): SHTATËDHJETË

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 909 |
| BARNHART: | (SEVENTY) 989 |
| MACKENZIE: | (SEVENTY) 132 |
| ONIONS: | (SEVENTY) 813 |
| ۲۳۴۲ | برهان قاطع: |

یادداشت:

بازگشت به: هفت، ده.

| | |
|---|---|
| HAFTOM | فارسی (PERSIAN): هفتم |
| SEVENTH | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *SEPTMOS | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): HEPTATHA

پهلوی (PAHLAVI): HAFTUM

کردی (KURDISH): HEFTEM

افغانی (پشتو) (AFGHANI): OWËM

سانسکریت (SANSKRIT): SEPTAMAS

ارمنی (ARMENIAN): YOTNERORT

یونانی (GREEK): HÉBDOMOS

لاتین (LATIN): SEPTIMUS

فرانسه (FRENCH): SEPTIEM

اسپانیایی (SPANISH): SEPTIMO

ایتالیایی *(ITALIAN):* **SETTIMO**

رومانی *(RUMANIAN):*

**AL SAPTELEA, A SAPTEA**

پرتغالی *(PORTUGUESE):* **SÉTIMO**

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):*

**SJAUNDI**

ساکسونی کهن *(OLD SAXON):* **SIVONDO**

فریزی کهن *(OLD FRISIAN):* **SIGUNDA**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):*

**SEBUNTO**

آلمانی *(GERMAN):* **SIEBTE, SIEBENTE**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):*

**SEOFUNDA**

انگلیسی *(ENGLISH):* **SEVENTH**

دانمارکی *(DANISH):* **SYVENDE**

نروژی *(NORWEGIAN):* **SJUENDE**

هلندی *(DUTCH):* **SEVENDED**

اسلاوی کهن *(OLD CHURCH SLAVIC):*

**SEDMŪ**

لهستانی *(POLISH):* **SIODMY**

لیتوانی *(LITHUANIAN):*

**SĒKMAS, SEPTINTAS**

پروسی کهن *(OLD PRUSSIAN):* **SEPMAS**

ایرلندی کهن *(OLD IRISH):*

**SECHTM, SECHTMAD**

گالی *(GAULISH):* **SEXTAMETOS**

ولزی *(WELSH):* **SEITHFED**

| بسگشت‌ها | *REFERENCES* |
|---|---|
| 909 | *POKORNY:* |
| (SEVENTH) 989 | *BARNHART:* |
| (SEPTIEM) 213 | *DELAMARRE:* |
| (SEVENTH) 813 | *ONIONS:* |
| لغت‌نامه دهخدا: | ۲۳۴۹۹ |

| | |
|---|---|
| فارسی *(PERSIAN):* هل (در گویش دهستان ابیانه نزدیک کاشان، به چَم "سوراخ") | **HOL** |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | **HOLE** |
| هند و اروپایی *(INDO-EUROPEAN):* (شاید) | ***KUL-, *KAUL-, *KE-, *KOLIA** |

سانسکریت *(SANSKRIT):* **KULYÁ**

یونانی *(GREEK):* **KAULÓS**

لاتین *(LATIN):* **CAULIS**

فرانسه *(FRENCH):* **CUL**

گوتیک *(GOTHIC):* **HOHL**

ایسلندی کهن *(OLD SCANDINAVIAN):*

**HOLA, HOLR**

ساکسونی کهن *(OLD SAXON):* **HOL**

فریزی کهن *(OLD FRISIAN):* **HOL**

آلمانی کهن *(OLD HIGH GERMAN):* **HOL**

آلمانی *(GERMAN):* **HOHL**

انگلیسی کهن *(OLD ENGLISH):* **HOL**

انگلیسی *(ENGLISH):* **HOLE**

دانمارکی *(DANISH):* **HUL**

سوئدی *(SWEDISH):* **HĀL**

نروژی *(NORWEGIAN):* **HUL**

هلندی *(DUTCH):* **HOL**

لیتوانی *(LITHUANIAN):* **KÁULAS**

لتونی (لتی) *(LATVIAN):* **KAŪLS**

پروسی کهن *(OLD PRUSSIAN):* **CAULAN**

| پسگشت‌ها | REFERENCES | | |
|---|---|---|---|
| 537 | POKORNY: | (HOLE) 444 | ONIONS: |
| (HOLE) 486 | BARNHART: | (HOLE) 274 | SKEAT: |

یادداشت:

۱- شاید واژه‌ی فارسی "کون" (پهلوی: KŪN؛ کردی: QING, KUN؛ بلوچی: KUN, KIN) نیز از همین واجریشه باشد.

۲- چم این واژه در سانسکریت: راه آبی، آبراه.

چم این واژه در یونانی: ساقه.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): هم، همان،- هم، هم- | HAM, HAMĀN, HAM- |
| چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | TOO, ALSO, SYN- |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *SOM-, *SEM-, *SM- |

اوستایی (AVESTAN):
HAM-, HĀMA-, HAMŌ

پارسی باستان (OLD PERSIAN):
HAM-, HAMA-, EM-, HA-

پهلوی (PAHLAVI): HAMI, HAM-,
HAMĀN

اوستی (OSSETIC): ĀM-,ĀN-

کردی (KURDISH):
AM, HEM, HIM, HEMR, HEMAN

بلوچی (BALUCHI): HAM, HAM-, HAW-

افغانی (پشتو) (AFGHANI):
HAMAGHĔ, HAM

تخاری A (TOKHARIAN A): SOMA-

سانسکریت (SANSKRIT): SĀM-, SAMĀS

یونانی (GREEK): HOMÓS, HOMO-

لاتین (LATIN): SIMILIS, SIMUL

گوتیک (GOTHIC): SAMA-

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
SAMR

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): SAMA

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): SWĀ

انگلیسی (ENGLISH): SAME

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): SO-

روسی (RUSSIAN): SAMUII

لیتوانی (LITHUANIAN): SAM-

پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): SEN, SAN-

ایرلندی کهن (OLD IRISH): SOM

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 903 | POKORNY: |
| (SAME) 954 | BARNHART: |
| (MÊME) 234, (AVEC) 301 | DELAMARRE: |
| (ALSO) 102, (SAME) 131 | MACKENZIE: |
| 911 | BUCK: |
| (SAME) 785 | ONIONS: |
| (SAME) 533 | SKEAT: |
| ۲۳۶۲ | برهان قاطع: |

یادداشت:

۱- بازگشت به: همه.

۲- واژه‌های SIMULTANEOUS, SIMILE, SIMILAR نیز از همین ریشه‌اند.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): همه | HAMÉ |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | ALL, EVERYONE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *SEM-, *SEMGH- |

اوستایی (AVESTAN): HĀMA-, HATHRĀ

پارسی باستان (OLD PERSIAN):

*HAMAKA, HAMA

پهلوی (PAHLAVI):

HAMAG, HAMAK, HAMĀK, HAMAGIH

کردی (KURDISH): HEMŪ, HIM

بلوچی (BALUCHI):

HAMA, HAMUK, HAMAK

سانسکریت (SANSKRIT):

SAMÁ, SAHÁ, SADHRI

یونانی (GREEK): AMĒN, AMĒN-AIN

گوتیک (GOTHIC): SUMS

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):

SUMR

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): SUM

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): SUM

| بسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 903-904 | POKORNY: |
| | MACKENZIE: |
| (ALL) 102, (TOTALITY) 137 | |
| برهان قاطع: | ۲۳۷۳ |

یادداشت:

بازگشت به: هم.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): هنر | HONAR |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | SKILL, ABILITY |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *NER-, *ANER |

اوستایی (AVESTAN): HUNARA

پهلوی (PAHLAVI): HUNAR

کردی (KURDISH): HŪNER

بلوچی (BALUCHI): HUNAR

افغانی (پشتو) (AFGHANI): HUNAR

سانسکریت (SANSKRIT):

SŪNÁRA, SŪNRTA

ارمنی (ARMENIAN): HNAR

یونانی (GREEK): EU-ĒNŌR

ایرلندی کهن (OLD IRISH): SO-NIRT

ولزی (WELSH): HY-NERTH

برتونی (BRETON): NERZ

| | | | |
|---|---|---|---|
| MACKENZIE: | (HUNAR) 44 | REFERENCES | بسگشت‌ها |
| ۲۳۸۱ | برهان قاطع : | POKORNY: | 765 |

یادداشت:

بازگشت به: نر، نیرو

| | |
|---|---|
| HŪSH | فارسی (PERSIAN): هوش |
| INTELLIGENCE, MEMORY | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *OUS-, *US-, *∂US- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

| | |
|---|---|
| REFERENCES | بسگشت‌ها |
| POKORNY: | 785 |
| MACKENZIE: | |
| | (INTELLIGENCE) 120 |
| ۲۳۹۳ | برهان قاطع : |

اوستایی (AVESTAN): USH-

پهلوی (PAHLAVI):
HŪSH, HŌSH, ŌSH, ŌSHIH

کردی (KURDISH): HISH

افغانی (پشتو) (AFGHANI): WISH

ارمنی (ARMENIAN): USH

یادداشت:

بازگشت به: گوش.

| | |
|---|---|
| *HIZOM | فارسی (PERSIAN): هیزم |
| FIREWOOD | چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: |
| *AIDH-, *IDH-, *INDH- | هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): |

اوستایی (AVESTAN): AESMA, ĀESMŌ

پهلوی (PAHLAVI): HĒZAM, ĒSIM, ĒZM

کردی (KURDISH):
HEZ, HEZINK, HEZING

سانسکریت (SANSKRIT):
IDHMĀH, EDHMA, ĒDHAS, IDHMÁS

یونانی (GREEK): AITHEIN

لاتین (LATIN): AESTUS, AID-

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): EISA

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): EIT

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): ĀD

سوئدی (SWEDISH): ID

نروژی (NORWEGIAN): ID

چک (CZECH): NISTIJ

اسلواکی (SLOVAK): ISTĒJE

لیتوانی (LITHUANIAN): IESMĒ

لتونی (لتی) (LATVIAN): AISTRA

ایرلندی کهن (OLD IRISH): AED

گالی (GAULISH): AEDUI

| | | | |
|---|---|---|---|
| پسگشت‌ها | REFERENCES | (FIREWOOD) 114 | MACKENZIE: |
| 11-12 | POKORNY: | (ETHER) 329 | ONIONS: |
| (ETHER) 345 | BARNHART: | | SKEAT: |
| | DELAMARRE: | | (AIDH) 752, (ESTUARY) 200 |
| (BOIS A BRŪLER) 127 | | برهان قاطع : | ۲۴۰۷ |

یادداشت:

۱- واژه‌ی انگلیسی ESTUARY (لاتین: AESTUĀRIUM) نیز از همین ریشه است.

۲- چم این واژه در زبان‌های یونانی و ایسلندی کهن و ایرلندی کهن و گالی: آتش، سوختن.

چم این واژه در زبان لاتین: گرما، جوشش.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): یازده | YĀZDAH |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | ELEVEN |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *OINOS, *OIKOS+DEKM-, *DEKU- |

اوستایی (AVESTAN): AEVADASA

پهلوی (PAHLAVI): YACDAH, YĀZDAH

کردی (KURDISH): YĀNZDEH

افغانی (پشتو) (AFGHANI): YŌLAS, YIWOLĒS

سانسکریت (SANSKRIT): KADZN, ĒKAADASHAN

ارمنی (ARMENIAN): DASSNEH MEG

یونانی (GREEK): ENTEKA

لاتین (LATIN): UNDECIM

فرانسه (FRENCH): ONZE

اسپانیایی (SPANISH): ONCE

ایتالیایی (ITALIAN): UNDICI

رومانی (RUMANIAN): UNSPREZECE

پرتغالی (PORTUGUESE): ONZE

گوتیک (GOTHIC): AINLIF

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): ELLIFU

ساکسونی کهن (OLD SAXON): ĒLLEBAN

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): EINLIF

آلمانی (GERMAN): ELF

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): ENDLEOFAN

انگلیسی (ENGLISH): ELEVEN

دانمارکی (DANISH): ELLEVE

سوئدی (SWEDISH): ELFVA

نروژی (NORWEGIAN): ELLEVE

هلندی (DUTCH): ELF

لهستانی (POLISH): JEDENASTU

روسی (RUSSIAN): ODINNADTSAT

چک (CZECH): JEDENÁCT

بلغاری (BULGARIAN): EDYNAYESET

اسلواکی (SLOVAK): JEDENAST

آلبانی (ALVANIAN): NJËMBËDHJETË

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 286, 191 |
| BARNHART: | (ELEVEN) 321 |
| DELAMARRE: | 209, 214 |
| MACKENZIE: | (ELEVEN) 112 |
| SKEAT: | (ELEVEN) 190 |
| برهان قاطع : | ۲۴۱۷ |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): یخ | YAX |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | ICE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *EIS-, *EI- |

اوستایی (AVESTAN): AEX, AEXA, ISU-
پهلوی (PAHLAVI): (پازند) YAH
اوستی (OSSETIC): YEX, IX
کردی (KURDISH): YEX
بلوچی (BALUCHI): YEX
افغانی (پشتو) (AFGHANI): ASAI, YEX, YAKH
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): ISS, ISSAR
ساکسونی کهن (OLD SAXON): ĪS
فریزی کهن (OLD FRISIAN): ĪS
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): ĪS
آلمانی (GERMAN): EIS
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): ĪS
انگلیسی (ENGLISH): ICE
دانمارکی (DANISH): IS
سوئدی (SWEDISH): ĪS
نروژی (NORWEGIAN): IS
هلندی (DUTCH): IJC
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): INEJ, INIJ
روسی (RUSSIAN): ÍNEJ
چک (CZECH): JÍNIE
لیتوانی (LITHUANIAN): ÝNIS

| REFERENCES | پسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 301 |
| BARNHART: | (ICE) 503 |
| DELAMARRE: | (GLACE) 182 |
| BUCK: | 69-70 |
| ONIONS: | (ICE) 458 |
| SKEAT: | (ICE) 285 |
| MALLORY & ADAMS: | HEIHX |
| برهان قاطع : | ۲۴۲۷ |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): یزدان | YAZDĀN |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | GOD |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *IAG-, *IAGOS- |

اوستایی (AVESTAN): YAZATA
پهلوی (PAHLAVI): YAZTĀN, YAZDAN, YAZD
کردی (KURDISH): ĒZDAN

بلوچی (BALUCHI): YEZDĀN
سانسکریت (SANSKRIT):
YAJATI, YASTA-, IJYĀ, YÁJYA-, YAJAS-
یونانی (GREEK): AGIOS, AHIOS

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 501 | POKORNY: |
| (GOD) 116 | MACKENZIE: |
| (GOD) 231 | AMINDAROV: |
| برهان قاطع : | ۲۴۳۲ |

یادداشت:

۱- چم این واژه در زبان سانسکریت: قربانی، نیایش، پرستش.
چم این واژه در زبان یونانی: مقدس
۲- واژه‌ی "یسنا" (اوستایی: YASNA، سانسکریت: YAJNÁH، یونانی: ÁGNOS) نیز از همین واجریشه است.

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): یسنا (بخشی از کتاب مقدس اوستا) | YASNA |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | YASNA |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *IAG-, *YAG- |

اوستایی (AVESTAN): YASNA-, YESNYA-
پهلوی (PAHLAVI):
YASN, YASHT, YAZISHN
سانسکریت (SANSKRIT):
YAJNÁH, IJYA-, YÁJYA-, YÁJATI
یونانی (GREEK): HÁGIOS

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 501 | POKORNY: |
| | BARNHART: |
| | (HAGIOLOGY) 460-461 |
| (WORSHIP) 140 | MACKENZIE: |
| برهان قاطع : | ۲۴۳۲ |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): یک | YEK, YAK |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی: | ONE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *OINOS, *OIKOS, |

اوستایی (AVESTAN): AĒVA
پارسی باستان (OLD PERSIAN):
AIVAKA, AIVA
پهلوی (PAHLAVI): ĒV, ĒVAK, ĒK, YAK
اوستی (OSSETIC): YU, YEU
کردی (KURDISH): YEK, IKI
بلوچی (BALUCHI): ĒVŌK

افغانی (پشتو) (AFGHANI): YAW, YĒW, YŌ
سانسکریت (SANSKRIT): ĒKAS, ĒKA
ارمنی (ARMENIAN): AID, ITA, VOK
یونانی (GREEK):
OINOS, OINĒ, ENA, HEN
لاتین (LATIN): ŪNOS
فرانسه (FRENCH): UN, UNE

اسپانیایی (SPANISH): UNO, UNA
ایتالیایی (ITALIAN): UNO, UNA
رومانی (RUMANIAN): UN, UNO, UNA
پرتغالی (PORTUGUESE): UM, UMA
گوتیک (GOTHIC): AINS
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): EINN
ساکسونی کهن (OLD SAXON): ĒN
فریزی کهن (OLD FRISIAN): ĀN
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
EIN, EINZ
آلمانی (GERMAN): EIN
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): ĀN
انگلیسی (ENGLISH): ONE
دانمارکی (DANISH): EN
سوئدی (SWEDISH): EN
نروژی (NORWEGIAN): EN
هلندی (DUTCH): EEN
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
INŪ, JEDAN
لهستانی (POLISH): JEDEN
روسی (RUSSIAN):
ODIN, JEDNA, JEDNO

چک (CZECH): JEDEN
بلغاری (BULGARIAN): EDNO
بوهمی (BOHEMIAN): JEDEN
اسلواکی (SLOVAK): JEDEN
لیتوانی (LITHUANIAN): VIENAS
لتونی (لتی) (LATVIAN): VIENS
پروسی کهن (OLD PRUSSIAN): AINS
ایرلندی کهن (OLD IRISH): ŌEN, AON
گالی (GAULISH): UN
ولزی (WELSH): UN
برتونی (BRETON): UN, UNAN
آلبانی (ALBANIAN): NJË

| پسگشت‌ها | REFERENCES |
|---|---|
| 286 | POKORNY: |
| (ONE) 728 | BARNHART: |
| (UN) 209 | DELAMARRE: |
| (ONE) 125 | MACKENZIE: |
| 937-939 | BUCK: |
| (ONE) 627 | ONIONS: |
| (ONE) 411 | SKEAT: |
| ۲۴۴۰ | برهان قاطع: |

| | |
|---|---|
| فارسی (PERSIAN): یوغ، جوغ | YŪGH, JUGH |
| چَم انگلیسی سرواژه‌ی پارسی: | YOKE |
| هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): | *YEUG-, *YOUG-, *YUG- |

اوستایی (AVESTAN): YAOG
پهلوی (PAHLAVI): JHUGH, ĀYŌXTAN
بلوچی (BALUCHI): JŌGH
افغانی (پشتو) (AFGHANI): JUGH
تخاری A (TOKHARIAN A): YOKAM
سانسکریت (SANSKRIT):
YUGĀ, YUGĀM, YUNAKTI
ارمنی (ARMENIAN): ZOUYK, ZOUKEL
یونانی (GREEK): ZYGÓN, ZEUGNÝNAI
لاتین (LATIN): JUGUM, JUNGERE
فرانسه (FRENCH): JOUG
اسپانیایی (SPANISH): YUGO

ایتالیایی (ITALIAN): GIOGO
رومانی (RUMANIAN): JUG
پرتغالی (PORTUGUESE): JUGO, JUNTA
گوتیک (GOTHIC): JUK
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): OK
ساکسونی کهن (OLD SAXON): JUK
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): JOH
آلمانی (GERMAN): JOCH
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
GEOC, GEOHT
انگلیسی (ENGLISH): YOKE
دانمارکی (DANISH): ĀG
سوئدی (SWEDISH): OK
نروژی (NORWEGIAN): ĀK
هلندی (DUTCH): JUK
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): IGO
لهستانی (POLISH): JARZMO
روسی (RUSSIAN): JARMO
بوهمی (BOHEMIAN): JHO, JARMO

لیتوانی (LITHUANIAN): JŪNGAS, JŪNGTI
لتونی (لتی) (LATVIAN): JŪGS
ایرلندی کهن (OLD IRISH): CUING
گالی (GAULISH): IAU
ولزی (WELSH): IAU
برتونی (BRETON): YEO, IEO
هتیت (HITTITE): YUKAN, YUGAN

| REFERENCES | بسگشت‌ها |
|---|---|
| POKORNY: | 508 |
| BARNHART: | (YOKE) 1254 |
| DELAMARRE: | (JOUG) 119 |
| MACKENZIE: | (YOKE) 141 |
| BUCK: | 726 |
| ONIONS: | (YOKE) 1020 |
| SKEAT: | (YOKE) 729 |
| RAMAT: | 45 |
| ۲۴۵۸ | برهان قاطع: |

کتابنامه

AMINOARDV, AZIZ. *KURDISH-ENGLISH AND ENGLISH-KURDISH DICT- IONRY.* NEW YORK: HIPPOCRENC BOOKS, 1994.

AWDE, NICHOLASE & SARWAN, ASMATULLAH. *PASHTO-ENGLISH, ENGLISH-PASHTO DICTIONARY.* NEW YORK: HIPPOCRENE, 2002.

BARNHART, ROBERT K., ED. *THE BARNHART DICTIONARY OF ETYMOLOGY,* NEW YORK: THE H. W. WILSON CO.,1988.

BARTHOLOMAE, CH. *ALTIRANISCHES WORTERBUCH.* STRASSBURG, 1950.

BASTIDS, J.A.J., VAN KOOTEN, G. *CASSELL'S ENGLISH-DUTCH,DUTCH- ENGLISH DICTIONARY.* NEW YORK: MATMILAN, 1988.

BENVENISTE, EMIL. *LE VOCABULAIRE DES INSTITUTION INDO- EUROPEEN. PARIS,* LES EDITION DE MINUIT, 1969.

BROWN, LESLEY, *THE NEW SHORTER OXFORD ENGISH DICTIONARY.*
OXFORD: CLARENDON PARSS, 1993.

BUCK, CARL DARLING. *A DICTIONARY OF SELCTED SYNONYMS IN THE PRINCIPAL INDO-EUROPEAN LANGUAGES.* CHICAGO, THE UNIVERSITY OF CHICAGO PRESS, 1988.

CHILDE, V. GORDON. *THE ARYANS: A STUDY OF INDO-EUROPEAN ORIGINS.* DORSET PRESS, 1987.

COLINS: *DIZIONARIO INGLESE-ITALIANO, ITALIAN-ENGLISH DICTOINARY.* GLASGOW: HARPER COLINS PUBLISHERS, 1995.

DELAMRRE, X. *LE VOCABULARIE INDO-EUROP`EEN. PARIS:* MAISON- NEVVE, 1984.

GHIRSHMAN, R. *I'IRAN ET LA MIGRATION DES INDO-ARYENS ET DES IRANIENS.* LEIDEN, 1977.

HANNESSIAN, OHANNES. *ENGLISH-ARMENIAN DICTIONARY.* LOS ANGELES: SHIRAK PUBLISHING HOUSE, 1998.

HAUGEN, EINAR. *NORWEGIAN-ENGLISH* DICTIONARY. MADISON, WICONSIN: UNIVERISTY OF WISCONSIN PRESS, 1974.

HOLMAN, MARIANNE. *DANISH-ENGLISH, ENGLISH-DANISH DICTOINARY.* NEW YOURK: HIPPOCRENE, 2000.

KENT, ROLAND. *OLD PERSIAN.* NEW HAVEN: AMERICAN ORIENTAL SOCIETY, 1953.

LAMB, SYDNEY M. *SPRUNG FROM COMMON SOURCE: INVESTIGATIONINTO THE PREHISTORY OF LANGUAGES.* STANFORD UNIVERSITY PRESS, 1991.

LAROUSSE. *PORTUGUESE-ENGLISH, ENGLISH-PORTGUESE DICTIONARY.* NEW YORK: LAROUSSE, 2003.

MACKENZIE, D. N. *A CONISE PAHLAVI DICTIONARY.* LONDON: OXFORD UNIVERSITY PRESS, 1971.

MALLORY, J.P.& D.Q. ADAMS. ***ENCYCOPHDIA OF INDO-EUVROPAN CULTURE***. LONDON: FITZROY DEARBORN PUBLISHERS, 1997.

MALLORY, J. P. ***IN SEARCH OF INDO-EUROPEANS***. LONDON: THAMES & HUDSON LTD, 1989.

MANN, SURAT. ***AN INDO-EUROPEAN COMPARATIVE DICTIONARY***. HAMBURG: HELMUT BUSKE VELAG, 1987.

MANSION, J.E. ***HARPER'S NEW COLLEGIATE FRENCH AND ENGLISH DICTIONARY***. NATIONAL TEXTBOOK CO., 1980.

MESSINGER, HEINZ. ***LANGENSHEIDT'S NEW COLLEGE DICTIONARY***. BERLIN: LANGENSHEIDT, 1973.

MIROIU, MIHAI. ***ROMANIAN-ENGLISH, ENGLISH-ROMANIAN DICTIONARY***. NEW YORK: HIPPOCRENE, 2002.

ONIONS, C. T. ***THE OXFORD DICTIONARY OF ENGLISH ETYMOLOGY***. OXFORD: CLARENDON PRESS, 1983.

PERKS, ROBERT S. P. ***COMPARATIVE INDO-EUROPEAN LINGUISTICS***. AMSTERDAM: JOHNS BENJAMINS PUBLISHERS, 1995.

POGONOWSKI, CYPRIAN. ***POLISH-ENGLISH, ENGLISH-POLISH DICTI- ONARY***. NEW YOÜRK: HIPPOCRENE, 1993.

POKORNY, JULIUS. ***INDOGERMANICHES ETYMOLOGISCHES*** WÖRTE- RBUCH, MUNCHEN: 1959.

RAMAT,G.R. &. RAMAT, PAOLO. ***THE INDO-EUROPAN LANGUAGES***. LONDON: ROUTLEDGE, 1993.

RENFREW, COLIN. ***ARCHAEOLOGY AND LANGUAGE: THE PUZZLE OF INDO-EUROPEAN ORIGINS***. CAMBRIDGE UNIVERSITY PRESS, 1990. SHAHZADI, M. F. ***KHORDEH AVESTA SAN DIEGO***: THE COUNCIL OF IRANIAN MOBEDS, 1990.

SHIIPLEY, JOSEPH T. ***THE ORIGINS OF ENGLISH WORDS***. BALTIMORE: JOHNS HOPKINS UNIVERSITY PRESS, 1984.

SMITH, COLIN, ET AL. ***COLLINS SPANISH-ENGLISH AND ENGLISH- SPANISH DICTIONARY***. LONDON: COLLINS, 1981.

SKEAT, W.W. ***AN ETYMOLOGICAL DICTIONARY OF THE ENGLISH LANGUAGE***, OXFORD: CLARENDON PRESS, 1983.

STEVENSON, VICTOR. ***WORDS, THE EVOLUTION OF WESTERN LANGUAGES***. VAN NOSTRAND REINHOLD, 1983.

***THE AMERICAN HERIATRCE DICTIONARY OF THE ENGLISH LANGUAGF***. BOSTON: HOUTON MIFFLIN, 2000.

TRAUPMAN, JOHN. ***THE BANTAM NEW COLLEGE LATIN AND ENGLISH DICTIONARY***. NEW YORK: BANTAM BOOKS, 1995.

TANKA, NINA, *CZECH-ENGLISH, ENGLISH-CZECH DICTIONARY,* NEW YORK: HIPPOCRENE, 2002.

TRNKA, NINA. *SLOVAK-ENGLISH, ENGLISH-SLOVAK DICTIONARY.* NEW YORK: HIPPOCRENE: 2001.

TURNER, R.L. *A COMPARATIVE DICTIONARY OF THE INDO-ARYAN LANGUAGES.* LONDON: SCHOOL OF ORIENTAL
AND AFRICAN STUDIES, 1985.

**پسگشت‌های فارسی:**

برهان قاطع تألیف محمد حسین بن خلف تبریزی (زیرنویس‌ها از دکتر محمد معین). تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷.

غیاث اللغات تألیف غیاث‌الدین محمدبن جلال‌الدین رامپوری (به کوشش منصور ثروت). تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.

فرهنگ بزرگ سخن به سرپرستی دکتر حسن انوری. تهران: انتشاران سخن، ۱۳۸۱

فرهنگ بیدوی تألیف محمد مزرعتی و علی مزرعتی. تهران: طلوع، ۱۳۷۷.

فرهنگ فارسی تألیف محمد معین. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۰.

لغت نامه: تألیف علی‌اکبر دهخدا. تهران: مؤسسه لغت نامه‌ی دهخدا، ۱۳۷۷.

# FORWARD

THIS PERSIAN BOOK IS THE FIRST ATTEMPT TO TRACE THE ROOTS OF PERSIAN WORDS (THROUGH PAHLAVI, AVESTAN, AND OLD PERSIAN) TO THEIR INDO-EUROPEAN ROOTS.ITS MAIN FEATURES ARE THE FOLLOWING:

1- ONLY PERSIAN WORDS WITH KNOWN INDO-EUROPEAN ROOTS HAVE BEEN INCLUDED. THIS HAS LED TO THE EXCLUSION OF HUNDREDS OF PERSIAN WORDS WITH KNOWN PAHLAVI OR AVESTAN COGNATES OR ROOTS. SOME OF THESE ARE PROBABLY INDO-EUROPEAN; MANY ARE PROBABLY NOT.

2- WHERE POSSIBLE, I HAVE GIVEN COGNATES OF EACH PERSIAN HEADWORD IN KURDISH, AFGHANI, BALUCHI AND OTHER IRANIAN LANGUAGES.

3- TO DEMONSTRATE THE KINSHIP OF OTHER INDO-EUROPEAN LANGUAGES, I HAVE GIVEN AS MANY COGNATES IN SANSKRIT, GREEK, LATIN, GERMAN, ENGLISH, RUSSIAN, ETC., AS POSSIBLE.

4- MUCH OF WHAT IS PRESENTED IN THIS BOOK HAS BEEN GLEANED FROM THE WORK OF OTHER SCHOLARS (PARTICULARLY J. POKORNY AND M. MOIN), BUT THERE ARE ALSO MANY WORDS WHOSE COGNATION AND ETYMOLOGY HAVE BEEN PRESENTED FOR THE FIRST TIME IN THIS BOOK. FOR THESE AS WELL AS FOR THE OVERALL ACCURACY AND VERACITY OF THIS BOOK, I TAKE FULL RESPONSIBILITY.

M. ARYANPUR KASHANI